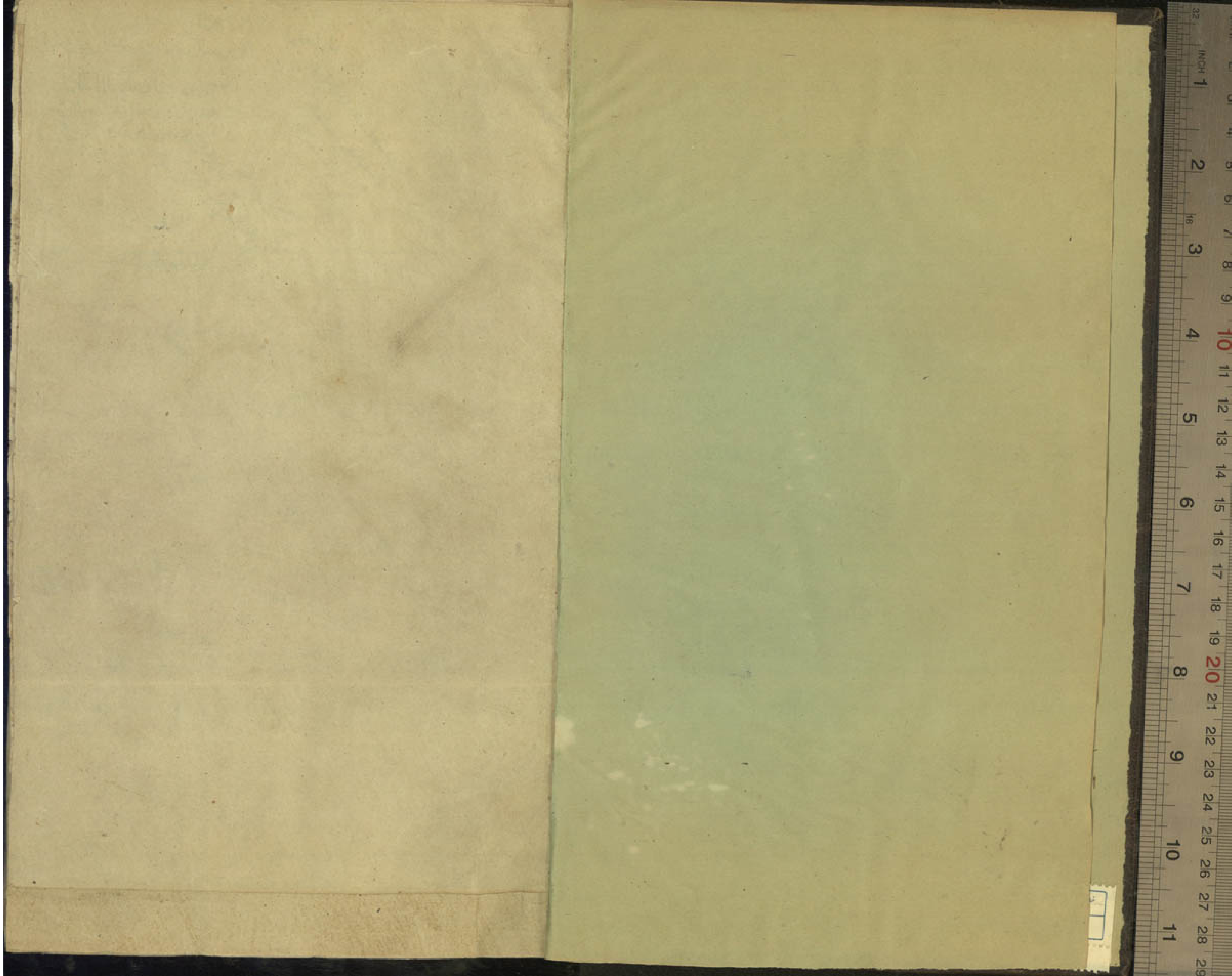




علما حکیما

الهی ری حالی دهری ان الله کان علیم حکیما

ان الله کان علیم عالما حکیما

بود ران دو فصل آلت فصل اول

علی ابن ابو طالب

کتاب ... ۱۲۸۴

۱۶۶۶

رب ثقتی

کتاب جمال الصالحین

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین حق حمده وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین من خلقه
اما بعد چنین گوید احوج عباد الله الی فضل ربه حسن بن عبد الرزاق
جعلهما الله من التوابین والمتطهرین وجعلهما من عباده الصالحین
که این مجموعه ایست موسوم بجمال الصالحین در بیان فضایل و آداب
و اعمال و محاسن اخلاق و افعال که مؤمنان را در اکثر اوقات و احوال
مراعات آن باید نمود و از مواظبت آن غافل نباید بود بتوفیق الله
تعالی و عونه نوشته می شود برای جمعی از مؤمنان که زبان عربی ندانند
و استنباط آثار از کتب اخبار نتوانند تا ان شاء الله از فضایل آن محروم
نمانند و همه آنها را از اصول احادیث و اخبار و کتب ادعیه و آثار اهل بیت
اطهار صلوات الله علیهم اجمعین صلوات باقیات الی یوم الدین انتخاب
می شود و بجهة آنکه معونت بسیاری فواید موجب تطویل کلام می بود
اعتبار شود و اکثر مواضع تصریح بلفظ حدیث و روایت و امثال
آن نا نموده اکتفا بترجمه آن می شود و این مطالب ان شاء الله در مقدمه
و دوازده باب و خاتمه بیان شود و تفصیل آن بدین موجب است
مقدمه در ذکر احادیث و اخبار و نکات و اسرار چند که بر سبیل
اجمال باعث رغبت بطاعات و فضایل اعمال و موجب کراهت معاصی

ورذایل

و رذایل افعال گردد باب اول در فضایل عقل و علم و مکارم
اخلاق و صفات و رذایل مناهی و معاصی و دوای ذنوب و سیئات
و این مجموع ان شاء الله در چهارده فصل بیان شود فصل اول
در فضایل عقل و علم فصل دوم در صفات مؤمن بر سبیل اجمال
فصل سیم در مکارم اخلاق و صفات فصل چهارم در بر والدین
فصل پنجم در صله رحم فصل ششم در حق جوار فصل هفتم در الفت
و محبت و زیارت مؤمنان فصل هشتم در آداب ملاقات و مجالست
فصل نهم در سکوت و کلام فصل دهم در اکرام و توقیر مؤمن فصل
یازدهم در سرور مؤمنان و قضای حاجت ایشان فصل دوازدهم
در رذایل معاصی و مناهی بر سبیل اجمال فصل سیزدهم در رذایل بعضی
معاصی و مناهی بر سبیل تفصیل فصل چهاردهم در دوای معاصی و سیئات
باب دوم در تنظیف بدن و جامه از کثافات و نجاسات ظاهری و
تطهیر جسد و دل از کدورات و احداث باطنی و این مجموع ان شاء الله
در ده فصل بیان شود فصل اول در فضیلت نظافت فصل دوم در آداب
حمام رفتن و آنچه در آنجا بجا باید آوردن فصل سیم در فضیلت
شارب گرفتن و ناخن چیدن و آداب آن فصل چهارم در فضایل خضاب
و آنچه متعلق است بآن از آداب فصل پنجم در فضایل سرمه کشیدن
و آینه گرفتن و آداب آن فصل ششم در بیان قضای حاجت و آداب
آن فصل هفتم در فضایل وضو و غسل و آداب آن فصل هشتم در فضایل

در فضایل بوی خوش کردن و آداب آن فصل

۸۹ ۹

مسواک کردن و آداب آن فصل نهم در فضایل وضو و غسل و آداب
نمازهای فریضه یومیه و ذکر جماعت و فضایل این سنت سنیه
آن باب سیم در فضایل نماز و متعلقات آن و ذکر بعضی ادعیه مخصوصه
بساعات و فضایل قرآن و این مجموع انشاء الله در پانزده فصل
بیان شود فصل اول در فضایل نمازهای فریضه یومیه و ذکر جماعت
و فضایل این سنت سنیه فصل دوم در ذکر نوافل یومیه و فضایل این سنت سنیه
فصل سیم در اوقات نمازها و فضایل آن و احکام متعلق بآن فصل
چهارم در فضایل مسجد و آداب آن فصل پنجم در کیفیت تکبیر نماز
و فضایل اذان و اقامت و احکام متعلق فصل ششم در کیفیت اشتغال
بنماز و آداب آن فصل هفتم در اشاره باسرار مقدمات و اعمال نماز
و ذکر بقیه آداب و افعال آن فصل هشتم در فضایل تعقیب آن و کیفیت آن فصل نهم
در فضایل اذکار ساعات شبانه روز و اوراد صبح و شام فصل دهم در نوافل
یومیه بر سبیل تفصیل و بیان ذکر آداب و ادعیه متعلق بآن فصل یازدهم در ذکر
بعضی افعال که در اثنای نماز توان کرد فصل دوازدهم در آداب جماعت
فصل سیزدهم در احکام سهو و شک و عروض بعضی حوادث در نماز
فصل چهاردهم در ذکر بعضی دیگر از نماز مفروضه و مندوبه فصل پانزدهم
در فضایل قرآن و آداب تلاوت آن باب چهارم در فضایل ذکر
و دعا و احکام متعلق بآنها و این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان
می شود فصل اول در فضایل ذکر فصل دوم در فضایل بعضی اذکار
مخصوصه فصل سیم در ذکر فضایل اهل بیت صلوات الله علیهم و بعضی

امور

امور مناسب آن صلوات الله علیهم اجمعین فصل چهارم در فضایل
دعا و بعضی امور متعلق بآن فصل پنجم در اسباب اجابت دعا و بعضی
احکام متعلق بآن فصل ششم در ذکر بعضی جمعی که دعا ایشان مستجاب
شود و جمعی که مستجاب نشود فصل هفتم در فضایل دعا برای مؤمنان
فصل هشتم در ذکر بعضی ادعیه و وسایل حاجات فصل نهم در تعویذ
و حرز از مخاوف و مکاره فصل دهم در بعضی ادعیه متبرکه ماثوره
باب پنجم در آداب عادات و مجاری احوال و سایر جزئیات و سوانح
افعال و این مجموع انشاء الله در دوازده فصل بیان شود
فصل اول در انواع لباس و آداب پوشیدن آن فصل دوم در قدر
طعام خوردن فصل سیم در اوقات طعام خوردن و آداب
متعلق بآن فصل چهارم در فضایل بعضی انواع ماکولات فصل پنجم
در فضایل آب و آنچه متعلق است بآن از آداب فصل ششم در فضایل
ضیافت کردن و احکام متعلق بآن فصل هفتم در آداب مسکن
و احکام متعلق بآن فصل هشتم در وظایف شب و آداب خواب و بیداری
فصل نهم در آداب بیرون رفتن از خانه و راه رفتن و سوار
شدن و فضایل دواب و حقوق ایشان فصل دهم در فضایل و آداب
مکاسب و معاملات فصل یازدهم در فضایل مرض و عیادت مریض
و معالجات امراض فصل دوازدهم در سایر جزئیات عادات باب
ششم در حقوق اموال و رعایت احوال عیال و این مجموع

انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول در جود و بخل فصل دوم
در فضایل زکوة و عقوبت منع آن فصل سیم در صلهٔ رحم اهل بیت طاهرین
و ذریت طیبین و اتباع ایشان از مؤمنین سلام الله علیهم اجمعین
فصل چهارم در فضایل معروف و احسان فصل پنجم در فضایل صدقه
فصل ششم در مذمت سؤال و رد سایل فصل هفتم در رعایت
حال عیال فصل هشتم در احسان مؤمن بطعام و جامه فصل نهم
در فضایل قرض دادن و احکام متعلق بآن فصل دهم در سایر
وجوه خیر و بر باب هفتم در فضایل روزه و احکام متعلق بآن
از آداب و فضل اعتکاف و متعلقات آن از آداب و ثواب و این
مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول در فضایل
مطلق روزه فصل دوم در فضایل روزهٔ رجب فصل سیم در فضایل
روزه ماه شعبان فصل چهارم در فضایل روزهٔ ماه مبارک
رمضان فصل پنجم در آداب صایم فصل ششم در آداب سحور فصل هفتم در افطار
فصل هشتم در تفطیر صایم فصل نهم در فضایل افطار کردن برای
سرور مؤمن فصل دهم در اعتکاف باب هشتم در اعمال شهور و اعوام
و لیالی و ایام و مقصود از این باب نیز دوازده فصل انشاء الله بیان
شود فصل اول در اعمال هر ماه که اختصاص بماهی ندارد فصل دوم در اعمال
ماه محرم الحرام فصل چهارم در اعمال ماه صفر فصل پنجم در اعمال ماه ربیع
الاول فصل ششم در اعمال ماه رجب المرجب فصل هفتم در اعمال

در اعمال روز نوروز و فضایل آن فصل دوازدهم

محمد شعبان

شهر شعبان المعظم فصل هشتم در اعمال ماه مبارک رمضان فصل
نهم در اعمال شب و روز عید فطر فصل دهم در اعمال شهر ذی القعدة
الحرام فصل یازدهم در اعمال شهر ذی الحجة الحرام فصل دوازدهم در ذکر
حدیثی در فضایل اعمال شهور و اعوام و لیالی و ایام بر سبیل اجمال
باب نهم در تزویج و احکام متعلق بآن و مقصود از این باب انشاء الله
در دوازده فصل بیان شود فصل اول در فضایل تزویج و کراهت
عزوبت فصل دوم در فضایل تعهد و سریه فصل سیم در اختیار زوجه
و صفات زنان فصل چهارم در اوقات تزویج و آداب آن فصل پنجم
در آداب زفاف فصل ششم در ثواب مباشرت و آداب و اوقات آن
فصل هفتم در طلب فرزند فصل هشتم در فضایل حمل و ولادت و احکام
متعلق بآن فصل نهم در آداب تولد طفل و نام گذاشتن و عقیقه
و ختنه کردن فصل دهم در فضایل اولاد و تربیت ایشان فصل یازدهم
در حقوق زوجین بر یکدیگر فصل دوازدهم در بعضی نوادر مناسب
این باب باب دهم در آداب سفر و احکام متعلق بآن و این مجموع انشاء الله
در ده فصل بیان شود فصل اول در بعضی مقدمات سفر فصل دوم
در اختیار ساعات برای سفر فصل سیم در تحصیل رفیق و تهیهٔ اسباب
و بعضی مناسبات این باب فصل چهارم در افتتاح سفر به دعا و صدقه فصل
پنجم در وداع و مفارقت فصل ششم در آداب سوار شدن و راه رفتن
فصل هفتم در آداب متعلق بمنزل فصل هشتم در آداب سفر دریا فصل نهم

در مکارم اخلاق وآداب رفاقت در سفر فصل دهم در رجوع از سفر
باب یازدهم در فضایل حج وعمره وزیارت ومقصود ازین باب
انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول در فضایل حج وعمره فصل
دوم در زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فصل سیم در زیارت
سایر اهل بیت صلوات الله علیهم بر سبیل الاجمال فصل چهارم در زیارت حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه فصل پنجم در زیارت حضرت امام حسین
علیه السلام فصل ششم در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام فصل
هفتم در آداب وکیفیت زیارت اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم
فصل هشتم در نیابت وشراکت در حج وعمره وزیارت فصل نهم در فضایل
اماکن مقدسه که در آن حدود واقع است فصل دهم در فضایل زیارت
ذریت طیبین وصلحای مؤمنین باب دوازدهم در احکام متعلق
باموات وزیارت قبور مؤمنان بعد از وفات واین مجموع انشاء الله
در ده فصل بیان شود فصل اول در وصیت وصحیفه شهادت
فصل دوم در آداب حالت احتضار وفضایل بعضی اوقات واحوال
که وفات در آن اتفاق افتد فصل سیم در تجهیز میت فصل چهارم
در شنیدن خبر وفات ودیدن میت جنازه وتشییع وتربیع آن فصل
پنجم در نماز میت فصل ششم در مکان قبر وآداب دفن فصل هفتم
در ثواب مصیبت وعزا وآداب فصل هشتم در ثواب وآداب تعزیه واکرام یتیم
فصل نهم در هدیه برای میت واعمالی که باو نفع رساند فصل دهم در زیارت

قبور خاتمه در مواعظ ونصایح وفواید متفرقه مقدمه در ذکر احادیث
واخبار ونکات واسرار چند که بر سبیل الاجمال باعث رغبت بطاعت
وفضایل اعمال وموجب کراهت معاصی ورذایل افعال گردد
بدانکه در احادیث اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین
ثابت ومحقق گشته که خدای عز وجل ایمان را بر اعضای انسان
قسمت نموده وبهر عضوی جزوی از آن احسان فرموده مثلا
بر دل واجب گردانیده یقین کردن واعتقاد نمودن بآنکه خدای
تعالی منزه است از آنکه او را شریک ونظیر وشبیه ووزیر باشد
یا احدی را در مملکت سلطنت او دخل وتصرفی وتدبیری
وتکلفی تواند بود یا اراده او ومقدس است از آنکه عیب وعار
وقصور وانکسار بجانب جلال او گذر تواند نمود وغنی تر از آنکه احتیاج
وافتقار بمعاونت اغیار پیرامون عظمت وجبروت او گردد ورفیع
تر از آنکه مکان وزمان وحرکت وانتقال وتغیر احوال بنزدیک
حول الکبریای او شود وقوی تر از آنکه ظلم وزور وعجز وفتور بجوار
قدرت او راه دور تو هم عبور نماید واعتقاد نمودن بآنکه حضرت
محمد صلی الله علیه وآله وسلم خاتم نبیین وسید مرسلین وافضل
اولین وآخرین است وهر چه گفته از حلال وحرام ومدایح ومذام
همه را از جانب خدای گفته وهمه حق وصدق است وبآنکه اهل بیت
طاهرین او علیهم السلام اوصیا وخلفای خدا واعلام ارشاد وائمه

هدایت وبعد از وا فضل جمیع اهل عالم واشرف وکافه نوع بنی آدمند وایشان
وسیله فیض رحمت ووا سطه فضل ونعمت خداوندند در دنیا وآخرت
وهر کس اعانت ایشان نکرده وراضی بآن بوده کافر وملعون ومنافق
ومطیعت وولایت بغض او وبراءت از وو... بر دل واجب
کردانید راضی بودن وتسلیم نمودن بهر چه خدای تعالی وپیغمبر وخلفای
او صلی الله علیه وعلیهم کفته وکرده وخواسته‌اند وبر زبان واجب کردانید
اقرار کردن واعتراف نمودن بهر چه دل بآن اعتقاد کرده وهمچنین بر چشم
وکوش ودست وپا وهر یک از اعضا عبادتی وطاعتی واجب کردانیده وهر یک را
خدمتی فرموده وبهر یک از اعضا امری چند حرام کرده وازان نهی فرموده
که مجمل تفصیل آنها ان شاء الله در تضاعیف این مجموعه بیان شود ونیز
اخبار بسیار از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده که صفات چند را
علامات اسلام وایمان وصفات ذمیمه را بعضی علامت نفاق وبعضی
علامت کفر وبعضی علامت ضلال شمرده‌اند وهم از ایشان علیهم السلام مرویست
که ایمان سه قسم است تمام وناقص وزاید ایمان تمام آنست که از جمیع محرمات
ومعاصی اجتناب نماید وجمیع فرایض وواجبات را بعمل آورد بحیثیتی که هیچ
معصیتی صادر نشود وهیچ فریضه ترک نکردد وایمان ناقص آنکه بعضی
معاصی بصدور آید یا بعضی واجبات ترک شود وبقدر آنکه واجبات کمتر ومعاصی
بیشتر باشد نقصان ایمان بیشتر بود وایمان زاید آنکه زیاده بر واجبات
مستحبات ومندوبات نیز صادر شود وبقدر آنکه واجبات کمتر ومعاصی

[illegible] از ایشان کرده وعصیان ایشان نموده

زیاده [illegible]

زیاده بر محرمات مکروهات ومذمومات نیز صادر شود وهر قدر
مستحبات بیشتر ومکروهات کمتر ایمان زیادتر باشد وهم از ایشان
صلوات الله علیهم مرویست که چون کسی مرتکب معصیتی شود یا ترک
فریضه نماید وآنرا حلال نداند از ایمان بیرون رود واسم مؤمن
بر او صادق نباشد اما از اسلام بیرون نرود واکر حلال نیز داند
از اسلام نیز بیرون رود وکافر باشد وهم از ایشان علیهم السلام
اخبار بسیار آمده که اکر کسی ترک فریضه نماید که در آن لذتی وشهوتی
نبود مانند ترک نماز کافر شود زیرا که سبب ترک در این صورت
بغیر استخفاف وبیحرمتی بآن فریضه چیزی دیکر نباشد وهر کس
استخفاف بفریضه نماید کافر باشد واز امام همام محمد بن علی
الباقر علیهما السلام مرویست که فرمود ای جابر آیا بس است کسی را
که دعوی تشیع ما میکند وتشیع را بخود می بندد همین که بکوید
من دوستدار اهل بیتم والله که شیعه ما نیست مکر کسی که از
معصیت خدای پرهیز کند واطاعت نماید واین جماعت را نتوان
شناخت مکر بتواضع وخشوع وامانت وذکر خدای عز وجل
وبیاد داشتن خدای در مجاری احوال وسوابغ اعمال ونماز کذاردن
وروزه کرفتن واطاعت والدین نمایند ورضای ایشان جویند
وتعهد احوال همسایکان وفقرا ومساکین وقرضداران وایتام
نمایند واعانت ایشان کنند ودین ایشان ادا نمایند وحاجات ایشان

برادرند و راست گوی باشند و تلاوت قرآن نمایند و زبان از مردمان
باز دارند مگر بخیر و از این قبیل خود باشند پس جابر گفت یا ابن رسول الله
باین صفات کسی که میفرمایید در این روزگار نمیشناسیم آنحضرت
صلوات الله علیه فرمود ای جابر خیالها بسفاید مکن و راههای بی منفعت
مرو آیا بایست همین که گوید علی را دوست میدارم و تولا باو میکنم و حال
آنکه طاعت او نکند و فرمان او نبرد پس اگر گوید رسول الله را دوست میدارم
و حال آنکه رسول الله صلی الله علیه و آله بهتر از علی بود و پیروی او نکند و طریقه
او را ننماید و عمل به سنت او ننماید محبت او آنکس را هیچ سود ندهد پس از خدای
بپرهیزید و طاعت خدای نمایید تا بکرامت فضل و ثواب او فایز شوید
میان خدای و هیچ یک از بندگان خویشی و قرابتی نیست که اعتماد بر آن کند
و توسل بآن جوید دوست ترین مردمان نزد خدای تعالی آنانند
که پرهیزکارتر باشند و عمل بطاعت او بیشتر نمایند ای جابر و الله که نزدیکی
بخدای حاصل نشود مگر بطاعت او و براءة و کسی از آتش با ما نیست
و کسی را بر خدای حجتی نه هر کس مطیع خدا است دوست ماست و هر کس عاصی خدا
باشد دشمن ماست و هیچکس را بدوستی ما دست رس نبود مگر بطاعت خدا و فرمان
بردن ما و ورع از معصیت خدا و نافرمانی ما و از امام همام جعفر بن محمد
الصادق علیهما السلام مرویست که فرمود ما اصل هر چیزیم و فرع ماست
هر نیکویی و از آن جمله است توحید خدای عز و جل و نماز و روزه
و خشم فرو بردن و عفو نمودن از کسی که بدی نسبت باو کرده باشد و ترحم

بر فقرا

بر فقرا و تعهد احوال همسایگان و اقرار نمودن برای هر صاحب فضل و حقی
بفضل او و دشمنان ما یند اصل هر شری و فرع ایشانست هر قبیحی و از آن جمله است
دروغ گویی و بخیلی و سخن چینی و ارتکاب فواحش و معاصی ظاهر او و نهانی و زنا
و دزدی و هر چه مانند این باشد از قبایح و مناهی پس کسی که دعوی محبت
و ولایت ما کند و متعلق بفروع اعدای ما باشد در دعوی خویش کاذب باشد پس
از مجموع این احادیث و اخبار و مانند این روایات بسیار که ذکر آن همه حوصله این
مقدمه نگنجد واضح و محقق و ظاهر و مبین است که هر کسی بقدر آنکه ورع و طاعت
و تقوی و طهارتش بیشتر باشد نسبتش باهل بیت طهارت و عصمت بیشتر و درجه اش
با ایشان نزدیکتر بود و هر کس بقدر آنکه معصیت و فجور و رذالت و شرور
بیشتر آمرتبه اش نزدیکتر بود پس چون روز قیامت عدل الهی خیر و شر و خبیث و طیب را
و از ایشان بیگانه تر و دورتر و دشمنان ایشان مناسبتش بیشتر صح
از یکدیگر جدا کند و تمیز فرماید و نعوذ بالله و بفضله اگر رحمت الهی و شفقت
نامتناهی مانند ما و امانندگان را همراهی نمایند هر فرعی باصل خویش ملحق گردد
و لا عصمة الا بالله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعن الله اعدائهم اجمعین
و جعلنا معهم و لا فرق بیننا و بینهم بفضله و منه **باب اول** در فضایل عقل
و علم و مکارم اخلاق و صفات و رذایل مناهی و معاصی و دوای ذنوب
و سیئات و این مجموع ان شاء الله در چهارده فصل بیان شود **فصل اول**
در فضایل عقل و علم از اهل بیت حکمت و نبوت صلوات الله علیهم مرویست
که افضل عطایا و اشرف مواهب الهی عقل است اگر عقل نبودی دین تمام
نشدی و اوامر و نواهی که مدار ثواب و عقاب و فضایل و کمالات و ارتفاع

درجات در جنات عالیات و منازل سامی و مراتب کرامی و کرامات نامتناهی
و قرب و لقای جناب الهی مخصوص گشتی جبرئیل برسالت عقل و دین و حیا از نزد حضرت
آدم علیه السلام آورده گفت هر کدام را خواهی اختیار کن عقل را اختیار کرد پس جبرئیل با دین
حیا گفت شما برگردید و بروید گفتند خدای تعالی ما را رخصت مفارقت عقل نداده
هر جا عقل باشد ما ملازم باشیم هر کس را عقل بیشتر مرتبه رفیع تر چون بسا عمل را
مثل نماز و روزه و غیر آن چندین کس کنند با آنکه عمل یکیست فضل و ثواب بسیار تفاوت
عقل بیشتر تفاوت باشد عابدی سالها در جزیره عبادت می کرد فرشته را نظر
بر او افتاده از کثرت عبادتش تعجب نموده از جناب الهی خواست که مرتبه و ثواب او را
مرتبه چون بانمودند و در برابر آن عبادت قلیل پنداشت پس خطاب رسید
که نزول نموده عقلش را امتحان نما پس نزد او آمده صحبت آغاز کرد گفت خوب
حالی و خوش مکانی داری عابد گفت بلی اما کاش خدا را الاغی بودی تا درین
جزیره رعایت کرده می و آن را علف دادی این لطافت ضایع گشتی پس ملک او را کلمه
دیده رجوع نموده گفت آنچه رتبه و فضل نزد حق جل و علا است بر عقل است همان
که لطف و رحمت الهی مقتضا و سعت جود با عباد معامله کند کسی را که کثرت
عبادت ستایش می نمودند حضرت امام علیه السلام فرمود عقل او چگونه است
گفتند آن قدری نیست فرمود از آن عبادت نیز آن قدر بهره نیست و امثال
این احادیث و اخبار بسیار است و از حضرت امام علیه السلام پرسیدند
که عقل کدام است فرمود در امور دین آیین و در کار عقبی بینا باشند
و با آن کسب جنان و اجتناب از نیران حاصل شود گفتند پس آنچه معاویه داشت

چه بود

چه بود فرمود مکر و شیطنت بود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
که طلب علم فرض است بر هر مسلم و عالمی که مردم از علمش منتفع شوند بهتر است
از هفتاد هزار عابد و فضل عالم بر عابد مثل فضل ماه چهارده است بر سایر
کواکب روز قیامت مداد علما را با دماء شهدا وزن کنند مداد علما راجح
باشد و از حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام مرویست که فرمود
علمای شیعه ما مرابطاند فی سبیل الله در حد ابلیس و جنود او که ایشان را
منع می کنند از اینکه بر شیعه خروج کنند و بر ایشان مسلط شوند
پس هر کس از شیعه ما که خود را باین کار دارد و دوستان ما را تعلیم علوم و
آداب دین کند و ارشاد و هدایت و موعظه و نصیحت و امر بمعروف و نهی
از منکر نماید افضل است از کسی که با روم و ترک هزار هزار بار جهاد کنند
چه او دفع اعداء دین دوستان ما می کند و این از بدن ایشان چه آن سبب
راهی است و عمل خیر تعلیم کسی کند که آن در تمام عالم منتشر شود و همه خلایق
تا روز قیامت بآن عمل کنند مثل ثواب همه ایشان برای او ثبت گردد
بی آنکه از ایشان چیزی کم شود و همچنین اگر راهی باطل و عمل شر تعلیم کند
و علم راهبست تا بهشت و مونس است در وحشت و مصاحب در غربت
و همنشین صحبت و همدم در ایام خلوت و زینت احبا و سلاح اعدا و نور چشم
و قوت بدن و جلوه دل و فکر در علم برابر است با صیام و مدارست برابر با قیام
و تعلیمش صدقه و تعلمش حسنه و مذاکره اش تسبیح و عمل بمقتضایش
جهاد اکبر و ملائکه با علما محبت نمایند و برای ایشان دعا کنند همه

خلایق برای ایشان استغفار کنند حتی ماهیان دریا و سباع صحرا و خواندن
عبادتست و مطالعهٔ علم افضل است از هفتاد ساله عبادت و دو رکعت نماز
عالم افضل است از هفتاد رکعت عابد و یکساعت پیش او نشستن افضل است
از هزار سال عبادت کردن و نظر بر روی عالم افضل است از یکسال
اعتکاف در مسجد الحرام و زیارتش افضل است از هفتاد حج و عمره و چون
کسی ساعتی با علما نشیند حجر برایش بلند کند و خدای تعالی برو رحمت
فرستد و بهشت واجب کرده اند و چون کسی بطلب علم رود راهی به بهشت
برایش گشوده شود و ملایکه بال گشایند تا بر آن پا گذارد و اهل آسمان و زمین
حتی ماهی دریا برایش استغفار کنند و اگر عالم یک ورق علم گذارد آن ورق
میان او و آتش دوزخ حجابی باشد و بعدد هر حرفی از آن خدای تعالی
در بهشت مدینه عطا کند هفت بار وسیع تر از تمام دنیا و چون
عالمی بمیرد فرشتگان و بقاع زمین که در آن عبادت میکرد و درهای
آسمان که اعمال او بالا میرفت همه برو بگریند و رخنهٔ در دین پیدا شود که هیچ
چیز علاج آن نکند و علم را لوازم و علامات چند است از آنجمله تقوی و ورع
و صلاح و طاعت و عمل کردن بمقتضای آن که علم بی عمل وزر و وبال است
همچنانکه علم بی عمل حیرت و ضلال عظیم است حسرتها در روز قیامت حسرت
عالمیست که دیگران بعلم او عمل کرده و او خود محروم مانده باشد و هفتاد
گناه از جاهل آمرزیده شود تا یک گناه از عالم آمرزیده شود و از حضرت
امام جعفر علیه السلام تفسیر آیهٔ فلله الحجة البالغة پرسیدند فرمود روز قیامت

خدای تعالی از بندگان سوال کند که خیر و حق را میدانستید یا نه اگر گویند
میدانستیم گوید چرا عمل نکردید و اگر گویند نمیدانستیم گوید چرا تحصیل
علم نکردید تا عمل کنید پس ایشان را ملزم کرده اند و از آنجمله خضوع
و خشوع و خشیت و زهد در دنیا و رغبت بآخرت و حلم و وقار و کلام
بحق و سکوت از باطل و تحلی بمکارم و تخلی از رذایل و رسیدن که عالم آن
که فعلش تصدیق قولش کند و کسی که چنین نباشد عالم نباشد و از آنجملات
نفس و تواضع هر چند علم بیشتر آثار و علامات درو بیشتر حضرت عیسی
علیه السلام روزی با حواریین گفت مرا با شما حاجتی است گفتند یا روح الله
حاجت باجابت مقرونست پس برخاست پای ایشان را شست و بروایت
دیگر بوسید گفتند یا روح الله این کار بما انسب بود فرمود سزاوارترین
مردم بخدمت و تواضع کما اینند و این نهایت مرتبهٔ تواضع بود و چنین نمودم
اما سعی کردم تا بدانید که با مردم تا چه حد تواضع باید کرد و علم الحقوق
چند نیز هست اما خدای تعالی بر عالم آنکه هر چه نداند نگوید که اگر نداند
گوید ملایکه رحمت و عذاب همه برو لعنت کنند و هر که عمل کند در روز رش
شریک باشد و آنچه داند در مقام لایق و از اهل دریغ ندارد و اگر نه ظلم
کرده باشد و چون کسی دوای جاهلی تواند و نکند چنانست که خون جراحت
کرده باشد و زنده کردن بعلم افضل است از زنده کردن تن و علم حیوة دل
و جان و بقای جاوید و رخشان و رواج دین و قوت مومنین است و از غیر اهل
پنهان دارد که هر کس خطری از بیگانه نکند مستحق حرمان زیادتی شود و چون

فساد عظیم و ضلالت ضعفا باشد و هرکه یک نفس را بکشد چنان است که همه
ناس را کشته باشد و کشتن بضلالت عظیم‌تر است از هر کشتن کسی از حضرت امام
علیه السلام پرسید که بر ما واجب است که هرچه ندانیم سؤال کنیم فرمود بلی گفت
بر شما واجب است که هرچه سؤال کنیم جواب گویید فرمود نه هرچه مصلحت دانیم گوییم
عالم مثل طبیب حاذق است دوا را در موضع مناسب استعمال کند و از غیر آن نگاه
دارد و حق عالم بر مردم آنست که چون کسی در مجلسی که جمعی باشند داخل شود بر همه
سلام کند و عالم را نیز با دعا تحیت و اکرام اختصاص دهد و برابر وی بنشیند
که عالم محتاج رو گردانیدن نباشد و دامنش نگیرد و اشاره بجانبش نکند و
سؤال بسیار ننماید و خلاف قول او نگوید که فلان و فلان چنین گفته اند
و مجملا از هرچه خلاف ادب باشد احتراز کند و حق متعلم بر عالم آنکه با او مهربان
باشد و هرچه مناسب او داند از و دریغ ندارد و از حوایج و مسائلش اعراض
نکند و در تعلیم میان تلامذه تفاوت نگذارد و مجملا هرچه مقتضای
شفقت باشد رعایت کند

فصل دوم

در صفات مومن بر سبیل اجمال مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که مومن کسیست که در دین خدا بینا و باحکامش
دانا باشد و در دین صلب‌تر از کوه گران و در طاعت خدا سخت‌تر از سنگ
و سندان باشد کوه را با تیشه توان شکافت و دستی بر دین مومن
نتوان یافت روئیش شکفته و خندان و دلش محزون و گریان راغب
بمحاسن از قبایح گریزان خاطرش منزه از حسد و کینه با خلق صاف دل
همچو آینه نه عیب‌جوی عیب‌جالش و نه غیبت‌گوی عاریکالش نه طالب

شهرت

شهرت و نام و نه خواهان صیت و نشان زبان از فضول بسته و در غم
خویش نشسته در نعمت شکور و در مصیبت صبور نه نعمت او را
موروث فرح و غفلت و نه مصیبت باعث جزع و وحشت در فکر خود
مغموم و بفقر خود مسرور خلقش موافق و طبعش ملایم و وفایش ثابت و صفایش بیش
زایل نه در کلامش کذب و ریا و نه از هتک عرض در او اثری اگر بخندد غافل
نشود و اگر برنجد طیش نکند خنده‌اش تبسم و سؤالش برای تعلم کثیر العلم عظیم
الحلم نه در کارها شتابی و استعجال و نه در مقام حق و کبر و ملال حکمتش
از حیف و میل مبرا و علمش از جهل و جور معرا نفس از او در رنج و در دین سخت‌تر از
سنگ و معاملاتش شریعت قرآن شهد نه در نعمت حریص و نه در فقر جزوع
نه معتمد لاف و نه در دعوی گزاف نه عهدش شکستنی نه فسون و نه شرطش را گرد
فتور با مردم وصول و مهربان و متحمل مکاره از ایشان درشتی کشیده
و فضولش قلیل راضی بقضای خدا مخالف نفس و هوا از غلظت و درشتی
منزه و از خوض در باطل یعنی معاصی ناصر دین و حامی مومنین و پناه
مسلمین نه مدیح و ثنا را در نظرش عیاری و نه از تطبع دنیا دلش را افکاری
و نه ظهور احکمتش اثری و نه در جهل را از علمش خبری قولش دلیل فعل
و فعلش مصدق قول علمش وافر و رسا و دلش آگاه و بینا با مومنان
وصول و با فقرا بی نزول نه در وصلش عنف و خلاف و نه در بذلش بخلی و
اسراف نه معامله را عیب خدعه و غش و نه مخالطاتش رنگ حیله و مکر
نه بر عیوب مومنان و نه راضی بمضرت ایشان معین ضعفا و دستگیر

درماندگان شود اش وسعت خلق و پیشه اش سعی در حوایج خلق و پرده هتک
ستر عیب فعالش و پرده کشف ستر قصور کمالش بانواع بلا مبتلا و زبان از شکایت
در قفا حفظ غیبت و ستر عیب اندیشه اش عذرخواهان را عذرپذیر و از
عفو و بخشش ناگزیر خیرخواهی مومنان کارش و بر اصلاح میان ایشان
مدارش با مردم خوش گمان نیکوکردار ذکر ایشان این قوم و قبلهم الا آ
بالاخلاق الجمیله و منزه از صفات رذیله دوستیش برای خدا از روی دانش
و دشمنیش برای او از راه بینش مذکر عالم و معلم جاهل نه کسی را از وی الم و آزار
و شرارت و نه از بیشه تعب و مشقت همه کس در نظرش از وی بهتر و او در بینش خود
از همه بدتر همنشین فقرا و مصادق اهل صدق معین غربا و مددکار اهل
حق یتیمان از پدر و بیوه گان از شوهر مهربان با مساکین و غمخوار مومنین
در هر بلیه امیدوار و در حادثه متوقع از و با مردمان خندان و شکفته و غم
و اندوه در دلش نهفته فارغ از جستجوی عیب کسی و مشغول بعیب خود در هر
نفسی با مردم با کمی اختلاط و در کارها با حزم و احتیاط و بهمت خود فارغ
و از خلق مستغنی حیاتش غالب بر شهوت و مودتش زاید بر حسد و عفوش
بیش و حقد سخن نگوید مگر بخیر و چشم بپوشد از معایب غیر و قرارش
متواضع و در طاعت حق خاشع و خاضع از خدا راضی در همه احوال و رضای
خدا در همه افعال نظرش عبرت و سکوتش فکرت و کلامش حکمت در سر و علانیه
خیرخواه و از غش و خدعه در پناه از مومنان هجرت نکند و قرابت ایشان را
غنیمت گیرد فراق از نعمت دنیا فرح و سرور نه از فقدان تاسف و فتور

محزون

محزون از شداید ایام و فرزا و را رغبتی بحرام علمش ممزوج بحلم و عقلش
مقرون بصبر بعید الکسل و قریب الامل دایم النشاط قلیل الزلل همیشه
منتظر اجل دایم در ذکر خدا خاشع نفسش بقلیل قانع کار دنیا پیش سهل
و خفیف و از بیم گناهان محزون و بخیف لذت و شهوتش مرده دلش
بطاعت خدا زنده مردم از وی در امان و او در تعب از ایشان در گور لیک
شاید کیرد و نه بمجلس خود بعجب و فخر کارهایش محکم و متین نه مانعی او را
از عالم دین کلامش نه از روی تجبر و سکوتش نه برای تکبر و دوریش
از مردم برای نزهت و نزدیکی از روی رحمت نه در دوریش جبروت
و تکبر و نه در نزدیکیش حیله و مکر بهروی نیکان گذشته و مقتدای خوبان
آینده نفسش از وی در تعب و مردم از وی در راحت علم خلیلش و حلم وزیرش
و صبر امیر عسکرش و لین و رفق پدر و برادرش نه از غضب و قول سمعه و ریا
و فرمانش از خیر شرم و حیا اگر بخیر مذکور شود بذکر ایشان مغرور
نشود اگر چنان است که ایشان گویند خدا را بر آن شکر گذارد و گرنه
جنانست استغفار کند و از خجالت آن سر بر نیارد و اگر بشر مذکور گردد
و از گفته ایشان آشفته نگردد و اگر جنانست استغفار کند و گرنه جنانست
شاکر باشد فصل پنجم در مکارم اخلاق و صفات مرضیه است از اهل بیت
طاهرین علیهم السلم که اسن هر طاعت صبر و رضاست در قضای الهی
و حکم او خواه موافق خواهش بنده باشد و خواه نه چون سر از بدن
برخیزد بدن نمیرد همچنین چون از ایمان برخیزد ایمان زایل شود و صبر

سیم قسم است یکی صبر بر بلیه و محنت دوم در مشقت طاعت سیم در ترک
معصیت هر کس بر بلیه صبر کند خدای تعالی برایش سیصد درجه بلند
گرداند که مابین هر دو درجه مثل مابین آسمان و زمین باشد و هر کس
در طاعت صبر کند ششصد درجه بلند کند که مابین هر دو درجه از اطراف
زمین باشد تا ابتدای عرش و هر کس در ترک معصیت صبر کند نهصد درجه بلند
کند که مابین هر دو درجه از اطراف زمین باشد تا منتهای عرش و بهشت
محفوف است بمکاره و صبر و دوزخ محفوف است بلذات و شهوات هر کس
بمکاره صبر کند داخل بهشت شود و هر کس پیروی شهوات نماید داخل دوزخ
بود و چون مؤمن داخل قبر شود نماز در دست راستش بایستد و زکوة
در دست چپ و بر بر سرش سایه کند و صبر در کناری ایستاده گوید
شما در جواب منکر و نکیر اعانت صاحبم کنید اگر عاجز آیید من او را
دریابم و هر کس صبر کند و بقضای خدا در نفع و ضرر و خیر و شر رضا
دهد و غیر از رضا و تسلیم چیزی بخاطرش خطور نکند خدای تعالی برای
او بغیر خیر راضی نشود و هیچ چیز از خدای نخواهد مگر آنکه مستجاب شود
خدای تعالی برای عباد نخواهد مگر خیر اگر یکی را بانواع بلا مبتلا سازد
خیرش در آن باشد و اگر دیگری را پادشاه مشرق و مغرب گرداند
مصلحتش در آن بود فرمود هر کس بقضای من رضا دهد و بر بلای من
صبر کند و نعمای مرا شکر گذارد و در نزد من از جمله صدیقان باشد و هر کس
بقضای خدا رضا دهد قضا برود و اجرش عظیم بود و اگر بقضا راضی نشود

قضا خود

قضا خود بکند رد و اجرش باطل شود فرمود هر کس از همه خلق قطع امید کند
و طمع نکند و توکل و اعتماد بمن کند و پناه بمن آرد و دربی امر تفتیش صادق
باشد اگر تمام سموات و ارض و اهل آن در صدد کید و مکر و ضرر او
باشند من او را از ایشان حفظ کنم و هیچ ضرر باو نرسد و اگر اعتماد
بر خلق کند و تکیه بر ایشان نماید اسباب رحمت از او قطع کنم و هر چه بر سرش آید
پروا نکنم و حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس خواهد که هیچ چیز خدا
از وسوال نکند مگر آنکه عطا فرماید باید قطع امید از همه کس نماید و امید
بغیر خدا ندارد و چون خدای تعالی دلش را در یقین صادق یابد هر چه
سوال کند عطا فرماید و معنی توکل نه اینست که کسی ترک سعی و کسب کارها
کند که چنین کسی اگر دعا کند مستجاب نشود چنانکه از انبیا الله بیاید بلکه
اینست که مکاسب و معاملات و هر چه مقدور باشد از طریقه حلال میکرده
باشد اما اعتماد بر آنها و بر هیچ چیز غیر خدا نداشته و غیر او هیچ چیز و هیچ
کس را کارساز نداند و سعی و معاملات و غیر آنها همه واسطه و وسیله چندی
داند که خدای برای مصلحت حال نظام خلق مقدر فرموده تا هر کس حکم و رضای
او را در آن رعایت و بامر او عمل نماید مستحق فضل و ثواب و نعیم بی حساب
شود و هر کس مخالفت آن کند و متابعت نفس و هوا و طاعت شیطان
نماید و بحلال اکتفا ننموده دست بحرام زند مستوجب زجر و عقاب گردد
حضرت امام علیه السلام بکسی گفت همیشه دعا کن که خدای تعالی ترا از جمله معادین
فکر داند و از حد تقصیر بیرون نیارد و آنکه گفت معادین صید الله فانند کرا ایمان

مدتی پیش ایشان عار مراست بعد از آن سلب شد اما معنی خروج
از حد تقصیر چیست فرمود آنکه هر چند عبادت بیشتر کنی خود را
در آن مقصر دانی که حق عبادت خدا را هیچکس نتواند گذارد و خدای
تعالی فرموده تکیه بر عبادت و عمل مکنید که اگر کسی تمام عمر در عبادت
من گذراند و لحظه فارغ نباشد هنوز مقصر باشد و حق بندگی
بجا نیاورده بود بلکه اعتماد بر رحمت من کنید و امید بفضل
من دارید و بحسن ظن با من معامله نمایید که من پیش ظن بندگان
خودم هم بنحو گمان و از من امید داشته باشند با ایشان چنان
معامله نمایم انقدر امید برحمت خدا باید داشت که اگر با ذنوب
ثقلین بحشر آیی بر تو رحم نماید و آنقدر نیز خوف از عقوبتش
باید داشت که اگر با حسنات ثقلین آیی قبول نفرماید در دل مؤمن
دو سطر از نور نوشته یکی خوف و دیگری رجا که اگر با هم سنجیده
شوند هیچ کدام بقدر ذره زیادتی نکند بحضرت صادق علیه السلام
گفتند که جمعی از موالی شما معاصی میکنند و میگویند ما امید برحمت
خدا داریم فرمود دروغ میگویند نه موالی مایند و نه رجا دارند
هر کس امید بچیزی باشد طالب آن بود و هر که را خوف از چیزی باشد از آن
بگریزد والله که شیعه ما نیست مگر کسی که طاعت خدا کند و از معصیت
او اجتناب نماید حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روزی فرمود ای بنی
عبد المطلب میگویید که محمد از ماست هر جا او باشد ما نیز باشیم

والله

والله که اولیای من نیستند مگر متقیان من عذر شما خواسته و از
عهده آن بیرون آمده ام چون روز قیامت شما دنیا و دیگران
آخرت برده و شما بار کرده آیند شما را نشناسم و خویشی شما سود ندهد
و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روزی خطبه خواند فرمود
ای مردمان والله که من یک درهم از حق شما نقصان نکنم عقیل برادر
آنحضرت برخاسته گفت تو مرا و سیاه حبشی را برابر میدهی فرمود
خاموش باش چه امتیاز است ترا از سیاه حبشی مگر بتقوا یش بیشتر درجه اش
رفیع تر از حضرت صادق علیه السلام سوال کردند از تفسیر آیه وَقَدِمْنَا
اِلَی مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا یعنی روز قیامت متوجه
اعمال ایشان شویم و چون غبار بر باد دهیم فرمود والله که ایشان
جمعی اند که اعمال و عبادتشان در خوبی بکمال رسیده اما چون مانع
از عصیان ایشان و معصیت چیزی در اجتناب نمایند پس اعمال ایشان
سود ندهد و از ایشان علیهم السلام مرویست که از ما نیست کسی
که هر روز محاسبه نفس خود نکند و ملاحظه اعمال خود ننماید و نرسد
که چه کرده و چه میکند روز قیامت پنجاه موقف برای حساب مقرر است
که هر کدام مقام هزار سال است هر کس در دنیا محاسبه خود کند بقدر
آن از سوال موقف حساب قیامت خلاص باشد و هر چند بیشتر بغفلت
گذراند در آنروز برای حساب بیشتر توقف باید پس محاسبه خود کنید پیش
از آنکه برای حساب توقف فرمایند و معنی محاسبه نفس آنست که چنانکه

باشی بلکه و نحو بلدار د بهر دانک و دینار معامله کنی حساب هر ساعت و هر دقیقه
عمر خود طلب نمایی و هر لحظه را ملاحظه کنی که اگر در طاعت و خیر گذرانیده خدا را
شکر کنی و توفیق زیادتی طلب نمایی و اگر در باطل و معصیت خود را
بران توبیخ و عتاب کنی و استغفار نمایی و در صدد تلافی و تدارک آن
باشی و بگذاری که ثمری دیدی و آن عملت ثابت ماند یا حقی از آن فوت شود
و هر کاری که خواهی اول تامل کنی که اگر نفع آخرت یا دنیا شرطی که با آخرت
مضرت نکند در و باشد متوجه آن شوی و اگر با آخرت مضرت کند بلکه
همین که نفع نکند از آنکه بگذری و عمر را مشغول آن سازی که شغل بی منفعت
اگرچه دروغ عذاب نباشد همین از آن بس بود که مانع خیر و منفعت شود که روز
قیامت هیچ کس از حسرت و ندامت خالی نباشد خوبان از حسرت آنکه چرا بیشتر
نکرده و بدان از حسرت آنکه چرا بد کرده اند مگر کسی که بفضل و توفیق الهی ضبط
ساعات عمر عزیز کرده و آن را از صرف در باطل و بیفایده محافظت نموده
در طاعت و عبادت گذرانیده باشد پس خود را از امثال این امور باید
فارغ سازی و مشغول عبادت و طاعت و مجملا هرچه رضای خدا
در آن بینی که دانی که حق تعالی هر کس خود را از باطل و بیفایده برای عبادت
و طاعت خدا فارغ گرداند و این را مانع هر کاری داند خدای تعالی دنیا را
از غم و هم لبریز و بعضی از خلق مملو گرداند و متکفل حوایج و مطالب
او شود و کار او را بر یکدیگر نگذارد و هر کس برای طلب باطل و شغل بیحاصل
ترک عبادت و طاعت کند و آن را مانع این داند خدای تعالی او را.

مشغول دنیا

مشغول دنیا و محبت آن گرداند و او را از کفالت رحمت خود بیرون کند و واگذارد
و نخود باشد چون کسی را خدا بغیر خود واگذارد از جمیع خیرات و کرامات
بی نصیب شود و اگر در آنحال بماند عاقبت در دوزخ مخلد گردد در روایت است
که حضرت یونس را بقدر یک چشم زدن واگذاشت طعمه ماهی گشت
و نیت عبادت و هر کاری که کنی باید از ریا و غرضهای باطل دنیا
برای خدا و رضای او و توقع رحمت و ثواب او خالص کنی و دانی که
جزای هر عمل بمقتضای نیت آن باشد و اگر نیت خیر و حق باشد
اطاعت خدا بود و جزایش خیر و رضای خدا بود و اگر نیت شر و باطل
باشد اطاعت شیطان و جزایش مثل آن بود هر کس عملی برای رضای
خدا کند خدای تعالی او را با آنکه عمل برایش کرده واگذارد و از فضل
و رحمت خود محروم گرداند حضرت پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم فرموده
زمانی بیاید که مردم عبادت و طاعت را برای ریا و اغراض دنیا کنند
پس خدای تعالی ایشان را بعقوبت و بلا مبتلا گرداند و هر چند مثل
غریق دست و پا زنند و تضرع و دعا کنند مستجاب نشود و مروی است
که نگاه داشتن عمل مشکلتر است از اصل کردن که چون کسی عملی صالح
مثل تصدق و صله و غیر آن پنهانی برای خدا کند ثواب آن را پنهانی یعنی
هفتاد مرتبه مضاعف نویسند و اگر بعد از آن ذکر آن کند محو کنند و
علانیه یعنی یک مرتبه نویسند و چون مرتبه دیگر مذکور گرداند محو کنند
و ریا نویسند و هر کس خود را برای خدا کند و کارهای خود را برای

او خالص گرداند خدا هم برای او باشد و او را برای خود خالص دارد و دلش را
معرفت و حکمت لبریز سازد و چون اراده عملی خیر کنی در آن تعجیل نمایی که شاید
که بعد از تو چیزی روی دهد و هر کاری که در آن تاخیر شود شیطان را در آن
فرصتی باشد که شاید حیله کند و مانع آن شود و بسا باشد که بنده دو رکعت نماز
کند یا یک روز روزه گیرد یا تصدق کند و مجملا عمل صالحی کند که خدا را
از آن خوش آید و بسبب آن همه گناهانش بیامرزد و گوید بعد از این هرگز
گناه بر تو ننویسم و اگر عملی خیر بخاطر غیر رسد ترک کن و از آن احتراز کن
که شیطان کام خود گرفته و بسا باشد که بنده عملی کند که خدای تعالی را
از آن بد آید و فرمان بعزت و جلال خود دهم که بعد از این هرگز نیامرزم
و خدای تعالی فرموده هر بنده که طاعت من کند و رضای من جوید من
او را بدیگری نگذارم و رضای او جویم و هر بنده که مرا معصیت کند و
مخالف رضای من نماید او را بخود گذارم و پروا نکنم هر جا که هلاک
شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده ای مدعیان محبت و ولای
ما فریفته مشوید و طاعت خدا کنید و بدانید که میان ما و خدا قرابتی نیست
و ما را بر خدای حجتی نی و تقرب بخدا حاصل نشود مگر بطاعت او پس هر کس
مطیع خدا باشد ولایت ما او را سود دهد و کسی از صادق علیه السلام پرسید
که از شما حدیثی روایت کنند که هر کس شیعه ما باشد هر چه خواهد کند
فرمود بلی چنین است گفتند اگر چه زنا و دزدی و شرب خمر کند فرمود انا لله
وانا الیه راجعون مردم انصاف ندارند ما خود بطاعت و عبادت

امید نجات

امید نجات و بهشت داریم چون دیگر آنرا رخصت معصیت دهیم که
بطاعت بمحض محبت ما نجات یابند بلکه معنی این حدیث اینست که هر کس
مؤمن باشد اعمال خیر خواه بسیار کند و خواه کم کرد داخل بهشت شود
و نیز فرموده خدای تعالی یاد آرد آنانکه جمعی که دعوی محبت و ولایت
جمعی کنند و در عمل خلاف ایشان باشند روز قیامت ایشان را باهم در یک
منزل نزول فرماید بخدای کعبه قسم که هرگز نشود و نیز یکی از ایشان علیه السلام
مرویست که فرموده اگر شیعیان را غربال کنم همه بیفتند و بر ایشان را از هم جدا
سازم از هزار کس یکی خالص نباشد که اکثر ایشان اهل قولند و اهل فعل
در میان ایشان بسیار نادر است همه بر مسندها تکیه کنند و بر راحت
و تن پروری برآیند و گویند ما شیعه علیم شیعه علی نیست مگر کسی که طاعت
علی نماید و فعلش تصدیق قولش کند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
که افضل عبادات تفکر است و تفکر دو قسم است یکی تفکر در معرفت
خدا و علم و فضایل این قسم از حد شرح بیرونست و شمه از آن در فصل
اول گذشت دوم تفکر در احوال دنیا و بی اعتباری آن و بی حاصلی لذات
و بیکاری این تفکر افضل است از بسیاری عبادت که سبب زهد در دنیا
و بی رغبتی بآن شود و عیوب و قصور آنرا ظاهر کند و محبت آنرا از دل
بیرون کند و دل را مشتاق آخرت گرداند و موجب طاعت و عبادت و ترک
متابعت هوا و هوس و شهوت و معصیت باشد و هر کرا از دنیا بی رغبت
شود خدای تعالی دلش را از حکمت و نور معرفت مملو گرداند و از دنیا

بسلامت بیرون رفتن بدار السلام که منزل کرامت است امن و امان و محل
نعمت و راحت جاودانست رود و حرام است بر هر دلی که حلاوت ایمان در دل بیابد
تا محبت دنیا از وی بیرون نرود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هیچ
در طلب حق نکند افضل از زهد در دنیا و ترک محبت آن و هیچ چیز بعد از
معرفت خدای و رسول او و اهل بیت او علیهم السلام از بغض دنیا نبود که چون
مؤمن از محبت دنیا خالی شود از محبت خدا پر شود و التفات بهیچ چیز غیر
خدا و هر چه رضای خدا در آن نباشد نکند تا حتی که اهل دنیا گویند
دیوانه گشته و چون در او اثر کرده و حال آنکه محبت خدا در او اثر کرده باشد
و هم آنحضرت علیه السلام فرمود که از جمله مواعظ لقمان با پسر این بود
که تو در دنیا بعدد ما اجیر عملی بتو فرموده اند و اجرتی وعده نموده اند بعمل خود
وفا کن تا اجرت وفا کنند و در دنیا مثل گوسفندی مباش که در مزرعه
چرا کند همین که فربه شود وقت کشتنش باشد بلکه دنیا را مثل پلی دان
بر سر نهری که از آن بگذری و هرگز باز رجوع نکنی و بدانکه روز قیامت
در پیش خدا ایستاده باشی و چهار چیز از تو سؤال کنند جوانی که بچه عمل بسر
رسانیدی و عمر که بچه چیز گذرانیدی و مالی که از کجا کسب کردی و بکجا صرف
نمودی پس مهیای جواب باش و از غم دنیا فارغ باش و کمال زهد آنست
که ترک حرام کنی از خوف عذاب و ترک حلال کنی از بیم حساب مگر بقدر ضرورت
و از آن نیکوتر نیست تا آنکه دست از حرام باز دارد و هر یک را بقدر عمل درجات
بلند شود و با هر کس بقدر عمل معامله نمایند هر کس از خدا بقلیلی روزی راضی

شود

شود و هر کس را جاه و مال بسیار باشد عبادات و اعمال بسیار باید که فرمود
خدا نیز از و بقلیلی عمل راضی شود
شیعیان خالص ما را در زمان دولت باطل هر چند بمشرق و مغرب
روند زیاده از قوتی نصیب نباشد و هر چند کسی را ایمان زیاد شد
معیشت بر وی تنگ تر که اگر تمام دنیا در پیش خدا اعتبار بال مگسی داشت
شربتی آب از آن بکافر نمی چشانید فقرای مؤمنان چهل خریف پیشتر
از اغنیای ایشان در ریاض بهشت مشغول صحبت و نعمت باشند
و اغنیا در موقف گرفتار حساب باشند و مرویست که یک خریف
هزار عام است و یک عام هزار سال و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
که دو مؤمن را با هم بحساب آرند یکی غنی و دیگری فقیر گوید خدایا تو میدانی
که منصبی بمن دادی که عدل یا جور کرده و نه مالی دادی که جود یا بخل
ورزیده باشم فرماید این راست می گوید دست از وی بدارید پس خلاص گشته
داخل بهشت شود و غنی مشغول حساب گردد و آنقدر توقف کند
که از عرق چهل شتر سیراب توانستند شد پس چون داخل بهشت شود رفیق
فقیرش او را بیند گوید این همه چرا دیر کردی گوید طول حساب که افتادم
داشت خدای تعالی هر یک عملی مرا می بخشید و عمل دیگر پیش می آمد
تا آخر همه را بخشید و رحمت فرمود که نجات یافتم و مرویست که چون روز
قیامت فضل و درجات فقرا مشاهده شود هر کس آرزو کند که کاش در دنیا
زیاده از قوتی نمیداشتم و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که فقرا امانتند
از خدا در پیش بندگان هر که آنرا پنهان دارد مثل اجر صایم قایم یابد و هر کس

اظهار آن بمخالفین وظالمین کند شکایت خدا بدشمن او کرده باشد و اگر
بمؤمنی اظهار کند که قادر بر قضای حاجتش باشد و بکند چنانست که او را
کشته باشد و روز قیامت خدای تعالی مثل کسی که از دوستی عذر خواهی کند
بفقرای مؤمنین گوید بعزت خودم که من در دنیا شما را از روی حقارت
فقیر نکردم بلکه برای فضل و ثواب درجات بهشت کردم امروز ببینید که چون
تلافی آن کنم هر یک از شما را هفتاد مثل آنچه از ابتدای دنیا تا انقضای
آن دنیا داده ام عطا فرمایم و هر کس در دنیا بشما مهربانی و احسان کرده
دستش را گرفته بهر جای بهشت خواهید ببرید و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
که کاملترین مؤمنان در ایمان کسیست که خلقش بهتر باشد و بعد از فرایض
هیچ عملی بهتر از خلق خوب نیست و صاحب خلق خوش درجه صایم و اجر مجاهد
یابد و اکثر امت بدو خصلت داخل بهشت شوند تقوی و حسن خلق و خطیه را
بگدازد چنانکه آفتاب یخ را حسن خلق و بر تو حج باد زیادی عمر و معموری
بلاد باشد و چهار صفتست که در هر کس باشد اسلامش کامل و اگر گناه
خالص گردد اگر چه سر تا پا گناه باشد و خدا ازو راضی باشد آنکه بوعده
وفا کند و راستگوی باشد و از قبایح در پیش خدا و مردم حیا کند و با اهل
خود و سایر ناس خوش خلق باشد و خلق بد عمل را فاسد کند چنانکه
سرکه عسل را و هیچ جرعه پیش خدا بهتر از دو جرعه نباشد یکی جرعه خشمی
که بحلم رد کنی و دیگری جرعه مصیبتی که بصبر دفع نمایی و هیچ کس خشم فرو نبرد
مگر آنکه خدای تعالی در دنیا و آخرت عزتش بیفزاید و چون قادر

بر انتقام

بر انتقام باشد و خشم فرو برد خدای تعالی اجر شهیدی عطا فرماید
و روز قیامت دلش را از امن و امان و رضا مملو گرداند و هر کس غضب
خود را حفظ کند خدای تعالی عذاب روز قیامت ازو برگیرد و عیبش
بپوشد و خدای تعالی در مناجات بحضرت موسی علیه السلام فرمود
در حال غضب مرا یاد کن تا من نیز در حال غضب ترا یاد کنم و غضب کلید
هر شریست و ایمان را فاسد کند چنانکه سرکه عسل را و چون دو کس
باهم منازعه کنند دو ملک نازل شوند و هر کدام که از ایشان که سفاهت
و ناخوشی بیشتر کند باو گویند هر چه گفتی خود لایق آنی و زود باشد که
جزایش بیابی و بآن دیگر که صبر و حلم ورزد گویند زود باشد که گناهانت
آمرزیده شود اگر حلم خود را تمام کنی و تو نیز مثل او سفاهت نکنی و دشمنان
و جهال را هیچ مکافات بهتر ازین نباشد که ایشان معصیت کنند و تو صبر
و طاعت نمایی و بهترین اخلاق دنیا و آخرت اینست که چون کسی بر تو
ظلم کند تو عفو کنی و اگر از تو قطع و دوری کند تو وصل و نزدیکی نمایی
و اگر ترا از خیر و نعمتی محروم سازد و بخل کند تو جود و عطا نمایی و اگر
با تو بدی کند تو نیکی و احسان فرمایی و چون باین صفت آراسته
باشی خدای تعالی عزتت زیاد کند و سه خصلتست که در هر کس نباشد
عمل و طاعتش تمام نشود ورعی که او را از معصیت باز دارد و خلقی
که با مردم مدارا کند و حلمی که جهل جاهلان را دفع نماید و مدارا با مردم
نصف ایمانست و ملایمت با ایشان نصف زندگانی و هر کس را ملایمت

نصیب کشت ایمان نصیب کشت و هیچ کس را ملایمت نصیب نباشد مگر آنکه زینتش باشد و هیچ
کس را از آن محروم نگرداند مگر آنکه عار و ننگش بود و جمعی را که ملایمت روزی
شود در روز بیان و سبع شود و چون از آن بی نصیب باشند خیر از ایشان
بی نصیب باشد و چون دو کس با هم مصاحبت کنند آنکه مدارا و ملایمتش بیشتر بود
اجرش عظیم تر بود و مرویست که اگر ملایمت خلقی می بود که دیده می شد هیچ
خلقی احسن از وی نمی بود و هر کس درشتی نصیب ایشان شود ایمان از او محجوب گردد
و اگر درشتی مخلوقی می بود که دیده شود هیچ چیز قبیح تر از وی نمی بود و هر کس برای
خدای تعالی تواضع کند خدا او را بلند گرداند و هر کس تکبر کند او را پست گرداند
و نزدیکترین مردم بخدا متواضعانند و دورترین متکبران پرسیدند
که حد تواضع چیست امام علیه السلام فرمود درجات بسیار است از آنجمله
اینکه کسی قدر خود بشناسد و زیاده از مرتبه خود توقع نکند و با مردم
چنان کند که می خواهد با او چنان کنند و چون با او بد کنند بنیکی دفع
کند و خشم فرو برد و عفو کننده باشد و مرویست که از جمله تواضع اینست
که در مجلس پایین تر از مرتبه خود بنشینی و بهر که رسی سلام کنی و ترک خصومت کنی
اگر چه حق با تو باشد و نخواهی که ترا مدح و ثنا کنند و وارد شد که حضرت امام
رضا علیه السلام طعام طلبید و ملازمان و غلامان سیاه و سفید را جمع
فرموده با هم بر یک خوان نشستند کسی گفت کاش بفرمایی تا برای ایشان
طعام جدا کنند فرمودند خدا یکیست و دین یکی و پدر و مادر یکی
و جزای هر کس بقدر عملش باشد و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که چهار

صفت

صفت از مؤمن شود تا من برای او چهار خانه در بهشت ضامن شوم عطا
کند و از فقر نترسد و افشای سلام کند در عالم و ترک خصومت کند اگر چه
مستحق باشد و از انصاف نگذرد و هر کس با انصاف باشد و با فقرا در مال
مواسات کند بحقیقت مؤمن باشد خدای تعالی عزیزش گردانید و نیز
فرموده سید اعمال سه خصلت است انصاف و مواسات و ذکر خدا در همه
حال نه همین تنها سُبحانَ اللهِ والحَمدُ للهِ ولا اِلهَ اِلّا اللهُ واللهُ اَکبَر بلکه در تحول
و افعال خدا را یاد آرد اگر رضای خدا در آن بکند و گرنه از آن نگذرد و هر کس
منصف باشد و غیبت مردم نکند و در چیزی که از آن او است آن را از خود سلب نکند
و کسی را بمشغولی تقدیم و تاخیر نکند تا رضای خدا در آن نداند در سایه
عرش خدا باشد روزی که هیچ کس را پناهی نباشد و سه کس نزدیکترین
مردم اند بخدا در روز قیامت کسی که در حال غضب بی اختیار نشود
تا بر زیر دست ظلم نکند و کسی که چون در معامله میان دو کس داخل
شود بیک طرف میل نکند و کسی که در معامله و منازعه از انصاف و حق
نگذرد و خدا بهشتیست که داخل آن نشود مگر سه کس یکی آنکه بر نفس
خود حکم بحق کند و هر کس ایمان بخدا و روز آخرت دارد باید بوعده
وفا کند که وعده مؤمن نذریست که هیچ کفارت ندارد مگر وفا با آن
هر کس خلف وعده کند اول با خدا خلف کرده و متعرض سخط او گشته
باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده از ما نیست کسی که امانت را
خوار کند و امانت جلب رزق و خیانت جلب فقر نماید و حضرت سجاد

علیه السلم فرموده اکر قاتل پدرم شمشیری که آنحضرت را با آن شهید کرده
بمن بامانت سپارد هر آینه آنرا ادا کنم وحضرت امام جعفر صادق علیه السلم
فرموده اکر قاتل علی بن ابی طالب با من مشورت کند و خیر جوید و شمشیری
بمن امانت دهد و من قبول کرده باشم هر آینه ادای امانتش کنم و چهار صفت است
که در هر مومن که باشد خدای تعالی او را در اعلی علیین در بالاترین غرفهای
شرف و کرامت ساکن کرداند کسی که یتیم را در پناه خود دارد و برای او پدر باشد
و بر ضعفا رحم کند و اعانت حوایج ایشان نماید و والدین را نفقه دهد و با
ایشان ملایمت و ملاطفت کند و خدمتی که بمملوک خود رجوع کند
خود نیز مدد و اعانتش نماید **فصل چهارم** در بر والدین مرویست
از اهلبیت طاهرین علیهم السلم که بر والدین در روز قیامت آید بقوت و قدرت
تمام فرزند صاحب بر را برداشته داخل بهشت کند و روزی جوانی
بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده و گفت جوانم و توانایم و شوق
و جهاد دارم فرمود جهاد کن که اکر کشته شوی در پیش خدا زنده باشی و از
نعمتهای بهشت متنعم باشی و اکر بمیری اجر و ثواب بر خدا باشد و اکر باز
کردی از کناهان پاک کردی همچنانکه از مادر متولد کشته بودی پس گفت
یا رسول الله مرا والدین من بمن انس دارند و میخواهند در پیش ایشان
باشم فرمود باش که یک شب ایشان با تو بهتر است از یکسال جهاد
در راه خدا و نیز آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم همشیره بود رضاعی
روزی بخدمت آنحضرت آمد چون او را دید شکفته کشت و لحاف

~~[illegible]~~ وصله سکرات موت آسان کرداند و در تمام عمر پریشانی دفع کند

خود را

خود را انداخت تا بر آن بنشست پس متوجه کشت و ملاطفت و شکفتکی
میفرمود و چون او رفت برادرش آمد آنحضرت با او نفرمود از سبب
آن سوال کردند فرمود آن زن برش با والدین خود بیشتر از وست و کسی
بحضرت امام جعفر علیه السلم معروض داشت که پدرم بسیار پیر شده و
چون قضای حاجت خواهد کسی باید که او را بردوش کیرد فرمود اکر تواند
خود مباشر این خدمت باش که فردا برای تو حجابی باشد از آتش و دیکری
از آنحضرت سوال کرد که والدین من مخالف مذهبند با ایشان چون
کنم فرمود نیکی کن همچنانکه با دوستان و موالی ما میکنی هر کس با بر
بوالدین باشد از دوزخ ایمن باشد و در بهشت مسکن کند
و هر کس عاق باشد از بهشت بی نصیب شود و در دوزخ ماوای
نماید و هر کس بنکاه خشمناک بوالدین کند و حال آنکه ایشان برو
ظالم نباشند نمازش مقبول نشود و چهار کس بوی بهشت نشنوند
با آنکه بوی بهشت را از هزار سال راه توان شنید عاق و
قاطع رحم و پیری که زنا کند و متکبر و حضرت سجاد علیه السلم
مردی را دید که بر پدر خود تکیه کرده راه میرفت برو غضب فرمود
و با او حرف نزد تا از دنیا رفت و هم از ایشان علیه السلم مرویست که از
جمله حقوق والدین آنست که مصاحبت ایشان را نیکو کنی و نکذاری
که ایشان از تو چیزی سوال کنند اکر مستغنی باشند بلکه مترصد احوال ایشان
باشی و هر چه که کمان کنی که چیزی میخواهند پیش از سوال مهیا کردانی و اکر

ترا برنجانند اف بکوی و اکر بزنند برنجانی بلکه دعا کنی و برای ایشان آمرزش
طلبی و بسیار نکاه بروی ایشان نکنی مکر از روی رحمت و مهربانی و آواز
بر ایشان بلند نکنی و دست بالای دست ایشان نداری و پیش روی ایشان
نروی و ننشینی و ایشان را بنام نخوانی و برای ایشان دشنام حاصل نکنی
و در هیچ حال اطاعتشان کنی مکر در معصیت خدا و در هیچ حال بی مدارا
و ملامت کنی و اکر ترا امر کنند که از اهل و مال بیرون روی بروی و اکر از دنیا
رفته باشند نماز و روزه و حج و صدقه و غیر آن از وجوه خیرات برای
ایشان بکنی و ثوابش را با ایشان هدیه کنی و هر چه کنی مثل آن برای تو نیز
ثبت شود و کسی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسید که آیا هیچ چیز
جزای حق والد باشد فرمود هیچ جزای آن نباشد مکر آنکه بنده
باشد بخری و آزاد کنی و اکر دین داشته باشد ادا نمائی و هم آنحضرت
علیه السلام فرمود کاه باشد که کسی در ایام حیوة والدین با ایشان بارّ
باشد و بعد از مردن دینشان را ادا نکند و برای ایشان استغفار
ننماید خدای تعالی او را عاق نویسد و کاه باشد در حیوة ایشان
عاق باشد چون بعد از وفات دینشان ادا کند و استغفار نماید
بارّ نوشته شود و کسی بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله معروض
داشت که پیش از آنکه باسلام مشرف شوم دختری داشتم چون بحد
بلوغ رسید روزی او را زینت کرده بر سر چاهی بردم و در چاه افکندم
آیا کفاره داشته باشد فرمود مادرت زنده است کفت نی فرمود

خالدات

خالدات زنده است کفت بلی فرمود با او نیکوئی کن که بمنزله مادر است تا کفاره
آن شود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر چه از نیکوئی والدین بر ولد
لازم است بر ایشان نیز لازم است باید با فرزند چنان سلوک کنند
که باعث برّ او باشد با ایشان چنان نکند که سبب عقوق شود و رحمت
خدای بر والدین که فرزند را به برّ خود دارند و لعنت خدای بر والدین
که فرزند را بر عقوق خود دارند **فصل پنجم** در صله رحم مرویست
از اهل بیت علیهم السلام که از جمله حقوق دین صله رحم است اکر چه یکساله راه
باید رفت و اکر چه شربت آبی یا سلامی باشد و هر کس چیزی بردارد
تا صله رحم کند بهر کامی چهل هزار حسنه نویسند و چهل هزار سیئه
محو کنند و چهل هزار درجه بلند کردانند و اجر صد شهید نویسند
و چنان باشد که صد سال عبادت کرده باشد و صله رحم دفع بلاها
کند و حساب قیامت آسان کرداند و خلق نیک کند و بخیل را
سخی کرداند و روزی بیفزاید و مال زیاد کند و اعمال را پاکیزه کند
و سبب معموری دیار و زیادی عمر باشد تا آنکه کاه باشد که عمر کسی
سه سال باشد چون صله رحم کند سی سال شود و کاه باشد سی سال
باشد قطع رحم کند سه سال شود و رحم بعرش آویخته میکوید
خدایا وصل کن برحمت خود هر کس مرا وصل کند و قطع کن از رحمت
خود هر کس مرا قطع کند و روز قیامت رحم و امانت در دو جانب
صراط ایستند چون واصل رحم و مؤدی امانت بکذرد داخل

بهشت اثر کند و چون قاطع رحم و خاین امانت بکند در سرای جهنم
افکنند و بسا باشد جمعی که همه فاجر باشند چون با هم مواسات و مواصلت
کنند مالشان بسیار و رزقشان وسیع شود و اگر همه نیکان باشند چون
از هم مفارقت کنند و قطع یکدیگر نمایند پریشان گردند و ادبار ایشان
تابع شود کسی بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله رفته گفت خویشان من
با من بسیار بدی و مخالفت میکنند و دشنام می‌دهند من هم می‌خواهم
ترک ایشان کنم فرمود اگر این کار کنی خدای تعالی همه شما را ترک کند و از
رحمت خود قطع نماید و کسی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام از اقربای
خود شکایت کرد فرمود تو مدارا و مواصلت کن گفت هرچند مدارا
و مهربانی میکنم ایشان همان بدی می‌کنند فرمود پس میخواهی تو هم مثل
ایشان باشی تا خدای تعالی بر هیچ کدام نظر نکند و دیگری بخدمت
آنحضرت رفته از برادران و عم‌زادگان شکایت کرد گفت خانه را
بر من تنگ کرده‌اند فرمود صبر کن که خدای تعالی از ایشان نجات
دهد راوی گوید وبائی حادث شد که همه ایشان هلاک گشتند
حکایت پس بخدمت حضرت رفته واقعه نمودم فرمود جزای آنست که با تو می‌کردند
حالا راضی هستی که زنده می‌بودند و همان سلوک می‌کردند گفتم بلی والله
و نیز مرویست که هیچ گامی برداشته نشود دوستتر پیش خدا از دو گام
یکی بصفی که در راه خدا آراسته و یکی بر خویشی که قطع رحم کرده باشد
فصل ششم در حق جوار مرویست از اهل بیت اطهار علیهم السلام که از

ما ثبت

ما ثبت کسی که همسایگی را خوب بکند و خوب کردن همسایگی عمر زیاد
و رزق بیفزاید و سبب معموری دیار باشد و هر کس ایمان بخدا و آخرت
دارد باید همسایه را نرنجاند و مهمان را گرامی دارد و چون تکلم کند
خیر گوید یا ساکت باشد و هر کس همسایه را نرنجاند و نیازارد خدای
تعالی روز قیامت عثرات و خطاهای او را عفو فرماید و حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرموده که جبرئیل آنقدر مرا بهمسایه وصیت نمود که گمان
کردم که او را وارث من خواهد گردانید و نیز فرموده که ایمان بمن ندارد کسی
که شب سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد و روز قیامت خدای تعالی
نظر نکند باهل قریه که در میان ایشان خانه گرسنه باشند و حضرت یعقوب
علیه السلام مناجات نموده گفت خدایا بر من رحم نمی‌کنی چشمم را گرفتی و
پسرم را بردی خدای تعالی فرمود اگر هر دو مرده می‌بودند برای تو زنده
می‌کردم اما تو بیاد نمی‌آری که فلان روز گوسفندی ذبح کردی و بریان
نموده تناول کردی و فلان همسایه‌ات صایم بود با او بخش ندادی و بعد از آن
هر چاشت و شام منادی حضرت یعقوب تا یک فرسخ راه ندا میکرد
که هر کس گرسنه باشد بخانه یعقوب بیاید و حضرت امام موسی علیه السلام
فرمود خوبی همسایگی همین نیست که همسایه را آزار نکنی بلکه تحمل آزار
ایشان کنی و هر کس یکوجب زمین بهمسایه خیانت کند خدای تعالی
آنرا تا زمین هفتم در روز قیامت طوق گردنش کند و هر که همسایه را
برنجاند بوی بهشت بر او حرام شود و هر کس در ما یحتاج خانه با همسایه مضایقه

کند خدای تعالی خیر و فضل خود روز قیامت از و منع کند و او را بخود بشر وا
گذارد و هیچ عذر از و قبول نکند مگر آنکه حاجتی بعاریه بگیرد ضایع کند
کرده در وقت توان از و منع نمود **فصل هفتم** در الفت و محبت و زیارت
مؤمنان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که ای معاشر مؤمنان
با یکدیگر الفت و محبت کنید خیر نیست در کسی که الفت نکند و با او الفت نکنند جمعی
که برای خدا با هم دوستی و محبت کنند روز قیامت در زمینی از زبرجد
سبز روشن تر باشند و هر که محبت و بغض و عطا و منعش برای خدا باشد
از جمله اصفیای او باشد روزی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از اصحاب
پرسید که محکم ترین عروه های ایمان کدام است بعضی گفتند نماز و بعضی صوم
و بعضی زکوة و بعضی حج و عمره و بعضی جهاد فرمود هر یک از اینها را فضل
عظیمیست اما نه آنست که پرسیدم بلکه آن محبت و بغض است برای خدا و تولا
با اولیاء الله و تبرا از اعداء الله و چون دو مؤمن با هم ملاقات کنند آنکه
محبتش بیشتر قدرش عظیم تر بود و هم ایشان علیهم السلام فرموده اند که ای مؤمنان
با هم الفت کنید و یکدیگر را زیارت کنید و ذکر خدا و ذکر فضایل ما
کنید و با احادیث ما صحبت دارید که موجب حیوة دین و دل شماست و هیچ حربه ای
دل ابلیس و جنودش را آنقدر جراحت نکند که زیارت مؤمنان چون سه مؤمن
با یکدیگر اجتماع کنند بآن عدد ملائکه با ایشان حاضر شوند اگر دعا کنند
آمین گویند و اگر از شری استعاذه کنند و اگر حاجتی مسئلت نمایند شفیع
باشند و چون مؤمنی برای خدا نه برای غرض دنیا برای زیارت مؤمنی از خانه

بیرون رود

بیرون رود و حق حرمت او بشناسد و چون مؤمنی به هر گامی که برداشته خدای
تعالی برای او حسنه نویسد و سیئه محو فرماید و درجه بلند گرداند و هفتاد
هزار ملک بر او موکل گردانند و خوش باشد ترا بهشت و چون در خانه
بکوبد درهای آسمان برای او گشوده شود و چون ملاقات و مصافحه
و معانقه کنند خدای تعالی متوجه ایشان شود و با ایشان بر ملائکه مباهات
فرماید و گوید ای ملائکه ببینید این دو بنده مرا که برای من چون با هم
می کنند لازم شد بر من که بعد از این ایشان را به آتش عذاب نکنم و چون بخانه
داخل شود فرماید ای بنده من تعظیم حق و متابعت سنت من کردی
اگر سؤال کنی عطا نمایم و اگر دعا کنی اجابت فرمایم و اگر ساکت باشی خود
ابتدا کنم و چون مراجعت کند بعدد هر نفسی که کشیده و گامی که برداشته
و کلمه که گفته ملائکه با او متابعت کنند و تا آن روز از بلای آینده از بلاهای
دنیا و آخرت محافظتش نمایند و اگر در این سال بمیرد از حساب فارغ
باشد و چون داخل خانه خود شود خدای تعالی فرماید ای بنده من که
تعظیم حق من کردی بهشت برای تو واجب گردانیدم و ترا شفیع نیکان خود
کردم و اگر آن کس نیز حق این زیارت بشناسد برای او نیز مثل این
اجر ثبت شود و خدای تعالی را بهشتی است که هیچ کس داخل آن نشود مگر کسی
که از خود انصاف دهد و کسی که زیارت برادر مؤمن خود کند و کسی که برادر
مؤمن را بر خود اختیار کند و زیارت یک مؤمن برای خدا بهتر است
از آنکه ده بنده مؤمن آزاد کند حضرت امام جعفر علیه السلام از کسی پرسید که

شما و بصره چند روز راهست گفت اگر زود باد اگر باد موافق باشد پنج روز
اگر خشکی هشت روز فرمود چه نزدیک بوده برادران مؤمن یکدیگر را ببینند
و عهدها تازه کنند که روز قیامت هرکس را گواهی در کار است که شهادت
بر دینش دهد و اگر مؤمنی بقصد زیارت یا برای حاجتی بخانه کسی رود
و او در خانه باشد و اذن ندهد در لعنت خدا باشد تا وقتی که با هم
ملاقات کنند و هر که میان خود و مؤمنی حجاب و مانعی گذارد خدای
تعالی میان او و بهشت هفتاد هزار باره نصب کند که میان هر دو باره
هزار ساله راه باشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که شیطان
میان مؤمنان نزاع و فساد می کند پس خدا رحمت کند بر کسی که میان دو دوست
ما الفت و اصلاح کند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود میان
دو کس اصلاح کنم دوستتر دارم که دو دینار طلا تصدق کنم و فرمود چون دو کس
از هم برنجش مفارقت و هجرت کنند یکی از ایشان و گناه باشد هر دو مستوجب
لعنت و برائت از دین شوند کسی گفت جعلنی الله فداك شاید یکی مظلوم
باشد فرمود باید تقصیر خود را بخود نسبت دهد و عذر بخواهی کند و نگذارد
که مهاجرت واقع شود هر هفته دو روز مقرر است که اعمال عباد را بر خدای
تعالی عرض کنند چون میان دو کس رنجش و عداوت باشد اعمال ایشان را
واگذارند تا وقتی که صلح کنند و چون دو کس از هم سه روز هجرت کنند و صلح نکنند
ولایت اسلام در میان ایشان منقطع شود و در روایت دیگر آمده که هرکس بیشتر از
سه روز هجرت کند در دوزخ با ... او اولی باشد و هر کدام سبقت بصلح کنند سبقت

بجنت

بجنت کنند و هرکس در اصلاح میان مرد و زن سعی کند اجر هزار شهید
بیابد بهر گامی که بردارد و کلمه که گوید یکساله عبادت نویسند با روزه روزها
و قیام شبها **فصل هشتم** در آداب ملاقات و مجالست مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که شما بوسعت مال با مردم نمی رسید
بشگفتگی و طلاقت وجه ملاقات بکنید سه صفت است که هرکس بیکی از آن
متصف باشد بهشت او را واجب باشد طلاقت وجه و انصاف و جود
در پیشانی و نیز مرویست که اصطناع معروف و حسن بشر موجب
دخول بهشت و محنت و بخل و عبوس موجب دخول نار و دوری از
خداست و اول ملاقات سلام است و مرویست که اگر کسی پیش از سلام
حرفی زند جوابش مگویید و چون دو کس بر هم سلام کنند میان
ایشان هفتاد حسنه قسمت شود شصت و نه حسنه از آن که ابتدا کند و یکی
از آنکه جواب گوید و اگر کسی بنده کس از مسلمین سلام کند چنانست
که بنده آزاد کند و سنت است افشای سلام یعنی هرکس را سلام کند
اگرچه ظالم باشد که سلام خدا بظالمان نرسد بخیلترین مردم کسیست
که در سلام بخل کند مرویست که شبها که مردم در خوابند برخیزد و نماز
کنید و با مردم بملایمت گفتگو کنید و افشای سلام کنید تا بسلامت
به بهشت روید و هرکس در سلام غنی را بر فقیر امتیاز دهد مستوجب غضب
خدا باشد و سلام را بلند باید گفت تا بشنوند و مگویید که سلام
کردم جواب نگفتی که شاید نشنوانیده باشد و چون جواب گویید بلند

گویید تا نگویند که جواب سلام نگفتی و هر کس سلام علیکم گوید ده حسنه یابد اگر
ورحمة الله نیز اضافه کند بیست حسنه و اگر برکاته نیز اضافه کند سی حسنه و مروی است
که سلام و دعای عطسه و دعایی که کسی را کنند بصیغه جمع بگویید اگرچه یک کس
باشد که با هر کس جمعی از ملایکه باشند و چون بر ملایکه سلام کنند ایشان جواب
گویند و کسی که ملایکه بر او سلام کنند از عذاب خدا بسلامت باشد و مثلا السلام
علیکم و یرحمکم الله و عافاکم الله بگویید و ادب اینست که سواره بر پیاده
و اسب سوار بر استر سوار و استر سوار بر الاغ سوار و ایستاده بر نشسته و صغیر
بر کبیر و قلیل بر کثیر سلام کنند و بر چند کس سلام نباید کرد شرابخوار و صاحب شطرنج
و نرد و مجاهر بفسق و مخنث و شاعری که زنان عفیفه را هجو کند و رباخوار
و کسی که مشغول قضای حاجت باشد و زنان و کسی که در نماز باشد یا در حمام
باشد و چون سلام یا تحیتی دیگر کنند مستحبست که رد کنند احسن ازان یا مثل
آن و اقلش اینکه همان قدر تلافی کند و چون کسی سلام علیکم گوید احسن آنست
که ورحمة الله و برکاته اضافه کند و اگر آنرا نیز گفته باشد و برکاته اضافه کند
و اگر آنرا نیز بگوید همین را تمام بگوید و در روایتی دیگر آمده که در این صورت
وعلیک تنها تواند اکتفا نمود اما زیاده ازین مخالف سنت است و مروی است
که کسی بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام سلام کرد لفظ و مغفرته و رضوانه
افزود حضرت او را نهی فرمود و اگر از کسی سلام رسانند جواب بگویند و علیک
و علیه السلام و اکتفا به و علیه السلام نیز مجزی بود و مروی است که جواب کتابت
نیز مثل جواب سلام واجبست و معنی سلام و جوابش اینست که تو از من بسلامتی

وباخدای

و با خدای تعالی عهد کردم که غیبت تو نکنم و غیبت تو نگویم و چون دو مؤمن با هم
ملاقات کنند و مصافحه نمایند گناهان هر دو بریزد مثل برگ از درخت
تا آنکه هیچ نماند و خدای تعالی بایشان نظر کند تا آنکه از هم جدا شوند و صد
رحمت بر ایشان فرستد و نود ازان باشد که محبتش بیشتر باشد و خدای تعالی
با او مصافحه فرماید و آنکه مکث بیشتر کند و دست بیشتر نگاه دارد دلجویش
از آن دیگر بیشتر باشد و تحیت سلام و مصافحه در اول ملاقات بعد از هر غیبتی
اگرچه بعد ورود درختی بگردد یا چند گام از هم جدا شوند و مروی است که تمام
تحیت برای مقیم مصافحه و تمام و تسلیم بر مسافر معانقه است و چون دو مؤمن
معانقه کنند رحمت ایشان را فرو گیرد و چون در پیش هم توقف کنند و بنشینند
و غرضی دنیوی در میان ایشان نباشد ملکی ندا کند که گناهان شما آمرزیده
شد اعمال از سر گیرید و چون شروع در گفتگو کنند ملائکه حفظه با هم گویند
بیایید بکناری رویم که شاید ایشان را با هم سرّی باشد و اگر خویشان و مؤمنان
یکدیگر را بوسه کنند باید روی هم را ببوسند و بوسه بر لب نشاید مگر زوجه
و طفلان صغیر را و دست بوسیدن نشاید مگر پیغمبر یا وصی او یا والد و در روایتی
دیگر آمده که دست کسی را بوسیدن چنان است که نماز برای او کرده باشد
یعنی سجده برای او کرده باشد و هر که در مجلسی بمکانی کمتر از رتبه و منزلت خود را
شود خدا و ملائکه بر او صلوات فرستند تا وقتی که برخیزد و مروی است که بخانه
کسی روید هر کرامتی کند قبول کنید مگر بالا نشستن و در روایت دیگر آمده که
هر جا صاحب خانه گوید بنشیند که او عورات خانه خود را بهتر میداند و وقوف میان

این دو حدیث والله اعلم ثم الراسخون فی العلم باین توان کرد که اگر معلوم
باشد که غرض صاحب خانه محض تکلف است قبول نباید کرد و اگر فرمان اطاعت باید نمود
چنانکه لفظ اکرام و عیوب مشعر است بر آن و بهترین مجالس آن است که روی
بقبله باشد و مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سه هیئت می‌نشسته
یکی دو زانو دوم آنکه ساقها از زمین بردارد و دستها را از پیش ساق
گذراند و بر ساعد گیرد سیم آنکه یک پا بر سر پای دیگر گذارد و احادیث متعدده
آمده که بعضی ائمه طاهرین علیهم السلام باین هیئت نشسته بودند کسی گفت
این وضع نشستن مکروه است فرمودند این قول یهود است که می‌گویند
خدای تعالی از خلق سموات و ارض فارغ شد چنین نشست که استراحت
کند پس برای ملامت چنین نشستم خدای تعالی را ملالت نمی‌باشد
و مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگز تربع ننشست و خدای
تعالی نشستن را دشمن دارد و مرویست که اگر با یهودی بنشینند همنشینی
او را نیکو کنید و چون کسی داخل مجلس شود تعظیم کنید و جا بگشایید
که تعظیم در مجلس برکت است و در وقت رفتن تعظیم مکنید مثل عجم و در نشستن
میان هر دو کس نشستن مقدار یک ذراع فاصله باید گذاشت که گرما آزار
نکند و اگر در اثنای حرف مؤمن شخصی در آید چنانست که روی او را خراشیده
باشد و هر کس در وقت نشستن بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله
علی محمد و آله خدای تعالی ملکی بر او موکل کند که در آن مجلس او را از غیبت
کردن حفظ کند و اگر وقت برخواستن بگوید بر اهل مجلس موکل فرماید

کدابشان

که ایشان از غیبت او منع کند و هر که بر خواستن از مجلس بگوید سبحان ربک
رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین
کفاره آن مجلس باشد و بعدد هر مسلمی او را حسنه باشد و خدای تعالی در بهشت
کیلها ثواب او را کیل کند **فصل ششم** در سکوت و کلام مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که سکوت بابیست از ابواب حکمت که جلب محبت کند
و دلیلی هر خیر است و شیعیان ما اهل لال باشند و کسی حقیقت ایمان نشناسد
تا زبان از لغو نبندد و نجات مؤمن در حفظ زبانست و زبان کلید
هر خیر و شر است پس باید بر آن مهر کنید همچنانکه زر و مال را مهر میکنید و مؤمن
تا ساکت است محسن نوشته شود و چون تکلم کند محسن باشد یا مسیء
کلام را از جمله اعمال خود نشمرد در اعمالش خطا بسیار باشد و عذابش
مهیا بود و هر کس کلام خود را از جمله اعمال شناسد تکلم نکند مگر آنکه
نافع باشد و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بمردی گذشت که فضول
لغو میگفت فرمود ای مرد چه میگوئی ملکین می‌نویسند و بر خدای
تو عرض میکنند ترک بیهوده گوئی کن و سخنی گوی که نفعی در آن باشد
و شرم دار از آنکه چون نامه اعمال تو بر خدا معروض شود این نوع سخنان
در او باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بکسی گفت میخواهی چیزی تعلیمت
کنم که با آن داخل بهشت شوی گفت بلی فرمود سخاوت پیشه کن گفت
شاید من محتاج‌تر باشم فرمود مظلوم را نصرت کن گفت شاید
عاجزتر باشم فرمود جاهلان را هدایت کن گفت شاید جاهل‌تر باشم

فرمود جواب زبان بر بند که از خیر بعد از آن فرمود نمی‌خواهی که ترا از این
صفات در تو باشد که ترا در بهشت برد و هم آنحضرت صلی الله علیه
و آله فرموده خدای تعالی زبان را عذابی کند که هیچ عضو را نکند [illegible]
که کلمه از زبان بیرون آید که در مشرق و مغرب پهن شود و خونها
بآن ریخته شود و فرجهای حرام بحرمت کردد و سخن گفتن بحق افضل است
از سکوت در باطل و هر کس زبانش راستگو باشد عملش پاکیزه شود
و مرویست که بنماز و روزه و طول رکوع و سجود مردم فریفته مشوید که بسا
باشد آن عادتی باشد که ترکش موجب وحشت باشد بلکه قدر عقل
و صدق کلام و ادای امانتش را نظر کنید و مرویست که بسا باشد که آنقدر
راست گوید که خدای تعالی او را از جمله صدیقان نویسد و بسا بنده
که آنقدر دروغ گوید که از جمله کذابین نوشته شود و هیچ بنده لذة
ایمان نیابد تا دروغ را مطلقا عمدا و هزلش ترک نکند و کذب ایمان را
خراب کند خدای تعالی بر هر شری قفلی زده و کلید همه آنها را شراب
گردانیده و کذب بدتر است از شراب و روز قیامت از هر کذب سؤال کنند
مگر سه کذب یکی آنکه در معرکه جهاد با خصم گویند و دوم آنکه برای اصلاح
میان دو کس گفته شود سیم آنکه کسی با اهل خود وعده کند و اراده کردن
آن نداشته باشد و چون کسی گوید والله که خدا فلانی را انعام مرزد
خدای تعالی فرماید کیست که از جانب من قسم مخورد که او را انعام مرزم
او را آمرزیدم و عمل این را باطل کردم و اگر کسی را لعنت کند با استحقاق

برکفرش

برکفرش دهند اگر چنان باشد راست گفته باشد و گرنه بگوینده باز
گردد و اگر مؤمنی را فحش گوید خدای تعالی برکت از رزقش برگیرد و
معیشتش را فاسد گرداند و نظر رحمت و تربیت از وی بر دارد و اگر
در روی مؤمنی طعن کند بر بدترین وجهی بمیرد و سزاوار آن باشد
و هرگز بخیر باز نگردد و بهشت حرام است بر هر فحاش بیحیائی که پروا
نکند از هر چه گوید و باو گویند و مرویست که چون کسی را تفتیش
کنی ولد الزنا یا شرک شیطان باشد و خدای تعالی دشمن دارد
فحاش سخت گوی را بدترین مردم کیست که از ترس زبانش اکرامش کنند
و مجالستش را ناخوش دارند و هر که از زبانش بترسند منزلش
آتش باشد و بدترین مردم کیست که طعام خود را تنها خورد و عطایش را
منع کند و مملوکش را بسیار بزند و بدتر از وی کسی که بخیرش امیدوار
و از شرش ایمن نباشی و بدتر از وی فحاش که چون کسی پیش او مذکور
شود لعن کند و چون او پیش مردم مذکور شود لعنش کنند و حضرت
صادق علیه السلام دوستی بود که هرگز از خدمتش مفارقت نمی‌نمود
روزی در خدمت آنحضرت براهی میرفت و غلامی همراه داشت چند مرتبه
نگاه کرد او را ندید مرتبه دیگر نگاه کرد آمده بود گفت یا ابن الفاعله
کجا بودی پس حضرت دست بر روی مبارک زده فرمود سبحان الله مادرش را
دشنام میدهی تو خود را متورع مینمودی معلوم شد که ورعی نداشته گفت
جعلت فداک مادرش مشرکه است فرمود باشد نمیدانی که هر قومی در میان خود

نگاه دارند که خود را از زنا باز دارند و در شوار زمین روای گوید دیگر اورا
در خدمت آنحضرت ندیدیم تا از دنیا رفت و خدای تعالی دوست دارد
مزاح را اگر در آن فحش نباشد و مزاح از حسن خلقست و سبب سرور مؤمنان
شود و کثرت مزاح با آنکه متضمن فحش یا کذب یا استهزا و مجملا متضمن
قبیح و باطل باشد وقار و آبرو و نور ایمان ببرد و موروث استخفاف و دنائت
باشد و سبب بغض و کینه شود و گاه باشد که کسی کلمه گوید که مردم را بخنداند
بقدر ما بین زمین و آسمان اورا از بهشت دور گرداند و در دوزخ افکند
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود وای بر کسی که دروغ گوید تا مردم را بخنداند
بعد از آن سه مرتبه فرمود وای بر او و کثرت ضحک دین را بگدازد چنانکه
آب نمک را و آب رو ببرد و در روایت دیگر آمده که هر کس یک مرتبه خنده کند یک
دهن از عقلش تف کند و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود بسا کسی
که خنده و لعبش بسیار باشد و روز قیامت گریه اش بسیار باشد و بسا
کسی که از بیم گناهان گریه اش بسیار باشد در بهشت خنده و سرورش
بسیار بود فرمود ای صاحب عملهای رسوا شده از خنده دندان نما
وای که بسیار کرده سیئات ایمن مباش از کمین حادثات فصل هم
در اکرام و توقیر مؤمن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس
مؤمنی را اکرام کند اول خدا را اکرام کرده باشد و روی شیطان را
خراشیده و دلش جراحت شود و هر کس بر روی مؤمن تبسم کند برایش
حسنه ثبت شود و اگر کثافتی از رویش دارد ده حسنه ثبت شود و اگر

مؤمنی

مؤمنی بگوید مرحبا خدای تعالی تا روز قیامت برای او رحمت فرستد و اگر
با او بنحوی از انحا ملاطفت کند از خدام جنت عطا فرماید و اگر کلمه
گوید که موجب شکفتگی مؤمنی باشد در سایه رحمت خدا باشد و از کثافتی
از راه مؤمن بردارد اجر قرائت چهارصد آیه قرآن یابد که هر حرفی از آن
ده حسنه است و اگر مؤمن را بمجلس یا متکا یا طعام یا جامه یا سلام یا غیر
آن ملاطفت و اکرام کند بهشت از جا درآید که مکافات آن کند پس خدای
تعالی فرماید من نعمتهای ترا بر اهل دنیا حرام کرده ام مگر بر نبی یا وصی
و چون روز قیامت شود فرماید امروز اولیای مرا مکافات کن
پس حور و غلمان از بهشت بیرون آیند در دست طبقهای پر از
نعمتهای گوناگون سرهای آن باز و بعضیها لؤلؤ و جواهر پوشیده
چون بهشت و نعمتهای آن را ببینند عقلشان پرواز کند و چون جهنم را
ببینند از هول آن دست نتوانند دراز کرد پس از جانب عرش ندا آید که
بخورید که هر کس طعام بهشت بخورد دوزخ بر وی حرام شود پس دست
دراز کرده تناول کنند و هر کس حاجتی از مؤمنان را خدمت کند بان عدد از خدام
جنت عطا فرمایند و خادم مؤمنان در طاعت خدا و حشر او در قبر
نگذارند که پیش خدای تعالی برند و آنجا باشند تا روز قیامت و هر کس
مؤمنی محاسن سفیدی را تعظیم و توقیر کند از فزع روز قیامت ایمن گردد و اگر
با او استخفاف کند خدای تعالی کسی را بر او مسلط گرداند که با او استخفاف
کند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود از ما نیست کسی که بزرگ ما را توقیر

ایمن ص

وصغیر را ترحم کند و هر کس مؤمنی فقیر یا غیر فقیر را تحقیر کند خدای تعالی
او را دشمن دارد و تحقیر کند خدای تعالی روز قیامت او را در میان
خلایق رسوا کند **فصل یازدهم** در سرور مؤمنان و قضای حاجت
ایشان مرویست از اهل بیت طاهرین علیه السلام که هیچ کس عبادت
خدا نکرده بچیزی افضل از سرور مؤمن که ادای دینش کند یا گرسنه اش
سیر کند یا غیر آن و هر چند عظیم تر بود ثوابش عظیم تر باشد و هر کس مؤمنی را
مسرور کند خدای تعالی روز قیامت او را مسرور کرداند و خدا و پیغمبر
خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم مسرور کرده باشد همچنین اگر مؤمنی را
آزرده کند ایشانرا آزرده کرده باشد و سرور مؤمن هزار هزار حسنه
باشد خدای تعالی در مناجات بحضرت موسی علیه السلام فرمود
که هر کس مؤمن را مسرور کند در بهشت او را امیر و حاکم گردانم و حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود دل مؤمن عرش خداست و هر کس دل مؤمن را
خوش کند خدای تعالی فرشته خلق کند که هزار بدن داشته باشد در هر بدنی
هزار سر و در هر سر هزار رو و در هر رو هزار دهن و در هر دهن هزار
زبان با هر زبان بهزار لغت برای آنکس خدای تعالی تسبیح کند و استغفار
نماید تا روز قیامت و مرویست که مؤمنی در مملکت جباری بود از جور
و ظلم و گریخته بدیار اهل شرک رفت مشرکی او را بخانه برده مهمانی کرد
چون از دنیا رفت خدای تعالی فرمود اگر تو مشرک نمی بودی ترا در بهشت
جا میدادم اما بهشت بر مشرکان حرام است پس در آتش دوزخ فرماید که

اورا

[illegible]

کر او را بلرزان و بترسان اما مسوزان و هر صبح و شام رزقش را فرستد
راوی گوید پرسیدم که رزقش از بهشت آید حضرت امام علیه السلام
فرمود از هر جا خدا خواهد و هر کس دفع مضرت آبی یا آتشی از مؤمنان
کند بهشت او را واجب شود و هر کس غمی شدتی از مؤمن بردارد
خدای تعالی هفتاد و دو رحمت برایش نویسد یکی را در دنیا تعجیل
کند که امر معیشتش را بآن اصلاح نماید و هفتاد و یکی را برای اهوال روز
قیامت ذخیره فرماید و روز قیامت مطمئن خاطر محشور گردد و هر کس
عورت و عیب مؤمنی بپوشد خدای تعالی هفتاد عیب در دنیا و آخرت
بر وی پوشد و هر کس قضای حاجتی مؤمنی کند خدای تعالی روز قیامت
هزار حاجتش را برآرد که اول آنها این باشد که او و اقربا و آشنایان
و دوستانش را به بهشت برد اگر ناصبی نباشند و قضای حاجت
مؤمن بهتر است از آنکه ده بنده آزاد کند و هزار اسب در راه خدا مجهز کرده
فرستد و افضل است از بیست حج که در هر حج هزار درهم صرف کند و
در روایات دیگر آمده که یک طواف خانه کعبه شش هزار حسنات و شش هزار
سیئه محو شود و شش هزار درجه بلند گردد و در روایت دیگر شش هزار حاجتش
برآورده شود و چون مرتبش ملتزم رسد هفت در از درهای بهشت
برایش گشوده گردد و قضای حاجت مؤمن افضل است از ده چنین طواف
و هر کس حاجت مؤمنی [illegible] باو رسد و قادر بر قضای آن
نباشد و از این جهت دلگیر شود خدای تعالی بسبب آن دلگیری او را بهشت

عطا فرماید و هر کس سعی در حاجت مؤمنی کند هزار هزار حسنه برایش نوشته
شود که در آن میان اقربا و همسایگان و اخوان و آشنایانش آمرزیده شوند
و به هر گامی که کسی در حاجت مؤمن بردارد حسنه نوشته شود و سیئه محو گردد
و درجه بلند شود و اگر آن حاجت بر دست او بر آید ثواب یک حج و یک
عمره و دو ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام داشته باشد و اگر بر نیاید ثواب
یک حج و عمره داشته باشد روزی حضرت امام حسن علیه السلام در اعتکاف
بود مردی آمده از کسی شکایت کرد و التماس کرد که در باره من با او گفتگو
کن حضرت برخواسته روانه گشت کسی گفت یا ابن رسول الله مگر فراموش
کردی که اعتکاف داری فرمود فراموش نکردم اما کسی که سعی در حاجت مؤمن
کند همچنانست که هزار سال عبادت کرده که روزها روزه داشته و شبها
نماز بر خواسته باشد و هر کس اعانت مؤمنی کند خدای تعالی هفتاد و سه غم
و غصه از وی بگرداند یکی در دنیا و هفتاد و دو در روز قیامت که هر کس بحال خود
درمانده باشد و هر کس دست عاجزی گرفته بخانه یا مسجد یا حاجتی دیگر
ببرد به هر گامی که بردارد و بگذارد عتق رقبه نوشته شود و ملائکه بر او صلوات
فرستند و هر کس حاجت عاجزی را کفایت کند خدای تعالی او را براءت
از نفاق و از آتش عطا فرماید و هفتاد هزار حاجتش را برآرد و مستغرق
رحمت گرداند تا از آن کار فارغ شود و هر کس قادر بر قضای حاجت مؤمن
باشد و نکند خدای تعالی در قبر ماری عظیم مسلط گرداند که او را میگزیده
باشد تا روز قیامت بعد از آن اگر خواهد بخشد و گرنه عذابش کند و اگر صاحب

حاجت اورا

حاجت او را سعی و روا دارد حالش دیگر بدتر باشد و در روایت دیگر آمده که
هر کس حاجت مؤمنی را از خود یا از دیگری منع کند و قادر بر آن
باشد روز قیامت روسیاه و ازرق چشم دستها بر گردن بسته محشور شود
پس چون او را ببینند گویند اینست که با خدا و رسول خدا خیانت کرده
پس در آتش افکنند و هر کس قادر بر اعانت مؤمن باشد و نکند مثلا با اعانت
دشمنان خدا شود در روز قیامت بر آن معذب باشد و هر کس را خانه باشد
و از مؤمن محتاج مضایقه کند خدای تعالی فرماید ای ملایکه ببینید که بنده
من چون در خانه من بخل ورزید بعزت و جلال خودم که هرگز در بهشت مسکن
نکند **فصل دوازدهم** در رذایل معاصی و مناهی بسبیل اجمال مرویست از اهل
بیت عصمت صلوات الله علیهم اجمعین که هر کس با حکم و امر خدا استخفاف و بی
اعتنایی کند خدای تعالی روز قیامت با او استخفاف و بی اعتنایی نماید
خدای تعالی در هر دل نوری آفریده چون کسی گناهی کند ظلمتی در دلش بهم
رسد اگر توبه کند آن ظلمت زایل شود همان نور عود کند و اگر همچنان معصیت
میکرده باشد مرتبه مرتبه ظلمت زیاد شود تا نور را بپوشد و تمام دل سیاه
و ظلمانی گردد و چون نعوذ بالله چنین شود هرگز اصلاح نپذیرد و نجات
نیابد و بسا باشد که بنده گناهی کند که خدای تعالی فرماید بعزت خودم
که بعد از این هرگز نیامرزم و بسا باشد که روز قیامت بنده بسبب گناه
صد سال حبس کنند و اهل و عیال و دوستان خود را بیند که در روضات
جنات مشغول بنعمت و عشرتند و هر کس ترک فریضه یا ارتکاب کبیره کند اطاعت

شیطان کرده باشد و با او در جهنم باشد و هر کس حکم حلال و حرام قرآن
داند و برای محبت و شهوت دنیا مخالفت آن کند مستوجب سخط الهی گردد
و با یهود و نصاری در یک درجه باشد و خانه که در آن معصیت کنند
لازم است بر خدای تعالی که آن را خراب کند و معاصی موروث فقر و حاجت
و حرمان رزق و زوال نعمت و کوتاهی عمر و خرابی بلاد و زلزله و طاعون
و قحط و انقطاع باران و ظلمت هوا و سایر مکاره و بلایا شود و موجب
علل و امراض و اوجاع و اسقام و حسرت و ندامت و تسلط اعدا و کم آبی
رودها و چشمها و آفات مزارع و باغها و زیان تجارات و معاملات
گردد و رد دعا کند و بسا باشد که بنده دعا کند و خدای تعالی تقدیر اجابت
آن فرماید پس بنده معصیتی کند و خدای تعالی فرماید بنده من متعرض
غضب من گشت و مستوجب حرمان شد محرومش کنید و قضای حاجتش
مکنید و اگر معاصی شایع شود ابرار و اخیار دعا کنند مستجاب نگردد
و هر بلیه و معصیت و کدورت و مشقت که با وی رسد عقوبت گناهانش
باشد حتی اگر خاری در پا رود یا رگی در بدن جهد یا آنکه اکثر گناهان بفضل
و رحمت الهی عفو شود مگر اولیاء الله که بلاهای ایشان برای زیادی ثواب
و درجات است و چون خدای تعالی با بنده اراده خیر و رحمت داشته باشد
هر گاه گناهی کند در عقب آن او را بعقوبت و بلیه خبردار کند تا توبه و استغفار
نماید و گناهش بیامرزد و اگر با بنده اراده غضب و عذاب داشته باشد او را
استدراج کند یعنی نعمتهای پی در پی نوازش نماید تا درجه درجه مرتبه مرتبه

و مرتبه

و مرتبه گناهش زیاد شود و مغرور گردد و استغفار و توبه را فراموش کند کسی
بحضرت صادق علیه السلام معروض داشت که چند مرتبه از خدای تعالی مسئلت
نمودم و همیشه دعایم مستجاب شد می ترسم استدراج باشد فرمود والله که
اگر حمد و شکر کنی استدراج نبود و چون خدای تعالی با بنده نظر رحمت
داشته باشد عقوبات گناهانش در دنیا یا در سکرات موت یا در قبر
و عالم برزخ بحسب تفاوت مراتب گناهان کند تا روز قیامت از گناهان
پاک باشد حتی آنکه غم و هم و کدورت و اندوهی او را رسد یا خوابی
بیند که از آن شود گناهش را بیامرزد و اگر با کسی نظر غضب داشته باشد
حسناتی که کرده باشد در دنیا به نعمت و صحت و غیر آن از نیکی مکافات
فرماید و عقوبات گناهش را بقیامت گذارد و بسا باشد که مؤمنی گناهی
عظیم کند که مستوجب عقوبت دنیا و آخرت شود و خدای تعالی
برای مصلحت او عقوبت آخرت را نیز در دنیا کند و گاه باشد که
دنیا تقدیر مصایب و بلایا نموده باشد و چون کثرت عبادت
و طاعتش را ببیند و بر او رحم فرموده و مصایب و بلایا را بعد از آنکه
مقدر شده رفع فرماید و ثواب آن بلایا را نیز ذخیره روز قیامت
کند و هیچ گناه را سهل و حقیر نباید انگاشت مثل آنکه گوید گناه می کنم
بعد از آن استغفار خواهم کرد یا گوید کاش غیر از این گناه نمی داشتم
یا کاش همه گناهان من مثل این می بود و با غیر آن که گناه که حقیر انگاشته
شود آمرزیده نشود و هیچ طاعتی مقبول نشود از کسی که اصرار بر معصیت

کند و هر صغیره که بر آن اصرار کند کبیره شود و خدای تعالی بر هر بنده چهل
پرده از رحمت پوشیده که کسی بر گناهان و عیوبش اطلاع نیابد چون چهل
کبیره کند پردها همه برخواسته شود خدای تعالی ملائکه را فرماید که به بالهای
خود او را بپوشند و اگر گناهان معاصی و قبایح بسیار کرده باشد تا حدی که فعل
قبیح کند و آنرا حسن پندارد و توقع مدح داشته باشد فرماید تا ملائکه
بالهای خود را از و بردارند پس بعد از آن شروع در بغض و عداوت
اهل بیت علیهم السلام کند و گناه سه قسم است یکی آنکه البته آمرزیده شود
و آن گناهیست که خدای تعالی در دنیا عقوبت آن کرده و کریمتر از آنست
که یک گناه را دو مرتبه عقوبت بکند دویم آنکه البته نیامرزد و آن مظالم عباد
اگرچه کسی تیر نظلم بر کسی زند یا حیوانی شاخدار بر حیوانی بی شاخ کله
زند که خدای تعالی البته انتقام آن بکشد سیم گناهی که کسی کند و از آن توبه
نماید و ترسان باشد و امید عفو و مغفرت داشته باشد حضرت امام علیه
السلام فرمود ما نیز مثل خود شما بر وی می ترسیم و امید مغفرت داریم و با اهل
معاصی در مجلس ایشان که قادر بر دفع آن نباشد نباید نشست که مبادا
غضب و عذاب بر ایشان نازل شود و او نیز در آن میان فرو گیرد حضرت
امام علیه السلام بیکی از اصحاب فرمود ترا در پیش فلانی دیدم آنجا چه میکنی گفت
او خالوی منست فرمود او معصیت خدا می کند یا باید ترک ما کنی و پیش او
روی یا پیش ما آیی و ترک او نمایی گفت هرگاه آنچه او می کند من نکنم چه ضرر
دارد فرمود نمی ترسی که عذاب و غضبی نازل شود و ترا هم با او بگیرد نمی دانی

مردی

مردی از اصحاب موسی که پدرش از قوم فرعون بود چون فرعونیان
بموسی رسیدند ایستاد که پدر خود را موعظه نموده پیش موسی برد
چون بدریا رسیدند آب همه را گرفت و غرق شدند پس آنگاه خدای
تعالی جبرئیل را در سؤال حشر عذاب کند که چرا از محله اهل معاصی بیرون نرود

فصل سیزدهم در رذایل بعضی معاصی و مناهی به سبیل تفصیل

مرویست از اهل بیت عصمت صلوات الله علیهم اجمعین که هر کس را
آخرت و دنیا با هم میسر شود و اگر اختیار آخرت کند خدای تعالی از و
راضی شود و سیئات اعمالش را بیامرزد و اگر اختیار دنیا کند هیچ حسنه
او را نباشد که حجاب او از آتش شود و اول چیزی که سبب معصیت
خدا باشد شش چیز است حب دنیا و حب ریاست و حب طعام و حب
خواب و حب راحت و حب نسا و گرگ درنده در گله بی راعی آنقدر
ضرر نکند که محبت دنیا و جاه و شرف و بزرگی دنیا بدین مومن
ملعونست هر که ریاست کند و هر که اراده آن نیز کند و هر کس آنرا هم
بخاطر گذراند و هر چه از دنیا زیاده بر قدر کفاف باشد ملعونست
حضرت عیسی علیه السلم بقریه گذشت که همه اهل آن و دواب و طیورش
هلاک گشته و دفن نکرده افتاده بودند بر بلندی برآمده ایشان را
آواز کرد یکی از ایشان جواب گفت فرمود اعمال شما چه بود که چنین مبتلا
شدید گفت اطاعت اهل معاصی و حب دنیا و طول امل و خوف قلیل و غفلت
از خدا و شغل لهو و لعب فرمود عاقبت شما چون شد گفت در عین نعمت و عافیت

بودیم ناگاه خود را در ها و میر دیدیم فرمود ها و بر چیست که کوه های
آتش که بر ما افروختند و هر چند تضرع می کنیم که یکبار دیگر ما را
بدنیا برید تا زهد ورزیم و طاعت کنیم میگویند دروغ می گویید فرمود
چرا دیگری غیر تو جواب نگفت گفت ایشان همه را با آتش لجام کرده اند
که تکلم نتوانند کرد و من در میان ایشان بودم اما از ایشان نبودم مرا
بموی در کنار جهنم آویخته اند نمیدانم خواهم افتاد یا نجات خواهم یافت و هر کس
مال حرام کسب کند یا لقمه حرام بخورد یا جامه حرام بپوشد هیچ طاعت از و مقبول
نشود در فریضه و نافله و بعد از آن وزر بر و نویسند و هر چه از آن مال بعد از و
بماند توشه جهنمش باشد و هر کس پروا نکند که مال را از کجا تحصیل می کند
خدا نیز پروا نکند از کجا که بجهنم برود و هر کس را مقدور باشد و از ترس خدا
دست بدارد خدای تعالی دوست دارد او را و رحمت خود شامل او کند
و از اهل بهشت گرداند و ترک لقمه حرام بهتر است از دو هزار رکعت نماز ورد
یکدانگ مال حرام برابر است با هفتاد حج مقبول و خدای تعالی لعن
کرده کسی را که ربا دهد و کسی که ربا گیرد و کسی که آنرا بنویسد و کسی که شاهد بر آن باشد
و ربا هفتاد جزو است سهل ترین آن مثل آنست که کسی با مادر خود در خانه
خدا زنا کند و یک درهم ربا عظیمتر است از هفتاد زنا که همه با خویشان مثل
عمه و خاله باشد و هیچ عبادت افضل از عفت بطن و فرج نیست که از حرام
حفظ کند و هر که از مال یتیم چیزی بخورد به دو عقوبت معذب شود یکی
در دنیا که خدای تعالی ظالمی را بر اولادش مسلط گرداند دوم در آخرت با آتش

صحح

جهنم و در هیچ خانه خیانت یا دزدی یا زنا یا شراب خمر را نیابند مگر آنکه
برکت از آن خانه زایل گردد و خراب شود و هر کس یک شربت مسکری بیاشامد
چهل روز نمازش مقبول نیست و اگر در این ایام ترک نماز کند عذابش
مضاعف گردد و در این ایام توبه اش مقبول نشود و اگر بمیرد کافر باشد و اگر
یکبار دیگر بیاشامد خدای تعالی از چرک و ریمی که در جهنم از فروج
زانیان می آید باو بیاشامد و اگر مداومت بر آن کند مثل بت پرست باشد
و شرابخوار روز قیامت رو سیاه و ازرق چشم دهنش کج شده لعاب
دهنش روان گشته پیشانی بر افگنده پا بسته بمحشر آید بهیأتی که اهل
محشر همه از و بترسند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ده کس را در شراب
لعن فرموده کسی که تاک را بنشاند و کسی که محافظتش را کند و کسی که بیفشرد
و کسی که بیاشامد و کسی که ساقیش باشد و کسی که برای کسی ببرد و کسی که برایش
ببرند و بایع و مشتری و کسی که قیمتش را بخورد و فرموده با شارب الخمر مجالست
نکنید و دختر باو مدهید و از و مخواهید و امانت باو مسپارید و عیادتش
مکنید و بجنازه اش حاضر مشوید کسی از حضرت امام جعفر علیه السلام
پرسید که مردی از محبان و موالی شما است تا شراب بخورد فرمود اگر بمیرد
بروی نماز مکنید و هر کس شراب یا مسکر دیگر داخل عرقی از عروقش
شود خدای تعالی آن عرق را سیصد و شصت نوع عذاب کند و هر کس
یکقطره شراب یا مسکری دیگر بکودکی دهد خدای تعالی او را از حمیم
جهنم بیاشامند و حمیم آبیست در جهنم که چون نزدیک آرند هنوز بلب

نکذاشتند از شدت حرارتش رو پست اندازد و هر کس یک میل سرمه که شراب یا مسکری
دیگر در آن باشد در چشم کند روز قیامت میلی از آتش در چشمش کند و هر کس
ترک کند نه برای خدا بلکه همچو این برای مصلحت خود خدای تعالی او را شکر شراب
کند و از رحیق مختوم بنوشاند که شرابیست خالص از شرابهای بهشت که خدای تعالی
سر شراب را با مشک مختوم ساخته و برای خواص خود مقرر فرموده و از حضرت
امام رضا علیه السلام را بشام بردند یزید علیه اللعنة قبحه العذاب فرمود که آن را در طشتی
گذاشته روپوشی بر آن انداختند و بر روی آن شطرنج می باخت و فقاع می آشامید
و درد جام را بر طشت بر زمین می ریخت پس هر کس شیعه ما باشد باید
از فقاع و شطرنج اجتناب کند و هر کس چون نظرش بر فقاع و شطرنج افتد
و بر یزید و آل یزید لعنت کند گناهانش همه آمرزیده شود اگر چه مثل ستاره
آسمان باشد و نیز مرویست که هر شب در ماه مبارک رمضان خدای تعالی
جمعی بسیار از آتش آزاد کند مگر کسی که افطار بر مسکری کند یا صاحب
شطرنج یا صاحب بدعتی باشد و هر چه بآن قمار کنند مثل آن بود
و شیخ صدوق رحمه الله در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته نزد شیعه
مراد از شطرنج و داشتن شطرنج کفر است و بازیش شرک و تعلیمش کبیره
موبقه و سلام بر کسی که بآن بازی میکند معصیت و نظر بر آلات آن مثل نظر بر
فرج مادر و هر چه بآن قمار کنند مثل این باشد حتی بازی انگشتر و گردکان
و غیر آن و هر کس صنج بزند شیطان با او رفیق شود و ملائکه بگریزند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که وقتی آدم علیه السلام رحلت

نمود

مرویست که چون سر مبارک امام حسین علیه السلام

نمود ابلیس و قابیل بر موت او شماتت نموده با هم اسباب لهو و لعب اختراع
کردند بعد از آن فرموده هر چه از این قبیل چیزها باشد که مردم از آن
ملتذ شوند مثل آن بود و در خانه کسی که چهل روز بربط نوازند شیطانی
قفندر نام برو مسلط گردد که هر عضو خود را بر عضوی از او گذارد و درو
بدمد و بعد از آن غیرت و حیا از او زایل شود تا حتی که زنانش زنا کنند
و پروا نکند و نواختن عود و امثال آن نفاق در دل رویاند چنانکه
آب گیاه را احادیث دیگر روایت شده که نکاح را بعلانیه کنید و در آن
دف بزنید و شنیدن آن لهو و غنا نیز نفاق رویاند چنانکه آب گیاه
و اهل این مجالس از معصیت ایمن نباشند و دعاشان مستجاب نشود
و خدای تعالی بر ایشان نظر نکند و فرشته داخل نشود و غنا از جمله
چیزهایست که خدای تعالی فرموده که برای اهل آن عذاب مهین مهیاست
و در بهشت درختیست که خدای تعالی بادها را امر کند که آن را حرکت دهد
پس نغمه کند که هیچ گوشی مثل آن نشنیده باشد مترنم شود برای جمعی که در دنیا
از غنا منزه باشند و کسی که اجتناب نکرده باشد از شنیدن آن محروم باشد
و نیز مرویست که کنیزکان مغنیه ملعونند و ملعونست کسی که از کسب ایشان بخورد
و بیعشان حرام و شرایشان حرام و تعلیمشان کفر و شنیدن از ایشان نفاق
و قیمتشان سحت است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده که گوش بهر
کسی که بدهی عبادت او کرده باشی پس اگر حق گوید و از خدا گوید عبادت
خدا کرده باشی و اگر باطل گوید از شیطان گوید عبادت شیطان و لحادث

بسیار نیز در مدح صوت حسن و ترتیل قرآن بصوت خوش و رخصت
ترنم وارد شده مثل آنکه خوب تحفه ای است صوت حسن و هیچ پیغمبری مبعوث
نشده مگر با آواز خوش و مثل آنکه ائمه علیهم السلام از همه ناس خوش آوازتر بودند و اگر
امام اندکی از حسن صوت خود اظهار کند هیچ کس تاب نمی‌آرد و حضرت
سجاد علیه السلام چون تلاوت قرآن می‌فرمودند مترددین از حسن صوتش
بیهوش می‌افتادند و مثل آنکه قرآن بحزن نازل گشته بحزن تلاوت
کنید و در قراءت قرآن ترجیع صوت کنید که خدای تعالی دوست می‌دارد
صوت حسن را که ترجیع و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند قرآن را
بالحان عرب بخوانید و بالحان اهل فسوق و کبایر مخوانید
و بعد از من جمعی بیایند که قرآن را بترجیع غنا و نوحه ترجیع کنند دلهای ایشان
و جمعی که ایشان را خوش دارند برگشته است و یکی از حضرت سجاد علیه السلام
سؤال نمود از خریدن جاریه خوش آواز فرمودند قصوری ندارد و اگر بخری
ترا بیاد بهشت اندازد و نیز اخبار بسیار وارد شده که باکی نیست در کسب
مغنیه که در عروسیها باشد در مثل زنها نیست که مردان بر ایشان وارد
شوند پس از مجموع این احادیث معلوم است که نغمه دو قسم است یکی
مذموم و حرام که غناست و توعیدات و عقوبات بر آن وارد شده دوم
ممدوح و حلال که مدایح و رخصت در شان آن آمده اما در تحقیق
معیار حلال و حرام اقوال مختلفه گفته‌اند تا آنچه این حقیر از ظاهر
قرآن مجید و مجموع احادیث وارده درین باب استنباط نموده این است

که معیار

که معیار حل و حرمت حق و باطل است یعنی هر نغمه و صوتی و تصنع
و تصرفی که سبب دوری و غفلت از خدا و رغبت بدنیا و هیجان شهوات
و لذات دنیوی و آرزوهای باطل و خیالهای فاسد و محالات باطل سبب
باشد مذموم و حرام است و هر چه منشا رقت قلب و اشک چشم و دلسردی
از دنیا و شهوات و شوق بآخرت و باقیات صالحات و محالات حقه سبب
باشد ممدوح و حلال است چنانکه بعضی احادیث مذکوره مثل امر بتلاوت
قرآن بحزن و محو بیهوش گشتن مردم از صوت امام علیه السلام و امر بالحان
عرب و نهی از الحان اهل فسوق و یاد آوردن بهشت و رخصت کسب مغنیه
در عروسی و ظاهر قرآن و سایر اخبار نیز غیر اینها مشعر است بر این از آن
جمله تعبیر از غنای حرام بلفظ لهو و لغو و قول زور کرده در قرآن بسیار
واقع شده از آن جمله اخبار بسیار که از ائمه اطهار علیهم السلام سؤال کردند
از غنا فرمودند روز قیامت که خدای تعالی حق و باطل را از هم جدا کند غنا
در کدام طرف باشد سایل گفت در طرف باطل فرمودند خود محاکمه نمودی
و از آن جمله که جمعی از امام علیه السلام از غنا سؤال نمودند فرمودند شما
اتقیای کرام باشید شما را با باطل چه کار است والله اعلم ثم الراسخون
فی العلم چون از آن جمله دانستی بدانکه آنچه در غنا گفته شد در ساز نتوان گفت
چنانکه بعضی ناقصان توهم می‌کنند زیرا که اصل ساز مطلقا در دین مبین
حرام است و هیچ یک از انواع آن از رخصتی نیست بخلاف آواز خوش که اصل
آن حرمتش ثابت نیست در اصل آن حلال و حرام هر دو هست چنانکه

احادیث مذکوره صحیحست در آن پس فرق میان حلال و حرام هر چه بر وجهی است
با آنچه گفته شد توان نمود و ایضا نیز باید دانست که صوتی که اصلش حلال است
کاهی بالعرض حرام شود مثل آنکه مقرون بساز و لهو باشد و نظیر آن طعام
حرام است که اصلش حلال است و بالعرض حرمت یافته حرام گشته و ایضا باید که
معیار شناختن صوت حلال و حرام نیست که در اکثر طبایع اول مرتبه بقبحش حکم
یا بطلان کند اگرچه کاهی در بعضی طبایع یا بسبب عادت بخلاف آن باشد چنانکه
معیار خوبی و بدی در طعوم و روایح اینست که اکثر طبایع را اول مرتبه خوش
آید یا بد آید و اگر کاهی بعضی طبایع را بر سبیل ندرت یا بعد از عادت از طعمی بد آید
خوش آید یا بد آید معتبر نباشد و الحمد لله رب العالمین و چون زنا شایع
شود موت فجاءة و اوجاع غریبه که قبل از آن در میان ایشان نبوده شایع
شود و زانی را خدای تعالی شش عقوبت کند سه در دنیا که نور از رویش
برود و بفقر مبتلا شود و اجلش نزدیک گردد و سه در آخرت غضب خدا
و سختی حساب و خلود در آتش و نیز مرویست که سیصد هزار در از جهنم بر او گشوده
شود که شعلهای آتش و عقارب و حیات از دوزخ آیند و عذابش کنند تا روز
قیامت و بعد از آن بدوزخ برند و چون روز قیامت زانیان محشور شوند
بوی در غایت عفونت از فرج ایشان آید که همه اهل محشر متاذی شوند و هیچ کس
نماند مگر که ایشان را لعن کند و هر کس با زن نامحرم مکالمه کند بهر یک کلمه که گوید
هزار سال در دوزخ محبوس گردد و اگر زن برغبت خود اطاعت کند هر چه در میان
ایشان بگذرد گناهش مثل گناه مرد باشد و اگر مجبور باشد گناه او و نیز مرد گشته

می شود

می شود و هر کس چشم از نگاه حرام پر کند خدای تعالی آن چشم را از آتش پر کند و هر کس
بزنی نامحرم در آویزد او را با شیطانی در زنجیر آتش کشند پس در آتش اندازند
و هر کس از زنان مردم عفیف باشد مردم نیز از زنان او عفیف باشند و
هر کس از عقب زنان مردم رود مردم نیز از عقب زنان او بروند و هر که با مردم
معامله کند با او چنان معامله کنند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
با فلان طایفه تزویج مکنید که مردانشان عفیف نیستند زنانشان بزنا خواهند
و هر کس را نظر بر زنی نامحرم افتد و چشم از او بگرداند هنوز چشم بر هم نزده
باشد خدای تعالی او را ایمانی عطا فرماید که لذتش در یابد و از حور العین
برایش تزویج نمایند و هر کس لواط کند با زنی حرام یا با مردی هیچ فریضه و نافله
از او مقبول نشود و از عفونت رایحه او اهل محشر متاذی باشند و کافر باشد
و بر استبرق و حریر بهشت نه نشیند کسی که با او لواط کند و هر کس مسلمی را عمدا
بناحق بکشد چنانست که جمیع ناس را کشته باشد و جزایش جهنم بود و خدای تعالی
مقتول را از همه گناهانش پاک کند و همه را بر قاتل نویسد و سرکش ترین مردم
از خدای تعالی کیست که کسی را بناحق بکشد یا بزند و اگر اهل سماوات
و ارض در قتل مسلمی شریک باشند و بآن راضی باشند خدای تعالی همه را
سر از زیر در دوزخ افکند و هر کس بکلمه اعانت قتل مسلمی کند روز قیامت مقتول
از او مطالبه خون کند و هر کس با مومنی در حاجتش رفاقت کند و بر آخر آنرا
در آن ملاحظه نکند با خدا و رسول و ائمه اطهار صلوات الله علیهم خیانت کرده
باشد و ایشان روز قیامت با او مخاصمت کنند و هر کس مباشر کاری برای مومنان

شود و آنرا ضایع کند خدای تعالی او را ضایع کند و هر کس والی طایفه جمعی شود
اگرچه بیش ده کس باشد و میان ایشان عدل نکند روز قیامت
سر و دست و پا بسته در سوراخ فاسی کرده بحشر آورند و هر والی که از
رعیت و حوایج ایشان رو پنهان کند خدای تعالی روز قیامت از و
و از حوایجش اعراض کند و اگر در کارسازی ایشان هدیه بگیرد خیانت
کرده باشد و اگر در حکم حق میان ایشان رشوه بگیرد مشرک باشد
و اول کسی که داخل جهنم شود پادشاه و حاکمیست که با رعیت عدالت نکند
و صاحب مالی که حق مال را ادا نکند و فقیری که فاجر باشد و هر کس بر کسی ظلم
کند خدای تعالی او را بعوض آن در نفسش یا در مالش یا در ولدش و یا در ولد ولدش
مواخذه نماید و ظلم در دنیا ظلمات است در آخرت و بر صراط بلیتیست که هر کس
با مظلمه از آن نتواند گذشت و هر کس مال کسی را بظلم و غصب بگیرد خدای
تعالی از و روی رحمت بگرداند و هیچ طاعت و حسنه از و قبول نفرماید و در
نامه عملش ثبت نکند تا آنکه توبه کند و هر که ظالمی را در ظلم معذور دارد و حمایت
کند خدای تعالی ظالمی را برو مسلط گرداند و در حالی که مظلوم باشد
دعایش مستجاب نشود و در آن ظلمی که برو می شود اجر نداشته باشد و هر کس
اعانت ظالمی کند در گناهش شریک باشد و با او محشور شود حتی کسی که لیقه
در دواتش کند قلمی برایش تراشد یا مرکبی بدهد و کسی که راضی بظلم باشد مثل
ظالم باشد و خدای تعالی در زمان پادشاهی جبار به پیغمبری وحی فرمود
که باین پادشاه بگو که من ترا پادشاه نکردم که خون مردم بریزی و مالشان

بگیری

بگیری بلکه ملک بتو داده ام که بداد مظلومان رسی و من از مظلمه ایشان
نخواهم گذشت اگرچه کافر باشند و هر کس سلطانی را بر جور دلالت کند
تا ظالمی را مستولی بظلم گرداند در دوزخ قرین هامان باشد و هر کس
صبح برخیزد و ظلم کسی در خاطر نداشته باشد گناهان آن روزش
آمرزیده می شود و هر کس با مخالفین و ظالمین معاشرت کند و ملازمت
ایشان نماید از خدای تعالی دور شود و هر چند با ایشان نزدیکتر از خدا
دورتر باشد و خدای تعالی ورع از دلش بیرون برد و چراغ ذکر دانش
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود حقست بر خدای تعالی
که شما را در آخرت با کسی محشور گرداند که در زندگانی با او کرده اید و کسی
از آنحضرت علیه السلام پرسید که شیعیان از پریشانی گاهی کارها مثل
بنای عمارت و حفر نهر و باغبانی برای مخالفین می کنند فرمود مکنید
و تمام اگر بمن دهند که برای ایشان سر کیسه ببندم و یا قلمی بنویسم که اعوان
ظالمین روز قیامت در سرپرده های آتش باشند تا وقتی که خدای میان
عباد حکم کند و هر کس صاحب سلطنتی را برای طمع مدح کند در جهنم قرین
او باشد و هر کس پیش صاحب سلطنتی یا مخالفی در دین برای طمع تذلل و
افتادگی کند خدای تعالی او را ذلیل گرداند و برکت از و بردارد و اگر
با آن مال حج یا عتق رقبه یا سایر بر کند اجری نیابد و از ایشان علیه السلام
روایات آمده که اگر مخالفین و اهل جور مالی بکسی رسد و اگر او در آن
سعی و تنزل کند حلال باشد و روایت دیگر آمده که مالی که از ایشان بخمس

محمد باقر

بدرستی که خمس آنرا بفقرای شیعه بدهید تتمه بر شما حلال باشد و کسی بخدمت
حضرت امام علیه السلام معروض داشت که مدتی در دیوان مخالفین حکومت
کرده ام هیچ کفاره داشته باشد فرمودند تا حق هر کس را بصاحبش نرسانی
و کسی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض نمود که من در دیوان بنی امیه
مدتی نویسنده بودم و مال بسیار از ایشان بدستم آمده که چشم از آنها خلاف
پوشیده ام فرمود اگر ایشان نویسنده و خدم و حشم نیابند کی بمادست
یابند و حق ما را غصب کنند گفت آنچه کرده ام مخرجی داشته باشد فرمود اگر
بگویم میکنی گفت بلی فرمود از هر چه در آن عمل تحصیل کرده بیرون آی
و هر کس را میشناسی حقش را بده و هر کس را نمیشناسی از ایشان تصدق کن من برای
تو ضامن بهشت شوم پس آن مرد رفت چنان کرد حتی لباسی که در بدن داشت
بیرون کرد تا آنکه آشنایان در میان خود برای او قوت و لباس توجیه کردند
و اندک وقتی بعد از آن بیمار شد یکی از اصحاب آنحضرت گوید بعیادتش
رفتم چشم باز کرد و گفت والله که آنحضرت بوعده خود وفا نمود و رحلت کرد
پس بخدمت آنحضرت رفتم همین که مرا دید گفت اگر کسی بملازمت مخالفین
و ظالمین مبتلا شود کفارهٔ اش آنست که قضای حوایج مؤمنین و رفع ظلم از ایشان
و ایصال نفع بایشان کند تا حسنه در برابر سیئه باشد و چون ترک امر بمعروف
و نهی منکر شایع شود خدای تعالی با ایشان محاربه کند و حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله علیه فرموده تمام اعمال بر و جهاد در راه خدا در پیش امر بمعروف
و نهی منکر مثل آبیست که کسی بر روی دریای عظیمی تف کند و افضل از کلمهٔ

نمود که والله که آنحضرت بوعده خود وفا نمود ... و هم از ایشان
علیه السلام در روایات آمده

حقست

حقست که در پیش جابر گفته شود و چون کیل و وزن نقصان کنند بفقر
و قحط و جور سلطان مبتلا شوند و چون منع زکوة کنند زمین خیرات
و برکات خود مثل زرع و ثمار و معادن کند و چون قطع رحم کنند اموال
بدست اشرار منتقل شود و هر کس صورت حیوانی بسازد در روز قیامت
خدای تعالی عذابش فرماید که در آن صورت روح بدمد و نتواند و فرقی
که در میان سایه دار و غیر آن مشهور است اصلش در حدیث معلوم نیست
و هر کس غضب بر او مستولی باشد ربقهٔ اسلام از او منخلع بود و با اعراب جاهلیت
محشور شود و هر کس نگاهی از روی غضب بمؤمنی کند که او را بترساند خدای
تعالی بغضب خود او را بترساند و هر کس یک ذره کبر در دلش باشد داخل بهشت
نشود و متکبران روز قیامت بصورت مور محشور شوند و اهل محشر
پا بر ایشان گذارند و پایمال باشند تا خدای تعالی از حساب خلایق فارغ
شود و در جهنم موضعیست برای متکبران که سقر نام آنست از شدت حرارت
شکایت کرد و اذن خواست نفسی کشید از نفس او تمام جهنم سوخت و بغی
و سرکشی صاحب خود را میکشد تا جهنم ابلیس بغی بود و گفت بغی و حسد در میان
ایشان افکند که برادرانست باشد را چیز بغی و زیادتی بر چیزی نکنند مگر آنکه خدای تعالی
ذلیلش گرداند و حسد ایمان را بسوزد چنانکه آتش هیمه را و هر کس بقدر خردلی
عصبیت در دلش باشد با کفار جاهلیت محشور شود و هر کس تعصب کند ربقهٔ
ایمان از گردنش منخلع شود و از آفت افتخار است روزی کسی در خدمت حضرت
امام محمد باقر علیه السلام میگفت من فلانم و صاحب حسب عالی و در قوم خود بزرگ و عزیزم

فرمود حضرت حبیب عالم که خدای تعالی بایمان بلند گردانید هر که مؤمن باشد
و بکفر ذلیل گردانید هر که کافر باشد و هیچ کس را بر کسی فضلی نبود مگر بتقوی و هر
کس با مردم دورو و دو زبان معاشرت کند روز قیامت او را دو زبان از آتش
باشد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود اگر نه مکر و خدعه در جهنم می بود من
از همه کس مکارتر می بودم و مرویست که همین عیب بس است آدمی را که عیوب مردم را
بیند و از عیوب خود چشم پوشد و عیب کند دیگری را بر صفتی که خود ترک
آن نتواند و همنشین را بی سبب برنجاند و نیز دیگر بدترین صفات بجز آنست
که عیوب و خطاهای مؤمن را حفظ کنی تا روزی بر آن سرزنش و تعییر کنی
و تعییرش کنی و هر کس در پی عیوب مسلمین باشد خدای تعالی در پی عیوب او باشد
تا رسوایش کند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود جمعی عیوب بسیار داشتند
چون از عیوب مردم خاموش بودند خدای تعالی مردم را از عیوب ایشان
خاموش کرد تا آنکه مردند و عیبی از ایشان در میان مردم نبود و جمعی دیگر
هیچ عیب نداشتند عیب گوی مردم کردند خدای تعالی عیب چند از ایشان ظاهر
فرمود که بر زبانهای مردم افتاد تا از دنیا رفتند و هر کس بدی و معصیتی
از کسی افشا کند چنانست که خود آنرا کرده باشد و هر کس مؤمنی را سرزنش کند
مرویست که مؤمن از نور عظمت و جلال خدا مخلوق گشته هر کس بر او طعن و رد
کند بر خدا رد کرده باشد و شریک شیطان باشد و مرویست که اگر کسی غیر مؤمن
طعن کند به بدترین وجهی بمیرد و هر که از مؤمن چیزی روایت کند که باعث
خفت او باشد خدای تعالی او را از ولایت خود بیرون کند بولایت شیطان

وشیطان

و شیطان نیز قبولش نکند و هر کس در معصیت مؤمن شماتت کند از دنیا
نرود تا بآن مبتلا شود و هر کس مؤمنی را غیبت کند چنانست که گوشت
میته او را بخورد و روز قیامت از دهنش بوئی آید بدتر از بوی جیفه که اهل
محشر همه از آن متأذی شوند و از جمله آنان باشد که خدای تعالی فرموده
جمعی که می خواهند معصیت در میان مؤمنان شایع شود بعذاب
الیم معذب باشند و هر کس غیبت مؤمن بشنود و قادر بر اعانت آن باشد
و نکند خدای تعالی در دنیا و آخرت ذلیلش گرداند و اعانتش نکند
و گناهش هفتاد مرتبه مثل کسی باشد که غیبت کرده و اگر اعانتش کند
و غیبت را از او دفع کند خدای تعالی هزار نوع بدی در دنیا و آخرت
از او دفع کند خدای تعالی هزار نوع نیکی در دنیا و از آتش آزادش
گرداند و غیبت آنست که صفتی را که در او باشد و او خود پنهان دارد
و مردم ندانند ذکر کند و اگر خود پنهان ندارد غیبت نباشد و اگر آن
صفت در او نباشد بهتان باشد و هر کس مؤمن یا مؤمنه را بهتان کند
روز قیامت بر سر تلی از آتش نگاهش دارند تا آنکه از گناه پاک شود
و بهشت حرام است بر کسی که غیبت مؤمنان گوید و سخن چینی کند میان
ایشان فتنه افکند جهنم را گویا در جهنم برند و از جهنم بیاشامند که اهل
جهنم از ناله و فغان ایشان زاری کنند و گویند اینان چه کسانند که ما را
با این همه عذاب آزار می کنند پس با ایشان گویند آنکه در تابوت آتش و بجنب
کسی است که اموال مردم بر گردنش بود و ادا نکرده و اراده ادا کردن هم نداشته

وانکه دردها دنش گداخته وروان شده از بول اجتناب وصلاة نکرده
وانکه چرک وخون از دهنش روانست سخن مردم حکایت میکرد ومیان ایشان
فتنه می انگیخت وانکه گوشت خود را میخورد غیبت ونمامی میکرد وهر کس
با مؤمنان بدگمان باشد ایمان در دلش بگدازد مثل نمک در آب وهر کس
مؤمنی را از حاکم بترساند واز آن حاکم ضرری باو برسد جزایش جهنم باشد
واگر ضرر برسد با فرعون وآل فرعون در جهنم باشد واگر تازیانه بر مؤمنی
زند خدای تعالی تازیانه از آتش برو زند واگر طپانچه زند روز قیامت
اعضایش از هم جدا گشته غل بر دستهایش گذاشته محشور شود تا بجهنم
رود مگر آنکه توبه کند وهر کس تازیانه یا چوبی در دست گیرد وپیش حاکم
جابر بایستد وخدای تعالی آنرا اژدهایی کند که طولش هشتاد ذراع
باشد در روز قیامت برو مسلط کرده اند وخدای تعالی عزیز بوده هر کس
متعرض قسمهای دروغ شود از رحمت من بی نصیب باشد وهیچ کس را
نرسد قسم بغیر خدای تعالی خورد وقسم بخدای تعالی نیز برای هر مطلب
سهل اگرچه راست باشد نشاید خورد که موجب استخفاف بعظمت
آنجناب است تعالی عن ذلک وهر کس حق مؤمنی را حبس کند وبی عذر تاخیر
نماید برکت رزق برو حرام شود وهر یک روز که تاخیر کند مثل وزر عشاری
برو نویسند روز قیامت پانصد سال او را بر پای دارند تا رود از عرق [illegible]
روان شود ومنادی ندا کند که اینست ظالمی که حق مؤمن را حبس کرده
پس چهل روز بویخش کنند پس با آتش امر فرمایند وهر کس نیت اداء دین

مؤمن

مؤمن نداشته باشد مثل دزد وحرامی بود وهمچنین کسی که ترک
زکوة کند وکسی که مهر زنان را ببرد وکسی که نیت ادای دین داشته
باشد دو ملک از جانب خدا برو موکل شوند که محافظتش کنند واعانتش
نمایند واگر نیتش ادای دین کوتاهی کند ملکین نیز بقدر آن در
اعانتش کوتاهی کنند وچون کسی در راه خدا کشته شود قطره اول
که از خونش بریزد کفاره همه گناهانش باشد مگر دین که کفاره ندارد مگر
ادای آن یا آنکه صاحب حق حلالش بکند یا کسی بعهده خود کرد وصاحب حق
راضی بآن شود وهر صاحب حقی که طلبکارش از پیش او راضی برگردد دواب
زمین وماهی دریا برو صلوات فرستند واگر آزرده برگردد وحال آنکه قادر
باشد هر شبانه روز که حق او را حبس کند ظلمی برو نوشته شود ورضای طلبکار
اینست که اگر مقدور باشد حقش ادا کند واگر مقدور نباشد بملایمت
وهمواری عذر خواهی کند وهر کس بر اجیر در اجرتش ظلم کند بوی بهشت
برو حرام شود وهر که اجیر را از نماز جمعه منع کند گناهانش برو باشد واگر
مانعش نشود در ثوابش شریک باشد ودر اجرت دادن اجیر تعجیل باید نمود
مرویست که هنوز عرقش خشک نشده باشد که اجرتش را بدهید وپیش از آنکه
اجرتش را مقاطعه کنید کار بنمایید فرمود هر چند گوید هر چه بدهید راضیم
ومضایقه ندارم وتاکید بلیغ درین وارد شده وهر کس شهادت ناحق دهد
با منافقین در درک اسفل جهنم زبانش را ببرند وهر کس کتمان شهادت
کند خدای تعالی در میان اهل محشر گوشتش را باو بخورانند وزبان خود را

می خوابیده باشد تا بجهنم رود و خوردن گل مورث حکمرانست و تهیج سودا
کند و قوت ساق و قدم ببرد و از عبادانی که پیش از این می کرد هرچه درین
وقت بسبب ضعف نقصان یابد بدان حساب و عذاب کند و هر کس در معصیت
خالق اطاعت مخلوق کند و رضای او جوید از دین خدا بیرون رود
و خدای تعالی چنانست که هر کس معصیت میکرد مؤمن تیز کند و مؤمن گناه
کند بهتر است از آنکه بعمل و عبادت معجب و مغرور شود اگر نه چنین بودی خدای تعالی
هرگز مؤمن را بگناه مبتلا نکردی و حضرت امام علیه السلام فرمود عابدی
و فاسقی باهم بمسجد رفتند چون بیرون آمدند عابد فاسق و فاسق
صدیق بود زیرا که عابد بعبادت خود مغرور و معجب و فاسق از معصیت
خود ترسان و پشیمان بود و استغفار می نمود و نیز فرمود عالمی از عابدی
پرسید که عبادت تو چونست گفت کسی از مثل منی سؤال عبادت کند
من چندین سالست عبادت کنم پرسید که گریه ات چونست گفت از خشیت الله
عالم گفت اگر خندان و ترسان و با صلاح می بودی بهتر از آن بود که مشعوف
و گریان باشی که چون کسی بعمل خود مشعوف و از خود راضی باشد هیچ
عمل از و مقبول نشود این بود ذکر بعضی معاصی و رذایل آن و بعضی
نیز در فصول سابقه گذشت و بعضی نیز در مباحث خود انشاء الله بیاید
نعوذ بالله برحمة الله من جمیعها **فصل چهارم** در دوای معاصی
و سیئات مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام هر علتی را دوا ایست
و دوای ذنوب استغفارات و استغفار بهترین دعاها است گناهان را

بریزد

بریزد مثل برگ از درخت هر کس استغفار بسیار کند نامه عملش با نور آید
و درخشان بالا برند خوشا کسی که روز قیامت در نامه عملش دریابی
هر گناهی استغفاری کند کسی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض نمود که مرا
چیزی تعلیم فرمای که چون بآن عمل کنم در دنیا و آخرت با شما باشم فرمود
آنانکه گناه بسیار بخوان و لبت را باستغفار تر و تازه دار و نیز
از ایشان علیهم السلام مرویست که هیچ شفیعی بهتر از توبه نیست کسی که از گناه
توبه کند چنانست که گناه نکرده باشد و خدای تعالی از توبه بنده خود
بیشتر از آن فرحناک و شادمان شود که کسی در شب تاریک زاد و راحله
خود را گم کرده باشد و بیابد و کسی که توبه نصوح کند یعنی بعد از آن توبه هرگز عود ننماید
خدای تعالی او را دوست دارد و برحمت خود بپوشد و گناهانش را پوشیده
دارند تا روز قیامت هیچ چیز شهادت بر گناه او ندهد و اگر بر گناه مصر
باشد و توبه نکند و استغفار بسیار کرده باشد چنانست که بخدای
تعالی استهزا کرده باشد و خدای تعالی سه نعمت بتوبه کنندگان عطا فرموده
که اگر یکی از آن بتمام اهل آسمان و زمین عطا نمودی همه نجات می یافتند
یکی آنکه ایشان را دوست داشته و هر کس را خدا دوست دارد عذاب نکند
دوم ملائکه و حمله عرش را فرموده برای ایشان استغفار کنند و دعای
ایشان را البته اجابت فرماید سیم آنکه وعده فرموده که سیئاتشان را بحسنات
بدل فرماید و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس را گناهی مقدور شود
پس خدا را بیاد آورد و از ملائکه کاتبین شرم کند و آنرا ترک کند گناهش

از یاد ملکین بیرون برد و با
اعضایش و بمکانی که گناه کرده
امر فرماید تا گناهانش را بپوشد

[illegible]

امرزیده شود اگرچه مثل گناه تمام جن وانس باشد وهر کس معصیتی کند پس
در دل از خدای تعالی بترسد وبداند که خدا قادرست بر عقوبت گناهش او را
بیامرزد وپیش از آنکه استغفار کند وچون مومن گناه کند آنرا فراموش
نکند اگرچه بعد از بیست سال باشد بیاد آرد واستغفار کند امرزیده
شود وچون کافر گناه کند مهر وا کند وفراموش کند حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام فرموده باشد که خدای تعالی بیک گناه بنده را
بهشت برد کسی پرسید یا حضرت چون شود که گناه موجب بهشت باشد
فرمود گناه کند وپشیمان شود وهمیشه ترسان باشد وبا خود دشمن شود
وخود را عتاب وتوبیخ کند پس خدای تعالی بر او ترحم کند وبهشت برد
وهم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر چیز کیل ووزن دارد مگر گریه
که یک قطره اشک دریاهای آتش را فرو نشاند واگر کسی بر امتی گریه کند
خدای تعالی بگریه او بر آن امت رحم فرماید واگر اشک در چشم تر شود
غبار مذلت بر آن رو ننشیند واگر روان شود خدای تعالی بدن او را
بر آتش حرام کند بهر یک قطره مثل کوه احد کرامت فرماید وبهر قطره
در بهشت چشمه آب عطا نماید که در اطراف آن شهرها وقصرها باشد
که هیچ چشمی ندیده وهیچ گوشی نشنیده وبخاطر هیچ کس نگذشته باشد وهیچ قطره
پیش خدا دوستر از دو قطره نیست قطره خونی که در راه خدا بریزد وقطره
اشکی که در شب تاریک از ترس او بچکد وهر چشمی روز قیامت گریان باشد
مگر سه چشم چشمی که از ترس خدا گریسته وچشمی که در طاعت او بیخوابی کشیده

وچشمی

وچشمی که از حرام پوشیده باشد جمعی که از ترس خدا بگریند مقامشان رفیع
اعلی باشد که هیچ کس با ایشان در آنجا شریک نشود حضرت پیغمبر بحضرت
امیر المومنین صلوات الله علیهما وآلهما الطاهرین فرمود چند چیز ترا
وصیت میکنم محافظت نمای واز آنجمله فرمود از ترس خدا گریه بسیار کن
که بهر قطره هزار خانه در بهشت عطا فرماید وهم از ایشان علیهم السلم
مرویست که اگر کسی تمام روزی چهل کبیره از و صادر شود پشیمان شود
بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم بدیع السموات والارض
ذو الجلال والاکرام واساله ان یصلی علی محمد وآل محمد وان
یتوب علی همه گناهانش امرزیده شود وخبری دیگر که یک روز زیاده
از چهل کبیره کند واگر کسی که هر روز صد مرتبه استغفر الله بگوید هفتصد
گناهش امرزیده شود وکسی که هر روز زیاده از هفتصد گناه کند
خیری در و نبود ونیز مرویست که هر کس بگوید استغفر الله الذی
لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه گناهش آمرزیده شود اگرچه
فرار از زحف نموده باشد یعنی از جهاد گریخته باشد که اعظم
کبایرست ونیز مرویست که هر کس بگوید اللهم اغفر لی انه لا یغفر
الذنوب الا انت خدای تعالی فرماید ای ملایکه بنده من میداند
که گناهش را غیر من کسی نیامرزد گواه باشید که او را امرزیدم کسی
در خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله از بسیاری گناه شکایت
کرد فرمود سجده بسیار کن که سجده گناه را میریزد چنانکه باد برگ را

از درخت وروایت دیگر آمده که بیک سجده خطیئه محو شود و درخت بلند گردد
مرویست که کسی در حضور حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه گفت استغفر الله
آنحضرت فرمود مادرت بر تو بگرید هیچ میدانی استغفار کدام است استغفار
شش شرط دارد اول آنکه از کرده پشیمان باشی دوم آنکه عزم داشته باشی که
دیگر رجوع نکنی سیم آنکه حقوق مردم را ادا نمائی تا هیچ کس پیش تو مظلمه نباشد
چهارم آنکه هر فریضه که در آن تقصیر کرده تلافی کنی پنجم آنکه گوشتی که از حرام
در بدنت رسته بغم و اندوه بگذاری تا پوست بر استخوان چسبد و در آن
میان گوشت تازه بروید ششم آنکه بدن را الم و مشقت طاعت بچشانی چنانکه
لذت و راحت معصیت چشانیده چون باین شرایط عمل کنی استغفار کرده
باشی و باید دانست که اگر گناه حق الناس باشد استغفار و توبه تنها
کافی نیست چنانکه چند حدیث باین معنی در فصل سابق گذشت که فرمودند
که اموال مردم کفاره ندارد مگر آنکه هر که را میشناسی حقش را برسانی و هر که را
نمیشناسی از جانب او تصدق کنی ونیز کسی از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم پرسید که اگر کسی با جاره دیگری زنا کند توبه اش چیست فرمود
آنکه دیگر این عمل نکند و از صاحب جاریه معذرت خواهد و التماس
کند که او را حلال نماید گفت اگر حلال نکند چون باشد فرمود زانی و خائن
باشد گفت پس بجهنم خواهد رفت فرمود شفاعت پیغمبر صلی الله علیه وآله
و شفاعت ما همه گناهان شما را فرا گیرد اما تکیه بر شفاعت مکنید که چون
کسی این عمل کند والله که تا الم و عذاب و هول جهنم نچشد شفاعت او را

در نیابد

در نیابد و امثال این احادیث بسیار روایت شده ونیز مرویست
که اگر کسی تلافی ظلمی که کرده نتواند برای مظلوم استغفار و طلب آمرزش
کند کفاره آن باشد و اگر کسی را غیبت کرده باشد هر مرتبه که بخاطر
رسد برای او استغفار کند کفاره آن باشد و حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه فرمود بسا کسی که طلب توبه کند و دستش بآن نرسد بهتر
آنست که ترک گناه کنی و از بیم توبه فارغ باشی و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم باب دوم در تنظیف بدن و جامه از کثافات
و نجاسات ظاهری و تطهیر جسد و دل از کدورات و احداث
باطنی و این مجموع ان شاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول
در فضیلت نظافت از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویست
که فرمود پاک کنید بدن و جامه را از بوی بد که خدای تعالی دشمن دارد
کثافت و بوی بد را ونیز فرموده شستن جامه اندوه را می برد و جامه را برای
نماز پاک میکند و از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست
که پاک کردن جامه و بدن از کثافات از جمله اخلاق انبیاست فصل دوم
در آداب حمام رفتن و آنچه در آنجا باید بجا آورد از اهل بیت عصمت علیهم السلام
مرویست که چون داخل حمام شوی پای چپ پیش گذار و بگوی بسم الله و
بگوی اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم و هر کاری
که در حمام یا غیر حمام کنی از نشستن و برخاستن و غیر آن هر چه باشد
بسم الله بگوی تا از شرکت شیطان ایمن شوی و در وقت غروب آفتاب

ومیان نماز شام وخفتن بحمام نباید رفت که شیطان علیه اللعنه درین
دو وقت در زمین متفرق باشند وچون خواهی جامه بیرون کنی بگو اللهم
انزع عنی ربقة النفاق وثبتنی علی الایمان وباید از رستن تا عورت
پوشیده باشد از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله مرویست که هرکس
ایمان بخدا وروز آخرت دارد باید بی ازار داخل حمام نشود واز حضرت
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه روایت شده که چون برهنه شوید عورت را
بپوشید تا شیطان نظر بکند وطمع نماید وچون بخانه اول حمام روی
بگوی اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی واستعیذ بک من اذاه وچون
بخانه دوم روی بگوی اللهم اذهب عنی الرجس النجس وطهر جسدی
وقلبی وقدری اب گرم برسر ریزد وقدری نیز بر پای ریزد واگر توانی جرعه
بنوشد که مثانه را پاک سازد وطراوت بجمال بیفزاید والم از بدن
بیرون برد ودرین اندکی توقف کند وچون بخانه سیم روی بگوی نعوذ
بالله من النار ونساله الجنة وتا هنگامی که در حمام باشی مکرر همین را
بگوی ودر حمام اب سرد ننوشد که معده را فاسد کرداند وسفال بر بدن
نمالد که پیسی می ارد وبر پای نمالد که مورث جذام باشد وفوطه حمام
بر روی نمالد که ابرو می برد وگل مصر بر سر نمالد که بی غیرت ودیوث
کند ودر حوضی که مظنه آمدن مخالفین مذهب وزناکنندگان وامثال
ایشان باشد نرود که باعث جذام شود وشانه بر موی نزند که موی تنک
شود وبدن را بکیسه ومانند آن پاک کند ویکروز درمیان بحمام رفتن بدن را

فربه کند وهر روز

فربه کند وهر روز رفتن مورث سل باشد وبی فوطه قرآن نخوانند
اما اگر عورت پوشیده باشد قصوری ندارد وبی فوطه بآب نرود
که در آب بلا بگیرد باشد وچون خواهد بحمام رود اندک چیزی تناول کند
که صفرا وحرارت غلبه نکند اما شکم پر نباشد که مزاج وبدن ضعیف
شود وگاه باشد که بیم هلاک باشد ونظر بر عورت مسلمانان نکنند
وفوطه نگشاید که مردم عورت او را ببینند که این هر دو ملعون
باشند وهرکس نظر بعورت مسلم کند هفتاد هزار ملک لعنت کنند وفرزند
باید بحمام نرود که مبادا عورت او را ببیند ودر حمام مسواک نکند
که دندان ضعیف وبیقوت شود ومستحبست نوره مالیدن وتاکید
بسیار در آن وارد شده شیطان را دور کند وآفات وامراض دفع
نماید وبدن از کثافت وچرک وبوی بد پاک شود واز جمله اخلاق
انبیاست علیهم السلم وسنت است که هر دو هفته نوره بکار برد ویک
هفته و بیست روز نیز روایت بسیار شده واگر بیست روز بگذرد و پول
نداشته باشد قرض کند که ادای قرض بر خدای تعالی است وزیاده از یک
ماه ترک نوره نباید کرد که فضل وثواب نماز بسیار کم شود تا آنکه گویا
نماز نکرده باشد وروایت شده که هرکس ایمان بخدا وروز قیامت
دارد موی زهار را بیش از چهل روز نگذارد وافضل باشد وکندن آن چشم
وشانه را ضعیف کند وموی بغل را دراز نکند که شیطان علیه اللعنه در آن
پنهان شود وچون خواهد نوره بکار برد اول انگشت برد وبوید

[illegible]

وبوی بینی کناد دو بگوید اللّهم ارحم سلیمان بن داود کما امرنا بالنورة
تا بدن را نور انند و چون نوره کند دیگر بگوید اللّهم طیّب و طهّر
منّی و طهّر ما طاب منّی و ابدلنی شعرا لا یعصیک اللّهم انی تطهّرت
ابتغاء سنة المرسلین و ابتغاء رضوانک و مغفرتک فحرّم شعری و بشری
علی النار و طهّر خلقی و طیّب خلقی و زکّ عملی و اجعلنی ممن یلقاک
علی الحنیفیة السمحة ملّة ابراهیم خلیلک و دین محمد صلی الله علیه و آله
حبیبک و رسولک عاملا بشرایعک تابعا لسنة نبیّک آخذا به متأدّبا
بحسن تأدیبک و تأدیب اولیائک الذین غذوتهم بادبک و زرعت
الحکمة فی صدورهم و جعلتهم معادن لحکمتک صلواتک علیهم و هرکه
این دعا بخواند پاک کرداند او را خدای تعالی در دنیا از کدورتها
و عیبها و کناهها و بدل کند موی او را بموی که کناه نکند و بعدد هر موی که
در بدن او باشد فرشته بیافریند که خدا را تسبیح کند تا روز قیامت و نواب
آن همه از آن کس باشد و هر یک تسبیح ملائکه برابر است با هزار تسبیح اهل زمین
و تا مدتی که نوره در بدن باشد بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله که بدن
نسوزد و روز چهارشنبه نوره نکذارد که روز نحس است و بیم برص باشد
و روز جمعه نیز در حدیث آمده که روز جمعه روز طهور است که کدام طهور بهتر از
نوره است و حدیث دیگر آمده که بعد از نوره حنا بر بدن مالد دفع مضرت آن
کند و چون نوره در بدن باشد نشاید نشستن که علت فتق بهم رسد و بعد از
نوره تمام بدن را از سر تا پا حنا بالد که حنا بعد از نوره دفع پریشانی و دیوانگی و پیسی

وجذام

وجذام کند و بوی عرق ببرد و رفع علت آکله نماید و اکله بفتح الف و کسر خین
که در عضو حادث شود کوشت آن عضو را بخورد و بکسر الف خاریدن
بدن را کویند و امام علیه السلام داند که درین مقام کدام مراد باشد و مستحبست
در هر هفته سر تراشیدن و موی را از بیخ باید کرفت که چرک و شپش کم شود
و کردن قوی کردد و چشم جلا یابد و جمال بیفزاید و ابتدا از پیش سر بجانب
راست نماید و بگوید بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله
علیه و آله اللّهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیمة و چون
فارغ شود بگوید اللّهم زیّنی بالتقوی و جنّبنی الردی و هر هفته
ناخن چیدن سنت است که امان است از پیسی و دیوانگی و رفع پریشانی کند و
روزی زیاد شود و کثافت پاک کند مرویست که هر کس در روز
جمعه شارب بگیرد و ناخن بچیند و سر بخطمی بشوید همچنان است که بنده
آزاد کرده و با برک سدر سر بشوید کرد لکری ببرد و روزی بیفزاید
و خدای تعالی هفتاد روز وسوسه شیطان از او دور کند و کناه نکند
و هر کس کناه نکند به بهشت رود و چون از حمام بیرون آید آب سرد بر پای
ریزد که کوفت در ماندکی را از بدن بیرون کند و سر را بپوشد خواه
زمستان باشد و خواه تابستان که امان است از درد سر و چون جامه
پوشد بگوید اللّهم اکسنی التقوی و جنّبنی الردی و اول پیراهن بپوشد
و چون زیر جامه بپوشد اللّهم استر عورتی و اعفف فرجی و لا تجعل
للشیطان فی ذلک نصیبا و لا له الی ذلک وصولا فیصنع فی المکاید

وبهجتی لا زکان محارمك وایستاده زیر جامه بپوشد که سورش غم
باشد وروی بقبله ودو با دم بپوشد وچون عمامه بر سر نهد یا انگشتری
در دست کند بگوید که اللهم سومنی بسیماء الایمان وتوجنی بتاج الکرامة
وقلدنی حبل الاسلام ولا تخلع ربقة الایمان من عنقی
وچون کسی که از حمام بر آمده باشد تحیت کنی بگوی که طهر ما طاب
منك وطاب ما طهر منك واگر کسی ترا تحیت کند بگوی انعم الله
بالك **فصل پنجم** در فضیلت شارب گرفتن وناخن چیدن وآداب
آن ماثور است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر جمعه شارب گرفتن
وناخن چیدن امان است از دیوانگی وپیسی وجذام ودفع پریشانی کند
وروزی بیفزاید وتا جمعه دیگر پاکیزه باشد واگر ناخن دراز نباشد
بدم کارد بساید روایت شده که شخصی بحضرت امام جعفر علیه السلام
گفت مردم روایت می کنند که بعد از نماز صبح بر جای نماز نشستن تا طلوع
آفتاب بهتر است برای زیادی روزی از مسافرت وتجارت نمودن فرمود
ناخن وشارب گرفتن در هر جمعه بهتر است مرویست که چند روز وحی
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله نیامد اصحاب از سبب آن سؤال کردند فرمود
چون وحی بمن محبوس نشود وحال آنکه شما ناخن نمی گیرید وبندهای
انگشتان از کثافت پاك نمی کنید روایت شده که پنهان ترین جاها
که شیطان در آن پنهان شود وآدمی را وسوسه کند زیر ناخنهاست ولهذا
در آن فراموشی آرد آنحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله مرویست که هر کس شارب بگیرد

از ما نباشد

از ما نباشد وشارب دراز می کند که شیطان پنهان شود وناخن وشارب
گرفتن در روز جمعه وپنجشنبه امانست از درد دندان ودرد چشم وناخن
چیدن در روز جمعه امانست از ریش شدن پشت ناخنها واز درد روز
پنجشنبه امانست از درد چشم فرزند واگر روز پنجشنبه ناخن بگیرد ویك
ناخن برای روز جمعه بگذارد خدای تعالی پریشانی از و دفع کند ودر روایتی
دیگر آمده که روز سه شنبه ناخن بچینید وچهارشنبه بحمام روید وپنجشنبه
حجامت کنید وجمعه بوی خوش بکار برید کسی پرسید از حضرت صادق
صلوات الله علیه که مردم می گویند ناخن وشارب در غیر جمعه نباید گرفت
فرمود سبحان الله هر روز که در آن نمو دیگر بجمعه باشد یا روز دیگر
ومردان ناخن را بیخ بگیرند وزنان اندکی بگذارند روایت شده
که برای زینت ایشان بهتر است وهر کس روز جمعه ناخن وشارب بگیرد و
بگوید بسم الله وبالله وعلی سنة محمد وآل محمد صلوات الله علیهم
هر ریزه ناخن ومویی که جدا شود همچنان است که بنده آزاد کرده
باشد وهیچ بیماری بجز که در آن موت او مقدر شده باشد وهر کس روز
چهارشنبه ناخن بگیرد وابتدا از انگشت کوچك راست واختتام بانگشت
کوچك چپ نماید چشمش درد نکند از حضرت پیغمبر صلوات الله علیه وآله مرویست
که در ناخن چیدن ابتدا از انگشت شهادت دست راست کنید وبعد از
انگشت میان وهمچنین بترتیب تا ختم انگشت بزرگ کوچك
وبعد از ان انگشت کوچك چپ وپهلوی او وهمچنین بترتیب تا ختم

انگشت بزرگ راست شود و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
مرویست که اول انگشت کوچک راست بعد از آن انگشت میان بعد از آن
بزرگ بعد از آن پهلوی کوچک بعد از آن سبابه و دست چپ اول
انگشت بزرگ بعد از آن میان بعد از آن کوچک بعد از آن
سبابه بعد از آن پهلوی کوچک و سنت است شارب را بسیار گرفتن
تا آنکه برابر لب شود و ریش را بسیار نگرفتن مرویست که مجوسان
شارب را دراز کنند و ریش را بسیار بگیرند شما عکس آن کنید تا با ایشان
شبیه نشوید و اینکه مشهور است استحباب گفته برای ریش اصل این
از احادیث معلوم نیست بلکه در حدیث همین قدر هست که
زیاده از قبضه نباشد که زیادی در آتش باشد و موی سفید از ریش
کندن مکروه است روایت شده که موی سفید در اسلام نور است
در روز قیامت و گرفتن موی بینی جمال بیفزاید و نباید کندن که آن خشم را
ضعیف کند و مستحب است دفن کردن ناخن و موی از هر جا که باشد
و خون در خاک **فصل چهارم** در فضایل خضاب و آنچه متعلق است
بآن از آداب از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست
که یک درهم که صرف خضاب شود افضل است از هزار درهم که در راه خدا
صرف شود و چهارده خصلت در خضاب است ریح دماغ ببرد
و پرده چشم جلا دهد و دماغ را ملایم کند و بوی دهن خوش کند و گوشت
دندان سخت کند و بیماری و لاغری ببرد و وسوسه شیطان کم کند

وملایکه

و ملائکه خشنود شوند و مؤمنان را خوش آید و کافران غمناک کنند و زینت
بیفزاید و خوشبوی باشد و امان از عذاب قبر بود و منکر و نکیر از وی شرم
دارند و در روایت دیگر آمده که آبروی بیفزاید و باه قوت دهد و فرزند را
نیکو کند و خضاب کردن ریش بحنا نور است و اسلام بسیاهی نور و
اسلام و ایمان و موجب عیب دشمنان و محبت زنان باشد و مستحب است
که زنان سر را خضاب کنند و حیض بسته را بگشاید و دست باید از حنا
خالی نباشد اگر چه همین بمالیدن تنها خواه شوهر داشته باشد برای
زینت و اگر نداشته باشد یا پیر باشد برای آنکه دست ایشان شبیه دست
مردان نشود اما استحباب خضاب دست برای مردان چنانکه مشهور است
از احادیث معلوم نیست بلکه از بعضی احادیث استشمام کراهت آن می شود
چنانکه از حدیث مذکور و حدیث دیگر روایت شده که مردی دست را
خضاب کرده بخدمت یکی از حضرات ائمه طاهرین علیهم السلام رفت
حضرت فرمود اگر خدای تعالی دست ترا باین رنگ خلق میکرد
ترا خوش می آمد گفت نه فرمود پس این چه عیب داشت که چنین کردی
و جنب و حایض نشاید که خضاب کنند تا شیطان بر ایشان دست
نیابد **فصل پنجم** در فضایل موی شانه کردن و آداب آن از اهل
بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که موی را یا نگاه مدارید یا نیکو
نگاه دارید و هر وقت نماز مستحب است شانه کردن و شانه کردن ریش
و دندان را محکم کند و بسیار شانه کردن از سر تب ببرد و روزی بیفزاید

وقوت مباشرت زیاد کند و شانه از استخوان شانه کردن ریش بر سر را سخون

شانه کردن موی سر بر ویاند و کرم دماغ ببرد و نشسته شانه کند که قوت دل

باشد و ایستاده نباشد که ضعف دل آرد و شانه کردن بعد از هر وضو بر شانی

ببرد و چون سر و ریش شانه کند بسینه فرود آرد دلگیری و تب ببرد و چون

هفتاد مرتبه شانه بر ریش زند و یک یک بشمرد چهل روز شیطان نزدیک

او نشود و شانه را بدست راست گیرد و بگوید اللهم سرح عني الهموم و

الغموم و وحشة الصدور و وسوسة الشيطان و سوره الم

نشرح لک و قل هو الله بخواند و چون فارغ شود بگوید سبحان

من زين الرجال باللحى والنساء بالذوائب **فصل ششم** در فضل

سرمه کشیدن و آینه گرفتن و آداب آن از اهل بیت طاهرين عليهم السلام

مرویست که سرمه کشیدن در روز زینت است و در شب چشم را نافع

باشد و در خواب مانست از زنبور و آب چشم و دهن را خوشبوی

کند و نفعش تا چهل روز بماند و هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد

سرمه بکشد و سنگ سرمه چشم را جلا دهد و موی مژگان برویاند و قوت

دهد و اعانت طول سجود نماید و دهن خوشبو کند و قوت باه بیفزاید

و چشمی که ضعیف باشد در وقت خواب هفت میل سرمه بکشد چهار

میل در چشم راست و سه میل در چشم چپ و چون سرمه کشد بسم الله بگوید

و این دعا بخواند اللهم اني اسألك بحق محمد و آل محمد ان تصلي على

محمد و آل محمد و ان تجعل النور في بصري والبصيرة في

ديني

نفسي في ديني واليقين في قلبي والاخلاص في عملي والسلامة في

والسعة في رزقي والشكر ابدا ما ابقيتني و مستحبست

نظر در آینه کردن که اگر کثافتی در روی باشد دفع کند تا در نظر

مؤمنان مکروه ننماید و چون آینه بدست گیرد بسم الله بگوید و بدست

چپ گیرد و چون نظر در آینه کند دست راست بر سر و روی بکشد و بگوید الحمد لله

الذي خلقني فاحسن خلقي و صورني فاحسن صورتي الحمد لله الذي

زان مني ما شان من غيري و اكرمني بالاسلام و اگر خواهد بگوید

اللهم كما حسنت خلقي فحسن خلقي و رزقي و چون در ریش نگاه کند

دست بکشد و بگوید اللهم لا تغير ما بنا من نعمك واجعلنا لانعمك

وجعلنا لانعمك من الشاكرين **فصل هفتم** در بیان قضای حاجت

و آداب آن چون تقاضای بول و غایط شود نشاید از آن نگاه داشتن

از اهل بیت طاهرين صلوات الله عليهم مرويست که اگر کسی احتباس بول

[illegible] و در جایها و غایط کند نمازش مقبول نباشد

و چنان باشد که در دامن داشته باشد و چون اراده آن کند جای

اختیار نماید که کسی او را نبیند و بول بر و ترشح نکند و در سایه‌ها و جا

که مردم نشینند و غافلتر و نباید بنشیند که ملعون باشد و در کنار نهرها

که مردم تردد نمایند و بر در مسجدها و خانها نشاید بنشست و در پای

درخت که میوه در وی باشد ننشیند که ملائکه در آنجا باشند و در برابر

و آب خواه ایستاده بول کردن و خواه روان بیم دیوانگی بود و در آ

ملائکه ساکن باشند و در آب ایستاده بول کردن فراموشی آرد و چون جای
مبال اختیار نمود و خواهد داخل شود پای چپ پیش گذارد و بگوید بسم الله
و بالله اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم و چون
عورت را برهنه کند بسم الله بگوید تا شیطان نگاه نکند و رو و پشت بقبله
و باد و آفتاب و ماه نکند بجنسی که نور آن بر عورت نتابد و اگر بقبله رو
نشسته باشد و در آن اثنا خبردار شود برای تعظیم قبله روی بگرداند
هنوز از آنجای خود برنخاسته باشد که گناهانش آمرزیده شود ایستاده بول کردن
بیم دیوانگی بود و چون بنشیند بگوید اللهم کما اطعمتنیه طیبا فی
عافیة فاخرجه منی خبیثا فی عافیة و بر هر کس ملکی موکل است و در روایت
دیگر دو ملک وارد شده که گردن او را کج می‌کنند تا نگاه بغایط خود
کند و میگویند ای آدمی رزقی است که بمشقت تحصیل نموده ملاحظه
کن تا از کجا بهم میرسانی و آخر بچه میشود پس چون بآن نگاه کند
بگوید اللهم ارزقنی الحلال و جنبنی الحرام و چون برخیزد و دست
بر شکم بمالد و بگوید الحمد لله الذی اماط عنی الاذی و هنانی طعامی و شرابی
و عافانی من البلوی و در خلا بسیار توقف ننماید که مورث بواسیر باشد
و در روایت دیگر جراحت بجای بواسیر وارد شده و سر برهنه نباشد
و انگشتری یا درهمی که بر آن نام خدا نقش باشد در کیسه یا در بغل
پنهان و مادامی که در خلا باشد بی ضرورت با کسی سخن نگوید که هر کس
در خلا سخن کند حاجتش بر نیاید و در آن حال قرآن نباید خواند بغیر

آیة الکرسی

آیة الکرسی و آیه الحمد لله رب العالمین و اگر آواز اذان شنود حکایت
آن تواند نمود و ذکر خدا کند بگوید الحمد لله الذی جعل الماء طهورا
و لم یجعله نجسا و چون خواهد که استنجا کند اول استبرا نماید بطریق
که از پیش مقعد تا بیخ عضو و از آنجا تا سر عضو سه مرتبه دست بمالد
و سه مرتبه سر عضو را بیفشرد تا قطرات بول هر چه مانده باشد بریزد
که چون استبرا کند بعد از آن اگر رطوبتی ببیند هر چند بسیار باشد
بول نباشد و نباید شست و اعاده وضو نباید کرد و در وقت
استنجا بگوید اللهم حصن فرجی و اعفه و استر عورتی و حرمنی
علی النار و استنجا با دست راست نکند و دست راست بر عورت
نزند و در دست چپ اگر انگشتری باشد که نام خدا بر آن نقش باشد
بیرون کند و چون خواهد بیرون آید پای راست پیش گذارد
و بگوید بسم الله و الحمد لله الذی عافانی من الخبیث و اماط عنی
الاذی **فصل هشتم** در فضایل مسواک کردن و آداب آن و از اهل بیت
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که در مسواک ده خصلت است
سنت انبیاست علیهم السلام و دهن را پاک کند و چشم را جلا دهد و خدا
راضی شود و دندانها را سفید کند و بیخ دندان محکم سازد و گوشت آن را قوت دهد
و اشتها آرد و بلغم دفع کند و قوت حافظه بیفزاید و حسنات مضاعف
شود و ملائکه را خوش آید و مستحب است هر وقت وضو مسواک کردن
لا اقل با انگشت که دو رکعت نماز با مسواک افضل است از هفتاد رکعت

بی آن و سواک پیش از وضو باید کرد و اگر بعد از آن سه مرتبه دهن بشوید و حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله هر شب سه مرتبه دهن می شوید سواک میفرمود وقت خوابیدن
و چون از خواب بیدار می شد برای عبادت و وقت نماز صبح و فرموده که اگر
بدانند چه قدر منفعت در سواک هست در وقت خوابیدن نیز از خود
جدا نکنند و سواک را بعوض دندان استعمال نمایند و در حمام و در بیت
الخلا سواک کردن مورث بوی دهن باشد فصل نهم در فضایل وضو
و غسل و آداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست استعمال طهور
بسیار کنید که عمر را دراز کند و اگر توانید روز و شب با طهارت باشید
که اگر کسی با طهارت بمیرد شهید باشد و چون خواهد که وضو کند بسم الله
بگوید که تمام بدن طاهر شود همچنانکه گویا غسل کرده و اگر بسم الله نگوید
همان اعضای که شسته پاک شود و چون دست بر آب گذارد و بسم الله
بگوید گناهان که با دست کرده همه فرو ریزد و شیطان دور شود و چون
مضمضه کند بوی آتش دوزخ نشنود و چون روی بشوید گناهانی که با چشم
و دهن کرده همه بریزد و در روز قیامت سفید روی باشد و چون ساعدین
بشوید گناهان از راست و چپ بریزد و غلهای آتش بر او حرام شود و چون
مسح سر کند خدای تعالی او را از سیئات پاک کند و چون مسح پا کند
گناهان پا همه بریزد و از صراط بگذرد در روزی که قدمها در آن بلغزد
و چون برای نماز صبح وضو کند کفاره گناهانی باشد که در آن شب کرده
غیر از کبایر و چون برای نماز شام وضو کند کفاره گناهانی آن روز باشد

سوای کبایر

سوای کبایر و اگر وضو داشته باشد بی آنکه حدثی رو دهد تجدید
وضو کند بی استغفار توبه شود و وضو بر وضو نور است بر سر نور و ده
حسنه دارد و هر گاه خواهد وضو کند چون نظر بر آب کند بگوید
الحمد لله الذی جعل الماء طهورا و لم یجعله نجسا و چون دست
بر آب گذارد بگوید بسم الله و بالله اللهم اجعلنی من التوابین
واجعلنی من المتطهرین و اگر در مثل طشت یا کاسه وضو کند
مستحبست که آب را جانب راست گذارد و اول دستها را تا بند
بشوید اگر بعد از خواب یا بول باشد یک مرتبه و بعد از غایط دو مرتبه
و بعد از جنابت سه مرتبه و چون مضمضه کند بگوید اللهم لقنی
حجتی یوم القاک و اطلق لسانی بذکرک و شکرک و چون
استنشاق کند بگوید اللهم لا تحرمنی طیبات الجنة و
اجعلنی ممن یشم ریحها و روحها و چون روی بشوید بگوید وطیبها
اللهم بیض وجهی یوم تسود فیه الوجوه و لا تسود وجهی یوم
تبیض فیه الوجوه و در شستن روی چشمها بگشاید که آب بچشم
برسد تا آتش دوزخ نبیند و چون دست راست شوید بگوید اللهم
اعطنی کتابی بیمینی و الخلد فی الجنان بیساری و چون دست چپ بشوید
بگوید اللهم لا تعطنی کتابی بشمالی و لا تجعلها مغلولة الی عنقی و
اعوذ بک من مقطعات النیران و مردان آب بر پشت دست
بریزند و زنان بر روی دست و چون مسح سر کند بگوید اللهم غشنی

برحمتك وبركاتك وعفوك وچون مسح پا کند بگوید اللهم ثبت قدمی
علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام واجعل سعیی فیما یرضیك عنی
یا ذا الجلال والاکرام چون باین طریق وضو کند واین دعاها بخواند از هر
قطره آب فرشته خلق شود که خدا را تسبیح وتقدیس وتهلیل وتکبیر گوید وثواب
آن همه برای آنکس نوشته شود وچون از وضو فارغ شود الحمد لله رب العالمین
بگوید وهر کس بعد از وضو وبعد از غسل جنابت بگوید سبحانك
اللهم وبحمدك اشهد ان لا اله الا انت استغفرك واتوب الیك
واشهد ان محمدا عبدك ورسولك واشهد ان علیا ولیك
وخلیفتك بعد نبیك وخلیفتك وان اولاده خلفاؤك و
اوصیاؤك گناهانش همه فرو ریزد مانند برگ از درخت وبعد از هر
قطره از آب وضو وغسل ملکی خلق شود که خدا را تسبیح وتقدیس وتهلیل
وتکبیر گوید وصلوات بر محمد وآل پاکش فرستد وثواب آن همه از و باشد
بعد از آن خدای تعالی امر فرماید که آن وضو وغسل را بخاتم رب
العزة مختوم کرده اند بعد از آن ببرند بزیر عرش بجای که دست دزدان
ودشمنان شیطان بآن نرسد تا آنکه روز قیامت باو تسلیم کنند ودر بهشت
آنقدر ثواب بدهند که حساب آنرا بغیر از خدا کسی نداند وگناهانش
همه آمرزیده شود تا آنکه نمازش نافله وهدیه شود واو وضو اگر خشك
کند وضو بیك حسنه داشته باشد واگر خشك نکند سی حسنه وچون
غسل جنابت را خلال کند بعدد هر قطره خانه در بهشت برای او بنا کنند

ودروقت



ودر وقت غسل جنابت بگوید اللهم طهر قلبی وزك عملی وتقبل
سعیی واجعل ما عندك خیرا لی وبعد از غسل این دعا را
که بعد از وضو ذکر شد بخوانند ودر غسل جنابت جمعه تاکید بسیار
وارد شده برای هر کس مرد وزن آزاد وبنده در حضر وسفر مگر
آنکه ضرورتی یا مانعی باشد ودر سفر زنان را رخصت آن داده اند
وکفاره گناهان است که از جمعه پیشین تا این جمعه کرده باشد وسهو
ونسیان ونقصانی که در وضوی فریضه شده باشد خدای تعالی
آنرا بغسل جمعه تمام نماید واگر بعد از غسل بگوید اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریك له وان محمدا عبده ورسوله اللهم صل
علی محمد وآل محمد واجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین
طهارت آن غسل تا جمعه دیگر باقی باشد ودر جایی که گمان آب در روز
جمعه نباشد روز پنجشنبه برای جمعه غسل کند واگر روز جمعه غسل نکرده
نماز گذارده باشد استغفار کند ودیگر این کار نکند وغسل را قضا
کند واگر وقت نماز باشد اعاده کند واگر ترك غسل عمدا نکرده
باشد نمازش تمام بود واگر روز جمعه غسل مقدمات مقدور
نشود روز شنبه قضا نماید واگر چند غسل داشته باشد
وخواه واجب خواه مندوب مثل جنابت وجمعه وزیارت
وطواف وحیض ونفاس وغیر آن چون یك غسل کند بنیت هر
کدام که باشد برای همه مجزی بود خواه آن قسمت نجاط باشد وخواه

نه و اگر همه را نیز قصد کند و یک غسل کند برای همه مجزی باشد و حایض را
مستحب است که در ایام حیض وقت هر نماز وضو کند و در موضعی
پاک نشسته ذکر خدا کند و مستحب است که وضو و غسل بر آب باشد
آب وضو تخمینا بقدر یک چهار یک صاع و آب غسل بقدر یک من
بوزن تبریز باشد و نیز مستحب است که آب پاکیزه باشد و متعفن
و کثیف نباشد **فصل دهم** در فضایل بوی خوش و آداب استعمال
آن از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که دو
نماز با بوی خوش افضلست از هفتاد رکعت بی آن و دل را قوت
دهد و قوت مباشرت افزاید و قوت مرد صوم دهد باید که در هر
روز استعمال بوی خوش کند و گلاب آبرو زیاده کند و پریشانی
ببرد و چون گلاب استعمال نماید ببرد و دست بمالد و صلوات بر پیغمبر
و اهل بیت اش بفرستد و سنتست که هر روز استعمال بوی خوش کردن
و اگر میسر نشود یک روز در میان و یک هفته بیشتر تاخیر نباید کرد
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در امشک والی بوده که بعد از هر وضو
از آن استعمال میفرمود و اگر بوی خوش نمیداشته مقنعه
زنان را بآب تر میکرده و بر روی مبارک میمالیده و فرموده
هر کس خواهد بوی مرا بشنود گل سرخ ببوید و نیز فرموده گل سفید
از عرق من روییده و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق
براق و در روایتی دیگر آمده که در شب معراج عرق آنحضرت بر زمین چکید

گل سرخ

گل سرخ از آن رویید و چون کسی را تکلیف بوی خوش کنند رد نباید کرد
زیرا که بوی خوش اکرامیست و رد اکرام ننماید مگر خر و اگر گلی یا ریحانی
بکسی دهند بگیرد و ببوید و در چشم گذارد و صلوات بر پیغمبر و اهل
بیت اش فرستد هنوز از دست نگذاشته باشد که گناهانش آمرزیده
شود و در روایت دیگر آمده که ببوید و بر چشم گذارد و صلوات فرستد
بعدد ریگ بیابان عالج و عالج بیابانیست که ریگ بی نهایت دارد
باب ششم در فضایل نماز و متعلقات آن و ذکر بعضی ادعیه
مخصوصه بساعات و فضایل قرآن و این مجموع انشاء الله در یازده
فصل بیان شود **فصل اول** در فضایل نمازها فریضه یومیه و ذکر جماعت
و فضایل این سنت سنیه از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم
اجمعین ماثورست که بعد از ایمان و معرفت هیچ عملی و عبادتی
بهتر از نماز نیست و چون مومن مشغول نماز شود خدای تعالی
متوجه جانب او شود و از اطراف آسمان تا زمین رحمت بر و نازل
شود و اطراف او را از پیش قدمش تا اطراف آسمان ملائکه گیرند
و ملکی ندا کند و گوید ای بنده مومن که مشغول نماز گشته اگر بدانی
که کیست که متوجه تو شده و با که در گفتگویی که هرگز از اینجا بجای
نروی و یک نماز بهتر از هزار حج که هر حجی بهتر است از تمام دنیا و هر چه
در وست از نعمتها و راحتها و نماز در میان عبادتها مانند ستون
خیمه است که اگر محکم و بر جای باشد پردهها و طنابها و میخها

همه برقرار و خیمه برپای باشد هرچند کهنه و زبون باشد و اگر ستون
برجای نباشد و قصور شکستگی یابد خیمه از هم بریزد و قرار نگیرد هرچند
پاکیزه و نو باشد و هر مؤمن که نماز فریضه را بجای آرد بعد از مخالفان
شیعه ملائکه در پشت او نماز کنند و برای او دعا کنند تا از نماز
فارغ شود و خدای تعالی را فرشته‌ایست که هر وقت نماز از خدای تعالی
برات می‌گیرد برای نماز کنندگان پس چون وقت صبح شود و مؤمنان
برخیزند و وضو سازند و نماز صبح گذارند از خدای تعالی برات ایشان
گیرند و در آن برات نوشته‌اند منم خدای پاینده ای بندگان و خدم
من شما در پناه منید و شما را در حفظ و حمایت خود نگه دارم و والله اگر دم
وگناهان شما آمرزیده باشد تا وقت ظهر و چون وقت ظهر شود و
برخیزند و وضو سازند و نماز ظهر گذارند برات ایشان گیرند بدین مضمون
که منم خدای توانا ای بندگان من سیئات شما را آمرزیدم و بدل
بحسنات نمودم و شما را در دار الجلال جای دادم و چون وقت
عصر رسد و وضو کنند و نماز عصر گذارند برات ایشان بدین مضمون
گیرد که منم خدای بزرگوار ای بندگان من جسد شما را بر آتش حرام کردم
و شما را در مسکن نیکان ساکن گردانیدم و شر بدان را از شما دور نمودم
و چون وقت شام رسد و وضو کنند و نماز شام گذارند برات ایشان
باین مضمون گیرد که منم خدای جبار بزرگ متعال ای بندگان من
فرشتگان از پیش از پیش شما راضی آمدند و حقست بر من که شما را راضی

گردانم

گردانم و روز قیامت آرزوهای شما را بشما رسانم و چون وقت خفتن درآید
وضو سازند و نماز خفتن گذارند برات ایشان باین مضمون گیرند که منم خدای
معبود غیر من نیست پروردگاری سوای من نه ای بندگان من بخانهای
خود وضو کردید و بخانه من درآمدید و مشغول ذکر شدید چون مرا خشنود
و فرایض من بجا آوردید ای ملائکه تو و سایر ملائکه همه گواه باشید که من
از ایشان راضی شدم و هر مؤمن که نماز فریضه را بجا آرد بعد از آن
او را دعای مستجاب باشد و هر وقت نماز فرشته ندا کند و بگوید
ای مردمان برخیزید بنماز بنشانید آتشهای را که از گناهان بر روی
خود افروخته‌اید و چون پنج وقت نماز گذارد از گناهان پاک شود
و هر کس پنج نماز را در وقت خود گذارد و محافظت شروط و ارکان آن
نماید آن نماز را روشن و نورانی بآسمان برند و او را دعا کنند و گویند
همچنانکه تو مرا محافظت نمودی ضایع نگردانیدی خدای تعالی ترا
محافظت کند و ضایع نگرداند و اگر بی وقت گذارد و محافظت
آن نکند سیاه و ظلمانی برگردد و گوید مرا ضایع کردی خدا ترا
ضایع کند و هر کس استخفاف بنماز کند و حدود و ارکان آنرا ضایع گرداند
حوض کوثر بی نصیب و از شفاعت اهل بیت علیهم السلام محروم باشد
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روزی در مسجد بود مردی نماز شتاب
گذارد و در رکوع و سجود دلی تانی کرد حضرت فرمود این مرد مانند کلاغ
دانه می‌چید اگر باین نماز بمیرد بر دین من نباشد و هر کس نماز را بجا آنی و شتاب

گذارد و خدای تعالی گوید ای ملایکه ببینید این بندهٔ مرا گمان دارد که حاجتهای
او در دست دیگریست غیر من که با این شتاب عبادت من می‌کند ببینید
که حاجتش را غیر من کسی نتواند آورد و هر کس عمداً ترک نماز کند کافر باشد
و ملت اسلام از و بیزار شود و افضل همه نمازها نماز جمعه است و بر هر کسی
واجب است مگر بر پنج کس مریض و مملوک و مسافر و زنان و اطفال
نابالغ و در بعضی روایات زیاده برین چهار کس دیگر مذکور است
اعمی و مجنون و پیر عاجز و کسی که منزلش زیاده از دو فرسخ دور باشد
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده خدای تعالی نماز جمعه را بر شما
فرض گردانیده پس هر کس آنرا از روی انکار یا استخفاف ترک کند و امام
عادل داشته باشد در ایام حیوة یا بعد از وفات من خدای تعالی
جمعیتش را پریشان کند و احوالش را انتظام ندهد و کارهایش را مبارک
نگرداند و نماز و روزه و زکوة و حج و هیچ کار خیر از و مقبول نباشد تا آنکه
توبه کند و هر کس جمعه را بی دغدغه علتی ترک کند خدای تعالی دلش را بخاتم
نفاق مهر کند و روز جمعه ملایکه مقربین از آسمان نزول نمایند و با
طلاها و لوحهای نقره و بر در مسجدها بر کرسیهای نور نشینند و نام
جماعتی که بنماز جمعه حاضر شوند نویسند بترتیب هر کس پیشتر نویسند
و هر کس دیرتر آخرتر نویسند و روز جمعه بهشت را آیین بندند و زینت
کنند برای جمعی که بنماز جمعه روند و از گناهان پاک شود و هر قدمی
که بنماز جمعه حرکت کند خدای تعالی بدنش را بر آتش حرام کند و کسی در خدمت

حضرت

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شکایت کرد و گفت چند مرتبه تهیهٔ حج کردم
و مقدورم نشد فرمود نماز جمعه بگذار که حج مساکین است و هم از آنحضرت
صلی الله علیه و آله مرویست که هر کس غسل جمعه کند و صباح زود بنماز
جمعه رود و نزدیک بامام نشیند خاموش باشد و لغو نگوید و نکند
بهر گامی که بردارد و بگذارد اجر عبادت یکساله یابد که همه روزها روزه
باشد و همهٔ شبها عبادت کند و مسافر اگر نماز جمعه بگذارد بسبب رغبت
و محبتش بآن ثواب صد نماز جمعهٔ مقیم باو عطا فرمایند و کسی که وضو
نیکو سازد و نزدیک بامام نشیند و گوش بخطبه دارد و خاموش باشد از آن روز
تا جمعهٔ دیگر و سه روز زیاده بر آن گناهش آمرزیده شود و خدای تعالی
دو کفل ثواب باو دهد و اگر دور نشیند و خاموش باشد و گوش
کند یک کفل ثواب دهد و اگر نزدیک نشیند و حرف زند و گوش نکند
دو کفل وزر داشته باشد و اگر بکسی گوید خاموش باش حرف زده باشد
و هر کس حرف زند نماز جمعه‌اش مقبول نباشد و اما اینکه مشهور است
که ظهور امام معصوم علیه السلام شرط است در اقامت جمعه و سبب حرمان
کافهٔ اهل اسلام گشته از فضایل این فریضهٔ عظمی توهمی است که از فقیهٔ شیعیان
در غلبهٔ جور و طغیان ارباب نفاق و عدوان ناشی شده
و در حدیث و قرآن هیچ وجه اصلی ندارد بلکه در قرآن و حدیث
همه جا امر فرموده اند و هیچ کس را بغیر آن کس که مذکور شد یا اینکه محل
تقیه باشد رخصت نداده اند بلکه در احادیث امام عادل وارد شده

شود و هر کس نماز جمعه
رود و هر کس روزی روزی روزی روزی

همچنانکه در نماز جماعت نیز وارد گشته و سنت مؤکد است نماز را بجماعت
گذاردن یک رکعت با جماعت بهتر است از بیست و چهار رکعت بی جماعت که هر رکعتی
بهتر است از چهل سال عبادت و هر کس بمسجد رود برای اینکه نماز بجماعت گذارد
هر گامی که بردارد هفتاد هزار حسنه برای وی ثبت نمایند و هفتاد هزار سیئه
از و محو کنند و اگر درین حالت بمیرد خدای تعالی هفتاد هزار فرشته بر وی موکل
گرداند که او را در قبر عبادت کنند و بشارت دهند و با او مؤانست نمایند
و برای او استغفار کنند تا آنکه از قبر بیرون آید و هر کس نماز صبح و خفتن
بجماعت گذارد در امان خدا باشد پس هر کس بر وی ظلم کند بحقیقت بخدا ظلم کرده
و هر که او را حقیر شمارد تحقیر خدا کرده باشد و هر کس نماز صبح را بجماعت گذارد
و در جای نماز بنشیند و ذکر خدا کند تا طلوع آفتاب او را در جنت
فردوس هفتاد درجه باشد که میان هر دو درجه بآن قدر مسافت باشد
که اسب دونده را هفتاد سال طی کند و اگر نماز ظهر را بجماعت گذارد در جنات
عدن پنجاه درجه باشد او را که ما بین هر دو پنجاه ساله راه اسب دونده را
هموار باشد و اگر نماز عصر بجماعت گذارد اجر آن داشته باشد که هشتاد
بنده از اولاد اسمعیل پیغمبر آزاد کرده باشد که همه صاحب خانه و عیال باشند
و اگر نماز شام بجماعت گذارد ثواب یک حج و یک عمره مقبول داشته باشد
و اگر نماز خفتن بجماعت گذارد چنان باشد که در لیلة القدر عبادت
کرده و هر کس نماز مغرب و عشا و صبح را در مسجد بجماعت گذارد چنان است
که آن شب را احیا داشته و بهترین صفوف صف اول است و بهترین مواضع آن

آنکه با امام نزدیکتر بود و نماز در صف اول مثل جهاد است در راه
خدا و کسی که محافظت صف اول و تکبیر اول نماید بحیثیتی که آزار مؤمنی
نماید ثواب مؤذنان داشته باشد در دنیا و آخرت و ثواب مؤذنان
انشاء الله بعد ازین بیاید و فضل جانب راست هر صف بر جانب
چپ مثل فضل جماعت باشد بر انفراد **فصل دوم** در ذکر نوافل
یومیه و فضایل این سنت سنیه از اهل بیت طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین ماثور است که خدای تعالی شرم دارد که از عبادت
بندگان کمتر از ثلث را قبول نماید باین سبب حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
در شبانه روزی سی و چهار رکعت نماز سنت گردانید که دو برابر فرایض
یومیه است تا اگر در فرایض سهو و نقصانی باشد خدای تعالی از نوافل
تمام نماید و ترک آن بی ضرورت و عذری معصیت باشد همچنانکه
ترک فریضه کفر است و نماز شب کفاره گناهان روز و صحت بدن
و موجب وسعت رزق است و شرف و عزت مؤمنست در دنیا و آخرت
و هر کس عمل شب بنماز شب ختم کرده از اهل بهشت باشد و نماز شب موجب
رضای خداست و چشم را جلا دهد و رو را نورانی کند و هر کس
شبی عبادت کند برای رضای خدا امید ثواب خدای تعالی گوید
ملائکه حسنات بنویسید برای این بنده من بعدد هر دانه و برگی و درختی
و گیاهی و هر چه از زمین روید در شب و هر کس نیمه شبی عبادت کند خدای
تعالی دعای او را اجابت فرماید و روز قیامت نامه اعمالش را بدست راستش

دهند واگر ثمن شبی عبادت کند خدای تعالی اجر شهیدی که در راه خدا صبر
بر شقتها و تعبها نموده و بر نیت صادق خالص جهاد کرده باشد باو
عطا فرماید و او را شفیع اهل بیت خود گرداند واگر سبع شبی عبادت
کند روز قیامت چون از قبر بیرون آید رویش مثل شب چهارده باشد
و همراه مؤمنانی که لا یحزنهم الفزع الاکبر و از صراط بگذرد واگر سدس شبی
عبادت کند از جمله توابین نوشته شود و گناهان گذشته همه آمرزیده شود
واگر خمس شبی عبادت کند با ابراهیم خلیل علی نبینا و آله و علیه السلام در بهشت
همدوشی کند واگر ربع شبی عبادت کند در اول صف فائزین باشد و چون
باد تند از صراط بگذرد و بی حساب داخل بهشت شود واگر ثلث شبی عبادت
کند هیچ فرشته نماند مگر آنکه رشک برد بمنزلت او و از هر در بهشت که خواهد
درون رود واگر نصف شبی عبادت کند هفتاد هزار برابر روی زمین طلا
برابر ثواب او نشود و افضل از آن باشد که هفتاد بنده از اولاد اسمعیل آزاد
کند واگر دو ثلث شبی عبادت کند بعدد هر ریگ بیابان عالج حسنات باو دهند
که کوچکترین آن حسنات ده مرتبه بزرگتر از کوه احد باشد واگر یک شب
تمام عبادت کند آنقدر ثواب باو دهند که کمترین آن این باشد که از گناهان
پاک شود و همچنان روزی که از مادر متولد شده و بعدد هر چیزی که خدای تعالی
آفریده حسنات برای او نویسند و درجات بلند کنند و گناه و حسد از دلش
بیرون رود و قبرش نورانی باشد و از عذاب قبر ایمن باشد و از آتش
دوزخ خلاص بوده و در زمرهٔ آمنین مبعوث گردد و خدای تعالی گوید ای ملائکه

ببینید

ببینید این بنده مرا این شب برضای من احیا داشت او را در جنت فردوس
جا دهید و در آن جنت هزار شهر باو دهید که در هر شهری هر چیزی دل بخواهد
و چشم را از دیدن خوش آید و آنچه بخاطر هیچکس نگذشته باشد مهیا باشد
و اینها سوای کرامت و مزید قربی است که برای او مهیا گشته و خانه که در آن
نماز گذارد نزد برای ملائکه آسمان درخشان باشد همچنانکه ستارگان برای
اهل زمین و هر کس شب برخیزد و وضوی کامل بسازد به نیت صادق و دل سلیم
و بدن خاشع و چشم گریان نماز گذارد ده صف ملائکه پشت سر او نماز
گذارند که یک طرف هر صفی در مشرق و طرف دیگر در مغرب باشد و عدد
ایشان را هیچکس نداند بغیر از خدا و چون از نماز فارغ شود بعدد آن ملائکه
درجات برای او بلند کند و کسی که نماز شب برخیزد و خواب بر او غلبه کند
بحیثیتی که راست و جاقته و دهنش بسینه بیند خدای تعالی امر فرماید که
درهای آسمان بگشایند پس گوید ای ملائکه من ببینید این بنده مرا که چه
مشقت عبادتی که من بر او فرض نکرده ام می کند باشید اینکه گناهانش را
بیامرزم تا تجدید توبه اش کنم تا بر و زینش سفرا ایم گواه باشید که همه را
باو عطا فرمودم و هر کس بعد از نماز شام بنشیند و تعقیب بخواند و با کسی
سخن نگوید تا آنکه دو رکعت نماز نافله بگذارد آن نافله را برای او در علیین
ثبت کنند واگر چهار رکعت بگذارد حج مبروری برای او نویسند واگر
نافله فوت شود قضای آن باید کرد که خدا را خوش آید و مباهات کند
با آن بنده و گوید ای ملائکه من ببینید بنده مرا عبادتی که من بر او فرض نکرده ام

قضا می کند گواه باشد که گناهان او را امرزیدم و اگر کسی را خواب غلبه کند و برای
نافلهٔ شب بیدار نشود و چون نوافل را قضا کند و اهتمام بقضای آن داشته باشد
خدای تعالی بعد از این او را بیدار کند و عدد نوافل یومیه سی و چهار رکعت است
دو رکعت نافلهٔ صبح و هشت رکعت از ظهر و هشت رکعت از عصر و این
هجده رکعت پیش از فریضه گذارده شود و چهار رکعت نافلهٔ شام و دو رکعت
نشسته و تیرهٔ خفتن که یک رکعت ایستاده حساب شود و ایستاده افضل است
و اگر ایستاده گذارند همان دو رکعت گذارند و این پنج رکعت است بعد از
فریضه گذارده شود و هشت رکعت نافلهٔ شب و سه رکعت وتر است دو رکعت را
شفع و یک رکعت را ایضا وتر گویند و شانزده رکعت نافلهٔ ظهر
و عصر در سفر ساقط شود اما سایر نوافل در سفر و حضر همیشه بحال
خود باشد و نوافل را در اثنای راه پیاده و سواره توان گذارد و اگر بجهت
ضرورتی نباشد و رکوع و سجود را بایما کند و ایمای سجود پستتر از رکوع
باشد و نشسته نیز از روی اختیار توان گذارد و اگر خواهد فضیلت ایستاده را
بیابد قرائت نشسته کند چون باخر سوره رسد برخیزد و سوره را ایستاده
تمام کند پس رکوع کند همان فضل ایستاده داشته باشد **فصل سیم**
در اوقات نمازها و فضایل آن و احکام متعلق بآن از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام مرویست که هر نمازی را دو وقت است و وقت
اول افضل است از وقت دوم آنقدر که آخرت افضل است از دنیا
و بهتر است برای مؤمنان از فرزند و مال و اول وقت رضای خدا

و آخر وقت

و آخر وقت عفو او و عفو نباشد مگر از گناهی یعنی کسی که از اول وقت بی عذری
تاخیر کند گناهی کرده باشد پس اگر در آخر وقت بگذارد آن گناه عفو شود
و هر کس را رخصت نیست که بی ضرورت تاخیر نماز کند که موجب غضب الهی
باشد و کار خیر هر چند زودتر کرده شود خدا را خوشتر آید و وقت
هر نماز درهای آسمان گشوده شود تا اعمال بندگان را بالا برند
و حضرت امام علیه السلام فرمود که نمیخواهم که عملی کسی پیش از عمل من بالا
برود و نام دیگری پیش از نام من نبشته شود و وقت ظهر درهای
آسمان گشوده شود و دعا مستجاب گردد پس خوشا کسی که در آن وقت
از و عملی صالح بالا برند و اول طلوع صبح وقتیست که ملایکه شب باسمان
میروند و ملایکه روز بزمین آیند پس کسی که نماز صبح را در آن وقت گذارد
هر دو طایفه ملایکه شاهد باشند و آن نماز را دو مرتبه ثبت نمایند
و هر کس تاخیر نماز صبح کند تا آنکه ستارها نمایند ملعون باشد و هر کس تاخیر
نماز عصر کند تا آنکه آفتاب زرد شود یا غروب کند در بهشت موتور
باشد یعنی اهل و مال نداشته باشد و هر کس نماز شام را تاخیر کند
بکاره فضیلت تا آنکه ستاره شود و دست بهم دهد اهل بیت علیهم
السلام از و بیزار باشند و هر کس بخوابد و نماز خفتن را تاخیر کند تا آنکه
نصف شب شود ملکی موکلست که نفرینش کند و بگوید خواب بچشمت
نشود و چون بیدار شود باید نماز را قضا کند و آن روز را روزه دارد
بعقوبت این عمل اما بیان وقتها اینکه وقت اول نماز صبح از طلوع

صبح صادق است تا آنکه روشنی صبح در آسمان پهن شود و وقت دویمش
تا طلوع آفتاب و وقت ظهر از زوال آفتاب تا آنکه سایه دو قدم زیاده
شود و وقت دویمش تا آنکه بقدر چهار رکعت نماز از آفتاب باقی ماند و وقت
اول عصر بعد از چهار رکعت از اول زوال است تا آنکه سایه چهار قدم
زیاده شود و اگر تا شش قدم تأخیر کنند تضییع نماز کرده باشد و وقت
دویمش تا غروب آفتاب و وقت اول شام از غروب آفتاب است تا آنکه سرخی
شفق مغربی زایل شود و اگر از غروب اندکی تأخیر کنند تا آنکه سرخی مشرقی زایل
شود افضل باشد و وقت دویمش تا آنکه ربع شب بگذرد و تا ثلث شب
و نصف شب نیز روایات وارد شده و وقت اول خفتن از زوال سرخی
مغربیست تا ثلث شب و وقت دویمش تا نصف شب و هرچند نمازها با اول وقت نزدیکتر
باشد افضل باشد و وقت نوافل شب از نصف شب است تا طلوع صبح صادق
و هرچند بسحر نزدیکتر باشد افضلست و نافله صبح بعد از نماز شب
تا آنکه سرخی صبح نمایان باشد و نوافل ظهر از اول زوال تا آنکه دو قدم
سایه زیاد شود و نوافل عصر بعد از فریضه ظهر تا آنکه چهار قدم سایه
زیاد شود و نوافل شام تا آنکه سرخی مغرب زایل شود و در روز جمعه
چهار رکعت بر نوافل ظهر و عصر بیفزایند و مجموع بیست رکعت را پیش
از ظهر بگذارند باین ترتیب چون آفتاب پهن شود شش رکعت و چون
بلند شود نزدیک بوقت چاشت شش رکعت و نزدیک بظهر شش رکعت
و وقت زوال دو رکعت و اگر همه را یکجا در یک مرتبه نیز بگذارد مجزی

بوده هرکه

بوده و هر یک از نوافل همین که وقتش بگذرد دیگر ابتدا بفریضه باید کرد و نافله را
بعد از آن قضا کند و اگر از نوافل ظهر و عصر یک رکعت در وقت خود
گذارده باشد تتمه را نیز زود بگذارد اگرچه وقت بگذرد و اگر وقت
نماز شب تنگ شده باشد و صبح بسیار نزدیک باشد اول نماز شفع
و وتر بگذارد و پس اگر هنوز صبح طلوع نکرده باشد نماز شب را بگذارد و اگر
طلوع کرده باشد نافله صبح را بگذارد و نماز شب را بعد از فریضه قضا کند
و اگر چهار رکعت از نماز شب گذارده بود که صبح طلوع کند بقیه نماز را از وتر
تمام کند و افضل است که نافله صبح را بگذارد و تتمه را قضا کند تا فریضه از وقت
نگذرد اما شناختن وقت ظهر و عصر و نوافل آنچنانست که چوبی راست
بر زمین مستوی هموار نصب کنند و مقدار چوبی که از زمین مرتفع است
بر روی زمین هفت قسمت نمایند و هر قسمی را یک قدم گویند و آفتاب چون
طلوع کند سایه چوب در کمال درازی باشد و آهسته آهسته کم شود
تا وقت ظهر بجایی رسد که از آن کمتر نشود و آن حد را نشان کنند همین که از آن
حد شروع بزیادتی کند اول باشد پس آنچه زیاد می‌شود بقدر دو قدم چون
رسد وقت ظهر و نافلهاش باشد و چون بقدر چهار قدم رسد وقت عصر
و نافلهاش و سایه اول ظهر گاهی تا حد کوتاهی بوده داخل حساب
نباشد **مسئله چهارم** در فضایل مسجد و آداب آن از اهل بیت
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که یک نماز در مسجد جامع
برابر است با صد نماز و در مسجد محله برابر است با بیست و پنج نماز و در مسجد بازار

ظهر صح

بازار باد وازده نماز وچون کسی بمسجد رود وبر هیچ موضعی قدم نگذارد مگر
اینکه آن موضع تا زمین هفتم برای او تسبیح کند وکسی که در خانهٔ خود
طهارت بگیرد وبمسجد رود از گناهان پاك شود وزیارت خدا کرده باشد
وحقست بر مزور که اکرام زایر نماید وهرکس بمسجد تردد نماید خدای تعالی
یکی از هشت نعمت باو عطا فرماید یا برادر مؤمنی یا علم تازه یا آیهٔ محکم
یا کلمه که براه راستی اورا هدایت کند یا رحمت تازه که پیش از آن نبوده باشد
یا کلمه اورا از مهلکه نجات دهد تا ترك گناهی کند از ترس خدا یا از روی
شرم وحیا وبهترین خانها مساجد است وبهترین اهل مساجد کسی است
آنان که پیشتر داخل شوند وبعد بیرون آیند ومرویست که هرکس اول وارد
مسجد بشود ونماز نگذارده بیرون رود منافق باشد مگر آنکه رجوع داشته
باشد وبهترین مساجد برای زنان خانهای ایشانست وبیت خانه افضل
از صحن خانه وصحن افضل است از ایوان وایوان افضل است از صحن خانه
وصحن از بام وچون متوجه مسجد شود واز خانه بیرون آید بگوید بسم الله الذی
خلقنی فهو یهدین والذی هو یطعمنی ویسقین واذا مرضت فهو
یشفین والذی یمیتنی ثم یحیین والذی اطمع ان یغفر لی خطیئتی
یوم الدین رب هب لی حکما والحقنی بالصالحین واجعل لی لسان
صدق فی الآخرین واجعلنی من ورثة جنة النعیم واغفر لابی
که چون این بگوید خدای تعالی ورا بایمان وحق هدایت کند واز طعام
واشربهٔ بهشت سیراب گرداند کفارهٔ گناهان او باشد وخدای تعالی

مومنرا

مومن را مثل موت شهدا وچون او را مثل حیوة سعدا گرداند وهر خطائی
که کرده باشد بیامرزد اگرچه بیشتر از کف دریا باشد وحکمت وعلم باو عطا
فرماید بصلحای گذشته وآینده ملحقش سازد واورا از جملهٔ صادقان
ثبت نماید ومنازل کریم در جنت نعیم باو کرامت فرماید وگناهان
پدر ومادرش را بیامرزد وچون خواهد داخل مسجد شود کفش را ملاحظه
نماید که نجاست وکثافتی بدان نباشد وپای راست پیش گذارد وبگوید
بسم الله وبالله ومن الله والی الله وخیر الاسماء کلها لله توکلت علی الله
لا حول ولا قوة الا بالله اللهم صل علی محمد وآل محمد وافتح لی
ابواب رحمتک وتوبتک واغلق عنی ابواب معصیتک واجعلنی
من زوارک وعمار مساجدک وممن یناجیک فی اللیل والنهار
من الذین هم فی صلوتهم خاشعون وادحر عنی الشیطان الرجیم
وجنود ابلیس اجمعین وچون داخل مسجد شود بگوید اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریك له والله اکبر کبیرا والحمد
لله کثیرا وسبحان الله بکرة واصیلا ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم وصلی الله علی سیدنا محمد وآله اجمعین [illegible]
حج مقبول واگر اراده نشستن داشته باشد با طهارت داخل شود
ودر مسجد شعر نباید خواند که اگر کسی در مسجد شعر خواند روایت شده که باو بگویند
فض الله فاك یعنی خدای تعالی دهن ترا بشکند واب دهن انداختن
در مسجد خطیئه ایست وکفاره اش اینست که دفن کند واگر برای تعظیم مسجد

اب دهن را و دماغ او فرو برد خدای تعالی برای او حسنه ثبت نماید و سیه محو فرماید
و قوتی بدنش بیفزاید و هیچ کوفت و علتی نرسد مکر اینکه آنرا زایل کرداند و روز قیامت
خوشحال و خندان مبعوث شود و نامه عملش را بدست راست دهند و حرف باطل
و کفتکوی دنیا نکند که مسجد جای عبادتست و چیزی که کم شده بکند مرویست
که بکویند لا ادّا الله علیک یعنی خدا کم شده آنرا بتو نرساند و آواز بلند مکنید
و اطوال و دیوانکان و بیع و شری از مسجد دور کنید و اکر کسی در مسجد تجارت کند
باو بکویند لا اربح الله تجارتک یعنی خدای تعالی تجارت ترا سود ندهد
و هر که در مسجد چراغی روشن کند تا روشنی از ان باقی باشد حمله عرش و
ملایکه برای او استغفار کنند و هر که مسجد را جاروب کند ثواب آن دارد
که بنده آزاد کند و اکر بقدر ذره که در چشم افتد کناهی بیرون برد خدای تعالی
دو کفل از رحمت باو دهد و اکر پنجشنبه و شب جمعه جاروب کند و بقدر سرمه
که بچشم کند کثافت بیرون برد کناهان او آمرزیده شود و چون خواهد
از مسجد بیرون آید بر در مسجد بایستد و بکوید اللهم دعوتنی فاجبت
دعوتک و صلیت مکتوبتک و انتشرت فی ارضک کما امرتنی فاسئلک
من فضلک العمل بطاعتک و اجتناب سخطک و الکفاف من
الرزق برحمتک و در بیرون آمدن پای چپ پیش کذارد و بسم الله بکوید
و صلوات بر پیغمبر و اهل بیت او صلی الله علیهم بفرستد و بکوید اللهم اغفر لی
و افتح لی ابواب فضلک **فصل پنجم** در کیفیت توجه بنماز
و فضایل اذان و اقامت و احکام متعلق بآن از اهل بیت طاهرین

صلوات الله

صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که چون برای تهیه نماز برخیزی بکوی
الحمد لله نور السموات و الارض و من فیهن انت الحق و ان امرک
الحق و قولک الحق و لقاءک الحق و الجنة حق و الساعة حق
اللهم لک اسلمت و بک آمنت و علیک توکلت و الیک انبت
و بک خاصمت و الیک حاکمت فاغفر لی ما قدمت و ما اخرت
و ما اسررت و ما اعلنت انت الهی لا اله الا انت و چون برخیزی و مهیا
که مشغول بنماز شوی بکوی اللهم انی اقدم الیک محمدا صلی الله
علیه و آله بین یدی حاجتی و اتوجه به الیک فاجعلنی به وجیها
عندک فی الدنیا و الآخرة و من المقربین و اجعل صلوتی به
مقبولة و ذنبی مغفورا و دعائی به مستجابا انک انت الغفور
الرحیم و اکر برای نماز شب برخیزی بکوی اللهم انی اتوجه
الیک بنبیک نبی الرحمة و آله و اقدمهم بین یدی حوایجی
فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا و الآخرة من المقربین اللهم
ارحمنی بهم و لا تعذبنی بهم و اهدنی بهم و لا تضلنی بهم و لا
تحرمنی بهم و اقض لی حوایجی للدنیا و الآخرة انک علی کل شیء
قدیر و چون رو بقبله کنی بکوی اللهم الیک توجهت و مرضاتک
طلبت و ثوابک ابتغیت و بک آمنت و علیک توکلت اللهم
صل علی محمد و آل محمد و افتح مسامع قلبی لذکرک و ثبتنی علی دینک
و دین نبیک و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی و هب لی من لدنک رحمة

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ وچون خواهی که شروع در نماز کنی برای نماز فریضه اذان
واقامت هردو بکوید دو صف ملایکه در پشت او نماز کنند واکر اقامت تنها
بکوید یك صف که هر صفی از مشرق تا بمغرب باشد ومؤذنی که برای خدا اذان
بکوید نه برای اجرت ودر روز قیامت در بهشت در بالای تلی از مشك
باشد ودر میان اذان واقامت چون شهیدی که در راه خدا در خون
غلطیده باشد خدای تعالی باو دهد کسی کفت یا رسول الله مردم در اذان
بر هم پیش دستی میکنند وفرصت نمیدهند حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
فرمود زمانی بیاید که اذان کفتن را از روی تکبر بضعفا واکذارند وکوشت
ایشان را خدای تعالی بر آتش دوزخ حرام کرداند وکسی برای خدا اذان کوید
خدای تعالی ثواب چهل هزار شهید وچهل هزار صدیق باو عطا فرماید وچهل
هزار کناه کار را بشفاعت او به بهشت برد وچون أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللهُ
بکوید هفتاد هزار فرشته برای او دعا کنند واستغفار نمایند وروز قیامت
در سایه عرش خدا باشد تا حساب مردم تمام شود وچون بکوید أَشْهَدُ أَنَّ
مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ چهل هزار فرشته ثواب آنرا بنویسند واکر یك سال در شهری
از شهرهای اسلام اذان کوید کناهش آمرزیده شود اکر چه مثل کوه احد باشد
وبهشت او را واجب شود واذان را بتانی وبلند باید کفت که آواز هر خشك
وتری که برسد برای او شهادت دهد وهر قدر بلند شود آنقدر کناهانش
آمرزیده کردد وهر کس با او نماز کذارد در ثواب او شریك باشد وبعد هر کس
با او نماز کذارد برای او حسنه نوشته شود وخدای تعالی منادی بر اذان مؤکل

کرد اینده

کرد اینده که آواز آنرا باسمان برد چون ملایکه بشنوند کویند این آواز
امت محمد است صلی الله علیه وآله که توحید خدا می کنند پس برای ایشان استغفار
کنند تا آنکه از نماز فارغ شوند واکر در خانه اذان بلند کوید شیطان را
دور کنند وبرای اطفال نیکو باشد که صدای اذان وصیت ایمان همیشه
بشنوند وبیماری وپریشانی زایل کند وراوی کوید من واهل خانه
من همیشه بیمار وعلیل می بودیم وکاه می شد که هیچکس نمیماند که خدمت کند
تا این حدیث را شنیدم وبآن عمل نمودم بیماری از خانه من زایل شد
ودیکری از بیماری وبی فرزندی بخدمت امام رضا صلوات الله علیه
شکایت کرد فرمود در خانه خود اذان بلند بکو چنین کرد بیماری
زایل واولاد بسیار شد واقامت را آهسته تر وروانتر کویند وهر مرتبه
که نام حضرت پیغمبر صلوات الله علیه بکوید کوینده وشنونده صلوات
فرستند واذان را نشسته وسواره ودر راه وبی طهارت وبغیر قبله
اکر در کفتن شهادتین رو بقبله باشد توان کفت اما اقامت را
بشرایط وهیات نماز بکوید ودر اثنای اذان واقامت حرف زدن
جایز است اما ترکش افضل است بتخصیص در اثنای اقامت وچون قد قامت
الصلوة کفته شود احادیث وارد شده که حرف زدن حرام شود بر مؤذن
وسایر جماعت همه مکر آنکه برای اقامت کسی را کویند پیش بایست وبعضی
از علما تجویز حرف زدن برای سایر چیزهای که بنماز متعلق باشد
نیز فرموده اند واکر حرف زند اقامت را اعاده کند واکر جزء از اذان

واقامت را فراموش کند رجوع نماید و از ان کلمه بگوید تا اخر و اگر داخل
نماز شود و بخاطرش رسد که اقامت نگفته صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله
بفرستد و اقامت بگوید بعد از ان نماز کند اگر هنوز شروع در قرائت
نکرده باشد و در روایت دیگر آمده که اگر رکوع نکرده باشد رجوع
نماید و اذان و اقامت بگوید و برای زنان اذان و اقامت آنقدر
تاکید ندارد اما افضل است که بگویند و میان اذان و اقامت لحظه
فاصله کند اقلش اینکه نفسی بکشد یا الحمد لله یا سبحان الله بگوید یا بنشیند
یا سجده کند اگر بنشیند بگوید اللهم اجعل قلبي بارًّا ورزقي دارًّا واجعل لي
عند قبر رسولك صلى الله عليه وآله مستقرًّا وقرارًا و اگر سجده کند بگوید لا اله
الا انت ربي سجدت لك خاضعًا خاشعًا ذليلًا فصلّ على محمد وآل
محمد واغفر لي وارحمني وتب علي انك انت التواب الرحيم خدای تعالی
همه گناهان او را بیامرزد و اگر میان اذان و اقامت شام بنشیند چنان است
که در راه خدا در خون غلطیده باشد و در ظهر و عصر شش رکعت نافله را
پیش از اذان بگذارد و دو رکعت را میان اذان و اقامت و اگر در جماعتی
باشد که مؤذن اذان گوید جماعت همه بنشینند و چون قد قامت الصلوة
گوید همه برخیزند و بایستند و چون مؤذن اذان گوید کسی که شنود هر چه
مؤذن گوید آهسته بگوید روزیش زیاده شود و چون مؤذن شهادتین
گوید شنونده بگوید از روی تصدیق و اقرار وانا اشهد ان لا اله
الا الله وان محمدًا رسول الله اكتفي بها عمن ابى وجحد واعين بها

من اقر

من اقر وشهد بعد هر کس که شهادت و ایمان آورده و هر کس
انکار نموده و ایمان نیاورده اجر و ثواب داشته باشد و در روایتی
آمده که چون مؤذن حیعله گوید شنونده حوقله گوید و چون اذان
صبح و شام شنود اللهم اني اسألك باقبال نهارك وادبار ليلك
وحضور صلواتك واصوات دعاتك وتسبيح ملائكتك ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تتوب علي انك انت التواب الرحيم و در شام
بجای اقبال نهارک و ادبار لیلک بگوید باقبال ليلك وادبار
نهارك و اگر در این روز یا در این شب بمیرد تائب و شهید باشد

فصل ششم در کیفیت اشتغال بنماز و آداب آن از اهل بیت
نبوت صلی الله علیهم اجمعین مرویست که هر کس پیش از آنکه داخل نماز شود
بگوید اللهم اني اتوجه اليك بمحمد صلى الله عليه وآل محمد
واقدمهم بين يدي صلواتي واتقرب بهم اليك فاجعلني
بهم وجيها في الدنيا والاخرة ومن المقربين مننت علي بمعرفتهم
فاختم لي بطاعتهم ومعرفتهم وولايتهم فانها السعادة اختم
لي بها انك على كل عافية وبلاء تا آخر دعا که در فضل تعقیب
انشاء الله بیاید با محمد و آل محمد باشد صلی الله علیهم و افتتاح
نماز بیک تکبیر واجبست و سه تکبیر افضل و به پنج افضل از آن
و به هفت افضل از همه و یکی از جمله تکبیر واجبست و باقی مستحبست
و بعد از تکبیر سیم بگوید اللهم انت الملك الحق لا اله الا انت سبحانك

وبحمدك عملت سوء وظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت
وبعد از تکبیر پنجم بگوید لبیک وسعدیک والخیر فی یدیک و
الشر لیس الیک والمهدی من هدیت عبدك وابن عبدیك
ذلیل بین یدیك منك وبك ولك والیك لا ملجا ولا منجا
ولا مفر منك الا الیك تبارکت وتعالیت سبحانك وحنانیك
سبحانك رب البیت وهر کس پیش از تکبیر احرام بگوید یا محسن قد اتاك
المسیء وقد امرت المحسن ان یتجاوز عن قبیح ما تعلم سبحق خدای تعالی
بعد ایکه کوید کواه باشید که کناهانش را عفو فرمودم وهر کس پیش او
حقی یا مظلمه داشت از و راضی نمودم پس اکر تکبیر هفتم را قصد احرام کند این
دعا پیش از ان بخوانند وبعد از تکبیر هفتم بگوید وجهت وجهی للذی فطر
السموات والارض علی ملة ابراهیم ودین محمد ومنهاج علی والائتمام
بالائمة من آل محمد علیهم الصلوة والسلام حنیفا مسلما وما انا
من المشرکین ان صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین
لا شریك له وبذلك امرت وانا من المسلمین اللهم اجعلنی من المسلمین
ودر حال ایستادن ورکوع کردن پاها را از هم بگشاید بقدر سه انگشت
یا یکوجب وزنان در هر دو حال بهم نزدیک بگذارند تا فاصله نباشد وبعد از ان
از شیطان الرجیم پناه بخدا برده بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان
الرجیم وبعد از ان الحمد وسوره در دو رکعت اول هر نماز بخوانند وافضل
ان است که در دو رکعت اول ظهر وعصر ومغرب سورهای کوتاه بخوانند مثل اذا جاء

والهم

والحکیم ودر نماز ظهر وخفتن سورهای کوتاه بخوانند متوسط مثل والشمس
وسبح اسم ودر نماز صبح از ین دراز تر مثل عم یتساءلون وهل اتیك
حدیث الغاشیه وهل اتی علی الانسان ودر رکعتهای دوم قل هو الله
احد زیرا که بعد از ان قنوت خوانده می شود ودعا بعد از خواندن
قل هو الله مستجاب است ودر نماز شام وصبح جمعه سوره جمعه وقل هو الله احد
در نماز خفتن آن جمعه وسبح اسم ودر نماز جمعه یا ظهر آن جمعه منافقین
ودر نماز عصر آن جمعه وقل هو الله ومرویست که هر سوره که برای فضل وثواب
خواهند بخوانند واکر بجای آن انا انزلناه وقل هو الله بخوانند همان
ثواب نوشته باشند یا ثواب این دو سوره اما در نماز جمعه وظهر آن سوره
جمعه ومنافقین باید خواند که افضل است وبعضی از مشایخ رحمهم الله
واجب داشته اند واکر پنج نماز بگذارد که قل هو الله نخواند فرشته ندا کند وکوید
ای بنده خدا نو از جمله نماز کنندکان نیستی ومردان باید دو رکعت اول
نماز شام وخفتن ونماز صبح را بلند قرائت نمایند وهمچنین نماز جمعه ودو رکعت
اول ظهر جمعه را اکرچه منفرد باشد وباقی رکعتها ونمازها را آهسته واکر
عمدا نماز جهری را اخفات یا اخفاتی را جهر کند باطل شود واعاده باید
کرد وحد آهسته آنست که خود بشنود واکر آهسته تر از ین باشد مجزی نبود
وحد بلندی آنکه بسیار بلند نبود واز شدت بلندی نبود بلکه وحدی وسط باشد
وچون نمازهای جهری را بلند بخوانند انقدر که آواز ش برسد آتش دوزخ
از و دور شود وبر صراط بگذرد وروز قیامت مسرور وخوشحال

تا آنکه داخل بهشت شود و بعد از اتمام شدن الحمد و همچنین بعد از سوره بقدر
آنکه نفسی تواند کشید ساکت شود و چون از قرائت فارغ شود ایستاده تکبیر بگوید
و رکوع کند و دستها را بر زانو گذارد و انگشتان را بگشاید چنانکه زانو را
درمشت گیرد و زانو را بعقب میل دهد و پشت آنقدر خم کند که اگر قطره آبی
بر پشتش بریزند قرار گیرد و بطرفی حرکت نکند و گردن را دراز کند و سر را راست
بگیرد و بالها از هم بگشاید و اعضا بیکدیگر تکیه نکند و زنان دستها را
بالاتر از زانو بگذارد و تا بسیار خم نشود و اعضایشان بهم جمع تر باشد و سه مرتبه
بنالی سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اگر تسبیح رکوع و سجود را یکمرتبه گوید
ثلث نماز کرده باشد و اگر دو مرتبه دو ثلث و اگر هیچ نگوید هیچ نماز نکرده
باشد و پنج مرتبه افضل است و هفت مرتبه افضل از آن و هر چند بیشتر گوید
افضل بود و مرویست که هر کس رکوع را تمام کند از وحشت قبر ایمن باشد
و چون سر از رکوع بردارد و راست بایستد و هر کس بعد از رکوع پشت راست
نکند نماز نکرده باشد و ایستاده بگوید سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ اَهْلِ الْجَبَرُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَالْجُودِ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
پس همچنان ایستاده تکبیر بگوید و سر از برای سجود رود و هر دو دست را با هم
پیشتر از زانو بر زمین گذارد چنانکه برابر دو زانو باشد و انگشتانرا تمام
چسبیده برابر قبله باشد و ساعدها را از زمین بردارد و بالها را بگشاید چنانکه
هیچ عضو بیکدیگر تکیه نکند و زنان اول بنشیند و زانو را پیشتر از دست بر زمین گذارد
بجا بانند و سجده بهشت عضو باید کرد پیشانی و دو کف دست و دو زانو و دو انگشت

بزرك

بزرك پا و سر بینی هفت اول واجبست و آخر سنت و مرویست که هر کس بینی را بر خاك
پیشانی می گذارد بگذارد نمازش مجزی نبود و مستحب است که غیر دستها را بر چیزی گذارند
که سجده بر آن صحیح باشد تا روز قیامت غل بر آن نکنند و بند در سجده سه مرتبه
یا پنج مرتبه یا هفت مرتبه یا بیشتر بگوید سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ و کسی
که سجده را طول دهد شیطان ابلیس فریاد کند و گوید ای وای و اطاعت
کرده و من معصیت نمودم او سجده کرده و من سرکشی کردم و مستحب است
که سجده بر تربت امام حسین علیه السلام باشد که در میان بنده و خدای تعالی
حجابها را بشکافد و تا زمین هفتم نورانی کند و چون سر از سجده بردارد پشت
راست کند و بر جانب چپ بنشیند چنانکه هر دو پای از جانب راست بیرون آید
و پشت پای راست بر کف پای چپ باشد و نشسته تکبیر بگوید پس بحمد الله بگوید
بهمان طریق اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ پس همچنان نشسته تکبیر بگوید
و سجده دیگر بهمان طریق بکند و چون سر بردارد تکبیر بگوید و بنشیند
پس برکعت دیگر بهمان طریق بکند و چون سر از سجود بردارد تکبیر بگوید و برخیزد
و از سجده راست برخیزد که آن بدعت جباران است و در وقت
برخاستن هر دو کف دست بر زمین گذارد و بگوید بِحَوْلِ اللّٰهِ وَ
قُوَّتِهِ اَقُومُ وَاَقْعُدُ و اگر خواهد بگوید اَللّٰهُمَّ رَبِّي بِحَوْلِكَ وَ
قُوَّتِكَ اَقُومُ وَاَقْعُدُ و اگر خواهد وَارْكَعُ وَاَسْجُدُ نیز زیاد کند
و چون از قرائت رکعت دوم فارغ شود تکبیر بگوید و دستها بردارد
قنوت بخواند هر ذکر و دعائی که خواهد مجزی باشد اولش آنکه سه مرتبه

سبحان الله بگوید و هرچند طول بیشتر دهد روز قیامت راحتش
بیشتر دهد و افضل نمازها آن است که قنوتش طول تر باشد و از
جمله ذکرهای قنوت کلمات فرج فضل بسیار دارد و آن کلمات اینست
لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب
السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن
و رب العرش العظیم و الحمد لله رب العالمین و بعد از آن صلوات
بر پیغمبر و آلش بفرستد و هر حاجت و مطلب دنیوی و اخروی که رحمت
و مغفرت برای خود و دیگران که خواهد بطلبد و از جمله ادعیه ماثوره
که متضمن همه آنها باشد اینست اللهم انی اسئلک لی و لوالدی و
لولدی و اهل بیتی و اخوانی المؤمنین فیک الیقین و العفو
و المعافات و الرحمة و المغفرة و العافیة فی الدنیا و الآخرة
و در نماز صبح این قنوت مستحب است خواندن اللهم من کان اصبح
و له ثقة و رجاء غیرک فانت ثقتی و رجائی یا اجود من
سئل و یا ارحم من استرحم و ارحم ضعفی و مسکنتی و قلة
حیلتی و امنن علی الجنة و فک رقبتی من النار و عافنی فی
نفسی و فی جمیع اموری برحمتک یا ارحم الراحمین و در نماز جمعه
دو قنوت بخوانند در رکعت اول پیش از رکوع و در رکعت دوم
بعد از رکوع و در قنوت اول کلمات فرج بخوانند و بعد از آن بگوید
اللهم صل علی محمد و آل محمد کما هدیتنا به اللهم صل علی محمد و آل محمد

کما اکرمتنا

کما اکرمتنا به اللهم اجعلنا ممن اخترته لدینک و خلقته لجنتک
اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک
انت الوهاب و در قنوت دوم بگوید اللهم تم نورک فهدیت فلک
الحمد ربنا و بسطت یدک فاعطیت فلک الحمد ربنا و عظم حلمک
فعفوت فلک الحمد ربنا و جهک اکرم الوجوه و جهتک خیر الجهات
و عطیتک افضل العطیات و اهناها تطاع ربنا فتشکر و تعصی ربنا
فتغفر لمن شئت تجیب المضطر و تکشف الضر و تشفی السقیم و تنجی من
الکرب العظیم لا یجزی بآلائک احد و لا یحصی نعمائک قول قائل
اللهم الیک رفعت شخصت الابصار و نقلت الاقدام و مدت الاعناق
و رفعت الایدی و انت دعیت بالالسن و الیک سرهم و نجویهم فی
الاعمال ربنا اغفر لنا و ارحمنا و افتح بیننا و بین قومنا بالحق
و انت خیر الفاتحین اللهم انا نشکو الیک غیبة نبینا امامنا
و شدة الزمان علینا و وقوع الفتن بنا و تظاهر الاعداء و کثرة
عدونا و قلة عددنا فافرج ذلک یا رب بفتح منک تعجله و نصر
منک تعزه و امام عدل تظهره اله الحق اللهم بعدل تظهره و
امام حق نعرفه رب العالمین و از حضرت امام همام علی بن موسی
الرضا علیه السلام مرویست که از کسی پرسیدم که در نماز جمعه چه قنوت
میخوانی گفت آنچه مردم میخوانند حضرت فرمود این قنوت بخوان اللهم
اصلح عبدک و خلیفتک بما اصلحت به انبیائک و رسلک و حفه بملائکتک

وأيّده بروح القدس من عندك واسلك من بين يديه ومن خلفه رصدًا
يحفظونه من كلّ سوء وأبدله من بعد خوفه امنًا يعبدك لا يشرك
بك شيئًا ولا تجعل لأحد من خلقك على وليّك سلطانًا وأذن له
في جهاد عدوّك وعدوّه واجعلنا من أنصاره إنّك على كلّ شيء
قدير ٭ وبعضى از مشايخ رحمهم الله نقل كرده‌اند كه در قنوت دستها را برابر
رو بگيرد چنانكه انگشتان برابر قبله باشد و بهم چسبيده و چون از قنوت
فارغ شود تكبير ركوع بگويد و بعد از سجود بنشستنى كه قبل از اين مذكور شد
بنشيند و تشهد باين طريق بخواند بسم الله وبالله والحمد لله وخير الأسماء
لله أشهد أن لا إله إلّا الله وحده لا شريك له وأشهد أنّ محمّدًا
عبده ورسوله أرسله بالحقّ بشيرًا ونذيرًا بين يدي الساعة أشهد
أنّ ربّي نعم الربّ وأنّ محمّدًا نعم الرسول اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد
وتقبّل شفاعته وارفع درجته و بعد از آن دو بار يا سه بار الحمد لله
بگويد و چون خواهد برخيزد كف دستها بر زمين گذارد و بگويد بحول الله
وقوّته أقوم وأقعد و در ركعت سيم و چهارم احاديث بسيار
وارد شده كه تسبيح و الحمد لله هر دو مساويست هر كدام را خواند اما از حضرت
صاحب الزمان صلوات الله عليه مرويست كه قرائت الحمد در اين دو ركعت
تسبيح را نسخ كرده مگر بيمار يا كسى كه بسيار سهو كند بنا بر اين حديث
احتياط اينست كه بى ضرورت تسبيح نخواند و چون خواهد سلام دهد
بگويد السلام عليك أيّها النبيّ ورحمة الله وبركاته السلام

على

على أنبياء الله ورسله السلام على جبرئيل وميكائيل وملائكة الله المقرّبين
السلام على محمّد سيّد المرسلين عبد الله خاتم النبيّين لا نبيّ بعده السلام
على الأئمّة الهادين المهديّين السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين
و سلامى كه نماز بآن تمام شود سلام آخر است خواه امام باشد و خواه مأموم
و خواه منفرد و باين سلام حضرت پيغمبر صلوات الله عليه و ائمّه طاهرين صلى الله
عليهم را قصد كند و سلامهاى ديگر مستحبّ است و اگر امام باشد بعد از سلام
نماز خطاب بمأمومين كند و بگويد السلام عليكم ورحمة الله وبركاته و
مأموم بعد از سلام نماز دو سلام بگويد يكى جواب امام و اگر در جانب راست
كسى باشد باين سلام او را نيز قصد كند و يكى بجانب چپ و اگر در آنجا كسى نباشد
و اگر نباشد اين سلام در كار نباشد ٭ فصل هفتم ٭ در اشاره باسرار
مقدّمات و اعمال نماز و ذكر بقيّه آداب و افعال آن از اهل بيت طاهرين
صلوات الله عليهم اجمعين مرويست كه بهترين جامه‌ها و زينت ترين لباسها
براى مؤمنان لباس تقوى و پرهيزكاريست از هرچه خداى تعالى حرام كرده و نيز
و آنرا مكروه داشته و لباس ظاهرى بجهت آنست كه امر فرموده تا عورات بدن
و اعضاى معيوب و قبايح آن بآن پوشيده شود و مستور گردد و تو نيز بتقوى
كرامتى كه احسان فرموده تا گناهان باطل و مساوى اخلاق و هوسهاى
فاسد و آرزوهاى باطل پنهان گردد و مخفى مانند پس چون عورات و
عيوب ظاهر را از خلق پوشيده دارى و پيش كسى اظهار آن نيارى
شرم دار از آنكه امراض و ذنوب باطن را در پيش خداى جلوه دهى و از آن هيچ

آرزم نداری ومستراح ازان جهت مستراح کفتند که بدن در آنجا از ثقل
نجاسات راحت یابد واز کدورت کثافت استراحت نماید پس مؤمن چون ببیند
که لطیف ترین نعمتهای دنیا ولذیذ ترین لذتهای آن باین زودی عاقبت گندش
چه می شود باید عبرت از آن کیرد ودست از جمع کردن باز دارد ودل از فکر
آن فارغ سازد تا بجمعیت خاطر مشغول عبادت خدا شود وتحصیل نعمات
باقی نماید چه حالتست که شکم را از نجاست دنیا خالی کنی وبدن را از گرانی
راحت دهی ودلرا از وسواس آن لبریز سازی واز تشویش اندیشه
آن نپردازی وخدای تعالی آب را طهور کردانیده تا فضلات ونجاسات
بان بشوی واز کدورت احداث وکثافات تنزه یابی وجدول
توبه واستغفار جاری ساخته تا نجاسات ذنوب وسیئات را بآن
تطهیر دهی واز شناعت آثام وخطیئات وادهی هیچ نپسندیدی که تا
ازالة النجاسات ظاهر ودست ورو در وضو نشوی قابل آن
نباشی که روی بدن بقبله کردانی وبا عضای طاهر داخل
مسجد شوی وبر سجاده بنشینی وزبان دهان تسبیح ومناجات
نمای پس ازاله نجاسات باطن نانموده وخاطر از حدث محبت
باطل نشسته نشوی وبر سجاده نداده ونیت را برای خدای
خالص نکردانیده چگونه لایق آن باشی که روی دل بسوی خدا کنی
وبر بساط قرب وکرامت تکبیر نمای ودر حضرت عزت حدیث
اسرار سرائی وبمسواک دندان را از کثافت آثار طعام جلا

ودهانرا

ودهانرا از کراهت بوی آن صفا دهی چگونه جوارح را از نجاست عصیان
ومخالفت خدا ودل را از طاعت شیطان ومحبت دنیا بتضرع
وخشوع وانابت وخضوع طهارت ندهی وچون متوجه قبله
شوی وبر پای ایستی روی از جمیع جهات بکردانی وروی دل از وسوسه دنیا
نکردانی وایستادن موقف عرض اعمال وهویدا کشتن خفیات اسرار
یاد نکنی وچون اذان نماز شنوی از نداء روز قیامت یاد آر وچون
روی بقبله کنی روی دل از هرچه غیر خداست باز آر وچون بر پای ایستی
از وی بکمال خضوع وخشوع بایست وهرچه غیر خداست چنان پندار که در
خدمت خدا ایستاده وبا حضرت او در مکالمه دانا بیننده که هر ظاهر و
پنهانی داند وتوانا بیننده که هرچه بخاطر کذرانی تواند وپادشاهیست که
آسمان وزمین در وسعت مملکت او ذره ایست وهر دو جهان از بحار خزاین
رحمت او قطره در خدمت او چنان بایست که ضعیفترین بنده
در خدمت عظیمترین پادشاهی که سرش بخارد نخارد واکر دلش بدرد آید
نکرد کاهل وخواب آلود وسنکین بنماز بر مخیز که این جمله از صفات
منافقانست وبا ریش ودست بازی مکن وانکشتان در میان یکدیکر
میار که اینها همه از نماز نقصانست ودستها بر سینه مکذار که این عمل شیوه
مجوسانست وخمیازه با دهن واعضا مکن که از جمله اعمال شیطانست
واکر کسی در نماز انکشت بشکند نصیبش از نماز همان باشد وچون تکبیر
کویی بزرکی وعظمت خدا را یاد آر وهرچه غیر اوست در پیش بزرکی او ذلیل

وخوار شمارد که اگر یاد دیگری داری و دیگری را بزرگ شماری خدای تعالی گوید ای دروغ
گوی مرا می فریبی و بزبان الله اکبر میگویی و بدل بدیگری میل میکنی بعزت و جلال
خودم که از شیرینی ذکر خویش محرومت سازم و از نزدیکی جناب خود دور
و از لذت مناجات بی نصیب و مهجور گردانم و در نماز دستها را بر روی
ران بنداز و انگشتان بهم چسبیده باشد و سر و گردن و کمر راست بگیرد
بطرف قبله و بچیزی تکیه مکن و زنان دستها را بر سینه بچسبانند تا بر پستان
متصل شود و بلندی پستان ننمایند و در اثنای نماز آب دهن و دماغ
میفکن که هر کس برای تعظیم خدای آنرا فرو برد خدای تعالی او را تا وقت
ممات صحت بدن کرامت فرماید و پاها را برابر هم بگذارد که پیش و پس نباشد
و بسفره و دست بچیزی بر دهن مبند که نقصان نماز بود و نظر از موضع سجده
بر مدار و باطراف التفات مکن که هر کس در نماز باطراف نگاه کند خدای
تعالی گوید ای بنده من بکجا نگاه میکنی و کرا می طلبی آیا خدای بهتر از من
میخواهی یا جوادی سوای من میجویی منم اکرم الاکرمین و منم اجود الاجودین
بهترین معطین منم که آنقدر ثواب دهم ترا که هیچ کس قدر آن نداند روی بجانب
من کن که منم من روی با تو دارم و ملائکه من روی با تو دارند پس روی بجانب
من کن اگر بگردانی و متوجه نماز نشوی گناهی که کرده بود زایل شود و اگر باز
التفات بطرفی نمایی خدای تعالی همان مکالمه فرماید و همچنین تا چهار مرتبه
و مرتبه چهارم خدا رو از او بگرداند و ملائکه رو بگردانند و فرماید ای بنده
من واگذاشتم بآنچه میخواهی و روایت دیگر آمده که در مرتبه سیم خدای تعالی

رو بگرداند

رو بگرداند و بعد از آن هرگز با او نظر نکند نعوذ بالله من ذلک و در نماز
دل با خدا دار و خیال غیر نماز بخاطر میار که دو رکعت نماز با تفکر بهتر است
از قیام لیل و هر کس دو رکعت نماز گذارد و بداند که چه میگوید میان او
و خدا هیچ گناه نماند مگر اینکه آمرزیده شود و هر قدر از نماز که دل با آن
باشد حساب شود و هر جا از آن غافل باشد بر هم پیچند و بر روی
صاحبش زنند و در رکوع چشم بپوشد یا نظر در میان هر دو پا اندازد
و دراز کردن گردن در رکوع معنیش اینست که گردن از بندگی تو خدا
نکشیم و سر از اطاعت او نپیچم اگر چه گردنم بزنند و هیچ بنده رکوعی بتحقیق
نکرده مگر اینکه خدای تعالی او را بنور خویش مزین گرداند و در سایه
کبریای خود پناهش داده و خلعت اصفیا بر او بپوشاند و رکوع ادب
و اطاعت و سجود قربت و عزت کسی که ادب ضایع کند اهلیت قرب
نداشته باشد و سر بسجده گذاشتن معنیش اینست که خدایا اصل
من همین خاک ذلیلست که هر کسی پا بر او گذارد و چون سر بردارد یعنی
مرا ازین خاک آفریده و از خاک برداشته و چون سجده دوم کند یعنی
باز دیگرم میرانی و با خاک یکسان گردانی و چون سر بردارد یعنی
مرتبه دیگرم از نو زنده سازی مرویست که والله که زیان نکرده کسی که سجود
بحقیقت کرده اگر چه در تمام عمر یک مرتبه باشد و سود ننموده کسی که حق
آن ضایع نموده و مانند فریبندگان غافل از مرتبه ساجدان
با خدا خلوت نموده هرگز از خدا دور نشود کسی که در سجود تکلف

ازخود بردارد وخود را یکبارگی بخدا سپارد وهرگز بخدا نزدیک نگردد
کسی که سجود ضایع کند ودر آن حال دل بغیر خدا دهد عارفی گفته رکوع
دعوی بندگیست ودو سجود بعد از آن دو شاهد بر آن وچون قنوت
بخوانی آداب آن رعایت نمای وبدانکه چه می گویی واگر در گفتگو شود
هرچه بزبان رانی بر بیند هرچه در دل گذرانی پس نیک احتیاط کن
تا آنچه مطلبی خیر ونجات باشد وزبان در دعا ودل با غیر خدا نباشد
که دعای دل غافل مستجاب نگردد وچون تشهد خوانی اقرار بیاد نمای همه
ویگانگی خدا کنی واعتراف برسالت ونبوت پیغمبر او نمایی وعهد بندگی
وطاعت خود تجدید کنی وچون صلوات بر پیغمبر وآلش فرستی ایشان را
شفیع خویش گردانی چنانکه اقرار می کنی دل تو با زبان موافق دار واز آن بخیر
مگوی غافل شده تا مانند فریبندگان باطنت تکذیب ظاهر ننماید
ودرین مقام ذکر حدیثی دیگر کنیم که مشتمل است بر فضایل افعال نماز
با آداب واسرار آن مرویست از حضرت امام همام حسن بن علی العسکری
از آبای کرام خود از حضرت پیغمبر علیه وعلیهم الصلوة والسلام که فرمود چون
بنده مؤمن متوجه مصلای خود شود تا نماز گذارد خدای تعالی گوید
ای ملائکه من ببینید این بنده مرا که از همه خلایق بریده وبامید رحمت
وشفقت من روی نیاز آورده گواه باشید که او را برحمت وکرامت
خویش مخصوص گردانم وچون دست بر دارد والله اکبر گوید فرماید
که ببینید چون تبرا وبیزاری مینماید از نسبت می کنند شریک وشبیه

ونظیر برای

ونظیر برای من چنانکه اعدای من نسبت می کنند ومرا از آن بزرگ
ومنزه می دارد گواه باشید که او را از آثار گناهان پاک سازم ودر مملکت
بزرگ خود بزرگ گردانم واز عذاب جهنم نجات دهم وچون الحمد وسوره
دیگر بخواند فرماید ببینید بنده مرا چون از قرائت کلام من لذت
می یابد گواه باشید که روز قیامت او را بگویم که بخوان در بهشت کلام
مرا وبالا رو بر درجات چنان پس بعد هر حرفی که خواند درجه از نقره
ودرجه از لؤلؤ ودرجه از گوهر ودرجه از زبرجد سبز ودرجه از نور
رب العزة بالا رود وچون رکوع کند فرماید ببینید که چون تواضع
می کند ودر پیش جلال وعظمت من گواه باشید که او را در دیار
جلال وکبریای خود بزرگ گردانم وچون سر از رکوع بردارد
فرماید ببینید چون بر اعدای من ترفع می کند هم چنانکه برای
من تواضع مینماید ودر خدمت من راست می ایستد گواه
باشید که عاقبتش را بهترین عاقبتها گردانم ودر بهشت خویش
مأوای عطا فرمایم وچون سجده نماید فرماید ببینید که چون
تواضع می کند ومی گوید اگرچه در دنیا مکین وحلیم اما پیش
خود عظمت تو بر من ظاهر شود حقیر وذلیلم گواه باشید که او را
بجوی بلند بنام وباطل را باو دفع گردانم وچون از سجده اول سر
فرماید ببینید چون می گوید که همچنانکه در پیش عظمت تو تواضع نمودم
در حضرت خدمت تو برای بندگی وطاعت بحقارت وذلت راست

کنم و درین مقام ظاهر اعبادی از نسخه‌های این حدیث افاده و گویا
باین مضمون باشد که او را عزیز کردانم و بجهت خویش اختصاص دهم و چون
سجدهٔ دوم کند فرماید ببینید بندهٔ مرا چون بتواضع من عود نمود کواه
باشید که بحرمت خود در او را اعاده فرمایم و چون برای رکعت دیکر از جای خود
برخیزد فرماید ای ملائکه من ببینید چون برخواست بنماز او را از مذلت برداشتم
و بعزت بلند کردانم و هر رکعتی که کذارد خدای تعالی فرماید تا آنکه بتشهد
نشیند خدای تعالی فرماید ای ملائکه بندهٔ من و خدمت عبادت مرا بجای آورد و اکنون
نشسته و مرا ثنا می کوید و بر پیغمبر من صلوات فرستد فرماید من بر تو صلوات فرستم
همچنانکه تو بر و صلوات فرستادی و او را شفیع تو کردانم همچنانکه تو او را شفیع خود
ساختی و چون سلام نماز دهد خدای تعالی و ملائکه بر و سلام کنند و در روایت
دیکر آمده که سلام بعد از هر نماز امان است یعنی هر کس فرمان خدا و سنت
پیغمبر صلی الله علیه و آله را بخضوع و خشوع بجا آورد امان است او را از بلای دنیا
و عذاب آخرت و مخفی نماند که مراد از صلوات بر امیر المؤمنین صلوات الله علیه
اینست که بعد از صلوات بر پیغمبر و آل و نیز فرستد بر آن آل و امیر المؤمنین
و فاطمه و یازده امام دیکر نه صلی الله علیهم و احادیث دیکر وارد شده که سلمان فارسی
و سایر شیعیان نیز از جملهٔ آل آنحضرت اند و در صلوات بر ایشان شیعیان از ایشان
قصد باید نمود **فصل هشتم** در فضایل تعقیب و کیفیت آن از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام مرویست که هر کس بعد از نماز فریضه تا وقت نماز دیکر تعقیب
بخواند مهمان خدا باشد و حق است بر خدا که مهمان خود را اکرام فرماید و تعقیب

همچنان هم

خوانند

خواندن بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب برای وسعت رزق بهتر است
از مسافرت و تجارت نمودن با اینکه احادیث دیکر آمده که نه جزو رزق
در تجارت است و یک جزو در غیر آن و تعقیب خواندن بعد از فریضه
افضل است از نافله کذاردن و ظاهر مراد از این نافله غیر نافله رواتبه باشد
و هر کس بعد از نماز صبح بجای نماز بنشیند و تا طلوع آفتاب تعقیب
بخواند خدای تعالی او را از آتش دوزخ مستور کرداند و کناهان کذشته او
آمرزیده شود و چنان باشد که زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
کرده باشد و اکر بعد از نماز شام تعقیب بخواند و حرف نزند تا آنکه دو رکعت
نافله بکذارد آن نافله در علیین ثبت نمایند و اکر چهار رکعت
بکذارد حج مقبولی برای او ثبت کنند و فضل تعقیب بعد از فریضه
بر تعقیب بعد از نافله روی بقبله باشد و حرف نزند که هر چه بنماز ضرر
کند بتعقیب نیز ضرر کند مکر آنکه ضرورت و حرکتی روی دهد
پس تا با وضو باشد در تعقیب باشد این بود بیان فضایل تعقیب بر سبیل
اجمال و آداب آن اما تفصیل و کیفیت آن چنان است که مرویست
از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که هر کس بعد از سلام نماز
دست بردارد و سه مرتبه الله اکبر بکوید و بعد از آن بکوید لا اله الا الله
وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَاَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الاَحْزَابَ
وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
شکری که واجب است بر وی بسبب توفیق یافتن اسلام و جنود آن

بجا آورده باشد و هر کس بعد از نماز فریضه تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله
علیها بگوید و بعد از آن یکمرتبه لا اله الا الله بگوید گناهانش همه آمرزیده
شود و در روایت آمده که پیشتر از آنکه پای از وضعی که در نماز نشسته بگرداند
تسبیح بگوید و بعد از هر نماز هر روز گفتن این تسبیح بهتر است از آنکه هر روز
هزار رکعت نماز گذارد و هر کس این تسبیح را بر خود لازم گرداند هرگز
شقی نگردد و مرویست که اگر ذکری بهتر ازین تسبیح می بود پیغمبر صلی الله
علیه و آله آنرا بحضرت فاطمه عطا میفرمود و مستحب است که تسبیح از خاک
مقدس امام حسین علیه السلام که زینت شیعیان است و اگر دانه از گل
بگردانند بعدد هر دانه چهل حسنه داشته باشد و اگر عبث و بیکار
بگردانند هر دانه بیست حسنه دارد و اگر در اثنای ذکر فکر را فراموش
کند و همان تسبیح را می گرداننده باشد ثواب آن ذکر داشته باشد
و روایت دیگر آمده که اگر با تسبیحی ازان تربت مبارک استغفار
کند هر استغفاری هفتاد مرتبه مضاعف شود و اگر در دست گیرد و تسبیح
نکند هر دانه هفت مرتبه و روایت دیگر آمده که هر کس با این تربت
مقدس تسبیح کند چهار صد حاجتش بر آرند و نیز مرویست که هر کس باین
تسبیحات اربع بگوید بهر دانه شش هزار حسنه ثبت کنند و آنقدر سیئه
محو نمایند و آنقدر درجه بلند گردانند و آنقدر شفاعت عطا فرمایند
و مرویست که شیعیان ما از چهار چیز مستغنی نباشند حصیری
که جای نماز و انگشتری و مسواکی و تسبیحی از خاک قبر امام حسین علیه السلام

کسی و

که سی و سه دانه باشد و در روایت دیگر سی و چهار دانه وارد شده
و احتمال دارد که یا دانه موذن باشد و هر کس پیشتر از آنکه پای از وضعی
که نشسته بگرداند سه مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی
القیوم ذو الجلال و الاکرام و اتوب الیه خدای تعالی گناهانش را
بیامرزد اگر چه مثل کف دریا باشد و اگر پیش از آنکه زانو را از وضع
خود تغییر دهد ده مرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة و لا ولدا چهل هزار
هزار حسنه برای او ثبت شود و چهل هزار هزار سیئه محو شود
و چنان باشد که دوازده مرتبه ختم قرآن کرده و اگر بعد از هر نماز بگوید
اعوذ بوجهک الکریم و عزتک التی لا ترام و قدرتک التی لا یمتنع منها
شیء من شر الدنیا و الاخرة و شر الاوجاع کلها و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم خدای تعالی خیر دنیا و آخرت برای او
جمع نماید و اگر الحمد و شهد الله انه لا اله الا هو تا سریع الحساب
و آیة الکرسی و قل هو الله احد اللهم مالک الملک تا بغیر حساب
بخواند خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که هر روز بچشم پنهانی
خود هفتاد مرتبه بسوی او نظر کنم و هر مرتبه هفتاد حاجت او بر آرم و اورا
با همه گناه که دارد قبول نمایم و در روایت دیگر آمده که هر روز هفتاد
حاجتش را بر آرم که کمترین آنها مغفرت گناهانش باشد و در حظیرهٔ قدس
خویش جایش دهم و بر دشمنان نصرتش دهم و از ایشان بلا امانش دارم هیچ

چیز مانع بهشت رفتنش نباشد مکر موت یعنی اکر نه موت مقدر می شود
همچنانکه هست به بهشتش میبردم و در روایت آمده که هر کس بعد از هر فریضه
آیة الکرسی بخواند از ضرر حیوانات زهردار ایمن باشد و هیچ چیز مانع بهشت
رفتن او نباشد مکر موت و هیچ کس مواظبت بر آن نکند مکر صدیق تقی یا عابدی
و هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد ترک خواندن قل هو الله احد
بعد از هر فریضه نکند که خدای تعالی در دنیا و آخرت برای او جمع فرماید
و کناهان او و والدین و برادران و خواهرانش را بیامرزد و هر کس
بعد از هر فریضه بکند که خدای تعالی در دنیا و آخرت برای او جمع فرماید خیر
و کناهان دوازده مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از آن دست بر داشته
بکوید اللهم انی اسألك باسمك المكنون المخزون الطاهر الطهر
المبارك واسألك باسمك العظيم وسلطانك القديم ان تصلي
على محمد وآل محمد يا واهب العطايا يا مطلق الاسارى يا فكاك
الرقاب من النار اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان
تعتق رقبتي من النار وتخرجني من الدنيا سالما وتدخلني
الجنة آمنا وان تجعل دعائي اوله فلاحا واوسطه
نجاحا وآخره صلاحا انك انت علام الغيوب چون از
دنیا بیرون رود از کناهانش خالص باشد مانند طلای بیغش
و هیچ کس بر او مظلمه نباشد و بعد از هر نماز فریضه این بخواند اللهم
انی اسألك بيمنك القديم ورأفتك بتربيتك اللطيفة وشفقتك

بصنعتك

بصنعتك المحكمة وقدرتك بسترك الجميل صل على محمد وآل
محمد واحي قلوبنا بذكرك واجعل ذنوبنا مغفورة وعيوبنا
مستورة وفرائضنا مشكورة ونوافلنا مبرورة وقلوبنا بذكرك
معمورة ونفوسنا بطاعتك مسرورة وعقولنا على
توحيدك مجبورة وارواحنا على دينك مفطورة وجوارحنا
على خدمتك مقهورة واسماءنا في خواصك مشهورة وحوائجنا
لديك ميسورة وارزاقنا من خزائنك مدرورة انت الله
لا اله الا انت لقد فاز من والاك وسعد من ناجاك
وعز من ناداك وظفر من رجاك وغنم من قصدك
وربح من تاجرك و هر کس بعد از همه نمازها بکوید یا من لا
يشغله سمع عن سمع يا من لا يغلطه السائلون يا من لا
يبرمه الحاح الملحين اذقني برد عفوك وحلاوة رحمتك
کناهانش همه آمرزیده شود اکرچه بعدد ستاره آسمان و قطره
باران و خاک زمین و ریک بیابان باشد و هر کس بعد از
هر نماز فریضه بکوید اجير نفسي ومالي وولدي واهلي وداري
وكل ما هو مني بالله الواحد الاحد الصمد الذي لم يلد
ولم يولد ولم يكن له كفوا احد واجير نفسي ومالي وولدي
وكل ما هو مني برب الفلق من شر ما خلق تا آخر سوره
برب الناس تا آخر سوره وبالله الذي لا اله الا هو الحي القيوم

تا آخر آیة الکرسی را و خانه و مال و اولادش از آفات محفوظ گردند و نیز
بعد از نماز فریضه باید گفت رضیت بالله ربا و بمحمد نبیا و بالاسلام
دینا و بالقرآن کتابا و بعلی ولیا و الحسن و الحسین و علی و محمد
و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد ائمة اللهم
ولیک محمد بن الحسن فاحفظه من بین یدیه و من خلفه و عن
یمینه و عن شماله و من فوقه و من تحته و امدد له فی عمره
و اجعله القائم بامرک و المنتصر لدینک و اره ما یحب و تقر به
عینه فی نفسه و ذریته و فی اهله و ماله و فی شیعته و فی عدوه
و ارهم منه ما یحذرون و اره فیهم ما یحب و تقر به عینه و اشف
به صدورنا و صدور قوم مؤمنین و هر کس میخواهد که داخل نماز
شود بگوید اللهم انی اتوجه الیک بمحمد و آل محمد تا آخر دعائی
که در فصل کیفیت اشتغال بنماز گذشت و بعد از نماز بگوید اللهم اجعلنی
مع محمد و آل محمد فی کل عافیة و بلاء و اجعلنی مع محمد و آل محمد
فی کل مثوی و منقلب اللهم اجعل محیای محیاهم و مماتی مماتهم
و اجعلنی معهم فی المواطن کلها و لا تفرق بینی و بینهم انک علی
کل شیء قدیر با محمد و آل محمد صلی الله علیهم باشد و هر کس بعد از
هر فریضه بگوید رضیت بالله ربا و بمحمد نبیا و بالاسلام دینا و بالقرآن
کتابا و بالکعبة قبلة و بعلی ولیا و اماما و بالحسن و الحسین و علی
و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و الحجة القائم

صلوات

صلوات الله علیهم ائمة اللهم انی رضیت بهم ائمة فارضنی لهم انک
علی کل شیء قدیر با ایمان از دنیا بیرون رود و دیگر بعد از هر نماز
بگوید اللهم اهد لی من عندک و افض علی من فضلک و انشر
علی من رحمتک و انزل علی من برکاتک روز قیامت
هشت در بهشت بر وی گشوده شود تا از هر کدام که خواهد داخل شود
و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرموده اند جمله حقوق ما بر دوستان
و شیعیان ما اینست که چون از نماز فریضه فارغ شود بر نخیزد تا این
دعا بخواند اللهم انی اسئلک باسمک العظیم و بحقک العظیم ان
تصلی علی محمد و آل محمد الطاهرین و ان تصلی علیهم صلوة تامة
دائمة و ان تدخل علی محمد و آل محمد و اولیائهم حیث کانوا و این
کانوا فی سهل او جبل او بر او بحر من برکة دعائی ما تقر به عیونهم احفظ به عیونهم
یا مولای الغائبین منهم و اردده الی اهالیهم سالمین و نفس
عن المهمومین و فرج عن المکروبین و اکس العارین و اشبع الجائعین
و ارو الظامئین و اقض دین الغارمین و زوج العازبین
و اشف المرضی و ادخل علی الاموات ما تقر به عیونهم و انصر
المظلومین من اولیاء آل محمد علیهم السلام و اطف نائرة المخالفین
اللهم و ضاعف لعنتک و باسک و نکالک و عذابک علی الذین
کفروا نعمتک و خونوا رسولک و اتهموا نبیک و باینوه و حلوا عقده
فی وصیه و نبذوا عهده فی خلیفته من بعده و ادعوا مقامه و غیروا

احکامه وبدّلا سنّته وقلّبا دينه وصغّرا قدر نبيّك وبدّلا نظامهم وحرّفا
طريقا لقدر عليهم والخلاف عن امرهم والقتل لهم وارهاج الحروب عليهم
ومنع خليفتك من سدّ الثلم وتقويم العوج وتثقيف الاود وامضاء
الاحكام واظهار دين الاسلام واقامة حدود القرآن والعنهما و
ابنتيهما وكلّ من مال اليهم وحذا حذوهم وسلك طريقهم وتصدّق
بدعتهم لعنا لا يخطر ببال ويستعيذ منه اهل النار اللهمّ العن من
دان بقولهم واتّبع امرهم ودعا الى ولايتهم وشكّ في كفرهم من الاوّلين
والآخرين وهم از ان حضرت صلوات الله عليه روايت کرده اند که حقوق
ما بر شيعيان اينست که بعد از فريضه دست بر زمين نکرند وسه مرتبه بگويند يا ربّ
محمّد عجّل فرج آل محمّد يا ربّ محمّد احفظ غيبة محمّد يا ربّ محمّد انتقم
لابنة محمّد مؤلف اين مجموعه گويد هم چنانکه از قرآن مبين واحاديث
اهل بيت طاهرين عليهم السلام معلوم است وهيچ شکی در ان نيست اينست
که اين دو دعا وهر دعائی که باين مضمون باشد يعنی مشتمل بر ولايت
اهل بيت عليهم السلام ودعای ايشان وشيعيان وبرائت ولعنت
بر اعدا وغاصبان حق ايشان افضل است از همه ادعيه واذکار
واز جمله است از جميع افعال واعمال زيرا که ايمان باين تمام است واگر
نعوذ بالله درين قصوری باشد هيچ عبادت بقدر ذرّه سود ندهد
ومرويست که حضرت امام جعفر صادق عليه السلام بعد از هر فريضه چهار
کس از مردان ابو بکر وعمر وعثمان ومعاويه وچهار کس از زنان

عايشه

عايشه وحفصه وهند وامّ الحکم خواهر معاويه را بخصوص لعن مي فرموده
ومرويست که چون از فريضه فارغ شويد تا بنی اميه را لعن بکنيد مرويست
که در آسمان فرشته ايست که هزار هزار سر دارد در هر سری هزار هزار
دهن در هر دهن هزار هزار زبان با هر زبان بهزار هزار لغت خدا را
تسبيح می کند وقتی از جناب الهی سؤال نمود که آيا از بندگان تو کسی باشد
که مثل من عبادت کند از ان جناب جواب رسيد که در زمين مرا بنده است
که تسبيحش بهتر است وثوابش عظيم تر ان فرشته رخصت ديدن ان
بنده اذن يافته آمده وسه روز با او بود وزياده برين عبادتی
از وندید که بعد از هر فریضه این تسبیح می گفت سبحان الله كلّما
سبّح الله شيء وكما يحبّ الله ان يسبّح وكما هو اهله وكما
ينبغي لكرم وجهه وعزّ جلاله والحمد لله كلّما حمد الله شيء و
كما يحبّ الله ان يحمد وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعزّ
جلاله ولا اله الا الله كلّما هلّل الله شيء وكما يحبّ الله ان
يهلّل وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعزّ جلاله والله
اكبر كلّما كبّر الله شيء وكما يحبّ الله ان يكبّر وكما هو اهله
وكما ينبغي لكرم وجهه وعزّ جلاله سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اكبر وعلى كلّ نعمة انعم بها عليّ وعلى
كلّ احد من خلقه ممّن كان او يكون الى يوم القيمة اللهمّ اني
اسئلك ان تصلّي على محمّد وآل محمّد واسئلك خير ما ارجو

وخیر ما لا ارجوا واعوذ بك من شر ما احذر ومن شر ما لا احذر وهرکس
بعد از هر نماز سی مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر از سوختن و غرق شدن و خراب ماندن و خوردن جانوران
درنده و مردن بوجه بد و ناخوشی و بلیه که در افزون نازل شود ایمن
باشد و مرویست که مسافر این تسبیحات را بعد از هر نمازی که قصر می کند
سی مرتبه بخواند نمازش با آن تمام شود و هرکس بعد از نماز صبح و شام پیش
از آنکه حرف زند و پا را از وضعی که نشسته تغییر دهد صد مرتبه بگوید بسم الله
الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم صد نوع بلا
از او دفع شود که سهل ترین آن برص و جذام و شیطان و سلطان
باشد و اگر هفت مرتبه بگوید هفتاد نوع بلا دفع شود که سهل ترین
آن جنون و جذام و برص باشد و اگر شقی باشد از دیوان اشقیا محو
کرده و در زمره سعدا ثبت شود و اگر بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید
بسم الله العظیم نزدیکتر باشد از سیاهی چشم بسفیدی آن و اسم اعظم الله داخل
باشد و اگر بعد از نماز صبح و شام پیش از آنکه حرف زند با کسی و پا را بگرداند
بگوید ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا
صلوا علیه وسلموا تسلیما اللهم انی اسئلك صل علی محمد وآل
ذریته خدای تعالی صد حاجت او را بر آورد هفتاد در دنیا و سی در آخرت
و اگر بعد از نماز صبح و شام بگوید اللهم انی اسئلك بحق محمد وآل محمد
ان تجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص

فی عملی

فی عملی والسعة فی رزقی والسلامة فی نفسی والشکر لك ابدا
ما ابقیتنی از درد چشم ایمن باشد و خیر دنیا و آخرت برای او
جمع شود و اگر بعد از نماز صبح و ظهر بگوید اللهم اجعل صلواتك
وصلوة ملائکتك ورسلك علی محمد وآل محمد یکسال گناه
بر او ننویسند و اگر بعد از این دو نماز بگوید اللهم صل علی محمد
وآل محمد وعجل فرجهم از دنیا نرود تا بخدمت حضرت صاحب
الزمان صلوات الله علیه برسد و اگر بعد از نماز صبح پیش از آنکه با کسی
حرف زند بگوید رب صل علی محمد واهل بیته خدای تعالی
روی او را از آتش نگاه دارد و اگر بعد از نماز صبح ده مرتبه
بگوید سبحان الله العظیم وبحمده لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم از کوری و دیوانگی و جذام و پریشانی و ضعف پیری ایمن
باشد و اگر بعد از نماز صبح این دعا بخواند هر حاجتی که خواهد برآورده
شود و خدای تعالی کفایت مهمات او فرماید بسم الله وصلی الله علی محمد
وآله وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد فوقیه الله سیئات
ما مکروا لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین فا
ستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلك ننجی المؤمنین حسبنا الله
ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء ما
شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ما شاء الله لا
ما شاء الناس ما شاء الله وان کره الناس حسبی الرازق

الرب من المربوبین حسبی الخالق من المخلوقین حسبی الرازق من
المرزوقین حسبی الذی لم یزل حسبی حسبی من کان مذ کنت
حسبی حسبی الله الذی لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش
العظیم و هر کس هر روز بعد از نماز عصر بگوید استغفر الله الذی
لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم ذو الجلال و الاکرام
و اسأله ان یتوب علی توبة عبد ذلیل خاضع فقیر بائس مسکین
مستجیر لا یملک لنفسه ضرا و لا نفعا و لا حیوة و لا موتا و لا نشورا
خدای تعالی ملکین را فرماید تا نامه گناهان او را هر چه باشد
در اتش بسوزانند و هر کس بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار
کند هفتصد گناهش در ان روز امرزیده شود و اگر او را نباشد
از مادر و پدر و اگر او را نبود از خویشان اش الاقرب فالاقرب و اگر بعد از
نماز عصر ده مرتبه انا انزلناه بخواند بعد و هر کس نماز عصر کند ده برای
او حسنه ثبت نمایند و در روایت دیگر امده که مثل اعمال همه خلایق
برای او ثبت نمایند و روایت شده که دو ایت سوره بقره امن الرسول
بما انزل تا اخر سوره خدای تعالی از گنجهای بهشت فرستاده و دو
هزار سال پیش از انکه خلایق را بیافرید است خود نوشته هر کس بعد از
نماز خفتن بخواند مجزی باشد او را از قیام لیل و هر کس روز جمعه بعد از
نماز صبح پیش از انکه حرف زند بگوید اللهم ما قلت فی جمعتی هذه من
قول او حلفت فیها من حلف او نذرت فیها من نذر فمشیتک

بین یدی

بین یدی ذلک کله فما شئت منه ان یکون کان و ما لم تشأ منه
لم یکن اللهم اغفر لی و تجاوز عنی اللهم من صلیت علیه
فصلاتی علیه و من لعنته فلعنتی علیه کفاره گناهانی باشد
که در ان هفته کرده و هر کس بعد از عصر روز جمعه هفت مرتبه بگوید
اللهم صل علی محمد و ال محمد الاوصیاء المرضیین بافضل
صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک علیه و علیهم و
رحمة الله و برکاته خدای تعالی برای او صد هزار حسنه ثبت
نماید و صد هزار سیئه از او محو فرماید و صد هزار درجه بلند گرداند
و صد هزار حاجتش را بر اورد و بعد هر کسی او را حسنه باشد و
اعمالش در ان روز مقبول گردد و چون روز قیامت بیاید میان
هر دو چشمش نوری درخشان باشد و چون از نماز و تعقیبات
ان فارغ باشد و ملائکه را از ان خوش اید و خدای تعالی حجاب
از میان او و ملایکه بردارد و گوید ببینید بنده مرا عبادت
من بجای اورده و اکنون سجده می کند مرا شکر از توفیقش داده ام
پس جزای ان چه باشد ملایکه گویند خدایا رحمت تو فرماید دیگر چه گویند
بهشت گوید دیگر چه گویند کفایت مهمّاتش و هم چنین سؤال کند و ملایکه
جواب گویند تا انکه هیچ چیزی نماند مگر انکه گفته شود باز سؤال فرماید
گویند خدایا بیش از این علم ما وفا نکند پس خدای تعالی فرماید
شکر او کنم همچنانکه او شکر من میکند و بفضل خویش روی با وکنم و جمال

خود باو عنایم ونیز مرویست که خدای تعالی بحضرت موسی علی نبینا واله
وعلیه السلام وحی فرمود وگفت میدانی بچه سبب ترا بمناجات وکلام خود
اختیار نمودم گفت خدایا نداند فرمود همه بندگان خود را تجسس کردم
وامتحان فرمودم هیچ کس متواضع تر و ذلیل نفس تر از تو نیافتم زیرا که
چون نماز گذاری هر دو روی خود را بر خاک نهی و سجده شکر چنین
کند که هر دو ساعد و سینه و شکم ملاصق زمین باشد و در سجده
اول صد مرتبه بگوید الحمد لله شکرا و در هر ده مرتبه یکبار بگوید شکرا
للمجیب و چون صد مرتبه تمام شود بگوید یا ذا المن الذی لا ینقطع ابدا
ولا یحصیه غیره ویا ذا المعروف لا ینفد ابدا یا کریم یا کریم یا کریم
پس حاجتی که دارد بخواهد بعد از آن بگوید لک الحمد ان اطعتک و
لک الحجة ان عصیتک لا صنع لی ولا لغیری فی احسان منک
الی فی حال الحسنة یا کریم یا کریم صل علی محمد واهل بیته وصل
بجمیع ما سالتک من فی مشارق الارض ومغاربها من المؤمنین
والمؤمنات وابدأ بهم وثن بی برحمتک وچون روی راست بر زمین
گذارد بگوید اللهم لا تسلبنی ما انعمت به علی من ولایتک وولایة
محمد وآل محمد علیهم السلام پس روی چپ بر زمین گذارد و همین بگوید
پس بار دیگر سجده کند و صد مرتبه بگوید شکرا شکرا طریقه دیگر آنکه در سجده
اول بگوید اسئلک بحق حبیبک محمد صلواتک علیه واله الا بدلت سیئاتی
حسنات وحاسبنی حسابا یسیرا وچون روی راست بر زمین گذارد بگوید

اسئلک

اسئلک بحق حبیبک محمد صلواتک علیه واله الا کفیتنی مؤنة الدنیا
وکل هول دون الجنة وچون روی چپ بر زمین گذارد بگوید
اسئلک بحق حبیبک محمد صلواتک علیه واله لما غفرت لی الکثیر
من الذنوب والقلیل وقبلت من عملی الیسیر وچون مرتبه دیگر سجده
کند بگوید اسئلک بحق حبیبک محمد صلواتک علیه واله لما ادخلتنی
الجنة وجعلتنی من سکانها ولما نجیتنی من سفعات النار برحمتک
و اقل سجده شکر آنست که سه مرتبه بگوید شکرا لله شکرا لله وچون سر از
سجده بر دارد سه مرتبه بگوید بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب
والشهادة الرحمن الرحیم اللهم اذهب عنی الهم والحزن و هر مرتبه دست
راست بر موضع سجده بمالد و بر جانب راست که هم و حزن را زایل کند
وچون از جای نماز برخیزد بگوید سبحان ربک رب العزة عما یصفون
وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین وهر کس آخر کلامش
این بود خدای تعالی او را ببهشت برین کیلها ثواب دهد بعدد هر مسلمی
برای او حسنه ثبت فرماید **فصل هشتم** در فضایل ارکان
ساعات شبانه روز و اوراد صبح و شام و ذکر فضایل شبانه روز جمعه
وادعیه مخصوصه آن در میان لیالی وایام ائمه طاهرین صلی الله
علیهم اجمعین مرویست که هیچ روز بنی آدم وارد نشود مگر اینکه گوید
ای آدمی زاد من روزی تازه ام او شاهد اعمال توام پس تا من با توام
هر چه گویی خیر گویی و هر چه کنی خیر کن تا روز قیامت شاهد تو باشم

وچون از توجه اشوم دیگر قرابین دست رس نباشد و هم از ایشان علیهم السلام
مرویست که شیطان لعنة الله هر روز از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از غروب
آفتاب تا ذهاب شفق مغرب جنود و اتباع خود را در زمین منتشر سازد برای
اضلال مردمان پس در این دو وقت ذکر خدا بسیار کنید و خود و کودکان
بخدا پناه دهید و استغاثه نمایید تا آنکه و شر شیطان محافظت
فرماید که این دو ساعت ساعت غفلتند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
که خدای تعالی میفرماید که یکساعت بعد از صبح و یکساعت بعد از عصر
ذکر من کنید تا من کفایت مهمات شما نمایم و نیز فرموده اند که آفتاب
زرد شود ذکر خدا کنید و اگر با جمعی باشد که شما را مشغول سازند از میان
ایشان برخیزید و مشغول ذکر و دعا شوید و در وقت طلوع صبح بگویید
الحمد لله فالق الاصباح سبحان رب المساء ورب الصباح اللهم
صبح آل محمد ببركة وعافية وسرور وقرة عين اللهم انك
تنزل بالليل والنهار ما تشاء فانزل علي وعلى اهل بيتي من
بركة السموات والارض رزقا حلالا طيبا تغنيني به عن جميع
خلقك و از جمله ادعیه مخصوص صبح است عظیم الفضایل جسیم النوافل
شریف المضامین منسوب بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه اللهم
يا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه وسرح قطع الليل المظلم
بغياهب تلجلجه واتقن صنع الفلك الدوار في مقادير تبرجه
وشعشع ضياء الشمس بنور تاججه يا من دل على ذاته بذاته وتنزه

عن مجانسة

عن مجانسة مخلوقاته وجل عن ملائمة كيفياته يا من قرب
من خواطر الظنون وبعد عن ملاحظة العيون وعلم بما
كان قبل ان يكون يا من ارقدني في مهاد امنه وامانه وايقظني
الى ما منحني به من مننه واحسانه وكف اكف السوء عني بيده و
سلطانه صل اللهم على الدليل اليك في الليل الاليل والمتمسك
من اسبابك بحبل الشرف الاطول والناصع الحسب في ذروة الكاهل
الاعبل والثابت القدم على زحاليفها في الزمن الاول الصالح
وعلى آله الاخيار المصطفين الابرار وافتح اللهم لي مصاريع الصباح
بمفاتيح الرحمة والفلاح والبسني اللهم بافضل خلع الهداية و
الصلاح واغرس اللهم لعظمتك في شرب جناني ينابيع الخشوع و
اجر اللهم لهيبتك من آماقي زفرات الدموع وادب اللهم نزق الخرق
مني بازمة القنوع الهي ان لم تبتدئني الرحمة منك بحسن التوفيق
فمن السالك بي اليك في واضح الطريق وان اسلمتني اناتك لقائد
الامل والمنى فمن المقيل عثراتي من كبوات الهوى وان خذلني
نصرك عند محاربة النفس والشيطان فقد وكلني خذلانك الى
حيث النصب والحرمان الهي تراني اتيتك من حيث الآمال ام علقت حبالك
حين باعدتني ذنوبي من دار الوصال فبئس المطية التي امتطت نفسي
من هواها فواها لها لما سولت لها ظنونها ومناها وتبا لها لجرأتها
على سيدها ومولاها الهي قرعت باب رحمتك بيد رجائي وهربت

اليك لاجيا من فرط اهوائي وعلقت باطراف حبالك انامل ولائي فاصفح
اللهم عما كان من زللي وخطائي واقلني من صرعة ردائي انك
سيدي ومولاي ومعتمدي ورجائي في منقلبي ومثواي وانت
غاية مناي الهي كيف تخيب مسترشدا قصد الى جنابك ساعيا
ام كيف ترد ظمانا ورد الى حياضك شاربا كلا وحياضك مترعة
في ضنك المحول وبابك مفتوح للطلب والوغول وانت غاية
السؤل ونهاية المامول الهي هذه ازمة نفسي عقلتها بعقال مشيتك
وهذه اعباء ذنوبي درأتها رحمتك وهذه اهوائي المضلة وكلتها
الى جناب لطفك فصل على محمد وال محمد واجعل اللهم صباحي
نازلا علي بضياء الهدى والسلامة في الدين والدنيا ومسائي جنة
من كيد العدى ووقاية من مرديات الهوى انك على كل
شيء قدير وبالاجابة جدير اللهم مالك الملك تؤتي الملك من
تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار
وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي
وترزق من تشاء بغير حساب الهي من ذا يعرف قدرك فلا يخافك
ومن ذا يعلم ما انت فلا يهابك الفت بقدرتك الفرق وفلقت بلطفك
الفلق وانرت بكرمك دياجي الغسق وانهرت المياه من الصم الصياخيد
عذبا واجاجا وانزلت من المعصرات ماء ثجاجا وجعلت الشمس
والقمر للبرية سراجا وهاجا من غير ان تمارس فيما ابتدات لغوبا

ولا علاجا فيا من توحد بالعز والبقاء وقهر عباده بالموت والفناء
صل على محمد واله الاتقياء واسمع ندائي واستجب دعائي وحقق بفضلك
املي ورجائي يا خير من دعي لكشف الضر والمامول في كل عسر ويسر
بك انزلت حاجتي فلا تردني عن سنى مواهبك خائبا يا كريم يا كريم
برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على خير خلقه محمد واله اجمعين
وسلم تسليما كثيرا كثيرا وبترا ين دعا از صحيفه كامله هر صبح بخوانند که فضايل
بحد و فواصل بعدد دارد الحمد لله الذي خلق الليل والنهار بقدرته
تا اخر وبين هر صباح اين دعا بخوانند كه مرويست از امامين همامين موسى
بن جعفر الكاظم وعلي بن موسى الرضا عليهما السلام بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم ان ذنوبي وكثرتها قد اخلقت وجهي عندك وحجبتني
عن استيهال رحمتك وباعدتني عن استيجاب مغفرتك ولولا
تعلقي بالائك وتمسكي بالرجاء لما وعدت امثالي من المسرفين
واشباهي من الخاطئين بقولك يا عبادي الذين اسرفوا على
انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا
انه هو الغفور الرحيم وحذرت القانطين من رحمتك
فقلت ومن يقنط من رحمة ربه الا الضالون ثم ندبتنا
برحمتك الى دعائك فقلت ادعوني استجب لكم ان الذين
يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين لكان
ذل الاياس علي مشتملا والقنوط من رحمتك بي ملتحفا

الهي وقد وعدت المحسن ظنه بك ثوابا واوعدت المسيء ظنه بك
عقابا اللهم وقد امسك رمقي حسن الظن بك في عتق رقبتي
من النار وتغمد زللي واقالة عثرتي وقلت وقولك الحق الذي
لا خلف له ولا تبديل يوم ندعو كل اناس بامامهم ذلك يوم
النشور اذا نفخ في الصور وبعثرت القبور اللهم اني اقر واشهد
واعترف ولا اجحد واسر واظهر واعلن وابطن بانك انت الله
لا اله الا انت وحدك لا شريك لك وان محمدا عبدك ورسولك
وان عليا امير المؤمنين وسيد الوصيين ووارث علم النبيين و
قاتل المشركين وامام المتقين ومجاهد الناكثين والقاسطين
والمارقين امامي وحجتي وعروتي وصراطي ودليلي ومحجتي
ومن لا اثق بالاعمال وان زكت ولا اراها منجية لي وان
صلحت الا بولايته والايتمام به والاقرار بفضائله والقبول
من حملته والتسليم لرواتها اللهم واقر باوصيائه من ابنائه
ائمة وحججا وادلة وسرجا واعلاما ومنارا وسادة وابرارا
واومن بسرهم وجهرهم وظاهرهم وباطنهم وحيهم وميتهم وشاهدهم
وغائبهم لا شك في ذلك ولا ارتياب ولا تحولي عنه ولا انقلاب
اللهم فادعني يوم حشري وحين نشري بامامتهم واحشرني في
زمرتهم واكتبني في اصحابهم واجعلني من اخوانهم وانقذني بهم من حر
النيران وان لم ترزقني روح الجنان فانك ان اعتقتني من النار

كنت

كنت من الفائزين اللهم وقد اصبحت في يومي هذا ولا ثقة لي
ولا رجاء ولا مفزع ولا ملجأ ولا ملتجأ غير من توسلت بهم اليك
وهم رسولك وآله علي امير المؤمنين وسيدتي فاطمة الزهراء
سيدة النساء والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى
وعلي ومحمد وعلي والحسن ومقيم الحجة المستورة من ولدهم و
المرجو للامة من ذريتهم وخيرتك صلواتك عليهم اللهم فا
جعلهم في هذا اليوم وما بعده حصني من المكاره ومعقلي من المخاوف
ونجني بهم من كل عدو وطاغ وفاسق وباغ ومن شر ما
اعرف وما انكر وما استتر علي وما ابصر ومن شر كل دابة انت
ربي آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم اللهم فبتوسلي
بهم اليك وتقربي بمحبتهم وتحصني بامامتهم افتح علي في هذا
اليوم ابواب رزقك وانشر علي رحمتك ومغفرتك و
حببني الى خلقك وجنبني عداوتهم وبغضهم انك على
كل شيء قدير اللهم ولكل متوسل ثواب ولكل ذي شفاعة
حق فاسئلك بمن جعلتهم اليك سببي وقدمتهم امام طلبتي
ان تعرفني بركة يومي هذا وشهري هذا وعامي هذا اللهم
فهم مفزعي ومعولي في شدتي ورخائي وعافيتي وبلائي ونومي
ويقظتي وظعني واقامتي وعسري ويسري وعلانيتي وسري وصباحي
ومسائي ومنقلبي ومثواي اللهم فلا تخيبني بهم من نائلك

جعلتهم دل

ولا تخلني بهم من نعمتك ولا تقطع رجائي من رحمتك ولا تويسني
من روحك ولا تفتني بانغلاق ابواب الرزق وانسداد مسالكها
وارتتاج مذاهبها وافتح لي من لدنك فتحا يسيرا واجعل لي من كل
ضنك مخرجا والى كل سعة منهجا برحمتك يا ارحم الراحمين
اللهم تجعل الليل والنهار مختلفين علي برحمتك ومعافاتك
ومنك وفضلك ولا تفقرني الى احد من خلقك برحمتك يا ارحم
الراحمين انك على كل شيء قدير محيط بوشيده نماند كه راي شيعيان
و دوستان اهل بيت عليهم السلام اين دعا وامثال اين افضل همه ادعيه و
اوراد واكمل همه وسايل واذكارات بسبب اشتمال آن بر توسل بحبل المتين
ولايت و تمسك بعروة الوثقى امامت ايشان كه معيار هر شرف و سعادت
ومدار قبول عبادات است و هر كه چهل روز بعد از نماز صبح اين دعا
از جمله انصار حضرت صاحب الزمان صلوات الله عليه وعلى ابائه الطاهرين
باشد و اگر پيش از ظهور آنحضرت بميرد در آن زمان خداي تعالى زنده
كردانيدش و بعدد هر كلمه هزار حسنه عطا فرمايد و هزار سيئه محو نمايد دعا
اينست بسم الله الرحمن الرحيم اللهم رب النور العظيم ورب الكرسي الرفيع
ورب البحر المسجور ومنزل التورية والانجيل والزبور ورب الظل
والحرور ومنزل القرآن العظيم ورب الملائكة المقربين والانبياء
والمرسلين اللهم اني اسئلك بوجهك الكريم وبنور وجهك المنير
وملكك القديم يا حي يا قيوم اسئلك باسمك الذي اشرقت به السموات

والارضون

والارضون وباسمك الذي يصلح به الاولون والاخرون يا حي قبل كل حي
حين لا حي يا محيي الموتى ومميت الاحياء يا حي لا اله الا انت صل
على محمد وال محمد وعجل اللهم فرجهم اللهم بلغ مولانا الامام
الهادي المهدي الحجة القائم بامرك عن جميع المؤمنين والمؤمنات
في مشارق الارض ومغاربها وسهلها وجبلها وبرها وبحرها
وحيهم وميتهم وعني وعن والدي واهلي واخواني وولدي
من الصلوات والتحيات زنة عرشك وعدد كلماتك
وما احصاه كتابك واحاط به علمك اللهم اني اجدد له في صبيحة يومي
هذا وما عشت فيه من ايام حيوتي عهدا وعقدا وبيعة له في عنقي
لا احول عنها ولا ازول ابدا اللهم اجعلني من انصاره واعوانه والذابين
عنه والمسارعين في حوائجه والممتثلين لاوامره ونواهيه
والسابقين الى ارادته والمجاهدين معه والمستشهدين بين يديه
اللهم فان حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك
حتما مقضيا فاخرجني من قبري مؤتزرا كفني شاهرا سيفي مجردا قناتي
ملبيا دعوة الداعي في الحاضر والبادي اللهم ارني الطلعة
الرشيدة والغرة الحميدة واكحل مرهي بنظرة مني اليه وعجل فرجه
وسهل مخرجه واوسع منهجه واسلكني محجته وانفذ امره واشدد
ازره وقو ظهره وطول عمره واعمر اللهم به بلادك واحي به عبادك
فانك قلت وقولك الحق ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس

فأظهر اللهم لنا وليك وابن وليك وابن بنت نبيك المسمّى باسم رسولك
صلواتك عليه وآله في الدنيا والآخرة حتى لا يظفر بشيء من الباطل إلا
مزّقه ويحقّ الله الحق ويحققه اللهم واجعله مفزعاً للمظلوم من
عبادك وناصراً لمن لا يجد له ناصراً غيرك ومجدداً لما عطل من أحكام
كتابك ومشيداً لما ورد من أعلام دينك وسنن نبيك محمد صلى
الله عليه وآله واجعله اللهم ممن حصنته من بأس المعتدين اللهم
وسرّ نبيك محمداً صلواتك عليه وآله برؤيته ومن تبعه على دعوته
وارحم استكانتنا من بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الأمة
بحضوره وعجّل اللهم ظهوره إنهم يرونه بعيداً ونريه قريباً برحمتك
يا ارحم الراحمين بعد از آن سه مرتبه دست بر زانوی راست زند وبگوید
العجل العجل العجل يا مولای يا صاحب الزمان الغوث الغوث الغوث
صلوات الله عليك انا منتظر اليك حتى يمكنني الله من دولتك وسعادتك
ويمنك وبركتك يا مولای العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة
بعد از آن بسیار بگوید یا صاحب الزمان الامان الامان الامان الغوث
الغوث الغوث ادركني بحقك وبحق آبائك الطيبين الطاهرين المعصومين
المكرمين واز اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که سحر است
که همه پیغمبران از آدم تا حضرت خاتم صلی الله علیه وآله وسلم از یکدیگر میراث
گرفته اند وآن اینست که هر روز صبح بگویند اللهم اسئلك ايماناً تباشر به
قلبي ويقيناً حتى اعلم انه لا يصيبني الا ما كتبت لي ورضاء بما قسمت لي

ودربعضی

ودربعضی روایات این عبارت نیز زیاده بر آن مده حتی لا احب
تعجيل ما اخرت ولا تاخير ما عجلت يا حي يا قيوم برحمتك
استغيث اصلح لي شأني كله ولا تكلني الى نفسي طرفة عين ابداً و
صلى الله على محمد وآله وهرکس هر روز پیش از طلوع آفتاب بگوید
الله اكبر الله اكبر كبيراً وسبحان الله بكرة واصيلاً والحمد لله رب
العالمين كثيراً لا شريك له وصلى الله على محمد وآله فرشته آنرا بگیرد
ودر میان بال خویش گذاشته باسمان رود وچون باسمان دنیا
رسد ملایکه گویند با خود چه داری گوید این کلمات را که مؤمنی گفته پس ملائکه
دعا کنند وگویند خدای تعالی بر آن مؤمن رحمت کند وگناهانش بیامرزد
وهمچنین هر آسمان که رسد ملایکه آن آسمان همین دعا کنند تا آنکه بحاملان
عرش رسد ایشان نیز این دعا کنند وگویند این کلمات را بخزینه داران
اقوال مؤمنان بسپارند تا در دیوان خزینه ثبت نمایند که این کلمات
خزینه است وهرکس هر صبح وعصر سه مرتبه بگوید اللهم صل على محمد وآل
محمد في الاولين وصل على محمد وآل محمد في الآخرين وصل
على محمد في المرسلين اللهم اعط محمداً الوسيلة والفضيلة والشرف
والرفعة والدرجة الكبيرة اللهم اني آمنت بمحمد ولم اره فلا
تحرمني يوم القيمة رؤيته وارزقني صحبته وتوفني على ملته واسقني
من حوضه شرباً روياً سائغاً هنيئاً لا اظمأ بعده ابداً انك
على كل شيء قدير اللهم وكما آمنت بمحمد ولم اره فعرفني في الجنان وجهه

اللهم بلغ روح محمد عنی تحیة كثیرة وسلاما كناهانش فرو ریزد و خطاهاش
محو كردد و سرورش دایم شود و بر دشمنان نصرت یابد و اسباب خیرات
برای او مهیا شود و از زویش برآید و روزیش وسیع كردد و در بهشت
از رفقای محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله باشد و از حضرت امام
جعفر بن الصادق علیهما السلام مرویست كه سنتی واجبست پیش از طلوع
و پیش از غروب آفتاب ده مرتبه خواندن این تهلیل لا اله الا الله وحده
لا شریك له له الملك وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده
الخیر وهو علی كل شیء قدیر و بعد از آن ده مرتبه این استعاذه
اعوذ بالله السمیع العلیم من همزات الشیاطین واعوذ بالله ان
یحضرون ان الله هو السمیع العلیم و اگر فراموش كند قضا كند همچنانكه
نماز را قضا می‌كند و در روایت دیگر آمده كه هر كس این تهلیل را ده مرتبه پیش
از طلوع و غروب آفتاب بخواند كفاره كناهان آن روزش باشد و هر كس پیش از
طلوع و غروب آفتاب بخواند كفاره كناهان صد مرتبه الله اكبر بگوید همچنان است
كه صد بنده آزاد كند و هر كه هر صبح و شام سه مرتبه بگوید سبحان الله
حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السموات والارض وعشیا
وحین تظهرون در آن شبانه روز هیچ چیز از وفوت نشود و هیچ شری
باو نرسد و هر كه هر صبح و شام چهار مرتبه بگوید الحمد لله رب العالمین
شكر آن شبانه روز بجا آورده باشد و مرویست كه كسی پیش ابو درداء گفت
آتش افتاده و خانهات سوخت گفت خانه من نسوخته دیگری آمد و همین

جز او ر

خبر آورد دهر سه همین جواب شنیدند و چون معلوم شد خانهای حوالی
همه سوخته بود و خانه او در میان سالم مانده پرسیدند چون دانستی كه خانه‌ات
نسوخته گفت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله شنیدم كه هر كه صبح و شام بگوید
اللهم انت ربی لا اله الا انت علیك توكلت وانت رب العرش العظیم
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ما شاء الله كان وما لم
یشأ لم یكن اعلم ان الله علی كل شیء قدیر وان الله قد احاط
بكل شیء علما اللهم انی اعوذ بك من شر نفسی ومن شر
كل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم در آن
شبانه روز هیچ آفت باو نرسد و من این را گفته بودم و نیز هر صبح
و شام این دعا سه مرتبه بخوانند اصبحت اللهم معتصما بذمامك المنیع
الذی لا یحاول ولا یطاول من كل غاشم وطارق من سائر من
خلقت من خلقك الصامت والناطق فی جنة من كل مخوف وما خلقت
بلباس سابغة ولاء اهل بیت نبیك علیه وعلیهم السلم محتجبا
من كل قاصد لی الی اذیة بجدار حصین الاخلاص فی الاعتراف
بحقهم والتمسك بحبلهم موقنا ان الحق معهم وفیهم وبهم اوالی
من والوا واجانب من جانبوا فصل علی محمد وآل محمد واعذنی
اللهم بهم من شر ما اتقیه یا عظیم حجزت الاعادی عنی ببدیع
السموات والارض انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان
فهم مقمحون وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا

فاغشیناهم فهم لا یبصرون و در وقت شام بجای اصبحت امسیت بگوید اینهم
مخاوف و مکاره ایمن شود انشاء الله تعالی و از حضرت امام جعفر بن محمد
الصادق علیهما السلام مرویست که اگر هر چیز را ترک کنی این دعا را هر صبح و
شام ترک مکن اللهم انی اصبحت استغفرک فی هذا الصباح وفی
هذا الیوم لاهل رحمتک وابرأ الیک من اهل لعنتک اللهم انی
اصبحت ابرأ الیک فی هذا الیوم وفی هذا الصباح ممن نحن بین
ظهرانیهم من المشرکین ومما کانوا یعبدون انهم کانوا قوم سوء
فاسقین اللهم اجعل ما انزلت من السماء الی الارض فی هذا
الصباح وفی هذا الیوم برکة علی اولیائک وعقابا علی اعدائک
اللهم وال من والاک وعاد من عاداک اللهم اختم لی بالامن
والایمان کلما طلعت شمس او غربت اللهم اغفر لی ولوالدی
وارحمهما کما ربیانی صغیرا اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین
والمسلمات الاحیاء منهم والاموات انک تعلم متقلبهم ومثویهم
اللهم احفظ امام المسلمین بحفظ الایمان وانصره نصرا عزیزا وافتح
له فتحا یسیرا قریبا واجعل له ولنا من لدنک سلطانا نصیرا اللهم
العن ابا بکر وعمر والفرق المختلفة علی رسولک وولاة الامر
بعد رسولک والائمة من بعده وشیعتهم واسألک الزیادة
من فضلک والاقرار بما جاء من عندک والتسلیم لامرک والمحافظة
علی ما امرت به لا ابتغی به بدلا ولا اشتری به ثمنا قلیلا اللهم اهدنی

فیمن

فیمن هدیت وقنی شر ما قضیت انک تقضی ولا یقضی علیک ولا یذل
من والیت تبارکت وتعالیت سبحانک رب البیت تقبل منی
دعائی وما تقربت به الیک من خیر فضاعفه لی اضعافا کثیرة
وآتنا من لدنک اجرا عظیما رب ما احسن ما ابلیتنی واعظم
ما اعطیتنی واطول ما عافیتنی واکثر ما سترت علی فلک الحمد یا الهی
کثیرا طیبا مبارکا علیه ملء السموات والارض وملء ما شاء ربی وکما
یحب ربی ویرضی وکما ینبغی لوجه ربی ذی الجلال والاکرام و چون
این دعا در وقت شام بخوانند در همه مواضع بجای اصبحت امسیت
وبجای هذا الصباح هذا المساء وبجای هذا الیوم هذا اللیل وبجای طلعت
شمس او غربت شمس او طلعت بگویند و نیز هر صبح و شام بگوید الحمد لله
الذی یفعل ما یشاء ولا یفعل ما یشاء غیره الحمد لله کما یحب
الله والحمد لله کما هو اهله اللهم ادخلنی فی کل خیر ادخلت
فیه محمدا وآل محمد واخرجنی من کل سوء اخرجت منه
محمدا وآل محمد صلی الله علی محمد وآل محمد و مرویست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله چون آفتاب را بر کوه دیدی که زرد شد
گریه از چشم مبارکش روان شدی و گفتی امسی ظلمی مستجیرا بعفوک
وامست ذنوبی مستجیرة بمغفرتک وامسی خوفی مستجیرا بامانک
وامسی ذلی مستجیرا بعزک وامسی فقری مستجیرا بغناک و
امسی وجهی الفانی البالی مستجیرا بوجهک الدائم الباقی

اللهم البسني عافيتك وغشني برحمتك وجللني كرامتك وقني
شر خلقك من الجن والانس يا الله يا رحمن يا رحيم ومرویست
که در وقت ظهر گفتن این تسبیح را محافظت نمای همچنانکه چشم
خود را محافظت میکنی سبحان الله ولا اله الا الله والحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل
وکبره تکبیرا واما فضایل شب و روز جمعه و اوراد آن مرویست
از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که صبح روز آفتاب
طلوع نکند افضل از روز جمعه و سید روزهاست و خدای تعالی
در روز جمعه حسنات مضاعف کند و سیئات محو نماید و درجات
بلند گرداند و دعوات اجابت فرماید و بلیات دفع کند و حاجات
عظیم بر آورد و رحمت و فضل زیاده گرداند و هیچکس درین روز
دعا نکند و طلب مغفرت ننماید و حال آنکه حق اکه حق و حرمت
این روز را شناسد مگر آنکه بر خدا لازم باشد که او را از آتش
دوزخ آزاد گرداند پس اگر در روز جمعه یا شب آن بمیرد شهید باشد
و امان از عذاب قبر و آتش دوزخ یابد باشد و هر قدر توانند درین روز طاعات
و عبادات و سایر خیرات زیاده کنند که ثواب حسنات مضاعف باشد
و ترک معاصی و مناهی و جمیع ملاهی نمایند که عقوبت سیئات مضاعف
گردد و بسا باشد که مومن دعا کند و خدای تعالی تاخیر اجابت آن کند تا روز
جمعه برای فضیلت آن روز و شب جمعه نیز در فضل و شرف مثل روزش باشد

در فضایل شب و روز جمعه و اوراد آن

وخدای

وخدای تعالی هر شب جمعه از اول شب تا طلوع صبح از بالای عرش ندا
فرماید و گوید ای بنده مومن که حاجتی داری برای آخرت یا دنیا طلب
نمای تا اجابت کنم و اگر گناهی کرده استغفار نمای تا قبول نمایم و اگر معاشت
تنک بود سوال نمای تا زیاده فرمایم و اگر بیماری دعا کنی شفا دهم و اگر محبوس
و مغموم باشی استغفار کن تا نجات دهم و اگر مظلوم باشی استعانت نمای
تا نصرت دهم و در ثلث آخر هر شب و در شب جمعه از اول تا طلوع صبح ملکی را
فرستد تا از جانب خدا ندا کند و گوید هر کس را حاجتی باشد بخواهد
تا اجابت شود و اگر گناهی کرده توبه نماید تا مقبول گردد و ای طالبان خیر
مشغول خیر شوید و ای طالبان شر ترک شرور نمایید و چون صبح طلوع
کند بمقام خود در ملکوت سما رجوع نماید و مستحب است در روز جمعه
بجهت عیال و اطفال میوه و تحفه تازه که در روزهای دیگر نبوده
باشد آوردن تا درین روز شاد و خوشحال باشند و محبت ایشان بآن
روز زیاده گردد و هر کس استخفاف بحرمت این روز کند و حق آنرا ضایع گرداند
بر خدای تعالی لازم باشد که او را بجهنم برد مگر آنکه توبه کند و اگر درین روز
یک بیت شعر بخواند نصیبش از فضایل آن همان باشد و افضل اعمال در شبانروز
روز جمعه صلوات فرستادنست بر پیغمبر و آل او صلی الله علیهم و چون عصر
پنجشنبه شود ملائکه از آسمان نازل شوند بعدد ذره با قلمهای طلا و لوحهای
نقره و تا شب شنبه کار ایشان همین باشد که هر کس صلوات فرستد نویسند و این ملائکه
در روزهای دیگر نازل نشوند و سنت است روز جمعه هزار مرتبه و سایر روزها

صد مرتبه صلوات فرستادن و هرکه در شب جمعه سوره بنی اسرائیل بخواند از اصحاب
حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه گردد و هرکه در شب جمعه یا روز جمعه بعد از عصر
سوره کهف بخواند تا جمعه دیگر محفوظ باشد و اگر در شب جمعه بخواند درجه شهید یابد
و در زمره ایشان محشور شود و کفاره گناهانش باشد از جمعه سابق تا آن جمعه
و هرکه در شب جمعه یا در شب عید فطر و اضحی ده مرتبه بگوید یا دائم الفضل علی البریة
یا باسط الیدین بالعطیة یا صاحب المواهب السنیة صل علی محمد و آله
خیر الوری سجیة واغفر لنا یا ذا العلا فی هذه العشیة هزار هزار حسنه
برای او ثبت نمایند و هزار هزار سیئه محو فرمایند و در مجلس مرحمت نمایند
و روزه این روز برابرست با ده روز نورانی درخشان که مرو روزهای دنیا
شبیه شود و مستحب است روز جمعه زیارت حضرت پیغمبر و اهل بیتش صلی الله
علیهم و چون خواهد زیارت کند غسل کند و جامهای پاکیزه بپوشد و بصحرا
رود و در روایت دیگر بام خانه نیز آمده و چهار رکعت نماز بگذارد رو
بقبله بایستد و بگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته
السلام علیک ایها النبی المرسل و الوصی المرتضی و السیدة الکبری
والسیدة الزهراء و السبطان المنتجبان و الاولاد الاعلام و الامناء
المنتجبون جئت انقطاعا الیکم و الی ابائکم و ولدکم الخلف علی برکة
الحق فقلبی لکم مسلم و نصرتی لکم معدة حتی یحکم الله لدینه فمعکم معکم
لا مع عدوکم انی لمن القائلین بفضلکم مقر برجعتکم لا انکر لله قدرة
و لا ازعم الا ما شاء الله سبحان الله ذی الملک و الملکوت یسبح الله باسمائه

جمیع

جمیع خلقه والسلام علی ارواحکم و اجسادکم و السلام علیکم و رحمة الله
و برکاته و مستحب است روز جمعه انواع تطهیر و تنظیف و تعطیر چنانکه
بتفصیل در باب دوم بیان شد و بهترین جامها که مقدور باشد پوشیدن
و با سکینه و وقار متوجه مسجد شدن و چون تهیه نماز کرده متوجه
مسجد شود بگوید اللهم من تهیأ و تعبأ و اعد و استعد لوفادة
الی مخلوق و رجاء رفده و طلب نائله و جوائزه و فواضله فالیک یا سیدی
وفادتی و تهیئتی و تعبئتی و اعدادی و استعدادی و رجاء رفدک
و جوائزک و نوافلک فلا تخیب الیوم رجائی یا من لا یخیب علیه
سائل و لا ینقصه نائل فانی لم آتک الیوم بعمل صالح قدمته
و لا شفاعة مخلوق رجوته و لکن اتیتک مقرا بالظلم و الاساءة
و لا حجة لی و لا عذر فاسئلک یا رب ان تعطینی مسئلتی و تقلبنی
برغبتی و لا تردنی مجبوها و لا خائبا یا عظیم یا عظیم یا عظیم ارجوک للعظیم
اسئلک یا عظیم ان تغفر لی العظیم لا اله الا انت اللهم صل علی
محمد و آل محمد و ارزقنی خیر هذا الیوم الذی شرفته و عظمته و
اغسلنی فیه من جمیع ذنوبی و خطایای و زدنی من فضلک انک انت
الوهاب و در روز جمعه دو ساعت است که دعا در آن البته مستجاب
شود وقت زوال و دوم آخر روز تا آنکه آفتاب کند و مستحب است در عصر
آخر این روز خواندن دعای سمات مرویست از حضرت امام همام محمد بن
علی الباقر علیهما السلام که این دعا از عمیق مکنون و مخزون علم است مروی

حاجات وهلاك دشمنان مانجوانند وباطفال وسفها وظالمان ومنافقان
اظهار آن مي كنند واكر فتنم ياد كنم كه اسم اعظم درين دعاست دانسته كفته باشم
ودعا اينست اللهم اني اسئلك باسمك العظيم الاعظم الاعز الاجل الاكرم
الذي اذا دعيت به على مغالق ابواب السماء للفتح بالرحمة انفتحت واذا دعيت
به على مضايق ابواب الارض للفرج انفرجت واذا دعيت به على العسر لليسر
تيسرت واذا دعيت به على الاموات للنشور انتشرت واذا دعيت به
على كشف البأساء والضراء انكشفت وبجلال وجهك الكريم اكرم الوجوه
واعز الوجوه الذي عنت له الوجوه الذي وخضعت له الرقاب و
خشعت له الاصوات ووجلت له القلوب من مخافتك وبقوتك
التي تمسك بها السماء ان تقع على الارض الا باذنك وتمسك السموات
والارض ان تزولا وبمشيتك التي دان لها العالمون وبكلمتك التي
خلقت بها السموات والارض وبحكمتك التي صنعت بها العجائب
وخلقت بها الظلمة وجعلتها ليلا وجعلت الليل سكنا وجعلت
بها النور وجعلته نهارا وجعلت النهار نشورا مبصرا وخلقت بها
القمر وجعلت القمر نورا وخلقت بها الكواكب وجعلتها نجوما وبروجا
ومصابيح وزينة ورجوما وجعلت لها مشارق ومغارب وجعلت
لها مطالع ومجاري وجعلت لها فلكا ومسابح وقدرتها في السماء
منازل فاحسنت تقديرها وصورتها فاحسنت تصويرها و
احصيتها باسمائك احصاء ودبرتها بحكمتك تدبيرا فاحسنت تدبيرها

وسخرتها

وسخرتها بسلطان الليل وسلطان النهار والساعات وعدد السنين
والحساب وجعلت رؤيتها لجميع الناس مرئى واحدا واسئلك
اللهم بمجدك الذي كلمت به عبدك ورسولك موسى بن عمران
عليه السلم في المقدسين فوق احساس الكروبيين فوق غمائم
النور فوق تابوت الشهادة في عمود النار وفي طور سيناء وفي جبل
حوريث في الواد المقدس في البقعة المباركة من جانب الطور
الايمن من الشجرة وفي ارض مصر بتسع آيات بينات ويوم فرقت
لبني اسرائيل البحر وفي المنبجسات التي صنعت بها العجائب في بحر سوف
وعقدت ماء البحر في قلب الغمر كالحجارة وجاوزت ببني اسرائيل البحر
وتمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا واورثتهم مشارق ومغا
التي باركت فيها للعالمين واغرقت فرعون وجنوده ومراكبه
في اليم وباسمك العظيم الاعظم الاعز الاكرم وبمجدك الذي
تجليت به لموسى كليمك عليه السلم في طور سيناء ولابراهيم
خليلك عليه السلام من قبل في مسجد الخيف ولاسحق صفيك عليه
السلم في بئر شيع وليعقوب نبيك عليه
السلم في بيت ايل واوفيت لابراهيم عليه السلم بميثاقك ولاسحق
بحلفك وليعقوب عليه السلم بشهادتك وللمؤمنين بوعدك
وللداعين باسمائك فاجبت وبمجدك الذي ظهر لموسى بن
عمران على قبة الرمان وباياتك التي وقعت على ارض مصر بمجد
العزة والغلبة بايات عزيزة وبسلطان القوة وبعزة القدرة

ربما

هم

وبتأويل الكلمة التامة وبكلماتك التي تفضّلت بها على أهل السموات
والأرض وأهل الدنيا والآخرة وبرحمتك التي مننت بها على جميع
خلقك وباستطاعتك التي أقمت بها على العالمين وبنورك
الذي قد خرّ من فزعه طور سيناء وبعلمك وجلالك وكبريائك
وعزّتك وجبروتك التي لم تستقلّها الأرض وانخفضت
لها السموات وانزجر لها العمق الأكبر وركدت لها البحار
والأنهار وخضعت لها الجبال وسكنت لها الأرض بمناكبها
واستسلمت لها الخلائق كلها وخفقت لها الرياح في جريانها
وخمدت لها النيران في أوطانها وبسلطانك الذي عرفت لك به الغلبة
دهر الدهور وحمدت به في السموات والأرضين وبكلمتك كلمة الصدق
التي سبقت لأبينا آدم عليه السلام وذريته بالرحمة وأسئلك بكلمتك
التي غلبت كل شيء وبنور وجهك الذي تجلّيت به للجبل فجعلته
دكّاً وخرّ موسى صعقاً وبمجدك الذي ظهر على طور سيناء فكلّمت
به عبدك ورسولك موسى بن عمران عليه السلام وبطلعتك
في ساعير وظهورك في جبل فاران بربوات المقدسين وجنود
الملائكة المسبّحين وببركاتك التي باركت لإسحاق صفيّك في
أمة عيسى عليه السلام وباركت ليعقوب إسرائيلك في أمة موسى
عليه السلام وباركت لحبيبك محمد صلى الله عليه وآله في عترته وذريته
عليهم السلام وأمته اللهم وكما غبنا عن ذلك ولم نشهده وآمنّا به ولم

[illegible]

نره صدقاً

نره صدقاً وعدلاً أن تصلّي على محمد وآل محمد كما وأن تبارك على
محمد وآل محمد وترحم على محمد وآل محمد كأفضل ما صلّيت و
باركت وترحّمت على إبراهيم وآل إبراهيم إنك حميد فعّال
لما تريد وأنت على كل شيء قدير وهر حاجت كه خواهد بخواهد و
بعد از آن بگويد اللهم إني أسئلك بحرمة هذا الدعاء وبما فات
منه من الأسماء وبما يشتمل عليه من التفسير والتدبير الذي
لا يحيط به إلا أنت أن تصلّي على محمد وآل محمد وان تعجل فرجهم
في عافية وتهلك أعداءهم في الدنيا والآخرة وأن ترزقنا خيرهم
ما نرجو وخير ما لا نرجو وتصرف بهم عنا شرّ ما نحذر وشرّ ما لا
نحذر إنك على كل شيء قدير وأنت أكرم الأكرمين فصل نهم
در نوافل يوميه بر سبيل تفصيل وبيان وذكر آداب وادعيه متعلق بآن
از اهل بيت طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين كه افتتاح نوافل و هفت
تكبير و ادعيه آن در سه موضع بايد بود اول نوافل ظهر و اول نوافل مغرب
و يك ركعت وتر و در نوافل بعد از الحمد هر سوره كه خواهد بخواند اما
افضل آنست كه در ركعت اول نوافل ظهر قل هو الله و در دوم قل
يا ايها الكافرون بخواند و در اول نوافل عصر اذا جاء نصر الله يا
الهيكم التكاثر يا مثل آن سوره هاى كوتاه و در اول نوافل مغرب
قل هو الله و در دوم قل يا ايها الكافرون و در روايت ديگر آمده كه در اول
قل هو الله و دوم بلكه انا انزلناه و در ركعت سيم قل سوره حديد

[illegible]

تا وهو علیم بذات الصدور ودر رکعت چهارم آخر سوره حشر از لو انزلنا هذا
تا آخر ودر رکعت اول ونیز سوره الملک یا سوره واقعه ودر دوم
قل هو الله ودر اول نوافل شب قل هو الله ودر دوم قل یا ایها الکافرون
ودر روایت دیگر آمده که هر کس در دو رکعت اول نوافل شب در هر رکعت سی مرتبه
قل هو الله احد بخواند میان او وخدای تعالی هیچ گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده
شود ودر رکعتهای دیگر مستحب است خواندن سورهای طویل مثل کهف
وماننده آن اگر وقت وفا کند واگر وقت تنگ باشد ده مرتبه قل هو الله
کافی بود ودر دو رکعت شفع معوذتین ودر رکعت وتر قل هو الله هر کس در این
سه رکعت این سوره بخواند فرشته ندا کند که ای بنده مومن مژده باد
ترا که وترت مقبول گشت ودر روایات دیگر آمده که در هر سه رکعت
قل هو الله بخوانند تا در سه رکعت ختم قرآن شده باشد که قل هو الله
ثلث قرآن است ودر روایت دیگر آمده که حضرت امام رضا علیه السلام
در هر یک از این سه رکعت سه مرتبه قل هو الله ودر رکعت سیم بعد از
قل هو الله یک مرتبه معوذتین میخواندند ودر رکعت اول نافله صبح قل یا ایها
الکافرون ودر دوم قل هو الله ومرویست که هر سوره اذا زلزلت
در نوافل میخوانده باشد هرگز بزلزله مبتلا نشود وبزلزله وصاعقه
وهیچ آفتی از آفات نمیرد تا آنکه با اجل مقدر از دنیا رود وچون
وقت مرگش رسد فرشته کریمی از پیش خدای تعالی آید وبالینش نشیند
وگوید ای ملک الموت با ولی خدا ملایمت ومدارا نمای که مرا بسیار یاد

میکرد

میکرد وسوره اذا زلزلت بسیار میخواند وسوره نیز همین مکالمه نماید
پس ملک الموت گوید من از جناب الهی مأمورم که اطاعت او نمایم وتا او
نه هد قبض روحش نکنم پس حجاب از پیش نظرش برگیرند تا منازل خویش
در بهشت ملاحظه نماید پس اذن دهد وقبض روحش نماید بکمال ملایمت
پس هفتاد هزار فرشته مشایعتش نمایند تا داخل بهشت شود وهر که سوره
والعصر در نوافل بخواند رویش در قیامت نورانی باشد وشکفته
وشادمان به بهشت رود وهر که سوره انا اعطیناک در فرایض ونوافل
بسیار بخواند خدای تعالی از کوثر آبش دهد ومقامش در سایه طوبی در پیش
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله باشد وفضایل بعضی دیگر از سوره قرآن در
فرایض ونوافل انشاء الله بعد از این بیاید پس هم نوافل اکتفا بحمد تنها
مجزی بود وتخصیص اگر وقت تنگ باشد یا شغل ضروری باشد اما تعقیبات
وارکان نوافل بیاید اینکه بعد از هر دو رکعت نافله ظهر بگوید اللهم
انی ضعیف فقو فی رضاک ضعفی وخذ الی الخیر بناصیتی واجعل
الایمان منتهی رضای وبارک فیما قسمت لی وبلغنی برحمتک
کل الذی ارجو منک واجعل لی ودا وسرورا للمؤمنین وعهدا
عندک واگر در سجده آخر نوافل مغرب هر شب وخصوص در شب جمعه هفت
مرتبه بگوید اللهم انی اسئلک بوجهک الکریم وباسمک العظیم
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تغفر لی ذنبی العظیم گناهانش
آمرزیده شود وبعد از هر دو رکعت نوافل شب بگوید اللهم انی اسئلک

وكم يسأل مثلك أنت موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين
أدعوك ولم يدع مثلك وأرغب إليك ولم يرغب إلى مثلك أنت
مجيب دعوة المضطرين وأرحم الراحمين أسألك بأفضل المسائل
وأنجحها وأعظمها يا الله يا رحمن يا رحيم وبأسمائك الحسنى
وأمثالك العليا ونعمك التي لا تحصى وبأكرم أسمائك عليك
وأحبها إليك وأقربها منك وسيلة وأشرفها عندك منزلة
وأجزلها لديك ثوابا وأسرعها في الأمور إجابة وباسمك المكنون
الأكبر الأعز الأجل الأكرم الذي تحبه وتهواه وترضى به عمن
دعاك فاستجبت له دعاءه وحق عليك أن لا تحرم سائلك ولا
ترده وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك وأنبياؤك
ورسلك وأهل طاعتك من خلقك أن تصلي على محمد وآل محمد
وأن تعجل فرج وليك وابن وليك وتعجل خزي أعدائه وتجعلنا
من أصحابه وأنصاره وترزقنا به وتستجيب به دعاءنا وبعد
ركعت هشتم بگويد اللهم إني أسألك بحرمة من عاذ بك ولجأ إلى
عزك واستظل بفيئك واعتصم بحبلك ولم يثق إلا بك يا جزيل
العطايا يا مطلق الأسارى يا من سمى نفسه من جوده وهابا
أدعوك رغبا ورهبا وخوفا وطمعا وإلحاحا وتضرعا وتملقا وقائما
وقاعدا وراكعا وساجدا وراكبا وماشيا وذاهبا وجائيا وفي كل
حالاتي وأسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن ترزقني من فضلك

خير ما سألك سائل وأعذني برحمتك مما استعاذ منه عائذ
وبعد از ركعتي شفع بگويد إلهي تعرض لك في هذا الليل المتعرضون
وقصدك به القاصدون وأمل فضلك ومعروفك
الطالبون ولك في هذا الليل نفحات وجوائز وعطايا
ومواهب تمن بها على من تشاء من عبادك وتمنعها
من لم تسبق له العناية منك وها أنا ذا عبدك الفقير
إليك المؤمل فضلك ومعروفك فإن كنت يا مولاي
تفضلت على أحد من خلقك وعدت عليه بعائدة من
عطفك فصل على محمد وآل محمد الطيبين الطاهرين
الخيرين الفاضلين وجد علي بفضلك ومعروفك وكرمك
يا رب العالمين وصل على محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين
الذين أذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا إنك حميد مجيد
اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني إنك لا
تخلف الميعاد و در قنوت وتر بگويد لا إله إلا الله الحليم الكريم لا
إله إلا الله العلي العظيم سبحان الله رب السماوات السبع ورب
الأرضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم
اللهم أنت الله نور السماوات والأرض وأنت الله زين السماوات
والأرض وأنت الله جمال السماوات والأرض وأنت الله عماد السماوات
والأرض وأنت الله قوام السماوات والأرض وأنت الله صريخ المستصرخين

وَاَنْتَ اللهُ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ وَاَنْتَ اللهُ الْمُفَرِّجُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ وَاَنْتَ
اللهُ الْمُرَوِّحُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ وَاَنْتَ اللهُ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ
وَاَنْتَ اللهُ اِلٰهُ الْعَالَمِينَ وَاَنْتَ اللهُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وَاَنْتَ اللهُ كَاشِفُ
السُّوءِ وَاَنْتَ اللهُ بِكَ تَنْزِلُ كُلُّ حَاجَةٍ يَا اَللهُ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ
اِلَّا حِلْمُكَ وَلَا يُنْجِي مِنْ عَذَابِكَ اِلَّا رَحْمَتُكَ وَلَا يُنْجِي مِنْكَ اِلَّا التَّضَرُّعُ
اِلَيْكَ فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ يَا اِلٰهِي رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ
بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا اَحْيَيْتَ جَمِيعَ مَا فِي الْبِلَادِ وَبِهَا تَنْشُرُ مَيِّتَ الْعِبَادِ وَلَا
تُهْلِكْنِي غَمًّا حَتَّى تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَتُعَرِّفَنِي الْاِجَابَةَ فِي دُعَائِي وَتَرْزُقَنِي
الْعَافِيَةَ اِلَى مُنْتَهَى اَجَلِي وَاَقِلْنِي عَثْرَتِي وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي وَلَا تُمَكِّنْهُ
مِنْ رَقَبَتِي اَللّٰهُمَّ اِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي وَاِنْ اَهْلَكْتَنِي
فَمَنْ ذَا الَّذِي يَحُولُ بَيْنَكَ وَبَيْنِي اَوْ يَتَعَرَّضُ لَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ اَمْرِي وَقَدْ
عَلِمْتُ اَنْ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَلَا فِي نَقِمَتِكَ عَجَلَةٌ اِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ
يَخَافُ الْفَوْتَ وَيَحْتَاجُ اِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ قَدْ تَعَالَيْتَ عَنْ
ذٰلِكَ يَا اِلٰهِي فَلَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا وَلَا لِنَقِمَتِكَ نَصَبًا وَمَهِّلْنِي
وَنَفِّسْنِي وَاَقِلْنِي عَثْرَتِي وَلَا تَبْتَلِيَنِّي بِبَلَاءٍ عَلَى اَثَرِ بَلَاءٍ فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي
وَقِلَّةَ حِيلَتِي اَسْتَعِيذُ بِكَ اللَّيْلَةَ فَاَعِذْنِي وَاَسْتَجِيرُ بِكَ مِنَ
النَّارِ فَاَجِرْنِي وَاَسْاَلُكَ الْجَنَّةَ فَلَا تَحْرِمْنِي بعد ازان دستها را که
بلند کرده بگوید وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ
حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ اِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَ

مماتي

وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَاُولِي
الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَالْاَنْبِيَاءِ الْمُنْتَجَبِينَ وَالْاَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ اَوَّلِهِمْ
وَآخِرِهِمْ اَللّٰهُمَّ عَذِّبْ كَفَرَةَ اَهْلِ الْكِتَابِ وَجَمِيعَ الْمُشْرِكِينَ وَمَنْ ضَارَعَهُمْ
مِنَ الْمُنَافِقِينَ فَاِنَّهُمْ يَتَقَلَّبُونَ فِي نِعْمَتِكَ وَيَجْعَلُونَ الْحَمْدَ لِغَيْرِكَ
تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُونَ وَعَمَّا يَصِفُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الرُّؤَسَاءَ
وَالْقَادَةَ وَالْاَتْبَاعَ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ الَّذِينَ صَدُّوا
عَنْ سَبِيلِكَ اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْ بِهِمْ بَاْسَكَ وَنَقِمَتَكَ فَاِنَّهُمْ كَذَبُوا عَلَى رَسُولِكَ
وَبَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَاَفْسَدُوا عِبَادَكَ وَحَرَّفُوا كِتَابَكَ وَغَيَّرُوا سُنَّةَ
نَبِيِّكَ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ وَاَتْبَاعَهُمْ وَاَوْلِيَاءَهُمْ وَاَعْوَانَهُمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَاحْشُرْهُمْ
وَاَتْبَاعَهُمْ اِلَى جَهَنَّمَ زُرْقًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ
وَرَسُولِكَ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَعَلَى اَئِمَّةِ الْهُدَى الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ
بعد ازان برای چهل کس از مومنان دعا کند بعربی یا فارسی هر چه داند مجزی
بود که بعد از دعا چهل مومن دعائی که برای خود کند مستجاب شود بعد ازان
دست چپ را هم چنان بفوق باز دارد با دست راست تسبیح بشمرد و هفتاد
مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ که هر کس یکسال در قنوت وتر هفتاد استغفار
مداومت نماید از جناب الهی مغفرت گناهانش واجب شود و از جمله مومنانی
باشد که خدای در قرآن مجید وصف نموده و فرموده وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْاَسْحَارِ
و چون سر از رکوع بر دارد ایستاده بگوید هٰذَا مَقَامُ مَنْ حَسَنَاتُهُ نِعْمَةٌ

منك وسيّاته بعمله وذنبه عظيم وشكره قليل وليس لذلك الا عفوك
ورحمتك الهي طموح الامال قد خابت الا لديك ومعاكف الهمم
قد تعطلت الا عليك ومذاهب العقول قد سمت الا اليك فانت
الرجاء واليك الملتجا يا اكرم مقصود ويا اجود مسئول هربت
اليك بنفسي يا ملجا الهاربين باثقال الذنوب احملها على ظهري لا اجد
اليك شافعا سوى معرفتي انك اقرب من لجا اليه المضطرون
وامّل ما لديه الراغبون يا من فتق العقول بمعرفته واطلق
الالسن بحمده وجعل ما امتنّ به على خلقه كفاء لتادية حقه
صل على محمد وال محمد ولا تجعل الهموم على عقلي سبيلا ولا للباطل
على عملي دليلا اللهم قلت في محكم كتابك المنزل على لسان نبيك
المرسل عليه واله السلام كانوا قليلا من الليل ما يهجعون وبالا سحارهم
يستغفرون طال هجوعي وقلّ قيامي وهذا السحر وانا استغفرك
لذنوبي استغفار من لا يملك لنفسه نفعا ولا ضرا ولا موتا ولا
حيوة ولا نشورا وبعد از ان تكبر سلام دهد بگوید انا دیك یا محمود فی
كل مكان لعلك تسمع ندائي فقد عظم جرمي وقلّ حيائي يا مولاي
يا مولاي يا مولاي اي الاهوال اتذكر وايها انسى ولو لم يكن
الا الموت لكفى كيف وما بعد الموت اعظم وادهى مولاي يا مولاي
حتى متى والى متى اقول لك العتبى مرة بعد اخرى ثم لا تجد عندي
صدقا ولا وفاء فيا غوثاه ثم واغوثاه بك يا الله من هوى قد

قلبني ومن عدو قد استكلب علي ومن دنيا قد تزينت لي ومن نفس
امّارة بالسوء الا ما رحم ربي مولاي يا مولاي ان كنت رحمت مثلي
فارحمني وان كنت قبلت مثلي فاقبلني يا قابل السحرة اقبلني يا من لم
ازل اتعرف منه الحسنى يا من يغذيني بالنعم صباحا ومساء ارحمني
يوم اتيك فردا شاخصا اليك بصري مقلدا عملي قد تبرّء جميع الخلق
مني ابي وامي ومن كان له كدي وسعي فان لم ترحمني فمن يرحمني ومن
يونس في القبر وحشتي ومن ينطق لساني اذا خلوت بعملي وسالتني عما
انت اعلم به مني فان قلت نعم فاين المهرب من عدلك وان قلت
لم افعل قلت الم اكن الشاهد عليك فعفوك عفوك يا مولاي قبل
ان تغل الايدي الى الاعناق يا ارحم الراحمين وخير الغافرين وبعد از ان
نافله صبح مستحب است كه بر جانب راست روى بقبله بخوابد و بگويد چنانكه ميت در لحد
بخوابد و دست راست بزير روى بگذارد و پنج ايه از سوره ال عمران ان في خلق
السموات والارض تا انك لا تخلف الميعاد بخواند پس بگويد استمسكت
بعروة الله الوثقى التي لا انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتين واعوذ
بالله من شر فسقة العرب والعجم ومن شر فسقة الجن والانس ربي الله
ربي الله ربي الله امنت بالله توكلت على الله لا حول ولا قوة الا بالله
ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل
شيء قدرا حسبي الله ونعم الوكيل اللهم من اصبح وله حاجة الى
مخلوق فان حاجتي ورغبتي اليك وحدك لا شريك لك الحمد رب الفلق

الحمد لفالق الاصباح الحمد لناشر الارواح الحمد لقاسم المعاش الحمد لله جاعل اللیل
سکنا والشمس والقمر حسبانا ذلک تقدیر العزیز العلیم اللهم صل علی محمد وآل
محمد واجعل فی قلبی نورا وفی بصری نورا وعلی لسانی نورا ومن بین
یدی نورا ومن خلفی نورا وعن یمینی نورا وعن شمالی نورا ومن فوقی
نورا ومن تحتی نورا ومحی سیئی نورا وعظم لی النور واجعل لی نورا امشی
به فی الناس ولا تحرمنی نورک یوم القاک وهر کس بعد از نافله صبح صد مرتبه
صلوات بر پیغمبر وآلش فرستد خدای تعالی روی او را از حرارت دوزخ نگاه دارد
واگر صد مرتبه بگوید سبحان ربی العظیم وبحمده استغفر الله واتوب
الیه خانه در بهشت برایش بنا کند واگر بیست ویک مرتبه قل هو الله بخواند خانه
دیگر بنا کند واگر چهل مرتبه بخواند گناهانش بیامرزد وچون از مجموع
سیزده رکعت نماز شب فارغ شود این دعا را از صحیفه کامله بخواند اللهم
یا ذا الملک المتأبد بالخلود والسلطان تا آخر دعا **فصل یازدهم**
در ذکر بعضی افعال که در اثنای نماز در هر مقامش که باشد هر چه دعا و ثنا
با خدا و ذکر خدا و ذکر حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم باشد توان
کرد واگر نماز خارج نباشد وهر کس در اثنای هر فعل از افعال نماز
مثل رکوع وسجود وغیر آن بگوید صلی الله علی محمد وآل محمد از فضل
مضاعف نوشته شود واگر در نماز ذکر آنحضرت بکند ورد وصلوات فرستد
ده حسنه نوشته شود وهجده فرشته موکلند که هر کس در اثنای نماز صلوات
فرستد بجانب او بشتابند تا هر کدام را نصیب باشد ثبت کنند وهر حاجت

برای دنیا والخوف در اثنای نماز توان خواست خصوصا در سجده که
بنده در سجده نزدیکتر است بخدای تعالی از جمیع احوال وگریه کردن در نماز
از ترس خدا وبرای شوق جنت وخوف نار ونور چشم مؤمن وافضل
اعمال است تا برای ذکر اموات نماز را قطع کند واگر در اثنای نماز عطسه
کند یا عطسه دیگری را بشنود حمد وصلوة فرستد واگر کسی بر او سلام کند
جواب بگوید بهمان لفظ که او گفته سلام علیکم یا السلام علیک وآواز
بلند نکند بلکه اگر تواند آهسته بگوید وبجانب او بانگشت اشاره
کند تا روایات آمده که چون کسی در نماز باشد بر او سلام می کند
فصل دوازدهم در آداب جماعت وآن دو قسمست یکی آداب متعلق
با امام دوم آداب متعلق بماموم وچون امام با آداب خود اعرفست از آنکه
در این مجموع حاجت بذکر باشد اکتفا بذکر آداب ماموم نموده که روایت
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اگر کسی نماز بانفراد کرده باشد بعد از آن
جماعتی رو دهد افضل اینست که اعاده کند که خدای تعالی هر کدام را دو
دارد فرض بعضه وآن دیگر را نافله کند وسلام دهد پس بجماعت بگذارد
واگر یک رکعت گذارده باشد نیت نافله نموده یک رکعت دیگر با آن ضم
کند وسلام دهد واگر ماموم یک مرد باشد وزن خواه یکی وخواه بیشتر
مرد در پهلوی راست وزنان در عقب بایستند واگر ماموم در پهلوی
امام ایستاده باشد ودر اثنای نماز دیگری برسد یا امام پیشتر رود
یا ماموم پس آید واگر مرد آخر بعد از رکوع رکعت آخر برسد نزد امام پیش رود

ونه ماموم پیش آید بلکه اینمرد در پشت امام بنشیند و چون امام سلام دهد
و خواسته نماز خود را تمام کند و میان امام و صف اول هم چنین میان هر دو
صف فاصله زیاده از آنکه سجده توان کرد نباشد مرویست که اگر فاصله بیشتر باشد
آن امام برای ایشان امام نباشد و اهل هر صف دوش بدوش باستند پیش و پس
نباشند و در میان ایشان فرجه خالی نگذارند تا شیطان بر ایشان دست نیابد و اگر
در صف پیشتر موضعی خالی بیند برود تا آن موضع را بگیرد اگرچه در اثنای
نماز باشد مرویست که هیچ گامی در پیش خدا دوستتر از گامی نیست که بردارد
برای آنکه تا صف خالی را پر کنی اما در اثنای نماز بصف عقب نتوان رفت مگر
آنکه جا تنگی کند که درین وقت به پیش و پس هر جا وسعتی امکان کند توان حرکت
کرد و یک کس تنها در صف نایستد مگر آنکه در صفوف جا نیابد که درین وقت تنها
تواند ایستاد اما چنان بایستد که محاذی امام باشد و اگر امام در زمینی پست
بایستد و ماموین در موضعی بلند مثل بام یا سکویی بایستند جایز بود اما
عکس آن جایز نبود مگر آنکه یک زمین سراشیب باشد که بعضی مواضعش بقدر یک
انگشت یا کمتر یا بیشتر باشد که درین وقت جایز است که امام در موضع بلند
بایستد و میان امام و ماموم اگر پرده یا دیواری فاصله باشد نماز ماموم
جایز نباشد مگر کسی که در برابر در باشد اما ستونها که در میان مساجد در میان
صفوف واقع میشود ضرر ندارد و چون امام قراءت کند ماموم را جایز نباشد
قراءت کردن مرویست که اگر کسی با امامی که با او راضی باشد و اقتدا میکند قراءت
کند چون بمیرد بغیر فطرت اسلام محشور شود بلکه اگر نماز اخفاتی باشد

ماموم

ماموم را بخود ذکر کند و اگر جهری باشد و صدای امام بشنود اگرچه
همین همهمه را بشنود و کلمات را تمیز نکند گوش کند و اگر جهری باشد و صدای
امام حتی همهمه اش هم نرسد افضل اینست که ماموم خود آهسته قراءت کند و اگر
اکتفا بقراءت امام نیز کند مجزی بود و سایر اذکار و افعال را خود بجا آورد و باید
در همه افعال قیام و قعود و رکوع و سجود تابع امام باشد پیشتر نکند و پیشتر
سر بر ندارد مگر در تشهد که اگر امام تشهد را طول دهد و ماموم را ضروری
باشد تواند که پیش از امام سلام دهد و برود و ماموم باید دعا و اذکار را
آهسته گوید و صدای خود با امام نرساند و چون امام قراءت حمد فارغ
شود و همچنین چون بعد از رکوع سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَه گوید ماموم بگوید
اَلحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمینَ و ماموم سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَه نگوید و اگر ماموم
در اثنای نماز با امام رسد تکبیر احرام بگوید و داخل نماز شود هر جای
نماز که باشد پس اگر رکوع را با امام دریابد رکعت را حساب کند و اگر بعد از
رکوع امام در سجود یا در تشهد داخل شود آن فعل را با امام بجا آورد
اگرچه سجده آخر یا تشهد آخر نماز باشد که فضل جماعت را با آن دریابد اما
آن را برکعتی حساب نکند و آن زیادتی بنماز ضرر نکند و چون امام
سلام دهد او سلام نداده برخیزد و هر چه از نمازش مانده تمام کند و اگر
سهوا سلام دهد ضرر ندارد برخیزد و نماز را تمام کند اگرچه بعد از سلام
عمدا حرفی هم زده باشد چون سلامش از روی سهو شده ضرر ندارد
بعد از نماز سجده سهو کند و اگر تکبیر رکوع را از امام نشنیده باشد احتیاط اینست

که در آن رکوع داخل نشود بلکه چون امام سر بر دارد داخل شود و هر کاه که امام
تشهد خواند او نیز بخواند اکر موضع تشهد خودش نباشد که تشهد برکت است
اما درین صورت بر سر پا نشیند و درست بر زمین ننشیند و چون موضع
تشهد خودش رسد نشسته تشهد بخواند و زود برخیزد تا با امام ملحق شود
و اکر رکعت دوم امام برسد با امام قنوت بخواند و همین قنوت از قنوت خودش
مجزی بود و اکر رکعت سیم و چهارم امام اول و دوم او باشد پس اکر امام تسبیح
کوید او خود الحمد و سوره بخواند و اکر امام رکوع کند و فرصت سوره خواندن
نشود همان الحمد مجزی بود اما اکر امام قراءت نکند و نماز اخفاتی باشد او قراءت
نکند و اکر جهری باشد چون قراءت امام نمی شنود خود قراءت کند و اکر
کسی اندرون رسد و بیند که امام در رکوع است یا برکوع میرود و ترسد که تا بصف رسیدن
امام سر بر دارد در همانجا که باشد رکوع کند و اکر خواست سجود نیز بکند
بعد از آن برخاسته بصف ملحق شود پس اکر ایستاده باشد پا بسته و اکر
نشسته باشد بنشیند و اکر خواهد همچنان در رکوع برود تا ملحق شود و اکر
پیش از آنکه امام سر از رکوع یا سجود بر دارد ماموم سر بر دارد باز سر بکذارد
تا با امام برخیزد و اکر کسی با امام رکوع کند و بسبب کثرت و ازدحام سجود نتواند
کرد تا آنکه امام داخل رکعت دیکر شود درین رکعت با امام رکوع نکند
و بنیت رکعت سابق سجود با امام کند که آن رکوع با این سجود مجموع یک رکعت
شود و اکر سجده بنیت همین رکعت کرده باشد این سجده هیچ رکعت حساب
نشود بلکه سجده دیکر بنیت سابق کند تا آن تمام شود و اکر بسبب ازدحام رکوع

نیز

نیز از و فوت شود تنها رکوع و سجود کند بعد از آن با امام ملحق شود و اکر
در نماز جمعه یک رکعت را با امام دریابد چون امام سلام دهد یک رکعت
دیکر تنها بکذارد و اکر بعد از رکوع آخر با امام رسد چهار رکعت نماز
ظهر بکذارد **فصل سیزدهم** در احکام سهو و شک و عروض بعضی
حوادث در نماز اما احکام سهو و شک بدانکه احادیث اهل بیت علیهم
السلام و اقوال علمای کرام درین احکام اختلاف عظیم دارد و ان شاء الله
آنچه با صول احادیث انسب و با احتیاط اقرب باشد درین بیان نمایم و پیش
از شروع در مطلب شرح این الفاظ نموده کویم که سهو آنست که یقین داند که چیزی را
زیاده یا کم کرده و شک آنست که خاطر مردد باشد میان دو چیز یا بیشتر بحیثیتی
که هیچ کدام را بر دیکری ترجیح نتواند داد و ظن آنست که بعضی را رجحان دهد
و کمانش با آن بیشتر باشد تا یقین ندارد و ظن اکثر در جمیع احکامی که
مذکور خواهد شد حکم یقین دارد یا بمعنی که هر جا یقین داشته باشد چه
باید کرد اکر ظن داشته باشد همان کند چون این جمله دانستی بدانکه سهو و شک
در نماز متعلق است بعدد رکعات یا باجزای نماز اما اکر در عدد رکعات
باشد پس اکر یک رکعت یا بیشتر از نماز نقصان کند خواه نماز دو رکعتی و خواه سه
رکعتی باشد خواه بیشتر اکر هنوز رو از قبله نکردانیده باشد همان چه نقصان شده
بجا بیارد و نمازش تمام شود اکرچه فاصله بسیار شده باشد و اکرچه حرف
زده باشد یا حدث کرده باشد اما اکر حرف زده باشد بعد از نماز
سجده سهو کند و اکر حدث کرده باشد وضو سازد و اکر روی از قبله کردانیده

باشد احتیاط اینست که نماز را اعاده کند و اگر یک رکعت یا بیشتر در نماز یقین
داند که زیاده شده هر نماز که باشد پس اگر دو رکعتی که سلام بایست داد
تشهد خوانده باشد نمازش تمام بود و چیزی بر او لازم نباشد و اگر زیادتی اگر
یک رکعت باشد اگر خواهد یک رکعت با آن ضم کند تا نافله شود و اگر در آن رکعت
تشهد نخوانده باشد یا که رکعت زیادتی را با اصل نماز متصل کرده باشد
نماز را اعاده کند و اگر بداند که تشهد نخوانده باید بنشیند و تشهد و سلام
بگوید بعد از آن دو رکعت نشسته بگذارد و با آن رکعت زاید اضافه کند
تا نافله شود و همه این شقوق در صورتیست که سهو و بعد از تمام شدن رکعت
زاید بخاطر رسد تا اگر در میان دو سجده بخاطر رسد احتیاط اینست که همین
تفصیل عمل نماید و اگر بعد از رکوع یا پیش از آن بخاطر رسد سلام دهد
و احتیاطا سجده سهو کند و اگر شک کند که تمام کم یا زیاده شده و هیچ
کدام را بیقین نداند سلام دهد و سجده سهو کند و اگر در نماز دو رکعتی
خواه صبح و خواه جمعه و خواه نماز سفر و همچنین در نماز شام و همچنین دو رکعت
اول نماز چهار رکعتی شک کند بحیثیتی که یقین نداند که دو رکعت تمام کرده
افضل و اقرب باحتیاط اینست که نماز را اعاده کند اما در نماز چهار رکعتی
دو رکعت تمام بیقین داند و شک کند میان دو و سه یا بمعنی که رکعتی که تمام
شده نداند که دوم بوده یا سیم یا میان سه و چهار یا میان دو و چهار یا میان
دو و سه و چهار شک کند بنا بر اکثر گذارد و تا چهار رکعت تمام کند و سلام
دهد بعد از آن اگر شک میان دو و سه یا میان دو و چهار باشد دو رکعت

احتیاط

احتیاط ایستاده بگذارد و اگر میان سه و چهار باشد دو رکعت نشسته
و اگر میان دو و سه و چهار باشد دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته
پس اگر نماز تمام باشد رکعتهای احتیاط نافله حساب شود و اگر کم باشد
بر رکعت احتیاط تمام شود و در رکعتهای احتیاط همه تکبیر احرام بگوید الحمد تنها
بخواند و در هیچ یک از این شقوق سجده سهو نباید و اگر سهو و شک در
افعال نماز باشد پس در هر فعل که سهو یا شک کند و محل آن فعل نگذشته باشد
آن فعل را بجا بیاورد و اگر بعد از آن بخاطر رسد که آن فعل کرده بوده است
این زیادتی ضرر نکند و هیچ بر او نباشد و محل تکبیر احرام تا وقتی است که شروع
در قراءت کند و محل قراءت و قنوت تا وقتی که برای رکوع دستها بزانو نرسیده
و اگر هنوز بزانو نرسیده باشد اگرچه خم شده باشد محل باقی باشد و محل رکوع
تا آنکه برای سجود سر از زمین شود اگرچه هنوز بسجده نرسیده باشد و محل سجود
و تشهد در سهو تا آنکه در رکعت دیگر برکوع رود اگرچه قراءت و قنوت
کرده باشد و در شک تا آنکه راست بایستد اگرچه شروع بقراءت نکرده
باشد و اگر محل فعل گذشته باشد و شک کند اعتبار ندارد و همچنانکه
هست نماز را تمام کند و اگر بعد از آن چیزی بخاطر رسد حکم سهو دارد
چنانکه بیان می‌شود اما اگر سهو کرده باشد و بعد از گذشتن محل
بخاطر رسد پس اگر سهو در نیت یا تکبیر احرام یا رکوع یا در دو سجده با هم
در یک رکعت کند نماز را اعاده کند و اگر در قراءت حمد یا سوره یا در هر دو
باشد و بعد از رکوع بخاطر رسد نماز صحیح بود و تلافی ندارد و اگر بعد از

سوره پیش از رکوع بخاطر رسد که حمد نخوانده حمد بخواند و ظاهر اینست که بعد از آن سوره را
اعاده باید کرد و اگر کلمه یا آیه از سوره فراموش کند پس اگر خواهد بهمانچه خوانده
اکتفا نماید و اگر خواهد آنرا که فراموش کرده در میان بگذارد و تتمه را تمام کند
و اگر خواهد رجوع بسوره دیگر کند و هر شق صحیح باشد و اگر قنوت را بعد از
نماز بخاطر رسد اگرچه از جای خود برخواسته و رفته باشد هر جا که بخاطر رسد
رو بقبله نموده قنوت بخواند و اگر در رکعتی یک سجده را تنها سهو کند و
محل آن گذشته باشد آن سجده را قضا کند و اگر تشهد را سهو کند در رکعت
دوم بعد از نماز سجده سهو کند و ظاهر احادیث اینست که همین تشهدی
که در سجده سهو خوانده می شود کافی باشد و محتاج بقضای تشهد دیگر نباشد اگرچه
اکثر علما قضا را واجب دانسته اند و اگر تشهد رکعت آخر را سهو کند در همان
مکان اگر نزدیک باشد و اگر نه در مکانی که هر جا باشد نشسته تشهد
بخواند در این صورت سجده سهو نباید و اگر در اثنای نماز سهواً کلمه غیر ذکر
و دعا بگوید سجده سهو کند اما در سایر افعال نماز مثل ذکر رکوع و سجود
و سلام و غیر آن اگر سهوی شود حکمی ندارد و نماز صحیح بود و روایتی دیگر آمده
که هر زیاده و نقصانی که در نماز شود مثل نشستن و برخواستن و قرائت
کردن و غیر آن سجده سهو کند و این روایت اگرچه ضعیف است اما چون صریح
معارضی ندارد اگر بآن عمل نمایند قصوری ندارد و اما اینکه در میان فقها
مشهور گشته که زیادتی و نقصان در رکن سهواً و عمداً مبطل نماز و موجب
اعاده است اصلش در احادیث و اخبار اهل بیت صلوات الله علیهم معلوم نیست بلکه

حقیقت

حقیقت آن بر وجه موافقت اخبار و رعایت احتیاط بنحویست که در تفصیل
مذکور شد والله اعلم بالصواب و اگر مسافر عمداً نماز را اتمام کند پس اگر دانسته
باشد که قصر واجب است نمازش صحیح بود و اگر ندانسته باشد اعاده کند
خواه وقت باقی باشد و خواه نه و اگر سهواً اتمام کند پس اگر وقت باشد اعاده
کند و اگر گذشته باشد صحیح باشد و در نوافل و رکعت احتیاط سهو و شک
اعتبار ندارد و در آن سجده سهو و رکعت احتیاط باشد و همچنین کسی
که شک بسیار کند التفات بآن نکند و آنچه را شک کرده درست حساب
کند اگرچه وقتش باقی باشد مرویست که شک از شیطانست و شیطان
خبیث را بخود راه می دهد و بوسوسه خود عادت می دهد که هر چند بیشتر
اطاعتش بیشتر جرأت کند و وسوسه نماید و چون بیند که مخالفتش می کند
و اطاعتش نمیکند دست از شما بر دارد و کسی از بسیاری شک بحضرت رسول
صلی الله علیه و آله شکایت نمود فرمود چون داخل نماز شوی بانگشت شهادت
ران چپ را بفشار و بگوی بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ أَعُوذُ
بِاللهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ شیطان دور شود و از تو دست
او را ایمن گردی ان شاء الله و کسی دیگر بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام
شکایت کرد از سهو در نماز مغرب فرمود بعد از حمد قل هو الله و قل یا ایها
الکافرون بخوان چنان کرد نجات یافت و کیفیت سجده سهو آنست که دو سجده
کند در هر سجده بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ یا بگوید
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ و بعد از

هر دو سجده تشهد خفیف باین طریق بخواند اشهد ان لا اله الا الله و اشهد
ان محمدا رسول الله اللهم صل علی محمد و آل محمد و سلام دهد و اگر امام باشد
و چون سر بسجده گذارد و چون بردارد تکبیر بگوید تا مأموم بداند که سهو کرده
و وقت سجدهٔ سهو بعد از نماز است بی فاصله پیش از حرف زدن و اگر فراموش
شود هر گاه بخاطر رسد اما احکام حوادث در نماز اگر در اثنای نماز حدثی ناسخ
شود که وضو را باطل کند یا خون از دماغ یا از عضو دیگر آید یا قی آید پس اگر
بی آنکه عمداً حرف زند یا بتمام بدن رو از قبله بگرداند تواند وضو یا ازالهٔ نجاست
کند و تتمهٔ نماز هر چه مانده تمام کند و اگر عمداً حرف زند یا روی از قبله بتمام بدن
بگرداند نماز را از سر گیرد و اگر در بین عرض سهواً حرف زند سجدهٔ سهو کند و از
نباید گرفت و اگر خون کم باشد و جاری نشود محتاج شستن نباشد که اگر بخرقه یا بریزهٔ
دیگر پاک کند و نماز را تمام کند والحمد لله **فصل چهاردهم** در ذکر بعضی دیگر
از نمازهای مفروضه و مندوبه **اول** نماز کسوف و خسوف و زلزله و آیات مثل
بادهای عظیم و ظلمتهای شدید و غبار که سبب خوف اکثر مردم شود و این نماز
دو رکعت است بیک تشهد و سلام در هر رکعت پنج رکوع و دو سجده و در هر
دو رکوع یک قنوت که در مجموع ده رکوع پنج قنوت باشد و قراءت آن بدو
وجه جایز است یکی آنکه در هر رکعت یک الحمد بخواند و بعد از آن یک سوره را
پنج حصه کند پیش از هر رکوع یک حصه را بخواند که در مجموع نماز دو الحمد و دو سوره
خوانده باشد وجه دوم آنکه پیش از هر رکوع یک الحمد و یک سوره تمام بخواند
که مجموع ده الحمد و ده سوره باشد و هر بار که برکوع رود و هر بار که سر بردارد تکبیر

تکبیر بگوید

تکبیر بگوید و بعد از رکوع سمع الله لمن حمده نباید گفت مگر در رکوع پنجم و دهم
که بعد از این دو رکوع تکبیر نباید گفت و سمع الله لمن حمده باید گفت و چون
بسجود رود تکبیر بگوید و مستحب است این نماز را در زیر آسمان گذاردن که سقف
نباشد و بجماعت گذاردن و طول دادن بقدر آنکه آیه منجلی شود و اگر
زودتر فارغ شود مستحب است اعاده کردن تا آنکه منجلی شود و مستحب است که قدر
رکوع و سجود و قراءت همه با هم مساوی باشند و در کسوف و خسوف اگر نماز
نکرده باشد تا آنکه قرص منجلی شود پس اگر تمام قرص گرفته باشد و خبر دار باشد
و در نماز تقصیر کرده باشد بر کفارهٔ آن غسل کند و نماز را قضا کند و اگر
خبر دار نداشته باشد نماز را قضا کند غسل نباید کرد اما اگر بعضی
قرص گرفته باشد و تقصیر کند نماز را قضا کند و اگر خبر نداشته باشد
قضا ندارد و اگر این نماز در وقت فریضه واقع شود پس اگر وقت فضیلت
فریضه تنگ شده باشد اول این نماز را بجا آرد و اگر در اثنای نماز باشد
که وقت فریضه تنگ شود نماز را قطع کند و فریضه را بجا آرد و بعد از آن
هر جا از آن نماز مانده تمام کند و از سر نباید گرفت و چون برای زلزله گذارد
و بعد از نماز سجده کند و در سجده بگوید یا من یمسک السموات والارض
ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا
یا من یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه امسک عنا السوء
انک علی کل شیء قدیر **دوم** نماز امیرالمؤمنین صلوات الله علیه هر کس این نماز را
بگذارد از گناه پاک شود چنانکه از مادر متولد شده و حوائجش بر آورده

شود وآن چهار رکعت است در هر رکعت بعد از الحمد قل هو الله پنجاه مرتبه
ومستحب است تعقیب این نماز باین تسبیح که مرویست از آنحضرت علیه السلم سبحان
من لا تبید معالمه سبحان من لا ینقص خزائنه سبحان من لا اضمحلال
لفخره سبحان من لا ینفد ما عنده سبحان من لا یشاور احداً
من امره سبحان من لا اله غیره واین نماز را هر وقت که خواهد توان
گذارد وافضل اوقاتش شب آدینه وروز جمعه وماه مبارک رمضانست
که حسنات مضاعف باشد سیم نماز حضرت فاطمه صلوات الله
علیها هر که این نماز را بگذارد میان او وخدای تعالی هیچ گناهی نماند
مگر آنکه آمرزیده شود وآن دو رکعت است در اول بعد از الحمد صد مرتبه
انا انزلناه ودر دوم صد مرتبه قل هو الله وبعد از نماز تسبیح آنحضرت
علیها السلام بگوید چهارم نماز تسبیح این نمازیست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله بجعفر بن ابی طالب عطا فرموده وفرمود این نماز را
هر روز یا هر شب یا هر دو روز یا هر هفته یا هر ماه یا هر سال یا هر وقت
که خواهی بگذاری هر گناهی که در این میانه کرده باشی همه آمرزیده
شود وهر که این نماز را بگذارد گناهش آمرزیده شود اگر چه مثل ریگ
بیابان عالج باشد یا کف دریا باشد ودوازده هزار حسنه برایش نویسند
که کمترین آنها مثل کوه احد باشد وآن چهار رکعت است بدو سلام
در رکعت اول بعد از الحمد اذا زلزلت ودر دوم بعد از الحمد اذا جاء
ودر سیم انا انزلناه ودر چهارم قل هو الله بخواند ودر روایت دیگر در دوم

والعادیات

والعادیات ودر سیم اذا جاء وارد شده ودر هر رکعت بعد از قرائت پانزده
مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ودر رکوع وبعد از
رکوع ایستاده ودر هر سجده نشسته ده مرتبه ده مرتبه بگوید که در هر رکعتی هفتاد و
پنج مرتبه ودر تمام نماز سیصد مرتبه باشد واگر خواهد این نماز بگذارد در نوافل
شبانه روز حساب کند واگر دو رکعت گذارده باشد که حاجتی یا حرکتی سانح
شود برود وچون فارغ شود دو رکعت دیگر را بگذارد واگر شتابی داشته باشد
نماز را بی تسبیحات بگذارد وتسبیحات بگذارد وتسبیحات را بعد از آن بگوید
ومستحبست که در سجده آخر این نماز بعد از تسبیحات بگوید سبحان من
لبس العز والوقار سبحان من تعطف بالمجد وتکرم به سبحان من
لا ینبغی التسبیح الا له سبحان من احصی کل شیء علمه سبحان ذی المن
والنعم سبحان ذی القدرة والکرم سبحان ذی العزة والفضل
سبحان ذی القوة والطول اللهم انی اسئلک بمعاقد العز من
عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم وکلماتک
التامات التی تمت صدقا وعدلا ان تصلی علی محمد وآل محمد
وان تفعل بی ما انت اهله وهر حاجت که خواهد بخواهد ومستحبست
بعد از این نماز خواندن این دعا سبحان من لبس العز وتردی به
سبحان من تعطف بالمجد وتکرم به سبحان من لا ینبغی التسبیح
الا له سبحان من احصی کل شیء بعلمه وخلقه بقدرته سبحان
ذی المن والنعم سبحان ذی القدرة والکرم اللهم انی اسئلک

بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم
وكلماتك التامات التي تمت صدقا وعدلا ان تصلي على محمد وآل
محمد الطيبين وان تجمع لي خير الدنيا والآخرة بعد عمر طويل اللهم
انت الحي القيوم العلي العظيم الخالق الرازق المحيي المميت البدي
البديع لك الكرم ولك المجد ولك المن ولك الجود ولك الامر
وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد
ولم يكن له كفوا احد يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة يا ارحم الراحمين
يا عفو يا غفور يا ودود يا شكور انت ابر بي من ابي وامي ومن الناس
اجمعين يا كريم يا جواد اللهم اني صليت هذه الصلاة ابتغاء مرضاتك
وطلب نائلك ومعروفك ورجاء رفدك وجائزتك وعظيم عفوك
وقديم غفرانك اللهم فصل على محمد وآل محمد وارفعها في عليين
وتقبلها مني واجعل نائلك ومعروفك ورجاء ما ارجو منك
فكاك رقبتي من النار والفوز بالجنة وما جمعت فيهما من انواع
النعيم ومن حسن الحور العين واجعل جائزتي منك العتق من
النار وغفران ذنوبي وذنوب والدي وما ولدا وجميع اخواني واخواتي
المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات
وان تجيب دعائي وترحم صرختي وندائي ولا تردني خائبا خاسرا
واقلبني مفلحا منجحا مرحوما مستجابا دعائي مغفورا لي يا ارحم الراحمين
يا عظيم يا عظيم يا عظيم قد عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو منك

يا حسن

يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا نفاحا
بالخيرات يا معطي السؤلات يا فكاك الرقاب من النار صل على محمد
وفك رقبتي من النار واعطني سؤلي وانجح دعائي وارحم صرختي
وتضرعي وندائي واقض لي حوائجي كلها لديني ودنياي وآخرتي
ما ذكرت منها وما لم اذكر واجعل لي في ذلك الخيرة ولا تردني
خائبا خاسرا واقلبني مفلحا منجحا مستجابا لي دعائي مغفورا لي مرحوما
يا ارحم الراحمين يا محمد يا ابا القاسم يا رسول الله يا علي يا ابا
الحسن يا امير المؤمنين انا عبدكما ومولاكما غير مستنكف بل
خاضع ذليل عبد مقر متمسك بحبلكما معتصم من ذنوبي بولائكما
اتقرب الى الله تعالى بكما واتوسل الى الله بكما واقدمكما بين يدي
حوائجي الى الله عز وجل فاشفعا لي في فكاك رقبتي من النار وغفران
ذنوبي واجابة دعائي اللهم فصل على محمد وآله وتقبل دعائي يا ارحم
الراحمين **پنجم** نمازی که حضرت رسول صلی الله علیه وآله باعرابی عطا
فرموده و فرموده هر مؤمن و مؤمنه که روز جمعه این نماز بگزارد من برای او
ضامن بهشت شوم و هنوز از جای خود برنخواسته باشد که گناهان او و والدینش
همه آمرزیده شود و آن ده رکعت است چون روز بلند شود اول دو رکعت
بیک سلام گذارد در اول بعد از الحمد قل اعوذ برب الفلق هفت
مرتبه و در دوم قل اعوذ برب الناس هفت مرتبه و بعد از سلام هفت
مرتبه آیة الکرسی بخواند بعد از آن هشت رکعت بدو سلام بهیأت نماز

ظهر و عصر در هر رکعت بعد از الحمد اذا جاء نصر الله یک مرتبه و قل هو الله بیست و
پنج مرتبه بخواند و چون از نماز فارغ شود هفتاد مرتبه بگوید که سبحان ربّ
العرش الکریم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم **ششم** نماز غفیله
و آن دو رکعت در ساعت غفلت میان نماز شام و خفتن مرویست
که در این ساعت دو رکعت نماز را ترک می کند که موروث دار کرامت
دو رکعت اول بعد از الحمد این آیة وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ
اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادٰی فِی الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ
اِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّیْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ
نُنْجِی الْمُؤْمِنِینَ و در رکعت دوم این آیه وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَیْبِ لَا
یَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَیَعْلَمُ مَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلَّا یَعْلَمُهَا
وَلَا حَبَّةٍ الْاَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا یَابِسٍ اِلَّا فِی كِتَابٍ مُبِینٍ و در قنوت
بخواند اللّهم انی اسئلك بمفاتح الغیب التی لا یعلمها الّا انت
اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْمَعَ لِی خَیْرَ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ و اگر خواهد
بجای این فقره بعد از صلوة بر پیغمبر و آلش هر حاجت که خواهد بطلبد
بعد از آن بگوید اللّهم انت ولیّ نعمتی و القادر علی طلبتی تعلم حاجتی
فاسئلك بحق محمد و اهل بیت محمد صلواتك علیهم لمّا قضیتها
لی و هر چه خواهد سؤال کند که مستجاب شود **هفتم** نماز وصیت مرویست
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود وصیت می کنم شما را بدو رکعت نماز در میان
شام و خفتن در رکعت اول بعد از الحمد اذا زلزلت سیزده مرتبه و در دوم

قل هو الله

قل هو الله پانزده مرتبه که هر کس این نماز را در سالی یک مرتبه بگذارد از جملهٔ محسنین
نوشته شود و اگر در ماهی یک مرتبه بگذارد از جملهٔ متقین و اگر در هفته یک مرتبه از جملهٔ
مصلین و اگر هر شب بگذارد در بهشت با من مرافقت کند و ثواب او را
هیچ کس نداند بجز خدای تعالی **هشتم** هر کس میان نماز شام و خفتن
در شب پنجشنبه دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت بعد از الحمد آیة الکرسی
و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله و معوذتین هر یک را پنج مرتبه بخواند و
بعد از نماز پانزده استغفار کند و ثوابش را بوالدین خود هدیه کند حق
ایشان را بجا آورده باشد **نهم** مرویست که هر کس وقت خوابیدن
وضو کند چنان است که تا وقت بیدار شدن در عبادت باشد پس اگر
در اثنای شب برخیزد و دو رکعت نماز کند پس حمد و ثنای خدا کند و صلوات
بر پیغمبر و آلش فرستد هیچ چیز از خدا سؤال نکند مگر آنکه عطا فرماید یا همان را بعینه
یا بهتر از آن در بهشت عوض دهد **دهم** هر کس دو رکعت نماز بگذارد
هر وقت که باشد در هر رکعت شصت مرتبه قل هو الله بخواند میان او
و خدای تعالی هیچ گناهی نماند مگر که آمرزیده شود و در روایت قل هو الله
در هر رکعت یک مرتبه وارد شده و بعضی دیگر نمازهای مخصوص هر یک
در جای خود ان شاء الله مذکور شود **فصل پنجم** در فضایل قرآن مرویست
از اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین که چون روز قیامت خلایق همه صف
صف ایستاده باشند قرآن با بهترین صورتی بحشر آید چون بر صف مسلمین
گذرد او را بشناسند گویند این مردیست بصورت و صفت ما شناسیم و سید

که از جمله مسلمین است اما عبادتش بیشتر بوده که این نور و جمال او را عطا شده و ما را
نصیب نگشته پس بر صفت شهدا گذرند گویند این را می شناسیم که از جمله شهداست
اما مصیبتش عظیم تر بوده که این نور و بها و جمال و کرامت یافته همچنین
بر صفت انبیا و رسل گذرند و مثل این گفتگو کنند پس همه صفوف مجتمع گشته
بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده گویند این کیست که ما نمیدانیم
آنحضرت فرماید این حجت خداست بر خلق بندگانش پس سلام دهد و از آنجا گذشته
بر صفت ملایکه بصورت ملک مقرب گذرد ملایکه نیز چنان گفتگو نمایند
پس از آنجا گذشته تا پیش عرش رسیده بسجده در آید پس خدای گوید ای حجت
من و ای کلام صادق ناطق من سر بردار و هر چه خواهی سوال نمایی و هر کرا
خواهی شفاعت کنی و هرچه طلب کنی باجابت مقرونست پس سر برداشته گوید
خدایا بندگان تو بعضی مرا محافظت نمودند و بعضی بطاقت خود حرمت
من داشتند و حق من رعایت کردند و بعضی حرمت من نداشتند
و حق مرا ضایع کردند پس خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که هر کس
ترا از خود راضی داشتی جزای رضای تو باو رسانم و او را از تو راضی کردانم
و هر کس از تو راضی نباشی انتقام ترا ازو بکشم پس بصورت جوانی که اهل محشر
نشناسد پیش شیعیان آید و گوید منم که شما بشغل تلاوت شبها بجای
خواب بیداری کشیده و روزها بعوض آب شربت تشنگی چشیده اید و در دنیا
بسبب من مشقتها دیده و از دشمنان مصیبتها رسیده پس ایشان را برداشته
پیش خدای تعالی برد و گوید خدایا ایشان بندگان تو اند و تو ایشان را

بورزیده بهتر شناسی

بر که اشته بهتر شناسی و نوازش کرده و محافظت و رعایت من چها کشیده اند پس
فرماید تا ایشان را بر بهشت برده حلهای بهشت در ایشان پوشند و تاجهای
کرامت بر سر ایشان نهند و بقرآن نمایند و گویند این اکرام که با اولیای تو
کردیم راضی گشتی گوید خدایا مرا با ایشان بیش از این توقع احسان است خدای تعالی
فرماید بعزت و جلال خودم که احسان بسیار بایشان کنم و ترا از خود راضی
کردانم پس هر یک از ایشان را دست راست بسلطنت آسمان و رضوان و دست
چپش را مملو رحمت و خلود در جنان کردانند و والدینش را بازای تعلیم
قران که بفرزند خود کرده اند و حله از بهشت پوشانند و هم از ایشان علیهم السلام
مرویست که هر کس در نماز نشسته قران بخواند بعدد هر حرفی برایش حسنه
نوشته شود و پنجاه سیئه محو کردد و پنجاه درجه بلند شود و اگر ایستاده
بخواند بعدد هر حرف صد حسنه نویسند و صد سیئه محو کنند و صد درجه
بلند کردانند و اگر در نماز نخواند هر حرف ده حسنه نویسند و ده سیئه
محو کنند و ده درجه بلند کردانند و اگر خود تلاوت نکند و گوش به
تلاوت دیگری دارد هر حرف یک حسنه عطا فرمایند و یک سیئه محو
نمایند و یک درجه بلند کردانند و چون قران ختم کند او را دعای مستجاب
بود و اگر ختم در روز واقع شود تا شب و اگر شب واقع شود تا روز ملایکه
بر و صلوة فرستند از حضرت امام علیه السلام پرسیدند که این فضایل
برای کسی است که قران داند فرمود خدای تعالی کریم است هر کس انچه میداند
هر کاه ختم کند چنان است که ختم قران کرده باشد و این فضایل را و عطا

فرمایند و هر کس در مکه معظمه از جمعه تا جمعه یا کمتر یا بیشتر ختم کند و ختم در روز جمعه
واقع شود از جمعه اول دنیا تا جمعه آخر آن برای او ثواب و حسنات بنویسند
و همچنین اگر در روز دیگر باشد از مثل آن تا مثل آن و هم از ایشان علیهم السلام
مرویست که هر کس در شبی ده آیه بخواند او را از جمله غافلین ننویسند
و اگر پنجاه آیه بخواند از جمله ذاکرین نوشته شود و اگر صد آیه بخواند از
جمله قانتین و اگر دویست آیه بخواند از خاشعین و قرآن در روز قیامت
با او مخاصمت نکند و اگر سیصد آیه بخواند از فایزین و اگر
پانصد آیه بخواند از عابدین و اگر هزار آیه بخواند یک قنطار از ثواب
برایش نویسند و قنطار پانزده هزار مثقال است و یک مثقال بیست و چهار
قیراط و کوچکترین قیراط مثل کوه احد است و بزرگترش از زمین تا آسمان
و کسی که قرآن بمشقت بیاموزد ثوابش مضاعف باشد و در خانه که
قرآن خوانند و ذکر خدا کنند ملایکه حاضر شوند و شیاطین دور شوند
و برکت زیاد شود و آن خانه برای اهل آسمان نورانی باشد مثل ستاره برای
اهل زمین و خانه که قرآن نخوانند و ذکر خدا نکنند ملایکه بیرون روند و شیاطین
حاضر شوند و برکت کم شود و چیز از اهل خود بخدا شکایت کنند مسجدی
که در آن نماز نگذارند و عالمی که قدرش ندانند و قرآنی در خانه که تلاوت
نکنند تا غبار گیرد و این بود بعضی از فضایل جمله قرآن و هر یک از سوره
و آیات را نیز فضایل بی نهایت روایت شده که حوصله این رساله
اگرچه وسعت حکایت همه آن ندارد اما چون از همه آن نیز محروم

نتوان

نتوان گذاشت بروایت بعضی مشرف گردانیم و گوییم هر مؤمن که بسم الله
الرحمن الرحیم بگوید بعدد هر حرف او را حسنه عطا فرمایند که هر حسنه بهتر باشد
از تمام دنیا و نعمتهای آن و خدای تعالی کارهایش را مبارک و تمام گرداند
و اگر ورد کند که دیگری بخواند ثلث ثواب خواننده داشته باشد الحمد هر کس
از روی اقرار و اعتراف بخواند و خدای تعالی نعمتهای آخرت را برای او
اضافه نعمتهای دنیا گرداند و بلاهای آخرت را اضافه بلاهای دنیا
دفع کند و رحمت وافر و عطیه کامل احسان فرماید و روز قیامت
حسابش را آسان کند و حسناتش را قبول فرماید و سیئاتش را محو فرماید
و ثوابی کرامت فرماید که همه مخالفین بر او حسرت برند و در رشد ابد کارها
معین و مستکبر نباشد و براه راست و طریقه اهل بیت علیهم السلام
هدایتش کنند و چنان است که دو ثلث قرآن خوانده و هر مؤمن و مؤمنه
صدقه داده باشد بقره و آل عمران هر کس بخواند قیامت مثل دو پاره ابر
از حرارت آفتاب بر سرش سایه کنند یس هر کس بخواند گناهانش آمرزیده
شود و چنانست که دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد و اگر کسی روز
بخواند تا شب محفوظ و مرزوق باشد و اگر شب پیش از آنکه بخوابد بخواند
هزار ملک بر او موکل شوند که از شیاطین و آفات محافظتش کنند
و اگر در آن شب بمیرد سی هزار ملک در غسلش حاضر شوند و برای او
استغفار کنند و تا قبرش مشایعتش نمایند و بعد از آن در قبرش ساکن
شوند و عبادت خدا کنند و ثوابش را برای او نوشته شود و تلخیص

کار کند و قبرش را وسیع کند و از فشار قبر ایمن شود تا روز قیامت نوری
از قبرش تا اطراف آسمان درخشان باشد و چون از قبر بیرون آید ملایکه
با او مشایعت نمایند و مژده خیر و رحمت دهند تا از میزان و صراط
بگذرد پیش خدای تعالی در مقامی باز دارند که هیچ کس نزدیکتر از و
بخدا نباشد مگر ملایکه مقربین و انبیا و مرسلین و ائمه طاهرین علیهم السلام
و با ایشان باشد و از هر خوف و حزن ایمن باشد پس خدای تعالی گوید
ای بنده من هرچه خواهی سوال کن تا عطا کنم و هر کرا خواهی شفاعت
کن تا اجابت فرمایم و از مذلت موقف ایمن باشد و هیچ خطیئه ملامت
نبیند تا آنکه همه کس گویند سبحان الله این بنده خدا هیچ خطائی نداشته
پس از جمله رفقای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم باشد و در روایت
دیگر آمده که هر کس در مدت عمر خود دیگر باره این سوره بخواند بعدد هر
خلقی در دنیا و آخرت برایش ده هزار حسنه بنویسند و ده هزار سیئه
محو کنند و از جنون و جذام و آفات و آلام ایمن کرده و سکرات موت بر او
آسان شود و خدای تعالی خود متوجه قبض روحش شود و وسعت
معیشتش دهد و روز قیامت خوشحال باشد و آنقدر ثواب باو دهد
که راضی گردد و بعد جمیع ملایکه آسمان و زمین گوید برای این بنده استغفار کنید
از او راضی گشتم هر کس بخواند خدای تعالی بوزن هر کوهی که مسخر حضرت
داود کرده بود حسنات عطا فرماید و هر کس شب جمعه بخواند آنقدر خیر دنیا و
آخرت باو دهد که هیچ کس را نداده باشد مگر نبی مرسل و ملک مقرب و او را هر کرا

او خواهد

او خواهد از اهل بهشت حتی خادمش اگرچه از عیال و اهل شفاعت او نباشد
به بهشت برد **واقعه** سوره حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه است هر کس
هر شب جمعه بخواند از رفقای آنحضرت باشد و از آفات و مکاره دنیا ایمن
گردد و هر کس هر شب بخواند پیش از آنکه بخوابد رویش در روز قیامت
صف
مثل بدر تمام باشد ~~[illegible]~~ هر کس بخواند حضرت عیسی علیه السلام او را
دعا کند و برایش استغفار نماید تا در دنیا باشد و روز قیامت
رفیق آنحضرت باشد و هر کس این سوره در فرایض و نوافل مداومت
نماید در صف ملایکه و انبیا و مرسلین باشد **هل اتی** و هر کس بخواند
جزایش بهشت و حریر بهشت باشد و اگر در نماز صبح دوشنبه بخواند
از شر و آن روز ایمن گردد و اگر صبح پنجشنبه بخواند در خدمت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد و هشتصد بکر و چهار هزار ثیبه از حور العین
باو عطا کنند **جمعه** هر کس بخواند بعدد هر کس نماز جمعه آید و هر کس
نیاید و بعدد اهل اسلام ده حسنه باو عطا کنند **منافقین** هر کس بخواند از
نفاق بری شود هر کس بخواند بعدد هر حرفی که بر حضرت ابراهیم
و موسی و محمد صلی الله علیه و آله و علیهما نازل گشته ده حسنه عطا
فرمایند و هر کس در نافله یا فریضه بخواند روز قیامت گویند از هر دری
که خواهی داخل بهشت شو حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
بر شیعه ما واجب و لازم است که شب جمعه نماز بسوره جمعه و سبح اسم ربک الاعلی و در ظهر
جمعه بجمعه و منافقین گذارند و هر کس چنین کند چنانست که عمل رسول الله

صلی الله علیه وآله وسلم کرده باشد وخزاین بهشت بود الحاقه در باب
امیر المؤمنین صلوات الله علیه وآله ومعاویه لعنة الله نازل گشته که هرکس
در فرایض ونوافل بسیار بخواند از مصلین شود تبارک هرکس بخواند
از عذاب قبر ایمن شود واگر نماز خفتن بخواند در امان خدای تعالی
باشد تا صبح روز قیامت تا آنکه داخل بهشت شود والفجر سوره حضرت
امام حسین علیه السلام است هرکس در فرایض ونوافل بخواند گناهانش
آمرزیده شود انا انزلناه سوره اهل بیت طاهرین علیهم السلام است
هرکس بخواند چنان است که ماه مبارک رمضان را روزه گرفته باشد
ولیلة القدر را احیا داشته باشد وهرکس یکمرتبه آهسته بخواند چنان است
که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد واگر یکمرتبه بلند بخواند
چنان است که در راه خدا شمشیر از غلاف کشیده باشد واگر ده مرتبه
بخواند هزار گناهش آمرزیده شود واگر در نماز فریضه بخواند منادی
ندا کند که اعمال را از سر گیر که گناهت همه آمرزیده شد وفضایل این
سوره زیاده از آن است که در حوصله این رساله گنجد وبعضی از آن
جمله نیز در مباحث سابقه گذشته وبعضی نیز ان شاء الله در جای باید
والتین هرکس بخواند خدای تعالی در دنیا عافیت ویقین ودر آخرت
بعدد هرکس این سوره را خوانده ثواب یکروز روزه باو عطا فرماید
وهرکس در فرایض ونوافل بخواند هرجای بهشت که خواهد باو عطا کند
والعادیات سوره حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه است هرکس بخواند این

آن مداومت کند از رفقای آنحضرت ودر پناه او باشد الهیکم هرکس
بخواند چنان است که هزار آیه از قرآن خوانده باشد وخدای تعالی بر
نعمتهای که در دنیا باو داده او را محاسبه نفرماید واگر در فریضه بخواند
چهل صف ملائکه باو اقتدا کنند واجر صد شهید داشته باشد
واگر در نافله بخواند اجر پنجاه شهید یابد جحد هرکس بخواند چنان است
که ربع قرآن را خوانده باشد وشیاطین از او دور شوند واز شرک بری گردد
واز فزع اکبر ایمن گردد وهرکس سوره جحد وتوحید در فریضه از فرایض
بخواند گناهان او ووالدین واولاد او ایشان همه آمرزیده شود واگر
شقی باشد از دیوان اشقیا محو شود ودر دیوان سعدا ثبت گردد
ودر زمره ایشان محشور شود توحید هرکس یکمرتبه بخواند چنان است
که ثلث قرآن خوانده باشد بعدد هر مؤمنی ده حسنه عطا کنند وچون
سه مرتبه بخواند ختم قرآن کرده باشد وهرکس یکمرتبه بخواند خدای برو
برکت ورحمت زیاده کند واگر دو مرتبه بخواند برو وبر اهل بیتش واگر
سه مرتبه بخواند بر ایشان وبر همسایگان اش واگر دوازده مرتبه بخواند
دوازده قصر در بهشت عطا فرماید وچون حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
بر سعد بن معاذ نماز کرد دید که هفتاد هزار ملک که جبرئیل علیه السلام
از آنجمله بود برو نماز گذاردند جبرئیل پرسید که سعد بچه چیز مستحق این
کرامت گشت گفت باینکه در جمیع احوال نشستن وبرخاستن وآمدن ورفتن
سواره وپیاده همیشه قل هو الله می خواند اذا جاء هرکس بخواند چنان است

که با حضرت پیغمبر در فتح مکه حاضر باشد و اگر در فریضه یا نافله بخواند بر همه دشمنان
نصرت یابد و بزرگی از فقر بیرون آید و از حرج جهنم و اهوال آن ایمن گردد
و در دنیا از فقر و اسباب خیر بر وی مفتوح شود که هرگز بخاطرش نگذشته و آرزویش
نداشته باشد و چون روز قیامت محشور شود بر هیچ چیز نگذرد مگر که او را
مژده خیر دهد تا داخل بهشت شود **معوذتین** هر کس بخواند چنان است
که جمیع کتابهای که بر انبیاء علیهم السلام نازل گشته خوانده باشد **آیة الکرسی**
هر کس یک مرتبه بخواند خدای تعالی هزار مکروه در دنیا که سهل ترین آن فقر
و هزار مکروه در آخرت که سهل ترین آن عذاب قبر باشد از و دفع فرماید این بود مجملی
از فضایل بعضی سوره و روایات قرآن عظیم بسیاری نیز در مباحث سابقه
گذشته و بعضی نیز در مباحث آینده ان شاء الله بیاید تا ذکر همه آن در حوصله
این رساله در نیاید **ادب الواجب** تلاوت قرآن و بعضی دیگر از احکام
متعلق بآن آنکه چون کسی آیه یا سوره از قرآن بیاموزد و یاد گیرد باید
مداومت آن کند تا فراموش نشود که اگر فراموش شود آن سوره یا آیه روز جزا را
در بهشت بصورت جمیل در درجه رفیع باو نماید و سلام کند پس او گوید
چه خوب نعمتی تو چیستی و از کیستی گوید از آن من می بودی که بیک فلان سوره
یا آیه ام اگر فراموشم نمی کردی باین درجات میرسانیدم و مخفی نماند
که ظاهر این حدیث اعم است از یاد گرفتن حکمش یا الفاظش یا بخاطر گرفتن [illegible]
و هر معنی حق و صحیح است و درجات نیز در رفعت و عظمت مختلف و هر کلم
درجاتش رفیع تر حسرت نسیانش عظیم تر و هم از ایشان علیهم السلام مرویست

که مؤمن

که مؤمن را سزاوار است که هر روز خصوصا صبح بعد از فراغ از تعقیب
ورد وی از قرآن تلاوت کند اقلا پنجاه آیه و افضل اعمال آنست که کسی
همیشه قرآن را ختم کند و باز از سر گیرد و مستحب است که مدت ختم قرآن کمتر از
یکماه نباشد تا به سه روز و تفکر تواند خواند اما در ماه مبارک رمضان
هر شش روز و سه روز یا هر چه مقدور شود رخصت شده و فضایل تلاوت
بحزن و صوت حسن در باب اول گذشت و قرآن از شتاب و بخفا نبی نشاید
خواند و مقصود نباید آخر سوره و جزو باشد بلکه به ترتیل و تانی و تفکر
و تامل باید تلاوت نمود مرویست که آیات قرآن خزاین جواهر معرفت
و حکمت است هر خزینه را که بگشایید از جواهر آن غافل مگذرید و نیز مرویست
که بسا کسی که قرآن خواند و قرآن او را نفرین کند بلکه باید دل آگاه و از روی
خضوع و خشوع تلاوت باید نمود و چون بآیه رحمت و مغفرت و ذکر نعیم
جنت رسی بآن رغبت نموده از روی شوق از خدا مسئلت کنی و چون بآیه
عذاب و ذکر عقوبت و حساب رسی اندیشه کنی و از آن استعاذه نمائی و از تمامی
معاصی توبه و استغفار کنی و چون بمواعظ و نصایح مرور کنی متعظ
و نصیحت گیری و چون بحکایات و قصص بگذری از آن عبرت گیری و چون به
[illegible] که رسی بمقتضای آنها عمل نمائی و اگر مقدور باشد الفاظ قرآن را
فصیح و صحیح ادا کند مرویست که قرآن را چنان بخوانید که عرب می خوانند و اگر
مقدور نباشد آنچه تواند ترک نکند مرویست که عجمان قرآن را عجمی خوانند
و ملائکه آن را عربی بالا برند و از جمله آداب اینکه با طهارت و مکان خلوت

واطمینان خاطر و روی بقبله بر زانو نشسته تلاوت کند و در اثنای تلاوت با کسی
گفتگو نکند و افضل انیست که از روی مصحف تلاوت کند که عذاب والدین تخفیف
یابد اگرچه کافر باشد و نظر بر خط قران عبادتست و اگر در جائی تلاوت
کنند باید ساکت بود و گوش داشت و چون قران برای تلاوت برگیرد بگوید
اللهم انی اشهد ان هذا کتابک المنزل من عندک علی رسولک محمد بن
عبد الله وکلامک الناطق علی لسان نبیک جعلته هادیا منک
الی خلقک وحبلا متصلا فیما بینک وبین عبادک اللهم انی نشرت
عهدک وکتابک اللهم فاجعل نظری فیه عبادة وقرائتی فیه فکرا
وفکری فیه اعتبارا واجعلنی ممن یتعظ ببیان مواعظک فیه
ویجتنب معاصیک ولا تطبع عند قرائتی علی قلبی ولا علی سمعی ولا تجعل
علی بصری غشاوة ولا تجعل قرائتی قراءة لا تدبر فیها بل اجعلنی
اتدبر آیاته واحکامه آخذا بشرایع دینک ولا تجعل نظری فیه
غفلة ولا قرائتی هذرا انک انت الرؤف الرحیم و چون خواهد
شروع در تلاوت کند از وساوس شیطان و غفلت قلب و فساد آن
پناه بخدای تعالی برده بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان
الرجیم و چون بایه سجده رسد یا از دیگری بشنود سجده کند و در سجده
بگوید لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا وتصدیقا لا اله
الا الله عبودیة ورقا سجدت لک یا رب تعبدا ورقا لا مستنکفا
ولا مستکبرا بل انا عبد ذلیل خائف مستجیر و بعد از فراغ از تلاوت

بگوید

بگوید اللهم انی قد قرأت ما قضیته من کتابک الذی انزلته
علی نبیک الصادق صلی الله علیه وآله فلک الحمد ربنا اللهم
اجعلنی ممن یحل حلاله ویحرم حرامه ویؤمن بمحکمه ومتشابهه
واجعله انسا لی فی قبری وانسا لی فی حشری واجعلنی ممن ترقیه
بکل آیة درجة فی اعلی علیین آمین رب العالمین و چون ختم
قران کند این از صحیفه کامله بخواند اللهم انک اعنتنی علی ختم
کتابک تا آخر دعا **باب چهارم** در فضایل ذکر و دعا و
احکام متعلق بآنها و این مجموع ان شاء الله در ده فصل بیان شود
فصل اول در فضایل ذکر مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که هر کس ذکر خدای تعالی بسیار کند از نفاق و از آتش
دوزخ ایمن گردد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
دلهای خود را رعایت کنید و بذکر خدا زنده دارید و بترسید از انکه
غافل نقض عهد ایمان در دل شما راه یابد که چون دل از ذکر و یاد
خدا غافل شود نه مؤمن باشد و نه کافر مثل جامه کهنه یا استخوان
پوسیده پس در این حالت خدا را یاد کنید و از نقض عهد بترسید
که چون دل بچنین حالتی رو دهد بلکه خدا بآن بنده ارادهٔ خیر داشته
باشد ایمان در دلش اندازد و اگر نه کفر و خدای تعالی فرموده ای پسر
آدم تو در دل خود مرا یاد کن تا من در دل خود ترا یاد کنم و خانه که در آن
ذکر خدای تعالی و تلاوت قران کنند و برکت بسیار و ملائکه نزدیک

وشیاطین دور شوند و آنخانه برای اهل آسمان نورانی باشد چنانکه ستاره
بر اهل زمین و شیطان هر دلی آویخته چون ذکر خدا کنند از و دور شود و چون
ترک ذکر کنند که اهش کنند و خدای تعالی فرموده مال بسیار کناهان را
فراموش کنند و ترک ذکر من قساوت دل آورد و هر کس خدا را در دل
یاد کند ثواب آنرا غیر خدا کسی نداند و هر کس در میان غافلان و مشغولان
دنیا ذکر خدا کند خدای تعالی هزار حسنه برایش نویسد و روز قیامت
بیامرزد آمرزشی که بخاطر هیچکس نگذرد و چنان است که در صف کارزار همه
کریخته باشند ثابت قدم ایستاده با اعدای خدا مقاتله کند و بهشت
او را واجب شود و مؤمن هر بلیه مبتلا شود و کسی که مشغول ذکر باشد بهمان بعض
مبتلا نشود و هیچ جمعی در مجلسی مشغول ذکر نشوند مگر آنکه جمعی ملائکه با ایشان
نشسته شریک شوند و بکریه ایشان کریه کنند و دعا شان آمین کویند و
منادی از آسمان ندا کند که سیئات شما همه بر زمین شد و بحسنات بدل گشت
و اگر کسی در میان ایشان باشد و ذکر نکند او نیز بسبب مجالست با ایشان آمرزیده
شود و حضرت موسی علیه السلام سؤال نمود کفت خدایا آیا نزدیکی تا مناجات
کنم یا دوری تا آواز دهم فرمود من همنشینم با کسی که ذکر من کند و هم آنحضرت
مناجات نموده کفت روزی که هیچکس را پناهی نباشد در پناه رحمت
تو که باشد فرمود آنانکه ذکر من کنند و ذکر ایشان کنم و برای من با هم محبت
کنند و من با ایشان محبت کنم ایشانند که اگر خواهم بر اهل زمین عذاب فرستم
ایشان را بیاد آرم عذاب دور کردم و نیز مناجات نموده کفت خدایا امر اند بعض

احوال

احوال شوم آید که ذکر تو کنم فرمود در هیچ حالی بی ذکر من مباش که ذکر من در همه
حال خوبست و باید دانست که ذکر بر سه قسم است ذکر با دل که بمعنی خدا را
بیاد داشتن و دل با خدا داشتن است و با زبان مثل تهلیل و تسبیح
و تلاوت قرآن و مذاکره مسایل دین و ایمان و امر معروف و نهی
منکر و غیر آن هر چه خدا را بیاد آرد و با اعضا و ارکان مثل عبادات
و طاعات و ترک مناهی و سیئات و افضل همه ذکر با دلست که بمعنی نیت
شعله ایست از آن و ذکر با دل بمنزله روح است و ذکر با زبان و ارکان
بمنزله بدن که چون قول و فعل بی نیت خدا و یاد او باشد مثل صورتی
باشد بیجان و از این صورت ضجمه است کل اعمال و یاد اغراض دنیا
و همچنین عبادات مخالفین و غافلین مثل منافقان و اطفال مقبول
نباشد و خدای تعالی فرموده من هر کلام حکمت را قبول نکنم بلکه نظر
بر دلش کنم اگر برای من و بیاد من کرده اجر دهم و اگر نه با آن واگذارم
که برای او کرده و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده نیت مؤمن بهتر است
از عملش که عمل بی نیت مقبول نبوده و با نیت اگر عمل مقدور نباشد
همان اجر یابد چنانکه مرویست که وقتی در مدینه قحط شد کسی روزی
در صحرا بتلی ریکی کذشت کفت کاش این همه کندم بودی تا بمردم میدادم
این خبر بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید فرمود همان ثواب یابد
و وجوه دیگر نیز برای بهتری نیت روایت شده که این مقام ذکر آنها
نیست و نیز در باب سابق کذشت که هر قدر از نماز که با آکاهی دل باشد

بالا برند و هرچه لایق آن باشد بر هم بچینند و بر روی صاحبش زنند و نیز
در بحث ورع و تقوی گذشت که ذکر خدا همین سبحان الله و الحمد لله
نیست بلکه اصل ذکر آنست که در افعال و اعمال هرچه رو دهد خدا را یاد
کنی اگر رضای خدا باشد ارتکاب کنی و اگر نه اجتناب نمایی و امثال این
اخبار و احادیث بسیار است و بعضی از آن گذشته و بعضی نیز در مباحث
خود انشاء الله بیاید و افضل همه اذکار آنست که ذکر دل و زبان و ارکان
همه با هم جمع شود بحیثیتی که در افعال و اقوال خدا را منظور داشته و
رضای او شود و این جمله که گفته شد بحمد الله بسیار واضح است و توقفی
که رعنا باید در این مقام باشد یا آنکه کسی قمار بازد و معاصی کند و با این
مغرور باشد که هر روز هفتاد هزار تهلیل میگوید و دیگران نیز فریفته
آن شوند در نهایت سخافت است چنانکه احادیث و سایر احادیث در بحث
ورع و غیر آن مذکور شد و رعایت وضوحت والحمد لله فصل دوم
در فضایل بعضی اذکار مخصوصه مرویه از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که جماعت فقرا بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله رفته معروض داشتند
که اغنیا حج گذارند و بندگان آزاد کنند و صدقات دهند و جهاد کنند
و ما از همه اینها محرومیم فرمود کسی که صد مرتبه الله اکبر بگوید افضل است از آنکه
صد بنده آزاد کند و اگر صد مرتبه سبحان الله بگوید افضل است از آنکه
صد شتر در مکه قربان کند و اگر صد مرتبه الحمد لله بگوید افضل است از آنکه
صد اسب با زین و لجام و مردان بر آن سوار بجهاد فرستند و اگر صد مرتبه

لا اله

لا اله الا الله بگوید عملش در آن روز از جمیع مردم بالا باشد مگر کسی که بیشتر گوید و هم
آنحضرت صلی الله علیه و آله فرموده هر کس سبحان الله بگوید بعوض هر یک درختی
در بهشت برای او نشانده شود کسی گفت یا رسول الله درختان بسیار در بهشت
داریم فرمود بلی اما آتشی میفرستید که همه را میسوزد و هر کس بی اکمال خیری
تعجب کند سبحان الله بگوید مرغی از آن مخلوق شود و تا روز قیامت
خدا را تسبیح کند و ثواب آن همه از او باشد و همچنین اگر لا اله الا الله یا الحمد
لله یا الله اکبر بگوید و هر کس لا اله الا الله با اخلاص بگوید بهشت او را واجب شود
و اخلاص آنست که او را باز دارد از معاصی و سبحان الله نصف میزان را
پر کند و الحمد لله تمام میزان را و لا اله الا الله ما بین زمین و آسمان را و هر کس
لا اله الا الله بگوید درختی برای او در بهشت نشانند در زمین سفید از یاقوت
و شیرین تر از شهد و شکر و خوشبوی تر از مشک که بار آن مثل پستان دختران
بکر باشد در هر بار آن هفتاد حله از حله های بهشت و هر کس بگوید الحمد لله
کما هو اهله کاتبان آسمان دست از نوشتن بر دارند و گویند خدایا ما
ندانیم که ثواب این چه قدر نویسیم خدای تعالی فرماید که شما گفته او را بنویسید
من دانم چه قدر ثواب دهم و هر کس بگوید سبحان الله و بحمده سبحان الله العظیم
و بحمده سه هزار حسنه نویسند و سه هزار سیئه محو کنند و سه هزار درجه بلند
گردانند و طایری در بهشت خلق شود که خدا را تسبیح کند و ثوابش از او باشد و هر کس
روزی ده مرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها
واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة و لا ولدا چهل و پنج هزار حسنه نوشته

شود و چهل و پنج هزار سیئه محو کرده و چهل و پنج هزار درجه بلند شود و در آن روز
حور او باشند از شیاطین و سلطان و کبیره و اسکندر و چنان است که در آن روز
دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد و خانه در بهشت برایش بنا کنند و هر کس هر روز
بگوید لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله عبودیة و رقا لا اله الا الله ایمانا
و تصدیقا خدای تعالی از روی کرم متوجه او شود و هر که از و رو نگرداند تا داخل
بهشت شود و هر کس بگوید لا حول و لا قوة الا بالله خدای تعالی فرماید ای ملائکه
بنده من کارهای خود را بمن واگذاشت و اعتراف بعجز و ناتوانی خود نموده حاجتش را
بر آرید و هر کس صد مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
بود و هفتاد نوع بلا از و دفع شود که سهلترین آن مردن بجوانی باشد و هر کس بگوید
اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله دو هزار حسنه ثبت
شود **فصل بیستم** در فضایل ذکر اهل بیت و صلوات بر ایشان صلی الله علیهم
و بعضی امور مناسب آن مرویست از ایشان که هیچ مجلسی نیست که جمعی بنشینند و ذکر خدای
تعالی و ذکر ما نکرده و صلوة بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نفرستاده برخیزند مگر آنکه
آن مجلس وبال و در قیامت بر ایشان حسرت باشد و نیز فرموده اند که ذکر ما ذکر خداست
و ذکر اعدای ما ذکر شیطان که دشمن خداست و چون دو مؤمن با هم ملاقات
نمایند و ذکر خدا و ذکر فضایل ما نمایند هر گوشتی که در روی ایشان باشد می گذارد
تا آنکه بحق ایشان تسبیح الملائکه الزاید و ملائکه آسمان و خزان جنان از آن مطلع گشته
و همه ملائکه مقربین او را لعنت کنند و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده هر کس در مجلسی
بنشیند که فضایل و اخبار ما مذکور شود و ولایت و حق ما در آن مجلس زنده باشد

دلش

دلش نمیرد در روزی که دلهای همه مرده باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرموده هر ذکر فضیلتی از فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام کند و اقرار
بآن داشته باشد گناه گذشته و آینده اش آمرزیده شود اگر چه مثل گناه
جن و انس باشد و هر کس فضیلتی از فضایل او بنویسد تا اثری از آن باقی
باشد ملائکه برایش استغفار کنند و هر کس فضیلتی از فضایل او بشنود
گناهانی که بگوش کرده آمرزیده شود و هر کس نگاه بنوشته فضیلتی از او کند
گناهانی که بچشم کرده آمرزیده شود و بعد از آن فرموده نظر بر علی بن ابی
طالب عبادتست و ذکر او عبادتست و ایمان هیچ بنده مقبول نشود مگر بولایت
او و بیزاری از اعدای او و حضرت امام حسن علیه السلام فرموده هر کس بدل
با ما محبت دارد و بدست و زبان نصرت ما کند با ما در غرفه ما باشد و هر کس بدل
محبت دارد و بزبان نصرت کند یک درجه از آن پست تر باشد و هر کس
محبت دارد و بدست و زبان نصرت نکند در بهشت باشد و حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده هر کس بزبان اعانت ما کند خدای تعالی روز قیامت زبانش
بحجتش گویا کند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس یکمرتبه صلوات بر حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرستد خدای تعالی با هزار صف ملائکه هر یک هزار
صلوات برو فرستند بعد از آن هیچ مخلوقی نماند مگر که برو صلوات فرستد
پس هر کس باین نعمت رغبت نکند جاهل و مغرور باشد و خدا و رسول و اهل
بیتش از صلوات بر آنحضرت بود چون اعمال مؤمنان را در میزان گذارند کفه
حسنات سبک و ثبات سنگین باشد آنحضرت صلی الله علیه و سلم صلوة

کبر و فرستد ده باشد بر حسنات کذارد تا بر سیاتش زیادتی کند پس به بهشتش
برد و صلوات بر آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم کناهان را بیشتر محو کند که آب آتش را
و نیز مرویست که هر کس قادر بر کفاره کناهان نباشد صلوات بر آنحضرت
و آلش صلی الله علیه و آله فرستد که صلوات برایشان برابرست با تهلیل و تسبیح
و تکبیر و هر کس نام آنحضرت در پیشش مذکور شود و صلوات نفرستد راه بهشت
برو خطا شود و هر کس دعا کند دعایش محجوب باشد و بالا نرود تا صلوات
فرستد و آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود در وقت دعا مرا مثل کوزه مسافر
مکردانید که چون همه اسباب را بار کند بعد از آن کوزه را در عقب بار آویزد
که هر کاه تشنه شود بر دارد بلکه مرا در اول و میان و آخر دعا کنید و نیز فرموده
هر کس بر من صلوات بیشتر فرستد روز قیامت بمن نزدیکتر باشد و هر کس از خدای
تعالی حاجتی بطلبد اکر بعوض آن صلوات فرستد حاجتش روا و اجابت شود و ثواب آن
صلوات نیز داشته باشد کسی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام کفت چون از طواف
کعبه بیرون می آمدم دعائی بخاطرم نداشتم غیر صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود
هیچ کس بخوبی تو بیرون نیامده و هر کس ده صلوات بر آنحضرت مثل برک
از درخت بریزد و ملایکه هفتاد صلوات برو فرستند و خدای تعالی فرماید
اکر شما هفتاد صلوات بر بنده من فرستادید من هفتصد صلوات برو فرستم
و اکر بر آلش صلوات نفرستد بوی بهشت نشنود و حال آنکه بوی بهشت از پانصد
ساله راه توان شنید و میان او و آسمان هفتاد حجاب نصب شود و خدای
تعالی ندا دهد ملایکه را که دعای این بنده را بالا میارید تا بر عترت پیغمبر من صلوات نفرستد

ومرویست

و مرویست که هر کس بکوید صلی الله علی محمد و علی اهل بیته هزار حسنه نوشته شود
و فضایل دیکر برای صلوات و بعضی صلوات مخصوصه در مباحث تعقیب
و اعمال الجمعه و غیر آن کذشت **فصل چهارم** در بیان فضایل دعا و
بعضی امور متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین
که دعا افضل عبادات است و خدای تعالی هیچ چیز را دوستتر از آن ندارد که بنده از او
مسئلت حاجت کند و هیچ چیز را بدتر از آن ندارد که استکبار کند و ترک
مسئلت نماید و در قرآن مجید فرموده اکر از این نبود که شما دعا می کنید خدا هیچ
اعتنا بشما نمی کرد و دعا سلاح مومن و عمود دین و نور سموات و ارضین است
و قضای مبرم بدعا رد شود و تاثیر دعا در قضای حاجت بیشتر است از تاثیر
شان در کذشت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که دو کس
با هم شروع در نماز کردند و با هم فارغ شدند یکی دعا بیشتر کرد و دیکری
قرائت فرمود آنکه دعا بیشتر کرده افضل است و هر بلیه که بر کسی نازل شود و خدای
تعالی الهام او کند که دعا کند آن بلیه زود زایل شود و اکر دعا تاخیر
شود بلیه بطول کشد و چون بنده دست بدعا بردارد خدا را شرم آید
که آن را خالی رد کند و دعای حسنه که پنهانی کنند هفتاد مثل آنست که علانیه
کنند **فصل پنجم** در اسباب اجابت دعا و بعضی احکام متعلق
بآن اسباب اجابت دعا که مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام چند قسم است
حالات و صفات داعی مرویست که جمعی بخدمت یکی از ائمه
طاهرین علیهم السلام رفته کفتند یابن رسول الله خدای تعالی فرموده دعا کنید

که من اجابت می‌کنم و ما دعا می‌کنیم و مستجاب نمی‌شود فرمود دلهای شما بسبب ده چیز
مرده است دعوی خداشناسی میکنید و اطاعت خدا نمی‌کنید و دعوی محبت
رسول الله می‌کنید و با اولاد او عداوت می‌کنید و قرآن می‌خوانید و عمل بحکم
آن نمی‌کنید و دعوی عداوت شیطان می‌کنید ولی روش او نیز می‌کنید
و دعوی محبت بهشت می‌کنید و برای آن سعی نمی‌کنید و دعوی خوف دوزخ
می‌کنید و خود را در آن می‌افکنید و مشغول عیوب دیگران می‌شوید و از
عیوب خود چشم می‌پوشید و دعوی بغض دنیا می‌کنید و دست از آن نمی‌کشید
و اقرار بموت می‌کنید و تهیهٔ این سفر نمی‌کنید و اموات خود را دفن می‌کنید
و از آن عبرت نمی‌گیرید از نیست که دعای شما مستجاب نمی‌شود و در روایت
دیگر آمده که کسب خود را حلال کنید تا دعای شما مستجاب شود که چون کسی یک
لقمهٔ حرام خورد چهل روز دعایش مستجاب نشود و خدای تعالی فرموده
که دعای هیچ کس از من محجوب نماند مگر کسی که لقمهٔ حرام خورد و اجابت نکنم دعای
کسی که مظلمهٔ یکی از بندگان من پیش او باشد و تا رد آن مظلمه نکند داخل
خانهٔ من نشود و مادامی که در خانه باشد او را لعنت کنم و کسی از بنی اسرائیل
سی سال دعایی کرد مستجاب نشد آخر مناجات کرد و گفت خدایا آیا من از تو
دورم که آوازم نمی‌رسی یا نزدیکم و اجابت نمی‌کنی خدای تعالی کسی را فرستاده
با او گفت با زبان فحاش و دل آلوده بر کینه و نیت مغشوش دعا میکنی مستجاب
نمی‌شود و ترک مروت که با تقوی و نیکی آنقدر دعا کافی است که نمک در طعام

دوم اوقات مخصوصه که دعا در آن غنیمت باید دانست و فرصت باید

پس از آن جمله وقت زوال در هر روز خصوصاً در روز جمعه تا وقتی که امام
از منبر فرود آید و ساعت آخر روز جمعه و تمام شب جمعه و از نصف شب
تا ثلث آخر شب در این ساعت هیچ مؤمنی دعا نکند مگر آنکه البته مستجاب
شود و میان اذان و اقامت و بعد از هر فریضه خصوصاً بعد از
نماز صبح و ظهر و مغرب و در قنوت نماز وتر و بعد از تلاوت قرآن
و وقت وزیدن باد و نزول باران و غیر آن از اوقات که
بعضی بتقریبات گذشته و بعضی نیز در مقام خود ان شاء الله بیاید

سیم اموری چند که در حال اشتغال بدعا و بعد از
فراغ رعایت باید نمود از آن جمله وضو یا غسل داشتن و جامه‌های
پاک پوشیدن و بوی خوش بکار بردن و صدقه دادن هر قدر که
مقدور شود و مکان متبرک مثل مسجد و غیر آن اختیار کردن
و دست بجانب آسمان برداشتن که خدای تعالی کریم است شرم دارد
که دست مؤمن را خالی رد کند و حاجت را بخصوص نام بردن
که خدا را خوش آید اگر چه حاجات همه کس را میداند و در دعا اجتماع
نمودن که هرگز چهل مؤمن در دعا اجتماع نکنند مگر آنکه البته مستجاب
شود و اگر چهل کس نباشند چهار کس ده مرتبه دعا کنند و اگر چهار کس
نباشند یک کس چهل مرتبه دعا کند و در روایت دیگر آمده که هرگز
چهار مؤمن در دعا اجتماع نکنند مگر که با اجابت مقرون شوند و کسی
که آمین گوید در دعا شریک باشد و از جمله اسباب آنکه ابتدا کند بحمد

وثنای خدا کند کسی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام معروض داشت که خدای
فرموده دعا کنید که من اجابت می‌کنم ما دعا می‌کنیم و مستجاب نمی‌شود فرمود
گمان داری که خدای تعالی خلاف وعده کند گفت نه فرمود پس چرا مستجاب
نمی‌شود گفت نمی‌دانم فرمود کسی که اطاعت امر خدا کند و از راهی که می‌باید
دعا کند البته مستجاب شود گفت راهش کدام است فرمود اول حمد خدا
و ذکر نعمتهای کند و خدا را بآن شکر کند پس صلوات بر پیغمبر و آلش فرستد
و گناهان خود را مذکور سازد و اقرار بآن و استغفار کند بعد از آن
حاجت بخواهد که مستجاب شود و سید اسباب توسل جستن است بآنحضرت
پیغمبر و آلش صلی الله علیهم اجمعین مرویست که کسی هفتاد خریف در دوزخ
بماند بعد از آن مناجات نموده گوید خدا بحق محمد و اهل بیتش که بر من
رحم کن پس خدای تعالی جبرئیل را فرماید که او را از آتش بیرون آرد و گوید
بعزت خودم که اگر بحق ایشان سوال می‌کردی بسیار در آتش نمی‌ماندی اما
من بر خود واجب کرده‌ام که هر کس بحق ایشان سوال کند اجابت فرمایم
و این مضمون در احادیث بسیار آمده و مرویست که هر دعا از آسمان
محجوبست تا صلوات بر آنحضرت و آلش صلی الله علیهم فرستد و نیز مرویست
که صلوات بر ایشان رد نشود پس چون در اول و آخر دعا صلوات فرستد
خدا را شرم آید که اول و آخر را قبول فرماید و میان را رد کند و از جمله اسباب
اینست که دعا را عام کند و دیگران را در آنچه می‌طلبد با خود شریک کرداند
بلکه ایشان را مقدم دارد که برای ایشان و برای خودش هر دو مستجاب شود

بعضی

بعضی از علما درین معنی نکته گفته‌اند که ذکرش مناسب مقامست اینکه خدای
تعالی بندگان خود را نهی فرموده که چون چند چیز را باهم بیک صیغه جمع
کنند بعضی را نگاه دارند و بعضی را رد نمایند و دعا برای مؤمن غایبانه
البته مستجابست چنانکه مذکور شد پس چون کسی خود را با دیگری در دعا
جمع کند لایق بجلال آنجناب نبود که چیزی که بندگانرا منع فرموده خود
آنرا بکند و از جمله اسباب اینکه در وقت دعا دل خبردار و دقیق و محزون
باشد که دعای دل غافل و سخت و فرحناک مستجاب نشود و خدای تعالی
دل محزونرا دوست دارد و چشم گریان باشد و اگر گریه نیاید سعی کند
و خود را بگریه دارد و چون اشک دعا را غنیمت باید دانست اگرچه بقدر
سر مگسی باشد که خدای تعالی چشم گریانرا دوست دارد و بگریه یک کس
بر امتی رحم فرماید و از جمله آنکه از روی ادب و انصاف سوال کند مثلا رتبه
انبیا و ائمه علیهم السلام سوال نکند و چیزی که از حوصله و مرتبه او بیرون است
طمع نکند که مستحق حرمان شود و از جمله اینکه اطمینان و حسن ظن
باجابت داشته باشد که خدا پیش ظن بنده مؤمن است هر چه گمان داشته
باشد چنان کند و مرویست که چون دعا کردی حاجت را بر در خانه دان
و از جمله اینکه پیش از وقت در حال عافیت و رفاهیت همیشه دعا می‌کرده باشد
تا چون در بلیه و شدت دعا کند مستجاب شود و از آسمان محجوب
نماند و اگر نه ملائکه که بر اجابت دعوات موکلند گویند این چه آوازیست
که نمی‌شناسیم و این کیست و پیش ازین کجا بود که بدرگاه الهی رجوع

نمی‌نمود و از جمله آنکه در آخر دعا بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا
بالله که خدای تعالی فرماید ای ملایکه این بنده مرا دریابید و اعانت
کنید و حاجتش را بر آرید که کارهای خود را بمن و بخواهش من تسلیم
کرد و اعتراف نمود که هیچ کس غیر من اجابت حاجتش نتواند کرد و چون از دعا
فارغ شود هر دو دست بر سر و روی مالد در روایت دیگر بر روی و سینه
بمالد که دستی که بدعا برخواست از رحمت خالی نباشد و از جمله آنکه در دعا
الحاح کند که خدا الحاح را خوش آید والبته اجابت فرماید و نیز مرویست که بسا
باشد که بنده دعا کند و خدای تعالی از او اعراض فرماید باز دعا
کند و اعراض فرماید پس مرتبه چهارم و بر روایت دیگر در مرتبه سیم فرماید
ای ملایکه بنده من مکرر دعا کرد و من اعراض نمودم همان دعا می‌کند
میداند که گناهش را غیر من کسی نیامرزد گواه باشید که او را آمرزیدم و اگر
در اجابت تاخیر شود مایوس و نومید نباید شد که خدای تعالی فرموده
از رحمت نومید نباشند مگر کفار و گمراهان و بسا باشد که بنده دعا
کند و خدای تعالی برای آنکه دعا و مناجات او را دوست دارد در اجابت
تاخیر فرماید تا بیشتر دعا و تضرع کند و دعای مومن البته اجابت شود
و اگر در همان چه خواسته مصلحت باشد همان را عطا کند و اگر بلیه مقدر
باشد که دفع او ضرورتر بود و خود از آن خبر ندارد آن را دفع فرماید و اگر
هیچ کدام نباشد در بهشت اضعاف مضاعف عوض دهد و در روایت
دیگر آمده که در آنچه خواسته مصلحت نباشد کفاره گناهانش شود و اگر

دعا زود مستجاب شود مشعوف و مغرور نباید گشت که شاید استدراج
باشد چنانکه در باب اول گذشت و بسا باشد که بنده دعا کند و
خدای تعالی برای اینکه آواز او بد دارد زود اجابت فرماید تا الحاح
او را نشنود بلکه اگر زود شود شکر و حمد و اگر دیر شود صبر و توکل
باید کرد و در هر حال تضرع و انابت و تملق و اطاعت باید نمود

فصل ششم در ذکر جمعی که دعاشان مستجاب شود و جمعی که دعاشان
مستجاب نشود مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین
که چند کس‌اند که دعاشان مستجاب شود و از خدای تعالی محجوب
نماند و درهای آسمان برایش گشوده شود تا بعرش رسد اهل حج و عمره
و جهاد پس مترصد احوال عیال ایشان باشید و سعی در حوایج ایشان
نمایید و مریض پس او را مرنجانید و امام عادل و ولد صالح برای
والدین و والد صالح برای ولد و صایم تا وقتی که افطار کند و مومنی
که برای مومنی غایبانه ذکر خیر و دعا کند ملایکه گویند چون برادر
تو که برادر خود را غایبانه مدح و دعا میکنی خدای تعالی دو برابر
آن ترا عطا کند و دو مثل آن ترا مدح فرماید و اگر دعای بد و ذکر
شر کند گویند چه بد برادری تو بر خود رحم کن و ترک این گفتگو کن و نیز
مرویست که دعای مومن برای خود یک دعاست و چون برای مومنی
غایبانه دعا کند از آسمان اول ملکی ندا کند که صد هزار مثل آن ترا
باشد و از آسمان دوم ندا کند که ترا دویست هزار مثل آن بود
و همچنین تا آسمان هفتم صد هزار هزار بیفزاید بعد از آن خدای تعالی

فرماید منم غنی که هر که فقیر شوم ترا هزار هزار مثل آن عطا فرمایم و دعای
و کوید انتقام تو بکشم اگر چه بعد از مدتی باشد و دعای والد بر ولد که
مرتبه ترا است از شمشیر و چند کس‌اند که دعاشان مستجاب نشود کسی دست از کسب
و سعی کشیده در خانه نشیند و دعا کند خدای تعالی فرماید من راه سعی و
تحصیل برای تو گشوده ام راه سر کن و سعی نمای تا حاجت بر آرم و کسی
که خدای تعالی او را مالی داده و در باطل صرف کرده و چون دعا کند
فرماید روزیت دادم و ضایع کردی و کسی که زن یا بنده یا همسایه را
نفرین کند فرماید راه خلاصی نموده ام زن را طلاق کوی و بنده را بفروش
و از همسایه نقل کن و کسی که بی شاهد و بینه بکسی قرض دهد فرماید
بایست شاهد و بینه بگیری تا مالت باطل نشود و کسی که از زیر دیوار
شکسته شتاب نرود و بیاید در مهلکه احتیاط نکند فرماید گفته بودم که خود را
در مهلکه میفکن تا هلاک نکردی **فصل هفتم** در فضایل دعا برای
مؤمنان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم و هر مؤمن که برای
مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات احیا و اموات ایشان دعا کند
خدای تعالی بعدد مؤمن و مؤمنه از اول دنیا تا آخر دنیا حسنه
برای او ثبت کند و بعد هر کس مثل آنچه دعا کرده باو عطا فرماید
و اگر روز قیامت او را بدوزخ امر کنند و می کشیده باشند تا بدوزخ برند
مؤمنین و مؤمنات اجتماع نموده کویند خدایا اینکس در دنیا ما را دعا
میکرد امروز ما را شفیع او کردان خدای تعالی شفاعت ایشان را قبول
فرموده او را نجات دهد و هر کس هر روز بیست و پنج مرتبه بکوید اللهم اغفر

لِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِینَ وَالْمُسْلِمَاتِ بعدد هر مؤمن که شده
و باشد تا روز قیامت برای او حسنه ثبت کند و سیئه محو نماید و درجه
بلند کرداند **فصل هشتم** در ذکر بعضی ادعیه و وسایل حاجات
مرویست که کسی بخدمت امیر المؤمنین صلوات الله علیه شکایت کرد
که اجابت دعایم دیر می شود فرمود چرا دعای سریع الاجابه نمیخوانی
کفت نمیدانم که کدام است فرمود بنویس اَللّٰهُمَّ اِنِّی بِاسْمِكَ الْعَظِیمِ الْاَعْظَمِ
الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ النُّورِ الْحَقِّ الْبُرْهَانِ الْمُبِینِ الَّذِی
هُوَ نُورٌ مَعَ نُورٍ وَنُورٌ مِنْ نُورٍ وَنُورٌ فِی نُورٍ وَنُورٌ عَلٰی نُورٍ وَنُورٌ
فَوْقَ كُلِّ نُورٍ وَنُورٌ عَلٰی كُلِّ نُورٍ وَنُورٌ تُضِیءُ بِهِ كُلُّ ظُلْمَةٍ وَتُكْسَرُ
بِهِ كُلُّ شِدَّةٍ وَكُلُّ شَیْطَانٍ مَرِیدٍ وَكُلُّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ وَلَا تَقِرُّ بِهِ اَرْضٌ
وَلَا تَقُومُ بِهِ سَمَاءٌ وَیَأْمَنُ بِهِ كُلُّ خَائِفٍ وَیَبْطُلُ بِهِ كُلُّ سَاحِرٍ
وَبَغْیُ كُلِّ بَاغٍ وَحَسَدُ كُلِّ حَاسِدٍ وَیَتَصَدَّعُ بِعَظَمَتِهِ الْبَرُّ وَالْبَحْرُ
وَیَسْتَقِلُّ بِهِ الْفُلْكُ حِینَ یَتَكَلَّمُ بِهِ الْمَلَكُ فَلَا یَكُونُ لِلْمَوْجِ
عَلَیْهِ سَبِیلٌ وَهُوَ اسْمُكَ الْاَعْظَمُ الْاَعْظَمُ الْاَجَلُّ الْاَجَلُّ النُّورُ الْاَكْبَرُ
الَّذِی سَمَّیْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَاسْتَوَیْتَ بِهِ عَلٰی عَرْشِكَ وَاَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ
بِمُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَاَسْئَلُكَ بِكَ وَبِهِمْ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
و حاجتی که داری طلب نمای و مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلم که چون کسی را حاجتی رو دهد پناه بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
و سلم برده غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و مثل نماز فریضه افتتاح

کند و تهنیت خواند و بعد از سلام زیارت بروح مقدس آنحضرت صلی الله علیه
و آله و سلم هدیه نموده گوید اَنتَ السَّلامُ وَ مِنکَ السَّلامُ وَ اِلَیکَ یَرجِعُ السَّلامُ
اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنّی السَّلامَ وَ اَرواحَ الاَئِمَّةِ
الصّادِقینَ سَلامی وَ ارْدُدْ عَلَیَّ مِنهُمُ السَّلامَ وَ السَّلامُ عَلَیهِم وَ رَحمَةُ اللهِ
وَ بَرَکاتُهُ اللّهُمَّ اِنَّ هاتَینِ الرَّکعَتَینِ هَدِیَّةٌ مِنّی اِلی رَسولِ اللهِ صَلَّی اللهُ
عَلَیهِ وَ آلِهِ فَاَثِبنی عَلَیهِما ما اَمَّلتُ وَ رَجَوتُ فیکَ وَ فی رَسولِکَ یا وَلِیَّ
المُؤمِنینَ بعد از آن سجده کند و چهل مرتبه بگوید یا حَیُّ یا قَیّومُ یا حَیُّ
لا یَموتُ یا حَیُّ لا حَیَّ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ یا ذَا الجَلالِ وَ الاِکرامِ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ
بعد از آن روی راست بگذارد و همین را چهل مرتبه بگوید بعد از آن سر بردارد
و دستها برآرد و چهل مرتبه بگوید بعد از آن دست را تا پیش گردن بیارد
و انگشت سبابه را بحرکت بچیزی اشاره کند از روی تضرع نگاه دارد و
چهل مرتبه بگوید بعد از آن محاسن را با دست چپ گرفته گریه کنان و اگر
گریه نیاید خود را گریان ساخته بگوید یا مُحَمَّدُ یا رَسولَ اللهِ اَشکو اِلَی اللهِ وَ
اِلَیکَ حاجَتی وَ اِلی اَهلِ بَیتِکَ الرّاشِدینَ حاجَتی وَ بِکُمْ اَتَوَجَّهُ اِلَی اللهِ فی
حاجَتی بعد از آن سجده کند و بگوید یا اَللهُ یا اَللهُ تا نفس تنگ شود صَلِّ
عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اقضِ حاجَتی و حاجت بخواهد من ضامنم که هنوز از جای
خود برنخواسته باشد که حاجتش برآورده شود و هم از آن حضرت علیه السلام
مرویست که فرمود شما را چون مرضی عارض شود بطبیب رجوع کنید و با
او تکلیف نمایید و چون حاجتی باشد بخانه سلاطین روید و بملازمان

ایشان

ایشان رشوها دهید پس اگر مرضی یا حاجتی باشد که سانح شود بنام خدای
تعالی برده طهارت بسازند و چیزی تصدق کنند و هر چه مقدور شود
بر مسجد رفته دو رکعت نماز بگذارند بعد از آن حمد و ثنای خدا گویند
و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش صلی الله علیهم فرستند و حاجت خود طلب کنند
البته مستجاب شود و این بمنزله آن است که بر خدای تعالی واجبست اجابت آن و هم
از آن حضرت علیه السلام مرویست که هر کرا شدتی و حاجتی باشد غسل کند و دو
رکعت نماز گذارد و بعد دست راست بر زیر روی راست گرفته بخواند و بگوید یا مُعِزَّ
کُلِّ ذَلیلٍ یا مُذِلَّ کُلِّ عَزیزٍ وَ حَقِّکَ لَقَدْ شَقَّ عَلَیَّ کَذا و حاجت را مذکور
سازد مستجاب شود و از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه مرویست
که هر کرا حاجتی باشد شب جمعه بعد از نصف غسل کند و بمصلای خود
رفته دو رکعت نماز گذارد در هر رکعت الحمد بخواند و چون بر اِیّاکَ نَعبُدُ وَ
اِیّاکَ نَستَعینُ رسد این را صد مرتبه تکرار کند و در هر رکعت آخر سوره را
تمام کند بعد از آن قُل هُوَ اللهُ بخواند و تسبیح رکوع و سجود را هفت هفت بگوید
و چون سلام دهد بگوید اللّهُمَّ اِن اَطَعتُکَ فَالمَحمَدَةُ لَکَ وَ اِن عَصَیتُکَ
فَالحُجَّةُ لَکَ مِنکَ الرَّوحُ وَ مِنکَ الفَرَجُ سُبحانَ مَن اَنعَمَ
وَ شَکَرَ سُبحانَ مَن قَدَرَ وَ غَفَرَ اللّهُمَّ اِن کُنتُ عَصَیتُکَ فَقَد اَطَعتُکَ
فی اَحَبِّ الاَشیاءِ اِلَیکَ وَ هُوَ الاِیمانُ بِکَ لَم اَتَّخِذ لَکَ وَلَداً وَ لَم اَدعُ لَکَ
شَریکاً مَنّاً مِنکَ بِهِ عَلَیَّ لا مَنّاً مِنّی بِهِ عَلَیکَ وَ قَد عَصَیتُکَ یا اِلهی عَلی غَیرِ
وَجهِ المُکابَرَةِ وَ لَا الخُروجِ عَن عُبودِیَّتِکَ وَ لَا الجُحودِ لِرُبوبِیَّتِکَ وَ لکِن

اطعت هوای وازلنی الشیطان فلک الحجة علی والبیان فان
تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم وان تغفر لی وترحمنی فانک جواد کریم یا کریم
یا کریم تا نفس منقطع نشود یا امنا من کل شیء وخوف کل شیء منک
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تعطینی امانا لنفسی واهلی وولدی
وسایر ما انعمت به علی حتی لا اخاف ولا احذر من شیء ابدا انک
علی کل شیء قدیر وحسبنا الله ونعم الوکیل یا کافی ابراهیم نمرود ویا کافی
موسی فرعون اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تکفینی
شر فلان بن فلان وکسی که از و خوف داشته باشد نام ببرد بعد از ان سجده
کند واز روی تضرع حاجت بطلبد که هیچ مؤمن ومؤمنه باین طریق باخلاص
عمل نکند مگر آنکه درهای آسمان برای حاجتش گشوده شود وهمان وقت
مستجاب شود هر چه طلب کند بعد از ان نفع بود از فضل خدا است [illegible]
ماه و هر کس در پایان مجلس هزار مرتبه بگوید ما شاء الله توفیق حج یابد مرویست
که ابو القاسم مردی بود بیطالع هرگز بکاری نمی‌رفت که از ان خیر ببیند بحضرت
امام موسی کاظم علیه السلام شکایت نمود فرمود بعد از نماز صبح ده مرتبه
بگوی سبحان الله العظیم وبحمده استغفر الله واسئله من فضله گوید از ان
ره‌نمائی بیش نگذشت که از جای که هیچ گمان نداشتم خدای تعالی مرا غنی گردانید
یکی از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه وآله مدتی بخدمت آن حضرت نرفت بعد از آنکه
رفت پرسید چه مانع که پیش ما نمی‌آیی گفت بیماری وپریشانی فرمود که این
کلمات را بگوی که هر دو زایل شود لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

توکلت علی الحی

توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک
فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا اکنون از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم دعای خواست برای وسعت رزق فرمود بگوی
اللهم ارزقنی من فضلک الواسع الحلال الطیب رزقا واسعا حلالا
طیبا بلاغا للدنیا والاخرة صبا صبا هنیئا مریئا من غیر کد ولا
من احد من خلقک الا سعة من فضلک الواسع فانک قلت و
اسئلوا الله من فضله فمن فضلک اسئل ومن عطیتک اسئل
ومن یدک الملأی اسئلک راوی گوید برای این مطلب هیچ چیز مثل این
دعا ندیدم وحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بحضرت امام امیر المؤمنین
صلوات الله علیه وآله گفت برای ادای دین بگوید اللهم اغننی بحلالک
عن حرامک وبفضلک عمن سواک که اگر مثل صبر داشته باشی ادا شود
وصبر کوهیست در یمن که در آن بلاد اعظم از آن کوهی نیست وهم آن
حضرت صلی الله علیه وآله وبگوی فرمود دو رکعت نماز بکن آیة الکرسی بعد از
آیة الملک بخوان بعد از ان بگوی یا رحمن الدنیا والاخرة ورحیمهما
تعطی منهما من تشاء وتمنع منهما من تشاء اقض عنی دینی که اگر مثل روی
زمین طلا دین داشته باشی ادا شود وکسی بحضرت امام جعفر صادق
علیه السلم شکایت نمود که دین چند بر مردم دارم ووصول نمی‌شود فرمود
بگوی اللهم لحظة من لحظاتک تیسر علی غرمائی بها القضاء وتیسر لی
بها الاقتضاء انک علی کل شیء قدیر وهم از ان حضرت مرویست

که هر کس دو ماه متوالی هر روز چهارصد مرتبه بگوید استغفر الله الذی
لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحیّ القیّوم بدیع السموات و الارض ذو الجلال
و الاکرام من جمیع ظلمی و جرمی و اسرافی علی نفسی و اتوب الیه خدای تعالی
مال بسیار با علم بسیار عطا فرماید و هم از آن حضرت علیه السلام مرویست
که هر پیغمبری با اهل بیت خود دعای مستجابی عطا فرماید و پیغمبر ما صلی الله
علیه و آله دو دعای مستجاب عطا فرموده یکی برای امور شداید و آن
اینست یا ذا الذی لم یزل یا الهی و اله آبائی یا حیّ یا قیوم صلّ علی محمد
و آل محمد و افعل بی کذا دوم برای حوائج و قضای دین و آن اینست
یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء یا الله یا ربّ صلّ علی
محمد و آله و اقض عنی الدین و افعل بی کذا و هم از آن حضرت علیه السلام
مرویست که هر کس را معیشت تنگ شود یا حاجتی از حوائج دنیا و آخرت
باشد این رقعه را بر کاغذی سفید بنویسد چنانکه اسماء همه در یک سطر
باشد و بر دو صفحه این شکل خطی بکشد و در وقت طلوع آفتاب
در آب جاری اندازد بسم الله الرحمن الرحیم الملک الحق الجلیل المبین
من العبد الذلیل الی المولی الجلیل سلام علی محمد و علی و فاطمة
و الحسن و الحسین و علی و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن
و القائم سیدنا و مولانا صلوات الله علیهم ربّ انی مسّنی الضرّ و الخوف
فاکشف ضرّی و آمن خوفی بحق محمد و آل محمد یا ارحم الراحمین اشفعوا لی
یا سادتی بالشأن الذی لکم عند الله فانّ لکم عند الله لشأنا من الشأن

فقد مسّنی

فقد مسّنی الضرّ یا سادتی و الله ارحم الراحمین فافعل بی یا ربّ کذا
و کذا و نیز مرویست که چون کسی را حاجتی باشد بحضرت صاحب الزمان
صلوات الله علیه تنها برده این عریضه را نوشته بر قبری از ائمه طاهرین صلوات الله
علیهم بگذارد یا بسجده و سر آن را مختوم ساخته در گل پاکی گرفته در نهر یا چاهی
عمیق یا آب بسیار اندازد که بعرض صاحب الزمان صلوات الله علیه میرسد و
آن حضرت خود متوجه قضای آن می شود بسم الله الرحمن الرحیم کتبت یا مولای
صلوات الله علیک مستغیثا و شکوت ما نزل بی مستجیرا بالله عزّ و جلّ
ثم بک من امر قد دهمنی و اشغل قلبی و اطال فکری و سلبنی بعض لبّی و
غیّر خطیر نعمة الله عندی و اسلمنی عند تخیّل وروده الخلیل و تبرّأ منّی
الخاذل و کبره عند ترائی اقباله الی الحمیم و عجزت عن دفاعه حیلتی و خانی
فی تحمّله صبری و قوتی فلجأت فیه الیک و توکلت فی المسألة لله جلّ ثناؤه
علیه و علیک فی دفاعه عنی علما بمکانک من الله رب العالمین ولی التدبیر
و مالک الامور واثقا بک فی المسارعة فی الشفاعة الیه جلّ ثناؤه فی امری
متیقنا لاجابته تبارک و تعالی ایاک باعطائی سؤلی و انت یا مولای جدیر
بتحقیق ظنی و تصدیق املی فیک فی امر کذا و کذا و حاجت بنویسد فیما لا طاقة
لی بحمله و لا صبر لی علیه و ان کنت مستحقا له و لاضعافه بقبیح افعالی و تفریطی
فی الواجبات التی لله تعالی علیّ فاغثنی یا مولای صلوات الله علیک عند
اللهف و قدّم المسألة لله عزّ و جلّ فی امری قبل حلول التلف و شماتة
الاعداء فبک بسطت النعمة علیّ و اسأل الله جلّ جلاله لی نصرا عزیزا

وقضاء حوائجنا فيه بلوغ الآمال وخير المبادي وخواتيم الاعمال والامن من المخاوف
كلها في كل حال الله جل ثناؤه لما بنا آل فعال وهو حسبي ونعم الوكيل في المبدأ
والمآل و در وقت انداختن عريضه بيكي از نايبان آنحضرت صلوات الله عليه
كه در زمان غيبت صغرا بوده اند كه عثمان بن سعيد عمري يا پسرش محمد بن عثمان
يا حسين بن روح يا علي بن محمد باشند متوسل شده بگويد يا فلان بن فلان سلام
عليك اشهد ان وفاتك في سبيل الله وانك حي عند الله عز وجل وهذه رقعتي
وحاجتي الى مولانا عليه السلام فسلمها اليه فانت الثقة الامين بعد از آن
عريضه را بيفكند كه ان شاء الله برآورده شود و هم از آنحضرت صلوات الله عليه
مرويست كه چون خواهي براي مطلبي و حاجتي بكسي نامه بنويسي اول با قلم بي مداد
بر سر نامه بنويس كه بسم الله الرحمن الرحيم ان الله وعد الصابرين المخرج مما يكرهون
والرزق من حيث لا يحتسبون جعلنا الله واياكم من الذين لا خوف عليهم
ولا هم يحزنون راوي گويد بعد از آنكه اين حديث شنيدم هرگز براي مطلبي نامه
ننوشتم مگر آنكه باجابت مقرون و مستجاب گشت فصل سيم در تعويذ و
حرز از مخاوف و مكاره از جمله وسايل بسيار مرويه از اهل بيت اطهار صلوات
الله عليهم درين باب چند چيز كه اهم باشد ان شاء الله ذكر كنيم فصل اول از سلطان كسي بحضرت
امام جعفر صادق عليه السلام معروض داشت كه سلطان مرا طلبيده و من انديشه
دارم فرمود چون از خانه بيرون مي روي قل هو الله از پيش رو و جانب راست و
پشت سر و جانب چپ و بالاي سر و زير پا بخوان كه در آن روز حصاريست براي تو
از سلطان و شيطان و نيز مرويست كه چون بسلاطين را ملاقات كني هفت

مرتبه آهسته بگويد بخيرك بين عينيك وشرك تحت قدميك وبالله نستعين
عليك اللهم اكفنيه بما شئت فانه لا قوة الا بك و چون از غضب
ايشان ترسد بگويد اطفأت غضبك بلا اله الا هو حسبي الله لا اله الا
هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم و چون نظر بر ايشان افتد سه مرتبه
قل هو الله بخواند و با دست چپ بگشت بشمرد تا وقتي كه از آنجا بيرون آيد مكرر
مي خوانده باشد و نيز مرويست كه كسي را سلطان بعتاب طلبيد حضرت امام
جعفر صادق عليه السلام قدري تربت امام حسين عليه السلام فرستاد فرمود
با او برسانيد كه امانست از خوف و نيز آن حضرت عليه السلام اندر خانه
سلطاني مي گذشت ديد كه كسي عقوبت كرده بيرون آمد فرمود اگر انگشتر
عقيق با خود ميداشت از هيچ حادثه ايمن مي بود خوف از اعدا حضرت
امام زين العابدين عليه السلام فرمود اگر تمام جن و انس بر من جمع شوند
چون اين كلمات بگويم هيچ باك نداشته باشم بسم الله وبالله ومن الله
الى الله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله اللهم اليك اسلمت نفسي
واليك وجهت وجهي واليك الجأت ظهري واليك فوضت امري
اللهم احفظني بحفظ الايمان من بين يدي ومن خلفي وعن يميني
وعن شمالي ومن فوقي ومن تحتي وما قبلي وادفع عني بحولك وقوتك
فانه لا حول ولا قوة الا بك و نيز حضرت امام موسي كاظم عليه السلام
فرمود كه جدم امير المؤمنين صلوات الله عليه چون اين دعا مي خواند هيچ
لشكري حمله نميكرد مگر آنكه منهزم مي ساخت و اين دعا كفايت بلاها

اللهم بک اساور وبک احاول وبک اجاور وبک اصول وبک انتصر
وبک اموت وبک احیی اسلمت نفسی الیک وفوضت امری الیک لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انک خلقتنی ورزقتنی وسترتنی وعن
العباد بلطفک ما خولتنی اغنیتنی اذا هویت رددتنی واذا عثرت قومتنی
واذا مرضت شفیتنی واذا دعوت اجبتنی یا سیدی ارض عنی فقد ار
ضیتنی خوف از کلاب وسباع بگوید وقل للذین امنوا یغفروا للذین
لا یرجون ایام الله لیجزی قوما بما کانوا یکسبون واذا قرأت القران
جعلنا بینک وبین الذین لا یؤمنون بالاخرة حجابا مستورا
وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی اذانهم وقرا وان یروا کل
ایة لا یؤمنوا بها حتی اذا جاؤک یجادلونک یقول الذین کفروا
ان هذا الا اساطیر الاولین سبع از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام مرویست که چون بسبع ملاقات کنی در رویش ایة الکرسی بخوان
وخطاب با او نموده بگوی عزمت لک بعزیمة الله وعزیمة محمد صلی الله
علیه واله وعزیمة سلیمان بن داود وعزیمة امیر المؤمنین علی بن ابی
طالب والائمة من بعده که انشاء الله رو گردانیده برود راوی گوید چون
بیرون امدم سبعی رو بمن کرد این عزیمت بر او خواندم وبعد از ان گفتم
الا تنحیت عن طریقنا پس دیدم که سر بزیر افکنده دم بمیان پا گرفته
رو گردانید وضرر نرسانید عقرب وسایر گزندگان حضرت امام محمد
باقر علیه السلام فرمود هر کس وقت شام بگوید اعوذ بکلمات الله التامات التی لا

یجاوزهن

یجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ذرء ومن شر ما برء ومن شر کل
دابة انت اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم من ضامنم
که هیچ عقرب ورا نگزد تا صبح ونیز مرویست که دود چوب انار هوام وگزندگان
دفع کند کیک وقت خوابیدن بگوید ایها الاسود الوثاب الذی
لا یبالی غلقا ولا بابا عزمت علیک بام الکتاب ان لا تؤذینی واصحابی
الی ان تذهب اللیل ویؤب الصبح بما اب موش در وقت خوابیدن
بر قفلها وحلقها بخوانند قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا اخر سوره بنی
اسرائیل واذکار دیگر نیز برای این مطلب در فصل اداب خواب انشاء الله بیاید
افتادن سقف حضرت امام رضا علیه السلام فرموده هیچ وقت خوابیدن این ایه
بخواند که سقف بر او فرود اید ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا
ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا
وحشت ودزد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده هر کس بگوید بسم الله
وبالله توکلت علی الله انه من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله
بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا اللهم اجعلنی فی کنفک و
فی جوارک واجعلنی فی امانک وفی منعک از هر وحشتی در شب
وروز ایمن باشد وفرمود حکایت کنند که مردی سی سال این دعا می گفت یک شب
ترک کرده عقربش زده هلاک وبلا مرویست که هر کس بسم الله الرحمن الرحیم بر در
بیرون اطاق خانه بنویسد از هلاک شدن ایمن باشد اگر چه کافر باشد ومرویست
که فرعون بر در خانه خود نوشته بود چون حضرت موسی برای هلاکش استعجال

ببیند و خدای تعالی فرمود تو بچشم شفقت نظر می کنی و من بآنچه بود در خانه اش نوشته
جمیع عوارض از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که هر کس از روی تا طفولیت سه مرتبه
قل اعوذ برب الفلق و سه مرتبه قل اعوذ برب الناس و صد مرتبه قل هو الله احد اگر
نتواند پنجاه مرتبه بخواند یا دیگری برای او بخواند از جمیع امراض صبیان و حمی
و اسنان و عطاش که علتی است که چون عارض شود صاحبش هر چند آب خورد
سیر نشود و از فساد معده و غلبه حزن محفوظ گردد مادام که باین مداومت
کند تا از دنیا برود حوادث از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست
فرمود که چون چشم حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله منتهی گشت خدای تعالی این
کلمات را فرستاد که در سنان نیزه جا دهد بعد از آن هر که چشم آنحضرت را
هزیمت روند و من دوست میدارم که مؤمن این دعا را در قائمه شمشیر یا زیر انگشتر
با اعتماد بخود داشته باشد تا از حوادث لیل و نهار محفوظ باشد بسم الله الرحمن الرحیم
یا هو یا من هو یا من لیس هو الا هو یا حی یا قیوم یا حی لا یموت یا حی لا اله
الا انت صل علی محمد و آل محمد و کن لفلان بن فلان درعا حصینا و حفظا
منیعا یا رب العالمین و صلی الله علی محمد خاتم النبیین و آله الطاهرین
و ادعیه و اذکار برای امراض و اوجاع در باب عادات انشاء الله بیاید
فصل نهم در بعضی ادعیه متبرکه ماثوره مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم که هر کس این دعا را بخواند و اگر ملائکه هفت آسمان و زمین جمع شوند
تا روز قیامت ثواب آن نتوانند نوشت و گناهانش آمرزیده گردد و دلش
از ایمان پر شود و خدای تعالی فرماید ای ملائکه گواه باشید که او و والدین

و برادران

خوا

و برادران و خواهران و اهل بیت و اولاد و همسایگانش همه را از آتش دوزخ
آزاد کردانیدم او را شفیع هزار کس گردانیدم که همه مستوجب دوزخ باشند و هر که بر
فقرات این دعا را فضلی عظیم روایت شده که ذکر همه آن درین مختصر نگنجد یا من
اظهر الجمیل و ستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة و لم یهتک الستر یا عظیم
العفو یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة
یا صاحب کل نجوی یا منتهی کل شکوی یا کریم الصفح یا عظیم المن
یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها یا ربنا و یا سیدنا و یا مولانا
و یا غایة رغبتنا اسئلک یا الله ان لا تشوی خلقی بالنار و هم از آنحضرت
صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که فرمود که شبی که بمعراج رفتم بر حجاب قدرت این
دعا را نوشته دیدم هر که بخواند درهای آسمان برایش گشوده گردد و گناهان
او و والدین و همسایگانش آمرزیده شود و خانه در بهشت از در و یاقوت بنا کنند
و خیر دنیا و آخرت برایش جمع فرمایند و اگر بمشک و زعفران بنویسند و بمریض
دهند شفا یابد و بر اطفال بندند از مار و عقرب و مکاره محفوظ باشد
و اگر نوشته با شامه از اوجاع ایمن گردد و اگر برای مطلبی بخوانند آسان شود و اگر
جن و انس و ملائکه و هزار مثل ایشان جمع شوند از اول دنیا تا روز قیامت ثواب
آن نتوانند نوشت اللهم انی اسئلک یا من اقر له بالعبودیة کل معبود
یا من یحمده کل محمود یا من یفزع الیه کل مجهود یا من تطلب عنده
کل مفقود یا من سائله غیر مردود یا من بابه عن سائله غیر مسدود
یا من هو غیر موصوف و لا محدود یا من عطاؤه غیر ممنوع و لا مشکود یا من

هو لمن دعاه ليس ببعيد وهو نعم المقصود يا من رجاه عباده بحبله مشدود
يا من ليس بوالد ولا بمولود يا من شبهه ومثله غير موجود يا من كرمه و
فضله غير معدود يا من حوض بره للانام مورود يا من لا يوصف بقيام
ولا قعود يا من لا يجري عليه حركة ولا جمود يا الله يا رحمن يا رحيم يا ودود
يا راحم الشيخ الكبير يعقوب يا غافر ذنب داود يا من لا يخلف الوعد
ويعفو عن الموعود يا من رفده وبره للعاصين ممدود يا من هو
ملجأ كل مقصي مطرود يا من ذات له جميع خلقه بالسجود يا من ليس
عن نيله وجوده احد مصدود يا من لا يحيف في حكمه ويحلم عن الظالم
العنود ارحم عبدا خاطئا لم يوف بالعهود انك فعال لما تريد يا با
يا ودود وصل على محمد خير مبعوث دعا الى خير معبود وعلى آله الطيبين
الطاهرين اهل الكرامة والجود وافعل بنا ما انت اهله يا ارحم الرا حمين
وهم از آنحضرت صلى الله عليه وآله وسلم مرويست كه هر كس اين دعا بخواند كه
ملائكه هفت آسمان و زمين جمع شوند تا روز قيامت ثواب آنرا از هزار جز
و يكى نتوانند بيان نمود و از عبد الله بن سلام مرويست كه بعضى از فضائل
اين دعا كه در توريه مذكور است اينست كه هر كس كه خداى تعالى بفضل و منت
خود اين كلمات را در دلش جا دهد هر روز مرتبه او بر ملائكه مباهات
فرمايد و نورى از نور تا عرش درخشان شود و از عذاب قبر و فتنه دجال
و فزع اكبر در روز قيامت ايمنش گرداند و در روز قيامت كه همه كس ترسان و محزون
باشند او از خوف و حزن ايمن باشد و چون محشور شود دلش ساكن

و مطمئن

و مطمئن باشد و هر مطلب كه با اين دعا سؤال كند خداى تعالى عطا فرمايد
و فضائل ديگر بسيار كه اين رساله حوصله ذكر آن ندارد يا الله يا الله يا الله
انت المرهوب منك جميع خلقك يا نور النور انت الذي احتجبت دون
خلقك فلا يدرك نورك نور يا الله يا الله يا الله انت الرفيع الذي
ارتفعت فوق عرشك من فوق سمائك فلا يصف عظمتك احد من
خلقك يا نور النور قد استنار بنورك اهل سمائك واستضاء بضوئك
اهل ارضك يا الله يا الله يا الله انت الذي لا اله الا غيرك تعاليت ان
يكون لك شريك وتعظمت عن ان يكون لك ولد وتكرمت عن ان يكون
لك شبه وتجبرت عن ان يكون لك ضد فانت الله المحمود بكل لسان و
انت المعبود في كل مكان وانت المذكور في كل اوان وزمان يا نور النور
كل نور خامد لنورك يا مليك كل مليك يفنى غيرك يا دائم كل حي
يموت غيرك يا الله يا الله يا الله الرحمن الرحيم ارحمني رحمة تطفئ بها غضبك
وتكف بها عذابك وترزقني بها سعادة من عندك وتحلني بها دارك
التي تسكنها خيرتك من خلقك يا ارحم الراحمين يا من اظهر الجميل و
ستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك الستر يا عظيم العفو
يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب
كل نجوى يا منتهى كل شكوى يا مفرج كل كربة يا مقيل العثرات يا كريم
الصفح يا عظيم المن يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا رباه يا سيداه يا
مولاه يا غاية رغبتاه اسألك بك وبمحمد وعلي وفاطمة والحسن و

والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة
القائم ان تصلي على محمد وال محمد واسئلك يا الله يا الله يا الله ان لا تحرق
خلقي في النار وان تغفر لي وتلوا لدي برحمتك يا ارحم وان تعطيني خير الدنيا
والآخرة انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد وآله وهم از آنحضرت
صلى الله عليه وآله وسلم مرويست كه هر كس اين دعا را هر مطلب بخواند باذن الله تعالى
بر آورده شود واگر چهل شب جمعه بخواند ميان او وخداي تعالى هيچ گناه نماند مگر
كه بيامرزد واگر پيش سلطان جابر رود وپيش از آنكه داخل شود بخواند خداي تعالى
سلطان را با او مشفق ومهربان گرداند ان شاء الله اللهم اني اسئلك يا من احتجب
بشعاع نوره عن نواظر خلقه يا من تسربل بالجلال والكبرياء في تفرد مجده
يا من انقادت الامور بازمتها طوعا لامره يا من قامت السموات والارضون
مجيبات لدعوته يا من زين السماء بالنجوم الطالعة وجعلها هادية لخلقه
يا من انار القمر المنير في سواد الليل المظلم بلطفه يا من انار الشمس
المنيرة وجعلها معاشا لخلقه وجعلها مفرقة بين الليل والنهار
بعظمته يا من استوجب الشكر بنشر سحائب نعمه اسئلك بمعاقد العز من
عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وبكل اسم هو لك سميت به نفسك
او استأثرت به في علم الغيب عندك وبكل اسم هو لك انزلته في كتابك
واثبته في قلوب الصافين الحافين حول عرشك فتراجعت القلوب الى
الصدور عن البيان باخلاص الوحدانية وتحقيق الفردانية مقرة بالعبودية
وانك انت الله انت الله الذي لا اله الا انت واسئلك باسمائك

التي

تجليت

التي بها للكليم على الجبل العظيم فلما بدا شعاع نور الحجب من بهاء العظمة
خرت الجبال متدكدكة لعظمتك فلا اله الا انت فلا اله الا انت
فلا اله الا انت واسئلك بالاسم الذي به تدبر حكمتك وشواهد حجج انبيائك
يفطن القلوب وانت في غوامض مسرات سريرات الغيوب اسئلك
بعزة ذلك الاسم ان تصلي على محمد وال محمد وان تصرف عني جميع
الآفات والعاهات والاعراض والامراض والخطايا والذنوب والشك
والشرك والكفر والنفاق والشقاق والضلال والجهل والمقت
والغضب والعسر والضيق وفساد الضمير وحلول النقمة وشماتة الاعداء
وغلبة الرجال انك سميع الدعاء لطيف لما تشاء از حضرت پيغمبر صلى الله
عليه وآله مرويست كه هر كه بدعاء امام حسين عليه السلم دعا كند با آنحضرت محشور گردد
وآنحضرت شفيع او باشد وخداي تعالى كارش فرج دهد ودينش را ادا كند و
كارش را آسان گرداند وبراه راستش هدايت فرمايد وبر اعداء نصرتش دهد و
هتك سترش نكند وبايمان شرح صدرش نمايد ودر وقت بيرون رفتن
روح شهادت لا اله الا الله تلقينش كند واين دعا را بعد از نماز بايد خواند
وهر كس بدعاي علي بن الحسين عليهما السلم دعا كند با آنحضرت محشور شود وهمچنين
هر كس بدعاي هر يك از ائمه طاهرين تا حضرت صاحب الزمان صلوات
عليهم اجمعين دعا كند با او محشور شود واين ده دعا منسوب باين ده امام
عليهم السلام بترتيب اول اللهم اني اسئلك بكلماتك ومعاقد عرشك
وسكان سمواتك وارضك وانبيائك ورسلك ان تستجيب لي فقد رهقني

مِن امرٍ عسرٍ فاسئلك ان تصلّي على محمّدٍ وآل محمّدٍ وان تجعل لي من عسري
يسرا دوم يا دائم الفضل يا ديموم يا حيّ يا قيّوم يا كاشف الغمّ
يا فارج الهمّ يا باعث الرسل يا صادق الوعد صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ
وافعل بي ما انت اهله سيم اللّهمّ ان كان لي عندك رضوان وودّ
فاغفر لي ولمن اتبعني من اخواني وشيعتي وطيّب ما في صلبي برحمتك يا ارحم
الراحمين وصلّى الله على محمّدٍ وآل محمّدٍ چهارم يا ديّان بغير متوان
يا ارحم الراحمين اجعل لشيعتي من النار وقاءً ولهم عندك رضاءً واغفر
ذنوبهم ويسّر امورهم واقض ديونهم واستر عوراتهم وهب لهم الكبائر
التي بينك وبينهم يا من لا يخاف الضيم ولا تأخذه سنةٌ ولا نوم اجعل
لشيعتي من كلّ غمٍّ فرجاً ومخرجاً پنجم يا خالق الخلق ويا باسط الرزق
ويا فالق الحبّ ويا بارئ النسم ومحيي الموتى ومميت الاحياء ودائم الثبات
افعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله فانّك اهل التقوى واهل
المغفرة ششم اللّهمّ اعطني الهدى وثبّتني عليه امناً آمناً امن من لا خوف
عليه ولا حزن ولا جزع انّك اهل التقوى واهل المغفرة هفتم
اللّهمّ يا من لا شبيه له ولا مثال انت الله لا اله الا انت ولا خالق الا انت
تفني المخلوقين وتبقى انت حلمت عمّن عصاك وفي المغفرة رضاك
هشتم يا نور يا برهان يا مبين يا منير يا ربّ اكفني شرّ الشرور وآفات الدهور
واسئلك النجاة يوم ينفخ في الصور نهم يا عزيزاً في عزّه لما أعزّ
عزيز العزيز في عزّه يا عزيز اعزّني بعزّك وايّدني بنصرك واطرد عنّي همزات

الشياطين

الشياطين وادفع عنّي بدفعك وامنع عنّي بمنعك واجعلني من خيار
خلقك يا واحد يا احد يا فرد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفواً احد دهم يا نور النور يا مدبّر الامور يا باعث من في القبور صلّ
على محمّدٍ وآل محمّدٍ واجعل لي ولشيعتي من الضيق فرجاً ومن الهمّ مخرجا
واوسع لنا المنهج واطلق لنا من عندك ما يفرج وافعل بنا ما انت اهله
يا كريم ويقرأ اين دعاء جليل القدر رفيع المنزلة مرويست از حضرت صاحب
الزمان صلوات الله عليه اللّهمّ ارزقنا توفيق الطاعة وبعد المعصية وصدق النيّة
وعرفان الحرمة واكرمنا بالهدى والاستقامة وسدّد السنتنا بالصواب والحكمة
واملأ قلوبنا بالعلم والمعرفة وطهّر بطوننا من الحرام والشبهة واكفف ايدينا
عن الظلم والسرقة واغضض ابصارنا عن الفجور والخيانة واسدد
اسماعنا عن اللغو والغيبة وتفضّل على علمائنا بالزهد والنصيحة
وعلى المتعلّمين بالجهد والرغبة وعلى المستمعين بالاتّباع والموعظة
وعلى مرضى المسلمين بالشفاء والصحّة وعلى موتاهم بالرأفة والرحمة
وعلى مشايخنا بالوقار والسكينة وعلى الشباب بالانابة والتوبة
وعلى النساء بالحياء والعفّة وعلى الاغنياء بالتواضع والسعة وعلى
الفقراء بالصبر والقناعة وعلى الغزاة بالنصر والغلبة وعلى الاسراء بالخلاص
والراحة وعلى الامراء بالعدل والشفقة وعلى الرعيّة بالانصاف
وحسن السيرة وبارك للحجّاج والزوّار في الزاد والنفقة واقض
ما اوجبت عليهم من الحجّ والعمرة بفضلك يا ارحم الراحمين واز حضرت

امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویست که این لعنت در قنوت می خوانده و فرموده
که هر کس این را بخواند چنان است که در غزوهٔ بدر و حنین و احد هزار هزار
تیر بر کافران انداخته باشد اللهم صل علی محمد و آل محمد والعن صنمی قریش
وجبتیهما وطاغوتیهما وافکیهما وابنتیهما الذین خالفا امرک وانکرا
وحیک وجحدا انعامک وعصیا رسولک وقلبا دینک وحرفا
کتابک واحبا اعدائک وجحدا آلائک وعطلا احکامک وابطلا
فرائضک والحدا فی آیاتک وعادیا اولیائک ووالیا اعدائک وخربا
بلادک وافسدا عبادک اللهم العنهما واتباعهما واولیائهما واشیاعهما
ومحبیهما فقد اخربا بیت النبوة وردما بابه ونقضا سقفه والحقا
سماءه بارضه وعالیه بسافله وظاهره بباطنه واستاصلا اهله
وابادا انصاره وقتلا اطفاله واخلیا منبره من وصیه ووارث
علمه وجحدا امامته واشرکا بربهما فعظم ذنبهما وخلدهما فی سقر
وما ادریک ما سقر لا تبقی ولا تذر اللهم العنهم بعدد کل منکر
اتوه وحق اخفوه ومنبر علوه ومؤمن ارجوه ومنافق ولوه وولی اذوه
وطرید آووه وصادق طردوه وکافر نصروه وامام قهروه وفرض
غیروه واثر انکروه وشر آثروه ودم اراقوه وخبر بدلوه وکفر
نصبوه وارث غصبوه وفیء اقتطعوه وسحت اکلوه وخمس استحلوه
وباطل اسسوه وجور بسطوه ونفاق اسروه وغدر اضمروه وظلم
نشروه ووعد اخلفوه وامان خانوه وعهد نقضوه وحلال حرموه

وحرام

وحرام احلوه وبطن فتقوه وضلع دقوه وصک مزقوه وشمل بددوه
وعزیز اذلوه وذلیل اعزوه وحق منعوه وکذب دلسوه وحکم قلبوه
اللهم العنهم بکل آیة حرفوها وفریضة ترکوها وسنة غیروها ورسوم
منعوها واحکام عطلوها وبیعة نکثوها ودعوی ابطلوها وبینة
انکروها وحیلة احدثوها وخیانة اوردوها وعقبة ارتقوها
ودباب دحرجوها وازیاف لزموها وشهادات کتموها ووصیة
ضیعوها اللهم العنهما فی مکنون السر وظاهر العلانیة لعنا
کثیرا ابدا دائما سرمدا لا انقطاع لامده ولا نفاد لعدده لعنا
یغدو اوله ولا یروح آخره لهم ولاعوانهم وانصارهم ومحبیهم
وموالیهم والمسلمین لهم والمائلین الیهم والناهضین باحتجاجهم — هضین
والمقتدین بکلامهم والمصدقین باحکامهم بعد از آن چهار
مرتبه بگوید اللهم عذبهم عذابا یستغیث منه اهل النار آمین یا رب
العالمین **باب پنجم** در آداب عادات و مجاری
احوال و سایر جزئیات و سوانح افعال و این مجموع ان شاء الله در ده
فصل بیان شود **فصل اول** در انواع لباس و آداب پوشیدن آن
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که خدای تعالی جمیل است و دوست
دارد جمال را و چون بکسی نعمتی عطا فرماید دوست دارد که آثار آن نعمت
از او ظاهر باشد پس اگر اظهار آثار نعمت کند شکران گذارده بود و اگر
نکند کفران کرده باشد و بهترین لباسها لباسیست که لباس حضرت پیغمبر و اهل

بیت اوست صلوات الله علیهم و هر لباسی که موجب خضوع و تواضع و افتادگی باشد
و بدترین لباسها آنکه موجب کبر و عجب بود مرویست که حضرت امام زین العابدین
علیه السلام جامه‌های فاخر پوشیده از خانه بیرون رفت لحظه نگذشت بر عقب مراجعت
فرموده از تن بیرون کرده جامه دیگر پوشیده فرمود که باس در ینجامها
علی بن الحسین نبودم و همان حضرت علیه السلام فرمود چون بدن بجامه نازک
پوشیده سرکش شود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مرویست که جامه برای تکبر
و شهرت پوشد روز قیامت خدای تعالی جامه از آتش دوزخ پوشاند و در جهنم
قرین قارون باشد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که خدا تکبر
در لباس کدام است فرمود اینکه چون جامه خوب بپوشی خواهی که مردم ترا ببینند
و لباس طلا و حریر بر مردان حرام است و هر کس در دنیا حریر بپوشد در آخرت
از آن محروم باشد پیغمبر صلوات الله علیه بحضرت امیر المؤمنین صلی الله علیهما و آلهما
الطاهرین فرمود حریر مپوش که خدای تعالی روز قیامت بدنت را بآتش بسوزاند
و بهترین رنگها در لباس سفید است و سیاه لباس بنی العباس است و سیاهی در همه
لباس مذموم است مگر در عبا و موزه و در روایت دیگر عمامه نیز وارد شده و زعفرانی
لباس نحیبه است و فرمود لباس شیطان و معصفر لباس اهل بیت علیهم السلام
و کفش زرد لباس انبیاست علیهم السلام و چشم را قوت دهد و دلگیری را ببرد و بعضی
و چون کهنه شود و قوت مباشرت دهد و کفش سفید هم تا کهنه نشده باشد
که خدای تعالی بیکسان مالی عطا فرماید و کفش سیاه لباس جباران است و چشم را ضعیف
کند و موروث غم باشد و بسیار مضر کند و اهل لباس اهل نار است نشاید

که مؤمنان

که مؤمنان بپوشند یا با آن نماز کنند و مرویست پاک نباشد دستی که در آن
انگشتر آهن باشد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که عقیق
سرخ و زرد و سفید سه کوهست در بهشت عقیق مشرف است بر خانه حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سفید بر خانه امیر المؤمنین علیه السلام و زرد بر خانه
فاطمه علیها السلام و خدا را تسبیح و تحمید و تقدیس می‌کنند و برای دوستان
اهل بیت علیهم السلام استغفار می‌کنند هرکدام از شیعیان که یکی از این انگشترها
کند غیر خیر و خوبی و وسعت روزی و سلامت از جمیع انواع بلا نرسد
و امانت از سلطان و از جمیع مکاره و مخاوف و دفع پریشانی کند
و نفاق را زایل کرده‌اند و هیچ دستی بدعا برداشته نشود دوستر بنزد خدا از
دستی که با انگشتر عقیق بردارند و حاجات با اجابت مقرون باشد
و خدای تعالی نظر بزمین افکند و از نوح حال خویش عقیق آفرید پس
فرمود قسم بذات خود که عذاب نکنم دستی را که با ولایت علی انگشتر عقیق
داشته باشد و روایت دیگر آمده که چون خدای تعالی کوهها آفرید
ولایت اهل بیت علیهم السلام را برایشان عرض فرمود اول عقیق و یاقوت قبول
کردند پس ایشان را فضل و شرف عطا فرمود و روایت دیگر آمده که عقیق
سرخ اول کوهیست که اقرار بوحدانیت خدا و نبوت حضرت پیغمبر و وصیت
امیر المؤمنین و اولاد طاهرین صلوات الله علیهم و بهشت برای شیعیان
و جهنم برای اعدای ایشان نموده و دو رکعت نماز با عقیق برابرست
با هزار رکعت و کسی که محمد نبی الله و علی ولی الله بر عقیق نقش کرده انگشتر

کند از دنیا نرود مگر بر فطرت ایمان و جمعی را در سفر حرامی زده بودند بخدمت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله رفتند شکایت نمودند فرمود بایست انگشتر عقیق
با خود دارید که امانست از جمیع مکاره و حدیث دیگر نزدیک باین در فضل
حرز و تعویذ گذشت و یکی از ملازمان امام علی بن محمد التقی علیه السلام
گوید رفتم بخدمت آنحضرت که برای زیارت امام رضا علیه السلام رخصت
شوم فرمود انگشتر عقیق زرد با خود بردار که بر یک رویش ما شاء الله لا
قوة الا بالله استغفر الله و بر روی دیگرش محمد و علی نقش باشد که
امانست از راه زدن و موجب حفظ دین بهتر و برای سلامت تمام ترست
و انگشتر دیگر فیروزه بردار بر یک رویش الله الملک و بر روی دیگرش الملک لله
الواحد القهار نقش باشد که امانست از سباع و ظفر است در حربها و چون
از نیشابور بگذری عشری بر سر راه را گرفته قافله را منع کنند تو پیش رفته خاتم را
باو بنمای و بگوی که مولای من می گوید که از راه ما کنار رو پس من هر دو انگشتر را
چنانکه فرموده بود برداشتم و حکایت چنانکه فرموده بود گذشت و چون
از زیارت مراجعت نمودم بخدمت آنحضرت رفتم حکایت واقعه نمودم فرمود
یک حکایت دیگر مانده گفتم شاید فراموش کرده باشم فرمود بلی شبی در پیش
قبر مقدس آنحضرت خوابیده بودی که جماعتی از جن بزیارت آمده بودند
چون انگشتر را در دست دیدند بیرون کرده شستند و ایشان را مریضی
داشتند دادند شفا یافت انگشتر در دست راست تو بود در جیب کردند
تو چون بیدار شدی تعجب بسیار کردی و سبب ندانستی و در پیش خود یافتی

یاقوت

یاقوتی باقیتی که الحال با خود داری هدیه ایشانست برای تو آورده اند ترا
بیار ارزد و بهشتاد دینار طلا میفروشی پس از آن بهمان قیمت فروختم
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که فرمود دوست دارم که شیعه
ما پنج انگشتر داشته باشند یاقوت برای زینت و دفع فقر و عقیق که اخلاص نزدیکتر
با خدا و یا ما داران بشترست و فیروزه که مومنان را خوش آید و محتاج نشود
دستی که فیروزه در آن باشد و چشم و دل را قوت دهد و خدای تعالی شرم
دارد که نومید کند دستی را که با فیروزه بدعا برخیزد و حدید صینی و هیبت
در دست نکنند بلکه با خود دارند که کشاینده جن و انس را دور کند و چون
ظالمان و اشرار ملاقات کنند در دست کنند که شر ایشان را دفع کند و در نجف
اشرف که هر کس از آن انگشتر کند هر نظر که بر آن کند حجی باشد که ثواب آن مثل ثواب
انبیا و صلحا برد و اگر نه بسبب رحمت خدا بر شیعیان می بود که می خواهد غنیا
و فقرا همه را میسر بود با وجود قیمت آنرا چنان می کرد که هیچ زر با آن وفا نکند و
مرویست که حرز یمانی که فارسیان سلیمانی گویند تسبیح و استغفار کند و
ثوابش برای صاحبش باشد و دو رکعت نماز با آن برابرست با هفتاد نماز

پوشیدن جامه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم

السلام که در جامه کندن و پوشیدن و هر کاری بسم الله بگوید تا شریک نشود
و هر کس جامه نو پوشد وضو کند و دو رکعت نماز گذارد در هر رکعت الحمد و آیة
الکرسی و قل هو الله و انا انزلناه بخواند و بگوید الحمد لله الذی کسانی ما اواری
به عورتی و اتجمل به فی الناس و حول لا قوة بسیار بگوید در آن جامه معصیت

نکند و بعد هر رشته از آن فرشته برای و دعا و استغفار و از خدای تعالی

طلب رحمت نماید و اگر بگوید الحمد لله الذی کسانی من اللباس ما اتجمل به فی الناس

اللهم اجعلها ثوب برکة اسعی فیه لمرضاتک و اعمر فیه مساجدک گناهش آمرزیده

شود و در آن جامه نکرو هو هر بند و اگر کوزه نوی آب کند و بر وی دو دو بروایت

دیگر بیت و بخواند انا انزلناه بر آن بخواند و بر آن جامه باشد تا رشته از آن باقی بود

در وسعت و رفاهیت باشد و چون جامه بپوشد و فارغ شود بگوید اللهم بک

استترت و الیک توجهت و بک اعتصمت و علیک توکلت انت ثقتی و انت رجائی

اللهم اکفنی ما اهمنی و ما لا اهتم به و ما انت اعلم به منی عز جارک و جل

ثناؤک و لا اله غیرک اللهم زودنی التقوی و اغفر لی ذنبی و وجهنی للخیر حیثما

توجهت و چون عمامه بر سر نهد یا انگشتر در دست کند بگوید اللهم سومنی تاج الکرامة

چنانکه در فصل آداب حمام گذشت و عمامه را ایستاده ببندد و مرویست که هر کس

عمامه ببندد و تحت الحنک نبندد و اگر الم بیند که دوا نداشته باشد ملامت نکند

مگر خود را و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده عجب دارم از کسی که تحت

الحنک بسته بحاجتی رود و چون حاجتش بر نیاید و در این زمانه که بسبب

تعصب ابنای دنیا تحت الحنک متروک گشته مثل الکثرین سنت اگر در اول

عمامه بستن تحت الحنک ببندد چنانکه بعضی می کنند تا مستهای ابو بحیل

ابو سحمس باشد و چون کفش پوشد ابتدا بپای راست کند و بگوید بسم الله

اللهم صل علی محمد و آل محمد و وطئ قدمی فی الدنیا و الآخرة و ثبتهما

علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و چون بکند ابتدا بپای چپ کند و بگوید

الحمد لله الذی

بسم الذی رزقنی ما اوقی به قدمی من الاذی اللهم ثبتهما علی صراطک

و لا تزلهما عن صراطک السوی و با یکتای کفش را نپوشد که اگر چنین

باشد که از جنه و شیاطین عارض شود زود مفارقت نکند و چون جامه

از بدن بیرون کند تاه کند تا از کثافت و کهنگی محفوظ باشد و شیطان

نپوشد و چون عمامه از سر گیرد طاقی یا بالایش بر داشته در میانش گذارد

تا سلطان بر سر ننهد **فصل دوم** در قدر طعام خوردن مرویست از اهل

طاهرین علیهم السلام که منافق با هفت روده طعام خورد و مومن با یک

روده و بسیار خوردن دل را سخت و ظلمانی و بی رحم از خدا دور و غافل

گرداند و درد دین بی پروا کند و شهوت بر انگیزد و نفس را سرکش و عقل را

تیره و شیطان را اعانت و دین را فاسد کند و موجب همه امراض باشد

و هر کس در دنیا سیرتر بود در قیامت گرسنه تر باشد و پر بهری چیزی خوردن

مورث برص باشد و دشمن ترین حالات در نزد خدای است که شکم پر باشد

و دوسترین آنکه خفیف و سبک بود یک لقمه بعض روزت خوردن افضل است

از بیست شب عبادت کردن و هر کس خدا را بشناسد دهن از کلام و شکم از

طعام منع کند تا ضرورت نشود و گرسنگی آرام مومن و غذای روح و قوت

دل و صحت بدن است و در جمیع آثار بعکس سیریست و مرویست که یحیی علی نبینا

و آله و علیه السلام از ابلیس پرسید که هیچ صفتی در من می بینی که تو را خوش آید گفت بلی

آنکه چون شب افطار کنی چیزی بیشتر تناول نمایی و باین سبب بعضی عبادات و

طاعات در شبانه تو فوت شود فرمود من عهد کردم با خدا که هرگز طعام

سیر نخوردم واین با وجود آنست که مرویست که طعام آنحضرت علف و گیاهی بود که حیوانات
میخوردند و ماکل خود را از ایشان اعیان نمیگذاشت و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده
بعد از من جمعی آیند که در نعمت متولد شوند و در نعمت تربیت یابند و همتشان غیر الوان
الطعمه و اشربه نبود و چون در مجلس سخن گویند از هر طرف تحسین شنوند ایشان
بدترین امت باشند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده هرکس همتش همان آنچه در
گلو داخل شکمش میشود قیمتش همان است که بیرون میرود و نیز مرویست که ثلث شکم
برای طعام بگذارید و ثلث را برای آب و ثلث دیگر برای نفس و خود را فربه میکند
چنانکه خوک را برای ذبح فربه کند و فضایل تقلیل طعام و رذایل کثرت آن
عقلا و شرعا زیاده از آنست که درین مختصر گنجد **فصل سیم** در اوقات
طعام خوردن و آداب متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که
بهترین اوقات برای اکل دو وقت یکی صبح و هرکس عمر دراز خواهد چاشت را زود
بخورد دوم بعد از نماز خفتن که وقت عشاء انبیاست علیهم السلام و مرویست که
در خفتن البته باید تناول نمود خصوصا پیرانرا و ترک نباید کرد که اصلی
خراب بدن و فساد صحت و موجب ضعف مزاج و قوت و رگی در بدن هست
که عرق عشا گویند اگر شب کسی چیزی نخورد آن عرق تا صباح نفرین کند و گوید خدا
ترا سیر و سیراب نکند چنانکه مرا گرسنه و تشنه داشتی و در روز چیزی نشاید خورد که
موجب امراض و فساد بدن باشد و در روایات بسیار در مذمت تنها خوردن
آمده که شیطان شریک و طعام بی برکت شود و علامت بخل و کبر باشد و گاه باشد
که مداومت بر آن موجب بخل و کبر شود و دست بسیار بر طعام مرتب نیاید که بیحد

جمعی بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله شکایت کردند که طعام میخوریم و سیر نمیشویم فرمود
ظرفی تنها میخورید و با هم جمع شوید و بسم الله بگوئید تا برکت زیاده شود و در اوانی
طلا و نقره اکل و شرب حرام است که هرکس چنین کند آتش جهنم در شکمش جوش زند
و دست شستن پیش از طعام و بعد از آن پریشانی دفع کند و روزی بیفزاید و عمر
دراز کند و چشم جلا دهد و اهل مجلس همه در یک لگن دست بشویند تا پر شود
و با هم فارغ نشوند لکن آب نریزند که خلقشان نیکو شوند و جمعیتشان مستدام
گردد و دست شستن پیش از طعام ابتدا بصاحب مجلس کنند و بعد از و از جانب
راستش بشویند بترتیب و بعد از طعام ابتدا بجانب چپ او کنند و با او ختم کنند
یا ابتدا بجانب راست در خانه کنند هر کس باشد و چون پیش از طعام دست بشویند
خشک نکنند تا رطوبت در دست باشد برکت بیفزاید و چون خوانچه حاضر شود
بگویند بسم الله اللهم اجعلها نعمة مشکورة تصل بها نعم الجنة و چهار
هزار ملک در وقت طعام حاضر شوند پس اگر در وقت شروع بسم الله گویند ملائکه
گویند خدای تعالی برکت بر شما نازل کند و شیطان چون دخو را گویند [illegible]
که شما را بعد از این نصیبی نیست و اگر بسم الله نگویند گویند بیایید که شما این نصیبی دارید
پس بیایند و شریک شوند و اگر بعد از آن بسم الله بگویند شیطان آنچه خورده
باشد قی کند یعنی اثر شارکتش زایل شود و هرکس طعام حلال خورد و در اول
بسم الله و در آخر الحمد لله گوید روز قیامت او را از آن طعام سؤال نکنند
و هرکس بسم الله و الحمد لله رب العالمین بگوید هنوز لقمه بر دهنش بسته باشد
که گناهانش آمرزیده شود و اگر چند نوع طعام باشد در هر یک بسم الله بگوید و اگر

بیرون روید

فراموش کند که در هر یک بگوید در اول بگوید بسم الله علی اوله وآخره و حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه فرموده بسم الله بگویید و هر چه خواهید بخورید من ضامنم که ضرر نکند
ملعونی گفت من بسم الله گفتم طعام خوردم متضرر شدم فرمود چند نوع طعام خورده
و در بعضی بسم الله نگفته گفت بلی فرمود از آن ضرر کرده و دیگری گفت من بسم الله گفتم
و ضرر یافتم فرمود در اثنای طعام حرف زدی و بعد از آن بسم الله نگفتی گفت بلی فرمود
از آن نعمت ضرر کرده و مرویست که هر که عیال خود را جمع کند و در اول طعام بسم الله و در
آخر الحمد لله بگویند گناهان ایشان آمرزیده شود و اگر با مجذوم یا صاحب بلیه طعام خورد
بگوید بسم الله ثقةً بالله وتوکلاً علیه و مرویست که حضرت امیر المؤمنین بحضرت
امام حسن صلوات الله علیهما فرمود هیچ لقمه گوشت و پاره و هیچ شربت بخوری مگر
که پیش از آن بگویی اللهم انی اسئلک فی اکلی وشربی السلامة من وعکه والقوة
به علی طاعتک وذکرک وشکرک فیما بقیته من بدنی وان تشجعنی
بقوتها علی عبادتک وان تلهمنی حسن التحرز عن معصیتک فانک
ان فعلت ذلک امنت وعکه وغائلته که چون این بگویی از مضرت آن ایمن
گردی و مرویست که در طعام دوازده خصلت است که بر هر مسلمی لازم است
دانستن آن چهار خصلت فرض است دانستن اینکه آن نعمت از خدای
تعالی است و راضی بودن بآن و بسم الله گفتن و شکر کردن و چهار خصلت
سنت است دست شستن پیش از طعام و بر جانب چپ نشستن و مالیدن انگشت خود
و انگشتان لیسیدن و چهار خصلت ادب است از پیش خود خوردن و لقمه را
کوچک کردن و بسیار جاییدن و نگاه بر روی مردم نکردن و مرویست

که بر طعام

که بر طعام از روی ادب و تواضع باید نشست چنانکه بندگان نشینند مربع
و یک پا بر بالای پای دیگر و تکیه کرده چنانکه متکبران نشینند نباید نشست اما
دست بر زمین گذاشتن بر وجهی که تکیه و تکبر نباشد قصوری ندارد
و از بعضی ائمه طاهرین علیهم السلام مرویست که چنین میکرده اند و با دو
انگشت نباید خورد که شیوه متکبران است تا با همه انگشتان قصوری
ندارد مرویست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چنین میکرده و باید
چنانچه باید خورد مگر آنکه ضرورتی باشد و از بالای طعام نباید خورد که
برکت از بالا می آید بلکه از اطراف خورد و مستحب است افتتاح و اختتام بنمک کردن
که هفتاد و دو نوع بلا دفع شود که از آن جمله جنون و جذام و برص باشد و اگر
بر لقمه اول نمک بپاشند نقطهای سیاه و سفید که در رو باشد زایل گردد و مرویست
که اگر مردم بدانند که در نمک چه قدر منفعت هست محتاج بتریاک یعنی تریاک
فاروق نشوند و روایات دیگر آمده که افتتاح و اختتام بسرکه مثل
نمکست و روایت دیگر آمده که ما اهل بیت افتتاح بنمک و اختتام بسرکه میکنیم
و مرویست که سرکه عقل را زیاد کند و دل را زنده گرداند و گوشت دندان محکم
کند و صفرا بشکند و نان با سرکه خوردن کرم معده بکشد و شهوت زنا قطع
کند و مرویست که سرکه در خانه مثل مرد صالح است که دعای برکت و رحمت
برای اهل آن خانه کند و مستحب است که سبزی در سفره که زینت سفره است و مرویست
که روزی چند در سفره حضرت امام موسی علیه السلام سبزی نبوده میل بطعام
نفرمود تا آنکه سبزی آوردند فرمود در سفره که سبزی نباشد من طعام نخورم

ودر اثنای طعام حمد و ذکر بسیار کند و بازی و لغو و بی ادبی نکند که هر که چنین کند طعام روز
قیامت شهادت دهد و طعام بسیار گرم نباشد که بی برکت بود و شیطان شریک شود
ودر طعام پف نکند که برکتش برود و سر از جهت ادب طعام و ادب بر روی مصحف
و بر موضع سجود پف نباید کرد و استخوان را از گوشت بسیار نباید کرد که نصیب اجنه است
و مرویست که هر که چنین کند هر آینه از خانه اش چیزی کم شود و چون جمعی در سفره
باشند اگر کسی زودتر سیر شود دست نکشد که مبادا رفقا خجل شوند و گرسنه مانند
و هر که قاب را بلیسد چنانست که مثل آن را تصدق کند و هر که انگشتان را بلیسد خدای
تعالی فرماید بارک الله فیک و خوردن ریزهای نان و طعام که از خوان بیفتد باعث
امانست از جنون و جذام و برص و صفرا و حمق و دوای هر علت و مهر حور العین است
و اولاد بسیار و نفی فقر کند از او و از ولد و ولد ولدش تا هفت پشت اما اگر در صحرا
و در بیرون خانه باشد ریزهای خوان را نباید برداشت هر چند بسیار باشد
که نصیب طیور و حیوانات است و هر کس پاره نانی از سر راه بردارد و بخورد هفتصد
حسنه در نامه اش باشد اگر از میان نجاست بردارد و بشوید و کناری گذارد هفتاد حسنه
بود و اگر بخورد بهشت او را واجب شود و هر کس پاره نانی یا خرمائی یا کسر غذای از نعمتها
هر چه باشد افتاده ببیند بخورد و هنوز از شکمش بیرون نرفته باشد که گناهانش
آمرزیده و بهشت او را واجب گردد و چون از طعام فارغ شود بگوید الحمد لله
الذی اطعمنا فی جائعین و سقانا فی ظمآنین و کسانا فی عارین
و هدانا فی ضالین و حملنا فی راجلین و آوانا فی ضاحین و اخدمنا
فی عانین و فضلنا علی کثیر من العالمین و هر کس بعد از طعام بگوید الحمد لله

الذی

الذی اطعمنی فیه و رزقنیه من غیر حول منی و لا قوة کفارهٔ گناهانش باشد
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هر گاه شیر تناول فرمودی میگفتی اللهم بارک لنا و زدنا
منه و چون ماهی تناول فرمودی میگفتی اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا خیرا منه و چون
خوان بر دارند بگوید اللهم الحمد لله رب العالمین اللهم اجعلها نعمة مشکورة و
صاحب طعام را دعا کند و بگوید اللهم بارک لهم فیما رزقتهم و اغفر لهم و ارحمهم
اللهم اطعم من اطعمنی واسق من سقانی و بعد از طعام دست از چربی پاک باید
کرد اگر چربی در دست بماند و بخوابد از [illegible] و اجنه ایمن نبود و چون بعد از طعام
دست بشوید دست را بر ابرو بمالد و سه مرتبه بگوید الحمد لله المحسن
المجمل المنعم المفضل از درد چشم ایمن گردد و اگر دست بر روی بمالد کلف را
زایل کند و سبب زیادتی رزق شود و چون دست بشوید و بمالد بگوید الحمد لله
الذی هدانا و اطعمنا و سقانا و کل بلاء صالح اولانا و اکرمنا
[illegible] و رحیم کنانده و بگوید اللهم کما ارزقتنا اولها فی عافیة
فارزقنا آخرها فی عافیة و نیز بگوید اللهم بارک لنا فی هدیتنا و بارک
لنا فی ضیاعنا و بارک لنا فی مدتنا و چون تناول کند بگوید اللهم
اطعمتنی اولها فاطعمنی آخرها و بارک لنا فیها و مستحبست که انار را
بکوچکترین اطفال دهد و مرویست که میوه را بشوید که میوه زهری
بر رو دارد و بعد از طعام که بوی ریمه دندان سماق و خلال کردن است
همین را خوشبو و دندان را محکم کند و سبب زیادی روزی باشد و ملایکه را
از همه بیقدر تر باید از طعام که در زیر دندان مانده و بدبو شده باشد

وحضرت پیغمبر صلی الله علیه واله فرموده که خدای تعالی رحمت کند بر هر کسی که در وضو

وطعام خلال کند از امت من وملکی از اسمان دعا کند که اللهم بارک فی المتخللین

والمتخللین خلالین اناانند که سر که درخوان دارند ومتخللین انانند که خلال

کنند وهرچه باخلال از دندان بیرون اید باید انداخت واکر بازبان

جدا شود فرو برند وباچوب ریحان وانار خلال نکند که عرق جذام را

بحرکت ارد وکسی که بانی خلال کند هفت روز دعایش مستجاب نشود فصل

چهارم در فضایل بعضی انواع ماکولات مرویست از اهل بیت

طاهرین علیهم السلام که ما وشیعه ما از حلاوت مخلوق کشته ایم ازان است که حلاوت را

دوست داریم ونیز مرویست که مومن لذیذ وشیرین است لذیذ وشیرین را

ومرویست که شکر تمامش دوا است وهیچ مضرت در وینست وعسل دوای هر علت

وهیچ ضرری نکند تا قدری استعمال آن در احادیث بیک انکشت وسه انکشت

وماهی یکمرتبه ومثل آن وارد شده نه انکه هر قدر وهر وقت ودر هر حال که خواهند

خورند توقع شفا داشته باشند ونیز مرویست که عسل که سبز رنگ باشد

وبویش عطر ارد یا طعمش در ذایقه تند وکزنده باشد سم قاتل است وغیر ان

نافع ودوا است ومرویست که ما اهل بیت خرما دوست داریم وشیعیان

ما از طینت ما مخلوق‌اند خرما را دوست دارند واعدای ما از طینت

اتش مخلوق‌اند مسکر دوست دارند ونیز مرویست که اکرام کنید عمه خود نخله را

که از بقیه طینت ادم مخلوق کشته وهرکس هر روز هفت دانه عجوه که نوعیست

از خرما بناشتا بخورد در آن روز از سحر وزهر شیطان ایمن باشد واکر

دوقت

وقت خوابیدن بخورد کرم معده را بکشد ومرویست که اکرام کنید

نان را که خدای تعالی برکات سموات را برای او انزال فرموده وبرکات

ارض را بیرون اورده از عرش تا عرض در ان عمل نموده واز جمله اکرام

انست که با کارد نبرند وزیر پا نکذارند وچون بر سفره حاضر شود انتظار

چیزی دیکر نفرمایند وزیر صحن نکذارند مرویست که دانیال علیه السلام

بکشتی بانی نانی داد که او را در کشتی نشاند نان را بدور انداخت وکفت

این را بچکنم این در پیش ما در زیر پا افتاده است دانیال علیه السلام نان را

برداشته کفت خدایا دیدی که با نان چه کرد وچه کفت نان را اکرام فرمای

پس خدای تعالی فرمود که باران از اسمان نیامد وکیاه از زمین نرست

وقحط شایع کشت بحدی که روزی زنی با دیکری کفت بیا تا امروز فرزند

مرا باهم بخوریم وفردا فرزند تو را نروز آن طفل را باهم خوردند وروز دیکر ما در

طفل دیکر بخوردن فرزند راضی نشد بحالی که را بخدمت دانیال بردند کفت کار

شما باینجا رسیده پس دعا کرد وکفت خدایا کودکان وبیکناهان را بکناه کشتیبان

مواخذه مکن وبر ایشان رحم کن پس باران امد وقحط زایل کشت واز ایشان

علیهم السلام مرویست که فضل نان جو بر سایر نانها مثل ما است بر سایر ناس

ودوای هر علت است وصاحب سل را هیچ چیز نافعتر از نان برنج نیست وروایات

بسیار امده که ما اهل بیت کوشت بسیار تناول کنیم وبسیار دوست داریم ودوست

داریم کسی را که کوشت را دوست دارد سید طعامها کوشت است در دنیا والاخرت

وهر که چهل روز کوشت نخورد بدخلق شود پس در کوشش اذان باید کفت وسنت است

از ناودان کناه باران توبه ریزش است

چون ... سحاب ... ان ... ایزد

هر سه روز گوشت خوردن و یک روز دو مرتبه نباید خورد و بهترین گوشتها گوشت
گوسفند است و مرویست که اگر بهتر از آن بودی خدای تعالی آنرا فدای اسمعیل نمودی
و گوشت کبک بلغم را نفع کند و بهترین اعضای حیوان اعالی بدن است و مذموم‌ترین
اعضا که بموضع بول نزدیکست و سید طعام گوشت و برنج است و دوا سیر را قطع کند
و مریض را نافع بود و هریسه مائده ایست که بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل
گشت و چهل روز قوت عبادت افزاید و عدس دل را دقیق کند و اشک روان گرداند
و باقلا دماغ و ساقین را قوت دهد و خون صالح از آن تولد کند و پنیر و گردکان
هر یک تنها ضرر کند و با هم نافع باشند و روایت دیگر آمده که سبزه در روز ضرر کند
و شب نافع باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که فرمود خرفه
لقمه‌ایست پیر دهن را خوش طعم و خوشبو کند و طعام هضم نماید و اشتها آرد
و مرویست که هر کس اول ماه پنیر بخورد امید هست که در آن ماه دعایش
رد نشود و خربزه آبش رحمتست و شیرینش راحت و بیک لقمه از آن هفتاد
حسنه ثبت شود و هفتاد هزار سیئه محو گردد و ناشتا نباید خورد که موجب
فالج است و انگور دارقی از میوه های بهشت است و انگور سیاه غم زایل کند
و هر کس هر روز ناشتا بیست و یک دانه مویز سرخ بخورد از جمیع امراض ایمن
گردد مگر مرض الموت و مرویست که خدای تعالی صد و بیست نوع میوه
بشما داده و سید همه انار است و فرزند را نیکو کند و اگر گرسنه بخورد سیر
شود و اگر بر سر طعام بخورند هضم کند و در هر انار دانه بهشت هست و این
جهت انار را تنها و تمام باید خورد تا دانه بهشت فوت نشود و هر کس یک

انار تمام

انار تمام بخورد خدای تعالی چهل روز شیطان را ازو دور کند و اگر
دو انار بخورد صد روز و اگر سه انار بخورد یک سال و هر کس یک سال شیطان
ازو دور شود گناه نکند و هر کس گناه نکند به بهشت رود و در روایت دیگر
آمده که هر کس یک دانه انار بخورد دل را نورانی کند و چهل روز شیطان
وسوسه را بیمار کند و هیچ دانه انار داخل شکم مومن نشود مگر آنکه که
دوای چهل کوفت باشد و سبب سحر و زهر و سایر عوارض و بلغم و وبا
و رعاف و تب را دفع کند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
ما اهل بیت بیماران خود را بسیب و آب سرد مداوا می کنیم شما نیز بیماران خود را
سیب بدهید که هیچ چیز نافع‌تر از آن نیست راوی گوید اهل بیت من همه بیمار بودند
ایشانرا سیب دادم همه صحت یافتند و خوردن سیب ناشتا معده را قوت دهد
و زهر جانوران هیچ چیز نافع‌تر از او نیست که بیاشامند و آشامیدن آب سیب
در رعاف نیز روایت شده و بهی معده و دل را قوت دهد و زنگ دل را صاف
کند و بهی دل را دلیر کند و فرزند را جمیل کند خصوصا اگر ناشتا
بخورند و غم ببرد همچنانکه انگشت عرق پیشانی را پاک کند و دل و چشم را جلا
و عقل را بیفزاید و محبت در دل پیدا کند و هر کس یک به بخورد خدای تعالی
چهل روز بر زبانش حکمت جاری گرداند و اگر سه روز ناشتا بخورد ذهن
صفا یابد و دل از علم و عقل مملو گردد و از کید ابلیس و جنود او محفوظ
گردد و امرود دل را قوت دهد و معده را دباغت کند و دردهای اندرون را
تسکین دهد و بر سر طعام نافع‌تر است و دیگری ببرد و انجیر شبیه‌ترین میوه‌ها است بمیوه بهشت

وبواسیر و نقرس قطع کند و بوی دهن ببرد و استخوان محکم کرداند و هر علتی را نافع باشد
و محتاج هیچ دوا نباشد و کدو دماغ را قوت دهد و عقل زیاد کرداند و حضرت پیغمبر دل
صلی الله علیه و آله چون در خانه اش طعام بپختندی فرمودی تا کدو در آن بسیار کنند و جرجیر وچند
بر کنار رفته و بس روید و برگ آن عرق جذام را قطع کند و برسام را هیچ چیز انفع از آن
نبود و از بیخ آن احتراز باید نمود که هیچ سودا کند و کندنا امانست از قولنج و بوی
و در مباشرت معین باشد و بادنجان امانست از بوسیر و الا امر انافع بود و لیکن
در آن نباشد و در سرما و گرما پیر و جوانرا موافق باشد و پیاز بلغم ببرد و خورش صاف
کند و دهن خوشبو کرداند و عقل بیفزاید و اعصاب محکم سازد و مجامعت را
اعانت کند و گوشت دندان محکم کرداند و مرویست که چون داخل بلدی
شوید از پیاز آن بخورید که تغیر و وباء آب و هوا را نافع است و ترکند نا ستید سبزیهات
هر روز هفت قطره از بهشت بران میریزد و بواسیر قطع کند و دهن خوشبو کرداند
و بادها بشکند و امانست از جذام کسی را که بان مداومت نماید و چون سیر را
بخورند بسیر انافع باشد و کاسنی سبزیهاست هر روز قطره از بهشت بران بریزد
پس نباید انرا افشاندن و شستن و سبزی حضرت پیغمبرست صلی الله علیه و آله و
اولاد ذکور بسیار کند و مرویست که فضل آن بر سایر سبزیها فضل ماست بر سایر
ناس و دوای هزار علت است و هر که وقت خوابیدن هفت برگ از آن بخورد از اهل
بهشت شود و مسموع گشته که اگر تخم کاسنی را بکارند بعد از آن دو مرتبه دشت نشان
کند لطیف و شیرین شود و با درنج که بفارسی بادرنجبویه گویند سبزی حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام و اهل بهشت تزئین خوان بان نمایند و امانست

ازجذام

از جذام و هر علتی و حضرت امام موسی علیه السلام و اهل فرموده دوست دارم که
پیش از طعام از آن بخورم که سده بگشاید و اشتها آورد و سل ببرد و چون
پیش از طعام بخورم بعد از آن هر چه بخورم مرو ما نکند و اگر بعد از طعام بخورند
هضم طعام کند و دفع ثقل نماید و بوی دهن خوش کند و برگ ترب
طعام هضم کند و بادها دفع کند و بول براند و بیخش بلغم قطع کند و کسی
که در شب جرجیر بخورد که بفارسی تره تیزک گویند از جذام و برص ایمن
نباشد و قاووت که بوحی الهی ساخته شده گوشت برویاند و استخوان سخت
کند و برص ببرد و بلغم و صفرا قطع کند و هفتاد نوع بلا دفع نماید و
اگر بعد از طعام بخورند معین هم باشد و در روایتی آمده که مردان قاووت
با شکر بخورند که ایشانرا مضرت باشد و اگر هفت مرتبه با آب بشویند بعد از آن
بقدح دیگر ریزند ببرد و ترتیب سابق و قدم کند و کسی که بمرض برسام
مبتلا گشت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود قاووت عدس
تشنگی بنشاند و معده را قوت دهد و همچنان خون را ساکن کرداند و حرارت
اندرون بنشاند و دوای هفتاد علت بود و مرویست که زنی را حیض غلبه
کرده بود تا آنکه مشرف بموت شده بود حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرمود تا قاووت عدس اشامید صحت یافت و کسی که تخم مرغ مداومت
نماید اولادش بسیار شود و ماهی بسیار خوردن بدن را لاغر کند و اگر کسی
ماهی بخورد و بعد از آن چند دانه خرما یا عسل بخورد بیم فالج بود و چربی گوشت
هر لقمه که داخل بدن شود و آنقدر گوشت بیرون کند و روغن دوات مرض

که چون کسی به پنجاه سال رسد شب نخوابد و روغن خورده باشد که موافق
مزاج ایشان نیست فصل پنجم در فضایل آب و بعضی متعلقات آن
از آداب معروفست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که سید اشربه جنت آبست
و هر کس از آب ملتذ شود خدای تعالی او را از اشربه بهشت ملتذ گرداند و گویا
معنی ملتذ شدن از آب اینست که قدر این نعمت و تفضل الهی در اعطای آن
بداند و یکی از اطبا حضرت امام موسی کاظم علیه السلم را از آب خوردن
منع کرد آنحضرت فرمود چرا منع میکنی آب طعام را هضم کند و صفرا را اطفا کند و
حرارت کند و غضب بنشاند و عقل بیفزاید تا افراط نباید کرد و ناشتا نباید
آشامید که در تابستان که ماده هر علتیست و بسیار امراض از آن متولد شود
و سؤر مؤمن خواه آب و خواه غیر آن شفای هفتاد مرض است و هر کس سؤر مؤمن را
برای تبرک بیاشامد خدای تعالی فرشته خلق کند که برای ایشان استغفار نماید
تا روز قیامت و آب زمزم دوای هر مرض است و حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم احوال بیماری پرسید که چون است کسی گفت او را بو که اگر تشنه شوم تمنی نمود
اگر من بجای شامی بودم آب میزاب یعنی ناودان کعبه معظمه را و میدادم دوای
که بی آب میزاب او سیدادیم همان ساعت صحت یافت و آب باران بدن را
از آلام پاک کند و وسوسه شیطان دفع نماید و اعیاد دلها ثابت گرداند
و آب فرات دو ناودان از بهشت برو میریزد و فرشته هر شب از آسمان آید و مثقال
از مشک بهشت برو میریزد و فرشته هر شب و در روی زمین نهری مبارکتر
از آن نیست و آب جوشیده همه علتی نافعست و هیچ ضرر نکند و اگر او را بجوشانند

که هفت

که هفت جوش بزند و از ظرفی بدیگر کنند و ضعیف شد و تب ببرد و ساق و قدم را
قوت دهد و چشمه‌های گرم که بوی کبریت دهند و آبهای تلخ بد طعم را او لعنت
کرد که در طوفان اجابت حضرت نوح علیه السلم را نکردند و بئر برهوت را لعن
کرد و مردی روزی بمدینه رفت چنین آنجا بود بحضرت امام حسن
و امام حسین علیهما السلم ملاقات نمودند فرمودند که گمان نیست
که چیزی را که خدای تعالی لعن کرده شفا در آن داشته باشد که چند
چشمه اجابت حضرت نوح نکردند و ملعون گشتند تلخ و شور شدند و بر روی
دیگر فرمودند آنکه هر روز سه مرتبه انکار ولایت ما می کنند مداوا بآن
می کنی زیرا که خدای تعالی ولایت ما را بر آبها عرض فرمود هر که آنرا
که قبول نمود عذب و طیب شد و آنکه آنرا انکار کرد تلخ و شور گشت تا آداب
آشامیدن آب ایکم روز با ایستاده آشامیدن افضلست که برای قوت
و صحت بدن و هضم طعام بهترست و شب نشسته که ایستاده سورت صفرا
که عرق جذام الحرکت آرد و آشامیدن آب باید بنحوی مکیدن باشد که غرغران
باعث وجع سپرز نشود و بسه نفس آشامیدن افضلست و در روایت
دیگر آمده که اگر کسی که آب آورده مملوک تو باشد بیک نفس بیاشامد و اگر آزاد
باشد بیک نفس و در وقت آشامیدن بسم الله باید گفت تا شیطان شریک
نشود و اگر چنین بگوید افضلست الحمد لله الذی سقانی ماء من السماء مصرف الامر
کیف شاء بسم الله خیر الاسماء و اگر در شب آب بنوشد آب را حرکت دهد و سه
مرتبه بگوید علیک السلام من ماء زمزم و ماء الفرات از ضرر ایمن شود

زیرا

وهر که بنفس آب بیاشامد و در هر نفس بسم الله بگوید و هنوز بر تشنگی سر بردارد
والحمد لله بگوید تا آن آب در شکمش باشد برای او تسبیح کند و بهشت او را واجب شود
و از پیش دست و جانب شکسته کوزه نیاشامد که هر دو مقام شیطان و بعد از آب خوردن
بگوید الحمد لله الذی سقانی فاروانی و اعطانی فارضانی و عافانی و
کفانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه فی المعاد من حوض محمد صلی الله علیه
و آله و تسعده بمرافقته برحمتک یا ارحم الراحمین و مرویست که حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام وقتی آب نوشید بی چشم مبارکش پر اشک گشت
و گفت لعن الله قاتل الحسین پس فرمود هر کس بعد از آب خوردن حضرت
امام حسین و اهل بیتش علیهم السلام را یاد کند و بر قاتلش لعن کند خدای تعالی
برای او صد هزار حسنه بنویسد و صد هزار سیئه محو کند خدای تعالی برای او
صد هزار حسنه بنویسد و صد هزار درجه بلند کرده اند و چنان باشد که صد
هزار بنده آزاد کند و چون روز قیامت محشور شود جگرش خنک باشد و تشنگی
و حرارت نداشته باشد و مستحبست سر کوزه را پوشیدن که شیطان کوزه
پوشیده نگشاید **فصل ششم** در فضایل ضیافت کردن
و احکام متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون مهمان
داخل خانه شود روزی با او از آسمان آید و چون طعام بخورد گناهان اهل
آن خانه آمرزیده شود و حضرت امام جعفر صادق علیهم السلام از یکی از اصحاب
پرسید که شیعیان از هیچ دعوت میکنی گفت هیچ وقت طعام نمیخورم مگر که دو سه
و کمتر و بیشتر از ایشان با من باشند فرمود فضل ایشان بر تو بیشتر است از فضل تو برایشان

پس فرمود

گفت بر ایشان را طعام میدهم و بخانه خود می آورم و فضل ایشان بیشتر است فرمود بلی
چون داخل خانه تو شوند با مغفرت تو و عیال تو داخل شوند و چون بیرون
روند گناهان شما را بیرون برند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس مؤمنی را
سیر کند هیچ کس اجر آن نداند نه ملکی مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر خدای تعالی و مغفرت
گناهانش لازم گردد و بهشت او را واجب شود و از نعمتهای بهشت عوض یابد
و بهتر است از آنکه یک افق از مردم آزاد کند پرسیدند که افق چه قدر است
فرمود صد هزار یا بیشتر و هر کس دهن مؤمن را به لقمه شیرین کند تلخی روز
قیامت نبیند و فضایل اطعام مؤمن بتفصیل در باب دیگر انشاء الله بیاید
و هر کس مؤمن تشنه را آب دهد خدای تعالی او را از رحیق مختوم سیراب
گرداند و اگر در جائی آب دهد که آب باشد چنان است که یک بنده آزاد
کند و بهر یک شربت آب هفتاد هزار حسنه عطا فرماید و اگر در جائی آب دهد
که آب نباشد چنانست که ده بنده از اولاد اسمعیل آزاد کند و نفسی را
زنده کرده باشد و هر که یک نفس زنده گرداند چنانست که تمام مردم را
زنده کرده باشد و هر کس جگر تشنه را از انسان یا حیوان آب دهد در سایه
عرش خدا باشد در روزی که هیچ کس را پناهی نبوده و هم از ایشان علیهم السلام
مرویست که هر که ایمان بخدا و بروز قیامت دارد مهمان را اکرام نماید و چون
کسی بخانه کسی وارد شود باید طعام بر او عرض کند اگر میل نکند این عرض
کند اگر رغبت نماید آب وضو معروض دارد و نباید گذاشت که مهمان
متوجه خدمتی و کاری شود و مرویست که حضرت امام رضا علیه السلام را

[illegible]

مهمانی وارد شده در شب خواست که قبل از چراغ را دستی بزند حضرت منع فرمود و خود متوجه آن گشت و فرموده ما اهل بیت مهمان را بخدمت نگذاریم و روایت که چون مهمان داخل شود دنبال او رود و دنبال آوردن خوشوقت و اسباب او را مدد کنند و چون بیرون رود مدد نکنند و از جمله اکرام مهمان اینست که خلال از برایش مهیا کنند و با او در طعام خوردن رفاقت باید نمود و تا او دست نکشد و تا او دست نکشد دست نباید کشید و اگر مهمان خود وارد شود برایش تکلیف نباید کرد بلکه هر چه در خانه باشد اکتفا باید نمود و اگر دعوت کرده باشند تکلیفی که مقدور باشد باید کرد و مرویست که معلوم نیست که کدام عجیب تر باشد مهمانی که میزبان را بر تکلیف دارد یا میزبانی که برای مهمان تکلف کند و نیز مرویست که هلاک شود میزبانی که آنچه در خانه دارد برای مهمان حقیر شمارد و مهمانی که آنچه برایش آرند حقیر انگارد و روایات بسیار آمده که محبت دوستان با هم از این توان دانست که طعام یکدیگر را از روی رغبت و انبساط و شگفتگی خورند یا از روی کراهت و کم تکلفی از آنجمله یکی از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام گوید روزی بخدمت آنحضرت رفتم فرمود طعام آوردند قدری خوردم و دست کشیدم فرمود بخور گفتم خوردم سیر است فرمود دیگر بخور نمیدانی که محبت دوستان باین معلوم شود که طعام یکدیگر را از روی انبساط و رغبت خورند پس بانگشت مبارک طعام جمع میفرمود و من میخوردم و امثال این روایات بسیار آمده و چون مؤمنی کسی را دعوت کند اجابت باید نمود که احادیث

بسیار آمده

بسیار آمده که اجابت دعوت مؤمن از جمله حقوق واجبی است که مؤمنان را بر یکدیگر ثابت است و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود وصیت می کنم حاضر و غایب امت خود را که اجابت دعوت مسلم کنند اگر چه پنج میل باید رفت که اجابت مسلم از جمله حقوق دینیست اما در مجالسی که معصیت کنند و طعامهای حرام و مشتبه و همچنین طعامی که اغنیا در آن باشند و فقرا نباشند اجابت نباید کرد که در این نیز اخبار بسیار آمده و نهی بلیغ شده و امثال این مجالس موجب معصیت و دوری از خدا و قساوت قلب و محبت دنیا باشد و اگر کسی نطلبیده چون بشنود که در جای طعام هست برود و هر چه از آن بخورد چنان است که پاره آتش بخورد و چون کسی را بطعامی دعوت کنند دیگری را بر اینکه بی دعوت با خود ببرد غاصب باشد و هر چه خورد حرام باشد مگر جمعی که محبت و اختلاط و ربط در میانشان بمکانی رسیده باشد و بیگانگی از میانشان مرتفع باشد و گمان مانعی و عذری از جانب صاحب طعام نباشد و در این صورت ایشان را رسد که بی اذن در خانه یکدیگر طعام خورند و به یکدیگر نیز دهند

فصل هفتم

در آداب مسکن و طعام و متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در شهر و مکانی که عبادت خدا چنانکه باید مقدور نباشد توطن و اقامت نباید نمود بلکه سفر نیز بچنین موضعی نباید کرد و خدای تعالی در قرآن مجید فرموده که چون روز قیامت بایشان گویند که چرا در عبادت تقصیر کردید ایشان گویند در مکانی که ما بودیم مقدور نبود پس بر سبیل عتاب و توبیخ فرماید که زمین

خدا ننگ بود که نتوانند نقل نمود پس ماوای ایشان جهنم باشد مگر جمعی که
ضعیف و عاجز باشند و قادر بر نقل و تحویل نباشند که ایشان معذور
باشند و باین سبب که مردم کوهستان و قری و صحرا نشینان و همچنین مردمی
که در بلاد مخالفین توطن کنند و اولاد ایشان و هم جمعی که در کوشها نشینند
و با علما و اهل دین تردد نکنند از آثار و مراسم دین و آداب و معالم ایمان
بیخبر باشند و جهل و حب دنیا و اخلاق و صفات سباع و حیوانات در ایشان
غالب باشد و باین سبب که این همه تاکید و امر در زیارت و الفت و مخالطت
مومنان وارد شده چنانکه شمه از آن در باب اول گذشت و نیز یکی از ائمه طاهرین
علیهم السلام پرسیدند که بعضی مردم خلوت اختیار کنند و ترک تردد در میان
مردم کنند فرمود پس دین خود را چگونه بدست میآورند و نیز اخبار بسیار آمده
که چون یکی تنها باشد شیطان بر او دست یابد و شیطان با تنهایان
باشد و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که از جمله سعادت مرد وسعت
فضای خانه است و خوبی همسایه و شآمت خانه تنگی فضاست و بدی همسایه
و فرموده اند اول همسایه اختیار کنید و بعد از آن خانه و بنای که زیاده
بر کفاف باشد روز قیامت بر صاحبش وبال بود و هر کس زیاده بر کفاف
بنای کند برای مباهات و تفاخر همسایگان و مومنان روز قیامت
آن خانه را تا زمین هفتم آتش کنند شعله ور و طوق کردنش کرده اند پس در قعر
دوزخش افکنند مگر آنکه توبه کند و هر کس زکوة مال ندهد یا مالی از حرام کسب
کند خدای تعالی او و کل را بر او مسلط کرداند تا بناهای زیاده کند [illegible]

وبرو

وبرو وبال شود و فرشته موکلست که هر کس که ارتفاع سقف خانه را زیاده از هشت
ذراع کند باو گوید ای فاسق کجا میروی و هرچه زیاده از هشت ذراع بود شیاطین
و جن مسکن کنند و اگر خانه زیاده از هشت ساخته شده باشد در آن زیادی
آیة الکرسی بنویسند تا دفع جن و شیاطین کند و در خانه که سگ یا صورت
انسان یا حیوان یا ظرفی که در آن بول کنند باشد ملائکه داخل نشوند اما اگر
صورت در فرش و چیزهای دیگر باشد که بر آن گذارند باکی نبود و دستمال چرب
و خانه عنکبوت در خانه نگذارند که خود مأوای شیطان باشد و مرویست
که خانه را جاروب کنید تا شبیه به یهود نشوید و جاروب کردن خانه دفع فقر کند و خاک
روبه را در خانه و نزدیک خانه نباید گذاشت که شیاطین جمعیت کنند و حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود خروس سفید دوست من و دوست هر مومنیست
و خروس سفید افرق یعنی آنکه تاجش دو پاره باشد خانه صاحب خود و هفت
خانه حوالی آنرا حراست کند و بیک بال افشاندن کبوتر خالد از جبرات
از هفت خروس افرق و خانه که کبوتر در آن باشد از فرود آمدن ایمن باشد
و جن دفع شوند و اهل آن خانه را از ایشان آفت نرسد و مرویست که
کبوتران را در خانهای خود نگاه دارید که قاتلان امام حسین علیه السلام را لعن میکنند و وردشان
ذکر تسبیح خداست و از هم چیز کنند و دوستدار اهل بیت است علیه السلام صاحب کنز
اللغة گوید ورشان کبوتر صحرائیست و صاحب اختیارات گوید بفارسی مرغ حق گویند
و فاخته در خانه نباید داشت که صاحب خانه را نفرین کند و چون خواهد کسی که
خانه نو بنا کند مستحبست که گوسفندی ذبح کرده و طعامی ساخته صرف مساکین

کند و بگوید اللّهمّ ادحر عنّی وعن اهلی وولدی مردة الجنّ والشّیاطین
وبارک لی فیهنّ ولی الخیر سؤال کرده خدای تعالی عطا فرماید فصل
هشتم در وظایف شب وآداب خواب و بیداری مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السّلام که هرگاه آفتاب غروب کرده باشد چراغ روشن کنید
که دفع فقر کند و وقت خوابیدن خاموش کنید وچون وقت سحر روشن کنید
بعد از طلوع آفتاب بی چراغ داخل خانه تاریک نباید شد و در
ماهتاب چراغ نباید افروخت وچون چراغ حاضر شود بگوید اللّهمّ اجعل
لنا نوراً نمشی به فی النّاس ولا تحرمنا نورک یوم نلقاک اللّهمّ
اجعل لنا نوراً انّک نور لا اله الّا انت وچون خاموش کند بگوید اللّهمّ
اخرجنا من الظّلمات الی النّور ومرویست که حضرت پیغمبر صلّی الله
علیه وآله وسلّم در زمستان روز پنجشنبه از خانه بیرون می‌رفت وچون هوا سرد می‌شد روز
جمعه بیرون می‌آمد و در روایت دیگر هر دو شب جمعه وارد شده و هر کس بر بامی بخوابد
که چهار طرفش محجّر نباشد اگر عارضه رو دهد غیر خود را ملامت نکند و محجّر کمتر از سه وجب
نباشد و چون کسی در خانه بخوابد باید در را ببندد و پرده بیاویزد که شیطان
وقتی هست که آدمی را تنها بیند و مرویست که اگر کسی با دست چرب یا تنها بخوابد یا ایستاده
در آب بول کند یا ایستاده در شب آب بیاشامد پس اگر عارضه رو دهد هرگز از او
مفارقت نکند و اگر کسی در تنها خوابیدن مضطر شود تا تواند ذکر خدا بسیار کند و وقت
خواب خود را از تشویش خلا فارغ سازد که صحّت و راحت بدن است و هر کس با وضو
بخوابد چنان است که تا وقت بیدار شدن نماز کرده باشد اگر در میان جامه خواب بخاطرش رسد

خواب کردن در جای که در خانه دیگری نباشد از کار شیطان است

که وضو ندارد در

که وضو ندارد در رختخواب باشد تیمّم کند مجزی بود و خوابیدن چهار قسم است خواب
انبیا بر قفا و خواب مؤمنان بر جانب راست و خواب کفّار بر جانب چپ
و خواب شیطان بر رو و اگر کسی مرد و خوابیده باشد باید پیش بیدار باید کرد
و خوابیدن میان نماز شام و خفتن موجب حرمان رزق است و بعد از
نماز خفتن شب نشینی مکروه و مذموم است و موجب حرمان نماز شب است و گفته‌اند
که سگ اوّل شب بیدار باشد تا سحر و چون سحر شود بخوابد و حیوانات دیگر
همه اوّل شب خواب کنند و سحر بیدار شوند حتّی آنکه تجربه شده که اطفال در طفولیت
تا بر خلقت خود باقی‌اند اوّل شب بخوابند و سحر بیدار شوند و چون بعادت
و رسوم اهل دنیا و باطلان در آیند بصفت سگ می‌شوند پس
مؤمنان باید اوّل شب بخوابند و نصف شب یا اندکی بیشتر یا دیرتر بیدار
شوند و در روایات بسیار آمده که خدای تعالی اوّل شب را برای استراحت
آفریده و آخر شب برای ذکر و عبادت و از طلوع صبح تا طلوع آفتاب
ملائکه ارزاق بنی آدم را قسمت کنند هر که آن وقت در خواب باشد
از نصیب این روز خود محروم باشد و منّ و سلوی و بنی اسرائیل در این
ساعت هر روز نازل می‌شد و هر که در خواب می‌بوده از آن روز محتاج
بر گدایی می‌بوده و خواب این ساعت خواب شومی و خواب هر شومی است
و رنگ را زرد و کریه می‌گرداند و خواب اوّل روز سبب بی‌نظامی حال
بر کسی کارها شود و بعد از عصر موجب حماقت باشد و خواب قیلوله که
پیش از ظهر است مبارک است و اعانت شب خیزی کند و شیطان فراید

خواب نصیبی نباشد و سبب زوال نسیان و قوت حافظه باشد و بسیار
خوابیدن سبب فقر باشد در روز قیامت و بسیار خوابیدن دین
و دنیا را از دست بیرون برد و خدای تعالی دشمن دارد که کسی بی آنکه بیدار
کشیده باشد بخوابد و هر کس وقت خوابیدن دست راست در زیر روی
راست بگذارد و بگوید بسم الله وضعت جنبی لله علی ملة ابراهیم و دین
محمد و ولایة من افترض الله طاعته ما شاء الله کان و ما لم یشأ لم یکن
از دزد و غرق و آمدن خانه محفوظ گردد و ملائکه برای او استغفار کنند
و اگر بگوید بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین صد هزار حسنه برایش
بنویسند و صد هزار سیئه محو کنند و صد هزار درجه بلند گردانند و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود چون کسی خواهد بخوابد باید بگوید بسم الله
اللهم انی اسلمت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک و فوضت امری الیک
و الجأت ظهری الیک و توکلت علیک رهبة منک و رغبة الیک
لا ملجأ و لا منجا و لا مفر منک الا الیک آمنت بکتابک الذی انزلت
و برسولک الذی ارسلت پس تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگوید و هر کس وقت خواب
این تسبیح بگوید از جمله کسی باشد که خدای تعالی مدح فرموده با اینکه ذکر بسیار کنند و هم
از ایشان علیهم السلام مرویست که در وقت خواب گفتن این تعویذ را ترک نباید کرد
اعیذ نفسی و ذریتی و اهل بیتی و مالی بکلمات الله التامات من کل شیطان
و هامة و من کل عین لامة و هر کس سه مرتبه وقت خواب بگوید یفعل الله ما یشاء
بقدرته و یحکم ما یرید بعزته چنانست که هزار رکعت نماز گذارده باشد و اگر

بجای

بگوید الحمد لله الذی علا فقهر و الحمد لله الذی بطن فخبر و الحمد لله الذی ملک
فقدر و الحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر
از گناه پاک شود مثل روزی که از مادر متولد شده و اگر آیة الکرسی بخواند
از فالج ایمن گردد و تا وقت بیدار شدن او و جمیع همسایه‌اش محفوظ باشند و
مرویست که گروهی سفر میرفتند بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمدند تعلیم خواستند
فرمود وقت خوابیدن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگویید بعد از آن آیة الکرسی بخوانید
پس چون از شهر بیرون رفتند جمعی دزدان ایشان را تعاقب کردند چون در منزل
فرود آمدند دزدان غلامی را بجاسوسی فرستادند تا خبری از ایشان آورد
غلام مراجعت کرده گفت هیچ کس را ندیدم و دو دیوار دیدم هر چند بر دورش
گشتم راه درون شدن نیافتم گفتند ترسیده دروغ میگویی خود برخاستند رفتند
شدن موافق دیدند یافتند چون صباح شد دزدان پیش ایشان آمده قضیه
شب نقل کرده از احوال استغفار نمودند ایشان حکایت خود بیان کردند
و گفتند ببرکت تعلیم آنحضرت از شر شما ایمن گشتیم و دزدان نیز قطع امید نموده
براه خود رفتند و اگر در وقت خواب آخر سوره کهف بخواند تا مسجد الحرام
نوری نمایان شود که در میان آن نور ملائکه باشند و برای او استغفار
کنند و اگر قل یا ایها الکافرون و قل هو الله بخواند از شرک بری شود و حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بحضرت فاطمه علیها السلام فرمود وقت خوابیدن چهار
کار بکنی بخوابی ختم قرآن کنی و مرا و جمیع انبیا را شفیع خود گردانی و همه مؤمنان را
از خود راضی سازی و حج و عمره گذاری گفت این همه را در یک ساعت چون کنم فرمود

سه مرتبه قل هو الله احد بخواند ختم قران کرده باشی و صلوة بر من و بر انبیا
بفرست همه شفیع تو باشیم در روز قیامت و برای مؤمنان استغفار کن همه از
تو راضی شوند و سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله بگوی حج و عمره گذارده
باشی و اگر قل هو الله و معوذتین هر یک سه مرتبه بخواند ختم قران کرده باشد
و بعد از آن ابر از فرقان ثواب پیغمبری یابد و از گناه پاک شود مثل روزی ه
که متولد شده و اگر در آن شب بمیرد شهید باشد و اگر یازده مرتبه انا انزلناه
بخواند نوری خلق شود از زمین تا عرش که عرضش مثل وسعت هوا باشد
در هر درجه آن هزار ملک باشد هر یک را هزار زبان با هر زبان هزار
لغت برای او استغفار کنند تا نصف شب بعد از آن آن نور را در سینه او گذارند
تا روز قیامت و اگر آیه شهد الله بخواند هفتاد هزار ملک خلق شود تا روز
قیامت برای او استغفار کنند و اگر الهیکم التکاثر بخواند از عذاب قبر ایمن شود و
اگر سه مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه
گناهانش آمرزیده شود و اگر چه مثل ایام دنیا یا کف دریا یا ریگ صحرا عالج
باشد و اگر بیخوابی عارض شود که خواب نبرد بگوید سبحان الله ذی الشان
دائم السلطان عظیم البرهان کل یوم هو فی شان یا مشبع البطون الجائعة
یا کاسی الجنوب العاریة یا مسکن العروق الضاربة یا منوم العیون الساهرة
سکن عروقی الضاربة واذن لعینی نوما عاجلا و اگر خواهد آیة الکرسی بخواند
و بگوید و اذ یغشیکم النعاس امنة منه و جعلنا نومکم سباتا و اگر در خواب
بترسد وقت خواب ده مرتبه بگوید اعوذ بکلمات الله من غضبه و من

عقابه

عقابه و من شر عقابه و من شر عقابه و من شر عباده و من همزات الشیاطین
و ان یحضرون و اگر خواهد معوذتین و آیة الکرسی بخواند و بگوید و اذ یغشیکم
النعاس تا آخر و اگر از جن بیم کند بگوید ان ربکم الله الذی خلق السموات
والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه
حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک
الله رب العالمین و اگر از احتلام بترسد بگوید اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام
ومن سوء الاحلام ومن ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة والمنام
و در روایات بسیار آمده و بسیاری مردم تجربه نیز نموده اند که اگر آیه آخر
کهف بخواند هر وقت که خواهد بیدار شود و نیز از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم مرویست که هر کس وقت خواب بگوید اللهم لا تؤمنی مکرک
ولا تنسنی ذکرک ولا تجعلنی من الغافلین اقوم ساعة کذا و هر
ساعت که خواهد مذکور سازد خدای تعالی ملکی موکل گرداند که در آن
ساعت بیدارش کند و مشایخ رحمهم الله در کتب خود ذکر کرده اند که
اگر کسی حاجتی باشد یا امر مشکلی سانح شود با طهارت در فراش
و لحاف پاک بخواند و متوجه با او بنا شود و در خواب والشمس واللیل هر یک را
هفت مرتبه بخواند و بعد از آن بگوید اللهم اجعل لی من امری هذا فرجا و مخرجا
در شب اول یا سیم یا پنجم یا هفتم کسی را در خواب بیند که بدرو نمی از آن برایش
بنماید او بگوید مرا صداعی عظیم بود که از علاج آن عاجز گشته بودم باین
عمل نمودم در شب اول دیدم که دو کس آمدند پیش من نشستند یکی از ایشان

دست بر سر مالید و موضعی را نشان داد که حجامت کن آن موضع را حجامت کردم
شفا یافتم و بر بسیاری مردم نیز گفتم همه منتفع شدند و ایضا از شیخ رحمه الله
نقل کرده اند که اگر کسی خواهد یکی از انبیا یا ائمه علیهم السلام یا سایر مردم را در خواب
ببیند والشمس واللیل و قدر و جحد و اخلاص و معوذتین بخواند و بعد از آن
صد مرتبه توحید و صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل او صلی الله علیهم بفرستد و با
وضو بر جانب راست بخوابد که هر کس را خواهد ان شاء الله در خواب ببیند و سؤال
و جوابی که خواهد با ایشان مذکور شود و در روایت دیگر آمده که این طریقه را
هفت شب باید عمل نمود بعد از آنکه دعا خوانده باشد اللهم انت الحی الذی
لا یوصف والایمان یعرف منه منک بدأت الاشیاء والیک تعود
فما اقبل منها کنت ملجاه ومنجاه وما ادبر منها لم یکن له ملجأ ولا
منجا منک الا الیک فاسئلک بلا اله الا انت واسئلک ببسم الله الرحمن الرحیم
وبحق محمد سید النبیین وبحق علی خیر الوصیین وبحق فاطمة سیدة
نساء العالمین وبحق الحسن والحسین اللذین جعلتهما سیدی شباب
اهل الجنة اجمعین ان تصلی علی محمد وآل محمد وان ترینی فلانا
روایت کرده اند که اگر خواهی میتی را در خواب ببینی همین دعا را بخوان
و در آخرش بگوید ان ترینی میتی فی الحال التی هو فیها و هر مرتبه که در
اثنای خواب از پهلو بر پهلوی دیگر حرکت کند بگوید لا اله الا الله الحی
القیوم وهو علی کل شیء قدیر سبحان الله رب النبیین والمرسلین
وسبحان الله ورب السموات وما فیهن ورب العرش العظیم وسلام

علی

علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
سؤال نمودند که آنانکه خدای تعالی مدح فرموده که اندکی از شب می خوابند
کیستند فرمود جمعیند که تمام شب نمی خوابند تا هر مرتبه که حرکت میکنند میگویند
الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و چون خواب بد ببیند بگوید انما النجوی من
الشیطان لیحزن الذین آمنوا ولیس بضارهم شیئا الا باذن الله عذت
بما عاذت به ملائکة الله المقربون وانبیاؤه المرسلون وعباده الصالحون
من شر ما رأیت ومن شر الشیطان الرجیم و از پهلوی که خوابیده بر
پهلوی دیگر نقل کند و خواب بد که نقل نکند از نشان ان شاء الله ایمن گردد
و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که خواب خوش از جانب خدای تعالی است و چون
خواب خوش میبیند بکسی که دوست دارید نقل کنید و خواب راست یکجزو از هفتاد
جزو نبوت است و بروایت دیگر از چهل جزو و خواب مؤمن بر بالای
سرش مضطرب و مردد باشد تا آنکه تعبیر کنند و هر نحو تعبیر کنند چنان شود پس
خواب مؤمن عاقل باید گفت تا تعبیر خوب کند و نیز مرویست که خواب در وقتی
راست باشد اگر با طهارت و ذکر خدا خوابیده باشد یکی وقت قیلوله
که شیاطین در آن وقت نصیبی نبود دوم بعد از نصف شب که وقت
نزول ملائکه است و خواب اول شب اعتبار ندارد که وقت جهیدن شیاطین است
و مناسب این مقام است ذکر نکته در کیفیت امر رؤیا بدانکه از بسیاری احادیث
ائمه طاهرین و دلالت براهین عقلیه مبین و محقق است که روح
مؤمنین از طینت ملائکه آفریده شده و جوهر شان از جنس ملکوت سموات

جوهر

مخلوق گشته و بسبب ضرورت معاش و تحصیل زاد معاد الفت و آشنایی با بدن
و قوی و اعضای بدن گرفته و شغل تدبیر نظام مملکت بدن و همچنین
اشتغال باحوال الحیوة دنیا از دیدن و شنیدن و خوردن و سایر ادراکات
حواس و قوی مانع توجه و التفات او بعالم خود شده و بسبب غربت در بدن
عالم دنیوی و دوام کثرت مراجعت بملکوت سما و ملاء اعلی که وطن اصلی او است
گشته و هر گاه اندک فرصتی بسبب تخفیف این علایق و موانع او را حاصل
شود رجوع بعالم خود نموده با ابنای جنس خویش از ملائکه و اهل
ملاء اعلی الفت گیرد و موانست نماید و از رشحات علوم و معارف الهی که ایشانرا
که از فضل جود و رحمت الهی بر اهل آن عالم دهر باب فیضان بخشند بقدر استعداد
خود استفاضه نماید و بهره مند گردد و بحالت اعنی بعالم اعلا او استفاضه
از فضل اهل ملکوت سما و اولیا و اصفیای خدا که از شدت متابعت
دین قویم و کمال امتثال احکام شرع مستقیم و زهد در دنیا و ترک پیروی
هوی و هوا و رفض علایق لذات و شهوات و عوایق تحصیل فضول
و تجملات بدن و اعضای خود را از ثقل فضلات مأکل و مشارب
پاکیزه ساخته و آینه دلشان از زنگ کدورت فکرهای باطل و خیالهای
فاسد حوایج و مآرب مبرا ساخته و جوهر روحشان از تیرگی و ظلمت اشتغال
باین دنیای دنی جلا یافته و پرتو نور آن عالم که تمام نور و ضیاست بر صفحه
قابلیتش تافته و کمال تسلط بر نفس خود و قوی آن بهم رسانیده اند
همیشه مقدور ایشان باشد خواه در خواب و خواه در بیداری ایشان یکسان باشد

چنانکه

چنانکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده تنام عینی و لا ینام قلبی یعنی اگر چشم
گاهی سر بر خواب میکشد اما دلم همیشه بیدار است و از این جهت است
که انبیا علیهم السلام بر قفا خوابند زیرا که همیشه منتظر نزول وحی باشند چنانکه در احادیث
آمده اما سایر مؤمنان را بحسب اختلاف مرتبه و قابلیت گاه گاه و احیانا که بدن
از ثقل فضلات و بخارات غذا خفیف و دل از زنگ و ظلمت خیالهای
باطل دنیا خالی و روح از شدت شغل تدبیر بدن و قوی فارغ گشته و آینه
خاطرشان بنور یاد خدا جلا و صفا یافته باشد چون بخواب روند و حواس
ظاهر ایشان از مشاغل محسوسات فراغ حاصل شود و دلشان از تشویش و ارادات
عالم ظاهر خلاصی یافته بحال خود برگردد و متوجه عالم باطن که ملکوت عالم اعلا است
شود روحشان را با اهل انعام که مؤکلان تدبیر حال حادثات و مدبران
نظام احوال کاینات اند ارتباط و اختلاط رو دهد و از رشحات علوم و معارف
ایشان که همه صدق و حق است و از خزاین علم الهی بر ایشان احسان شده بر آن
روح بحسب مناسبت حال او فایض گردد و او در انعام تجسم و کوش و قوای روحانی مشاهده
آن عالم و معرفت با جزوی که متعلق باحوال و ما یعرا او باشد نماید و چون هنوز روح را
از مصاحبت بدن و قوای بدن خلاصی تمام حاصل نگشته بلکه آثار حواس و قوای
بدنی هنوز در جوهر روح راسخ و ثابت است مشاهدات روحانی هر یک بصورتی
و کیفیتی که مناسب او باشد در نظرش جلوه کند و آن مشاهده روحانی را چنان
پندارد که بحواس ظاهری بدنی واقع شده و این حالت را یعنی مشاهدات روحانی
و ارتباط با ملائکه و اهل ملاء علوی و استفاضه از ایشان بعضی از مؤمنان را بعد

گاه باشد که از شدت زهد و تقوی و ورع و تهور کلی و طاعت خدا تسلط
عظیم بر ضبط حواس و قوی حاصل شده باشد در بیداری نیز احیانا اتفاق
افتد امّا اگر دل و روح در زنگ تشویشات خیالهای باطل و ذکرهای فاسد
فرو رفته و بظلمت هوسها و آرزوهای زایل بحاصل ظلمانی گشته و بکدورت
فضلات و بخارات مأکل و مشارب سیاه و تیره شده باشد هر چند بخواب هم
رود که فرصت و قابلیت آن ندارد که راهی بعالم نور و صفا و قرب با اهل ملاء
اعلی تواند یافت و همچنین اگر بدن بسبب ثقل و زیادی غذا محتاج بزیادی
تدبیر و اصلاح باشد روح را که مدبر بدنست مهلت آن ندهد که بعالم دیگر نظر
برد لیکن امّا اگر بعضی اخلاط مثل خون یا صفرا و غیر آن یا بخارات غذا در بدن
غالب گشته و هیجان نموده باشد چون بخواب رود آن خلط و بخار بصورتی که
مناسب آن باشد در نظر روح جلوه کند و چنان پندارد که چیزی دیده باشد
مثلا خون و صفرا بصورت آتش و شفقهای الوان و سودا و بخار بصورت
ابرها و غبارهای سیاه و ظلمانی جلوه کند و همچنین اگر در بیداری فکری و خیالی
غالب گشته و تسلط یافته باشد چون بخواب رود همان خیالها در نظر او متمثل گردد
و این قسم خواب اگر بسبب غلبه اخلاط و بخارات و خیالات باشد اضغاث احلام گویند
که مثل دسته خار و خس بهم آمیخته و درهم رفته اصل چندانست و اعتباری و تعبیری
ندارد و قسم اول که از عالم ملائکه فایض میشود راست و حق باشد و محتاج
بر تعبیر نبود و نیز باید دانست که چون حادثات عالم دو قسم است یکی آنکه در قضای
الهی وقوع حتم و جزم شده که خلاف واقع نتواند شد و این قسم بصورتی که احتمال

غزان

غزان نداشته باشد متمثل گردد و قسم دیگر که بسبب مصلحتی وقوع و عدم وقوعش
هیچ کدام هنوز حتم نشده بلکه مردد داشته و هر دو احتمال در وی مر بود و این
قسم بصورتی که مثل خود شد مردد و محتمل باشد متمثل گردد و بتوجه نفوس انسانی
در محو و ثبت حوادث گاهی مدخلیتی باشد و بدین جهت باشد معبر عاقل و مهربان
باشد که تا صورت مردد در تعبیری که خیر و مناسب باشد که چون ابن خلاد داشته
شد جوع بدل کرداد بوده گوییم چون از خواب بیدار شود بگوید الحمد لله
الذی احیانی بعد ما اماتنی والیه النشور الحمد لله الذی رد علی روحی
لاحمده واعبده و سجده کند که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگز
از خواب بیدار نمیشد مگر آنکه سجده میکرده و چون بعد از سجده بنشیند
بگوید حسبی الرب من العباد حسبی الذی هو حسبی منذ کنت حسبی الله
ونعم الوکیل و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام هر مرتبه که از خواب
بیدار میشد باواز بلند چنانکه همه اهل خانه میشنیدند میگفته
اللهم اعنی علی هول المطلع ووسع علی المضجع وارزقنی خیر ما قبل الموت
وارزقنی خیر ما بعد الموت و چون نظر باطراف آسمان کند بگوید
اللهم انه لا یواری عنک لیل ساج ولا سماء ذات ابراج ولا
ارض ذات مهاد ولا ظلمات بعضها فوق بعض ولا بحر لجی
تدلج بین یدی المدلج من خلقک تعلم خائنة الاعین وما تخفی
الصدور غارت النجوم ونامت العیون وانت الحی القیوم
لا تأخذک سنة ولا نوم سبحان رب العالمین واله المرسلین والحمد لله

ربّ العالمین اِنَّ فی خَلقِ السَّمواتِ وَالارضِ وَاختلافِ اللَّیلِ وَالنَّهارِ
تا اِنَّکَ لا تُخلِفُ المیعادَ از سوره آل عمران و چون از طهارت و نماز فارغ
شود بمصلای خود آمده رو بقبله نشسته این دعا بخواند که از حضرت
امام زین العابدین علیه السّلام منقولست که هر دم در خواب می بوده اند
می خوانده که الهی غارت نجوم سمواتک و نامت عیون اَنامِک
وهدأت اصوات عبادک وانعامک وغلقت الملوک علیها ابوابها
وطاف علیها حراسها واحتجبوا عمّن یسألهم حاجة او ینتجع منهم فائدة
وانت الهی حیّ قیّوم لا تأخذک سنة ولا نوم ولا یشغلک شیء عن
شیء ابواب سمواتک لمن دعاک مفتّحات وخزائنک غیر مغلقات
وابواب رحمتک غیر محجوبات وفوائدک لمن سألکها غیر محظورات
بل هی مبذولات وانت الهی الکریم الّذی لا تردّ سائلا من المؤمنین
سألک ولا تحتجب عن احدٍ منهم اراد ک وعزّتک وجلالک لا
تختزل حوائجهم دونک ولا یقضیها احد غیرک الهی وقد ترانی
ووقوفی وذلّ مقامی بین یدیک وتعلم سرّی وتطّلع علی
ما فی قلبی وما یصلح به امر آخرتی ودنیای الهی ان ذکرت الموت
وهول المطّلع والوقوف بین یدیک وتعلم سرّی وتطّلع
علی ما فی قلبی وما یصلح به نغّصنی مطعمی ومشربی الهی واغصّنی
بریقی واقلقنی عن وسادی ومنعنی رقادی وکیف ینام من
یخاف بیات ملک الموت فی طوارق اللّیل وطوارق النّهار بل کیف
ینام

ینام العاقل وملک الموت لا ینام لا باللّیل ولا بالنّهار یطلب قبض
روحه بالبیات او فی آناء السّاعات بعد از ان سجده می کرده و روی
مبارک بخاک می گذاشته می گفته اسألک الرّوح والرّاحة عند الموت
والعفو عنّی حین القاک بعد از ان مشغول نماز و عبادت می شود
و هر کس صبح پیش از انکه کسی بر بیند انگشتر عقیق داشته باشد نگین را بکف
دست بگرداند پس انّا انزلناه بخواند و بگوید که آمنتُ باللّه وحده لا
شریک له آمنت بسرّ آل محمّد و علانیتهم خدای تعالی از بدیهای آن روز او را نگاه
در حفظ و حراست خویش نگه دارد **فصل نهم** در آداب و حقوق اینان
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السّلام که چون کسی خواهد از خانه بیرون
رود و بر در خانه بایستد و بگوید اللّه اکبر اللّه اکبر اللّه اکبر خرجت وباللّه
خلقت وعلی اللّه توکّلت ولا حول ولا قوّة الّا باللّه العلیّ العظیم
وصلّی اللّه علی محمّد وآله اللّهمّ افتح لی فی وجهی هذا بخیر واختم لی
بخیر وقنی شرّ کلّ دابّة انت آخذ بناصیتها انّ ربّی علی صراطٍ
مستقیم در ضمان خدا باشد تا انکه مراجعت کند و هر کس از خانه بیرون
آید شیاطین بر سر راهش آیند پس اگر در وقت بیرون رفتن بگوید
بسم اللّه آمنت باللّه توکّلت علی اللّه ما شاء اللّه لا حول ولا قوّة الّا باللّه
ملائکه شیاطین را بزنند و دور کنند و گویند شما را برود و ستی نیست که
نام خدا برده و با و ایمان آورده و با و توکّل کرده و خود و کارهای خود را
بحول و قوّة او سپرده پس شیاطین دور شوند و با یکدیگر گویند ما با او

بیرون رفتن از خانه و در آمدن بخانه و بیرون رفتن از برای [illegible]

چه توانم کرد که خدا کفایت و هدایتش نموده و محافظتش فرموده و اگر وقت بیرون رفتن
بگوید اَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِکَةُ اللهِ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْیَوْمِ الْجَدِیدِ الَّذِی اِذَا غَابَتْ شَمْسُهُ
لَمْ تَعُدْ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَمِنْ شَرِّ غَیْرِی وَمِنْ شَرِّ الشَّیَاطِینِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ
لِأَوْلِیَاءِ اللهِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ السِّبَاعِ وَالْهَوَامِّ وَمِنْ شَرِّ رُکُوبِ الْمَحَارِمِ
کُلِّهَا اُجِیرُ نَفْسِی بِاللهِ وَمِنْ کُلِّ شَرٍّ خدای تعالی گناهانش بیامرزد و توبه اش
قبول کند و کفایت مهماتش نماید و از جمیع بدیها و مکاره در پناه خود نگاه دارد
و مرویست که اگر چیزی بیرون رود و سبقت توانستی یافت این بود که در وقت بیرون رفتن
از خانه در حضر و در سفر اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بخواند که زود مراجعت نماید و اگر برای
حاجتی و مطلبی بیرون رود در صبح پنجشنبه و صبح پنجشنبه بعد از طلوع آفتاب بیرون رود
که روایات متعدد وارد شده که این دو صبح برای حوائج مبارکست و روز شنبه
نیز روایات بسیار آمده که روز قضای حوائج و آسانی کارهاست و خدای
در این روز آهن را برای حضرت داود علیه السلام نرم کرد که زره ساخت و در وقت
بیرون رفتن پنج آیه از آخر آل عمران اِنَّ فِی خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ تا اِنَّکَ
لَا تُخْلِفُ الْمِیعَادَ و اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ و آیة الکرسی و الحمد لله بخواند که حوائج دنیا و
آخرت در این آیاتست و در راه رفتن زنان از کنارهای راه بروند و میان
جاده را برای مردان گذارند و مردان از میان زنان نگذرند و بر سر پل
شیطان ایستاده باشد پس چون به پل رسند بگویند بِسْمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ ادْحَرْ
عَنِّی الشَّیْطَانَ الرَّجِیمَ تا شیطان دور شود **فصل دوم** در فضایل و خواص
دوات و آداب سواری مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که مرکب نگاه دارید

که روزیش بر خداست

که روزیش بر خداست و منافع و ثوابش از شما و وزر عشر روزیش با کسیست که مرکب نگاه دارد
باشد و هرکس مرکبی نگاه دارد که قضای حوائج خود بآن کند یا دفع دشمنی نماید
هر روز سیئه از او محو شود و شش حسنه نوشته گردد و اگر اسب نجیبی نگاه دارد که بآن
جهاد کند و دفع اعدای دین نماید هر روز سیئه محو شود و یازده حسنه نوشته
گردد و اگر اسب غیر نجیبی نگاه دارد هر روز دو سیئه محو شود و هفت حسنه نوشته گردد
و حضرت امام علی النقی علیه السلام از کسی پرسید که بر چه مرکب سواری
میکنی گفت الاغی باین قیمت بیست دینار خریده ام فرمود این از بخل است
که الاغی باین قیمت بگیری چرا اسب نخریدی گفت مؤنت اسب بسیار است فرمود کسی
که مؤنت الاغ میدهد مؤنت اسب هم می تواند داد نمیدانی که کسی منتظر ما باشد
و اسبی نگاه دارد و منتظر فرج ما باشد و اعدای ما را منکوب سازد خدای
تعالی روزیش را بفرستد و سینه اش را بایمان صفا دهد و آرزوهایش را بر آرد
و معین حوائجش باشد و خیر در پیشانی اسب بافته است تا روز قیامت و هر کس
در راه خدا اسب نفقه دهد چنانست که دست بتصدق گشوده باشد
و هرگز باز نگیرد و مرویست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اذین
چهل اسب هدیه بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آورده بود و پرسید
که اوصاف اینها را بیان نما گفت یکی اشقر یعنی کهر روشن است دست و پایش سفید
فرمود آنرا برای من نگاه دار گفت دوی دیگر کمیت یعنی امام حسن و امام حسین
علیهما السلام دیگر گفت یکی دیگر ادهم یعنی کبود بی نشانست فرمود آنرا
بفروش و نفقه عیال خود کن بعد از آن فرمود میمنت اسب [illegible] آنست

که نشانی غیره نعل خود داشته باشد و نیز مرویست که هر کس اسب اشقر که در پیشانیش
سفیدی باشد و اگر سفیدی کشیده باشد بهتر بود و دو دست و پایش نیز سفید
باشد نگاه دارد تا آن اسب در ملک او و در خانه او باشد فقر و ظلم در آنخانه راه
نیابد و نیز مرویست که دواب را بر صاحبش چند حق است اینکه بر رویش چوب نزند
و داغ نکند که روی دابه حمد و تسبیح خدا میکند و زیاده از قدر طاقت نراند
و بار نکند و پشت او را مجلس نکند و صحبت ندارد و بار از نگاه دارد و در سفر هر جا که آب
رسد بر او عرض نماید و چون در منزل فرود آید اول تهیه آب و علوفه کند و بار بر گردنش
نگذارد و هر دو پای آن یک طرف نیاویزد و تکیه بر یک طرف نکند و بر پشتش خواب نکند
و چون رم کند نزند که چیزی در نظر ایشان آید که در نظر ایشان نیاید و اگر
بلغزد و سکندری خورد بگوید الحمد لله بسم الله و دشنام ندهد که اگر گوید میان
من و تو هر کدام معصیت بیشتر کرده چنین باشد و لعنتش نکند که خدای تعالی
او را لعنت کند و هر کس دابه بگیرد دعا کند که خدایا مرا صاحبی مشفق مهربان
عطا فرما باید که مرا سیر و سیراب دارد و زیاده بر طاقتم بار نکند و مرویست که در هر
پنج چهارپا شیطانی باشد چون خواهد بجامش کند بسم الله بگویند و اگر
در لجام کردن یا سوار شدن یا غیر آن سختی کند این آیه در گوشش راست بخوانند
أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ
يُرْجَعُونَ و نیز بگویند اللَّهُمَّ سَخِّرْهَا وَبَارِكْ فِيهَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَإِنَّا
بخوانند و هر وقت سوار شدن بسم الله بگوید فرشته با او ردیف شود که محافظتش
کند تا آنکه فرود آید و اگر بسم الله نگوید شیطانی ردیف شود و گوید بخوانند

وغناکن

وغنا کن اگر گوید نمیدانم گوید آرزوهای باطل کن پس همیشه در آرزوهای
باطل باشد تا وقتی که فرود آید و اگر وقت سوار شدن بگوید بسم الله
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ
لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ او و مرکبش
هر روز محفوظ باشد تا آنکه فرود آید و اگر انا انزلناه بخواند بر مرکب
سنگین تر از آهن باشد و بسلامت گناهانش فرود آید و سواره و پیاده
نگوید راه بده که از خصال جورانست و زنان بر زین سوار نشوند که زین
برای ایشان ملعونست فیهیج بزنا کنند و اگر چاروا بگریزد و مکرر بگوید
یا عباد الله احبسوا اگر ان شاء الله بایستد **فصل دهم** در فضایل
و آداب کسب و معاملات مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که عبادت
هفتاد جزوست و افضل اجزایش طلب حلالست و هر کس طلب حلال کند تا از
مردم مستغنی باشد و رعایت احوال اهل و عیال کند روز قیامت رویش
چون ماه شب چارده باشد و هر کس از ممر حلال کسب کند و تحصیل معیشت
برای عیال خود نماید اجرش عظیمتر است از کسی که در راه خدا جهاد کند
و از جمله سعادت مرد اینست که قیم عیال خود باشد و خدای تعالی بحضرت
داود علیه السلام فرمود تو خوب بنده اگر کسب کنی و از بیت المال معاش نکنی
گفت خدایا کسبی نمیدانم پس خدای تعالی آهن را نرم کرد تا اینکه زره می ساخت و میفروخت
تا آنکه مستغنی گشت و خدای تعالی دشمن دارد آدم پر خواب بیکار را و نیز

مرویست که خدای تعالی روزی هر کس را از حلال قسمت کرده و تقدیر فرموده اگر از
حرام پیش هر کس صبر کند و از حرام اجتناب نماید خدای تعالی رزق او را از حلال
برساند و تا آنچه برای او مقدر فرموده تمام نکند از دنیا نرود و اگر هتک حرمت
الهی نماید و مرتکب حرام شود هر قدر از حرام تحصیل کند از آن قدر از حلال کم کنند
و روز قیامت مطالبه و مواخذه نمایند و امثال این اخبار و فضایل کسب حلال
و احتراز از حرام زیاده از آنست که درین مختصر بگنجد و مرویست که نه جزو روزی
در تجارتست و یک جزو در سایر کارها و تجارت عقل را زیاد کند و ترک آن
دو ثلث عقل کم کند و زراعت کردن کیمیای اکبر است و روز قیامت اهل زراعت
نزدیکترین مردم باشند بخدای تعالی و مقام ایشان بهترین مقامهاست
و بهترین کارها زراعت است که انسان و حیوان منتفع شوند و نیکان و
بدان بهره برند اگر نیکان بخورند برای زراع استغفار کنند و اگر
بدان بخورند هر چه خورند ایشان را لعنت کنند و زراعان اهل توکلند که
تخم افشانند و توکل بر خدا کنند و زراعان اهل توکلند که تخم افشانند
و منتظر فضل و رحمت او باشند

آداب مکاسب و معاملات

مرویست که چون کسی خواهد تجارت کند اول مسایل و آداب آنرا بیاموزد و حلال
و حرام بشناسد که ربا در معاملات خفی تر است از نقش پای مور بر سنگ خاره
و یک درهم ربا عظیم تر است از هفتاد زنا که همه با خویشان محرم باشد و با فقیر کم کسی
معامله نباید کرد که دست را تا مرفق در دهن اژدها کنی بهتر است از آنکه با تو کیسه

معامله کنی

معامله کنی و اول روز بجای معاملات و حاجات مبارکست خصوصا
روز شنبه و پنجشنبه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله دعا کرد و گفت خدایا
صبح این دو روز را بر امت من مبارک گردان اما پیش از طلوع آفتاب
مشغول کارهای دنیا نباید شد که آن ساعت ساعت عبادت و ذکر است
و جنود شیطان در اطراف برای اضلال انسان متفرق شوند و چون کسی داخل
بازار شود بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی
ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر هزار هزار حسنه
ثبت کنند و هزار هزار سیئه محو کنند و هزار هزار درجه بلند کرده اند و اگر
بگوید اشهد ان لا اله الا الله تا آخر چنانکه در فصل دخول مسجد گذشت
برابر است با یک حج و عمره و چون داخل دکان خود شود بگوید اللهم
انی اسئلک من خیرها وخیر اهلها واعوذ بک من شرها وشر اهلها خدای
تعالی فرشته موکل کرده است که در آن روز از شر بازار و اهل بازار محافظت نماید
و چون بنشیند بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله اللهم انی اسئلک من فضلک حلالا طیبا
واعوذ بک من ان اظلم او اظلم واعوذ بک من صفقة خاسرة و
یمین کاذبة فرشته که بر او موکل است گوید مژده باد ترا که امروز در
بازار هیچکس را معامله از تو بهتر نباشد که حسنات تو بسیار و سیئات محو گردد
و نصیب تو حلال و مبارک بتو رسد و هر کس در بازار ذکر خدا کند و در معاملات
خدا را فراموش نکند و از حکم او تجاوز ننماید و بعدد هر انسان و حیوانی

کدران بازار باشد کناهان او آمرزیده شود وچون متاعی یا چیزی دیگر بخرد
سه مرتبه بگوید اللهم انی اشتریته التمس فیه من فضلك فصل علی محمد و
آله واجعل لی فیه فضلا و سه مرتبه بگوید اللهم انی اشتریته التمس فیه من
رزقك فاجعل لی فیه رزقا و بر متاع این کلمه بنویسد لکنا انشاء الله از آن
منتفع شود واکر بنده بخرد بگوید اللهم بارك فیه واجعله طویل العمر کثیر
الرزق واکر اسب یا چهارپایی دابه کند سه مرتبه بگوید اللهم ان كانت عظیمة
البركة فاضلة المنفعة میمونة الناصیة فیسر لی شراءها وان كانت غیر
ذلك فاصرفنی عنها الی الذی هو خیر لی منها فانك تعلم ولا اعلم وتقدر ولا
اقدر وانت علام الغیوب وچون بخرد در جانب چپ او بایستد و کاکل او را بدست
داشته بگیرد والحمد وقل هو الله ومعوذتین ولو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر
قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا آخر سوره بنی اسرائیل وآیة الکرسی بر سر او بخواند
که انشاء الله از آفات ایمن کردد وچون خواهد زراعت کند اول یک کف از تخم
در دست بگیرد و رو بقبله ایستاده سه مرتبه بگوید أأنتم تزرعونه ام نحن الزارعون
بعد از آن سه مرتبه بگوید بل الله الزارع بعد از آن بگوید اللهم اجعله حبا متراکبا
وارزقنا فیه السلامة بعد از آن بیفشاند وهرکه زراعت کند یا درخت بنشاند
بر هر دانه یا هر نهال بگوید سبحان الباعث الوارث هیچ یک از آن خطا نکند از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله مرویست که قومی که برادرم عیسی بن مریم کذشت اهل آن شهر شکایت
نمودند که میوه های ما را همیشه کرم می زند کفت بنشانید که شما چون درخت مینشانید
اول دو بیخ درخت خاک میریزید بعد از آن آب میدهید چنین مکنید بلکه

اول آب

اول آب بریزید بعد از آن خاک چنان کردند از آن علت نجات یافتند و اکر
در مزرعه یا بوستانی بهم آفت کرم باشد این افسون را بر چهار پاره کاغذ
بنویسند و در میان چهار نی بگذارند و در چهار جانب مزرعه یا بوستان جا
دهند از مضرت جانوران ایمن شود انشاء الله ایها الدواب والهوام و
الحیوانات اخرجوا من هذه الارض والزرع الی الخراب کما خرج ابن متی
من بطن الحوت وان لم تخرجوا ارسل علیکم شواظ من نار ونحاس فلا
تنتصران الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت
فقال لهم الله موتوا فما توا اخرج منها فانك رجیم فخرج منها خائفا
یترقب سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد
الاقصی کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحاها فاخرجناهم من
جنات وعیون وزروع ومقام کریم ونعمة کانوا فیها فاکهین فما
بکت علیهم السماء والارض وما کانوا منظرین اخرج منها مذءوما مدحورا
فلنأتینهم بجنود لا قبل لهم بها ولنخرجنهم منها اذلة وهم صاغرون واکر کرم
متحرک باشد این صورت نوشته در کوزه آب [illegible] کذاشته در چهار جانب مزرعه
پنهان کنند السلـــــــــطان لله

این صورت که نوشته شد وچون

بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله محمد رسول الله
علی او الی انه عقدت بلاء الرد وآنه حرز [illegible] من الرحمة
عدوه فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم انما امره اذا اراده
شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده
ملکوت کل شیء والیه ترجعون
وینزل من السماء من جبال فیها من برد فیصیب به من یشاء
سبحان ربك رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین
سلام علی نوح فی العالمین انا کذلك نجزی المحسنین

کسی صاحب وصاحب الوکالت که عامه
الناس در معاش محتاج بان باشند نباید
که احتکار کند یعنی با انتظار کرانی نگاه دارد
اکر دزدی کند بهتر است از آنکه چهل روز احتکار

کند و روایت دیگر آمده که ملعون است کسی که در وسعت و ارزانی پیش از چهل روز
و در تنگی و گرانی پیش از سه روز احتکار کند

فصل یازدهم

در فضایل مرض
و عیادت مریض و معالجه امراض مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون مؤمنی
مریض شود ملایکه که موکلند بر نوشتن اعمال او هر گاه بآسمان روند خدای
تعالی از ایشان سؤال فرماید که از این بنده من در ایام مرض چه نوشته اند گویند
شکایت فرماید انصاف نباشد که من بنده خود را حبس کنم پس از شکایت منعش
تمام هر چه از عبادات و طاعات در ایام صحت برای او می نوشتید در ایام مرض
نیز همان را بنویسید و در این ایام هیچ سیئه بر او منویسید و ناله مریض تسبیح و فریادش
تهلیل است و غلطیدنش در میان جا چنان است که در راه خدا شمشیر زند
پس چون صحت یابد اگر ترک معاصی بخدای تعالی باز گشت نماید گناهانش آمرزیده
شود و اگر خبردار نشود و همان بر حال سابق باشد وای بر وی و بدا حالش
و نیز مرویست که چون مؤمن یک شب تب کند کفاره همه گناهانش باشد و تب برابر است
با یکسال عبادت یا دو شب با دو سال و سه شب با هفتاد سال و یک تب صداع هم
خطاها را بریزد چنانکه ابر و یک شب بیخوابی بسبب مرض یا وجعی اجرش عظیم تر است
از یکسال عبادت و خدای تعالی فرموده چون بنده مؤمن را بمرضی یا بلای مبتلا کنم
و شکایت نکند هر بدل از گوشت و پوست و خون و موی او را بدل نمایم بهتر
از آنکه بآن گناه نکرده باشد پس اگر شفایش دهم هیچ گناه بر او نگذارم و اگر قبض روحش
کنم بجوار رحمت خود برم و هر مؤمن که یک شبانه روز مریض شود و شکایت نکند
با ابراهیم خلیل مبعوث شود و چون برق لامع از صراط بگذرد و هر که یک شب مرضی

والح

والحمد لله باشد و او را شکر کند و قبول نماید یعنی شکایت نکند شصت
سال عبادت برایش نویسند پرسیدند که حد شکایت کدام است حضرت
امام علیه السلام فرمود اینکه بگوید بلیتی با آزاری کشیدم که هیچکس نکشیده اما اگر
اگر بگوید امشب که هم با بیخوابی کشیدم و مثل این و راست گوید شکایت نباشد
و چون طفلی مریض شود کفاره گناهان والدینش باشد و مستحب است
که چون کسی را مرضی عارض شود دوستان را خبر کند تا عیادتش کنند و اگر
چنین کند ده حسنه برایش نویسند و ده سیئه محو کنند و ده درجه بلند
گردانند و اما فضایل و آداب عیادت مریض و سعی در حوایج او مرویست
که هر کس مؤمنی را عیادت کند داخل رحمت شود و چون بنزد او بنشیند
رحمت او را فرو گیرد و چون مراجعت کند خدای تعالی هفتاد هزار
ملک بر او موکل گرداند که مشایعتش کنند و با او رفیق باشند تا آن ساعت
اندرون دیگری و برای او دعا و استغفار نمایند و گویند خوش باشی
و خوش باد ترا بهشت و مکانی در بهشت عطا فرماید که چهل روزه
راه سواری باشد و در روایت دیگر آمده که هفتاد هزار ملک موکل فرماید
که بخانه اش آیند و تا روز قیامت تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر گویند
و نصف عبادت ایشان برای او نوشته شود و یک ملک موکل فرماید
که او را در قبر عبادت کند تا روز قیامت برایش استغفار نماید
و مستحب است که چون بعیادت مریض روند سیبی یا بهی و مجملاً تحفه برای
وی ببرند تا بآن تسلی یابد و شکفته شود و در پیش او بسیار توقف

نباید کرد که مبادا او را دشوار باشد و هرکس بعیادت مریض رود و باین کلمات برای
او را دعا نکند مگر آنکه البته شفا یابد اگر مرگش مقدر نشده باشد اسئل الله العظیم
رب العرش العظیم ان یشفیک و چون از پیش او برخیزد بگوید کشف الله ضرک
و غفر ذنبک و حفظک فی دینک و بدنک الی منتهی اجلک و مریض نیز
برای ایشان دعا کند که دعاء مریض برای کسی که بعیادتش رود مستجابست
و هرکس یک شبانروز بیمارداری کند با ابراهیم خلیل علیه السلم مبعوث گردد و چون
برق از صراط بگذرد و هرکس در حاجتی برای مریض سعی کند خواه برآورده شود
و خواه نه از گناه پاک شود مثل روزی که متولد شده کسی پرسید یا رسول الله
اگرچه مریض از اهل بیت او کسی باشد ثوابش عظیم تر باشد فرمود بلی و اما انواع معالجات
امراض که مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم دو قسمست یکی آنکه تأثیرش
از راه توکل و انقطاع بخدا و التجا بمحض لطف او و توسل بولایت شفقت
اهل بیت علیهم السلم است و اثر طبیعت و مزاج را در این دخلی نیست و اگر در بعضی
آلات اندک دخلی هم باشد بی اخلاص و یقین تأثیرش مثل سایر ادویه نباشد
و هرکس را این اخلاص و یقین و التجا بحقیقت باشد و این قسم معالجات البته
منتفع شود چنانکه در زمان حضور خدمت ایشان علیهم السلم جمعی کثیر با کمال
با اندک واسطه می شده و عمل می نموده اند از آن عظیم مرضی نجی بوده که
منتفع می شده اند و در این ازمنه که بسبب ضعف معتقد و شیوع مناهی و غلبه حرص
و ترک تقوی بنیاد دلها اخلاص مشوب بتزلزل و یقین مغشوش بشک گشته نادر
باشد اگر مؤمنی از روی خلوص و یقین دعائی کند یا بمعالجه عمل نماید و تأثیر

اجابت و صحت مقرون یابد و صدق آنچه گفته شد از مضامین بسیاری احادیث
که ذکر آنها موجب اطناب و خروج ازین بابست و از آنجمله این حدیث که مذکور
میشود ظاهر و لایحست حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرموده روزی
عیسی علیه السلم با یکی از اصحابش در خدمتش براهی میرفتند تا بدریا رسیدند
عیسی از روی یقین بسم الله گفت و بر روی آب روان شد آن مرد نیز
از روی یقین بسم الله گفت و بر روی آب روان گشت تا آنکه ملحق شد پس
بخاطرش رسید که چه تفاوتست میان من و پیغمبر خدا ناگاه در آب فرو رفت
حضرت عیسی نگاه کرد فرمود آنچه بخاطرت رسیده استغفار کن استغفار
کرد همان برابر روی آب روان شد قسم دوم آنکه تأثیرش از راه مزاج و طبیعت است
و این قسم لامحاله بحسب اختلاف امراض و امزجه و امکان و ازمنه مختلف شود و
بسیاری مردم بسبب آنکه فرق میان این دو قسم نکرده اند دوا را در امراض
مخالف و امزجه نامناسب استعمال کرده اند و موجب تلف و هلاک گشته و بنای
ما در ینجا اکتفا بذکر قسم اول خواهیم اما ازین جهت که این رساله از شوق
روایات قسم دوم محروم نباشد چند دوا از آنها هم بر صحیح روایات بنگاریم
و عهده ملاحظه موافقت و احتیاط را بر ذمه کسی که معالجه کند گذاشتیم
قسم اول و آن دو نوع است نوع اول صدقه و ادعیه مرویست
که بیماران خود را بصدقه معالجه کنند که امراض و بلاها را دفع کند و منقولست
که بیمار بدست خود صدقه دهد و بسائل بگوید که تا او را دعا کند که دعای
سائل برای معطی مستجابست و تفصیل فضایل صدقه انشاء الله بعد ازین

بیامد وا تا ادعیه و اذکار بسیار است بذکر شطری از آن اختصار کنیم جمیع امراض
و اوجاع بگوید وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ و دست بر آن
موضع بمالد مرویست که هیچ کس از روی اخلاص چنین نکند مگر آنکه شفا یابد ایضا هر
علت و وجع هفتاد مرتبه الحمد بخواند مرویست که اگر بمیتی بخوانند روح در تنش
رجوع کند عجب نباشد و مرضی که با الحمد شفا نیابد بهیچ شفا نیابد ایضا بعد از نماز
صبح چهل مرتبه بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ
تَبَارَكَ اللّٰهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و دست
بر آن موضع بمالد راوی گوید مرا کوفتی عارض شد که اطبا از معالجه آن اعتراف بعجز
نمودند از مداوا مایوس گشتند پس من از غایت خوف و اندوه کتابی برداشتم
که مطالعه کنم در پشت آن کتاب این را دیدم مروی از حضرت صادق علیه
السلام چون نماز صبح گذاردم باین عمل نمودم هنوز نشسته بودم که آن
علت صحت یافت و میترسیدم که مبادا باز عود کند سه روز صبر کردم و باین
عمل می نمودم بعد از آن پیر خود را خبر کردم گفت نموده طبیبی حاذق یهودی
آورد و حکایت قصه باو نقل کرد چون ملاحظه نمود همان لحظه ایمان
آورد **جهت بیماری** بند پیرهن بگشاید و سر بیرون کرده بآواز بلند اذان و
اقامت بگوید و هفت مرتبه الحمد لله بخواند راوی گوید من تب داشتم چون چنین
کردم گویا از بند رهائی یافتم طریقه دیگر اول صبح پیش از آنکه با کسی حرف زند
هفت مرتبه الحمد بخواند و اگر صحت نیابد روز دیگر هفتاد مرتبه بخواند
حضرت صادق علیه السلام فرمود من بعد از این ضامنم شفای او طریقه دیگر

بکصاع

بکصاع گندم بوزند بی بیش و کم بکشد است اندکی بنرم کرده و بر آن بخواند
و گندم را بر روی سینه ریزد هر نحو که ریخته شود و بگوید اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَكَّنْتَ لَهُ
فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلَى خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي پس راست بنشیند و گندم را از اطراف
جمع کند و همین دعا بخواند پس چهار قسمت کند و همین دعا بخواند
و هر قسمی را بمسکینی دهد راوی گوید چون چنین کردم گویا از بند نجات
یافتم طریقه دیگر مادر بیمار دو رکعت نماز بگذارد و در سجود بگوید
اللّٰهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَهُ لِي وَلَمْ تَكُ شَيْئًا اللّٰهُمَّ هَبْهُ لِي هِبَةً جَدِيدَةً راوی
گوید من بیمار شدید داشتم حضرت صادق علیه السلام بدیدن من
آمد چون جزع مادر مرا دید باین طریقه تعلیمش فرمود چون صباح
شد همه پخته بودند من نیز با ایشان شراکت کردم و این طریقه در روایت
دیگر چنین آمده که مردم آمده بودند که بر جنازه من حاضر باشند حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بمادرم فرمود که غسل کن و بر بام خانه در زیر آسمان
دو رکعت نماز بگذار و بعد از آن بگوی اللّٰهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَهُ لِي وَلَمْ
يَكُ شَيْئًا اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْهِبُكَهُ مُبْتَدِئًا فَأَعِرْنِيهِ طریقه دیگر مادر بیمار
بالای بام رفته مقنعه از سر بردارد و موی سر بآسمان گشوده بگوید اللّٰهُمَّ
أَنْتَ أَعْطَيْتَهُ وَأَنْتَ وَهَبْتَهُ فَاجْعَلْ هِبَتَكَ الْيَوْمَ جَدِيدَةً إِنَّكَ
قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ هنوز سر برنداشته باشد که فرزند شفا یابد طریقه دیگر

بیمار خود بگوید اللهم ارحم جلدی الرقیق وعظمی الدقیق واعوذ بک من
فورة الحریق یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله فلا تأکلی اللحم ولا تشربی
الدم ولا تفوری من الفم وانتقلی الی من یزعم ان مع الله الها آخر فانی
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که این دعا را بر مریض بخواند شفا
یابد و مستحب است که مریض در ایام مرض مکرر بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک
له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت سبحان الله رب
العباد والبلاد والحمد لله حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه علی کل حال
والله اکبر کبیرا کبریاء ربنا وجلاله وقدرته بکل مکان اللهم ان
کنت امرضتنی لتقبض روحی فی مرضی هذا فاجعل روحی فی ارواح من
سبقت لهم منک الحسنی **تب لرزه** بر سه پاره کاغذ بنویسد و هر روز یکی را
بکار بسته بنوشد بسم الله الرحمن الرحیم هطلک هطلک هطلک هههه شفاء
من الله العزیز الحکیم بحق اططا طیطاهل ترضی اططا طیطاهل ترضی ایضا بر
مغز بادام بنویسد و هر روز سه عدد ناشتا بخورد در روز اول بر یک طرف بسم الله
و بر طرف دیگر بنویسد و روز دوم الرحمن بر طرفی و اسم آن بر طرف دیگر
و روز سیم الرحیم بر جانبی و اسم آن بر جانب دیگر ایضا بر سه پاره کاغذ با قلم
بادیک چنانکه بتواند بنویسد بسم الله الذی ذی العزة والکبریاء والنور و کاغذها
مدور بپیچد و هر روز یکی را ناشتا بخورد **تب غب** سیر را سائیده زردی تخم
بگیرد و بنام مریض یکی بنویسد سیوما و بر دیگری وحوما و بر دیگری ابراسا

و در آب بزنند

و در آب بزنند **تب ربع** بر دست راست بنویسد بسم الله جبرئیل
و بر دست چپ بسم الله میکائیل و بر پای راست بسم الله لا یرون فیها شمسا
ولا زمهریرا و بر میان هر دو کتف بسم الله العزیز الجبار و طریقه دیگر
بر کاغذی بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم ابجد هوز حطی عن فلان بن
فلانة باذن الله و بر پای آن کاغذ هفت مرتبه بنویسد خاتم سلیمان
و کاغذ را بر هم پیچد بعد از آن ریسمانی که از او پنبه زن خاتم سلیمانی
هیچ یک ندیده باشد که هی برابر زند بر جانب راستش چهار گره زند
و در وقت گره زدن ریسمان را پیش دهن برد و بر هر گره الحمد و معوذتین
و قل هو الله و آیة الکرسی بخوانند و بر بازوی راست بندد و آیة الکرسی بخوانند
و با آن جماع نکند **وجع** در هر عضو که باشد بگوید بسم الله و دست
بر آن عضو بمالد بعد از آن هفت مرتبه بگوید اعوذ بعزة الله واعوذ
بقدرة الله واعوذ بجلال الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بجمع الله
واعوذ برسول الله واعوذ باسماء الله من شر ما احذر ومن شر ما
اخاف درد سر و درد گوش دست بر آن گذارد و هفت مرتبه بگوید اعوذ
بالله الذی سکن له ما فی السموات وما فی الارض وهو السمیع العلیم درد
شقیقه دست بر آن جانب گذاشته سه مرتبه بگوید یا ظاهرا موجودا و یا باطنا
غیر مفقود اردد علی عبدک الضعیف انا دیک الجمیلة واذهب
عنه ما به من اذی انک رحیم قدیر درد چشم باعتقاد شفا آیة الکرسی
بخواند شفا یابد ایضا آیه نور و ان یکاد را با ترتیب حضرت امام حسین

علیه السلم واین حروف را برجای نویسد وجام را بشوید ودر شیشه کند وبامیل در چشم
کند وایضا از بعضی صلحا منقول است که در خواب کسی با او گفت که بگوی اعیذ
نور بصری بنور الله الذی لا یطفی ودست بر چشم مال وآیة الکرسی بخوان
چنین کرد شفا یافت ومکرر تجربه نیز کرده اند سکینی کوش دست بر کوش کذارد
وبکوید لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر درد دندان انکشت ابهام
بران کذارد وبکوید بسم الله وبالله اسألك بعزتك وجلالك وقدرتك
علی کل شیء ان مریم لم تلد غیر عیسی روحك وکلمتك ان تکشف ما یلقی
فلان بن فلانة من الضر کله خون بینی وازهر عضو که آید بکوید بسم الله الرحمن الرحیم
ما قطعتم من لینة او ترکتموها قائمة علی اصولها فباذن الله ولیخزی
الفاسقین وبرای موضع بر می درد دهن دست بران کذارد وبکوید بسم الله
الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه داء اعوذ بکلمات الله التی
لا یضر معهما شیء قدوس قدوس قدوس اسألك یا رب باسمك الطاهر
المقدس المبارك الذی من سألك به اعطیته ومن دعاك به اجبته
اسألك یا الله یا الله یا الله ان تصلی علی محمد النبی واهل بیته و
ان تعافینی مما اجد فی فمی وفی رأسی وفی سمعی وفی بصری وفی بطنی
وفی ظهری وفی یدی وفی رجلی وفی جوارحی کلها از سیاقت این
دعا چنین مفهوم می شود که برای درد هر عضو توان خواند درد دل وسینه
این آیات ابر ابر بخواند وبیاشامد لئن انجینا من هذه لنکونن من
الشاکرین سیهزم الجمع ویولون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة

ادهی

ادهی وامر ان الله یمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما
من احد من بعده انه کان حلیما غفورا درد شکم قدری آب کرم بیاشامد
بعد از ان بکوید یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب الارباب یا اله الآلهة
یا ملك الملوك یا سید السادات اشفنی بشفائك من کل داء وسقم فانی
عبدك وابن عبدك اتقلب فی قبضتك درد تهیکاه دست بران نهد
وسه مرتبه بکوید اعوذ بعزة الله وقدرته علی من یشاء من شر ما اجد
ایضا دست بالد وسه مرتبه بکوید بسم الله وبالله محمد رسول الله
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امح عنی ما اجد فی
خاصرتی درد پشت دست بران کذارد وبکوید وما کان لنفس ان تموت
الا باذن الله کتابا مؤجلا ومن یرد ثواب الدنیا نؤته منها وسنجزی
الشاکرین وهفت مرتبه انا انزلناه بخواند درد ناف دست بران کذارد
وسه مرتبه بکوید وانه لکتاب عزیز لا یاتیه الباطل من بین یدیه
ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید درد ران در آب کرم بنشیند ودست
بر موضع درد کذاشته بکوید اولم یر الذین کفروا ان السموات و
الارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا
یؤمنون درد فرج دست چپ بران کذارد وسه مرتبه بکوید بسم الله وبالله
بلی من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف علیهم
ولا هم یحزنون اللهم انی اسلمت وجهی الیك وفوضت امری الیك لا ملجا
ولا منجا الا الیك درد شانه وقت خوابیدن سه مرتبه وچون بیدار شود بکوید

بکوید الم تعلم ان الله له ملك السموات والارض وما لكم من دون الله من ولی
ولا نصیر نفخ شکم بکوید بسم الله الذی اتخذ ابراهیم خلیلا وکلم موسی تکلیما و
بعث محمدا بالحق نبیا بعد از ان سه مرتبه بکوید یا ریح اخرجی باذن الله
زخم بعد از ان نماز شب بکوید اللهم ما کان من خیر فمنك لا احمد لك فیه و
ما کان من سوء فقد حذرتنیه ولا عذر لی فیه و باسیر بکوید کریا جواد یا
ماجد یا رحیم یا قریب یا مجیب یا باری یا ارحم صل علی محمد وآله واردد
علی نعمتك واکفنی امر وجعی طریقه دیکر سوره یس را عسل نوشته و
بیاشامد سنك شانه وفالج در بعود نماز شب بکوید اللهم انی ادعوك
دعاء الذلیل الفقیر العلیل دعوك دعا من اشتدت فاقته و
قلت حیلته وضعف عمله والح علیه البلاء فالج و قولنج و بادهای مفاصل
الحمد و قل هو الله و معوذتین بران بخواند بعد از ان بر استخوان شانه یا بر لوح
بنویسد اعوذ بوجه العظیم وبعزته التی لا ترام وقدرته التی لا یمتنع منها
شیء من شر هذا الوجع ومن شر ما فیه ومن شر ما احذر منه و باب باران
بشوید و ناشتا بیاشامد و بخواند سیر نزه سه مرتبه سوره اذا جاء نصر الله و
مرتبه این ایات ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة
الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون بر کف دست های
صاحب بیمار بخوانند و هر دو دست را هفت مرتبه بر سر شما لد طریقه دیکر روز
چهارشنبه اخر ماه پیش از طلوع افتاب بنویسد و بر بازوی چپ بندد و بعد از
ان روز بکشاید و دراب روان اندازد و اکر در نشو چهارشنبه دیکر چنین کنید

[illegible]	[illegible]	[illegible] ک
[illegible]	[illegible]	[illegible] ع
[illegible]	[illegible]	[illegible] ٥
الطالع	[illegible]	[illegible] ن

انشاء الله شفا یابد الم المص الر الر المر الر الر حم حم حم عسق حم حم
حم کهیعص طه طسم طس طسم الم الم الم الم یس ص ق ن ان الله یمسك السموات
والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان
حلیما غفورا ووضع الکتاب فتری المجرمین مشفقین مما فیه ایها
الطحال ارجع الی الموضع بحرمة محمد وآل محمد صلی الله علیهم بیج شکم
یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر اولم یر الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا
یؤمنون وابرا بیاشامد و دست بر شکم مالد و طریقه دیکر هفت مرتبه بر اب
بخواند بسم الله المتعلمون لئن لا یعلمون فاعدون وقف علیهن بالکلوت
نورا طرنا بنالون صاحبهم من الثوب العلوی کذلك یشفی فلان
بن فلانه بعد از ان روغن بر اب بریزد وچون ممزوج شود بر شکم
بمالد و بیاشامد حبس البول هر دو بار انرا بنویسد و بر ساق چپ بنویسد ففتحنا ابواب
السماء بماء منهمر لمن کان کفر دشواری بول بکوید ربنا الله الذی فی
السماء تقدس اللهم اسمك فی السماء والارض اللهم کما امرك
فی السماء اجعل رحمتك فی الارض اغفر لنا حوبنا وخطایانا انت رب الطیبین
انزل رحمة من رحمتك وشفاء من شفائك علی هذا الوجع فلیبرء درد زانو
بعد از نماز بکوید یا اجود من اعطی ویا خیر من سئل ویا ارحم من استرحم
ارحم ضعفی وقلة حیلتی واعفنی من وجعی درد ساقین هفت مرتبه بر اب بخواند
اتل ما اوحی الیك من کتاب ربك لا مبدل لکلماته ولن تجد من دونه ملتحدا

انشاء الله

دردسر یا بران بخوانند إِنَّا فَتَحْنَا عَزِيزًا حَكِيمًا دردی وکف با دست بران
کذارد چنانکه احساس الم کند و بگوید بسم الله وبالله وما قدروا الله
حق قدره والارض جميعا قبضته يوم القيمة والسموات مطويات
بيمينه سبحانه وتعالى عما يشركون ورم در هر جایی بدن که باشد
چون برای نماز فریضه وضو کند پیش از نماز و بعد از نماز بران بخوانند
لو انزلنا هذا القران تا اخر سوره حشر عرق النسا دست بران کذارد
و بگوید بسم الله وبالله اعوذ باسم الله الكبير واعوذ باسم الله العظيم
من شر كل عرق نعار ومن شر حر النار سه مرتبه بگوید یا الله
یا رب الارباب یا سید السادات ویا اله الالهة ویا ملك الملوك
ویا جبار السموات والارض اشفني وعافني من دائي هذا فاني
عبدك انقلب في قبضتك وناصيتي بيدك ختنازير بعد از هر فریضه
در سجده بگوید یا رؤف یا رحيم یا ربی یا سیدی صل علی محمد وال
محمد وعافني من علتي برص دو رکعت نماز بگذارد بعد ازان بگوید
یا الله یا رحمن یا رحیم یا سامع الاصوات یا معطي الخيرات اعطني
خير الدنيا والاخرة وقني شر الدنيا والاخرة واذهب عني ما اجد فقد
غاظني واحزنني طريقه دیکر سوره یس با عسل بر جامی نوشته و شسته
بیاشامد دمل وجراحت چون بجامه خواب رود بگوید اعوذ بوجه الله
العظيم وبكلماته التامات التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر
كل ذي شر جوش انکشت سبابه بران بگذارد و بر دور ان بکرداند

وهفت

و هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله الحليم الكريم و در مرتبه اخر انکشت را بران
بفشرد و بوك يكبار ونمك بر داشته بران بمالد و سه مرتبه بران بخوانند لو انزلنا
هذا القران تا اخر و نمك را در تنوری اندازد و برعت بر کردد طریقه
دیکر چون ماه در تحت الشعاع باشد هفت دانه جو بر دارد و بهر دانه
هفت مرتبه بخوانند اذا وقعت الواقعة تا هبا منبثا و يسئلونك عن
الجبال فقل ينسفها ربي نسفا فيذرها قاعا صفصفا لا ترى فيها
عوجا ولا امتا بعد ازان یك یك ازان جو هارا بران دانه ها بمالد
پس در پارچه زیر بسنك بندد و در چاه بیت الخلا اندازد راوی
کوید چنین کردم روز هفتم یا هشتم همه مثل کف دست شد بود صرع
الحمد ومعوذتين بر قدح اب بخوانند و برسر وروی مصروع بپاشد
طریقه دیکر بر مصروع بخوانند عزمت عليك يا ريح بالعزيمة التي عزم
بها علي بن ابي طالب ورسول الله صلى الله عليه واله على جن وادي
الصفراء فاجابوا واطاعوا لما اجبت واطعت وخرجت عن فلان
بن فلان عرق مدنی که بفارسی رشته کویند پیشتر از انکه متعرض
کشتن آن شوند بکلی از بدن بکند و ریسمانی تا بیده هفت کره بران بزنند
و بر هر کره سه مرتبه الحمد بخوانند بعد ازان سه مرتبه این دعا بر انکس
بخوانند بسم الله الابدي المحصي العدد القريب لا بعيد الظاهر عن
الولد تعالى ان يولد عن المنجز لما وعد العزيز بلا عدد القوي بلا
مدد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا خالق الخليقة يا عالم

السر والخفية یا من السموات هیبته مرتخاة یا من الارض بعزته مدحوة
یا من الجبال بارادته مرساة یا من تجری به صاحب العرق من کل افة
وبلیته صل علی محمد وال محمد خیر خلقك واشف اللهم فلان بن فلانة بشفائك
وداوه بدوائك وعافه من بلائك انك قادر علی ما تشاء وانت ارحم
الراحمین وصلی الله علی محمد النبی واله طریقه دیگر چون شروع بجاریدن
کند وهنوز بیرون نیامده باشد بران بنویسد ویسئلونك عن الجبال تا ولا
امتا چنانکه قبل ازین گذشت وصبر بران بما الند غلبه بول در خواب بر جامه نوی
با زعفران بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم واین ایه را مکرر بنویسد تا آنقدر که
جامه پر شود ان الله یمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا
ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا پس آن را بسوزد نیك
نگاه دارد بعد ازان هر بار چیزی بخورد بامداد ناشتا بعد ازین ایه را والحمد
مرتبه قل هو الله ومعوذتین وایة الکرسی ولو انزلنا هذا القرآن تا آخر
سوره وقل الحمد لله او ادعوا الرحمن تا آخر سوره بعد ازان بنویسد بسم الله الرحمن
الرحیم ان الله یمسك السموات والارض تا آخر ایه پس بنویسد یا من هو
هکذا عبره امسك عن فلان بن فلان ما یجده من غلبة البول پس اگر مرد
باشد این تعویذ را در پشت ظهار بر ذکرش ببندد و اگر زن باشد
بر زانوش پس قدری زعفران و روناس و آن سعد هر یك را جدا بکوبند
وسعد را از حریر صاف کنند وهر دو را باهم با عسل چون موم معجون ساخته
گلولها بسازد و در وقت خوابیدن یك گلوله ازان معجون وقدری

ازان

[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

ازان آب بنوشد و درین ایام آب کمتر بخورد وچون علت زایل شود بعد ازان
یکسال باید که جنس البول نشود ابدا این شکل را بنویسد و بر بازویش ببندد اگر پسری
نیامده باشد بیاید و اگر آمده باشد و پاره ازان نیاید سایر امراض
درو بعد ازان کم سقف نباشد دستها بر داشته بگوید اللهم انك عیرت اقواما
فی کتابك فقلت قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف
الضر عنکم ولا تحویلا فیا من لا یملك کشف ضری ولا تحویله عنی احد غیره
صل علی محمد وال محمد واکشف ضری وحوله الی من یدعو معك الها
اخر فانی اشهد ان لا اله غیرك گویند چون هفت مرتبه الحمد بخواند و
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم را در نماز عقربی گزید چون از نماز فارغ
شد عقرب را لعن کرد وفرمود در نماز و غیر نماز کسی را نمی گذارد پس نمك بران
مالید وقل یا ایها الکافرون ومعوذتین بران بخواند سوخته نمك گویند
خوش کند وبران عضو بگوید اذهب الباس رب الناس اشف انت الشافی
لا شافی الا انت نسیان بخواندن این دعا مداومت نماید در روایت دیگر
آمده که با عسل سفید پاك بر قدحی پاك بنویسد و با آب باران بشوید
ازانکه بر زمین نرسد بنوشد و سه روز ناشتا بیاشامد خدای تعالی قرآن
وعلم عطا فرماید اللهم انی اسئلك ولم یسئل العباد مثلك اسئلك بحق
محمد نبیك ورسولك وابراهیم خلیلك وصفیك وموسی کلیمك و
نجیك وعیسی کلمتك وروحك واسئلك بصحف ابراهیم وتوریة موسی
وزبور داود وانجیل عیسی وقرآن محمد صلی الله علیه واله وبکل وحی

اوجبته وقضاء امضیته وحق قضیته وغنی اغنیته وضال
هدیته وسائل اعطیته واسئلك باسمك الذی وضعته علی اللیل
فاظلم وباسمك الذی وضعته علی النهار فاستنار وباسمك الذی
وضعته علی الارض فاستقرت ودعمت به السموات فاستقلت و
وضعته علی الجبال فرست وباسمك الذی تنبت به الارزاق واسئلك
باسمك الذی تحیی به الموتی واسئلك باسمك دعاك به عبادك
الذین استجبت لهم وانبیاؤك فغفرت لهم ورحمتهم واسئلك بكل
اسم انزلته فی كتبك وباسمك الذی استقر به عرشك وباسمك
الواحد الاحد الفرد الوتر المتعال الذی یملأ الارض كلها
الطاهر الطهر المبارك المقدس الحی القیوم نور السموات والارض
الرحمن الرحیم الكبیر المتعال وكتابك المنزل بالحق وكلماتك التامات
ونورك التام وبعظمتك واركانك واسئلك بمعاقد العز من
عرشك ومنتهی الرحمة من كتابك ان تصلی علی محمد وال محمد
وان ترزقنی حفظ القران واصناف العلم وان تثبتها فی قلبی وسمعی
وبصری وان تخالط بها لحمی ودمی وعظامی ومخی وتستعمل بها
لیلی ونهاری برحمتك وقدرتك فانه لا حول ولا قوة الا بك
یا حی یا قیوم طریقه دیگر بجهة قوة حافظه و زوال نسیان در نماز صبح
بخواند ربنا لا تؤاخذنا تا اخر سوره بقره مواظبت نماید بعد از ان بگوید
اللهم لا تنسنی ما اقرء فی یومی هذا فانك قلت سنقرئك فلا تنسی طریقه

دیگر

دیگر بعد از هر نماز بگوید سبحان من لا یعتدی علی اهل مملكته سبحان
من لا یاخذ اهل الارض بالوان العذاب سبحان الرؤف الرحیم اللهم
اجعل لی فی قلبی نورا وبصرا وفهما وعلما انك علی كل شیء قدیر
طریقه دیگر هر روز بعد از نماز صبح پیش از آنكه حرف زند بگوید یا حی
یا قیوم فلا یفوت منی شیء علمه ولا یؤوده نوع دوم از قسم اول دوائی
كه عمده تاثیر شان در ازجمله مزاج و طبیعت است اگرچه بعضی از ان از مزاج بدن
مدخلیتی داشته باشد و از آنجمله چند دوا ذکر نمایم طریقه دیگر تربت مقدس
حضرت امام حسین علیه السلام مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام كه این تربت
مقدس دوای اكبر است و بر هیچ مرضی نگذرد مگر آنكه آنرا دفع كند و دوای همه علت
وحرز از هر خوف است كسی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسید كه بعضی
مردم از این تربت منتفع می شوند و بعضی منتفع نمی شوند فرمود والله كه هیچ
كس با اعتقاد اینكه خدای تعالی با این تربت او را شفا میدهد تناول نكند
مگر كه البته شفا یابد و دیگری بخدمت آن حضرت صلوات الله علیه عرض
داشت كه از شما شنیده ام كه تربت مبارك بر هیچ علتی نگذرد مگر آنكه او را هضم و
تحلیل كند فرمود بلی چنین است گفت من تناول كردم و منتفع نگشتم فرمود
این تربت دعائی دارد كه اگر آنرا نخوانند تواند بود كه اثر نكند چون خواهی تربت
مقدس را بر داری بگوی اللهم انی اسئلك بحق الملك الذی قبضها واسئلك
بحق النبی الذی خزنها واسئلك بحق الوصی الذی حل فیها ان تصلی علی محمد
وال محمد وان تجعله شفاء من كل داء وامانا من كل خوف وحفظا

مِن کُلِّ سوءٍ پس در بارچه ببندد وانّا انزلناه بر آن بخوان و چون خواهی
تناول نمایی اول ببوس کن و بر هر دو چشم بگذار و بیش از قدر یک نخود تناول
نکنی که هر که بیش از یک نخود بخورد چنان است که از گوشت و خون ما خورده
باشد و در روایت دیگر نیز آمده که اگر کسی نه بقصد دوا بخورد چنان است
که از گوشت و خون ما بخورد و ایضاً دیگری روایت کند که من بخضرت
امام محمد باقر علیه السلام شکایت کردم از دو علت که هر یک ضد دیگری
بود و هر یک را که معالجه میکردم بدیگری ضرر میرسید فرمود چرا از تربت
امام حسین علیه السلام نمیخوردی گفتم بسیار خوردم و نفع نیافتم چون
این سخن گفتم اثر غضب در آنحضرت مشاهده کردم گفتم اَعُوذُ بِاللهِ مِن
غَضَبِکَ یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ پس آنحضرت برخاست و بخانه رفت و قدری
نخودی از تربت مقدس را آورد بمن داد و فرمود بخور چون بخوردم
همان ساعت شفا یافتم فرمود این همانست که گفتی بسیار خوردم و شفا
نیافتم پس من گفتم بابی لا اخذ القسم که دروغ نگفتم لیکن مگر شما را در آن
علمی هست اگر بمن احسان فرمایی دوستتر دارم از هر چه آفتاب بر آن
تابد فرمود چون خواهی تربت مقدس برداری باید که در آخر شب
غسل کنی و جامه پاک پوشیده بوی خوش بکار بری پس بمشهد مبارک
آنحضرت روی در بالای سر مبارک چهار رکعت نماز بگذاری در
رکعت اول بعد از الحمد پانزده بار قل هو الله و یا ایها الکافرون و در دوم
یکبار انا انزلناه و این قنوت بخواند لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحدَهُ وَحدَهُ اَنجَزَ

وعده

وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ
السَّبْعِ وَالْاَرَضِینَ السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ وَسُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَرْشِ
الْعَظِیمِ وَصَلَّی اللهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِیمًا وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ پس دو رکعت را تمام کن و سلام بگو بده
و در دوم پانزده مرتبه اذا جاء نصر الله و همان قنوت را بخوان و چون
سلام دهی سجده کن و هزار مرتبه شکر لله بگو پس بردار و دستها را بر تربت
مقدس گذاشته بگوی یَا مَولَایَ یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ اِنِّی اٰخُذُ مِن تُربَتِکَ بِاِذنِکَ
اَللّٰهُمَّ اجعَلهَا شِفَاءً مِن کُلِّ دَاءٍ وَعِزًّا مِن کُلِّ خَوفٍ وَغِنًی مِن فَقرٍ لِی
وَلِجَمِیعِ اِخوَانِی المُؤمِنِینَ پس سه مرتبه هر مرتبه بانگشتان از آن تربت بردار و
بر خرقه پاک بربند یا در شیشه کن و سر آن را بانگشتری که نگینش عقیق باشد و این
کلمات بر آن نقش باشد ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله مهر کن
و چون خدای تعالی میداند که نیت تو صادق است مجموع آن تربت که
برداشته هفت مثقال باشد نه زیاده و نه کم چون چنین برداری
شفای جمله امراض باشد و در روایت دیگر شده که این کلمات را با تربت
بر کاسه چینی بنویسند و با گلاب یا غیر آن شسته بیاشامند باذن الله شفا
یابد اگر چه شروط مذکوره بعمل نیامده باشد بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیمِ بِسمِ اللهِ الشَّافِی
بِسمِ اللهِ الکَافِی بِسمِ اللهِ المُعَافِی بِسمِ اللهِ الَّذِی لَا یَضُرُّ مَعَ اسمِهِ شَیءٌ فِی الاَرضِ
وَلَا فِی السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِیعُ العَلِیمُ وَنُنَزِّلُ مِنَ القُرآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحمَةٌ
لِلمُؤمِنِینَ و در وقت خوردن تربت بگوید بِسمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ

هٰذِهِ التُّرْبَةَ الْمُبَارَكَةَ الطَّاهِرَةَ وَرَبَّ النُّورِ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ وَرَبَّ الْجَسَدِ
الَّذِي سَكَنَ فِيهِ وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُوَكَّلِينَ بِهِ اِجْعَلْهُ لِي شِفَاءً مِنْ
دَاءٍ كَذَا وَاکر علت را نام برد پس جرعه آب و اندکی از آن بیاشامد وبکوید اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ که خدای تعالی
ببرکت آن تربت هر علت والم وغم وهمی را دفع نماید ودر روایتی دیکر آمده
که این دعا را سه مرتبه بخوانند وبر تربت ببوسند وبر دو چشم کذارند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ
اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ دوم همین تربت مقدس قدری زعفران وقدری عسل با آب
یا آب باران معجون ساخته در امراض مداوا نمایند سیم هفت حبه از همین
تربت مقدس که هر حبه بقدر عدسی باشد وهفت دانه سیاه دانه وهفت قطره
عسل همه را در آب باید در روغن کنند والحمد ومعوذتین وقل هو الله وآیة الکرسی
واول سوره حدید تا ترجع الامور ولو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره بر آن بخوانند
واستعمال نمایند چهارم آب نیسان مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه
وآله وسلم که فرمود شما را دوائی بیاموزم که با وجود آن محتاج با طبا نشوید
پس حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه وجمعی دیکر از صحابه پرسیدند که آن
کدام است فرمود آب باران نیسان بکیرید وبر آن بخوانید الحمد وآیة الکرسی وقل هو الله
وهر یک از معوذتین وقل یا ایها الکافرون هر یک را هفتاد مرتبه وبروایتی دیکر
انا انزلناه والله اکبر ولا اله الا الله وصلوات بر حضرت پیغمبر وآلش صلی الله علیهم
نیز هر یک هفتاد مرتبه وهر روز یکی در صبح وشام از آن بیاشامد که بان

که مرا
که مرا بحق نبوت فرستاد که جبرئیل کفت از جناب الهی که هر علت ومرض که در جمیع
رکها واستخوانهای او باشد بیرون رود وشفا یابد واکر در لوح محفوظ نام
او علتی ثبت باشد محو شود واکر فرزندش نشود ببشود واکر چه عقیم باشد واکر عنین
باشد عافیت یابد واکر زن بقصد بچه بخورد بچه آرد ودوای جمیع امراضست
ودر هر عضو که باشد حتی کوری ولالی وشلی ودیوانکی وامانست از همه
مکاره واز نزول آب بچشم واز وسواس جن وشیاطین ودلش پر نور
وروشن کردد والهام الهی در دلش راه یابد وحکمت از دل بر طرف زبانش
جاری شود وهزار رحمت وهزار مغفرت بر وی فرستند وغش وحسد وخیانت
وغیبت وکبر وبخل وحرص وغضب وعداوت وظلم از دلش برد
پنجم آب باران هر باران که باشد بیش از آنکه بر زمین رسد بکیرند والحمد وقل هو الله احد
ومعوذتین هر یک را هفتاد مرتبه بر آن بخوانند ویک قدح صبح ویکی شام بیاشامد
هر حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود بخدائی که مرا به نبوت اختصاص فرمود
که برای هر علت والم که باشد شما را از بدن واستخوان وعروق بیرون برد
وفضایل آب زمزم وفرات ومنفعت آب نیل وکرم قبل از این کذشت قسم دوم
ادویه که فایده شان از جهت مزاج وطبیعت است وبجهت اختلاف امزجه وبلاد وفصول لا
محاله مختلف شود پس در استعمال آنها ملاحظه مناسبت باید نمود تا مؤدی بنفسا
ومضرت نشود واز آن جمله چند دوا ذکر کنیم اول شام مرویست که اکر جهت
دفع مرض تواند کرد شاید وداکر مردم بدانند که چه منفعت در وست
یک مثقال از آن بدرو مثقال طلا بخرند امانست از بهق وبرص وجذام وجنون و

و قابج ولعوه سنا و سوس سرخ بی دانه و هلیله زرد و سیاه و کابلی اجزا
مساوی معجون ساخته بمقدار سه درم ناشتا و سه درم وقت خواب تناول
کنند دوم بزر قطونا اگر صاحب مقدار دو درم در شب اول تناول
کند در آن کوفت از مرض برسام ایمن باشد سیم سیاه دانه مرویست
که دوای هر علتی است مگر مرگ راوی پرسید که چون استعمال کنیم فرمود
سه شب هر شب بیست و یک دانه در پارچه بسته در آب بخیسان و روز اول
در هر سوراخ دماغ یک قطره بچکانند و روز دوم در جانب راست
دو قطره و در جانب چپ یک قطره و روز سیم در راست یک قطره و در چپ دو قطره
چهارم اطریفل مرویست از حضرت صادق علیه السلم که موسی بن عمران
علیه السلم از رطوبت و بلغم بخدای تعالی شکایت کرد فرمود هلیله و بلیله
و املج اجزا مساوی گرفته با روغن گاو چرب کن و با عسل معجون ساز و
استعمال نمای پس حضرت صلوات الله علیه فرمود این همان معجون است که شما
اطریفل صغیر میگویید شفای هر علت است مگر موت پنجم کسی از تب
ربع شکایت کرد حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرمود قدری قند صلایه
کرده در آب بریزد و بهم زن تا خوب بشربت شود صبح و شام بیاشام ششم
عسل مرویست که عسل دوای هر کوفت است و اگر کسی هر ماه یک مرتبه عسل بخورد
از همه امراض ایمن شود هفتم کسی که عطسه بسیار کند روغن مرزنجوش
در دماغ بچکاند تخفیف یابد و مرویست که عطسه و زکام را معالجه
میکند که امان است از جذام و از بادی که در سر و رو بهم رسد و نزول آب

وموی

و موی نآید که در چشم و سده دماغ و نیز مرویست که هر کس را که از جذام
در سر و رو که از برص در بدن باشد چون رگ جذام هیجان آید بخدای تعالی
زکام را بر او مسلط گرداند تا ماده جذام دفع شود و چون رگ برص هیجان
کند دمل را بر او مسلط گرداند تا ماده برص را دفع کند پس چون زکام یا دمل بهم رسد
خدا را حمد گوید هشتم صبر سقوطری و مرو کافور رباحی مساوی
هم کوفته و از حریر بیخته مثل سرمه در چشم کشند رمد و درد چشم و ضعف
باصره را نافع باشد و در روایتی همین صبر و مرو سنگ کور دانسته کافور
فرموده اگر ماهی یک مرتبه در چشم کشند امراض را از سر دفع نماید نهم
مرویست از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که زعفران و سعد
هر یک قدری با عسل معجون ساخته هر روز دو مثقال تناول کند
از شدت حافظه بهم آن شود که ساحر باشد دهم حجامت و فصد
مرویست که چون آثار بادی ظاهر شود خون از بدن بیرون کند
که گاه باشد که غافل نقصان کند و مودی به هلاکت شود و نیز مرویست
که مردم هیچ چیز نداده‌اند بهتر از یک حجامت خون یا یک انگشت عسل
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرمود که حجامت سر دوای هر مرضی است
مگر موت پس از ابروی خود و جب کرد و با آنجا که ابهام رسید فرمود که این
موضع را حجامت کنید و چون حجامت کنند با چیزی خورده باشد که
خون در موضع حجامت جمع شود و کوفت و الم از بدن بیرون رود و
اگر چیزی نخورده حجامت کنند خون برود و کوفت بماند و بعد از حجامت

قند بخورند که خون تازه از آن متولد شود و حجامت روز شنبه و یکشنبه
شفای هر علت است و پنجشنبه پیش از زوال حجامت کنند که خون در موضع
حجامت جمع شود و چون زوال شود متفرق گردد و پنجشنبه آخر ماه که وقت را
از پنج بر اندازد و مرویست که روز شنبه اگر حجامت کنند خون نزاید تا آنکه
بمیرد یا آنچه خدا خواهد شود و روز چهارشنبه حجامت موجب برص باشد
و روایت دیگر آمده که این برای کسی است که مادرش او را بایام حیض بر و حامله
شده باشد و روز جمعه وقت زوال اگر حجامت کند بعلتی مبتلا شود غیر خود
کسی را ملامت نکند و مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
که از اول ماه تا نصف ماه از حجامت احتراز کنید که هر روز موروث برص
و علتی باشد و از روز شانزدهم تا آخر ماه حجامت کنید که هر روز شفا
و منفعتی باشد مگر شنبه و چهارشنبه که موروث برص است و روایت
دیگر آمده که اگر حجامت در روز شنبه هفدهم یا نوزدهم یا بیست و یکم
ماه اتفاق افتد دوای امراض باشد تا یکسال و نیز مرویست که آیة الکرسی
بخوانید و هر روز میخواهید حجامت کنید که ضرر نکند و مرویست که چون
طفل چهار ماهه شود هر ماه حجامتش کنید که برای صحتش بهتر است
و فصد نیز در اکثر احکام مثل حجامت است و چون حجامت کنند و خون
بیرون آید هنوز فارغ نشده بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله
الکریم فی حجامتی هذه من العین فی الدم و من کل سوء و این
بود آنکه گنجانید و تتمه طبیعت که در احادیث مذکور است و بسیار اغذیه و دوا عمده

نیز در فصل

نیز در فصل فضایل ماکولات گذشت و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست
که نبود هیچ دوایی نیست که تهییج مرضی نکند و هیچ دوایی در بدن انفع از پرهیز نیست که از
خوردن باز داری مگر بقدر ضرورت و هم از آن حضرت علیه السلام مرویست
که تا بدن تاب مرض می آورد استعمال دوا نمی کند **فصل دوازدهم** در سایر حرکات
و عادات که مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام باید که ابتدای کارها بسم الله
بگویید تا از شرکت شیطان ایمن شوید و در کارهای عظیم و عزیز ابتدا بصدقه
و دعا و استعاذه کنید که اگر ضرری در آن باشد دفع گردد و شروع در کارها
اول روز بهتر است که احادیث متعدد وارد شده که اول روز مبارک است
و مرویست از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که در هر ماه دو روز نحس است
که اگر کاری در آن روز شروع شود با تمام نرسد و اگر طفلی متولد شود نماند و اگر
کسی بجنگ رود ظفر نیابد و اگر درختی بنشانند نمو نکند باین تفصیل محرم یازدهم
و چهاردهم صفر اول و بیستم ربیع الاول دهم و بیستم ربیع الثانی اول و یازدهم
جمادی الاول دهم و یازدهم جمادی الثانی اول و یازدهم رجب یازدهم و سیزدهم
شعبان چهاردهم و بیستم رمضان سیم و بیستم شوال ششم و هشتم ذی القعده
ششم و بیستم ذی الحجه هشتم و بیستم و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست
که در هر ماه یک روز نحس است که هر کس از آنها اجتناب کند ایمن باشد و هر کس در آنها
کاری کند از مکروهی ایمن نباشد باین تفصیل محرم بیست و دوم صفر دهم ربیع الاول
چهارم ربیع الثانی و جمادی الاول بیست و هشتم ذی الحجه هشتم و ایضا از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که در هر ماه هفت روز نحس است چنانکه شعر است

اما این حساب در ماه قدیم است که ظاهرا اول سال ترک روز نوروز است و هر ماه را
سی روز تمام می شمرند تا آخر سال و احادیث بسیار نیز در نحوست روز عاشورا
و دوشنبه و چهارشنبه آمده چنانکه ان شاء الله بعد از این مذکور شود و در روایت
دیگر آمده که با روزها دشمنی میکنید تا آنها با شما دشمنی نکنند و از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که هر کس در روز یکشنبه جامه ببرد مبارک
شود و در آنجا غمگین شود و در روز دوشنبه مبارک باشد و روز سه شنبه
دزدیده شود یا بسوزد یا در آب ضایع گردد و چهارشنبه دران جامه علی
اولاد روزی شود و در پیش مردم مکرم باشد مگر آنکه آنرا بکسی دهد انتهی
از بسیاری احادیث معلوم است اینست که هر کاری چون توکل بر خدا کنند
و متوسل بر نجات بدعا و صدقه شوند از همه ضررها ایمن گردند و مناسب
این مقام است تحقیق عمل نجوم و آن چنان است که احادیث بسیار که ذکر همه آنها
درین رساله نگنجد و براهین عقلیه نیز صحیحست درین که خدای تعالی بمقتضای
حکمت کامله و مصلحت شامله در کارخانه صنعت خود هر کاری را بکار فرمای رجوع
ساخته و برای نظم هر امری تعیین فرموده و از آنجمله حوادث و جزئیات عالم
کون و فساد را از خیرات و شرور بملائکه آسمانها که آفتاب و ماه و کواکب و نجوم هم
جنود و اعوان و خدام ایشانند رجوع کرده اند و ایشان را بر نسق و نظام
نشأه دنیا مقرر نموده و هیچ جزئی از جزئیات درین عالم حادث نشود مگر بتاثیر
و امر ایشان باذن الله العزیز الحکیم اما بجهت سبب اهل بیت نبوت و حکمت الهی
از تعلم و پیروی آن منع فرموده اند اول آنکه منجمین نیز معترفند بان که احکام تاثیرات

کواکب

کواکب و حرکات افلاک و خصوص نسبتها و اوضاع آنها با هم معاونت کنند و
با یکدیگر تفاوت نمایند چرا باشد که نظری و وضعی خاص مقتضی اثری باشد
و نظری و وضعی دیگر مقتضی خلاف آن باشد و با او معاونت کند یا آنکه بر
زیادتی نماید و همه میدانیم که کواکب را حصر و عدد و خصوص تاثیرات و احکام ایشان را
از انسان غیر اهل بیت نبوت دیگری نمیدانند و اطلاع بر حقایق همه آنها غیر ایشان
کسی نتوانند و آنچه از آنجمله در نجوم مضبوط است عددی محصور است و آن نیز در
عدد نصوص و استخراج زیج و صنعت اسطرلاب و کتابت تقویم از سهو و غلط مصون
نیست پس با وجود این همه نقص پیروی آن سوای حیرت و تضییع عمر حاصلی ندارد
و مویدات اینست آنکه کسی از حضرت امام علیه السلام پرسید که عمل نجوم می کنیم و مردم
منع می کنند اگر ضرری بدین من دارد ترک کنم فرمود ضرر بدین ندارد اما
علمی است که بسیارش را نمیدانند و کمش نفع ندارد و بعد از آن کوکبی که نام زحل
بود و از بعضی احوال آن استفسار فرمود گفت نام این کوکب را هرگز نشنیده و در
کتابی ندیده ام فرمود که والله که اگر این حساب را بدانی توانی دانست که نی
که در میان نی زار است کدام است و در هر طرفش چند عدد نی هست
تا آنکه یک نی از علم تو بیرون نرود و مرویست که آنحضرت علیه السلام بدیگری
فرمود که شما بطالع قمر حساب می کنید چه قدر حساب او دین توان استنباط
نمود و امثال این اخبار بسیار است دوم آنکه تاثیرات حرکات افلاک
و کواکب بحسب اختلاف طالع مولود و ناس مختلف شود زیرا که نظر خاصی با طالع
خاصی اثری کند و با طالع دیگر تاثیر دیگر کند و اگر نه لازم آید که چون

چند کرد در یک ساعت کاری کنند برای همه ها همین اثر داشته باشد و حال آنکه
تجربه بخلاف اینست و مؤید اینست آنکه حضرت امام علیه السلام بکسی که از نجوم منع کرده
بود فرمود چه میگویی چون دو لشکر باهم ملاقات کنند و هر کدام منجمی دارند که برای
ایشان اختیار ساعت سعد می کنند و چون محاربه می کنند یکی منصور و دیگری
مقهور گردد دلیل نحوست در آن وقت کجا بود بعد از آن فرمود این کسی چند اند
که موالید خلق را دانند سیم و این هم از آن دواست اینکه مقصود اصلی
از دین مبین اینست که روی دل خلق را از هر چه غیر خداست بخدا باز گردانند و توکل
و اعتماد در جمیع احوال بر خدا داشته باشد و چون آدمی در مجاری احوال
از سعد و نحس ساعات خبر نداشته باشد ناچار دست از همه اسباب گسسته بر تشبث
برحمت خدا شود و از همه چیز نومید گشته و اعتماد بر دین توکل بر او کند و دم
بدم و لحظه بلحظه مترصد فضل و منتظر رحمت او باشد و از هیچ کس غیر او امید توقعی
نداشته باشد و با وجود این که غرض اصل است متوسل بصدقات و ادعیه
و اذکار و معترف بقصور و ذنوب و مستغفر شود و بفضایل و ثواب آنها فایز
گردد پس اگر آن ساعت در واقع سعد باشد و شری در آن امر که مقصود اوست مقدر
نباشد با وجود آن همه فضایل کارش نیز با تمامت بلکه بسبب آن توسلات با تمام
و سعادتش بیشتر باشد و اگر آن ساعت در واقع نحوستی داشته باشد پس اگر آن نحوست
از امور محتومه لازم نباشد بصدقات و توسلات مرتفع گردد و بآن فضایل
و حصول مطالب نیز شود و اگر از امور محتومه باشد و البته اثر کند بفضایل
توسلات فایز گردد و شری که از نحوست ساعت رو دهد موجب زیادی حسنات

ومحوسیات

و محو سیئات و رفع درجات گردد چنانکه مرویست که خاری بپای مؤمن
نرود مگر آنکه برای او حسنه ثبت شود و یا سیئه محو گردد و امثال این روایات
بسیار است بخلاف آنکه بعضی نادانان اگر اطلاع بر نحس و سعد ساعات داشته باشند
اعتماد بر آن کرده بقدر آنکه اعتماد کنند توکل و التجایش بجناب الهی نقصان می یابد
و قصور می پذیرد و گاه باشد که بسبب اعتماد بر سعادت ساعت از فضایل صدقه
و دعا و سایر وسایل الکلیه یا از بعضی از آنها محروم گردد و اگر نحوست در ساعت
بیند از همه آن فضایل محروم گشته از مطلب و از کرامات اخروی بر تقدیر تاثیر
نحوست بی نصیب باشد و چون از این جمله دانسته شد بدانکه نحوست بعضی ایام
و ساعات که در احادیث وارد شده که بعضی از آنها در این مقام مذکور شد و بعضی
نیز در باب نکاح و باب سفر انشاء الله مذکور شود دو قسم است یکی آنکه تاثیر شر
نه از جهت طبیعت و خاصیت آن وقت است بلکه بسبب وقایع است که در آن
وقت شده مثل روز عاشورا و روز دوشنبه یا بسبب کمال تعظیم آن روز و
عمل آن روز است مثل روز جمعه و این قسم در نحوست نظیر تربت مقدس است
در شفا چنانکه گذشت و قسم دوم آنکه نحوستش از جهت طبیعت و خاصیت آن است
مثل قران و تاثیر این قسم مثل تاثیر ادویه طبیعیه است و مخفی نماند که این وجوه
که برای منع عمل بنجوم مذکور شد در این قسم ساعات نیز جاریست چه توان بود
که روز چهارشنبه مثلا بحسب طبیعت خود نحس باشد اما اگر با سعادت طالع دعا
و صدقه با سعادت فلان روز چند هم فلان ماه با سعادت طالع مولودی جمع
شود مساوی شوند بلکه گاه باشد که سعادت این غالب شود و باین اسباب

که همه اهل بیت طاهرین علیهم السلام همه اوقات را از این اوقات منحوسه نهی نموده و اهتمام
در اجتناب از آنها نموده اند بلکه همه را امر بدعا و صدقه و بسم الله و توکل بر خدا
فرموده و فرموده اند با روزها عداوت مکنید تا روزها با شما عداوت نکنند
و امثال آن که اگر نحوستی باشد ببرکت این وسایل رفع گردد و اگر نه سعادتش
زیاده شود و حرج لازم نیاید **کار دشوار** بگویند لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم که حمله عرش چون برداشتن عرش عاجز بودند چون این گفتند برداشتن
آسان گشت چون کاری گوید می کنم یا بکنید موقوف بمشیت الهی لهذا ان شاء الله
بگویند مرویست که از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مسئله پرسیدند فرمودند فردا
جواب بگویم و ان شاء الله نگفت ده روز یا بیشتر وحی از آن حضرت محبوس شد تا اینکه
مکذبین آن حضرت کردند و غبار ملال از نو جمع بر خاطر نشست پس از روی تأدیب
و تعلیم این آیه نازل گشت و لا تقولن لشیء انی فاعل ذلک غدا الا ان یشاء الله
و حضرت سلیمن علیه السلام گفت با هفتاد زن مباشرت کنم و هفتاد پسر متولد شود که در راه
خدا کنند و ان شاء الله نگفت هیچ کدام حامله نشدند مگر یکی که نصف طفلی آورد و مرویست
که اگر گفته بود همه جوانان می بودند که جهاد کنند و در حکایت بقره بنی اسرائیل
که در آخر گفتند انا ان شاء الله لمهتدون مرویست که اگر نمی گفتند تا ابد قضیه
ایشان معلوم نمی شد و حضرت صادق علیه السلام با اصحاب فرمود که ابتدای مطالب برای
چیزی بنویسید چون بعرض آن حضرت رسید فرمود ان شاء الله ننوشته اید چون
توقع ساخته شدن کارها دارید پس فرمود در هر مطلبی ان شاء الله بنویسند
استخاره چون در کاری متردد باشند استخاره کنند و در استخاره طرق متعدد

روایت شده از آنجمله چند طریقه ذکر کنیم اول استخاره با تسبیح ده مرتبه یا سه مرتبه یا یکمرتبه
الحمد و ده مرتبه انا انزلناه بخوانند و سه مرتبه بگوید اللهم انی استخیرک لعلمک بعاقبة
الامور و استشیرک لحسن ظنی بک فی المأمول و المحذور اللهم ان کان
الامر الفلانی مما قد نیطت بالبرکة اعجازه و بوادیه و حفت بالکرامة
ایامه و لیالیه فخر لی فیه خیرة ترد شموسه ذلولا و تقعص ایامه سرورا اللهم
اما امر فأتمر و اما نهی فانتهی اللهم انی استخیرک برحمتک خیرة فی عافیة
و حاجت را در دل بگذراند پس یک قبضه از تسبیح بگیرد و بشمرد اگر زوج باشد
بکند و اگر فرد باشد ترک نماید و اگر بعکس این نیز قصد کند تواند
دوم استخاره با قرآن مجید الحمد و آیة الکرسی و عنده مفاتح الغیب تا آخر
آیه بخواند و ده مرتبه صلوات بفرستد پس بگوید اللهم انی توکلت علیک
و تفألت بکتابک فأرنی ما هو المکتوم فی سرک المخزون فی غیبک ارنی الحق
علی اللهم ارنی الحق حقا اتبعه و ارنی الباطل باطلا حتی اجتنبه
برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از آن مصحف را بگشاید و از صفحه راست
جلاله را بشمرد و بعد جلالات از جانب چپ ورق بشمرد پس با آن عدد سطر از صفحه
چپ بشمرد و بعد از سطر آخر مضمون آیه هر چه باشد عمل **سیم** استخاره
ذات الرقاع بر شش پاره کاغذ بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله
العزیز الحکیم لفلان بن فلان بعد از آن بر سه کاغذ افعل و بر سه کاغذ
لا تفعل بنویسد و کاغذها را در زیر سجاده گذارد و دو رکعت نماز کند
بعد از آن سجده کند و در سجده صد مرتبه بگوید استخیر الله برحمته خیرة

اللهم

فی عافیةٍ بر هم زنند و بگوید اللهم خِر لی واختر لی فی جمیع اموری فی یُسرٍ منك
وعافیةٍ پس کاغذها را بر هم زند و یك یك را بیرون آرد اگر
سه افعل با هم سه لا تفعل باشد بمقتضای آن عمل کند و اگر مختلف باشد
تا پنج کاغذ بیرون آرد پس افعل یا لا تفعل هر کدام بیشتر باشد چنان کند
چهارم آنکه دعا کند و از خدای تعالی در آن کار طلب خیر نماید پس توکل
نموده شروع در آن کند اگر کارهای سهل باشد مثل بنده خریدن و فروختن
و امثال آن هفت مرتبه کافی باشد و اگر کاری عظیم باشد صد مرتبه بطریق عبادت
که خواهد و اگر یکی از دو عبادت که در استخاره ذات الرقاع گذشت بگوید
مستحسن باشد و مرویست که هر کس باین دعا هفتاد مرتبه دعا کند البته
خیرات خدای تعالی برای او اختیار فرماید یا ابصر الناظرین و یا اسمع
السامعین و یا اسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین
صل علی محمد و اهل بیته و خر لی فی کذا و حضرت صادق علیه السلام
فرموده هر کس از خدای تعالی یک نوبت طلب خیر کند و استخاره نماید و آنچه خدای
تعالی برای او اختیار کند راضی باشد البته آنچه خیرت خدای تعالی برای او اختیار
فرماید و هم آنحضرت علیه السلام فرموده چون استخاره کنید بعافیت و سلامت
طلب کنید چه بسا باشد که خیر کسی در قطع ید یا موت ولد یا بلیه دیگر باشد
پنجم مشورت با عقلا مرویست که با عقلا در کارها مشورت کنید
و آنچه اختیار کنند خلاف آن مکنید که موجب ندامت باشد و مرویست که
هیچ جمعی مشورت با کسی که محمد یا احمد یا حامد یا محمود نام داشته باشد با ایشان

حاضر

حاضر شود مگر آنکه خیر برای ایشان اختیار شود ششم خشم زخم مرویست که این
مباش از از خشم بر خود و بر دیگری که از خشم خفت و اگر چیزی بر قدر الهی بخیر و بینی
کند تقوا آنکه خشم بردنست و چون از کسی چیزی ببیند که بنظرش خوش آید او را ابتدا
یاد کند و در روایتی دیگر آمده که چون از چشم زخم بترسد و ان یکاد بخواند یا سه مرتبه
بگوید یا الله از مضرت آن ایمن شوید و نیز مرویست که چون جامه نو پوشد
که از آن خوشش آید وقت بیرون رفتن از خانه معوذتین بخواند که انشاء الله از چشم
زخم ایمن شود و حضرت امام رضا علیه السلام کسی فرموده که غالیه برای او ساخته بود
بنظر مبارک رسید از آن خوشش آمد فرمود الحمد لله و قل هو الله و معوذتین
و آیة الکرسی بنویسید در غلاف غالیه بگذارید که از چشم محفوظ باشد هفتم چون
خبری خوش بشنود بگوید الحمد لله و در روایت دیگر آمده شکر چون نعمتی
یا احسانی یا رفع مکروهی از خدای تعالی برسد بگوید الحمد لله شکر آنکه شکران
کرده باشد و اگر مرتبه دوم بگوید ثوابش مضاعف شود و چون مرتبه
سیم بگوید گناهانش آمرزیده گردد و اگر سجده شکر کند ده حسنه نوشته
شود و ده خطیئه عظیم محو گردد و ده درجه در بهشت بلند شود مرویست
که چون نعمتی که مخصوص شده بیاد آید و اگر در جایی باشد که کسی نبیند سجده
کند و اگر در پیش مردم باشد بهتر آنست که بیمار دیدن خم کند و قصد سجده
و تواضع خدای تعالی کند و اگر سواره باشد فرود آید و سجده کند و اگر نتواند
تهمت ورد باکند بر قربوس زین سر بگذارد و اگر نتواند بر کف دست بگذارد
و حمد خدا کند و اگر مکروهی بر خلاف خواهشی سانح شود بگوید الحمد لله

علی کل حال و بگوید کاش چنین نمی بود و هم چنین اگر از کسی انعام و احسان و نیکوئی
واقع شود شکر و دعا کند و مدح او باید کرد و حق او باید دانست و مرویست که
هر کس شکر مردم بیشتر می کند شکر خدا بیشتر کرده و کسی که شکر مردم نکند شکر خدا
نکرده و نعمت هر چند کم باشد خواه از جانب خدا و خواه از مردم چون شکر او بجا
بیاورد موجب زیادتی شود و اگر حقیر شمارد و شکر نگذارد موجب حرمان زیاده شود
و سبب سخط و غضب گردد و چون مبتلا به بلیه بیند سه مرتبه آهسته بگوید چنانکه او نشنود
و دیگری نشنود الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاه به ولو شاء لفعل هرگز
بآن مبتلا نشود و اگر خواهد چنین بگوید الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک
به و فضّلنی علیک و علی کثیر ممن خلق چون یهودی یا مخالفی در دین ببیند
بگوید الحمد لله الذی فضّلنی علیک بالاسلام دیناً و بالقرآن کتاباً و بمحمد
نبیاً و بعلیٍّ اماماً و بالمؤمنین اخواناً و بالکعبة قبلةً خدای تعالی او را
هرگز در دوزخ با هم جمع نکند **فال بد** چون چیزی بیند که بفال خوب ندانند توکل
بر خدا کند و دل را از تشویش آن خالی سازد و حوله بکر بگوید از ضرر آن
ایمن شود و مرویست که فال بچنان شود که کسی با خود بگیرد اگر سخت بگیرد
سخت شود و اگر سهل بگیرد سهل شود و اگر هیچ نگیرد هیچ نشود و دوای آن
توکلست **غضب** چون مستولی شود بر زمین بنشیند و برنخیزد رفع شود
و از شیطان استعاذه کند و صلوة بفرستد و بگوید و یذهب غیظ قلوبهم
اللهم اغفر لی ذنبی و اذهب غیظ قلبی و اجرنی من الشیطان الرجیم لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم و اگر خواهد این دعا بخواند اللهم اذهب عنی

غیظ قلبی و اغفر لی ذنبی و اجرنی من مضلات الفتن اسألک رضاک
و اعوذ بک من الشرک کله اللهم ثبتنی علی الهدی و الصواب
و اجعلنی راضیاً مرضیاً غیر ضال و لا مضل چون صدای خروس
بشنود بگوید سبوح قدوس رب الملائکة و الروح سبقت
رحمتک غضبک لا اله الا انت وحدک لا شریک لک عملت
سوءً و ظلمت نفسی فاغفر لی و ارحمنی انه لا یغفر الذنوب الا انت
و چون صدای الاغ بشنود از شیطان استعاذه کند و چون خنده
قهقهه کند بگوید الحمد لله رب العالمین الحمد لله حمداً کثیراً
کما هو اهله و صلی الله علی محمد النبی و آله و سلم طبرسی گوید که از تلخ
و بزرگتر از نمک از دماغ چیزی بیرون آمده تا زیر عرش پرواز کند و تا روز
قیامت برای او استغفار کند و در روایت دیگر آمده که چون کسی عطسه کند و گوید
الحمد لله ملکین که بر او موکلند گویند رب العالمین کثیراً لا شریک له و اگر
این را هم بگوید گویند صلی الله علی محمد و اگر این را هم بگوید گویند رحمک الله
و اگر بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال از درد دندان و گوش
ایمن باشد و کسی در خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام عطسه کرد
و الحمد لله گفت و صلوة نفرستاد آنحضرت او را دعا نکرد و فرمود حق
ما را ضایع کردی و چون این دانست صلوة فرستاد بعد از آن دعا کرد
و چون عطسه دیگری را بشنود و حمد خدا کند و صلوة فرستد از درد
چشم و دندان ایمن شود و او را دعا کند و بگوید یرحمک الله تا سه بار

چنین بگوید و اگر از سه مرتبه بیشتر شود بگوید شفاک الله که بیشتر از سه مرتبه از علتی است
و اگر طفلی عطسه کند بگویید بارک فیک الله و اگر مریض باشد بگوید شفاک الله و مرویست
که مؤمن را حقوق چند هست که اگر در آن تقصیر کند روز قیامت طلب حق
خود کند و خدای تعالی برای او حکم فرماید و از الجمله دعای عطسه است و در جواب
دعای عطسه بگوید و یهدیکم الله و یصلح بالکم **نسیان** چون چیزی را فراموش
کنی و بیاد نیاید دست بر پیشانی گذارد و بگوید اللهم انی اسئلک یا مذکر
الخیر و فاعله و الآمر به ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تذکرنی ما انسانیه
الشیطان چون در ورطه گرفتار شود بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین خدای
تعالی بلا را از او دفع کند **غم و مکر و خوف و غیر آن** از حضرت صادق علیه السلام مرویست
که فرمود عجب دارم از چهار کس که پناه بچهار چیز نبرند کسی که از چیزی بترسد چرا پناه
با این آیه نبرد حسبنا الله و نعم الوکیل که خدای تعالی بعد از آن وعده کرامت
و سرور و نعمت فرموده و کسی که غمگین باشد چرا پناه با این آیه نبرد لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین که خدای تعالی بعد از آن وعده نجات
از غم فرموده و کسی که از مکر و غدر بترسد چرا پناه با این آیه نبرد و افوض امری
الی الله که بعد از آن وعده امن و سلامت از مکر فرموده و کسی که مال خواهد چرا پناه
با این نبرد ما شاء الله لا قوة الا بالله که بعد از آن وعده مال و فرزند فرموده
و در روایتی دیگر آمده که برای دفع غم سر سوی آسمان کن و سه مرتبه بگو بسم الله
الرحمن الرحیم که خدای تعالی کربت و غمش را فرج دهد و نیز مرویست که هرکس در غم

این دعا بخواند

این دعا بخواند خدای تعالی غمش را بفرج بدل کند انشاء الله اللهم انی عبدک و ابن
عبدک و ابن امتک ناصیتی بیدک ماض فی حکمک عدل بخواند **امانت**
چون چیزی بامانت در جایی گذارد انا انزلناه بر آن بخواند محفوظ ماند
انشاء الله **چون** باد تند وزد بگوید اللهم انی اسئلک خیر ما جاءت
الریاح و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و شر ما فیها اللهم اجعلها
علینا رحمة و علی الکافرین عذابا و صلی الله علی محمد و آله و تکبیر بسیار
با آواز بلند بگوید انشاء الله تسکین یابد **بادهای** ظلمانی معروف نیست بخواند
رعد و صاعقه بگوید سبحان من یسبح الرعد بحمده و الملائکة من خیفته
و نیز بگوید اللهم لا تقتلنا بغضبک و لا تهلکنا بعذابک و عافنا قبل
ذلک **باران** بگوید صیبا هنیئا **دخل** خانه چون از بیرون داخل خانه شود
بگوید رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک
سلطانا نصیرا و چون داخل خانه نشیمن شود بگوید بسم الله و بالله اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله
صلی الله علیه و آله پس اگر در خانه کسی باشد بر او سلام کند و اگر کسی نباشد بگوید
که السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین السلام علی الائمة
الهادین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین **تعظیم** اگر
کاغذی که نامی از نامهای خدا بر آن نوشته باشد در سر راهی و جایی
بی حرمتی افتاده باشد خدای تعالی هفتاد هزار فرشته بر آن موکل کرداند
که با بالهای خود از او محافظت کنند تا آنکه یکی از دوستان خدا آنرا بردارد

خدای تعالی نام او را در علیین ثبت فرماید و عذاب والدینش تخفیف
دهد اگرچه کافر باشند باب ششم در حقوق اموال و رعایت احوال عیال
و این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول در جود و بخل
خدای تعالی در قرآن مجید فرموده جمعی که از بخل منزهند ایشان رستگار
و اهل نجاتند و نیز فرموده که کسی مال را در راه خدا صرف کند مثل دانه ایست
که هفت خوشه از آن بروید و در هر خوشه صد دانه باشد و خدای تعالی
برای هر که خواهد مضاعف میگرداند و از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست
که سخی در آسمان و زمین محبوب و از طینت پاک و از بهترین مخلوقات
بخیل در آسمان و زمین مبغوض و از طینت شوره و از بدترین مخلوقات
و سخی در پناه رحمت خدا باشد تا آنکه داخل بهشت شود و کسی را که خدای تعالی
امید خیر باو ندارد به بخل مبتلا گرداند و سخی نزدیک بخدا و نزدیک بهشت
و سخاوت درختیست در بهشت هر کس شاخی از آن در آویزد داخل بهشت شود
و بخیل نزدیک بآتش و دور کرد و بخل درختیست در دوزخ هر کس شاخی
از آن در آویزد تا دوزخش بکشد و هر کس را سخاوت نیست ایمانش نیست و روز
قیامت سخی را بیارند و گویند اگر حجتی و حرفی داری بگوی گوید خدایا مرا
آفریدی و هدایت نمودی و وسعت عطا نمودی من نیز نعمت ترا بر عباد
تو منتشر ساختم بامید اینکه امروز بر من نیز رحمت فرمائی پس خدای تعالی فرماید
بندهٔ من راست میگوید او را داخل بهشت کنید و جوان سخی مفرط در گناه پیش
خدا دوستتر است از پیر عابد بخیل و بهترین مردم اسخیایند و بدترین مردم

بخلا و اخلال

بخلا و اخلال خلوص ایمان بر اخوان و سعی در حوایج ایشان است و بر اخوان موجب محبت
و دفع حسرت شیطان و دوری از نیران و دخول جنانست و سخی متقی که تصدیق ثواب
کند که خدای تعالی یک درهم را صد هزار و بیشتر عوض میدهد هیچ چیز را اراده نکند مگر
آنکه میسر شود و روز قیامت در دوزخ مقام کند و هر کس در صرف مال برضای خدا بخل
کند مبتلا شود بصرف اضعاف آن در معصیت خدا و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام از تفسیر کذلک یریهم الله اعمالهم حسرات سؤال کردند فرمود
کسی که مال خود را در طاعت خدا صرف نکند و بگذارد تا بعد از او دیگران
صرف کنند پس اگر در طاعت صرف کنند حسرت برد که ثواب مال خود را در میزان
ایشان و خود را محروم بیند و اگر در معصیت صرف کنند حسرت برد که خود از
ثواب محروم گشته و اعانت معصیت دیگری کرده و روزی حضرت امیرالمؤمنین صلوات
الله علیه شنید که مردی میگوید بخیل معذورتر است از ظالم فرمود دروغ میگوئی ظالم
گاه باشد که توبه و استغفار کند و رد مظالم نماید و نجات یابد و بخیل منع زکوة
و صدقه و صلهٔ رحم و ضیافت و سایر حقوق کند و حرام است که بخیل داخل بهشت
شود فصل دوم در فضایل زکوة و عقوبت منع آن مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که هر کس زکوة مال خود را از روی طیب خاطر طوع و رغبت بدهد خدای
در بهشت بعدد هر دانه قصری طلائی یکی نقره و یکی لؤلؤ و یکی زبرجد و یکی زمرد
و یکی گوهر و یکی از نور رب العزة عطا فرماید و هیچ کس زکوة ندهد مگر آنکه
مالش زیاده شود و مرویست که هیچ مرغی از طیور صید نشود مگر آنکه در ذکر و
تسبیح خود تقصیر کرده باشد و هیچ مالی تلف نشود مگر آنکه در زکوة تقصیر رفته

باشد وملعونست مالی که زکوة آن ندهند وخدای تعالی فرض زکوة را قرین فرض
نماز گردانیده پس هر کس زکوة ندهد نمازش مقبول نشود وهر کس یک قیراط که در مکه
معظمه ربع سدس دینار است از زکوة منع کند نه مؤمن باشد ونه مسلم وچون
بمیرد یهودی باشد یا نصرانی ودر روز قیامت اژدهای از آتش طوق گردنش
شود وعذابش کند تا وقتی که از حساب فارغ شود وهر کس زکوة طلا یا نقره را
منع کند خدای تعالی روز قیامت او را در بیابانی محبوس سازد ومار عظیم
که از بسیاری زهر موی سرش ریخته باشد بر وی مسلط گرداند وچون هر چند
گریزد نجات نیابد ناچار دست خود را باو دهد تا بدندان پاره پاره کند پس
بر گردنش پیچد وعذابش کند وهر کس زکوة گوسفند وغیر آن از حیوانات را
منع کند در بیابانی محبوس گردد که در هر حیوانی صاحب سم او را پامال کند وهر حیوانی دندان
دار با دندان پاره پاره اش کند وهر کس زکوة غله وخرما ومثل آن را منع کند زمین هفت طبقه
طوق گردنش شود ومرویست که روز قیامت جمعی از قبر بیرون آیند دستها بر گردن
بسته وملائکه چند بر ایشان موکل باشند وایشان را سرزنش کنند وگویند
ایشانند که حق خدا را از مال خود نداده اند وبجزای قلیل از خیر کثیر محروم گشتند
وچون مردم منع زکوة اموال خود کنند زمین هم باذن خدا برکات وخیرات
خود منع کند وموجب قحط وتنگی شود واداء زکوة وسایر فرایض وواجبات علانیه
باید وصدقات وسایر مستحبات پنهانی افضل است وثواب مستحبات پنهانی
هفتاد برابر علانیه است **فصل سیم** در صله رحم اهل بیت طاهرین وذریت
طیبین واتباع ایشان از مؤمنین سلام الله علیهم اجمعین مرویست از حضرت

پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرموده هر کس بیکی از اهل بیت من احسان کند من در روز قیامت
چهار کس را شفاعت کنم اگر چه با گناه تمام اهل دنیا بیاید یکی کسی که نصرت ذریت من
کرده ویکی کسی که مال خود را در وقت تنگی بذل ایشان نموده ویکی کسی که با دل وزبان
با ایشان محبت داشته ویکی که در حوایج ایشان سعی کرده وحضرت صادق علیه السلم
فرموده روز قیامت منادی ندا کند که ای خلایق خاموش باشید که حضرت محمد
المصطفی صلی الله علیه وآله وسلم با شما گفتگو میکند پس آنحضرت برخواسته گوید ای معشر
خلایق هر کس بسوی من نعمتی یا منتی واحسانی داشته باشد برخیزد تا آنرا تلافی کنیم همه گویند
پدر ومادر ما فدای تو باد کدام احسان که نعمت ومنت واحسان مر تو را نیست
بلکه نعمت ومنت واحسان وشفقت همه خدا ورسول خدا راست بر جمیع خلایق
پس آنحضرت گوید بلی هر کس یکی از اهل بیت مرا پناه داده یا با ایشان نیکی کرده
یا برهنه ایشان را پوشیده یا گرسنه را سیر کرده بیاید تا مکافات آن کنم
پس جمعی که این کارها کرده باشند برخیزند پس از جناب الهی ندا آید که ای حبیب
من مکافات ایشان را بتو مرجوع داشتم در هر جای بهشت که خواهی ایشان را
جای ده پس ایشان را در وسیله که درجه ایست مخصوص آنحضرت واهل بیتش
جای دهد پس ایشان را در وسیله که درجه ایست مخصوص آنحضرت واهل بیتش
تا در خدمت ایشان باشند ودر میان شان حجاب ومانعی نباشد وهم
آنحضرت صلوات الله علیه فرموده که هر کس قادر بر صله ما نباشد با صلحای
شیعه ما بجا آرد ثواب صله ما داشته باشد **فصل چهارم** در فضایل
معروف واحسان مرویست از اهل بیت احسان علیهم السلام که بهشت را دریست

که آنرا معروف نام است از آن در داخل نشوند مگر اهل معروف و در دنیا و اول
کسی که داخل بهشت شود وارد حوض کوثر شود معروف و اهل معروف اند و حضرت
کرمو چنین بیادی عمر و بقای نعمت است یکی طول رکوع و سجود دوم طول جلوس بر سفره
سیم اصطناع معروف و احسان و صاحب معروف از مهالک و ورطها محفوظ باشد
و چون اهل بهشت داخل بهشت شوند خدای تعالی بادی خوشبوی را امر
فرماید که اهل معروف را ملاصق شود که هر یک ازیشان که مجمعی از اهل بهشت بگذرد
از بوی ایشان بشناسند که صاحب معروف است و هر کس بمؤمنی احسانی و معروفی کند
خدای تعالی روز قیامت بآن مؤمن فرماید برو و هر کس با تو معروف بجا آورده
اگر در دوزخ باشد بیرون آر پس برود بیرون آورد و دوستترین بندگان
بنزد خدا کسیست که معروف را دوست دارد و هیچ چیز بهتر از معروف نیست مگر ثواب آن
و مرویست که هر کس که باشد اصطناع معروف کنید که اگر او اهل آن نباشد شما
اهل آن باشید و اگر کسی در غیاب است شما را دشنام دهد و بجانب شما آید و
عذر خواهی کند قبول و در باب احسان اگر بهمان قدر احسان کنی تلافی کرده باشی و اگر
زیاده کنی شکر آن بجا آورده باشی و چون شکر بجا آری کریم باشی و هر کس بداند که چون
بکسی نیکی و احسان کند در واقع با خود کرده توقع مدح و شکر و زیادتی محبت از و
نداشته باشد و چه جای توقع مدح و شکر و زیادتی که باحسان حفظ عرض
خود و تحصیل ثواب و فضایل برای خود نموده و کسی که اعانت و سعی برای
چیزی کند مثل فاعل آنچیز است و مرویست که برای مکیدن بیکی را دهن بستگی سبب
محبت و اصلاح بخشم و عداوت شود و کاری که ضرر و بالش بیشتر از نفعش نکند

باشد

باشد تلافی باید کرد و چون بکسی احسان کند اگر تواند تلافی کند و اگر نه شکر و مدح کند
و اگر نه کفران کرده باشد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود خدای
تعالی لعن کرده قاطع سبیل معروف را پرسیدند که کیست او فرمود کسی با و معروفی
کند او کفران کند که سبب این شود که دیگر معروف نکنند و میباید دانست
که هر احسان و نیکویی از مال و غیر مال داخل معروفاست

فصل پنجم

در فضایل صدقه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که خدای تعالی
فرماید من هر چیز کسی مقرر کرده ام بغیر صدقه که آنرا خود بگیرم حتی آنکه اگر کسی خرمایی
یا نصف خرمایی صدقه دهد آنرا برای او تربیت کنم و زیاده کردانم تا روز قیامت
مثل کوه احد یا بزرگتر باشد و هفتاد نوع بلا از بلاهای دنیا دفع کند و غیر تو...
که در آخرت مهمات و صدقه از چنگ هفتصد شیطان بیرون آید که همه
مانع باشند و هیچ چیز بر شیطان گرانتر از صدقه نیست و هر که اول روز
صدقه دهد نحوست و شر و زیان روز از او دفع شود و اگر اول شب دهد نحوست
و شر و زیان شب دفع گردد روزی یهودی بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
گذشت حضرت فرمود امروز مار سیاهی قفای این یهودی را بزند و او را
بکشد پس یهودی گذشت و پشته هیمه بر دوش بسته مراجعت کرد حضرت
فرمود هیمه را بر زمین گذاشت مار سیاهی بر چوبی پیچیده بود پرسید ای
یهودی امروز چه کرده گفت دو نان داشتم یکی را خوردم و یکی را تصدق
کردم پس حضرت فرمود ببرکت این تصدق اثر این مار از تو دفع شد و حضرت
امام صادق علیه السلام فرمود میان من و بهشت قیمت زمینی بود او میخواست

که من در ساعتی نحس و خودش در ساعت سعد بیرون دویم چون رفتیم و نقب کردیم
قسمت خوب بمن افتاد منجم دست بر دست زده از روی حسرت و حیرت گفت چه کردی
چنین چیزی نشنیده بودم من گفتم بلی من وقت بیرون آمدن تصدق و آن هم از
نجوم نفع بود و هم از ایشان علیهم السلام رویت که در زمان بنی اسرائیل چند سال
قحطی عظیم شد روزی زنی لقمه نان داشت در دهن گذاشت که بخورد سائلی
سؤال کرد آن لقمه را از دهن بیرون آورده بسائل داد اتفاقا آن زن را طفل
صغیر بود در صحرا گرگ او را ربود طفل فریاد کرد مادرش خبر یافته در پی او
روان گشت جبرئیل آمد و طفل را از دهن گرگ گرفته باو داد و گفت این لقمه
عوض آن لقمه است و هم از ایشان علیهم السلام رویت که مردی از بنی اسرائیل پسری داشت
یکی از اولیاء الله باو خبر داد که پسرت در شب عروسی خواهد وفات کرد چون شب
عروسی رسید پسر پیر عاجز را دید برو رحم کرد طعامش داد پیر گفت مرا زنده کردی
خدا ترا زنده دارد دیگری در خواب با آن مرد گفت که خدای تعالی بسبب آن تصدق
مرگ را از پسرت دفع فرمود و نیز مرویست که هیچ کس صدقه را در دنیا خوب نکند
مگر که خدای تعالی بعد از او کفالت اولادش را خوب کند و مرویست که هر چه مقدور شود
تصدق کنید اگرچه نصف خرما باشد و از دادن کم شرم مکنید که هیچ کمتر از کم آنست
و چون بنده با آنچه معذور باشد جود کند پیش خدا عظیم باشد و اگر هیچ نباشد
بکلمه ملایم و زبان خوش جواب گوید و در روز قیامت خدای تعالی فرماید بنده
بتو انعام و احسان نفرمودم و مال و فرزند بتو ندادم و نعمت و عطا نکردم
گویند بلی پس گوید ببین که برای امروز چه مهیا کرده ای پس هر چند باطراف نظر کند

خبری

خبری نیابند که آتش را از ایشان دفع کند و زمین قیامت تمام آتش است مگر
سایه مؤمن که صدقاتش بر ایشان سایه کند و آتش را منع نماید و کسی که صدقه را
برای محتاج ببرد مثل ثواب کسی دارد که آن صدقه را داده و مرویست که آنقدر
صدقه بدهید که گویید اسراف کردیم اما اسراف نکرده باشید و نیز مرویست
که تا توانید صدقه بدهید و از پریشانی مترسید که هرگز کسی از صدقه دادن
پریشان نشود و صدقه مال را زیاد کند و دین را افزاید و کسی بحضرت امام
موسی علیه السلام شکایت کرد که پریشانی من بحدی رسیده که فلان روز و حالا زیادی
خود بیرون کرده بمن داد و نیز روزه بگیر و تصدق کن گفت از آنچه بمن هیچ
بدهم فرمود هر چه مقدور میشود بده اگرچه خود بآن حاجت داشته باشی و همان
احسان و مهربانی که بکسی کنی صدقه باشد حتی آنکه با کری سخن گویی حرف را باو
بشنوانی چنانکه او بخواند و افضل صدقات آنست که پنهان باشد که
صدقه پنهان آتش غضب خدا را بنشاند و صدقه آشکار غضب الهی را ساکن کند
و گناه عظیم را محو گرداند و حساب قیامت را آسان کند و صدقه روزی و مال
و عمر زیاد کند و خطاهای عظیم بگذارد چنانکه آن جماعت را حضرت عیسی
علیه السلام بجماعه با گذشت فرمود که ایشان دو زنان اند لختی خوار دین گفته اند روح الله
این زنان قوت توبه دم نمودند حیوانات بخورند و ثواب پیش خدا عظیم است
و افضل صدقات آنست که در وقت تنگی و پریشانی باشد و دیگری را
بر خود اختیار کند و اگر عیال بعد از آن خویشان بعد از آن همسایگان
اگر محتاج باشند صدقه بهیچ بیگانه نباید داد و هر چند کسی نزدیکتر

وحقش بیشتر صدقه بود و افضل باشد و مرویست که افضل صدقات آنست که بخویشی
دهند که عداوت ایشان در دل داشته باشد و صدقه یکی به ده عوض یابد و صله
دوستان یکی به بیست و صله خویشان یکی به بیست و چهار و دو صله رسنت
نباید کذاشت و سایل را نباید رنجانید که ثوابش باطل شود و بکلمه خوش جواب
کویند بهتر از آنست که صدقه دهند و برنجانند و افضل آنست که آنچه مقدور
شود بدهد و ملایمت و عذرخواهی بآن ضم کند که آن صدقه دیگر است افضل از
صدقه اول و جای منت و رنجانیدن باشد که باید آن چیزی که از مال خود بسایلی
دهند سامع بسیار و عافیت از بلاها و ثواب عظیم در بهشت برای خود کسب
کنند و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود حق فقرا و مساکین شناسید
که اگر ایشان نمی‌بودند صدقه بکه می‌دادید و فضایل و ثواب صدقه چون می‌یافتید
و دفع بلاها چون می‌کردید و چون چیزی برای خدا و برای صدقه جدا کنند
آنرا دیگر داخل مال و صرف خود نباید کرد بلکه اگر آن سایل رفته باشد یا
قبول نکند بدیگری باید داد مرویست که کسی که آنچه برای صدقه جدا کرده بمال
خود برگرداند مثل کسی است که قی کند و آنرا بخورد **فصل ششم** در مذمت
سؤال و رد سایل مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سایل را رد مکنید اگرچه
بر اسب سوار باشد که اگر نه آن می‌بود که سایلان دروغ گویند نجات نمی‌یافت
کسی که ایشانرا رد کند و اگر چیزی مقدور نشود بملایمت عذر باید خواست
که بسا باشد که ملایکه برای امتحان بصورت انسان سؤال کنند و هرچه بیش از
سؤال بدهید احسانست اما بعد از آنکه باد طغیان و اعضای لرزان

وتنزیل میان ما بود و اسباب روی خود ببرند و سوال کنند هرچه دهید عوض آبرو
وتنزیل او باشد و احتیاج ایشانست از خدا و پیش بندگان هر کس که از مردم پنهان دارد
ثواب آن باید که عبادت کرده و اگر افشای آن کند هر که بشنود لازمست بر او که اعانت
نماید و اگر مردم بدانند که عطا چه قدر خوبست هرگز زد سوال نکنند و اگر
بدانند که سوال چه قدر بد است هرگز سوال نکنند و نیز مرویست که از سؤال اجتناب
کنند که مذلت در دنیا و فقر است مهیا و طول حساب در قیامت و هر کس
بی احتیاج سوال کند خدای تعالی او را محتاج کند تا مضطر بسوال شود و هر کس
قوت سه روزه داشته باشد و سوال کند روز قیامت گوشت در رویش نباشد
و جمعی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله التماس کردند که برای ایشان ضامن
بهشت شود فرمود ضامن شدم بشرط آنکه شما از کسی سوال نکنید ایشان ترک
سوال کردند تا حتی که در اثنای طعام اگر آب بیکی نزدیکتر بودی نمی‌طلبیدند
و خود بر می‌خواستند و اگر در سواری تازیانه از دستشان می‌افتاد فرود می
آمدند که بر دارند و سوال نمی‌کردند **فصل هفتم** در رعایت حال عیال
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون خدای تعالی بکسی نعمتی دهد واجبست
بر او که بر عیال خود توسعه کند و عیال مرد اسیران او یند پس اگر صاحب نعمت بر اسیران
خود توسعه نکند بیم نزدیک باشد که نعمتش زایل شود و چون نعمتی زایل شود زود دیگر
عود نکند و ملعونست کسی که عیال خود را بدیگری وا کند و ملعونست کسی که عیال
خود را مضطر گذارد تا محتاج بدیگری شوند و همین گناه بس است مرد را که عیال خود را
محتاج گذارد و مؤمن باید چنان که خدای تعالی با او معامله می‌کند او نیز با عیال معامله

می‌کند او نیز با عیال هر گاه خدای تعالی او را وسعت دهد او نیز عیال را وسعت دهد
و هر گاه تنگی بر کند او نیز چنین کند و بهترین صدقه و احسان آن است که بعد از
قدر کفاف عیال باشد و هر کس مروتش با اهل خود نیکو باشد رزقش زیاد شود
حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود وقتی که عیال من رغبت بگوشت
کنند ببازار روم و برای ایشان گوشت بخرم دوستتر دارم که بنده آزاد کنم
و اهل یکخانه از مسکین را بعیال خود و کسی دو دینار طلا بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم برده گفت میخواهم این را مرکبی بخرم که بر آن سوار شوند و در راه خدا
جهاد کنند فرمود والدین داری صرف ایشان کن که افضل است رفت چنان
کرد و باز دینار دیگر آورد فرمود زن داری صرف او کن که افضل است چنان
کرد دینار دیگر آورد فرمود خادم داری صرف او کن که افضل است چنان
کرد و دینار دیگر آورد و گفت این را مرکبی بخرم فرمود بخر اما بدانکه این افضل
از اینها نیست و مرویست که مؤمن بخواهش اهل خود چیزی میخورد و منافق بخواهش
خود **فصل هشتم** در احسان مؤمن بطعام و جامه مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که هر کس مؤمنی را احسان کند چنان است که بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
کرده باشد و هر کس مؤمنی را طعام دهد بهتر است از آنکه ده بنده آزاد کند و ده
حج گذارد و اگر یک مؤمن غنی را طعام دهد چنان است که یک کس از اولاد اسمعیل را
از ذبح نجات دهد و اگر مؤمن فقیر را طعام دهد چنان است که صد کس از اولاد
اسمعیل را از ذبح نجات دهد بهتر از آن است که یک بنده آزاد کنند و اگر مؤمن را
طعام دهد خدای تعالی او را در ملکوت سموات ندا کند بهشت فردوس و طوبی و جنت

عرن طعام دهد و آن درختی که خدای تعالی در بهشت عدن بدست خود نشانده و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرموده یک حج گذاردم دوستتر دارم از آنکه هفتاد بنده آزاد
کنم و اهل یکخانه از مسلمین را بعیال خود کنم که گرسنه ایشان را سیر کنم و برهنه را بپوشانم
و ایشان را از حاجت مردم برهانم دوستتر دارم از آنکه هفتاد حج گذاردم و هر کس
مؤمنی را در معیشت اعانت کند یا برهنه را بپوشاند خدای تعالی هفت هزار ملک
موکل گرداند که تا وقت صور برای همه گناهان او استغفار کنند و در روایت
دیگر هفتاد بهشت بپوشانند و سکرات موت بر او آسان گردانند و قبرش را وسیع
کنند و چون از قبر بیرون آید ملائکه استقبال او کنند و بشارتش دهند و از جامهای
خاص بهشت در او پوشند و تا از آن جامه رشته باقی باشد ملائکه بر او صلوات
فرستند و در ضمان خدا باشد و نیز مرویست که هر کس مؤمن برهنه را بپوشاند در ستر رحمت
خدا باشد تا از آن جامه پاره‌ای مانده باشد و مرویست که احسان ثابت نگردد
مگر به سه خصلت یکی آنکه آن را سهل و حقیر انگاری تا در نظر آنکس عظیم شود دوم
آنکه پنهان داری تا بر او گوارا شود سیم آنکه در ادای آن تعجیل کنی تا هنیئا تمام شود و چون
این سه خصلت مراعات شود احسان در پیش خدا عظیم گردد **فصل**
نهم در فضایل قرض دادن و احکام متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که ثواب صدقه یکی به ده باشد و ثواب قرض دادن یکی به هجده و هر کس بمؤمنی قرض
دهد تا وقتی که قدرت بر ادای آن بیابد مال او در زکوة باشد و برای او بصدقه
شود و نیز مرویست که هر کس بمؤمنی قرض دهد به هر یک درهم مثل کوه احد و طور سینا
و رضوی که کوههاست در مدینه حسنات عطا فرماید و اگر در مطالبه مدارا و ملایمت کند

بحساب و عذاب چون برق خاطف از صراط بگذرد و نیز مرویست که هر کس در ماندهٔ را
قرض دهد و در مطالبه مدارا کند خدای تعالی بر یکی هم هزار قنطار از بهشت عطا
فرماید و هر کس بمؤمنی قرض دهد و قضای حاجتش کند و او را امر و نکوداند
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را امر و نکرده باشد و جنون و جذام و برص
از و دفع شود و اگر مقدورش باشد و نه دهد بوی بهشت بر و حرام شود
و مرویست که قرض دادن خمیر و نان و امثال آن از جملهٔ مکارم اخلاقست
و جلب رزق کند و مضایقه در آن سورث فقر باشد و هر کس قرض دار
بر بنان امهالت دهد یا چیزی از حق خود با و ببخشد در سایه رحمت خدا باشد روزی
که هیچ کس را سایه و پناهی نباشد و از حرارت خشم جهنم ایمن باشد و چنانست
که هر روز مثل آن تصدق کند و اگر میتی را حلال کند هر درهمی ده درهم ثواب
یابد **فصل دهم** در سایر وجوه خیرات از انجمله حق معلومست
و حق معلوم آنست که کسی از مال خود قدری معین بقدر وسع خود مقرر کرداند
که هر روز یا هر هفته یا هر ماه یا هر سال و مجملا مدتی معین بفقرا و مساکین دهد
خدای تعالی در قرآن مجید فرموده روز قیامت دوزخ او را ازکند و بجانب
خود طلبد کسی را که از راه راست رو گردانیده و مالها را بر سر هم جمع نموده و ذخیره
کرده مگر چند طایفه را یکی آنکه در مال خود حق معلوم مقرر کرده باشد و از انجمله حق
بنای خیر بنای مساجد است مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر کس در دنیا
مسجدی بنا کند خدای تعالی بقدر هر یک وجب از آن با هر یک ذراع و تردد او از آن وقت
بنا کند در بهشت شهری که چهل هزار ساله راه باشد از طلا و نقره و در و یاقوت

وزمرد

و زمرد و زبرجد در هر شهری چهل هزار هزار قصر در هر قصری چهل هزار هزار سرا
در هر سرای چهل هزار هزار خانه در هر خانه چهل هزار هزار سریر بر هر سریر یک حوری
و در هر خانه چهل هزار هزار غلام و چهل هزار هزار کنیزک همه در اوایل جوانی و کمال خوبی
و چهل هزار هزار خوان بر هر خوانی چهل هزار هزار کاسه در هر کاسه چهل هزار هزار نوع
از طعام و نعیم باشد و احادیث متعدده آمده که گاهی مردم در اطراف جاده سنگ
چین میکردند برای مسجد از ائمهٔ طاهرین علیهم السلام می پرسیدند که این نیز از انجمله است
میفرمودند بلی و از انجمله بنای منازلست در راهها مرویست از انحضرت صلی الله
علیه و آله که هر کس بر راهها پناهی و منزلی بسازد که قافله و مترددین فرود آیند چون
روز قیامت مبعوث شود بر مرکبی از در سوار شود و نور رویش بر تمام اهل محشر
تابان باشد و با ابراهیم خلیل علیه السلام در مکانش مزاحمت نماید و اهل محشر گویند این
فرشته ایست که مثل او در میان فرشتگان نیست و چهل هزار هزار کس بشفاعت
او داخل بهشت شوند و از انجمله عتق رقبه است مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هر کس بنده مؤمنی را آزاد کند خانهٔ در بهشت برایش بنا شود و هر عضوی از و از
آتش آزاد شود حتی فرج بفرج و کافر و مشرک را نشاید آزاد کردن و اگر طفل یا
عاجزی آزاد کند باید نفقه اش بدهند تا وقتی که خود قدرت بر تحصیل معاش
نیابد و بنده که در حال نزع باشد آزاد کردنش سودی ندهد **باب**
هفتم در فضایل روزه و احکام متعلق بآن از آداب و فضل اعتکاف
و متعلقات آن از آداب و ثواب و این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود
فصل اول در فضایل مطلق روزه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام

کههر چیز را زکوتیست و زکوة بدن روزه ایست و روزه سپریست از آتش جهنم

و روزه دار همیشه در عبادتست اگرچه در خواب باشد و مادام که غیبت مسلمی نکند

و خدای تعالی فرموده روزه مخصوص منست یعنی پنهان ترین عبادتهاست

و از ریا دورتر است که بوی دهان روزه دار بوی بهشت پیش خدای بالاترست و بوی دهن روزه دار

پیش من بهتر است از بوی مشک دیگر از روزه که خالص برای خدا باشد برابرست

با یک سال و هر کس روزه خود را پنهان دارد خدای تعالی فرماید ای ملایکه

بندهٔ من از آتش پناه می جوید پناهش دهید ملایکه فرماید که برای روزه داران

دعا کنید دعای ایشان البته اجابت فرماید و هر کس یک روز روزه گیرد در تابستان

گرما و تشنه شود خدای تعالی هزار ملک موکل فرماید که روی آن سلام طلبند و مژده باین

کنند و بشارتش دهند تا وقتی که افطار کنند و فرماید چه خوش است بوی مرا از

بوی نوای ملایکه گواه باشید که گناهانش را آمرزیدم و حضرت پیغمبر صلی الله

علیه و آله و سلم روزی فرمود می خواهید شما را چیزی تعلیم کنم که شیطان از شما

دور کند مثل دوری مشرق از مغرب گفتند بلی یا رسول الله فرمود روزه

رویش را سیاه کند و صدقه پشتش بشکند و دوستی برای خدا و معاونت بر کارهای

خیر بیخش را بر جا بکند و استغفار رگ دلش قطع کند و خواب روزه دار عبادت

و نفسش تسبیح و عملش مقبول و دعایش مستجابست و هر کس یک روز روزه

گیرد که بر او واجب نباشد مغفرت گناهانش از خدا واجب شود و بیا باشد

که کسی یک روز روزه گیرد یا دو رکعت نماز گذارد خدای تعالی فرماید بعزتم

هرگز ترا عذاب نکنم و بهشت او را واجب کرده اند و چون روزه دار پیش جمعی

شود

شود که چیزی خورند همه موی که در بدنش باشد برایش تسبیح کنند و ملایکه برایش استغفار

نمایند و چیزاست که بلغم قطع کند و حافظه را زیاد کرداند روزه و مسواک و تلاوت قرآن

فصل دوم در فضایل ماه رجب مروی است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که رجب

نام نهریست در بهشت سفیدتر از شیر و شیرین تر از عسل هر کس یک روز

درین ماه روزه گیرد از آن نهر بیاشامد و از آتش دوزخ صد ساله راه از او

دور شود و روایت دیگر آمده که هر کس یک روز درین ماه روزه گیرد مخلصاً

لله غضب الهی را بنشاند و میان او و دوزخ هفتاد خندق خدای تعالی

فاصل کند که عرض هر خندق مثل مابین زمین و آسمان باشد بهشت او را

واجب شود و اگر یک روز در میان بگیرد و شفیع گناهکاران شود بعدد

قبیله ربیعه و مضر که دو قبیله اند از اعظم قبایل عرب و اگر یک روز در آخرش

بگیرد از پادشاهان بهشت شود و شفیع پدر و مادر و برادر و خواهر و اولاد

و عم و عمه و خال و خاله و آشنایان و همسایگان خود شود که همه مستوجب

آتش باشند و نیز مرویست که هر کس درین ماه یک روز از اول و یک

روز از میان و یک روز از آخر روزه گیرد گناهان گذشته اش همه آمرزیده

شود و اگر سه روز بگیرد گناهان گذشته و آینده همه آمرزیده شود و هم

از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس یک روز از رجب روزه گیرد تا ما در دنیا

ما باشد و وقت شام او را دو دعا مستجاب باشد و اگر برای دنیا دعا کند

خدای تعالی عطا فرماید و اگر نه بهتر از آنکه هر که از اولیا و اصفیا دعا کرده اند

برای آخرتش ذخیره کنند و اگر دو روز روزه گیرد در زمرهٔ صادقین محشور

شود و با ایشان در بهشت رود و هیچ کس از اهل آسمان و زمین نتوانند بیان
کرد آنچه از فضل و کرامت در پیش خدای تعالی برای او مهیاست و گناهان
گذشته اش همه آمرزیده شود و اگر سه روز بگیرد گناهانش همه آمرزیده شود
و هر کس از دوستان و آشنایان و اگر خواهد شفاعت کند و محبت و حق
او بر خدا واجب شود و اگر چهار روز بگیرد از جنون و جذام و برص و از فتنه
دجال و عذاب قبر ایمن شود و مثل ثواب تابعین و تبع تابعین برای او بنویسند
و نامه اعمالش از دست راست در اول عابدین باو دهند و اگر پنج روز بگیرد روز قیامت
رویش مثل ماه شب چهارده باشد و بعدد هر ریگ بیابان عالج حسنات دهند و
بیحساب به بهشت برند و گویند هر چه می خواهی از خدا طلب کن و اگر شش روز بگیرد چون از قبر
بیرون آید رویش از آفتاب روشن تر باشد و غیر از این نور دیگر باو عطا فرمایند
که تمام محشر از آن نور روشن شود و از اهوال روز قیامت ایمن باشد و بیحساب به بهشت
رود و اگر هفت روز بگیرد هفت در دوزخ از و بسته شود و آتش بر او حرام شود
و اگر هشت روز بگیرد هشت در بهشت بر او گشاده شود و اگر نه روز بگیرد در روز
قیامت او را نوری عطا کنند که اهل محشر گمان کنند که مگر از جمله انبیاست و کمترین
ثوابش اینست که بیحساب به بهشت رود و اگر ده روز بگیرد خدای تعالی او را بدهد
منزلی از یاقوت که چون برق از صراط بگذرد و سیئاتش بحسنات مبدل
گردد و از جمله مقربین نوشته شود و چنانست که هزار سال عبادت کرده باشد
و اگر یازده روز روزه بگیرد در قیامت هیچ کس مثل او نباشد مگر کسی که آنقدر یا بیشتر
گرفته باشد و اگر دوازده روز بگیرد حله از سندس و استبرق بهشت در پوشند

که اگر کسی

که اگر یکی از آنها را بدنیا آرند نور آن از مشرق تا مغرب را روشن و بوی خوشش تر از
مشک کرداند و اگر سیزده روز بگیرد روز قیامت که هر کس بمحنت و بلیه گرفتار
باشد برای او در سایه عرش خوانی گذارند از یاقوت سبز هفتاد مرتبه وسیع
تر از تمام دنیا که در آن کاسه ها و صحنها باشد همه از در و یاقوت و در هر کدام
هفتاد نوع نعمتها باشد که هیچ یک بدیگری شبیه نبود و او در کنار آن بعیش
و تنعم مشغول باشد و اگر چهارده روز بگیرد آنقدر قصرها و ثوابها
باو دهند که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده باشد و اگر پانزده روز بگیرد
روز قیامت در موقف آمنین بایستد و هیچ پیغمبری و فرشته برو نگذرد
مگر که گوید که خوشا باد که تو از جمله مقربانی و اگر شانزده روز بگیرد از اول جماعتی
باشد که بر مرکبهای نور سوار باشند و در عرصه بهشت سیر کنند و اگر هفده
روز بگیرد در روز قیامت هفتاد هزار شمع از نور بر صراط گذارند که در روشنی
آنها برود و ملائکه با تسلیم و ملاطفت مشایعتش کنند و اگر هجده روز بگیرد
در جنت خلد بر سریر در و یاقوت با ابراهیم علیه السلام مزاحمت نماید و اگر
نوزده روز بگیرد در جنت عدن برای او قصری بنا کنند از لؤلؤ برابر
قصر آدم و ابراهیم علیه السلام که بر هم سلام کنند و با هم صحبت دارند و هر یک
روز که روزه گرفته مثل هزار ساله روزه باشد و اگر بیست روز بگیرد بعدد
قبیله مضر گناهکاران شفیع باشد و اگر بیست و دو روز بگیرد منادی
از آسمان ندا کند که ای ولی خدا مژده باد ترا بکرامتی عظیم از خدا و رفاقت
نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین و اگر بیست و سه روز بگیرد از آسمان

ندا کند که خوشت باد اینک مشفقی کنندی و در دار السلام همسایه و همنشین
ابراهیم علیه السلام گشتی و اگر بیست و چهار روز بگیرد وقت رحلت ملک الموت بصورت
جوان صاحب جمال آمده در یک دست حریر سبز بمشک معطر و در دست
دیگر قدح طلا مملو شراب جنت از آن شراب باو دهد که سکرات موت
آسان شود و بآن حریر قبض روحش کند و ملایکه هفت آسمان بسوی او
استشاق کنند و سیرابی در قبر بخوابد و سیراب بیرون آید هفتاد هزار ملک
استقبالش کنند با علمهای در و یاقوت و جامها و زینتهای بهشت در
پوشند و گویند ای ولی خدا بشتاب به پیش خدا و اول جماعتی باشد که با
مقربین داخل بهشت شود و اگر بیست و شش روز بگیرد در سایه عرش برای او
صد قصر از در و یاقوت بنا کنند بر سر هر قصر خیمه از حریر بهشت در انجا بفراغت
استراحت کند و مردم هنوز در حساب باشند و اگر بیست و هفت روز بگیرد قبرش را
بقدر چهار صد ساله راه وسیع کنند و از مشک و عنبر پر کنند و اگر
بیست و هشت روز بگیرد میان او و دوزخ هفت خندق فاصله گردد که
عرض هر یک پانصد ساله راه باشد و اگر بیست و نه روز بگیرد همه گناهانش آمرزیده
شود و هر چند عظیم باشد و اگر سی روز تمام بگیرد خدای تعالی از او راضی شود و هم
کند خلق از او راضی شود هر که عذابش نکند و در جنت چهل هزار هزار خوان
و در هر خوان چهل هزار هزار کاسه و در هر کاسه چهل هزار هزار نوع نعمت
و در هر خانه چهل هزار هزار سریر که طول هر سریر دو هزار ذراع باشد بر هر
ذراع سریر حوری نشسته هر یک را سیصد هزار گیسوی بافته و هزار هزار کنیزک

قصر عطا نماید در هر قصر چهل هزار هزار
خانه و در هر خانه چهل هزار هزار سریر

درخدمت

درخدمت ایستاده **فصل سیم** در فضایل روزه ماه شعبان مرویست از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود ماه شعبان ماه منست هر که یک روز از این ماه روزه
گیرد گناهان گذشته اش آمرزیده شود و اگر سه روز بگیرد ملکی ندا کند که اعمال را
از سر گیرد که گناهت همه آمرزیده شد و جمعی از آنحضرت از افضل روزه رجب سوال
کردند فرمود چرا از شعبان نمی پرسید که افضل است از رجب و هم از آنحضرت صلی الله
علیه و آله مرویست که هر که یک روز از این ماه روزه گیرد گناهانش همه آمرزیده شود
و نیز مرویست که روزه شعبان ذخیره روز قیامت است و هر که در این ماه
روزه بسیار گیرد خدای تعالی معیشتش را بسیار اصلاح نماید و شر اعدا را
کفایت فرماید و کمترین ثواب کسی که یک روز از این ماه روزه گیرد اینست که بهشت
او را واجب شود و نیز مرویست که هر که دو روزه اول این ماه روزه گیرد بهشت او را
واجب شود و خدای تعالی برای او هفتاد حسنه نویسد که هر یک حسنه برابر
یکسال عبادت باشد و اگر دو روز بگیرد گناه عظیمی که موجب هلاکش بود محو
شود و خدای تعالی تا در دنیا باشد هر شبانروز بر وی برحمت نظر کند
و در بهشت هر که نظر از وی منع ندارد و اگر سه روز بگیرد و در بهشت هر روز
خدای تعالی را بر عرش زیارت کند و هفتاد درجه از در و یاقوت برایش
بلند گرداند و اگر چهار روز بگیرد روزیش را وسیع کند و اگر پنج روز
بگیرد خدای تعالی محبت او را در دل مردم جا دهد و اگر شش روز بگیرد از
هفتاد نوع بلا ایمن شود و اگر هفت روز بگیرد از دنیا نرود تا آن
قدسش دهند و اگر هشت روز بگیرد نکیر و منکر را در وقت سوال با او مهربان

کردانند واکر ده روز بکیرد فرش را هفتاد ذراع در هفتاد ذراع وسیع
کند واکر پانزده روز بکیرد پانزده ستون نور در فرش نصب کنند واکر دوازده
روز بکیرد هر روز در قبر هفتاد هزار ملك زیارتش کنند واکر سیزده روز بکیرد
ملایکه هفت آسمان برایش استغفار کنند واکر چهارده روز بکیرد همه چیز
حتی ماهیان دریا برایش استغفار کنند واکر پانزده روز بکیرد خدای
تعالی فرماید بعزت خودم قسم که ترا باتش عذاب نکنم واکر شانزده روز بکیرد
هفتاد دریای آتش ازو خموش شود واکر هفده روز بکیرد همه درهای
بهشت برو کشاده شود ودرهای دوزخ ازو بسته شود واکر هجده روز بکیرد
هفتاد هزار قصر از در و یاقوت در بهشت باو دهند واکر نوزده روز
بکیرد همه درهای بهشت برو کشوده شود واکر بیست روز بکیرد هفتاد هزار حور
العین برایش تزویج کنند واکر بیست و یك روز بکیرد ملایکه با او مهربانی
و ملاطفت نمایند واکر بیست و دو روز بکیرد هفتاد حله از سندس و استبرق
در و پوشند واکر بیست و سه روز بکیرد هفتاد حله از سندس و استبرق در و
پوشند و چون از قبر بیرون آید بر مرکبی از نور سوار شده به بهشت
رود واکر بیست و چهار روز بکیرد شفیع هفتاد هزار کس از اهل توحید باشد
واکر بیست و پنج روز بکیرد از نفاق بری شود واکر بیست و شش روز بکیرد از صراط
بکذرد واکر بیست و هفت روز بکیرد از آتش برات یابد واکر بیست و هشت
روز بکیرد رویش نورانی و درخشان باشد واکر بیست و نه روز بکیرد رضوان
اکبر الهی فایز شود واکر سی روز تمام بکیرد خدای تعالی فرماید اکر کناه تو بعدد ستاره

آسمان

آسمان

آسمان و قطره باران و برك درختان و خاك زمین و ریك بیابان باشد
که همه را آمرزیدم ونیز مرویست که هر که ماه شعبان را بماه رمضان متصل
کند کفاره کناهان کذشته و آینده اش باشد ونیز مرویست که هر که سه روز
از آخر اینماه روزه کیرد و بماه مبارك رمضان متصل کند چنانست
که دو ماه متوالی روزه کرفته باشد و کفاره کناهانش باشد فصل
چهارم در فضایل روزه ماه مبارك رمضان مرویست از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود اکر شما فضایل این ماه را بدانید خدای تعالی را
بسیار شکر کنید که این تفضل بشما فرموده هر که این ماه را روزه کیرد
روز اول کناهانش آمرزیده شود و دو هزار هزار درجه برایش بلند کنند و پنجاه شهر در بهشت بنا کنند و روز دوم
بهر کامی که بردارد عبادت یکساله ... شهر در بهشت بنا
روزه یکساله نویسند و روز سیم بعدد هر موئی که در بدن دارد قبه در فردوس
عطا فرمایند از در سفید که بر بالای آن دوازده و در زیرش دوازده
خانه از نور باشد و در خانه هزار سریر بر هر سریر حوری نشسته و هر روز هزار
ملك هر یك با تحفه و هدیه پیش آیند و روز چهارم در جنت خلد
هزار قصر عطا فرمایند در هر قصر هفتاد هزار خانه و در هر خانه هزار سریر
بر هر سریر حوری نشسته در خدمت هر یك هزار کنیزك که مقنعه هر یك
از ایشان بهتر است از تمام دنیا و ما فیها و روز پنجم در جنت المأوی هزار
هزار شهر و در هر شهر هفتاد هزار خانه و در هر خانه هفتاد هزار خوان هفتاد هزار کاسه
و در هر کاسه شصت نوع طعام که هیچ کدام بدیکری شبیه نبود و روز ششم در جنت
السلام صد هزار شهر و در هر شهر صد هزار [illegible] سرا و در هر سرا صد هزار خانه در هر خانه

صد هزار کیسه او نخته بادت باقوت باقوت کیسه هر یک را کنیزکی در دست گرفته روز
هفتم ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق عطا فرماید و روز هشتم ثواب
عمل شصت هزار عابد و شصت هزار زاهد و روز نهم ثواب عالم و هزار معتکف
و هزار مرابط فی سبیل الله و روز دهم چنان باشد که هفتاد هزار حاجت بر آورده
باشد و آفتاب و ماه و ستارگان و همه مخلوقات حتی طیور و سباع و سنگ و
کلوخ و ماهیان دریا و برگ درختان برایش استغفار کنند و روز یازدهم
ثواب چهار حج و چهار عمره که هر حج با پیغمبری و هر عمره با صدیقی یا شهیدی کرده باشد
و روز دوازدهم ستایش مرا به مجازات شود و حسناتش مضاعف گردد که هر
حسنه برابر هزار حسنه باشد و روز سیزدهم مثل عبادت اهل مکه و مدینه
و بعدد هر سنگ و کلوخ در میان مکه و مدینه شفاعتی عطا فرمایند و روز
چهاردهم چنانست که با آدم و نوح و ابراهیم و موسی و داود و سلیمان ملاقات
کرده و صحبت داشته باشد و چنانست که با هر پیغمبری دویست سال عبادت
کرده باشد و روز پانزدهم جمیع حوایج دنیا و آخرتش مثل ثواب ایوب عطا
فرمایند و دعایش مستجاب باشد و حمله عرش برایش استغفار کنند و روز
قیامت چهل نور عطا فرمایند و در هر جانبش ده نور و روز شانزدهم چون
از قبر بیرون آید شصت حله از بهشت در وی پوشند و بوم کجا از بهشت سوار
شود و ابری بر سرش از حرارت آن روز سایه کند و روز هفدهم کناهان
او و کناهان آبایش آمرزیده شود و از شدائد روز قیامت ایمن گردد
و روز هجدهم خدای تعالی فرماید که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

وحمله

برکت [illegible] هر روز [illegible] باشد [illegible]

و حملۀ عرش و کروبین برایش استغفار کنند تا سال دیگر و روز قیامت
ثواب انبیا باو عطا فرماید و روز نوزدهم جمیع ملایکۀ آسمان از خدای تعالی وزمین
اذن خواسته هر روز بزیارت قبرش آیند هر یک با هدیه و شربتی از بهشت و روز
بیستم هفتاد هزار ملک برو موکل شوند که از شیاطین محافظتش نمایند
و بعدد هر روز که روزه گرفته ثواب صد ساله روزه عطا فرمایند و میان او
و دوزخ خندقی فاصل کنند و ثواب هر کس تورات و انجیل و زبور و فرقان
خوانده و بعدد هر پری از بال جبرئیل عبادت یک ساله و ثواب تسبیح حملۀ
عرش و کرسی عطا فرمایند و بعدد هر آیه از قرآن حوری برایش تزویج کنند
و روز بیست و یکم خدای تعالی قبرش را هزار فرسخ وسیع کرده اند و وحشت
ظلمت از وی برگیرد و قبرش را مثل قبور شهدا گردانند و رویش را مثل روی
یوسف علیه السلم کنند و روز بیست و دوم ملک الموت در وقت قبض
روحش چنان آید که بنزد انبیا میرود و هول نکیر و منکر و هموم دنیا و عذاب
آخرت از وی برخیزد و روز بیست و سیم با نبیین و صدیقین و شهدا و
صالحین از صراط بگذرد و چنانست که هر یتیم و اسیر و برهنه را پوشیده
باشد و روز بیست و چهارم از دنیا نرود تا جای خود در بهشت
نه بیند و ثواب هزار مریض و هزار غریب که بطاعت خدا از وطن رفته
باشد یابد و چنان باشد که هزار بنده از اولاد اسماعیل آزاد کند
و روز بیست و پنجم خدای تعالی در زیر عرش برایش هزار قبه از نور سبز
بنا فرماید و بر سر هر قبه خیمۀ از نور و فرماید ای بندۀ من در بنای عرش

من دریغ فیها با سامی و از نعمتهای بهشت متنعم نمای و از هر بیم و اندوه در امان باشی
و هزار تاج نور بر سرش نهند و بر مرکبی از نور سوار شود که زمامش از نور باشد
و بر زمامش هزار حلقه از طلا و بر هر حلقه ملکی موکل در دست هر ملک عمودی
از نور تا داخل بهشت شود و اولین و آخرین از حال او در تعجب باشند و روز
بیست و ششم خدای تعالی بجانب وی نظر کند و همه گناهانش را بیامرزد مگر خون
و مال مردم و روز بیست و هفتم چنانست که هر مؤمن و مؤمنه را نصرت کرده
و هفتاد هزار برهنه پوشانیده و هزار مرابط فی سبیل الله را خدمت کرده و جمیع
کتب الهی را خوانده باشد و روز بیست و هشتم خدای تعالی در جنت خلد صد هزار
شهر از نور و در جنت المأوی صد هزار قصر از نقره و در جنت نعیم صد هزار
خانه از عنبر اشهب و در جنت فردوس صد هزار شهر در هر شهر هزار حجره و در جنت
الجلال صد هزار منبر از مشک و در درون هر منبر هزار خانه در هر خانه هزار
هزار سریر از در و یاقوت و بر هر سریر حوری نشسته عطا فرماید و روز بیست و
نهم هزار هزار منزل در هر منزل قبه سفید در هر قبه سریری از کافور و بر هر
سریر هزار مسند از سندس سبز و بر هر مسند حوری نشسته هفتاد هزار
حله پوشیده و هشتاد هزار گیسو مکلل بدر و یاقوت آویخته عطا فرماید
و چون سی روز تمام شود بعدد هر روز که روزه گرفته ثواب هزار شهید
و هزار صدیق و عبادت پنجاه ساله عطا فرماید و هر روز که روزه داشته
برابر روزه هزار روز باشد و بعدد هر درخت و گیاه که از آب رود نیل
رسته درجات بلند کرامت و از عذاب ایمن باشد و بر صراط بگذرد

و بهشتی

و بهشت را دری است ریان نام که تا روز قیامت گشوده نشود آن روز بگشایند
و رضوان خازن بهشت گوید ای روزه داران ماه مبارک رمضان
از امت محمد صلی الله علیه و آله از این در داخل بهشت شوید پس حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود کسی که درین ماه آمرزیده نشود در کدام ماه
خواهد شد و تفصیل سایر روزهای مستحب هر یک در جای خود ان شاء الله
بیاید **فصل پنجم** در آداب صایم روایت از اهل بیت طاهرین علیهم
السلام که روزه گرفتن همین از خوردن و آشامیدن نیست بلکه چون
روزه گیری باید چشم و گوش و موی و پوست و همه جوارح و اعضایت از حرام
قبیح در روزه باشد و روز صایم مثل سایر ایام نباشد با مردم مجادله و منازعه
مکن و دروغ مگوی و دشنام مده و قسم مخور و مردم را حتی خادم خود
مرنجان و از ادب مکن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم زنی را دید روزه
دار که کنیز خود را دشنام داد آنحضرت آن زن را طلبید و طعامی طلبید
فرمود بخور گفت من روزه دارم فرمود چون روزه داری که دشنام میدهی
روزه همین از طعام و شراب نباشد و چون کسی روزه دار را دشنام دهد
او را بگوید من روزه دارم مثل تو دشنام نمیدهم خدای تعالی فرماید بنده
من بروزه پناه جست او را پناه از آتش دادم و نیز مرویست که در روزه
و در شب اندرون جمعه و در شب مطلقا و در شب اندرون ماه مبارک رمضان
و کسی محرم باشد و در مکه معظمه شعر خواندن نشاید اگرچه در مدایح اهل
بیت علیهم السلام باشد و مراد از این شعر آنست که مشتمل بر کذب و هجو و طعن یا رکیک باشد

و افتراقات و دعوای باطل و غیر واقع و امثال این باشد چنانکه در میان شعرا
شایع است اگرچه موضوعش حق باشد مثل مدح اهل بیت علیهم السلام و اگرچه شأن
ایشان ارفع از آن باشد اما اگر معانی حق واقعی باشد و موضوعش نیز حق
باشد مثل مناجات و موعظه و مدح اهل بیت علیهم السلام قصوری ندارد
چنانکه از تتبع کلام عرب و اخبار و آثار اهل بیت علیهم السلام ظاهر و مبین است
و روزه دار افضل آنست که مضمضه و استنشاق نکند مگر برای نماز فریضه
و با چوب تر مسواک نکند اما اگر چوب خشک باشد و یا بتر کند و حرکت
دهد تا آبش همه بریزد قصوری ندارد و مرهم که مشک داشته باشد یا طعمش
محسوس در گلو شود در چشم نکند و جامهٔ تر نپوشد مگر بعد از افشردن تا
در آن داشتن قصوری ندارد مگر زنان را و مشک و نرگس و ریحان
و هر گیاه خوشبو نبوید که این جمله برای صایم مکروه است اما سایر عطرها کلها
و بخور قصوری ندارد بلکه تعطیر و بخور برای صایم مستحب است و مرویست که روزه
دار در اول روز تعطر کند عقلش زایل نشود **فصل ششم** در سحور مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در ماه مبارک رمضان افضل آنست
که ترک سحور نکنند و در غیر آن اگر خواهند کنند و اگر خواهند نکنند و هر کس
همیشه سحور کنند کاش صلوة اگرچه بآب تنها افطار کنند که قوت بر صوم دهد
باید و خدای تعالی بر سحور کنندگان صلوة و رحمت فرستد و هر کس در وقت
سحور و افطار انا انزلناه بخواند چنان است که در راه خدا در خون خود
غلطیده باشد **فصل هفتم** در افطار مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام

که حضرت

که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله افطار بحلوا میفرموده و اگر حلوا نمی بود
بقند و خرما و اگر هیچ کدام نمی بود بآب نیم گرم و افطار بآب نیم گرم معده
و جگر را پاک کند و بوی دهن خوش کند و دندان محکم گرداند و چشم را
قوت و جلا دهد و گناهان از دل بشوید و رگهای جهنده را تسکین
دهد و صفرا بشکند و بلغم قطع کند و حرارت معده و صداع را زایل
گرداند و افضل آنست که اگر کسی انتظار نکشد افطار بعد از نماز شام کند
که روزه تمام شود و دعا در وقت افطار مستجاب باشد و فضل
قراءت انا انزلناه در وقت افطار در فصل سابق گذشت و در روایت
افطار بگوید یا عظیم یا عظیم یا عظیم یا عظیم انت الله لا اله الا انت اغفر لی الذنب
العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا انت یا عظیم از گناه ما پاک شود
مثل روزی که متولد شده و ایضا در وقت افطار بگوید بسم الله اللهم
لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبل منا انک انت السمیع العلیم
فصل هشتم در تفطیر صایم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هر کس صایمی را افطار فرماید مثل ثواب او داشته باشد و هر عبادت
و حسنه که بقوت آن طعام کند در ثوابش شریک باشد و افطار فرمودن
صایمی افضل است از روزه که خود کرده و اگر در ماه رمضان افطار فرماید
چنان است که بنده آزاد کند و کفارهٔ گناهان گذشته باشد و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام بیکی از اصحاب فرمود متوالی که در ماه مبارک رمضان
هر شب ده بنده از اولاد اسمعیل آزاد کنی گفت مالم باین قدر وفا نکند

پس یکیک کم می‌فرمود و می‌گفت نمی‌توانم تا بیک بنده رسید و گفت نمی‌توانم
فرمود می‌توانی که هر شب یک مسلم را افطار فرمایی گفت بلی پس مسلم را این
فرمود مقصودم همین بود که افطار فرمودن مؤمن مثل آزاد کردن بنده ایست
از اولاد اسمعیل **فصل نهم** در فضل افطار کردن برای
سرور مؤمن روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که در خانه برادر مؤمن
افطار کردن هفتاد مرتبه فضل است از روزه که گرفته و چون کسی روزه
غیر واجب داشته باشد و بر مؤمنی وارد شود و تکلیف افطار کند افطار
کند و او را مسرور سازد اگرچه بعد از نماز عصر باشد برابر است با ده روز
روزه و اگر اظهار نکرده و منت بر او نگذاشته افطار کند مثل یکساله
روزه باشد و ازین حدیث و سایر احادیث بسیار که در سرور مؤمن
وارد شده توان دانست که بهر وجه که افطار کردن سبب سرور مؤمن
یا دفع کدورت او باشد باید کرد اگرچه در خانه او نباشد **فصل**
دهم در اعتکاف روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که افضل
اوقات برای اعتکاف ماه مبارک رمضان است حتی اینکه مرویست
که اعتکاف نباشد مگر در عشر آخر ماه رمضان و ده روز اعتکاف در ماه
رمضان برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف کمتر از سه روز نباشد
و بیشتر هر قدر که خواهد تواند و اصل اعتکاف مستحب است اما چون دو روز
بکند در روز سیم واجب شود و همچنین هر روز سیم واجب باشد مثل ششم
و نهم و دوازده پس در روز اول و دوم باختیار تواند فسخ اعتکاف نمودن

وبیرون

و بیرون رفتن تا سیم بضرورت نتواند بیرون رفت و شرطست در اعتکاف
روزه داشتن پس کسی که روزه نتواند داشت یا در وقتی که روزه نتوان داشت
اعتکاف صحیح نباشد و هر روزه که باشد مجزی بود واجب خواه غیر آن و نیز شرطست
که در مسجدی باشد که امام عادل در آن نماز گذارده باشد و افضل مساجد
برای اعتکاف مسجد الحرام و مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و مسجد کوفه است
و در ایام اعتکاف بی ضرورت بیرون نباید رفت و جایز است بیرون رفتن برای
نماز جمعه یا حضور جنازه یا عیادت مریض و تحمل حقی از حقوق دین و
کار ضروری و چون برای حاجتی بیرون رود در جا ننشیند تا آنکه بمسجد خود
عود کند و نماز در غیر آن مسجد نگذارد مگر نماز جمعه یا در مکه معظمه که در هر
موضع از مکه که نماز گذارد صحیح باشد و حرام است در ایام اعتکاف مباشرت
کردن خواه در روز و خواه شب و بوییدن از بوی خوش و ریاحین و مجادله
با مردم و بیع و شری اجتناب باید نمود و مستحب است که وقت رفتن باعتکاف
با خدا شرط کرده باشد هر وقت امری عارض شود بیرون تواند رفت و حرجی
بر او نباشد خواه پیش از روز سیم و خواه بعد از آن **باب هشتم**
در اعمال شهور و اعوام و لیالی و ایام و مقصود ازین باب دوازده فصل
ان شاء الله بیان شود **فصل اول** در اعمال روز نوروز و فضایل
آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که در نوروز خلافت و ولایت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه در غدیر خم درین روز بود و درین روز حضرت صاحب
الزمان صلوات الله علیه ظهور خواهد فرمود و برکات درین روز بسیار

واقع شود مستحب است در این روز روزه داشتن و غسل کردن و جامهای پاکیزه
پوشیدن و تعطر نمودن و خواندن هر یک از آیة الکرسی و این دعا بعد از تمام سال
اللهم هذه سنة جدیدة وانت ملك قدیم أسألك خیرها وخیر ما فیها
واعوذ بك من شرها وشر ما فیها واستكفیك مؤونتها وشغلها یا ذا الجلال
والاکرام و هر کس در این روز بعد از نماز عصر چهار رکعت نماز گذارد در رکعت
اول بعد از الحمد ده انا انزلناه و در دوم ده قل یا ایها الکافرون و در سیم
ده قل هو الله و در چهارم ده معوذتین و بعد از فراغ سجده شکر کند و در سجده
این دعا بخواند پنجاه ساله گناهانش آمرزیده شود اللهم صل علی محمد و
آل محمد الاوصیاء المرضیین وعلی جمیع انبیائك ورسلك بافضل
صلواتك وبارك علیهم بافضل برکاتك وصل علی ارواحهم واجسادهم
اللهم بارك علی محمد وآل محمد وبارك لنا في یومنا هذا الذي فضلته
وکرمته وشرفته وعظمت قدره اللهم بارك لي فیما انعمت علی
حتی لا اشکر احدا غیرك ووسع علی في رزقی یا ذا الجلال والاکرام اللهم
ما غاب عنی من شیء فلا یغیبن عنی عونك علیه حتی لا اتکلف ما لا احتاج الیه
یا ذا الجلال والاکرام و نوشتن هفت سلام با مشك و زعفران و گلاب و آب نیسان
ان امانست تا روز دیگر از علل و امراض چنانچه مشهور است و در مجموعه نفیس
بنظر رسیده مروی از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه خواندن یا محول
الحول والاحوال حول حالنا الی احسن الحال بعد از تمام سال شهور را
اما حدیثی بنظر نرسیده فصل بیست و دوم در اعمال هر ماه که اختصاص بماهی

ندارد

ندارد مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله ماه نو میدید می گفت ایها الخلق المطیع الدائب السریع المتصرف في ملکوت
الجبروت بالتقدیس ربی وربك الله اللهم اهله علینا بالامن والایمان
والسلامة والاسلام والاحسان وکما بلغتنا اوله فبلغنا آخره و
اجعله شهرا مبارکا تمحو فیه السیئات وتثبت لنا فیه الحسنات وترفع
لنا فیه الدرجات یا عظیم الخیرات و اگر خواهد دعای صحیفه کامله را
بخواند که اتم و اکملست و هر کس چون ماه بیند هفت مرتبه الحمد بخواند در آن ماه
چشمش از رمد ایمن باشد و هر کس دیدن ماه هفت مرتبه الحمد بخواند در آن ماه چشمش
از رمد ایمن باشد و هر کس در اول ماه پنیر بخورد امید هست که در آن ماه دعای حاجتش
روا شود و اول هر ماه دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول بعد از الحمد سی مرتبه
قل هو الله و در دوم سی مرتبه انا انزلناه بخواند و آنچه مقدور شود تصدق
کند و سلامتی آن ماه را از خدای تعالی بخرد و هر کس دهم هر ماه حضرت امام
حسین علیه السلام را زیارت کند ثواب صد هزار شهید از شهدای بدر یابد
و سنت است در هر ماه سه روز روزه داشتن پنجشنبه اول و آخر ماه
و چهارشنبه میان که برابر است با صوم دهر و وسوسه خاطر را دفع
کند از ائمه طاهرین علیهم السلام از سبب این روزه سوال نمودند فرمودند
پنجشنبه برای آنکه اعمال بر خدای تعالی عرض می شود خوبست با روزه عرض
شود و چهارشنبه میان ماه روز عذابست و ارکان آتش در چهارشنبه
آفریده شده و خدای تعالی جمیع امم سابقه را در چهارشنبه میان ماه عذاب

کرده و روزه امان است از عذاب و اگر در اول ماه دو پنجشنبه باشد اول افضل است
و اگر آخر دو پنجشنبه باشد آخر افضل است و اگر بسبب مانعی یا مشقتی روزه گرفتن
دشوار باشد قضا کند با یکدرهم کنجد یا دو دینار است با یک مد گندم
یا غیر آن از طعامها که بخشند و بوزن تبریز یکچهاریک است تصدق کند و روایت
بسیار آمده که تصدق افضل است و در بعضی از روایات آمده که اگر قدرت
تصدق در نظر او کم نمود امام علیه السلام فرمود مؤمنی را طعام دادن
افضل است از یک ماه روزه گرفتن و نیز مرویست که هر که در یکی
از ماههای حرام که رجب و ذو القعده و ذو الحجه و محرم است پنجشنبه
و جمعه و شنبه روزه گیرد عبادت هشتصد سال برایش نوشته شود

فصل ستم در اعمال ماه محرم الحرام بدانکه اول سنه هجریست مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس هر ساله روز اول این ماه دو رکعت نماز
گذارد و بعد از سلام سه مرتبه بگوید اَللّهُمَّ اِنَّکَ اَنْتَ الْاَبَدیُّ الْقَدیمُ
الْعَفُوُّ الْغَفُورُ الرَّحیمُ وَهذِهِ سَنَةٌ جَدیدَةٌ فَاَسْئَلُکَ الْعِصْمَةَ فیها
مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ وَالْعَوْنَ عَلی هذِهِ النَّفْسِ الْاَمّارَةِ وَالْاِشْتِغالَ
بِما یُقَرِّبُنی اِلَیْکَ یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعامِ یا اَرْحَمَ
الرّاحِمینَ خدای تعالی بر او ملک موکل گرداند که بقیه عمر نگاهدار او
از او دفع کند و از متابعت نفس اماره و پیروی هوا و هوس محافظتش
نماید و بر طاعات و حسنات اعانتش کند و روز دهم این ماه قضیه
عظمی کربلا واقع شده و بنی امیه و اتباع ایشان لعنهم الله این روز را تبرک

کردند

کردند و روزه گرفتند هر کس در این روز روزه گیرد با ایشان تبرک کند با آل
زیاد لعنهم الله در جهنم باشد و هر کس در این روز ذخیره گذارد خدای تعالی
نفاق در دلش اندازد برکت از وی و از اولادش و اهل بیتش بردارد و شیطان
در آن شریک شود و اگر سعی در کاری از کارهای دنیا کند ساخته نشود و
اگر شود مبارک نشود و هر کس در این روز دست از حوایج باز دارد خدای
تعالی حوایج دنیا و آخرتش را بر آورد و از اعظم مستحبات است در این روز
مشغول مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام و اهل بیت و اقربا و اصحاب
او علیهم السلام که اعظم واشد بلایا است بودن و بهیئت مصیبت زدگان محزون
و گریان جامه و گریبان گشودن و تا یکساعت بعد از عصر دست از طعام
و شراب و لذت و شهوات کشیدن و بعد از آن باندک تربت مقدس افطار
نمودن که هر کس این روز را روز گریه و مصیبت خود گرداند خدای تعالی
روز قیامت را روز فرح و سرور او گرداند و هر کس مصیبت اهل بیت علیهم السلام
یاد کند و بگرید و دیگری را بگریاند روز قیامت با ایشان در درجه
ایشان باشد و چشمش نگرید روزی که همه چشمها گریان باشد هر کس یک قطره
اشک بریزد برای خونی که از ایشان ریخته یا حقی که بظلم از ایشان فوت
یا عرضی که بحرمت گشته یا برای یکی از شیعیان یک حقب در بهشت
باشد و حقب هشتاد سال و بعضی تفسیر کرده اند و گریه برای حضرت
امام حسین علیه السلام گناهان عظیم را بریزد و هر کس بر آنحضرت گریه کند و اشک
بر رویش روان شود همه گناهانش صغیره و کبیره و قلیل و کثیر آمرزیده شود و اگر

درشان آنحضرت بخوانند و بگویند و دیگری را بگریانند و اگر گریه نیاید خود را بگریه نالک
کرد اند بهشت او را واجب شود و هر کس قاتلان او را لعنت کند در غرفهای بهشت
با اهل بیت طاهرین علیهم السلام باشد و هر کس هر گاه یاد آنحضرت کند بگوید
یا لَیْتَنِی کُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِیماً چنانست که در خدمت آنحضرت
شهید شده باشد و هر کس بفرح ایشان فرحناک و بحزن ایشان محزون
باشد با ایشان در درجات عالی بهشت باشد و هر کس شب عاشورا در پیش
قبر آنحضرت بگذارند چنانست که در عرصه کربلا در خدمت آنحضرت شهید
شده و در خون خود غلطیده باشد و هر کس روز عاشورا زیارت قبر مقدس
آنحضرت کند چنانست که خدای تعالی را بر عرش زیارت کند و بهشت
او را واجب شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده هر کس روز عاشورا
گریان زیارت قبر آنحضرت کند ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار
غزوه که در خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین صلوات الله
علیهم کرده باشد برایش ثبت شود و اگر از آن مکان دور باشد و نتواند
بآنجا حاضر شد چون روز بلند شود پیش از زوال بصحرا بیرون رود
یا بر بامی بلند بر آید و بر آنحضرت سلام کند و گریه و نوحه کند و دو رکعت
نماز گذارد و بر قاتلان او بسیار لعنت کند و اهل بیت خود را بر گریه دارد
و در خانه خود مصیبت بر پای دارد و یکدیگر را تعزیه کند و بگویند
اَعْظَمَ اللهُ اُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا وَاِیَّاکُمْ مِنَ
الطَّالِبِینَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الْاِمَامِ الْمَهْدِیِّ مِنْ اٰلِ مُحَمَّدٍ مِنْ ضامنم

که چون

که چون چنین کنند همه آن ثوابها و ثواب مصیبت هر نبی و رسول و وصی
و صدیق و شهید از اول دنیا تا روز قیامت برای ایشان نوشته شود
راوی گوید که گفتم بفدایت تعلیم کن مرا که درین روز از دور یا نزدیک
زیارت کنم فرمود باین طریقه زیارت کن اول تکبیر بگوی بعد از آن چنین
سلام کن که مذکور می شود بعد از آن دو رکعت نماز بگذارد که خدای
تعالی صد هزار هزار درجه برایت بنویسد و چنان باشد که در خدمت
آنحضرت شهید گشته باشی و با شهدا در درجات ایشان شریک باشی و مخشور
که هیچ از ایشان ممتاز نباشی و ثواب زیارت هر نبی و رسول و ملک و هر کس
زیارت آنحضرت کرده از روزی که شهید شده برای تو نوشته
شود و اگر هر روز چنین زیارت کنی همین ثواب داشته باشی اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ
یَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا ابْنَ فَاطِمَةَ
الزَّهْرَاءِ سَیِّدَةِ النِّسَاءِ الْعَالَمِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا ثَارَ اللهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِتْرَ
الْمَوْتُورَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَی الْاَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَاَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ
عَلَیْكُمْ مِنِّی جَمِیعاً سَلَامُ اللهِ مَا بَقِیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهَارُ یَا اَبَا
عَبْدِ اللهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِیبَةُ بِكَ عَلَیْنَا
وَعَلٰی جَمِیعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِیبَتُكَ فِی السَّمٰوَاتِ عَلٰی جَمِیعِ
اَهْلِ السَّمٰوَاتِ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَیْكُمْ اَهْلَ الْبَیْتِ
وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَاَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِی
رَتَّبَكُمُ اللهُ فِیهَا وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدِینَ لَهُمْ

یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما

بالتمكين من ذلكم برئت الى الله واليكم منهم ومن اشياعهم واتباعهم
واوليائهم يا ابا عبد الله اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم
الى يوم القيمة ولعن الله آل زياد وآل مروان ولعن الله امية
قاطبة ولعن الله ابن مرجانة ولعن الله عمر بن سعد ولعن الله
امة اسرجت والجمت وتنقبت وتهيات لقتالك بابي انت وامي لقد
عظمت مصابي بك فاسئل الله الذي اكرم مقامي واكرمني بمقامي هذا
ان يرزقني طلب ثارك مع امام منصور من اهل بيت محمد صلى
الله عليه وآله اللهم اجعلني عندك وجيها بالحسين في الدنيا
والآخرة يا ابا عبد الله اني اتقرب الى الله والى رسوله والى امير المؤمنين
والى فاطمة والى الحسن واليك بموالاتك وبالبراءة ممن قاتلك
ونصب لك الحرب وبالبراءة ممن اسس اساس ذلك وبنى عليه بنيانه
وجرى ظلمه وجوره عليكم وعلى اشياعكم برئت الى الله
والى رسوله واليكم منهم واتقرب الى الله ثم اليكم بموالاتكم وموالاة
وليكم وبالبراءة من اعدائكم والناصبين لكم الحرب وبالبراءة
من اشياعهم واتباعهم اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم
وولي لمن والاكم وعدو لمن عاداكم فاسئل الله الذي اكرمني
بمعرفتكم ومعرفة اوليائكم ورزقني البراءة من اعدائكم ان
يجعلني معكم في الدنيا والآخرة وان يثبت لي عندكم قدم صدق
في الدنيا والآخرة واسئله ان يبلغني المقام المحمود الذي لكم عند الله

وان يرزقني

وان يرزقني طلب ثاري مع امام مهدي ظاهر ناطق منكم واسئل الله
بحقكم وبالشان الذي لكم عنده ان يعطيني بمصابي بكم افضل ما
يعطي مصابا بمصيبته مصيبة ما اعظمها واعظم رزيتها في — بالهاء
الاسلام وفي جميع السموات والارض اللهم اجعلني في مقامي هذا
ممن تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل محياي محيا
محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد وآل محمد اللهم ان هذا
يوم تبركت به بنو امية وابن آكلة الاكباد اللعين ابن اللعين
على لسانك ولسان نبيك في كل موطن وموقف وقف فيه نبيك
اللهم العن ابا سفيان ومعاوية ويزيد بن معوية وآل مروان
عليهم منك اللعنة ابد الآبدين وهذا يوم فرحت به آل زياد وآل
مروان بقتلهم الحسين اللهم فضاعف عليهم اللعن منك
والعذاب اللهم اني اتقرب اليك في هذا اليوم وفي موقفي هذا
بعد از صد مرتبه بگوی اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد
وآل محمد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي
جاهدت الحسين وشايعت وبايعت على قتله اللهم العنهم جميعا
بعد از صد مرتبه بگوی السلام عليك يا ابا عبد الله وعلى الارواح
التي حلت بفنائك واناخت برحلك عليك مني لزيارتك السلام
على الحسين وعلى علي بن الحسين وعلى اصحاب الحسين بعد از ان
بگوی اللهم خص انت اول ظالم باللعن مني وابدا به اولا ثم الثاني

والثالث والرابع اللهم العن يزيد خامسا والعن عبيد الله بن زياد
وابن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل ابي سفيان وآل زياد وآل
مروان الى يوم القيمة بعد از ان سجده کن وبگوی اللهم لك الحمد حمد
الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على عظيم رزيتي اللهم ارزقني شفاعة
الحسين يوم الورود وثبت لي قدم صدق عندك مع الحسين
واصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام

فصل چهارم در اعمال ماه صفر بعضی از اعاظم علما در کتب نقل کرده اند
که هر روز این ماه ده مرتبه این دعا بخوانند از بلاها که درین ماه نازل شود ایمن
باشد یا شدید القوی یا شدید المحال یا عزیز یا عزیز یا عزیز ذلت
بعزتك جميع خلقك فاكفني شر خلقك يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل
يا لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له و
نجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين وصلى الله على محمد وآله
الطيبين و مستحب است در بیستم این ماه که اربعین ماه عاشورا است
زیارت حضرت امام حسین علیه السلام وروایتست از حضرت امام حسن عسکری
علیه السلام که پنج چیز از علامات مؤمن است صلوة احدی وخمسین وزیارت
اربعین وتختم بالیمین وتعفیر جبین وجهر ببسم الله الرحمن الرحیم وچون
خواهد زیارت کند وقت ارتفاع روز بگوید السلام على ولي الله
وحبيبه السلام على خليل الله ونجيبه السلام على صفي الله وابن
صفيه السلام على الحسين المظلوم الشهيد السلام على اسير الكربات وقتيل

العبرات

العبرات اللهم اني اشهد انه وليك وابن وليك وصفيك وابن
صفيك الفائز بكرامتك اكرمته بالشهادة وحبوته بالسعادة
واجتبيته بطيب الولادة وجعلته سيدا من السادة وقائدا من
القادة وذائدا من الذادة واعطيته مواريث الانبياء وجعلته حجة
على خلقك من الاوصياء فاعذر في الدعاء ومنح النصح وبذل مهجته
فيك ليستنقذ عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة وقد توازر
عليه من غرته الدنيا وباع حظه بالارذل الادنى وشرى آخرته
بالثمن الاوكس وتغطرس وتردى في هواه واسخطك واسخط نبيك
واطاع من عبادك اهل الشقاق والنفاق وحملة الاوزار المستوجبين
للنار فجاهدهم فيك صابرا محتسبا حتى سفك في طاعتك دمه
واستبيح حريمه اللهم فالعنهم لعنا وبيلا وعذبهم عذابا اليما
السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد الاوصياء
اشهد انك امين الله وابن امينه عشت سعيدا ومضيت حميدا
ومت فقيدا مظلوما شهيدا وانا اشهد ان الله منجز ما وعدك
ومهلك من خذلك ومعذب من قتلك واشهد انك وفيت
بعهد الله وجاهدت في سبيله حتى اتيك اليقين فلعن الله امة
من قتلك ولعن الله من ظلمك ولعن الله امة سمعت بذلك
فرضيت به اللهم اني اشهدك اني ولي لمن والاه وعدو لمن عاداه
بابي انت وامي يا ابن رسول الله اشهد انك كنت نورا في الاصلاب الشامخة

وَالْاَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِاَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمَّاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَاَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى اَهْلِ الدُّنْيَا وَاَشْهَدُ اَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَايِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَاَمْرِي لِاَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَاْذَنَ اللّٰهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى اَرْوَاحِكُمْ وَاَجْسَادِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ بعد از ان دو رکعت نماز کذارد هر دعا که خواهد بکند **فصل پنجم** در اعمال ماه ربیع الاول اکثر شیعه برانند که در نهم این ماه قتل عمر بن الخطاب [illegible] واقع شده واهل تواریخ و بعضی از علمای شیعه درین خلاف کرده اما حدیث صریح روایت شده وخلاصه مضمونش این چنانست که دو کس از شیعیان گویند روز نهم ربیع الاول بود که رفتیم بخانه محمد بن اسحق قمی که از اعاظم اصحاب امام علی النقی علیه السلام بود محمد غسل کرده از خانه بیرون آمد وهنوز اب از او نکشوده بود واعضای خود را خشک میکرد ما از وضع او تعجب نمودیم گفت شما چنان کمان کرده اید که امروز عید است ومن غسل عید کرده ام کفتیم شیعیان از ائمه ازضحی وفطر وغدیر وجمعه عیدی ذکر کرده است کفت بلی پس ما را بخانه برده نشستیم پس کفت من با جماعتی شیعیان درهمین روز که نهم ربیع الاول است رفتیم بخدمت مولای

خود

خود امام علی نقی علیه السلام وآنحضرت هر یک از ملازمان وخدم را فرموده جامهای نو پوشیده بودند ومجمره در پیش آنحضرت بود متحیر شده پرسیدیم ماکفتیم پدر ومادر فدای تو باد مکر اهل بیت را فرح وعیدی تازه شده فرمود که کدام روز نزد اهل بیت حرمتش عظیمتر است از امروز که حذیفة بن الیمان درهمین روز بخدمت جدم رسول الله رفت با امیر المؤمنین وحسن وحسین علیهم السلام طعام تناول میفرمودند وبخور بر بر بدن نوشتان باد برکت امروز که درهمین روز خدای تعالی دشمن خود ودشمن جد شما را هلاک میکند ودعای مادر شما را اجابت می نماید واعمال شیعیان ودوستان شما را قبول میفرماید بخور برین که امروز است که شوکت دشمن جد شما شکسته میشود بخور بدین که امروز است که فرعون اهل بیت من وظالم ایشان وغاصب حق ایشان را هلاک میشود حذیفه گوید من گفتم یا رسول الله درمیان امت تو کسی هست که این بی ادبی تواند کرد فرمود بلی یکی از منافقین دعوی ریاست وخلافت کند ومردم را بخود دعوت نماید واز راه خدا بر کرداند وکتاب خدا را تحریف وسنت مرا تغییر دهد ومیراث فرزند مرا غصب کند وخود را امام وسفندای مردم کرداند واموال خود را اخر اکرده ودر معصیت صرف کند وبرادر و وزیر مرا تکذیب می نماید ودخترم را از حق خود منع کند ودخترم او را نفرین کند وخدای تعالی اجابت فرماید حذیفه گوید من کفتم چرا از خدا نمی خواهی که او را درحیوة تو هلاک کرداند فرمود که نمی خواهم خلاف قضای خدا کنم اما از او خواستم که روزی که او را هلاک میکند بر سایر ایام تفضیل دهد

تا دوستان من و شیعیان دوستان اهل بیت من آن روز را عید کنند برای شیعیان
و دوستان شما و فرموده ام که اگر کسی کرامت مرا درین روز در برابر بیت المعمور
نصب کنند و مرا ثنا گویند برای شیعیان و دوستان شما استغفار کنند و کرام
الکاتبین را فرموده ام که آن روز تا سه روز دیگر قلم از خلق بر دارند و هیچ خطیئه
بر ایشان ننویسند این روز را برای تو و برای اهل بیت تو و شیعیان شما عید
گردانیدم و بعزت و جلال خود دم که هر کس امروز را عید کند او را و اهل و اقربای ایشان
او را ثواب جنت و انش عطا فرمایم و هر کس امروز بر خود و بر عیال خود توسعه
کند مالش را زیاده کنم و هر سال درین روز صد هزار کس از شیعیان و موالی
شما را از آتش آزاد گردانم و طاعتشان را ثواب دهم و گناهانشان بیامرزم
و اعمالشان قبول نمایم حذیفه گوید پس آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم برخاست
بخانه ام سلمه تشریف ارزانی فرمود و من هیچ شك نداشتم در اینکه از منافقان
عمر بن الخطاب خواهد بود تا آنکه بعد از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آن
ملعون کرد آنچه کرد و غصب فدك نمود و حضرت فاطمه صلوات الله علیها بر او
نفرین کرد و خدای تعالی اجابت فرمود و در روز نهم ربیع الاول کشته شد پس
بخدمت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه رفتم فرمود ای حذیفه یاد می آری
آن روز را که بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدیم و فضایل این روز را
بیان فرمود گفتم بلی فرمود که والله که امروز همان روز است و مؤید این
احادیث دیگر که در فضایل این روز روایت شده مثل آنکه هر کس درین روز
صدقه و احسان کند آمرزیده شود و نیز بعضی علما نقل کرده اند که مستحب است

درین روز

درین روز اطعام مؤمنان و احسان بوی خوش با ایشان و توسعه
در نفقه و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت کردن اما روزه درین
روز روایت نشده هفدهم این ماه مولود حضرت پیغمبر است صلی الله
علیه و آله و سلم و روزه این روز برابر یکسال روزه است و مستحب است
درین روز تصدق کردن و زیارت مشاهد مقدسه نمودن

فصل ششم در اعمال ماه رجب المرجب مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که ماه رجب ماهیست عظیم الشان رفیع المنزله و منقولست از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه خدای تعالی درین ماه حسنات مضاعف کند و سیئات محو گرداند
و مستحبست احیا داشتن شب اول این ماه و مرویست که هر کس یک شب درین
ماه احیا دارد آتش دوزخ برو حرام شود و شفاعتش برای هفتاد هزار کس
از گناهکاران مقبول شود و مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بر مقبره
میگذشت لحظه توقف فرمود پس از آنجا گذشت از سبب توقف سوال نمودند فرمود
اهل این مقبره معذب بودند بر ایشان ترحم کردم و از خدای تعالی خواستم
که عذاب ایشان تخفیف فرمود و اگر ایشان یکروز از ماه رجب روزه میداشتند
و یک شب بعبادت بر میخواستند این عذاب ایشان نمیبودند و هر مؤمن و مؤمنه
که یکروز از این ماه روزه دارد و یک شب بعبادت برخیزد خدای تعالی ثواب یکساله
روزه و عبادت و هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد و هزار عتق رقبه از اولاد
اسمعیل و هزار دینار طلا الصدقه عطا فرماید و چنانست که اسیران امت
مرا آزاد کند و هزار گرسنه را سیر کند و از عذاب قبر و هول منکر و نکیر ایمن شود

کسی تعجب نموده گفت این همه ثواب کسی است که یک روز روزه کرده و یک شب بعبادت برخیزد و درین
ماه فرمود بلی برای کسی که انکار قدرت خدا نکند بر آنکه از نقد عبادت این همه ثواب
تواند داد و فرمود اگر کسی قادر بر خواستن شب نباشد بعد از نماز عشا قبل از خوابیدن
دو رکعت نماز بگذارد هر سوره که خواهد بخواند از خدای تعالی امید دارم که همه این
ثواب عطا فرماید و نیز مرویست که هر کس درین تصدق کند برای و امید ثواب
خدای تعالی در بهشت ثواب عطا فرماید که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده
و بخاطر هیچ کس نرسیده باشد و مستحبست شب اول این ماه خواندن این دعا بعد از
نماز عشا اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَنَّکَ مَلِکٌ وَاَنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ مُقْتَدِرٌ وَاَنَّکَ
ما تَشاءُ مِنْ اَمْرٍ یَکُونُ اَللّهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ صَلَّی اللهُ
عَلَیْهِ وَآلِهِ یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللهِ اِنّی اَتَوَجَّهُ بِکَ اِلَی اللهِ رَبِّکَ وَرَبّی لِیُنْجِحَ طَلِبَتی
اَللّهُمَّ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ وَالْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَیْتِهِ اَنْجِحْ طَلِبَتی بعد از آن حاجتی
که خواهد بخواهد و هر کس روز اول این ماه زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کند
گناهانش آمرزیده شود البته و نیز مرویست که هر کس روز اول و میان و
آخر این ماه غسل کند از گناهان پاک شود مثل روزی که متولد شده
و سلمان فارسی رحمه الله روایت کند از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود
که هر کس درین ماه سی رکعت نماز گذارد در هر رکعت بعد از الحمد سه مرتبه قل هو الله
و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون بخواند ده رکعت در اول ماه و بعد از
فراغ دستها بر داشته بگوید لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ
وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیی وَیُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ

اللهم لا مانع

اَللّهُمَّ لا مانِعَ لِما اَعْطَیْتَ وَلا مُعْطِیَ لِما مَنَعْتَ وَلا یَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْکَ الْجَدُّ و دستها
بر رو بمالد و ده رکعت میان ماه و بعد از فراغ دستها بر داشته بگوید
لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیی وَیُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ
لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ اِلهاً واحِداً اَحَداً صَمَداً لَمْ
یَتَّخِذْ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ
الْعَظیمِ و دستها بر رو بمالد و حاجتی که خواهد طلب نماید مستجاب شود و خدای تعالی
میان او و جهنم هفت خندق فاصل کند که عرض هر خندق مثل ما بین
آسمان و زمین باشد و بهر رکعت هزار هزار رکعت برایش نویسد و برات
و سلامت از صراط بگذرد و چنان باشد که تمام این ماه روزه داشته
باشد و تا سال دیگر از جمله نمازگزاران نوشته شود و هر روز ثواب
شهیدی از شهدای بدر برایش نویسد و هر یک روز که درین ماه روزه دارد
عبادت یکساله نویسد و هزار درجه بلند گرداند و هم از آنحضرت صلی الله علیه
و آله مرویست که ثواب روزه هر روز این ماه را بیان فرمود چنانکه در باب سابق
بتفصیل گذشت بعد از آن سؤال کردند که اگر کسی نتواند روزه گرفتن
چکند تا این ثوابها یابد فرمود هر روز درین ماه یک نان تصدق کند بخدا
قسم که آنحضرت همه ثواب بیشتر از آن و اگر همه خلق آسمان و زمین جمع شوند عشر ثواب
آن ثواب را نتوانند نوشت پرسیدند که اگر قادر برین تصدق نباشد چه کند
فرمود هر روز صد مرتبه بگوید سُبْحانَ الْاِلهِ الْجَلیلِ سُبْحانَ مَنْ لا یَنْبَغِی
التَّسْبیحُ اِلّا لَهُ سُبْحانَ الْاَعَزِّ الْاَکْرَمِ سُبْحانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَکَرَّمَ بِهِ

سبحان من لبس العز وهو له اهل ونیز مرویست که خدای تعالی فرموده هر کس در رجب
هزار مرتبه بگوید استغفر الله ذا الجلال والاکرام من جمیع الذنوب والاثام اگر او را
نیامرزم پس من خدای شما نباشم و سید بن طاوس فرموده و مستحب است هر روز در ماه رجب
خواندن این دعا اللهم انی اسئلک صبر الشاکرین لک وعمل الخائفین منک و
یقین العابدین لک اللهم انت العلی العظیم وانا عبدک البائس الفقیر
انت الغنی الحمید وانا العبد الذلیل اللهم صل علی محمد واله و
امنن بغناک علی فقری وبحلمک علی جهلی وبقوتک علی ضعفی یا قوی یا عزیز
اللهم صل علی محمد واله الاوصیاء المرضیین واکفنی ما اهمنی من امر الدنیا
والاخرة یا ارحم الراحمین ونیز هر روز از ماه رجب این دعا بخوانید که مرویست
از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه اللهم انی اسئلک بمعانی جمیع
ما یدعوک به ولاة امرک المامونون علی سرک المستبشرون بامرک
الواصفون لقدرتک المعلنون لعظمتک اسئلک بما نطق فیهم
من مشیتک فجعلتهم معادن لکلماتک وارکانا لتوحیدک و
آیاتک ومقاماتک التی لا تعطیل لها فی کل مکان یعرفک بها من
عرفک لا فرق بینک وبینها الا انهم عبادک وخلقک فتقها ورتقها
بیدک بدؤها منک وعودها الیک اعضاد واشهاد ومناة واذواد
وحفظة ورواد فبهم ملأت سماءک وارضک حتی ظهر ان لا اله الا انت
فبذلک اسئلک وبمواقع العز من رحمتک وبمقاماتک وعلاماتک ان
تصلی علی محمد واله وان تزیدنی ایمانا وتثبیتا یا باطنا فی ظهوره وظاهرا

فی بطونه

فی بطونه ومکنونه یا مفرقا بین النور والدیجور یا موصوفا بغیر کنه
ومعروفا بغیر شبه حاد کل محدود وشاهد کل مشهود وموجد
کل موجود ومحصی کل معدود وفاقد کل مفقود لیس دونک من
معبود اهل الکبریاء والجود یا من لا یکیف بکیف ولا یؤین بأین یا محتجبا
عن کل عین یا دیموم یا قیوم وعالم کل معلوم صل علی محمد واله وعلی عبادک
المنتجبین وبشرک المحتجبین وملائکتک المقربین والبهم الصافین الحافین
وبارک لنا فی شهرنا هذا المرجب المکرم وما بعده من الاشهر الحرم
واسبغ علینا فیه النعم واجزل لنا فیه القسم وابرر لنا فیه
القسم باسمک الاعظم الاعظم الاجل الاکرم الذی وضعته علی
النهار فاضاء وعلی اللیل فاظلم واغفر لنا ما تعلم منا وما لا نعلم
واعصمنا من الذنوب خیر العصم واکفنا کوافی قدرک وامنن علینا
بحسن نظرک ولا تکلنا الی غیرک ولا تمنعنا من خیرک وبارک لنا فیما
کتبته لنا من اعمارنا واصلح لنا خبیئة اسرارنا واعطنا منک
الامان واستعملنا بحسن الایمان وبلغنا شهر الصیام وما بعده
من الایام والاعوام یا ذا الجلال والاکرام ونیز هر روز این دعا بخواند
اللهم انی اسئلک بالمولودین فی رجب محمد بن علی الثانی وابنه
علی بن محمد المنتجب واتقرب بهما الیک خیر القرب یا من الیه
المعروف طلب وفیما لدیه رغب اسئلک سؤال مقترف مذنب
قد اوبقته ذنوبه واوثقته عیوبه علی الخطایا دؤوبه ومن الرزایا

خطوبه بسئلك التوبة وحسن الاوبة والنزوع عن الحوبة ومن النار
فكاك رقبته والعفو عما في ربقته والعفو عنهما فانت يا مولاي
اعظم امله وثقته اللهم واسئلك بمسائلك الشريفة ووسائلك المنيعة
ان تتغمدني في هذا الشهر برحمة منك واسعة ونعمة وازعة ونفس بما
رزقتها قانعة الى نزول الحافرة ومحل الاخرة وما هي اليه صائرة
وهركس در ماه رجب وشعبان و رمضان هر روز هر شب هر يك الحمد و
اية الكرسي وقل يا ايها الكافرون وقل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس سه مرتبه وسبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم سه مرتبه بخواند اللهم
صل على محمد وال محمد وعلى كل ملك ونبي سه مرتبه و اللهم
اغفر للمؤمنين والمؤمنات سه مرتبه واستغفر الله چهار صد مرتبه بكويد
ودر روايت ديكر سه مرتبه انا انزلناه وسه مرتبه اللهم اغفر لي و
لوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا بخواند مدعهم كناهانش امرزيده
شود اكرچه بعدد ستارهاء اسمان وقطرهاء باران وبرك درختان وكف
دريا وريك بيابان باشد وبعد ده هر حرف از زمين ورد شفاعت
دوستان واشنايان كند وهركس در بين سه ماه اين عمل بجا اورد اكرچه
در مدت عمر يكمرتبه باشد وبعدد هر حرف از ان هفتاد هزار حسنه عطا
فرمايند كه هر يك سنكين تر از كوه احد باشد وهفتصد حاجتش براورده
شود ودر وقت قبض روح وهفتصد در قبر وهفتصد حاجتش براورده شود
در وقتي كه از قبر بيرون مي ايد وهفتصد در وقتي كه نامهاي اعمال در اطراف

متفرق

در اعمال در اطراف متفرق باشد وهفتصد در وقت ميزان وهفتصد در وقت
صراط عمل رغايب هر كس پنجشنبه اول اين ماه روزه كيرد و شب جمعه اول كه انرا
رغايب كويند ميان نماز شام وخفتن دوازده ركعت نماز كذارد در هر ركعت
بعد از الحمد سه مرتبه انا انزلناه ودوازده مرتبه قل هو الله در دو ركعت
بيك سلام وچون از مجموع نماز فارغ شود هفتاد مرتبه صلوات فرستد
بعد از ان سجده كند وهفتاد مرتبه بكويد سبوح قدوس رب الملائكة
والروح بعد از ان سر بردارد وهفتاد مرتبه بكويد رب اغفر وارحم و
تجاوز عما تعلم انك انت العلي العظيم بعد از ان مرتبه ديكر سجده
كند وهمانكه در سجدهٔ اول كفته بود هفتاد مرتبه بكويد وحاجتي كه داشته
باشد در سجود بخواهد مستجاب شود كناهانش امرزيده شود اكرچه مثل كف
دريا ووزن كوهها وبرك درختان وريك بيابان باشد وشفيع هفتصد
كس از اهل بيت خود باشد كه همه مستوجب اتش باشند عمل ايام بيض هركس
ايام بيض اين ماه روزه كيرد وشبهاي انرا بعبادت برخيزد وشب پانزدهم
صد ركعت نماز كذارد در هر ركعت ده مرتبه قل هو الله بخواند وچون فارغ
شود هفتاد مرتبه استغفار كند شر اهل اسمان وزمين وشر ابليس وجنود ش
از و دفع شود واكر در اين ماه بميرد شهيد باشد وهزار حاجتش براورده
شود پانصد در دنيا وپانصد در اخرت ونيز مرويست كه هركه در اين
شب دوازده ركعت نماز كذارد در هر ركعت بعد از الحمد يكمرتبه
قل هو الله بخواند وبعد از فراغ صد مرتبه استغفار وتحميد وتكبير

کند و اگر با این عبادت گوید مجزی بود استغفر الله ذا الجود والکبریاء از ذنب
تا سال دیگر خطیئه بر وی ننویسند و بعد دهر قطره که در آن سال از آسمان آید
حسنه نویسند و بعد دهر رکوع و سجود که کرده در بهشت قصری از زبرجد
سبز و بعد دهر حرف قرآن که خوانده شهری از یاقوت سرخ عطا فرمایند و
تاج کرامت بر سرش نهند و مستحب است در روز پانزدهم این ماه زیارت
امام حسین علیه السلام عمل استفتاح کیفیت این عمل در کتب ادعیه بانحاء مختلفه
مذکور است و مستند هیچ یک از آنها در احادیث معلوم نیست و احتمال دارد
که مشایخ رحمهم الله اعمال دیگر را که هر کدام علیحده برای روز پانزدهم روایت شده
باشد با استفتاح مخلوط ذکر کرده باشند و سبب اختلاف و تنوع نیز گشته باشد عمل
اما کیفیت آن بنحوی که حدیث روایت شده است که فاطمه نام زنی بود از ذریه
حضرت امام حسن علیه السلام حضرت امام جعفر صادق علیه السلام او را شیر داده بود و پسر او
داود را منصور خلیفه عباسی مدتی محبوس کرده اراده قتل او داشت روزی
فاطمه بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام غمگین و محزون رفت
آنحضرت فرمود ماه رجب نزدیک است ایام بیض آن ماه را روزه بگیر و در روز
پانزدهم اول ظهر چهار رکعت نماز بگذار در رکعت اول بعد از
الحمد الم نشرح و در دوم قل یا ایها الکافرون و در سیم انا انزلناه و در
چهارم اذا زلزلت بخوان و بعد از نماز ظهر چهار رکعت دیگر بگذار در
اول بعد از الحمد قل هو الله و در دوم قل اعوذ برب الفلق و در سیم
قل اعوذ برب الناس و در چهارم انا اعطیناک بخوان بعد از آن ذکر و تسبیح

می کرده باشد

می کرده باشد تا وقت عصر داخل شود پس نماز عصر در اول وقت بگذارد و چون
سلام دهی تسبیحات اربع و الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله و صلوات بر پیغمبر و آل هر یک
صد مرتبه بعد از آن سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و صافات و حم
سجده و حم عسق و دخان و انا فتحنا و اذا وقعت و سوره الملک و ن و القلم
و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن بخوان و اگر از خواندن قرآن عاجز باشی بجای
آن الحمد صد مرتبه و آیة الکرسی ده مرتبه و قل هو الله هزار مرتبه بخوان بعد از آن
رو بقبله این دعا بخوان که اسم اعظم در این دعاست و فرمود این دعا را دعای
استفتاح باین سبب نام شده که هر گاه خوانده شود درهای آسمان
گشوده گردد و همان ساعت حاجتی که باین بخواهند مستجاب شود فاطمه گوید
چون این عمل بجا آوردم و خوابیدم جمیع انبیا و ملائکه را که در این دعا
مذکورند و صلوات بر ایشان فرستادم در خواب دیدم که می گویند که ای
ام داود مژده باد ترا که ما همه برای تو دعا کردیم و حاجتت مستجاب شد پس
بیدار شدم و اندک وقتی بیش نگذشت که داود آمد و گفت در بند و زندان
بودم که در نصف رجب بخواب دیدم ترا که جماعتی بسیار در اطراف تو ایستاده
بودند یکی از ایشان با من گفت ای داود ببرکت دعای مادرت خدای تعالی نجات
داد بر خیز بیدار شدم رسول منصور ایستاده بود مرا از حبس بیرون آورد
و پنج هزار درهم بمن داد و روانه خدمت شدم دعا اینست صدق الله
العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال و الاکرام الرحمن
الرحیم الحلیم الکریم الذی لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر اللطیف

الخبير شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله
الا هو العزيز الحكيم وبلغت رسله الكرام وانا على ذلك من الشاهدين
اللهم لك الحمد ولك المجد ولك الفخر ولك القهر ولك النعمة ولك
العظمة ولك الرحمة ولك المهابة ولك السلطان ولك البهاء
ولك الامتنان ولك التسبيح ولك التهليل ولك التكبير ولك
ما يرى ولك ما لا يرى ولك ما فوق السموات العلى ولك ما تحت الثرى
ولك الارضون السفلى ولك الاخرة والاولى ولك ما ترضى به من الثناء
والحمد والشكر والنعماء اللهم صل على جبرئيل امينك على
وحيك والقوي على امرك والمطاع في سمواتك ومحال كراماتك
المتحمل لكلماتك الناصر لانبيائك المدمر لاعدائك اللهم صل على ميكائيل
ملك رحمتك والمخلوق لرأفتك والمستغفر المعين لاهل طاعتك اللهم
صل على اسرافيل حامل عرشك وصاحب الصور المنتظر لامرك الوجل
المشفق من خيفتك اللهم صل على حملة العرش الطاهرين وعلى السفرة
الكرام البررة الطيبين الطاهرين وعلى ملائكتك الكرام الكاتبين
وملائكة الجنان وخزنة النيران وملك الموت والاعوان يا ذا الجلال
والاكرام اللهم صل على ابينا آدم بديع فطرتك الذي كرمته بسجود ملائكتك
واجنته جنتك اللهم صل على امنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة
من الدنس المفضلة من الانس المترددة بين محال القدس اللهم صل
على هابيل وشيث وادريس ونوح وهود وصالح وابرهيم واسمعيل واسحق

ويعقوب

ولك التقديس

ويعقوب ويوسف والاسباط ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون
ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين ويونس والياس واليسع وذي
الكفل وطالوت وداود وسليمان وزكريا وشعيا ويحيى وتورخ
ومتى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس
والحواريين والاتباع وخالد وحنظلة اللهم صل على محمد وال محمد
وارحم محمدا وال محمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت وباركت
وترحمت على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد اللهم صل
على الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة الهدى اللهم صل على الاوصياء
والابدال والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين والزهاد
واهل الجد والاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل صلواتك
واجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما وزده
فضلا وشرفا وكرما تبلغه اعلى درجات اهل الشرف من النبيين و
المرسلين والافاضل المقربين وصل على من سميت ومن لم اسم من
ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك واوصل صلواتي
اليهم والى ارواحهم واجعلهم اخواني فيك واعواني على دعائك اللهم اني استشفع بك اليك وبكرمك الى
كرمك وبجودك الى جودك وبرحمتك الى رحمتك وباهل طاعتك اليك
واسئلك اللهم بكل ما سألك به احد منهم من مسألة شريفة غير
مردودة وبما دعوك به من دعوة مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن

يا رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل
يا مقيل يا مجير يا خبير يا منير يا مبين يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير
يا قدير يا بصير يا شكور يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن
يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد
يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل
يا قابض يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع يا دافع
يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح
يا من بيده كل مفتاح يا نفاع يا رؤوف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي
يا مكافي يا رؤوف يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن
يا احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد يا وتر يا قدوس يا ناصر يا باعث يا وارث
يا عالم يا حاكم يا بادي يا متعالي يا مصور يا مسلم يا متحبب يا قائم يا دائم
يا عليم يا حكيم يا جواد يا باري يا بار يا سار يا عدل يا فاضل يا ديان يا حنان
يا منان يا سميع يا خبير يا معين يا ناشر يا غافر يا قديم يا كريم يا مسهل يا ميسر
يا مميت يا محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث يا مغني يا مقني يا خالق
يا واحد يا صمد يا حاضر يا جابر يا حافظ يا شديد يا غياث يا عائد يا قابض
يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر الاعلى يا من قرب فدنا وبعد فنأى
وعلم السر واخفى يا من اليه التدبير وله المقادير يا من العسير عليه يسير يا من
هو على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح
يا ذا الجود والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات يا جامع الشتات

يا رازق

يا رازق من يشاء وفاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال والاكرام
يا حي يا قيوم يا حي حين لا حي يا حي يا محيي الموتى يا حي لا اله الا انت
بديع السموات والارض يا الهي صل على محمد وال محمد وارحم محمدا
وال محمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت وباركت وترحمت
وتحننت على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد وارحم ذلي وفاقتي
وفقري وانفرادي ووحدتي وخضوعي بين يديك واعتمادي عليك وتضرعي
اليك ادعوك دعاء الخاضع الذليل الخاشع الخائف المشفق البائس المهين
الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير المقر بذنبه المستغفر منه المستكين
لربه دعاء من اسلمته ثقته ورفضته احبته وعظمت فجيعته دعاء
حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللهم واسئلك بانك
مليك وانك ما تشاء من امر يكون وانك على ما تشاء قدير واسئلك
بحرمة هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والركن والمقام والمشاعر العظام وبحق
نبيك عليه واله السلام يا من وهب لادم شيث ولابراهيم اسمعيل واسحق
يا من رد يوسف على يعقوب ويا من كشف بعد البلاء ضر ايوب يا راد
موسى على امه وزائد الخضر في علمه ويا من وهب لداود سليمن ولزكريا
يحيى ولمريم عيسى يا حافظ بنت شعيب ويا كافل ولد موسى اسئلك ان تصلي
على محمد وال محمد وان تغفر لي ذنوبي كلها وتجيرني من عذابك وتوجب لي
رضوانك وامانك واحسانك وغفرانك وجنانك واسئلك ان تفك
عني كل حلقة بيني وبين من يؤذيني وتفتح لي كل باب وتلين لي كل صعب وتسهل

لكل عسر وتحرس عنی كل ناطق بغی وتكف عنی كل باغ وتكبت كل عدو لی
وحاسد وتمنع منی كل ظالم وتحجبنی كل عائق یحول بینی وبین حاجتی
ویحاول ان یفرق بینی وبین طاعتك وتثبتنی عن عبادتك
یا من الجم الجن المتمردین وقهر عتاة الشیاطین واذل رقاب
المتجبرین ورد كید المتسلطین عن المستضعفین اسئلك بقدرتك
علی ما تشاء وتسهیلك لما تشاء كیف تشاء ان تجعل قضاء حاجتی
فیما تشاء بعد از آن سجده کن وهر دو رخ را بخاک بگذار وبگوی اللهم
سجدت وبك امنت فارحم ذلی وفاقتی واجتهادی وتضرعی
ومسكنتی وفقری الیك یا رب وجهد کن تا اشک از چشمت بیاید که
که علامت اجابت است بقدر سر مویی باشد روز بیست وپنجم این ماه روزه داشتن کفاره دو
سال گناه است عمل شب نوزدهم روایت است که شب بیست وهفتم رجب
که صاحب حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم به نبوت شد بهرات از هر جهه آفتاب
برو تابیده ونیز روایت که در ماه رجب شبی هست که هر کس در آن شب خواب را
بر خود حرام کند ومشغول عبادت باشد خدای تعالی جسد ترا بر آتش حرام
کند وهفتاد هزار ملک با وی مصافحه نمایند وبرایش استغفار کنند تا آن
شب از سال دیگر ومستحب است درین شب صلوات بسیار بر آنحضرت فرستادن
وهر کس انشعبان که درین شب عملی کند اجر شصت سال عمل یابد کسی از
حضرت امام محمد تقی علیه السلام پرسید که درین شب چه عمل کنیم فرمود چون
بعد از نماز خفتن بخوابید پیشتر از نصف شب هر وقت که بیدار شوید ده

رکعت

رکعت نماز بگذارید وبعد از هر دو رکعت بعد الحمد ومعوذتین وقل
هو الله وقل یا ایها الکافرون وانا انزلناه وآیة الکرسی هر یک هفت
مرتبه بخوانید بعد از آن بگوید الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک
فی الملك ولم یكن له ولی من الذل وكبره تكبیرا اللهم انی
اسئلك بمعاقد عزك علی اركان عرشك ومنتهی الرحمة من كتابك
وباسمك الاعظم الاعظم وذكرك الاعلی الاعلی الاعلی وبكلماتك التامات
ان تصلی علی محمد واله وان تفعل بی ما انت اهله وبعد از آن هر چه
خواهید دعا کنید ومستحب است خواندن این دعا در این شب اللهم انی
اسئلك بالتجلی الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر المعظم المكرم ان
تصلی علی محمد واله وان تغفر لنا ما انت به منا اعلم یا من یعلم
ولا یعلم اللهم بارك لنا فی لیلتنا هذه بشرف الرسالة وفضلتها وكرامتها منك
اجللتها وبالمحل الشریف احللتها اللهم فانا نسئلك بالمبعث الشریف
والسید اللطیف والعنصر العفیف ان تصلی علی محمد واله وان
تجعل اعمالنا فی هذه اللیلة وفی سایر اللیالی مقبولة وذنوبنا
مغفورة وحسناتنا مشكورة وسیئاتنا مستورة وقلوبنا بحسن
القول مسرورة وارزاقنا من لدنك بالیسر مدرورة اللهم
انك تری ولا تری وانت بالمنظر الاعلی وان لك الاخرة والاولی
اللهم انا نعوذ بك ان نذل ونخزی وان نأتی ما عنه نهیتنا اللهم
انا نسئلك الجنة من رحمتك ونستعیذ بك من النار فاعذنا منها

بعبادتك ونسئلك من الحور العين فارزقنا بعزتك واجعل اوسع
ارزاقنا عند كبر سننا واحسن اعمالنا عند اقتراب آجالنا واطل
في طاعتك وما يقرب اليك ويحظى عندك ويزلف لديك اعمارنا
واحسن في جميع احوالنا وامورنا معرفتنا ولا تكلنا الى احد من خلقك
فيمن علينا وتفضل علينا بجميع حوائجنا للدنيا والآخرة وابدا بآبائنا
وابنائنا وجميع اخواننا المؤمنين في جميع ما سألناك لانفسنا
يا ارحم الراحمين اللهم انا نسئلك باسمك العظيم وملكك القديم
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لنا الذنب العظيم
الا العظيم وهذا رجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر الحرم واكرمتنا
به من بين الامم فلك الحمد يا ذا الجود والكرم فاسئلك به وباسمك
الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا
يخرج منك الى غيرك ان تصلي على محمد واهل بيته الطاهرين
وان تجعلنا من العاملين فيه بطاعتك والآملين فيه بشفاعتك
اللهم اهدنا الى سواء السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل
في ظل ظليل وملك جزيل فانك حسبنا ونعم الوكيل اللهم اقلبنا
مفلحين منجحين غير مغضوب علينا ولا الضالين برحمتك يا ارحم
الراحمين اللهم اني اسئلك بعزائم مغفرتك وبواجب رحمتك السلامة
من كل اثم والغنيمة من كل بر والفوز بالجنة والنجاة من
النار اللهم دعاك الداعون ودعوتك وسألك السائلون وسألتك

وطلب

وطلب اليك الطالبون وطلبت اليك اللهم انت الثقة والرجاء
واليك منتهى الرغبة والدعاء اللهم فصل على محمد وآله واجعل
اليقين في قلبي والنور في بصري والنصيحة في صدري وذكرك
بالليل والنهار على لساني ورزقا واسعا غير ممنون ولا محظور
فارزقني وبارك لي فيما رزقتني واجعل غناي في نفسي ورغبتي فيما
عندك برحمتك يا ارحم الراحمين بعد از آن سجده كند و بگويد
الحمد لله الذي هدانا لمعرفته وخصنا بولايته ووفقنا لطاعته
صد مرتبه بگويد شكرا شكرا بعد از آن سر بر دارد و بگويد اللهم اني
قصدتك بحاجتي واعتمدت عليك بمسئلتي وتوجهت اليك بائمتي
وسادتي اللهم انفعنا بحبهم واوردنا موردهم وارزقنا مرافقتهم وادخلنا
الجنة برحمتك يا ارحم الراحمين و مستحب است غسل كردن درين
شب و درين روز و اين روز بغايت براست با نصف ماه و روايت ديگر
هفتم ماه است و مستحب است درين روز دوازده ركعت نماز گذارد
بعد از الحمد هر سوره كه خواهد بخواند و بعد از هر دو ركعت اين دعا بخواند
الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له
ولي من الذل وكبره تكبيرا يا عدتي في مدتي يا صاحبي في
شدتي يا وليي في نعمتي يا غياثي في رغبتي يا كالئي في وحدتي يا انيسي
في وحشتي انت الساتر عورتي فلك الحمد وانت المقيل عثرتي
فلك الحمد وانت المنعش صرعتي فلك الحمد صل على محمد وآل محمد

واستر عورتی وآمن روعتی واقلنی عثرتی واصفح عن جرمی وتجاوز
عن سیئاتی فی اصحاب الجنة وعد الصدق وچون از مجموع نماز و دعا فارغ
شود الحمد و قل هو الله و معوذتین و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه
و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخواند بعد از هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله
والله اکبر و سبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله و هفت
مرتبه بگوید الله الله ربی لا اشرک به شیئا و هر چه خواهد دعا کند و مستحب
در این روز خواندن این دعا یا من امرنا بالعفو والتجاوز وضمن علی نفسه
العفو والتجاوز یا من عفی وتجاوز اعف عنی وتجاوز یا کریم اللهم
وقد اکدی الطلب واعیت الحیلة والمذهب ودرست الآمال وانقطع
الرجاء الا منک وحدک لا شریک لک اللهم انی اجد سبل المطالب
الیک مشرعة ومناهل الرجاء لدیک مترعة وابواب الدعاء لمن دعاک
مفتحة والاستعانة لمن استعان بک مباحة واعلم انک للداعیک
بموضع اجابة وللصارخ الیک بمرصد اغاثة وان فی اللهف الی جودک
والضمان بعدتک عوضا من منع الباخلین ومندوحة عما فی ایدی
المستأثرین وانک لا تحتجبهم عن خلقک الا ان فی اللهف الی جودک والضمان
بعدتک عوضا من منع الباخلین الاعمال دونک وقد علمت ان افضل
زاد الراحل الیک عزم ارادة یختارک بها وقد ناجاک بعزم الارادة قلبی
واسألک بکل دعوة دعاک بها راج بلغته امله او صارخ الیک اغثت
صرخته او ملهوف مکروب فرجت عن قلبه او مذنب خاطی تغمدته

له او سائل اتممت نعمتک علیه او فقیر اهدیت غناک الیه ولتلک
الدعوة علیک حق وعندک منزلة الا صلیت علی محمد وآل محمد
وقضیت حوائجی حوائج الدنیا والآخرة وهذا رجب المرجب المکرم
الذی اکرمتنا به اول اشهر الحرم واکرمتنا به من بین
الامم یا ذا الجود والکرم فنسألک به وباسمک الاعظم الاعظم الا جل
الاکرم الذی خلقته فاستقر فی ظلک فلا یخرج منک الی غیرک
ان تصلی علی محمد واهل بیته الطاهرین وتجعلنا من العاملین
فیه بطاعتک والآملین فیه بشفاعتک اللهم واهدنا الی سواء
السبیل واجعل مقیلنا عندک خیر مقیل فی ظل ظلیل فانک
حسبنا ونعم الوکیل والسلام علی عباده المصطفین وصلواته
علیهم اجمعین اللهم وبارک لنا فی یومنا هذا الذی فضلته
وبکرامتک جللته وبالمنزل الکریم انزلته وصل علی من فیه الی
عبادک ارسلته وبالمحل الرفیع احللته اللهم صل علی محمد وآله
صلوة دائمة تکون لک شکرا ولنا ذخرا واجعل لنا من امرنا یسرا
واختم لنا بالسعادة الی منتهی آجالنا وقد قبلت الیسیر من اعمالنا
وبلغنا برحمتک افضل آمالنا انک علی کل شیء قدیر وصلی الله
علی سیدنا محمد وآله الطاهرین وسلم

فصل هفتم

در اعمال شهر شعبان المعظم روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که این ماه منسوب بحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و در این ماه اعمالی

بالای بند و حسنات هفتاد برابر مضاعف شود و سیئات محو گردد و گناهان
امرزیده شود و ارزاق مؤمنان درین ماه قسمت شود و زیاده شود چنانکه
در ماه مبارک رمضان و بهشت را زینت کنند و خدای تعالی از عرش نظر بر عابدان
و روزه‌داران اینماه کند و بایشان بحملهٔ عرش مباهات کند و فضایل روزه اینماه
تفصیل در باب سابق گذشت و هر کس درینماه صدقه دهد خدای تعالی
آنرا تربیت فرماید و زیاده گرداند تا روز قیامت مثل کوه احد باشد
و روایت دیگر آمده که هر کس درین ماه صدقه دهد اگرچه نصف خرمائی
باشد جسدش بر آتش حرام شود و هر کس هر روز درین ماه هفتاد مرتبه
استغفار کند گناهانش آمرزیده شود اگرچه بعدد ستارهٔ آسمان باشد
و در زمرهٔ حضرت پیغمبر صلی الله علیه محشور شود و هر کس درین ماه هر والش
روز هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله واسأله التوبة خدای تعالی
برات از نار و جواز بر صراط و دخول دار القرار عطا فرماید و
هر کس هر روز درینماه هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا
هو الرحمن الرحیم الحی القیوم واتوب الیه خدای تعالی او را در افق
مبین ثبت گرداند پرسیدند که افق مبین ثبت گرداند پرسیدند که
افق مبین کدام است حضرت امام علیه السلام فرمود صحرائیست در پیش عرش
گردان نهرها جاریست از بهشت و مستحب است در هر روز اینماه وقت ظهر
و در نصف ماه نیز خواندن این صلوات اللهم صل علی محمد وآل محمد وآل ب
محمد شجرة النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائکة ومعدن العلم واهل

بیت

بیت الوحی اللهم صل علی محمد وآل محمد الفلک الجاریة فی اللجج الغامرة یأمن
من رکبها ویغرق من ترکها المتقدم لهم مارق والمتأخر عنهم زاهق واللازم
لهم لاحق اللهم صل علی محمد وآل محمد الکهف الحصین المضطر المستکین الملجأ
الهاربین وعصمة المعتصمین اللهم صل علی محمد وآل محمد صلوة کثیرة تکون
لهم رضا ولحقهم اداء وقضاء بحول منک وقوة یا رب العالمین اللهم
فصل علی محمد وآل محمد الطیبین الابرار الاخیار الذین اوجبت
حقوقهم وفرضت طاعتهم وولایتهم اللهم صل علی محمد وآل محمد
واعمر قلبی بطاعتک ولا تخزنی بمعصیتک وارزقنی مواساة من
قترت علیه من رزقک بما وسعت علی من فضلک ونشرت علی
من عدلک واحییتنی تحت ظلک وهذا شهر نبیک سید رسلک
شعبان الذی حففته منک بالرحمة والرضوان الذی کان رسول
الله صلی الله علیه وآله یدأب فی صیامه وقیامه فی لیالیه وایامه
بخوعا لک فی اکرامه واعظامه الی محل حمامه اللهم فاعنا علی الاستنان
بسنته فیه ونیل الشفاعة لدیه اللهم واجعله لی شفیعا مشفعا وطریقا
الیک مهیعا واجعلنی له متبعا حتی القاک عنی راضیا وعن ذنوبی
غاضیا قد اوجبت لی منک الرحمة والرضوان وانزلتنی دار القرار ومحل
الاخیار و روز سیم اینماه حضرت امام حسین علیه السلام متولد شد مستحب است
درین روز روزه داشتن و خواندن این دعا اللهم انی اسألک بحق
المولود فی هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله وولادته

بكت السماء ومن فيها والارض ومن عليها ولما يطا لابتيها قتيل
العبرة وسيد الاسرة الممدودة بالنصرة يوم الكرة المعوض من قتله
ان الائمة من نسله والاوصياء من عترته والشفاء في تربته
والفوز معه في اوبته بعد قائمهم وغيبته حتى يدركوا الاوتار
ويثاروا الثار ويرضوا الجبار ويكونوا خير انصار صلى الله عليهم مع اختلاف
الليل والنهار اللهم فبحقهم اليك اتوسل واسئل سؤال مقترف
معترف مسئ الى نفسه مما فرط في يومه وامسه يسئلك العصمة الى
محل رمسه اللهم فصل على محمد وعترته واحشرنا في زمرته وبوئنا
معه دار الكرامة ومحل الاقامة اللهم وكما اكرمتنا بمعرفته فاكرمنا بزلفته
وارزقنا مرافقته وسابقته واجعلنا ممن يسلم لامره ويكثر الصلوة
عليه عند ذكره وعلى جميع اوصيائه واهل اصفيائه الممدودين
منك بالعدد الاثنى عشر النجوم الزهر والحجج على جميع البشر اللهم وهب لنا
في هذا اليوم خير موهبة وانجح لنا فيه كل طلبة كما وهبت الحسين لمحمد
جده وعاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد
تربته وننتظر اوبته امين رب العالمين عمل ايام وليالى بيض مرويست
كه هر كس ايام بيض ماه شعبان روزه گيرد خداى تعالى برايش هزار حسنه
نويسد وهزار درجه بلند گرداند وهر كس شب نصف شعبان وشب عيد فطر
احيا دارد دلش نميرد روزى كه همه دلها مرده باشد وشب نصف شعبان
بعد از شب قدر بهترين شبهاست ودرين شب گناهان كبيره امرزيده

شود

شود وحوايج برآورده ودعا مستجاب شود وهر كس درين شب زيارت حضرت
امام حسين عليه السلم بكند گناهان گذشته وآينده اش امرزيده شود ودرين
مرويست كه هر كس شب نصف شعبان وشب فطر وشب عرفه در يكسال زيارت آن
حضرت كند خداى تعالى برايش هزار عمره نويسد وهزار حاجتش برآورد
در دنيا وآخرت وهر كس درين شب سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
هر يك صد مرتبه بگويد گناهان گذشته امرزيده شود وحوايج دنيا
وآخرتش برآورده گردد خواه انچه سؤال كند وخواه انچه نكند وحضرت
امام محمد باقر عليه السلم فرموده هر كس درين ماه بعد از نماز خفتن
دو ركعت نماز گذارد در ركعت اول بعد از الحمد قل يا ايها الكافرون
ودر دوم قل هو الله احد بخواند وبعد از سلام سى وسه مرتبه سبحان
الله وسى وسه مرتبه الحمد لله وسى وچهار مرتبه الله اكبر بگويد بعد از ان بگويد
يا من اليه ملجأ العباد في المهمات واليه يفزع الخلق في الملمات
يا عالم الجهر والخفيات يا من لا يخفى عليه خواطر الاوهام وتصرف الخطرات
يا رب الخلائق والبريات يا من بيده ملكوت الارضين و
السموات انت الله لا اله الا انت امت اليك بلا اله الا انت
فيا لا اله الا انت اجعلني في هذه الليلة ممن نظرت اليه فرحمته
وسمعت دعاءه فاجبته وعلمت استقالته فاقلته وتجاوزت
عن سالف خطيئته وعظيم جريرته فقد استجرت بك من ذنوبي
ولجأت اليك في ستر عيوبي اللهم فجد علي بكرمك وفضلك

واحطط خطاياي بحلمك وعفوك وتغمدني في هذه الليلة بسابغ
كرامتك واجعلني فيها من اوليائك الذين اجتبيتهم لطاعتك و
اخترتهم لعبادتك وجعلتهم خالصتك وصفوتك اللهم اجعلني
ممن سعد جده وتوفر من الخيرات حظه واجعلني ممن سلم فنعم
وفاز فغنم واكفني شر ما اسلفت واعصمني من الازدياد في معصيتك
وحبب الي طاعتك وما يقربني منك ويزلفني عندك سيدي
اليك يلجأ الهارب ومنك يلتمس الطالب وعلى كرمك يعول المستقيل
التائب ادبت عبادك وانت الغفور الرحيم اللهم فلا تحرمني
ما رجوت من كرمك ولا تؤيسني من سابغ نعمك ولا تخيبني من
من جزيل قسمك في هذه الليلة لاهل طاعتك واجعلني في جنة
من شرار بريتك رب ان لم اكن اهل ذلك فانت اهل الكرم
والعفو والمغفرة جد علي بما انت اهله لا بما استحقه فقد حسن ظني
بك وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي بكرمك فانت ارحم الراحمين
واكرم الاكرمين اللهم واخصصني من كرمك بجزيل قسمك واعوذ
بعفوك من عقوبتك واغفر لي الذنب الذي يحبس علي الخلق ويضيق
علي الرزق حتى اقوم بصالح رضاك وانعم بجزيل عطائك واسعد بسابغ
نعمائك وقد لذت بحرمك وتعرضت لكرمك واستعذت بعفوك
من عقوبتك وبحلمك من غضبك وجد بما سالتك وانل ما التمست
منك اسئلك بك لا بشيء هو اعظم منك بعد ازان سجده كند وبيست مرتبه

بگوید

بگوید یا رب وهفت مرتبه یا الله وده مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله بعد ازان
صلوات بفرستد وهر حاجت لا بحولی ولا بقوتی الا سؤال کند والله الحمد
که اگر بعدد قطره باران حاجت بخواهد که خدای تعالی بفضل وکرم خود همه را عطا
فرماید وهرکس درین شب ده رکعت نماز گذارد در هر رکعت بعد از الحمد ده مرتبه
قل هو الله بخواند وچون فارغ شود سجده کند ودر سجده بگوید اللهم لك
سجد سوادي وخيالي وبياضي يا عظيم كل عظيم اغفر لي ذنبي العظيم فانه لا يغفره
غيرك هفتاد ودو هزار سیئه ازو محو شود وهفتاد ودو هزار حسنه نوشته
شود واز والدینش هفتاد دو هزار سیئه محو شود ودرین شب حضرت صاحب الزمان
صلوات الله علیه متولد شده واین دعا که مرویست از آنحضرت درین شب بخواند
اللهم صل على محمد سيد المرسلين وخاتم النبيين وحجة رب
العالمين في الميثاق المصطفى في الظلال من كل آفة البريء من
كل عيب المؤمل للنجاة المرتجى للشفاعة المفوض اليه دين الله
اللهم شرف بنيانه وعظم برهانه وافلج حجته وارفع درجته
واضئ نوره وبيض وجهه واعطه الفضل والفضيلة والوسيلة
والدرجة الرفيعة وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون والآخرون
وصل على امير المؤمنين ووارث المرسلين وقائد الغر المحجلين و
سيد الوصيين وحجة رب العالمين وصل على الحسن بن علي امام
المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على علي بن
الحسين امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين

وصل على محمد بن علي

وصلّ اللّهمّ على الخلف الهادي المهدي امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين وصلّ على موسى بن جعفر بن محمد امام المؤمنين ووارث
المرسلين وحجة رب العالمين وصلّ على موسى بن جعفر امام المؤمنين
ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصلّ على علي بن موسى امام المؤمنين
ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصلّ على محمد بن علي امام المؤمنين
ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصلّ على علي بن محمد امام المؤمنين
ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصلّ اللّهمّ على الخلف الهادي المهدي
امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين اللّهمّ صلّ على محمد
واهل بيته الائمة الهادين العلماء الصادقين الابرار المتقين دعائم
دينك واركان توحيدك وحججك على خلقك وخلفائك في ارضك
الذين اخترتهم لنفسك واصطفيتهم على عبادك وارتضيتهم لدينك
وخصصتهم بمعرفتك وجللتهم بكرامتك وغشيتهم برحمتك وربيتهم
بنعمتك وغذيتهم بحكمتك والبستهم نورك ورفعتهم في ملكوتك و
حففتهم بملائكتك وشرفتهم بنبيك صلواتك عليه وآله اللّهمّ صلّ
عليه وعليهم صلوة كثيرة دائمة طيبة لا يحيط بها الا انت ولا يسعها
الا علمك ولا يحصيها احد غيرك اللّهمّ صلّ على وليك المحيي سنتك
القائم بامرك الداعي اليك الدليل عليك حجتك على خلقك وخليفتك
في ارضك وشاهدك على عبادك اللّهمّ اعزّ نصره ومدّ في عمره وزيّن
الارض بطول بقائه اللّهمّ اكفه بغي الحاسدين واعذه من شر الكائدين

وازجر

وازجر عنه ارادة الظالمين وخلّصه من ايدي الجبارين اللّهمّ
اعطه في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته
وعدوه وجميع اهل الدنيا ما تقرّ به عينه وتسرّ به نفسه وبلّغه
افضل ما امله في الدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير اللّهمّ
جدّد به ما امتحى من دينك واحي به ما بدّل من كتابك
واظهر به ما غيّر من حكمك حتى يعود دينك به وعلى يديه غضّا
جديدا خالصا لا شك فيه ولا شبهة معه ولا باطل عنده ولا
بدعة لديه اللّهمّ نوّر بنوره كل ظلمة وهدّ بركنه كل بدعة واهدم
بعزته كل ضلالة واقصم به كل جبار واخمد بسيفه كل نار و
اهلك بعدله كل جور واجر حكمه على كل حكم واذلّ بسلطانه كل سلطان
اللّهمّ اذلّ كل من ناواه واهلك كل من عاداه وامكر بمن كاده
واستأصل من جحد حقه واستهان بامره وسعى في اطفاء نوره
واراد اخماد ذكره اللّهمّ صلّ على محمد المصطفى وعلي المرتضى وفاطمة
الزهراء والحسن الرضا والحسين المصطفى وجميع الاوصياء مصابيح
الدجى واعلام الهدى ومنار التقى والعروة الوثقى والحبل المتين و
الصراط المستقيم وصلّ على وليك وولاة عهده والائمة من ولده
ومدّ في اعمارهم وزد في آجالهم وبلّغهم اقصى آمالهم دينا ودنيا وآخرة
انك على كل شيء قدير و ایضا مستحب است درین شب خواندن این دعا اللّهمّ
بحق ليلتنا ومولودها وحجتك وموعودها التي قرنت الى فضلها فضلا فتمت

كلمتك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماتك ولا معقب لاياتك نورك المتالق
وضياؤك المشرق والعلم النور في طخياء الديجور الغائب المستور جل
مولده وكرم محتده والملائكة شهده والله ناصره ومؤيده اذا
ان ميعاده والملائكة امداده سيف الله الذي لا ينبو ونوره الذي
لا يخبو وذو الحلم الذي لا يصبو مدار الدهر ونواميس العصر وولاة الامر
والمنزل عليهم ما يتنزل في ليلة القدر واصحاب الحشر والنشر تراجمة
وحيه وولاة امره ونهيه اللهم فصل على خاتمهم وقائمهم المستور
عن عوالمهم وادرك بنا ايامه وظهوره وقيامه واجعلنا من
انصاره واقرن ثارنا بثاره واكتبنا في اعوانه وخلصائه واحينا في
دولته ناعمين وبصحبته غانمين وبحقه قائمين ومن السوء سالمين
برحمتك يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد
خاتم النبيين والمرسلين وعلى اهل بيته الصادقين وعترته الناطقين
والعن جميع الظالمين واحكم بيننا وبينهم يا احكم الحاكمين ودر روز
نصف شعبان ارواح انبيا عليهم السلام اذن خواستند بزيارت قبر امام حسين عليهم
السلام آيند وهركس درين روز زيارت قبر آن حضرت كند صد و بيست هزار
پيغمبر با او مصافحه كنند ويك سال كناه برو ننويسند واكر سال دوم نيز زيارت
كند كناهان اش آمرزيده شود ودر روايت ديكر آمده كه هركس درين دو روز سال
لي در پي زيارت آن حضرت كند كناهان ش ۱۰ آمرزيده البته در شب آخر شعبان
شب اول ماه رمضان اين دعا بخواند اللهم ان هذا الشهر المبارك الذي

انزل

انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان قد
حضر فسلمنا فيه وسلمه لنا وتسلمه منا في يسر منك وعافية يا من اخذ
القليل وشكر الكثير اقبل مني اليسير اللهم اني اسألك ان تجعل لي الى
كل خير سبيلا ومن كل ما لا تحب مانعا يا ارحم الراحمين يا من
عفا عني وعما خلوت به من السيئات يا من لم يؤاخذني بارتكاب
المعاصي عفوك عفوك عفوك يا كريم يا الهي وعظتني فلم اتعظ وزجرتني نتعظ
عن محارمك فلم انزجر فما عذري فاعف عني يا كريم عفوك عفوك
اللهم اني اسألك الراحة عند الموت والعفو عند الحساب عظم الذنب
من عبدك فليحسن التجاوز من عندك يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة
عفوك عفوك اللهم اني عبدك وابن عبدك وابن امتك ضعيف
فقير الى رحمتك وانت منزل الغنى والبركة على العباد قاهر
مقتدر احصيت اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم
والوانهم خلقا من بعد خلق لا يعلم العباد علمك ولا يقدر العباد قدرك
وكلنا فقير الى رحمتك فلا تصرف عني وجهك واجعلني من صالحي
خلقك في العمل والامل والقضاء والقدر اللهم ابقني خير البقاء
وافنني خير الفناء على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك والرغبة
اليك والرهبة منك والخشوع والوفاء والتسليم لك والتصديق
بكتابك واتباع سنة رسولك اللهم ما كان في قلبي من شك او ريبة
او جحود او قنوط او فرح او مرح او بطر او خيلاء او رياء او سمعة

اَوْ شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ عِصْيَانٍ اَوْ عَظَمَةٍ اَوْ شَيْءٍ لَا
تُحِبُّ فَاَسْئَلُكَ يَا رَبِّ اَنْ تُبْدِلَنِي مَكَانَهُ اِيمَانًا بِوَعْدِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ
وَرِضًى بِقَضَائِكَ وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَاَثَرَةً
وَطُمَأْنِينَةً وَتَوْبَةً نَصُوحًا اَسْئَلُكَ ذٰلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اِلٰهِي اَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ
تُعْصٰى وَمِنْ كَرَمِكَ وَجُودِكَ تُطَاعُ فَكَاَنَّكَ لَمْ تُعْصَ وَاَنَا وَمَنْ لَمْ
يَعْصِكَ سُكَّانُ اَرْضِكَ فَكُنْ عَلَيْنَا بِالْفَضْلِ جَوَادًا وَبِالْخَيْرِ عَوَّادًا
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلٰوةً لَا تُحْصٰى وَلَا تُعَدُّ
وَلَا يُقَدِّرُ قَدْرَهَا غَيْرُكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

فصل هشتم

در اعمال ماه مبارک رمضان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که این
ماه سید ماههاست اولش رحمت و میانش مغفرت و اخرش اجابت دعوت
و آزادی از آتش و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در فضایل اینماه خطبه ادا نموده
و مجمل مضمونش اینست که این ماه افضل ماههاست و یک نماز تطوع در شبهای اینماه
مثل نماز هفتاد شبست در سایر ماهها و اجر تطوع و تصدق و سایر اعمال خیر در اینماه
مثل اجر فریضه است در غیر اینماه و فریضه در اینماه مثل هفتاد فریضه است در غیر آن
و در اینماه اهل حاجت و اعمال و ارزاق مردم نوشته شود و ارزاق مؤمنان در اینماه
زیاده میگردد و هرکه در اینماه مؤمنی را افطار فرماید چنانست که بنده آزاد کند
و گناهان گذشته اش آمرزیده شود گفتند که ما همه قادر نیستیم فرمود خود را از آتش
نگاه دارید اگرچه بنصف خرما باشد یا بشربت آبی و هرکه در اینماه خدمت و مشقت
از خدام خود تخفیف دهد خدای تعالی روز قیامت حساب او را تخفیف کند

ومومنان

و مؤمنان درین ماه مهمان خدا و اهل کرامت اویند نفسهای شما تسبیح
و خوابشان عبادت و دعاشان مستجاب و عملشان مقبول پس در اینماه
بنیتهای صادق و دلهای پاکیزه از گناه و توفیق روزه آن و تلاوت قرآن
مسئلت کنید و بجوع و عطش اینماه جوع و عطش روز قیامت بیاد آرید و بر فقرا
تصدق و بر کوچکان ترحم و بزرگان را توقیر و تعظیم نمایید و صله رحم بجا آرید
و زبان از بیهوده و بیحاصل ببندید و چشم از حرام بپوشید و گوش از آن نگاه دارید
و بر ایتام مردم رحم کنید تا بر ایتام شما رحم کنند و در اوقات صلوات که افضل
اوقاتست از گناهان استغفار کنید و دستها بدعا بردارید که خدای تعالی
بر بندگان برحمت نظر کند چون او را بطلبند لبیک گوید و چون مناجات
کنند اجابت نماید و چون دعا کنند عطا فرماید نفوس شما در گرو اعمال است
بطلب استغفار خلاص کنید و پشتهای شما از گناه سنگین است بطول رکوع
و سجود بار از دوش خود سبک کنید و درهای بهشت درین ماه گشوده است
سؤال کنید تا بر شما نبندد و درهای دوزخ بسته است تضرع نمایید تا بر شما
نگشایند و شیاطین مسجون و محبوسند استغاثه کنید تا بر شما مسلط نشوند
و شقی کسیست که در اینماه از مغفرت خدا محروم ماند و کسی که در اینماه
آمرزیده نشود کی آمرزیده شود مگر آنکه بعرفات حاضر شود و هرکس
درین ماه شر خود از مردم باز گیرد خدای تعالی غضب خود از و باز گیرد
و هرکس تطوعی بجا آرد از آتش بری شود و هرکس صلوات بر من فرستد میزانش را
سنگین کرده اند روزی که میزانها سبک باشد و هرکه یک آیه از قرآن بخواند

چنانکه در ماه دیگر ختم قرآن کند و هر شب درین ماه جمعی بسیار از آتش آزاد شوند مگر
کسی که روزه بر مسکر کند یا صاحب بدعت یا صاحب شطرنج باشد و در شب
آخر مثل آنکه در تمام ماه از آتش آزاد شوند و هر کس این ماه روزه کرد و قدری
از شبهایش عبادت کند و مواظبت بر نمازها و محافظت نماز جمعه و نماز
عید نماید و بطن و فرج خود را از حرام حفظ کند و زبان از مردم باز دارد
و لیلة القدر را دریابد از گناهان بیرون رود چنانکه از ماه بیرون
میرود و بجایزه و صلهٔ الهی فایز شود و نیز روایت دیگر آمده که هر کس این ماه را
روزه گیرد و فرج و زبان حفظ کند و مردم را نیازارد و نرنجاند خدای
تعالی گناهان آینده و گذشته را بیامرزد و از آتش آزادش گرداند و در بهشت
نزولش فرماید و شفاعتش را بر اهل توحید بعدد ریگ عالج قبول فرماید
این بود مجملی از مکارم اخلاق و محاسن افعال درین ماه اما اذکار و اوراد
این بود مجملی از
آن بیانش آنکه چون ماه مبارک دیده شود روی بقبله بگوید اللّهمّ اهلّه
علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام والعافیة المجلّلة والرزق
الواسع ودفع الاسقام اللّهمّ ارزقنا صیامه وقیامه وتلاوة القرآن
فیه اللّهمّ سلّمه لنا وتسلّمه منّا وسلّمنا فیه و دعای رؤیت هلال از صحیفه
کامله نیز بخوانند و زیارت امام حسین علیه السلم کند گناهانش بریزد مثل برگ
از درخت و از گناه پاک شود مثل روزی که متولد شده و چنان باشد که عمره
گذارده باشد و هر شب ازین ماه این دعا بخوانند اللّهمّ انّی افتتح الثناء بحمدک
وانت مسدّد للصواب بمنّک ایقنت انّک ارحم الراحمین فی موضع العفو
والرحمة

وَالرَّحْمَةِ وَاَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقِمَةِ وَاَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي
مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ اَللّٰهُمَّ اَذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ فَاسْمَعْ يَا
سَمِيعُ مِدْحَتِي وَاَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي وَاَقِلْ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي فَكَمْ يَا اِلٰهِي مِنْ كُرْبَةٍ
قَدْ فَرَّجْتَهَا وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا وَعَثْرَةٍ قَدْ اَقَلْتَهَا وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا وَ
حَلْقَةِ بَلَاءٍ قَدْ فَكَكْتَهَا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ
يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ
وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي اَمْرِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ وَلَا شَبِيهَ لَهُ
فِي عَظَمَتِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ اَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظَّاهِرِ بِالْكَرَمِ
مَجْدُهُ الْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ
اِلَّا كَرَمًا وَجُودًا اِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ قَلِيلًا مِنْ
كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي اِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ
سَهْلٌ يَسِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي وَ
صَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي وَسِتْرَكَ عَلَى قَبِيحِ عَمَلِي وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَ
مَا كَانَ مِنْ خَطَائِي وَعَمْدِي اَطْمَعَنِي فِي اَنْ اَسْئَلَكَ مَا لَا اَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ
الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَاَرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرَّفْتَنِي مِنْ اِجَابَتِكَ
فَصِرْتُ اَدْعُوكَ آمِنًا وَاَسْئَلُكَ مُسْتَأْنِسًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجِلًا مُدِلًّا
عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ اِلَيْكَ وَاِنْ اَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ
وَلَعَلَّ الَّذِي اَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْاُمُورِ فَلَمْ اَرَ مَوْلًى كَرِيمًا

اصبر على عبد لئيم منك علىّ يا ربّ انك تدعوني فاولّي عنك وتتحبّب
الىّ فاتبغّض اليك وتتودّد الىّ فلا اقبل منك كانّ لي التطوّل عليك
ولم يمنعك ذلك من الرحمة لي والاحسان الىّ والتفضّل علىّ بجودك
وكرمك فارحم عبدك الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد
كريم الحمد لله مالك الملك مجري الفلك مسخّر الرياح فالق الاصباح ديّان
الدين ربّ العالمين الحمد لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه
بعد قدرته والحمد لله على طول اناته في غضبه وهو القادر على ما يريد
الحمد لله خالق الخلق وباسط الرزق ذي الجلال والاكرام والفضل
والاحسان الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك
وتعالى الحمد لله الذي لم يكن له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله
ولا ظهير يعاضده قهر بعزّته الاعزّاء وتواضع لعظمته العظماء
فبلغ بقدرته ما يشاء الحمد لله الذي يجيبني حين اناديه ويستر
علىّ كلّ عورة وانا اعصيه ويعظّم النعمة علىّ فلا اجازيه فكم
من موهبة هنيئة قد اعطاني وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة
مونقة قد اراني فاثني عليه حامدا واذكره مسبّحا الحمد لله الذي
لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يردّ سائله ولا يخيّب آمله
الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجّي الصادقين ويرفع المستضعفين
ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف آخرين الحمد لله قاصم
الجبّارين مبير الظلمة مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ المستصرخين

موضع

موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي ترعد السماء وسكّانها
وترجف الارض وعمّارها وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله
الذي يخلق ولم يخلق ويرزق ولا يرزق ويطعم ولا يطعم
ويميت الاحياء ويحيي الموتى وهو حيّ لا يموت بيده الخير وهو على كل
شيء قدير اللهم صلّ على محمد عبدك ورسولك وامينك وصفيّك
وحبيبك وخيرتك من خلقك وحافظ سرّك ومبلّغ رسالاتك افضل
واحسن واجمل واكمل وازكى وانمى واطيب واطهر واسنى واكثر ما صلّيت
وباركت وترحّمت وتحنّنت وسلّمت على احد من عبادك وانبيائك
ورسلك وصفوتك واهل الكرامة عليك من خلقك اللهم صلّ على
عليّ امير المؤمنين ووصيّ رسول ربّ العالمين وعلى الصدّيقة الطاهرة
فاطمة الزهراء سيّدة نساء العالمين وصلّ على سبطي الرحمة وامامي
الهدى الحسن والحسين سيّدي شباب اهل الجنّة وصلّ على ائمّة
المسلمين حججك على عبادك وامنائك في بلادك صلاة كثيرة
دائمة اللهم وصلّ على وليّ امرك القائم المؤمّل والعدل المنتظر
احففه بملائكتك المقرّبين وايّده بروح القدس يا ربّ العالمين
اللهم اجعله الداعي الى كتابك والقائم بدينك واستخلفه في الارض
كما استخلفت الذين من قبله مكّن له دينه الذي ارتضيته له
ابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم اعزّه
واعزز به وانصره وانتصر به وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا

قريبا اللهم اظهر به دينك وملة نبيك حتى لا يستخفي بشيء من الحق
مخافة احد من الخلق اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام
واهله وتذل بها النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك
والقادة الى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا والاخرة اللهم ما عرفتنا
من الحق فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم المم به شعثنا واشعب
به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر به قلتنا واعزز به ذلتنا واغن به عائلنا
واقض به عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به خلتنا ويسر به عسرنا وبيض
به وجوهنا وفك به اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب
به دعوتنا واعطنا به فوق رغبتنا يا خير المسؤولين واوسع المعطين
اشف به صدورنا واذهب به غيظ قلوبنا واهدنا به لما اختلف فيه
من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم وانصرنا
على عدوك وعدونا اله الحق امين اللهم انا نشكو اليك
فقد نبينا وغيبة امامنا وكثرة عدونا وقلة عددنا وشدة الفتن
بنا وتظاهر الزمان علينا فصل على محمد وال محمد واعنا على ذلك
بفتح تعجله وبضر تكشفه ونصر تعزه وسلطان حق تظهره ورحمة
منك تجللناها وعافية منك تلبسناها برحمتك يا ارحم الراحمين
هر سحر دبماه این دعا بخواند یا عدتي في كربتي ويا صاحبي في شدتي و
يا وليي في نعمتي ويا غايتي في رغبتي انت الساتر عورتي والمؤمن روعتي
والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي اللهم اني اسئلك خشوع الايمان

قبل

قبل خشوع الذل في النار يا واحد يا احد يا صمد يا من لم
يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا من يعطي من سأله تحننا منه ورحمة
ويبتدي بالخير من لم يسأله تفضلا منه وكرما بكرمك الدائم صل
على محمد وال محمد وهب لي رحمة واسعة جامعة ابلغ بها خير الدنيا
والاخرة اللهم اني استغفرك لما تبت اليك منه ثم عدت فيه
واستغفرك لكل خير اردت به وجهك فخالطني فيه ما ليس لك
اللهم صل على محمد وال محمد واعف عن ظلمي وجرمي بحلمك وجودك
يا كريم يا من لا يخيب سائله ولا ينفد نائله يا من علا فلا شيء فوقه
ودنا فلا شيء دونه صل على محمد وال محمد وارحمني يا فالق البحر
لموسى الليلة الليلة الساعة الساعة الساعة اللهم طهر قلبي من
النفاق وعملي من الرياء ولساني من الكذب وعيني من الخيانة
فانك تعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور يا رب هذا مقام العائذ
بك من النار هذا مقام المستجير بك من النار هذا مقام المستغيث
بك من النار هذا مقام من يبوء بخطيئته ويعترف بذنبه ويتوب الى
ربه هذا مقام البائس الفقير هذا مقام الخائف المستجير هذا مقام المحزون
المكروب هذا مقام المغموم المهموم هذا مقام الغريب الغريق هذا
مقام المستوحش الفرق هذا مقام من لا يجد لذنبه غافرا غيرك
ولا لضعفه مقويا سواك يا الله يا كريم لا تحرق وجهي بالنار بعد سجودي
لك وتعفيري بغير من مني عليك بل لك الحمد والمن والفضل علي

ارحم اى رب [illegible] ضعفى وقلة حيلتى ورقة
جلدى وتبدد اوصالى وتناثر لحمى وجسمى وجسدى ووحدتى
ووحشتى فى قبرى وجزعى من صغير البلاء اسالك يا رب
قرة العين والاغتباط يوم الحسرة والندامة بيض وجهى يوم
تسود فيه الوجوه آمنى من الفزع الاكبر اسالك البشرى يوم
تقلب فيه القلوب والابصار والبشرى عند فراق الدنيا الحمد لله
الذى ارجوه عونا فى حياتى واعده ذخرا ليوم فاقتى الحمد لله الذى
ادعوه ولا ادعو غيره لخيّب دعائى الحمد لله الذى ارجوه ولا ارجو غيره
لاخلف رجائى الحمد لله المنعم المحسن المجمل المفضل ذى الجلال و
الاكرام ولى كل نعمة وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة و
قاضى كل حاجة اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنى اليقين
وحسن الظن بك واثبت رجاءك فى قلبى واقطع رجائى عمن سواك
حتى لا ارجو غيرك ولا اثق الا بك يا لطيفا لما تشاء الطف فى جميع
احوالى بما تحب وترضى يا رب انى ضعيف على النار فلا تعذبنى
بالنار يا رب ارحم دعائى وتضرعى وخوفى وذلى ومسكنتى و
تعويذى وتلويذى يا رب ضعيف عن طلب الدنيا وانت واسع كريم
اسالك يا رب بقوتك على ذلك وقدرتك عليه وغناك عنه
وحاجتى اليه ان ترزقنى فى عامى هذا وشهرى هذا ويومى هذا وساعتى
هذه رزقا واسعا تغنينى به عن تكلف ما فى ايدى الناس من رزقك

الحلال

الحلال اى رب منك اطلب واليك ارغب واياك ارجو وانت اهل
ذلك ولا ارجو غيرك ولا اثق الا بك يا ارحم الراحمين يا رب
ظلمت نفسى فاغفر لى وارحمنى وعافنى يا سامع كل صوت ويا جامع
كل فوت ويا بارئ النفوس بعد الموت يا من لا تغشاه الظلمات
ولا تشتبه عليه الاصوات ولا يشغله شىء عن شىء اعط محمدا
افضل ما سالك وافضل ما سئلت له وافضل ما انت مسؤل
له الى يوم القيمة وهب لى العافية حتى تهنئنى المعيشة واختم لى
بخير حتى لا تضرنى الذنوب اللهم قنعنى رضنى بما قسمت لى
حتى لا اسال احدا شيئا اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح لى
خزائن رحمتك وارحمنى رحمة لا تعذبنى بعدها ابدا فى الدنيا
والآخرة وارزقنى من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا
لا تفقرنى الى احد بعده سواك تزيدنى بذلك شكرا واليك
فاقة وفقرا وبك عمن سواك غنى وتعففا يا محسن يا
مجمل يا منعم يا مفضل يا مليك يا مقتدر صل على محمد
وآل محمد واكفنى المهم كله واقض لى جميع حوائجى اللهم
يسر لى ما اخاف تعسيره فان تيسير ما اخاف تعسيره عليك
سهل يسير وسهل لى ما اخاف حزونته ونفس عنى ما اخاف
ضيقه وكف عنى ما اخاف غمه واصرف عنى ما اخاف بليته
يا ارحم الراحمين اللهم املأ قلبى حبا لك وخشية منك و

وتصديقاً بكتابك وايماناً بك وفرقاً منك وشوقاً اليك يا ذا الجلال
والاكرام اللهم ان لك علي حقوقاً فتصدق بها علي وللناس قبلي
تبعات فتحملها عني وقد اوجبت لكل ضيف قرى وانا ضيفك
فاجعل قراي الليلة الجنة يا وهاب الجنة يا وهاب المغفرة
ولا حول ولا قوة الا بك دوزاول انمياه ابن دعا خواند از جميع
شرور وفتنها وآفتهاى دين ودنيا در حفظ وامان خداى تعالى
باشد تا سال ديگر اللهم اني اسئلك باسمك الذي دان له شيء
وبرحمتك التي وسعت كل شيء وبعزتك التي خضع لها كل شيء
وبجبروتك التي غلبت كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء
يا نور يا قدوس يا اول قبل كل شيء ويا باقي بعد كل
شيء يا الله يا رحمن صل على محمد وآل محمد واغفر لي الذنوب
التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي تنزل النقم واغفر لي
الذنوب التي تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب تديل الاعداء
واغفر لي الذنوب ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي يستحق
بها نزول البلاء واغفر لي الذنوب التي تحبس غيث السماء
واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي تعجل
الفناء واغفر لي الذنوب التي تورث الندم واغفر لي الذنوب
التي تهتك العصم والبسني درعك الحصينة التي لا ترام و
عافني من شر ما احاذر بالليل والنهار في مستقبل سنتي

سنتي هذه

سنتي هذه اللهم رب السموات السبع ورب الارضين السبع المثاني و
القرآن العظيم ورب اسرافيل وميكائيل وجبرئيل ورب محمد
صلى الله عليه وآله سيد المرسلين وخاتم النبيين اسألك بك
وبما سميت به نفسك يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم وتدفع
كل محذور وتعطي كل جزيل وتضاعف الحسنات بالقليل
والكثير وتفعل ما تشاء يا قدير يا الله يا رحمن يا رحيم صل
على محمد واهل بيته والبسني في مستقبل سنتي هذه سترك و
نضر وجهي بنورك واحببني بمحبتك وبلغني برضوانك وشريف
كرامتك وجسيم عطيتك من خير ما انت معطيه احداً من
خلقك والبسني مع ذلك عافيتك يا موضع كل شكوى
وشاهد كل نجوى وعالم كل خفية ودافع ما تشاء من
بلية يا كريم العفو يا حسن التجاوز وتوفني على ملة ابراهيم
وفطرته على دين محمد وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني موالياً لاوليائك
معادياً لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول
او فعل يقربني منك في هذه السنة يا ارحم الراحمين وامنعني
من كل عمل او قول او فعل يكون مني اخاف ضرر عاقبته واخاف
مقتك اياي عليه حذار ان تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب به
نقصاً من حظ لي عندك يا رؤوف يا رحيم اللهم اجعلني في مستقبل
سنتي هذه في حفظك وفي جوارك وفي كنفك وجللني

شر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك
اللهم اجعلني تابعا لصالح من مضى من اوليائك والحقني بهم واجعلني
مسلما لمن قال بالصدق عليك منهم واعوذ بك ان تحيط بي خطيئتي
وظلمي واسرافي على نفسي واتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي فيحول ذلك بيني
وبين رحمتك ورضوانك فاكون منسيا عندك متعرضا لسخطك
ونقمتك اللهم وفقني لكل عمل صالح ترضى به عني وقربني اليك زلفى
اللهم كما كفيت نبيك محمدا صلواتك عليه وآله هول عدوه وفرجت
همه وكشفت غمه وصدقته وعدك وانجزت له عهدك اللهم
بذلك فاكفني هول هذه السنة وآفاتها واسقامها وفتنتها وشرورها
واحزانها وضيق المعاش فيها وبلغني برحمتك كمال العافية بتمام
دوام النعمة عندي الى منتهى اجلي اسئلك سؤال من اساء وظلم
واعترف واسئلك ان تغفر لي ما مضى من الذنوب التي حصرتها
حفظتك واحصتها كرام ملائكتك علي وان تعصمني من
الذنوب فيما بقي من عمري الى منتهى اجلي يا الله يا رحمن صل على محمد
واهل بيت محمد وآتني كل ما سئلتك ورغبت اليك فيه فانك
امرتني بالدعاء وتكفلت بالاجابة يا ارحم الراحمين وايضا دعاي
دخول ماه مبارك از صحيفه كامله بخوانند وهر روز تا آخر ماه اين دعا.
ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا
عليه وسلموا تسليما لبيك يا رب وسبحانك اللهم صل على محمد وبارك وآل محمد

على

على على محمد وآل محمد كما صليت وباركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك
حميد مجيد اللهم ارحم محمدا وآل محمد كما رحمت ابراهيم وآل ابراهيم
انك حميد مجيد اللهم سلم على محمد وآل محمد كما سلمت على نوح في
العالمين اللهم امنن على محمد كما مننت على موسى وهرون
اللهم صل على محمد وآل محمد كما شرفتنا به اللهم صل على محمد
وآل محمد وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون والآخرون على
محمد السلام كلما طلعت شمس او غربت على محمد وآل محمد كلما
طرفت عين او ذرفت على محمد وآله السلام كلما ذكر السلام
على محمد وآله السلام كلما سبح الله ملك او قدسه السلام على
محمد وآله في كل وقت وحين السلام على محمد وآله في الاولين
السلام على محمد وآله في الآخرين السلام على محمد وآله في الدنيا
والآخرة اللهم رب البلد الحرام ورب الركن والمقام ورب
الحل والحرام ابلغ محمدا نبيك وآله عنا السلام اللهم اعط محمدا
من البهاء والنضرة والسرور والكرامة والغبطة والوسيلة
والمنزلة والمقام والرفعة والشفاعة عندك يوم القيمة افضل
ما تعطي احدا من خلقك واعط محمدا فوق ما تعطي الخلائق من الخير
اضعافا كثيرة لا يحصيها غيرك اللهم صل على محمد اطيب واطهر
وازكى وانمى وافضل ما صليت على الاولين والآخرين وعلى
احد من خلقك يا ارحم الراحمين اللهم صل على امير المؤمنين

ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك
في دمه اللهم صل على فاطمة بنت نبيك محمد صلى الله عليه و
اله والعن من اذى نبيك فيها اللهم صل على الحسن والحسين
امامي المسلمين ووال من والاهما وعاد من عاداهما وضاعف العذاب
على من شرك في دمهما اللهم صل على علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن
محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد و
الحسن بن علي ائمة المسلمين ووال من والاهم وعاد من عاداهم
وضاعف العذاب على من ظلمهم اللهم صل على الخلف من بعدهم
امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وعجل اللهم فرجه اللهم صل
صل على الطاهر والقاسم ابراهيم بني نبيك اللهم صل على رقية وام
كلثوم بنتي نبيك والعن من اذى نبيك فيهما اللهم صل على
الخيرة من ذرية نبيك اللهم اخلف نبيك في اهل بيته اللهم مكن
لهم في الارض اللهم اجعلنا من عددهم ومددهم وانصارهم على الحق
في السر والعلانية اللهم اطلب بذحلهم ووترهم ودمائهم وكف
عنا وعنهم وعن كل مؤمن ومؤمنة بأس كل باغ وطاغ انت
اخذ بناصيتها انك اشد بأسا واشد تنكيلا وبنزهر وزاين دعا
بحق اللهم هذا شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس
وبينات من الهدى والفرقان وهذا شهر الصيام وهذا شهر القيام
وهذا شهر الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة

وهذا

وهذا شهر العتق من النار والفوز بالجنة وهذا شهر فيه ليلة القدر
التي هي خير من الف شهر اللهم فصل على محمد وال محمد واعني على صيامه
وقيامه وسلمه لي وسلمني فيه واعني عليه بافضل عونك ووفقني
لطاعتك وطاعة رسولك واوليائك صلى الله عليهم وفرغني فيه
لعبادتك ودعائك وتلاوة كتابك وعظم لي فيه البركة واحسن
لي فيه العافية واصح فيه بدني واوسع فيه رزقي واكفني ما اهمني و
استجب فيه دعائي وبلغني فيه رجائي اللهم صل على محمد وال محمد
واذهب عني فيه النعاس والكسل والسامة والفترة والقسوة و
الغفلة والغرة وجنبني فيه العلل والاسقام والهموم والاحزان
والاعراض والامراض والخطايا والذنوب واصرف عني فيه السوء والفحشاء
والجهد والبلاء والتعب والعناء انك سميع الدعاء اللهم صل على
محمد وال محمد واعذني فيه من الشيطان الرجيم وهمزه ولمزه ونفثه
ونفخه ووسوسته وتثبيطه وكيده ومكره وحبائله وخدعه
واما نيه وغروره وفتنته وشركه واحزابه واتباعه واشياعه
واوليائه وشركائه وجميع مكائده اللهم صل على محمد وال محمد
وارزقنا قيامه وصيامه وبلوغ الامل فيه وفي قيامه واستكمال ما
يرضيك عني صبرا واحتسابا وايمانا ويقينا ثم تقبل ذلك مني با
لاضعاف الكثيرة والاجر العظيم يا رب العالمين اللهم صل على محمد
وال محمد وارزقني فيه الحج والعمرة والاجتهاد والقوة والنشاط

والانابة والتوبة والتوفيق والقربة والخير المقبول والرهبة و
الرغبة والتضرع والخشوع والرقة والنية الصادقة وصدق اللسان
والوجل منك والرجاء لك والتوكل عليك والثقة بك والورع
عن محارمك مع صالح القول ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب
الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم
ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان بل بالتعاهد والتحفظ لك وفيك
والرعاية لحقك وحق اوليائك والوفاء بعهدك ووعدك برحمتك
يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد واقسم لي فيه افضل
ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه افضل ما تعطي اولياءك
المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن والاجابة والعفو والمغفرة
الدائمة والعافية والمعافاة والعتق من النار والفوز بالجنة
وخير الدنيا والاخرة اللهم صل على محمد وال محمد واجعل دعائي
فيه اليك واصلا ورحمتك وخيرك الي فيه نازلا وعملي فيه مقبولا
وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى يكون نصيبي فيه الاكثر وحظي
فيه الاوفر اللهم صل على محمد وال محمد ووفقني فيه لليلة القدر على
افضل حال تحب ان يكون عليها احد من اوليائك وارضاها
لك ثم اجعلها لي خيرا من الف شهر وارزقني فيها افضل ما رزقت
احدا ممن بلغته اياها واكرمته بها واجعلني فيها من عتقائك
من جهنم وطلقائك من النار وسعداء خلقك بمغفرتك ورحمتك

ورضوانك

ورضوانك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد وارزقنا
في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما تحب وترضى
اللهم رب الفجر وليال عشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان
وما انزلت فيه من القران ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل
وجميع ملائكتك المقربين ورب ابراهيم واسمعيل واسحق ويعقوب
ورب موسى وعيسى وجميع النبيين والمرسلين ورب محمد خاتم
النبيين اسئلك بحقك عليهم وبحقهم عليك وبحقك العظيم لما
صليت عليه وآله اجمعين ونظرت الي نظرة رحيمة ترضى بها عني رضى
لا تسخط علي بعده ابدا واعطيتني جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي وارادتي
وصرفت عني ما اكره واحذره واخاف على نفسي وما لا اخاف
وعن اهلي ومالي واخواني وذريتي اللهم اليك فررنا من ذنوبنا
فآونا تائبين وتب علينا مستغفرين واغفر لنا متعوذين واعذنا
مستجيرين واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين وآمنا راغبين
وشفعنا سائلين واعطنا انك سميع الدعاء قريب مجيب اللهم
انت ربي وانا عبدك واحق من سأل العبد ربه ولم يسأل
العباد مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى السائلين ويا منتهى
حاجة الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين
ويا ملجأ الهاربين ويا صريخ المستصرخين ويا رب المستضعفين
ويا كاشف كرب المكروبين ويا فارج هم المهمومين ويا كاشف

الكرب العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين صل على محمد
وال محمد واغفر لي ذنوبي وعيوبي واساءتي وظلمي وجرمي واسرافي على
نفسي وارزقني من فضلك ورحمتك فانه لا يملكها احد غيرك
واعف عني واغفر لي كل ما سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من
عمري واستر علي وعلى والدي وولدي وقرابتي واهل حزانتي
ومن كان مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والآخرة
فان ذلك كله بيدك وانت واسع المغفرة فلا تخيبني يا سيدي ولا
ترد دعائي ولا يدي الى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي جميع
ما سألتك وتزيدني من فضلك فانك على كل شيء قدير ونحن
اليك راغبون اللهم لك الاسماء الحسنى والكبرياء والآلاء اسألك
باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة
تنزل الملائكة والروح فيها ان تصلي على محمد وال محمد وان
تجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين
واساءتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه
شك ورضى بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
وقني برحمتك عذاب النار وان لم تكن قضيت في هذه الليلة
تنزل الملائكة والروح فيها فأخرني الى ذلك وارزقني فيها ذكرك
وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك وصل على محمد وال
محمد بافضل صلواتك يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب

محمد

محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعداءهم بددا واحصهم عددا
ولا تدع على ظهر الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة
يا خليفة النبيين انت ارحم الراحمين البديع الذي ليس كمثله البدئ
شيء والدائم غير الغافل والحي الذي لا يموت انت كل يوم
في شأن انت خليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلواتك
عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت
صل على محمد واجعلني معهم وبهما في الدنيا والآخرة واجعل
عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا ارحم الراحمين وكذلك نسبت
نفسك يا سيدي باللطف بلى انك لطيف فصل على محمد وال محمد
والطف لما تشاء اللهم صل على محمد وال محمد وارزقني الحج
العمرة في عامنا وتطول علي بجميع حوائجي للدنيا والآخرة بعد ازان
سه مرتبه بگوید استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي قريب مجيب
استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي رحيم ودود استغفر الله
حمين ربي واتوب اليه انه كان غفارا اللهم اغفر لي انك ارحم الرا
رب اني عملت سوءا وظلمت نفسي فاغفر لي ذنوبي انه لا يغفر الذنوب
الا انت استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم الحليم العظيم الكريم
الغفار للذنب العظيم واتوب اليه استغفر الله ان الله كان غفورا
رحيما بعد ازان بگوید اللهم اني اسألك ان تصلي على محمد وال محمد
وان تجعل فيما تقدر من الامر العظيم المحتوم في ليلة القدر من

القضاء الذی لا یرد و لا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرور
حجهم المشکور سعیهم المغفورة ذنوبهم المکفرة عنهم سیئاتهم و ان تجعل
فیما تقضی و تقدر ان تطیل عمری و توسع رزقی و تؤدی عنی امانتی
و دینی آمین رب العالمین اللهم اجعل لی فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث
احتسب و من حیث لا احتسب و احرسنی من حیث احترس و من حیث لا
احترس و صل علی محمد و آل محمد و سلم کثیرا و ایضا هر روز در ماه
این دعا بخوانند چهل ساله گناهش را خدای تعالی بیامرزد اللهم رب شهر
رمضان الذی انزلت فیه القرآن و افترضت علی عبادک فیه الصیام ارزقنی
حج بیتک الحرام فی هذا العام و فی کل عام و اغفر لی الذنوب العظام
فانه لا یغفرها غیرک یا ذا الجلال و الاکرام و هر کس در این ماه بعد از نمازهای
فریضه این دعا بخواند گناهانش تا روز قیامت آمرزیده شود اللهم
ادخل علی اهل القبور السرور اللهم اغن کل فقیر اللهم اشبع کل
جائع اللهم اکس کل عریان اللهم اقض دین کل مدین اللهم
فرج عن کل مکروب اللهم رد کل غریب اللهم فک کل اسیر اللهم اصلح
کل فاسد من امور المسلمین اللهم اشف کل مریض اللهم سد فقرنا
بغناک اللهم غیر سوء حالنا بحسن حالک اللهم اقض عنا الدین
و اغننا من الفقر انک علی کل شیء قدیر و در هر شبانه روز بانواع در اعمال
ماه رجب گذشت و مستحب است غسل کردن در شب یازدهم و نوزدهم و بیست و یکم و
بیست و سیم و در شب بیست و سیم دو مرتبه یکی اول شب و یکی آخر شب

اعمال شب قدر

عمل شب قدر

برابر است با عمل هزار ماه که شب قدر در آن نباشد و روز قدر نیز در فضل
و شرف مثل شب قدر است و احکام و حوادث هر سال از خیر و شر و طاعت و معصیت
همه در شب قدر تقدیر می شود و اخبار آن همه بر امام زمان علیه السلام نازل می شود
و در شب قدر اول شب تا طلوع صبح ملائکه و روح بر امام علیه السلام نازل می شوند
و اخبار و احکام تمام سال را از جانب الهی با امام علیه السلام می رسانند و هر چه در شب
تقدیر شود محتوم باشد و خلاف آن واقع نشود و آنچه از احادیث مفهوم می شود
اینست که مجموع احکام و تقدیرات شب قدر در سه شب تمام می شود شب نوزدهم
و بیست و یکم و بیست و سیم ابتدای آن در شب نوزدهم می شود و تمامش بیست
سیم و مستحب است احیا داشتن شب بیست و یکم و بیست و سیم که تعیین ختم احکام
درین دو شب می شود و زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه در شب
قدر مغفرت گناهان است و مستحب است که در شب بیست و سیم نشسته و ایستاده
و بسجود و در همه احوال بلکه در مدت عمر همیشه بگویند اللهم یا ذا المجد الشامخ و السلطان
الباذخ صل علی محمد و آل محمد و کن لولیک محمد بن الحسن فی هذه الساعة
و فی کل ساعة ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی
تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود هر که در شب بیست و سیم انا انزلناه سوره عنکبوت و روم بخواند والله که از اهل
بهشت باشد و انشاء الله نمی گویم و نمی ترسم که درین قسم گناه داشته باشم و نیز
فرمود هر کس درین شب هزار مرتبه انا انزلناه بخواند اعتقاد و یقینش بولایت
شدید تر شود و اگر بخواند بچیزی در خواب ببیند که سبب این شود و نیز فرمود

که هرکس در ثلث آخر شبها خصوصا در شب نوزدهم قرآن بخواند و بگوید اللهم
انی اسئلک بکتابک المنزل وما فیه وفیه اسمک الاعظم الاکبر واسماؤک
الحسنی وما یخاف ویرجی ان تجعلنی من عتقائک وطلقائک من النار
بر هر حاجت که خواهد بخواهد البته مستجاب شود دعاء لیالی عشر آخر مرویست که
حضرت صادق علیه السلام در ده شب آخر ماه مبارک رمضان بعد از فرایض
ونوافل میگفت اللهم ادّ عنا حق ما مضی من شهر رمضان واغفر لنا
تقصیرنا وتسلّم منا مقبولا ولا تؤاخذنا باسرافنا علی انفسنا واجعلنا
من المرحومین ولا تجعلنا من المحرومین وفرمود هرکس که این دعا بخواند
هر گناهی کرده در آنچه گذشته است از ماه کرده آمرزیده شود و در بقیه ماه از گناه محفوظ
گردد و ایضا در این ده شب این ادعیه بخوانند شب اول یا مولج اللیل فی النهار
ومولج النهار فی اللیل ومخرج الحی من المیت ومخرج المیت من الحی ورازق
من یشاء بغیر حساب یا الله یا رحمن یا رحیم یا الله یا الله یا الله لک الاسماء
الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء
واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی
وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا
حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها
ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما و
فقت له محمدا وآل محمد صلواتک علیهم شب دوم یا سالخ النهار

من اللیل

من اللیل فاذا نحن مظلمون ومجری الشمس لمستقرها بتقدیرک
یا عزیز یا علیم ومقدر القمر منازل حتی عاد کالعرجون القدیم یا نور
کل نور ومنتهی کل رغبة وولی کل نعمة یا الله یا قدوس یا احد
یا واحد یا فرد یا الله یا رحمن یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی تا آخر دعا
یا الله شب سیم یا رب لیلة القدر وجاعلها خیرا من الف شهر رب
اللیل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار والارض والسماء
یا باری یا مصور یا حنان یا منان یا الله یا رحمن یا الله یا قیوم
یا الله یا بدیع السموات یا الله یا الله یا الله تا آخر دعا شب چهارم یا فالق
الاصباح وجاعل اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا یا عزیز یا علیم یا ذا
المن والطول والقوة والحول والفضل والانعام یا ذا الجلال والاکرام
یا الله یا رحمن یا الله یا رحمن یا الله یا فرد یا وتر یا الله یا ظاهر یا باطن
یا حی لا اله الا انت لک الاسماء الحسنی تا آخر شب پنجم یا جاعل اللیل
لباسا والنهار معاشا والارض مهادا والجبال اوتادا یا الله یا قاهر
یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی تا آخر شب ششم یا جاعل اللیل
والنهار آیتین یا من محی آیة اللیل وجعل آیة النهار مبصرة
لتبتغوا فضلا منه ورضوانا یا مفصل کل شیء تفصیلا یا ماجد
یا وهاب یا الله یا جواد یا الله یا الله یا الله تا آخر شب هفتم
یا ماد الظل ولو شئت لجعلته ساکنا وجعلت الشمس علیه دلیلا
ثم قبضته الیک قبضا یسیرا یا ذا الجود والطول والکبریاء و

الآلاء

لا اله الا انت عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم لا اله الا انت یا قدوس
یا سلام یا مؤمن یا مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر یا الله یا خالق
یا باری یا مصور یا الله یا الله یا الله تا آخر شب هشتم یا خازن
اللیل فی الهواء وخازن النور فی السماء ومانع السماء ان تقع علی
الارض الا باذنه وحابسهما ان تزولا یا علیم یا عظیم یا غفور یا دائم یا الله
یا وارث یا باعث من فی القبور یا الله یا الله یا الله تا آخر شب
نهم یا مکور اللیل علی النهار ومکور النهار علی اللیل یا علیم
یا حکیم یا الله یا رب الارباب وسید السادات لا اله الا انت
یا اقرب الی من حبل الورید یا الله یا الله یا الله تا آخر شب
دهم الحمد لله الذی لا شریک له الحمد لله کما ینبغی لکرم وجهه
وعز جلاله وکما هو اهله یا قدوس یا نور القدس یا سبوح یا
منتهی التسبیح یا رحمن یا فاعل الرحمة یا الله یا علیم یا کبیر یا الله یا لطیف
یا جمیل یا الله یا سمیع یا بصیر یا الله یا الله یا الله یا علیم تا آخر و بعضی
روایت کرده که هر کس درین ماه دوازده رکعت نماز کذارد در هر رکعت بعد از
الحمد بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون اتمام دوازده رکعت
فارغ شود هفتاد مرتبه بکوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و هفتاد مرتبه استغفر الله الذی
لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم واتوب الیه بکوید بحرمتها که حکمت
از دلش بر زبان کشوده شود و زبانش بحکمت کویا کردد و از آفات دنیا

و اخر

هنوز

و اخر این کتیبه چون انده نیا بیرون رود و جبلات داخل بهشت شود و
را از سجده آخر نماز برنداشته باشد که کناهانش آمرزیده شود و ثواب هفصد
قایم اللیل و صایم النهار و هفصد هزار حج و هفصد هزار عمره عطا شود و اکر
در ان سال بمیرد شهید باشد و در وداع ماه مبارک دعای صحیفه کامله بخواند

فصل هشتم در اعمال شب اول عید فطر و روایت از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که شب عید فطر در فضل و شرف کمتر از شب قدر نیست و هر کس درین
شب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کند کناهان کذشته و آینده او آمرزیده
شود و فضل احیا داشتن این شب در اعمال ماه شعبان کذشت و سنتست
غسل کردن در اول و آخر این شب و بعد از نماز شام و نافله آن سجده کند
و در سجده بکوید یا ذا الجلال والاکرام یا ذا الطول یا مصطفی محمد وناصره
صل علی محمد وآله واغفر لی کل ذنب اذنبته ونسیته انا وهو عندک
فی کتاب مبین بعد از ان صد مرتبه بکوید اتوب الی الله پس حاجتی که خواهد
بخواهد و هم درین شب ده مرتبه یا دائم الفضل تا آخر چنانکه در اعمال شب
جمعه کذشت و بعد از جمیع نمازها کفتن این تسبیح سنتست و مغرب و عشا
و صبح و نماز عید و بعضی از علما دانسته اند الله اکبر الله اکبر الله اکبر لا اله
الا الله والله اکبر ولله الحمد الحمد لله علی ما هدانا وله الشکر علی ما اولانا
و هر کس درین شب ده رکعت نماز کذارد در هر رکعت بعد از الحمد ده مرتبه قل هو الله
بخواند و در رکوع و سجود بکوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
و بعد از فراغ از نماز هزار مرتبه بکوید استغفر الله بعد از ان سجده کند و بکوید یا حی

یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا رحمن الدنیا والاخرة ورحیمهما یا اکرم الاکرمین
یا ارحم الراحمین یا اله الاولین والاخرین اغفر لی ذنوبی وتقبل صومی
وصلاتی وقیامی هنوز سر از سجده برنداشته باشد که گناهان او آمرزیده شود
واعمال ماه مبارک از او وازجمیع اهل بلده او وازجمیع اهل توحید از مشرق
تا مغرب مقبول شود ودعاشان مستجاب گردد وگناهانش آمرزیده شود
وخدای تعالی از گناهانش تجاوز فرماید اگر هفتاد گناه کرده که هر یک عظیم‌تر
از ذنوب جمیع عباد باشد ونیز مرویست که هر کس درین شب شش رکعت نماز
گذارد در هر رکعت بعد الحمد پنج مرتبه قل هو الله بخواند شفیع جمیع اهل بیت خود گردد
اگرچه مستوجب دوزخ باشد ودر روز عید زیارت حضرت امام حسین
علیه السلام مثل صد حج وصد عمره وصد جهاد است با پیغمبر مرسل یا امام
معصوم وسنتست درین روز غسل کردن ووقت غسل از طلوع صبح
تا وقت نماز عید ونماز اگر بجماعت مقدور نباشد مستحبست تنها گذاردن
وکیفیت آن چنانست که چون تهیه نماز کند ومتوجه مصلا شود بگوید اللهم
من تهیا تا آخر دعا چنانکه در زاد [illegible] گذشت وچون شروع در نماز کند
بعد از الحمد سبح اسم بخواند بعد از آن شش تکبیر بگوید بعد از هر تکبیر این قنوت
بخواند که اللهم اهل الکبریاء والعظمة واهل الجود والجبروت واهل العفو
والرحمة واهل التقوی والمغفرة اسئلک بحق هذا الیوم الذی جعلته
للمسلمین عیدا ولمحمد صلی الله علیه وآله ذخرا ومزیدا ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان تدخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمدا وآل محمد وان

تخرجنی

تخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمدا وآل محمد صلواتک علیه وعلیهم
اللهم انی اسئلک خیر ما سئلک به عبادک المخلصون بعد از آن تکبیر هفتم
بگوید ورکوع ورکوع وسجود کند ودر رکعت دوم بعد از الحمد والشمس
بخواند بعد از آن چهار تکبیر بگوید بعد از هر تکبیر همان قنوت بخواند بعد از آن
تکبیر پنجم بگوید ورکوع وسجود کرده تشهد وسلام بگوید وبعد از نماز تسبیحات
خواند این دعا اللهم انی توجهت الیک بمحمد امامی وعلی من خلفی
وائمتی عن یمینی وشمالی استتر بهم من عذابک واتقرب بهم الیک زلفی
لا اجد احدا اقرب الیک منهم فهم ائمتی وآمن بهم خوفی من عذابک
وسخطک وادخلنی برحمتک الجنة فی عبادک الصالحین اصبحت
بالله مؤمنا موقنا مخلصا علی دین محمد وسنته وعلی دین علی
وسنته وعلی دین الاوصیاء وسنتهم آمنت بسرهم وعلانیتهم وارغب
الی الله تعالی فیما رغبوا فیه واعوذ بالله من شر ما استعاذوا منه
ولا حول ولا قوة ولا منعة الا بالله العلی العظیم توکلت علی الله
حسبی الله ومن یتوکل علی الله فهو حسبه اللهم انی اریدک فاردنی واطلب
ما عندک فیسره لی اللهم انک قلت فی محکم کتابک المنزل وقولک
الحق ووعدک الصدق شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس
فعظمت شهر رمضان بما انزلت فیه من القرآن العظیم وخصصته
بان جعلت فیه لیلة القدر اللهم وقد انقضت ایامه ولیالیه
وقد صرت منه الی ما انت اعلم به منی فاسئلک یا الهی بما سئلک

به ملائكتك المقربون وانبياؤك وعبادك الصالحون ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تقبل مني كل ما تقربت به اليك فيه وتتفضل علي
بتضعيف عملي وقبول تقربي وقرباتي واستجابة دعائي وهب لي من لدنك
رحمة واعتق رقبتي من النار وآمني يوم الخوف من كل فزع ومن
كل فزع هول اعددته ليوم القيمة اعوذ بحرمة وجهك الكريم وبحرمة
نبيك وبحرمة الاوصياء ان ينصرم هذا اليوم ولك قبلي تبعة تريد
ان تؤاخذني بها او خطيئة تريد ان تقتصها مني لم تغفرها الي اسئلك
بحرمة وجهك الكريم يا لا اله الا انت بلا اله الا انت ان ترضى عني
وان كنت قد رضيت عني فزد فيما بقي من عمري رضا وان كنت لم
ترض عني فمن الآن فارض عني يا سيدي ومولاي الساعة الساعة
الساعة واجعلني في هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا المجلس من
عتقائك من النار عتقا لا رق بعده اللهم اني اسئلك بحرمة وجهك
الكريم ان تجعل يومي هذا خير يوم عبدتك فيه منذ اسكنتني الارض
اعظمه اجرا واعمه نعمة وعافية واوسعه رزقا وابتله عتقا
من النار واوجبه مغفرة واكمله رضوانا واقربه الى ما تحب وترضى
اللهم لا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك فارزقني العود فيه
ثم العود فيه حتى ترضى عني وترضي كل من له قبلي تبعة ولا تخرجني
من الدنيا الا وانت عني راض اللهم اجعلني من حجاج بيتك الحرام في
هذا العام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنبهم المستجاب

دعاؤهم

دعاؤهم المحفوظين في انفسهم واديانهم وذراريهم واموالهم وجميع ما انعمت
به عليهم اللهم اقلبني من مجلسي هذا وفي يومي هذا وفي ساعتي هذه
مفلحا منجحا مستجابا دعائي مرحوما صوتي مغفورا ذنبي اللهم واجعل فيما
شئت واردت وقضيت وحتمت وانفذت ان تطيل عمري وان
تقوي ضعفي وان تجبر فاقتي وان تعز ذلي وتونس وحشتي وان
تكثر قلتي وان تدر رزقي في عافية ويسر وخفض عيش وتكفيني كل
ما اهمني من امر آخرتي ولا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس
فيرفضوني وعافني في بدني واهلي وولدي واهل مودتي وجيراني
واخواني وذريتي وان تمن علي بالامن ابدا ما ابقيتني اللهم اني توجهت
اليك بمحمد وآل محمد صلواتك عليهم وقدمتهم اليك امامي وامام
حاجتي وطلبتي وتضرعي ومسئلتي فاجعلني بهم وجيها في الدنيا
والآخرة ومن المقربين مننت علي بمعرفتهم فاختم لي بالسعادة انك
على كل شيء قدير فانك وليي ومولاي وسيدي وربي والهي وثقتي
ورجائي ومعدن مسئلتي وموضع شكوي ومنتهى رغبتي فلا تخيبن
عليك دعائي يا سيدي ومولاي ولا تبطلن لديك طمعي ورجائي
فقد توجهت اليك بمحمد وآل محمد صلواتك عليهم وقدمتهم اليك
امامي وامام حاجتي وطلبتي وتضرعي ومسئلتي واجعلني بهم وجيها
في الدنيا والآخرة ومن المقربين فانك مننت علي بمعرفتهم فاختم لي
بالسعادة انك على كل شيء قدير اللهم لا تبطلن عملي وطمعي ورجائي

يا الهي ومنقلبي واختم لي بالسعادة والاسلام والامن والايمان والمغفرة
والرضوان والشهادة والحفظ يا منزولا به كل حاجة يا الله يا الله يا
الله انت ولي كل حاجة فتولّ عاقبتها ولا تسلّط علينا احدا من خلقك
بشيء لا طاقة لنا به من امر الدنيا وفرّغنا لامر الآخرة يا ذا الجلال
والاكرام صلّ على محمد وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد وسلّم
على محمد وآل محمد وتحنّن على محمد وآل محمد كافضل ما صلّيت
وباركت وترحّمت وسلّمت وتحنّنت ومننت على ابراهيم وآل ابراهيم
انك حميد مجيد و ايضا اكر خواهد دعاى صحيفهٔ كامله بخواند كه يا من يرحم
من لا يرحمه العباد **فصل نهم** در اعمال شهر ذى القعدة الحرام مرويست
از اهل بيت طاهرين عليهم السلام كه زمين در زير كعبهٔ معظمه جمع بود حق تعالى
در روز بيست و پنجم اين ماه زمين را كشيد و پهن كرد تا خلق در آن تعيش كنند
روزهٔ اين روز كفارهٔ هفتاد سال و مثل روزهٔ شصت ماه است و در روايت
ديكر مثل روزهٔ هفتاد سال و مثل روزهٔ شصت ماه است و در روايت ديكر
مثل روزهٔ هفتاد سال آمده و در روايت ديكر آمده كه قيام اين شب و صيام اين
روز مثل صد سال عبادتست كه همه روزهايش روزه دارد و شبهايش
نماز كند و اجر طاعت و عبادت در اين شب مثل اجر عابدانست كه هركز معصيت
نكرده باشد و هيچكس در اين شب دعائى نكند مكر كه مستجاب شود و دو هزار
رحمت بر عابدين و ذاكرين اين شب و روز نازل شود و در اين روز مستحبست
دو ركعت نماز در هر ركعت بعد از الحمد پنج مرتبه والشمس بخوانند و چون سلام

دهد

دهد حق تعالى بكويد يا مقيل العثرات اقلني عثرتي يا مجيب الدعوات اجب دعوتي
يا سامع الاصوات اسمع صوتي وارحمني وتجاوز عن سيّئاتي يا ذا الجلال و
الاكرام يا ارحم الراحمين و ايضا مستحبست در اين روز خواندن اين دعا اللهم
داحي الكعبة وفالق الحبّة وصارف اللزبة وكاشف الكربة اسألك في هذا
اليوم وهو من ايامك التي اعظمت حقها واقدمت سبقها وجعلتها عند
المؤمنين وديعة واليك ذريعة وبرحمتك الواسعة ان تصلي على محمد
عبدك المنتجب في الميثاق القريب يوم التلاق فاتق كل رتق وداع
الى كل حق وعلى اهل بيته الاطهار الهداة المنار دعائم الجبار
وولاة الجنة والنار واعطنا في يومنا هذا من عطائك المخزون غير
مقطوع ولا ممنوع تجمع لنا به التوبة وحسن الاوبة يا خير مدعوّ واكرم
مرجوّ يا كفيّ يا وفيّ يا من لطفه خفيّ الطف لي بلطفك واسعدني
بعفوك وايّدني بنصرك ولا تنسني كريم ذكرك بولاة امرك وحفظة
سرّك احفظني من شوائب الدهر الى يوم الحشر والنشر واشهدني
اولياءك عند خروج نفسي وحلول رمسي وانقطاع عملي و
انقضاء اجلي اللهم واذكرني على طول البلى اذا حللت بين
اطباق الثرى ونسيني الناسون من الورى واحللني دار المقامة
وبوّئني منزل الكرامة واجعلني من مرافقي اوليائك واصفيائك
وبارك لي في لقائك وارزقني حسن العمل قبل حلول الاجل
بريئا من الزلل وسوء الخطل اللهم واوردني حوض نبيك

محمد و اهل بیته صلواتك علیهم و اسقنی منه شربا رویا سائغا هنیئا

لا اظما بعده و لا احلاء ورده و لا عنه اذاد و اجعل لی خیر زاد و اوفی

میعاد یوم یقوم الاشهاد اللهم و العن جبابرة الاولین و الآخرین

الجاحدین بحقوق اولیائك المستأثرین اللهم و اقصم دعائمهم و اهلك

اشیاعهم و اعلامهم و عجل مهالکهم و ضیق مسالکهم و العن ساهیهم

و تابعهم اللهم و عجل فرج اولیائك و اردد علیهم مظالمهم و اظهر

بالحق قائمهم و اجعله لدینك منتصرا و بامرك فی اعدائك مؤتمرا اللهم

احففه بملائکة النصر و بما القیت الیه من الامر فی لیلة القدر

منتقما لك حتی ترضی و یعود دینك به و علی یدیه جدیدا غضا و

یمحض الحق محضا و یرفض الباطل رفضا اللهم صل علیه و علی جمیع

آبائه و اجعلنا من صحبه و اسرته و ابعثنا فی کرته حتی نکون فی

زمانه من اعوانه اللهم ادرك بنا قیامه و اشهدنا ایامه و صل

علیه و علیه السلام و اردد الینا سلامه و السلام علیه و رحمة الله

و برکاته **فصل یازدهم** در اعمال ماه ذی الحجة الحرام روایت از اهل

بیت طاهرین علیهم السلم تولد شده و درین روز تزویج حضرت فاطمه علیها

السلم بوده و مستحب است درین روز نماز فاطمه علیها السلام و آن نماز را درین مقام

چنین روایت کرده اند که چهار رکعت در هر رکعت بعد از الحمد پنجاه مرتبه

قل هو الله بخوانند و بعد از نماز تسبیح آنحضرت بگویند پس بگویند سبحان ذی

العز الشامخ المنیف سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم سبحان الفاخر

[illegible]

القدیم

القدیم سبحان من تردی بالنور و الوقار سبحان من یری اثر النملة

فی الصفا سبحان من یری وقع الطیر فی الهوا سبحان من هو هکذا

و لا هکذا غیره و روزه این روز کفاره شصت سال و مثل روزه هشتاد

ماه است و روزه روز هشتم که یوم ترویه گویند کفاره شصت سال و نهم که عرفه است

کفاره نود سال و روزه تمام این ده روز برابر با صوم دهر است و هر روز

از اول ماه تا عید بعد از نماز صبح و پیش از شام بدعا بخوانید اللهم

هذه الایام التی فضلتها علی الایام و شرفتها قد بلغتنیها بمنك و رحمتك

فانزل علینا من برکاتك و اوسع علینا من نعمائك اللهم انی اسئلك ان

تصلی علی محمد و آل محمد و ان تهدینا فیها لسبیل الهدی و العفاف

و الغنی و العمل بما تحب و ترضی اللهم انی اسئلك یا موضع کل شکوی

و یا سامع کل نجوی و یا شاهد کل ملاء و یا عالم کل خفیة ان

تصلی علی محمد و آل محمد و ان تکشف عنا فیها البلاء و تستجیب

لنا فیها الدعاء و تقوینا فیها و تعیننا و توفقنا لما تحب ربنا و ترضی

و علی ما افترضت علینا من طاعتك و طاعة رسولك و اهل ولایتك

اللهم انی اسئلك یا ارحم الراحمین ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تهب

لنا فیها الرضا انك سمیع الدعاء و لا تحرمنا خیر ما تنزل فیها من السماء

و طهرنا من الذنوب یا علام الغیوب و اوجب لنا فیها دار الخلود

اللهم صل علی محمد و آل محمد و لا تترك لنا ذنبا الا غفرته و لا هما

الا فرجته و لا دینا الا قضیته و لا غائبا الا ادیته و لا حاجة من حوائج

الدنیا والآخرة الا اسهلتها انک علی کل شیء قدیر اللهم یا عالم الخفیات
یا راحم العبرات یا مقیل العثرات یا مجیب الدعوات یا رب الارضین والسموات
یا من لا تتشابه علیه الاصوات صل علی محمد وآل محمد واجعلنا فیها من
عتقائک وطلقائک من النار والفائزین بجنتک والناجین یا ارحم
الراحمین وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وهرکس در این ده روز ده مرتبه
این تهلیل بگوید لا اله الا الله عدد اللیالی والدهور لا اله الا الله
عدد امواج البحور لا اله الا الله ورحمته خیر مما یجمعون لا اله الا الله
عدد امواج البحور لا اله الا الله الشوک والشجر لا اله الا الله عدد الشعر
والوبر لا اله الا الله عدد الحجر والمدر لا اله الا الله عدد قطر المطر
لا اله الا الله عدد لمح العیون لا اله الا الله فی اللیل اذا عسعس
والصبح اذا تنفس لا اله الا الله عدد الریاح فی البراری والصخور
لا اله الا الله من الیوم الی یوم ینفخ فی الصور خدای تعالی در بهشت بعدد
هر تهلیل درجه از در و یاقوت عطا فرماید که ما بین هر دو درجه صد ساله
راه سوار مسرع باشد در هر درجه مدینه قصری از یک پاره گوهر که مفصلی
در آن نباشد در هر مدینه منازل و خانها و غرفهها و تختها و حور العین
و مسندها و فرش و بساط و زینتها و زیورها و طعامها و خدام و انهار
و انچه ذکر و اصفان از وصف آن عاجز باشند و چون از قبر بیرون آید
هر موی تن از نور درخشان باشد و هفتاد هزار ملک استقبالش نموده و
فا نقش کنند و چون بدر بهشت رسند او پیش پیش و ملائکه در عقب داخل

شوند و میروند تا بشهری رسند که بیرون شهر از یاقوت سرخ و درونش از زبرجد
سبز باشد و در آن شهر اصناف خلایق که در بهشت باشند و باو گویند
ای ولی خدا این شهر از آن تست ما فرشتگانیم که وقتی که آن تهلیل می گفتی
با تو بودیم و مژده باد ترا با فضل از این ثواب که خدای تعالی برای تو در دار السلام
در جوار خود مهیا فرموده و هرکس شب عرفه زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام
کند از شرور آن سال ایمن گردد و فضایل دیگر در عمل شعبان گذشت و هرکس
روز عرفه زیارت آنحضرت کند خدای تعالی برایش هزار هزار حج که با حضرت
قایم علیه السلم و هزار هزار عمره که با حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله کرده باشد بنویسد
و عتق هزار هزار بنده که محض رضای حق رقبه و هزار هزار اسب که در راه خدا بجهاد فرستند
ثبت کنند و در میان ملائکه او را صدیق و در زمین کروبی نام کنند و در روایت
دیگر مثل هزار جهادات که با پیغمبر مرسل یا امام معصوم کند خدای تعالی
پیش از آنکه متوجه اهل عرفات شود اول متوجه زوار آنحضرت شود و حوایج
ایشان بر آورد و گناهانشان بیامرزد و سوال ایشان اجابت فرماید و بعد از آن
متوجه اهل عرفات شده ایشان را احسان و اکرام فرماید و هرکس شب عید اضحی
زیارت آنحضرت در عید کند مثل بیست حج و بیست عمره و بیست جهادات که با پیغمبر
مرسل یا امام معصوم و در روز عید مثل صد حج و صد عمره و صد غزوه
و در روز عرفه مثل هزار حج و هزار عمره و هزار غزوه راوی گوید من گفتم بکسی که
حج کند چون باشد حضرت امام علیه السلم آشفته و غضبناک نگاه کرد
و فرمود هر مومن که در فرات غسل کند و زیارت آنحضرت کند بهر گامی

بلیج ویک عمره با تمام مناسک برایش نویسند و روز عرفه دعای صحیفهٔ کامله
بخواند و شب عید بگوید اللّٰهمّ من هیّئنا تا آخر چنانکه در روز جمعه گذشت
و مستحب است احیا داشتن این شب که درهای آسمان در این شب گشوده میشود
و نماز عید و تعقیبات مثل نماز عید فطر است و اگر کسی در منی باشد بعد از
پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اولش نماز ظهر روز عید است این
تکبیر بگوید و بعضی از مشایخ رحمهم الله واجب دانسته اند اللّٰه اکبر اللّٰه اکبر لا اله الا اللّٰه
واللّٰه اکبر وللّٰه الحمد اللّٰه اکبر علی ما هدانا واللّٰه اکبر علی ما رزقنا من
بهیمة الانعام والحمد للّٰه علی ما اولانا عید غدیر فضل و شرف این عید
زیاده از آن است که توان بیان نمود اما بذکر شمه از آن این مجموعه را زینت
گردانیم و گوییم روایت از حضرت امام رضا علیه السلام که روز قیامت چهار
روز را مانند عروس زینت کرده پیش خدا برند عید فطر و اضحی و روز جمعه
و عید غدیر [illegible] میان ماهست در میان ستارگان و این روزیست
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام را در منزل غدیر خم بامامت
و خلافت تعیین نمود و خدای تعالی باین فضیلت نعمت خود را بر بندگان
تمام و دین خود را برای ایشان کامل گردانید و در این روز خدای تعالی
جبرئیل علیه السلام را فرماید تا کرسی را در برابر بیت المعمور نصب کرده بالای آن برآید و ملائکه
آسمانها در اطرافش جمع گشته حمد و ثنای خدا گویند و صلوات بر حضرت
پیغمبر و اهل بیتش علیهم السلام فرستند و برای شیعیان و دوستان ایشان
استغفار کنند و کرام الکاتبین را فرماید که سه روز قلم از ایشان برگیرند

وخطیهٔ

وخطیئه برای ایشان ننویسند و گناهان بیامرزد و کربتها تفریج نماید و دعاها
اجابت فرماید و اعمال قبول کند و هر کس این روز را عید کند و بر خود و بر عیال
خود و بر دوستان شیعیان توسعه نعمت نماید خدای تعالی مالش را زیاده کند
و آتش را از او دور کند و هر کس در این روز در روی مؤمنی تبسم کند خدای تعالی
روز قیامت بسوی او بنظر رحمت نظر کند و هزار حاجتش برآورد و قصری از در سفید در بهشت
برایش بنا کند و هر کس در این روز زینت کند خدای تعالی هر خطیئه صغیره و کبیره
از او بیامرزد و جماعتی ملائکه را بفرستد تا آن روز سال دیگر برایش حسنات بنویسند
و درجات بلند گردانند و اگر بمیرد شهید میرد و اگر بماند سعید باشد و اگر مؤمنی را
طعام دهد چنان است که جمیع انبیا و صدیقین را طعام داده باشد و اگر زیارت
مؤمنی کند خدای تعالی قبرش را وسیع گرداند و هفتاد نور بقبرش فرستد و هر روز
هفتاد هزار ملک بفرستد که او را دلداری کنند و مژده بهشت دهند و روایت
دیگر آمده که در این روز یکدیگر را زیارت کنند و بسلام و مصافحه ملاقات نمایند
و یکدیگر را باین عید تهنیت و مبارکباد نمایند و بگویند الحمد للّٰه الذی اکرمنا
بهذا الیوم وجعلنا من الموفین بعهده الینا ومیثاقه الذی واثقنا به من
ولایة ولاة امره والقوام بقسطه ولم یجعلنا من الجاحدین والمکذبین
بیوم الدین و با یکدیگر ملاطفت و شکفتگی کنید و با یکدیگر احسان و اکرام
و بر و صله بجا آرید و مؤمنان از لباسهای نیکو و بویهای خوش و طعامهای
لذیذ بنوازید و مسرور سازید و برای عیال بقدر استطاعت تهیه اسباب
عید و سرور کنید و با ضعفا و فقرا بقدر وسع احسان و اکرام و اعانت

نماید و یک درهم احسان درین روز مثل هزار هزار درهم است و روزهٔ امروز برابر است
با روزهٔ تمام عمر دنیا و اگر کسی از ابتدای دنیا تا انقضای آن عمر کند و همیشه روزه گیرد و شبها
عبادت کند برابر روزهٔ امروز نشود و در روایت دیگر شده که روزهٔ امروز در هر سال
برابر است با صد حج و صد عمره و هر کس درین روز اعانت مومنی کند یا قرضی بمومنی
دهد ثواب روزهٔ امروز و عبادت امشب یابد و کسی که امروز روزه دار را برای شب
افطار فرماید چنان است که ده قیام مردم را افطار فرموده باشد که یک قیام صد هزار
کس است و چنان است که باین عدد انبیا و صدیقین و شهدا را در پریشانی و قحطی
طعام و آب داده باشد پس چون باشد کسی که جماعتی مومنان را متکفل احوال شود و بایشان
احسان نماید یکی از جملهٔ اجر این است که از کفر و فقر ایمن گردد و مستحب است درین روز
غسل کردن و ذکر و دعا و استغفار و صلوات بسیار فرستادن و از اعدای اهل
بیت و ظالمین ایشان تبری نمودن و بر ایشان لعن کردن و حضرت امام رضا علیه السلام
فرمود درین روز هر جا که باشی بزیارت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله حاضر
شو که خدای تعالی از هر مومن و مومنه و مسلم و مسلمه گناه شصت ساله بیامرزد و ضعف
آنکه در ماه مبارک رمضان و لیلة القدر و لیلة الفطر از آتش آزاد کرده درین
روز آزاد کند و هر کس درین روز هر وقت که خواهد و افضل آنست که نیم
ساعت پیش از ظهر باشد دو رکعت نماز گذارد در هر رکعت بعد از الحمد قل هو الله
و آیة الکرسی تا خالدون و انا انزلناه هر یک را ده مرتبه بخواند برابر است
با صد هزار حج و صد هزار عمره و هیچ حاجت از حوائج دنیا و آخرت سؤال نکند
مگر که بر آورده شود هر چه باشد و این نماز را مستحب است بجماعت گذاردن

وبعد از نماز

و بعد از نماز خطبه مشتمل بوده بر ذکر فضایل این روز خواندن چنانکه از حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه مرویست که چنین کرد و بعد از این نماز مستحب است
درین روز خواندن این دعا ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان
ان آمنوا بربکم فآمنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا
مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة
انک لا تخلف المیعاد اللهم انی اشهدک وکفی بک شهیدا واشهد
ملائکتک وانبیائک وحملة عرشک وسکان سمواتک وارضک
بانک انت الله لا اله الا انت المعبود فلا نعبد سواک فتعالیت
عما یقول الظالمون علوا کبیرا واشهد ان محمدا عبدک ورسولک
واشهد ان امیر المؤمنین عبدک ومولانا ربنا سمعنا واجبنا
وصدقنا المنادی رسولک صلواتک علیه وآله اذ نادی بنداء
عنک بالذی امرته ان یبلغ ما انزلت الیه من ولایة ولی امرک
وحذرته وانذرته ان لم یبلغ ما امرته ان تسخط علیه ولما
بلغ رسالاتک عصمته من الناس فنادی مبلغا عنک الا من کنت
مولاه فعلی مولاه ومن کنت ولیه فعلی ولیه ومن کنت نبیه
فعلی امیره ربنا اجبنا داعیک النذیر محمدا عبدک ورسولک
الی الهادی المهدی عبدک الذی انعمت علیه وجعلته مثلا لبنی
اسرائیل علی امیر المؤمنین ومولیهم وولیهم ربنا واتبعنا مولانا
وولینا وهادینا وداعینا وداعی الانام وصراطک المستقیم و

وحجتك البيضاء وسبيلك الداعي اليك على بصيرة هو ومن اتبعه و
سبحان الله عما يشركون واشهد انه الامام الهادي الرشيد امير
المؤمنين الذي ذكرته في كتابك فانك قلت وقولك الحق
وانه في ام الكتاب لدينا لعلي حكيم اللهم فانا نشهد فانه
والهادي من نبيك النذير المنذر وصراطك المستقيم وامير المؤمنين
وقائد الغر المحجلين وحجتك البالغة ولسانك المعبر عنك في
خلقك وانه القائم في القسط بريتك وديان دينك وخازن
علمك وامينك المأمون المأخوذ ميثاقه وميثاق رسولك من
جميع خلقك وبريتك شاهدا بالاخلاص لك والوحدانية بانك
انت الله لا اله الا انت وان محمدا عبدك ورسولك وان عليا
امير المؤمنين جعلت الاقرار بولايته تمام وحدانيتك وكمال دينك
وتمام نعمتك على جميع خلقك وبريتك فقلت وقولك الحق اليوم
اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام
دينا فلك الحمد بموالاته واتمام نعمتك علينا بالذي جددت من
عهدك وميثاقك وذكرتنا ذلك وجعلتنا من اهل الاخلاص
والتصديق بميثاقك ومن اهل الوفاء بذلك ولم تجعلنا من
اتباع المغيرين والمبدلين والمحرفين والمبتكين اذان الانعام و
المغيرين خلق الله ومن الذين استحوذ عليهم الشيطان فانساهم
ذكر الله وصدهم عن السبيل والصراط المستقيم اللهم فلك الحمد

على انعامك

على انعامك علينا بالهدى الذي هديتنا الى ولاة امرك من بعد نبيك
الائمة الهداة الذين هديتنا بهم الراشدين واعلام الهدى ومنار القلوب
والتقوى والعروة الوثقى وكمال دينك وتمام نعمتك ومن بهم و
بموالاتهم رضيت لنا الاسلام دينا فلك الحمد امنا وصدقنا بمنك
علينا بالرسول النبي المنذر ووالينا وليهم وعادينا عدوهم وبرئنا من
الجاحدين والمكذبين بيوم الدين اللهم فكما كان ذلك من شانك يا صادق
الوعد يا من لا يخلف الميعاد يا من هو كل يوم في شان اذ اتممت
نعمتك علينا بموالاة اوليائك المسؤول عنهم عبادك فانك قلت ثم
لتسألن يومئذ عن النعيم وقلت وقولك الحق وقفوهم انهم مسؤولون
ومننت علينا بشهادة الاخلاص وبولاية اوليائك الهداة من بعد النذير المنذر
السراج المنير واكملت لنا بهم الدين واتممت علينا النعمة وجددت
علينا عهدك وذكرتنا ميثاقك المأخوذ منا في ابتداء خلقك ايانا
وجعلتنا من اهل الاجابة ولم تنسنا ذكرك فانك قلت واذ اخذ
ربك من بني ادم من ظهورهم ذريتهم واشهدهم على انفسهم الست
بربكم قالوا بلى شهدنا بمنك ولطفك فانك انت الله لا اله الا انت
ربنا ومحمد عبدك ورسولك نبينا وعلي امير المؤمنين عبدك الذي انعمت
به علينا وجعلته اية لنبيك وايتك الكبرى والنبأ العظيم الذي هم
فيه مختلفون وعنه مسؤولون اللهم فكما كان من شانك ان انعمت
علينا بالهداية الى معرفتهم فليكن من شانك ان تصلي على محمد وال محمد

وان تبارك لنا في يومنا هذا الذي اكرمتنا به وذكرتنا فيه عهدك وميثاقك
واكملت ديننا واتممت علينا نعمتك وجعلتنا بمنك من اهل الاجابة والبراءة
من اعدائك واعداء اوليائك المكذبين بيوم الدين فاسئلك يا رب تمام
ما انعمت وان تجعلنا من الموفين ولا تجعلنا بالمكذبين واجعل لنا
قدم صدق مع المتقين واجعل لنا من المتقين اماما يوم ندعو كل
اناس بامامهم واحشرنا في زمرة اهل بيت نبيك الائمة الصادقين واجعلنا
من البراء من الذين هم دعاة الى النار ويوم القيمة هم من المقبوحين واحينا
على ذلك ما احييتنا واجعل لنا مع الرسول سبيلا واجعل لنا قدم صدق
في الهجرة اليهم واجعل محيانا خير المحيا ومماتنا خير الممات ومنقلبنا خير
المنقلب على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك حتى تتوفانا وانت عنا
راض قد اوجبت لنا جنتك برحمتك والمثوى من جوارك في دار المقامة
من فضلك لا يمسنا فيها لغوب ربنا اغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا و
توفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة
انك لا تخلف الميعاد اللهم احشرنا مع الائمة الهداة من آل رسولك نؤمن
بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم وغائبهم اللهم اني اسئلك بالحق الذي جعلته
عندهم وبالذي فضلتهم به على العالمين جميعا ان تبارك لنا في يومنا هذا
الذي اكرمتنا فيه بالموافاة لعهدك الذي عهدت الينا والميثاق الذي
واثقتنا به من موالاة اوليائك والبراءة من اعدائك ان تتم علينا
نعمتك ولا تجعله مستودعا واجعله مستقرا ولا تسلبناه ابدا ولا تجعله

مستعارا

مستعارا وارزقنا مرافقة وليك الهادي المهدي الى الهدى وتحت لوائه
وفي زمرته شهداء صادقين على بصيرة من دينك انك على كل شيء قدير
بعد از ان سجده کند و صد مرتبه شکرا لله بگوید و در بیست و چهارم ایضا حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه در رکوع تصدق خاتم فرمود و اکثر تصدق و کفارات در این ماه است
و خاصه فرزندان حضرت و اولاد طاهرین او ائمه علیهم السلام نازل گشته و گذاردن نماز روز
عید در این روز همان فضل و ثواب دارد و در بیست و پنجم اینها حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله وسلم با مشرکان مباهله فرمود و آیه مباهله که نص در فضل اهل بیت علیهم السلام
نازل گشت و روایت دیگر آمده که روز مباهله روز بیست و چهارم است و مشایخ
رحمهم الله این روایت را ظاهرتر دانسته اند و بالجمله فضل روز مباهله بسیار است
و سنت است در این روز هر قدر که خواهد نماز گذارد و در روایت دیگر وارد است دو رکعت
نماز گذارد و بعد از هر دو رکعت هفتاد مرتبه استغفار کند و چون از نماز فارغ شود
ایستاده نظر بموضع سجود افکند با غسل این دعا بخواند الحمد لله رب العالمين
الحمد لله فاطر السموات والارض الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الارض
الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين
كفروا بربهم يعدلون الحمد لله الذي عرفني ما كنت به جاهلا ولولا تعريفه
اياي لكنت هالكا اذ قال وقوله الحق قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة
في القربى فبين لي القرابة فقال سبحانه انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس
اهل البيت ويطهركم تطهيرا فبين لي اهل البيت بعد القرابة ثم قال منبئا
عن الصادقين الذين امرنا بالكون معهم والرد اليهم بقوله سبحانه يا ايها

الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين فأوضح عنهم وأبان عن صدقهم
بقوله جل ثناؤه قل تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم ونساءنا ونساءكم و
أنفسنا وأنفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين فلك الشكر يا رب
ولك المن حيث هديتني وأرشدتني حتى لم يخف علي الأهل والبيت
والقرابة فعرفتني نساءهم وأولادهم ورجالهم اللهم إني أتقرب إليك بذلك
المقام الذي لا يكون أعظم منه فضلا للمؤمنين ولا أكثر رحمة لهم بتعريفك
إياهم شأنه وإبانتك فضل أهله الذين بهم أدحضت باطل أعدائك
وثبت بهم قواعد دينك ولولا هذا المقام المحمود الذي أنقذتنا به و
دللتنا على اتباع المحقين من أهل بيت نبيك الصادقين عنك الذين
عصمتهم من لغو المقال ومدانس الأفعال لخصم أهل الإسلام وظهرت
كلمة أهل الإلحاد وفعل أولي العناد فلك الحمد ولك المن ولك الشكر
على نعمائك وأياديك اللهم فصل على محمد وآل محمد الذين افترضت
علينا طاعتهم وعقدت في رقابنا ولايتهم وأكرمتنا بمعرفتهم وشرفتنا
باتباع آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذي عرفوناه فأعنا على الأخذ
بما بصرونا وأجز محمدا عنا أفضل الجزاء بما نصح لخلقك وبذل وسعه في
إبلاغ رسالاتك وأخطر بنفسه في إقامة دينك وعلى أخيه ووصيه
والهادي إلى دينه والقيم بسنته علي أمير المؤمنين وصل على الأئمة من
أبنائه الصادقين الذين وصلت طاعتهم بطاعتك وأدخلنا بشفاعتهم
دار كرامتك يا أرحم الراحمين اللهم هؤلاء أصحاب الكساء والعباء يوم

المباهلة

المباهلة اجعلهم شفعاءنا أسألك بحق ذلك المقام المحمود واليوم المشهود أن
تغفر لي وتتوب علي إنك أنت التواب الرحيم اللهم إني أشهد أن أرواحهم
وطينتهم واحدة وهي الشجرة التي طاب أصلها وأغصانها وأوراقها اللهم ارحمنا
بحقهم وأجرنا من مواقف الخزي في الدنيا والآخرة بولايتهم وأوردنا مورد
الأمن من أهوال يوم القيامة بحقهم وإقرارنا بفضلهم واتباعنا آثارهم
واهتدائنا بهديهم واعتقادنا ما عرفونا من توحيدك ووقفونا
عليه من تعظيم شأنك وتقديس أسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات
أن تحلك والعلم أن تحيط بك والوهم أن يقع عليك فإنك أقمتهم
حججا على خلقك ودلائل على توحيدك وهداة تنبه على أمرك و
تهدي إلى دينك وتوضح ما أشكل على عبادك وبابا للمعجزات التي يعجز
عنها غيرك وبها تبين حجتك وتدعو إلى تعظيم السفير بينك وبين
خلقك فأنت المتفضل عليهم حيث قربتهم من ملكوتك واختصصتهم
بذلك واصطفيتهم لوحيك وأورثتهم غوامض تأويلك رحمة بخلقك
ولطفا بعبادك وحنانا على بريتك وعلما بما تنطوي عليه ضمائر أمنائك
وما يكون من شأن صفوتك وطهرتهم في منشئهم ومبتدئهم من نفث
نافث إليهم وأريتهم برهانا على من عرض بسوء لهم فاستجابوا لأمرك
وشغلوا أنفسهم بطاعتك وملأوا أجزاءهم من ذكرك وعمروا قلوبهم
بتعظيم أمرك وجزأوا أوقاتهم فيما يرضيك وأخلوا دخائلهم من معاريض
الخطرات الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم مكامن لإرادتك وعقولهم مناصب

لامرك ونهيك والسنتهم ترجمة لسنتك ثم اكرمتهم بنورك حتى فضلتهم
من بين اهل زمانهم والاقربين اليهم فخصصتهم بوحيك وانزلت اليهم كتابك
وامرتنا بالتمسك بهم والرد اليهم والاستنباط منهم اللهم انا قد تمسكنا
بكتابك وبعترة نبيك الذين اقمتهم لنا دليلا وعلما وامرتنا باتباعهم
اللهم فانا تمسكنا بهم فارزقنا شفاعتهم ولا تفضحنا حين يقول الخائبون
فما لنا من شافعين ولا صديق حميم واجعلنا من الصادقين المصدقين لهم
المنتظرين لايامهم الناظرين الى شفاعتهم ولا تضلنا بعد اذ هديتنا وهب لنا
من لدنك رحمة انك انت الوهاب امين رب العالمين اللهم صل على
محمد وعلى اخيه وصنوه امير المؤمنين وقبلة العارفين وعلم المهتدين
وثاني الخمسة الميامين الذين فخر بهم الروح الامين وباهل الله بهم المباهلين
فقال وهو اصدق القائلين فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من
العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا و
انفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين ذلك الامام المخصوص
بمؤاخاته يوم الاخاء والمؤثر بالقوت بعد ضر الطوى ومن شكر الله سعيه
في هل اتى ومن شهد بفضله معادوه واقر بمناقبه جاحدوه مولى
الانام ومكسر الاصنام ومن لم تاخذه في الله لومة لائم صلى الله عليه
ما طلعت شمس النهار واورقت الاشجار وعلى النجوم المشرقات من عترته
والحجج الواضحات من ذريته روز اخر ايضا هر كس دو ركعت نماز گذارد در ركعت
اول بعد از الحمد ده مرتبه قل هو الله و در دوم ده مرتبه آية الكرسي بخواند و بعد از سلام

بجد

بگويد اللهم ما عملت في هذه السنة من عمل نهيتني عنه ولم ترضه لي ونسيته ولم
تنسه الحفظة ودعوتني الى التوبة منه بعد جرأتي عليك اللهم اني استغفرك
منه فاغفر لي اللهم ما عملت من عمل يقربني اليك فاقبله مني ولا تقطع رجائي
منك يا كريم خداي تعالى گناهان آن سال را بيامرزد و شيطان عليه اللعنه
فرياد كند كه اي واي چه تعبي عبث درين سال كشيدم

فصل دوازدهم

در ذكر حديثي در فضايل اعمال ليالي و ايام و شهور و اعوام بسبيل اجمال
مرويست از حضرت امام حسن بن علي العسكري عليهما السلام كه حضرت پيغمبر
صلى الله عليه وآله وسلم فرمود كه چون روز قيامت خداي تعالى بندگان را محشور
سازد و در يك زمين جمع گرداند و بقاع و اماكن و روزها و شبها و ساعتها
و شبهاي جمعه و ماهها و سالها همه را محشور گرداند و از ايشان باعمال عباد شهادت
طلب فرمايد پس براي هر كس كه بطاعت و عمل صالح شهادت دهند بسعادت ابدي فايز
گردد و در زمره سعدا منسلك شود و براي هر كس كه بمعصيت و عمل زشت شهادت
دهند بشقاوت ابدي معذب شود پس تهيه روز قيامت كنيد و ترك معاصي
نماييد كه در آن روز بتقوي و اخلاص و بطاعت خدا چشم داشت نجات باشد
و هر كه حرمت ماه رجب و شعبان بشناسد و اين دو ماه را در طاعت و عبادت
بماه مبارك رمضان متصل گرداند اين سه ماه شاهدان او باشند
و روز قيامت منادي ندا كند و گويد اي رجب و شعبان و رمضان چون
بود مصاحبت اين بنده خدا با شما و چون كرد طاعت خدا را در شما
پس ايشان گويند خدايا اين بنده تو چون با ما بود جهد در طاعت تو مي كرد و سعي

و تحصیل رضای تو می‌نمود و بطاعت و عبادت محبت و رحمت تو می‌جست
پس آن ملایکه که برین سه ماه موکلند شهادت طلبند ایشان گویند خدایا رجب
و شعبان و رمضان راست گفتند ما این بنده را ندیدیم مگر در طاعت
و عبادت و تحصیل رضای تو و بر و احسان با بندگان تو اینها همه را از روی
فرح و ابتهاج با روزی رحمت و امید عفو و مغفرت تو می‌کرد و از آنچه تو
او را منع فرموده بودی احتراز می‌نمود و بهرچه موجب رحمت و سبب مغفرت تو بود
می‌شتافت و مبادرت می‌کرد و با بطن و فرج و سمع و بصر و سایر جوارح
روزه می‌داشت و روزها را بتشنگی روزه می‌گذرانید و شبها را بتعب
عبادت و روز می‌آورد و نفقه و اکرام و صدقه و احسان بفقرا و مساکین
بسیار می‌کرد صحبت این سه ماه را خوش داشت و وداع ایشان خوب کرد و بعد از آن
نیز بر طاعت و عبادت باقی بود و هتک حرمت امر و نهی تو نمی‌نمود پس خدای
تعالی آن بنده را امر بجنت فرماید و ملایکه با تحفها و عطایاها و کرامات استقبال
کنند و بر تختی از نور نشانند و مرکبهای براق برایش مهیا گردانند و نعیمها
باقی و منازل عالی بوی بخشند که هرگز از آنجا بیرون نیاید جوانان از اهل جنت
پیری بنود و سرورش را غم در عقب نباشد و خوشی از تنگی ایمن باشد از کدورت
حساب مصون و از مشقت و عذاب مامون و در منازل شریف و درجات
رفیع مکرم و منیع و هم آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که چون روز اول
شعبان شود شیطان لشکر خود را در اطراف زمین متفرق سازد و گوید سعی
کنید و بندگان خدا را بگیرید و از راه خدا برگردانید و خدای تعالی ملایکه را

در اطراف

در اطراف زمین منتشر سازد و فرماید بندگان مرا مدد کنید و هدایت نمایید
مگر کسی که ابا و سرکشی کند و طغیان ورزد که او داخل جنود ابلیس شود و روز
اول شعبان فرماید درخت طوبی را که شاخهایش بدنیا آویخته شود و درخت
زقوم را که شاخهایش بدنیا آویزد بعد از آن ملکی از جانب خدا ندا کند و گوید
ای بندگان خدا این شاخهای طوبی است محکم بگیرید و خود را بآنها در آویزید
تا شما را به بهشت برند و این شاخهای زقوم است از آنها بگریزید تا شما بجهنم
نبرند بعد از آن فرمود بخدایی که مرا بحق بنبوت اختیار کرده که هر کس عملی از
اعمال خیر کند بشاخی از شاخهای طوبی چسبد و هر کس نماز تطوع می‌کند
مظلوم از کسی عفو کند بشاخی چسبد و هر کس
بشاخی چسبد و هر کس میان زن و شوهر یا والد و ولد یا خویش و اقربای خویش
با همسایه و همسایه یا بیگانه و بیگانه اصلاح بخشد و کدورت کند بشاخی چسبد
و هر کس قرض دار بینوایی را مهلت دهد یا چیزی از حق خود باو ببخشد بشاخی
چسبد و هر کس ادای دین کند که صاحبش از آن مأیوس گشته باشد بشاخی
چسبد و هر کس متکفل احوال یتیمی شود بشاخی چسبد و هر کس سفیهی و جاهلی را
از غیبت و عرض مومنی منع کند بشاخی چسبد و هر کس عیادت بیماری
کند بشاخی چسبد و هر کس تشییع جنازه کند بشاخی چسبد و هر کس صاحب
مصیبتی را تعزیه کند بشاخی چسبد و هر کس بر والدین یا یکی از ایشان
بجا آورد بشاخی چسبد یا اگر ایشان یا یکی از ایشان از او آزرده باشند
عذر خواهی کند و رضای ایشان تحصیل نماید بشاخی چسبد و همچنین
هر کس هر کاری از کارهای خیر کند بشاخی از طوبی چسبیده باشد و هر کس

و هر کس عملی از اعمال شر کند بشاخی
از شاخهای زقوم چسبد بعد از آن
فرمود هر کس امروز روزه گیرد بشاخی
از طوبی چسبد

عملی از اعمال شر کند بشاخی از شاخهای درخت زقوم چسبیده باشد و هر کس در نماز
و نیز تقصیر کند یا حقی از آن ضایع گرداند بشاخی از آن چسبیده و هر کس فقیری بنزد او آید
که خبر از حال خود داشته باشد و قادر بر حاجت او باشد و او را آزار دهد تا مشقت
کشد و مضطرب باشد بشاخی چسبیده و هر کس از روی عذر تقصیری و بدی خواهد
و قبول نکند بلکه برنجاند شر بشاخی چسبیده و هر کس میان زن و شوهر یا والد
و ولد یا دو برادر یا دو همسایه یا دو دوست یا دو بیگانه افساد کند بشاخی چسبیده
و هر کس بر قرض دار پریشانی که حال او را داند تنگ کند بشاخی چسبیده و هر کس
قرضی داشته باشد و از صاحب حق چیزی کم کند و حقش را ببرد بشاخی چسبیده
و هر کس یتیمی را برنجاند و برو ظلم کند بشاخی چسبیده و هر کس غیبت مومنی کند
و هتک عرض مومنی نماید بشاخی و هر کس غنای حرامی کند بشاخی چسبیده
و هر کس قبایح افعال خود و انواع ظلم خود را نقل کند و بآن تفاخر کند بشاخی
چسبیده و هر کس از روی تکبر بعیادت مریضی نرود بشاخی چسبیده و هر کس
باب استخفاف ترک تشییع جنازه کند یا ترک تعزیه صاحب مصیبتی کند بشاخی
چسبیده و هر کس عقوق والدین یا یکی از ایشان کند یا ایشان ازو آزرده
باشند و تحصیل رضا و عذر خواهی ایشان نکند و حال آنکه قادر باشد
بشاخی چسبیده و همچنین هر کس مرتکب فعلی از افعال شود بشاخی از زقوم چسبیده
باشد و او را می کشیده باشد تا بجهنم بعد از آن مدتی نگاه باسمان می کرد
و اظهار سرور و شکفتگی میفرمود بعد از آن نگاه بزمین کرده و اظهار
آزردگی و دلگیری نمود بعد از آن متوجه اصحاب گشته فرمود بخدای کریم بحق نبوت

اختیار نموده

اختیار نموده که دیدم درخت طوبی را و جمعی که بشاخهای آن آویخته همه را به بهشت
می برد بعضی بیک شاخ آویخته و بعضی بدو شاخ و بعضی بچند شاخ هر کس بحسب
کار خیری که کرده و دیدم زید بن حارثه را که پسر خوانده آنحضرت بود بجمیع شاخهای
طوبی چسبیده بود و او را از همه کس بالاتر برد و از این جهت خندان شدم و چون
نگاه بر زمین کردم دیدم درخت زقوم را که جمعی که بشاخهای او چسبیده بودند
همه فرو میبرد بجهنم بعضی را دیدم بیک شاخ چسبیده و بعضی بدو شاخ و بعضی
بچند شاخ هر کس بحسب قبایحی که کرده و بعضی از منافقین را دیدم که بجمیع شاخهای
زقوم چسبیده بود و او را فرو میبردند تا اسفل درکات جهنم و از این جهت دلگیر
گشتم بعد از آن باز نگاه بر آسمان کردم و خندان شدم و نگاه بر زمین کردم دلگیر
گشتم پس فرمود اگر آنچه من دیدم شما می دیدید روزها را بجگرهای تشنه و گرسنه
روزه می گذرانیدید و شبها را به تعب و مشقت و عبادت بروز می آوردید و همه
مالهای خود را تصدق تمام می کردید و خانهای خود را در جهاد می باختید گفتند پدر
و مادر و اهل و فرزند ما فدای تو باد چه دیدی فرمود چون شاخهای طوبی
به بهشت رجوع کردند منادی از جانب خدا ندا کرد که ای ملائکه ببینید خازن
و هر کس امروز بشاخی از طوبی آویخته آن قدر که سایه آن شاخ می افتد از هر
خانها و قصرها و نعمتهای بهشت باو دهید پس بعضی از ایشان را از هر جانب
هزار ساله راه عطا کنند و بعضی را دو برابر آن و بعضی را سه برابر آن و بعضی را
چهار برابر آن و همچنین هر کس بقدر عملش و چون شاخهای زقوم بجهنم
فرو رفتند منادی از جانب خدا ندا کرد که ای خازنان جهنم ببینید هر کس امروز

بناخی از رقم چند مبتد حادث وظلمات ان شاخ از هر جانب برای او
ان اثر خانها ومنازل بنا کنند ومارها وعقربها وزنجیرها وغلها وعذابها
برایش مهیا کردانید پس برای بعضی تکیه گاه وبرای بعضی وساده وبالش
بستر وکمتر هر کرا بقدر عملش عذاب مقرر کنند وبعد از ان بر اطراف زمین
نگاه می‌کرد گاهی مسرور وگاهی دلگیر می‌شد پس فرمود خوشا انانکه اطاعت
خدا می‌کنند وبشاخهاء طوبی اویخته‌اند که خدای تعالی چون با ایشان اکرام
وشفقت می‌فرماید شیاطین متوجه ایشان شده‌اند که ایشان را گمراه کنند و
خدای تعالی ملائکه را فرموده که با شیاطین محاربه ومقاتله می‌کنند وشیاطین را
می‌کشند ودور می‌سازند ووای بر انانکه معصیت می‌کنند وشیاطین ایشان را
گمراه کرده بجهنم می‌فرستند بعد از ان فرمود پس تعظیم امروز کنید وقدر شب
بدانید وحرمتش بشناسید که بسا مردم که امروز خوشنود وبسا مردم که امروز
شقی کردند **باب هفتم** در تزویج واحکام متعلق بان ومقصود از این
باب ان شاء الله در دوازده فصل بیان شود **فصل اول** در فضایل تزویج
وکراهت عزوبت مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین
که چون کسی تزویج کند نصف دینش محفوظ کردد پس در نصف دیگر احتیاط
وملاحظه خود نماید ودو رکعت نماز صاحب اهل وعیال افضل است از هفتاد
رکعت عزب وهیچ بنای در اسلام پیش خدا دوستر از نکاح نیست وهیچ خرابی دشمن‌تر
از فرقت وطلاق نیز وخدای تعالی از غایت دشمنی با طلاق ذکر ان در قران
بسیار فرموده واکثر خیر در زنان باشد وحضرت پیغمبر صلی الله علیه

واله

والله فرموده چه مانع است مومن را از انکه تزویج کند شاید اورا اولادی بهم رسند که زمین را بذکر
وعبادت خدا زمین را سنگین کنند ونیز مرویست که تزویج کنید وتحصیل
اولاد نمایید که روز قیامت من بشما بر سایر امم مفاخرت ومباهات کنم حتی
طفلی که از شما ساقط شود وسقط شما غضبناک وخشم آلود بر در بهشت ایستاده
باو گویند داخل شو گوید داخل نشوم تا والدین من داخل نشوند پس
خدای تعالی ملکی را در مکانی از مشک وعنبر وزعفران برای بابای خود استغفار
کند ونیز فرمود از دلترین اموات انانند که عزب میرند وحضرت امام جعفر
علیه السلام فرمود دوست ندارم که تمام دنیا وما فیها از من باشد ویکشب
عزب بخوابم بعد از ان فرمود دو رکعت نماز متزوج بهتر است از انکه عزب شبها
نماز گذارد وروزها روزه گیرد هر کس خواهد پاک وپاکیزه بنزد خدا رود
باز وجه برود وکسی که از ترس پریشانی ترک تزویج کند بخدا بدگمان باشد
که فرموده که اگر پریشان باشید نکاح کنید تا شما را غنی گردانم وهر کس از اقربای
خود برای رضای خدا وصله رحم تزویج کند خدای تعالی تاج ملک وپادشاهی
بر سرش نهد وبنده که خدای تعالی خواهد خیر دنیا واخرت برایش جمع کرداند
دلی خاشع وزبانی ذاکر وجسدی بر بلا صابر وزوجه مومنه که هرگاه نظر
بر او کند مسرور شود وچون خدمتی فرماید اطاعت کند وچون از او غایب
شود حفظ خود واو ومال او را محافظت نماید عطا فرماید ونیز مرویست
که بهترین شفاعتها اینست که میان دو کس سعی کنی تا تزویج بهم رسد وهر کس
این سعی کند هر گامی که بر دارد وهر کلمه که گوید خدای تعالی برایش عبادت یکساله

نویسد که شما ایشان نماز و روزهای ایشان روزه باشد و هزار حوری عطا فرماید که هر کدام
در قصری از دُر و یاقوت و هر که عزبی را تزویج کند از جمله جمعی باشد که خدای
تعالی روز قیامت نظر رحمت بر ایشان دارد و از جمله سعادت مرد آنست که دختر
در خانه شوهرش حایض شود و هر که سعی در مفارقت میان زن و شوهر کند
بغض و لعنت خدا گرفتار شود و در دوزخ معذب گردد و هر که سعی در اصلاح میان ایشان
کند اجر هزار شهید یابد و هر گامی که بر دارد و هر کلمه که گوید یک ساله عبادت نویسند
با روزه روزها و نماز شبها **فصل دوم** در فضایل متعه و ترک آن مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که هر کس متعه کند برای رضای خدا و مخالفت منکرین هر کلمه
که با او تکلم کند و هر مرتبه که دست بجانب او برد برایش حسنه نویسند و چون نزدیکی
کند گناهی از او آمرزیده شود و چون غسل کند بعدد هر موئی که در بدنش آب
رسیده گناهان او آمرزیده شود و جبرئیل بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت
که خدای تعالی میفرماید که هر کس از امت تو متعه کند گناهانش را آمرزیدم و کسی از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام از متعه سوال کرد فرمود دوست ندارم که کسی از دنیا برود
و سنتی از سنن رسول الله مانده باشد که بجا نیاورده باشد و دیگری از آنحضرت
گفت قسم خورده ام که متعه نکنم فرمود عهد کرده که اطاعت خدا نکنی والله که اگر اطاعت
خدا نکنی معصیت کرده باشی و مردی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام
معروض داشت که دختر عمم من مال بسیار دارد و این پیغام کرده که سالها که بسیار
مردم مرا خواستگاری کردند راضی نشدم و رغبتی بمردان ندادم تا چون شنیدم
که خدا و رسول او متعه را حلال کرده اند و عمر آنرا حرام کرده میخواهم اطاعت ایشان

تزوج

این کنم و مرا متعه کنی حضرت فرمود برو متعه کن که خدای تعالی بهره و صلوات و رحمت
فرستد و نیز مرویست که از کنیزان طلب اولاد کنید که در رحم ایشان خیر و برکت
و نیز مرویست که چون کسی کنیزی بخرد باید یک حیض صبر کند بعد از آن با او مباشرت کند
باید بکسی حلال کند که اگر تمتع کند پس اگر زنا کند گناهش بر او باشد و نیز
روایات آمده که متعه حلالست بر کسیکه خدا او را از زوجه مستغنی نکرده
باشد یا آنکه بسفری رفته و از زوجه خود دور شده باشد و یکی از ائمه طاهرین
علیهم السلام بموالی خود نوشت که الحاح در متعه مکنید و از زنان خود دوری
می نمایید که ایشان از شما آزرده شوند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
باصحاب خود فرمود شما را که خدای تعالی بزن مستغنی از متعه کرده شرم نمی
آید و عار ندارید از آنکه در جاهای نامناسب می بینید و ننگ شما باشد
فصل سیم در اختیار زوجه و صفات زنان مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که زنان را قیمت نباشد که زن خوب بهتر است از طلا و نقره و زن بد خاک
از او بهتر است و هم ایشان علیهم السلام فرمودند که زنان نجیب مناسب اختیار کنید که
فرزند بخال و شبیه میشود و کسی که زن برای مال یا جمال خواهد از آن محروم
شود و اگر برای دین و ایمان اختیار کنید از مال و جمال بهره مند گردد و حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود زنی که گندم گون سیاه چشم بزرگ سرین
میانه بالا اختیار کن و اگر از او راضی نباشی مهرش بر من باشد که ایشان نجیب
باشند و بهترین زنان آن است که عفیف و ولود باشد و در میان قوم
خود عزیز و در پیش شوهر مطیع بود و اگر شوهرش از او آزرده باشد خواب نکند

تا او را راضی کند و برای شوهر زینت کند و از نامحرمان پوشیده باشد و چون
با او خلوت کند مطیع باشد و مثل اسب سرکش نباشد و بدترین زنان آن است
که در وی صفات خلاف این باشد کسی در خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
گفت هرگاه بخانه میروم زوجه‌ام استقبال میکند و چون بیرون میآیم مشایعت
میکند و اگر مرا دلگیر بیند دلداری و تسلی دهد آنحضرت فرمود خدا را در زمین
جمعی باشند که کارهای او را انتظام دهند و این زن از جمله ایشانست و او را نصف
اجر شهیدی باشد و برکت زن آنست که خفیف المؤنت باشد و ولادتش آسان
و مهرش سبک باشد و شامت زن در آنکه مؤنتش بسیار و ولادتش دشوار
و مهرش سنگین باشد **فصل چهارم** در اوقات تزویج و آداب آن مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سنت است تزویج در شب باشد که شب برای استراحت و الفت
آفریده شده و اگر تزویج در تحت الشعاع واقع شود طفل از سقط گشتن ایمن
نباشد و اگر قمر در عقرب باشد از آن تزویج خیر نبیند و اگر در وقت گرمای روز
باشد زود بمفارقت انجامد بلکه باید بطرفین روز باشد که هوا ملایم باشد
و چون اراده تزویج کند اول دو رکعت نماز کند و حمد خدا کند بعد از آن بگوید
اللهم انی ارید ان اتزوج اللهم فقدر لی من النساء احسنهن خلقا و خلقا و اعفهن
فرجا و احفظهن لی فی نفسها و مالی و اوسعهن رزقا و اعظمهن برکة
و اقض لی منها ولدا طیبا تجعله لی خلفا فی حیوتی و بعد موتی و مستحب است
ابتدا کردن تزویج بخطبه رضویه مشتمل بر حمد و صلوة و موعظه و ترغیب بنکاح
و این خطبه رضویه علیه السلام افضل خطبه این بابست الحمد لله الذی حمد فی الکتاب

نفسه

نفسه وافتتح بالحمد کتابه وجعل الحمد اول جزاء محل نعمته وآخر دعوی
اهل جنته واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له شهادة اخلصها
له وادخرها عنده وصلی الله علی محمد خاتم النبوة وخیر البریة وعلی آله
آل الرحمة وشجرة النعمة ومعدن الرسالة ومختلف الملائکة والحمد لله الذی
کان فی علمه السابق وکتابه الناطق وبیانه الصادق ان احق الاسباب با
لصلة والاثرة واولی الامور بالرغبة فیه والتقدیم سبب اوجب
نسبا وامر اعقب غنی فقال جل وعز وهو الذی خلق من الماء بشرا
فجعله نسبا وصهرا وکان ربک قدیرا وقال وانکحوا الایامی منکم
والصالحین من عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله
والله واسع علیم ولو لم یکن فی المصاهرة والمناکحة آیة محکمة ولا
سنة متبعة ولا اثر مستفیض لکان فیما جعل الله من بر القریب
وتقریب البعید وتألیف القلوب وتشبیک الحقوق وتکثیر العدد وتوفیر
الولد لنوائب الدهور وحوادث الامور ما یرغب فی دونه العاقل
اللبیب ویسارع الیه الموفق المصیب ویحرص علیه الادیب الاریب فأولی
الناس بالله من اتبع امره وانفذ حکمه وامضی قضاءه ورجا جزاءه وفلان بن
فلان من قد عرفتم حاله وجلاله دعاه رضی نفسه واتاکم ایثارا لکم
واختیارا لخطبة فلانة بنت فلان کریمتکم وبذل لها من الصداق کذا وکذا
فتلقوه بالاجابة واجیبوه بالرغبة واستخیروا الله فی امرکم یعزم لکم علی رشدکم
ان شاء الله نسأل الله ان یلحم ما بینکم بالبر والتقوی ویؤلفه بالمحبة

وَالْهَوىٰ وَتَخْتِمَهُ بِالْمُوافَقَةِ وَالرِّضا اِنَّهُ سَمِيعُ الدُّعاءِ لَطِيفٌ لِما يَشاءُ فصل

پنجم در آداب زفاف مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که

زفاف پیش از آنکه داماد و عروس پیش هم آیند داماد دو رکعت نماز کند

بعد از آن حمد خدا کند و صلوات فرستد و بگوید اللّهمّ ارزقنی اُلفتها و وُدّها

ورضاها بی وَاجْمَعْ بَيْنَنا بِاَحْسَنِ اجْتِماعٍ وَاَيْسَرِ ائْتِلافٍ فَاِنَّكَ تُحِبُّ

الْحَلالَ وَتَكْرَهُ الْحَرامَ وجمعی که حاضر باشند آمین بگویند و عروس نیز

چنین کند اما اول دعا را چنین بگوید اللّهمّ ارزقنی اُلفتهُ ووُدّهُ

ورضاهُ بی تا آخر و چون پیش هم آیند و بقبله دست بر پیشانی عروس

گذاشته بگوید اللّهمّ علی کتابک تزوّجتها وفی امانتک اخذتها و

بکلماتک استحللتها فان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله مسلما

سَوِیّا ولا تجعله شرک الشیطان و اگر خواهد بگوید اللّهمّ

بامانتک اخذتها وبکلماتک استحللتها فان قضیت لی منها ولدا

فاجعله مبارکا تقیّا من شیعة آل محمّد ولا تجعل للشیطان فیه

شرکا ولا نصیبا و پای عروس را بشویید و آن آب را در خانه تا آخر خانه

بپاشد هفتاد قسم حاجت از آن خانه بیرون رود و هفتاد قسم برکت داخل

شود و هفتاد رحمت بر سر عروس فرود آید که برکتش بر هر گوشه خانه برسد

و عروس از جنون و جذام و برص ایمن باشد تا در آن خانه باشد و در هفته کرده

اول عروس را از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش احتراز کند که رحم او را

سرد و عقیم گرداند اگر سرکه خورده باشد که حایض شود هرگز از حیض پاک نشود

وکثیر ولادت را دشوار کند و سیب ترش حیض را قطع کند فصل ششم در آداب

مباشرت و آداب وقت آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که روزی زینب

عطاره بخدمت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم رفت از زوج خود شکایت کرد فرمود

اگر فضایل مباشرت را بدانند تقصیر نخواهد کرد گفت کدام است آن فضایل فرمود

هرگاه متوجّه تو شود چنان است که در راه خدا شمشیر کشیده باشد و چون

مجامعت کند گناهان او بریزد مثل برگ از درخت و چون غسل کند

از گناه پاک شود و هم از آن حضرت صلی الله علیه وآله مرویست که به ابوذر

رحمه الله فرمود با اهل خود مقاربت کن تا ثواب یابی ابوذر گفت با اهل

خود صحبت دارم و ثواب نیز داشته باشم فرمود بلی همچنانکه حرام گناه دارد

حلال نیز ثواب دارد و نیز مرویست که هر کس زنان و کنیزان زیاده از آنکه

با ایشان مجامعت کرد جمع کند و ایشان زنا کنند گناهشان بر او باشد

بر او باشد و اما آداب مباشرت مرویست که در وقت مجامعت بسم الله نگوید

شیطان در جماع با او شریک شود و نطفه که بسته شود شیطان در آن

شریک باشد و شرکت شیطان موجب کفر و نفاق و عداوت اهل بیت

علیهم السلام و لا اقل سبب فسوق و معاصی در فرزندان باشد و اگر بسم الله

بگوید از شرکت شیطان ایمن گردد و اگر این عبادت که مرویست از حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام بگوید افضل است بسم الله الرحمن الرحیم الذی

لا اله الا هو بدیع السموات والارض اللهم ان قضیت منی فی هذه اللیلة

خلیفة فلا تجعل للشیطان فیه شرکا ولا نصیبا ولا حظا واجعله مؤمنا

مخلقا مصفی من الشیطان ما رزقتنی اگر فرزندی شود هرگز مضرتی از شیطان
باو نرسد و اگر خواهد در وقت مجامعت بگوید اللهم ارزقنی ولدا واجعله
تقیا ذکیا لیس فی خلقه زیادة ولا نقصان واجعل عاقبته الی خیر و در
اثنای مجامعت حرف زدن موجب لالی و گنگی زبان فرزند و نگاه کردن
بفرج زن موجب کوری فرزند باشد و اگر مرد زودتر فارغ شود باید
صبر کند تا زن نیز حاجت خود برآرد گاه باشد که زن بحالتی از پیش مرد
برخیزد که اگر بغلام سیاهی برخورد در آویزد و هر کدام خرقه جدا بردارد و هر دو یک
خرقه استعمال نکنند که اگر مرد و زن بر سر هم افتد موجب عداوت میان
شان شود و در آنخانه کسی که ایشان را ببیند یا صدای ایشان بشنود خواه
طفل و خواه غیر آن نباشد که سبب زنا در فرزند شود و در وقت بقبله
نباشد و اگر محتلم شده باشد تا غسل نکند جماع نکند که سبب جنون در فرزند
باشد اما اگر بعد از مجامعت مرتبه دیگر خواهد وضو کافی بود و در وقت
حیض جماع کردن موجب جذام یا برص باشد در فرزند و ایضا در روایات
بسیار آمده که هیچ کس بغض و عداوت اهل بیت علیهم السلام ندارد مگر کسی که ولد الزنا یا شرک
شیطان باشد یا در ایام حیض نطفه اش بسته شده باشد و حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود اگر نعمت محبت ما را در دل خود یابید مادر خود را
بسیار دعا کنید که با پدر شما خیانت نکرده مرویست که سه چیز بدن را
ضرر کند و گاه باشد که موجب هلاک گردد شکم پر بحمام رفتن و شکم پر جماع
کردن و با زن پیر مجامعت نمودن و مرویست که ایستاده کردن سبب بول

فراش

فراش باشد در فرزند و بر بام خانه جماع نکنند که فرزند منافق و صاحب
بدعت و مرائی شود و در آفتاب نکنند که فرزند در تمام عمر پریشان باشد
و در زیر درخت میوه دار نباشد که فرزند جلاد و خونریز شود و اگر زن
حامله باشد بی وضو با او مجامعت نکنند که فرزند کوردل و بخیل شود و اگر
از زن غیری شهوت بحرکت آید بآن شهوت با زن خود جماع نکند که
فرزند مخنث یا دیوانه شود و اگر در کشتی نشسته باشد مجامعت نکند و اگر
جنب باشد با زن در میان جای خواب قرآن نخواند که بیم آن بود که آتشی
از آسمان آید و هر دو را بسوزد و اگر زن جنب باشد و از جای خود برخیزد
تا انجام در نشود دیگری بر آنجا ننشیند و اما اوقات مجامعت چند وقت
مستحب است مجامعت کردن شب جمعه بعد از نماز خفتن که فرزند از جمله
اعاظم و اکابر دین شود و روز جمعه بعد از عصر که فرزند از جمله مشاهیر
علما شود و شب دوشنبه که فرزند مومن و رحیم دل و سخی شود و زبانش
از غیبت و بهتان پاک باشد و شب پنجشنبه که فرزند از جمله علما یا اکابر
شود و روز پنجشنبه وقت ظهر که فرزند کارساز مردم باشد و دین
و دنیایش بسلامت بود و شیطان نزدیکش نشود تا آنکه پیر شود و شب
اول ماه مبارک نیز مستحب است مجامعت کردن و در چند وقت
مکروهست میان اذان و اقامت که فرزند خونریز و حریص شود
و میان طلوع صبح و طلوع آفتاب و از غروب آفتاب تا ذهاب شفق مغرب
و وقت طلوع آفتاب و غروب که آفتاب زرد باشد و روزی که آفتاب

کرفته باشد وشبی که ماه کرفته باشد وشبانروزی که زلزله شود یا بادهای سرخ
وزرد وسیاه وزند که در این اوقات فرزند بی عیب نباشد ودر اول ومیان
وآخر ماه که زن با فرزند را بیم جنون وجذام باشد ودر تحت الشعاع
ماه که فرزند ساقط وبعد از ظهر که فرزند احول شود ودر شب عید قربان
که فرزند شش انگشت یا چهار انگشت باشد ودر نصف ماه شعبان که
فرزند شوم ومعیوب باشد ودر روز آخر شعبان که فرزند خونریز ومعین
ظالمین باشد ودر اول شب که فرزند ساحر شود ودنیا را با آخرت اختیار
کند ودر شبانروز پیش از آنکه بسفر رود که فرزند مال خود را در باطل وحرام
صرف کند **فصل هفتم** در طلب فرزند مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلم که چون کسی را فرزند نشود هر صبح وشام هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله
وبعد از آن ده مرتبه استغفر الله بعد از آن نه مرتبه سبحان الله بعد از آن یکمرتبه
استغفر الله راوی گوید مرا فرزند نمی شد باین طریقه عمل نمودم اولاد بسیار شد
طریقه دیگر سجده کند ودر سجده بگوید رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً
اِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ راوی گوید من
چنین کردم ودو پسر مرا روزی شد طریقه دیگر بر انگشتر فیروزه نقش کند که رَبِّ
لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ راوی گوید چنین کردم یکسال نگذشت
که مرا پسری عطا شد واگر خواهد فرزند پسر شود پیش از آنکه از حمل چهار ماه تمام
شود ودر نماز وتعقیبات انا انزلناه وآیة الکرسی بخواند ودست بر پهلوی زن گذاشته بگوید
خدایا این را محمد نام کردم خدای تعالی او را پسر کند پس چون متولد شود اگر بوعده

خود وفا کند ومحمد نام کند خدای تعالی او را مبارک گرداند واگر نام دیگر کند
پس خدای تعالی اگر خواهد او را نگاه دارد واگر نه پس برد طریقه دیگر مرویست که هر کس عزم
کند که فرزند را محمد یا علی نام کند البته پسر شود طریقه دیگر در وقت مجامعت
که مهیای این کار شده باشد دست راست بر جانب راست زن گذاشته
هفت مرتبه انا انزلناه بخواند بعد از آن صحبت دارد وچون حمل ظاهر
شود شبها هر مرتبه که در میان جا حرکت کند دست بر جانب ناف زن
گذاشته هفت مرتبه انا انزلناه بخواند راوی گوید من چنین کردم هفت
پسر از پی یکدیگر آمد وبسیار مردم کردند وهمه را اولاد ذکور بسیار شد ودر
مجموع از کار دیگر واداده وبغیر مناسب این مقام بتقریبات گذشته **فصل هشتم**
در فضائل حمل وولادت واحکام متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلم که چون زن حامله شود مثل کسی است که روزه گیرد وبنفس ومال
خود در راه خدا جهاد کند وچون وضع حمل شود ثوابش را از بسیاری نتوان
دانست وچون شیر دهد هر مرتبه مکیدن پستان چنانست که بنده از اولاد
اسمعیل آزاد کند وچون طفل را از شیر بگیرد فرشته ندا کند که اعمال از سر گیر
که گناهان همه آمرزیده شد واگر در مرض ایام نفاس بمیرد شهید باشد ونیز مرویست
که اگر زن در نفاس بمیرد روحش را در قبر نگذارند بلکه پیش خدا برند وآنجا باشد
تا روز قیامت ودر روز قیامت دیوان حساب برایش نگشایند ومرویست که زن
حامله به بسیار بخورد که فرزند جمیل شود واگر در ایام حمل کندر بخورد نیکو
فرزند قوی دل وعاقل شود واگر پسر باشد شجاع باشد واگر دختر بود بزرگ

ترین بود و در نظر شوهرش عزیز و صاحب منزلت کردد و چون وضع حمل کند
اول هفت عدد خرما بخورد و فرزند حلیم و عاقل شود و روایت دیکر نه عدد آمده
و در وقت ولادت زنان را از خانه بیرون کنند که اول مرتبه نظر زن بر عورت
طفل نیفتد و اکر وضع حمل دشوار باشد بر کوزه آب سه مرتبه بخوانند بسم الله لا
لا اله الا هو الحلیم الکریم سبحان الله رب السموات و رب العرش العظیم الحمد لله
رب العالمین کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار
و فقیری از ایشان شامه معقد بر میان هر دو پستان و میان کفش
باشد باذن الله تعالی باسانی وضع حمل کند طریقه دیکر بنویسند و بر ران زن
بندند و چون وضع حمل کند نود بکشایند بسم الله الرحمن الرحیم ان مع العسر
یسرا یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر و یهیئ لکم من امرکم مرفقا و یهیئ
للناس من امرنا رشدا و علی الله فقصد السبیل ثم السبیل یسره او لم
یر الذین کفروا ان السموات کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء
کل شیء حی افلا یؤمنون و آیة لهم اللیل نسلخ منه النهار
فاذا هم مظلمون و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون
کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار طریقه دیکر انا انزلناه
بنویسند و بشویند و زن بیاشامد و از آن آب بر فرج او بزنند باشد طریقه
دیکو بر پشت پیمانه که عل آیات کیل کنند این صورت را بنویسند و زن بر ران
ببندند **فصل هشتم** در آداب تولد طفل و نام کذاشتن و عقیقه
و ختنه کردن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون طفل متولد
شود

شود پیش از آنکه ناف او را ببرند بقدر عدسی حلو و شربت آب مخلوط کنند و در فطره
در دماغ او بچکانند و در کوش راست اذان و در چپ اقامت بکویند از تو رسیدن
ام الصبیان ایمن شود و نیز مرویست که اذان و اقامت کفتن امانست
از جنون و جن و شیطان و کام طفل را با تربت امام حسین علیه السلام
و آب فرات و اکر نباشد با باران بر دارند مرویست که هر کس با آب فرات کام
بر دارند دوست اهل بیت علیهم السلام باشد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود
اکر کوفیان کام اطفال خود با آب فرات بر میداشتند شیعه ما می بودند و نیز
مرویست که کام طفل را با خرما بر دارید که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
کام امام حسن و امام حسین علیهما السلام را با خرما بر داشت و مرویست که طفل هنوز متولد
نشده باشد که نامش کذارید که اکر بی نام ساقط شود در روز قیامت او پدر را کله
کند که چرا مرا نام نکذاشتی و مستحبست که چون طفل متولد شود تا هفت روز
او را محمد و اکر دختر باشد فاطمه کویند بعد از آن اکر خواهند نام دیکر بکذارند
و اول حقی پدر بر فرزند اینست که او را نام خوب کذارد که روز قیامت هر کس را
بنام خود آواز کنند و مرویست که راستترین نامها آنست که بندکی در او باشد
مثل عبد الله و عبد الرحمن و امثال آن و افضل اسما اسمای انبیا و ائمه است
علیهم السلام در خانه که نام محمد یا یکی از انبیا باشد خدای تعالی هر صبح و شام
ملکی را فرستد تا اهل آن خانه را مبارک باد و برای ایشان دعای خیر
و برکت کند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام از طفلی پرسید که چه نام داری
کفت محمد فرمود کنیت چیست کفت علی فرمود از شیطان در پناهی عظیم

دفتر و چون شیطان بشنود که کسی را نام محمد و علی او را نکند بگدازد مثل قلعی در آتش
و اگر بشنود که نام یکی از اعدای ما او را کنند از خود ببالد و مسرور شود و نیز مرویست
که فقر داخل خانه نشود که در آن خانه نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین
یا جعفر یا طالب یا عبد الله یا فاطمه باشد و نیز مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمود که کسی را که چهار پسر شود و نام را از من نکند بر من جفا کرده باشد و مردی
از آن حضرت صلی الله علیه و آله پرسید که مرا پسری شده چه نام کنم فرمود حمزه که دوستتر از
همه نامهاست پیش من و مرویست که چون طفل را محمد و فاطمه نام کنند رعایت
ادب و اکرام با او بجا آرید و مزنید و دشنام مدهید و مرنجانید و روایات
آمده که بر غنی واجبست که روز هفتم طفل را عقیقه کند و اگر فقیر باشد هر وقت
که مقدورش شود خواه پسر باشد و خواه دختر که فرزند در گرو عقیقه است
چون عقیقه کنند از گرو بیرون آید و اگر کسی را عقیقه نکرده باشند او خود را
عقیقه کند هر وقت که باشد تا آخر عمر و افضل اینست که عقیقه پسر نر باشد
و عقیقه دختر ماده و از عیوب بسلامت باشد و اگر مقدور نشود هر چه میسر
شود مجزی بود و هر چند فربه تر باشد افضل است و در وقت ذبح بگوید بسم الله
و بالله و الحمد لله و الله اکبر ایمانا بالله و ثناء علی رسول الله صلی الله علیه و آله
و العصمة لامره و الشکر لرزقه و المعرفة بفضله علینا اهل البیت اللهم
لحمها بلحمه و دمها بدمه و عظمها بعظمه و شعرها بشعره و جلدها
بجلده اللهم اجعلها وقاء لفلان بن فلان و اگر پسر باشد بعد از این بگوید
اللهم انک وهبت لنا ذکرا و انت اعلم بما وهبت و منک ما اعطیت

وکل

وکل ما صنعنا فتقبله منا علی سنتک و سنة نبیک و رسولک صلی الله علیه
و آله و اخسأ عنا الشیطان الرجیم لک سفکت الدماء لا شریک لک
و الحمد لله رب العالمین و اگر خواهد چنین بگوید بسم الله و بالله اللهم عقیقة
عن فلان لحمها بلحمه و دمها بدمه و عظمها بعظمه اللهم اجعلها وقاء
لآل محمد صلواتک علیهم و ربع عقیقه را بقابله دهند و اگر قابله نباشد
ربع از مادرانست بهر کس خواهد دهد و اگر قابله مادر مرد یا یکی از عیال
او باشد او را از عقیقه حصه نبود باقی گوشت عقیقه را بپزند و با جمعی از مؤمنان
که لا اقل ده کس باشند صرف کنند و هر چند بیشتر باشند افضل است
و هم درین روز نام گذارند و سرش را بتراشند و بوزن مویش طلا و نقره
تصدق کنند و افضل اینست که عقیقه و نام گذاشتن و سر تراشیدن
هر سه در یک وقت باشد و هم در روز هفتم ختنه کنند که گوشت بدنش زودتر
نمو کند و زمین از بول کسی که ختنه نشده باشد چهل روز نجس باشد و بخدا
شکایت کند و در وقت ختنه کردن بگوید اللهم هذه سنتک و سنة نبیک
محمد صلی الله علیه و آله و اتباع منا لک و لنبیک بمشیتک و ارادتک و
قضائک لامر اردته و قضاء حتمته و امر انفذته فاذقته حر الحدید
فی ختانه و حجامته لامر انت اعرف به منی اللهم طهره من الذنوب و زد فی
عمره و ادفع الآفات عن بدنه و الاوجاع عن جسمه و زده من الغنی
و ادفع عنه الفقر فانک تعلم و لا نعلم و اگر در آن وقت نگفته باشد پیش از آنکه
محتلم شود هر وقت باشد [illegible] خدای تعالی [illegible] عمران

محفوظ دارد و مستحبست گوش راست مولود را سوراخ کردن و افضل آن است
که مادر خود شیر دهد مادر مبارکتر است و مرویست که شیر ده صاحب دین و پاکیزه
و متقی باشد احمق و دنی و فاسق نباشد که شیر در طفل اثر کند و مرویست که کمتر از
بیست و یک ماه شیر دادن ظلم است بر طفل و نهایت حد شیر دو سال تمام است و بیشتر
از این نشاید **فصل دهم** در فضایل اولاد و تربیت ایشان مرویست از اهل
بیت طاهرین علیهم السلام که چون خدای برای بنده خود خیر خواهد او را از دنیا
نبرد تا خلف صالحی عطا فرماید فرزند خوب ریحانیست از بهشت و کودک اطفال ریحان
تا هفت سال تعلیم است و بعد از آن تا حد بلوغ استغفارات برای والدین و
بعد از آن هر حسنه که کند والدین در ثواب شریک باشند و اگر بد کنند
ضرر بایشان نرسد و کودک اطفال کفاره والدین است و اگر فرزند
بمیرد والدین را از آن ثواب و درجات باشد حتی اگر سقط برد بهشت ایستاده
باشد و داخل نشود تا دست والدین خود را گرفته داخل بهشت شود و اگر بماند
برای ایشان دعا و استغفار کند و هر حسنه که کند سبب مغفرت و درجات
برای ایشان و مرویست که حضرت عیسی علیه السلام بر قبری گذشت که صاحبش معذب
بود سال دیگر بر آن قبر بگذشت عذاب از آن برخاسته بود مناجات کرده
از سبب آن سؤال نمود وحی آمد که این شخص را فرزندی صالح است که یتیمی را پناه
داده و غمخواری کرده عذاب او را برداشتیم و مرویست که بر نعمت دختر از
نعمت سؤال کنند و بر حسنه ثواب دهند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود
کسی که سه دختر یا سه خواهر عیالش باشد بهشت او را واجب شود کسی پرسید که اگر

دوتام

دو تا هم باشد چنین است فرمود بلی اگر دو تا هم گفت اگر یکی هم باشد فرمود
اگر یکی هم باشد و نیز مرویست که هر کس دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله
عیالش باشد و ایشان را از دوزخ نگاه دارند و هر کس بفرزند خود احسان و مهربانی
کند چنانست که بوالدین خود کرده باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود اطفال را دوست دارید و بر ایشان رحم کنید و چون بایشان
وعده کنید وفا کنید و هر کس بفرزند خود بسیار محبت داشته باشد خدای
تعالی برو رحمت کند و اگر فرزند را ببوسد برای او حسنه نویسد و اگر مسرور کند
روز قیامت مسرورش کند و هر کس از بازار چیزی گرفته برای عیال و اطفال
بیارد چنانست که برای جمعی محتاج صدقه برده باشد و افضل آن است که اول
چیزی بدختران و زنان دهند هر کس دختری را مسرور کند چنانست که بنده از اولاد
اسمعیل آزاد کند و اگر پسری را مسرور کند چنانست که از ترس خدا گریسته باشد و هر کس
از ترس خدا بگرید از اهل بهشت باشد و هر کس زنی را که محرم او و قرابتی و خویشی داشته
باشد مسرور کند خدای تعالی روز قیامت او را مسرور کند و چون والدین
فرزند را قرآن تعلیم کنند در بهشت ایشان را دو حله بپوشانند که پرتو روی ایشان روی
اهل بهشت را روشن کند و مرویست که مردی روزی بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله گفت من هرگز فرزند خود را نبوسیدم بعد از آن که او رفت حضرت
فرمود این مرد از اهل دوزخ است و مرویست که طفل را لا اله الا الله
و آیه آخر بنی اسرائیل قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا تا آخر سوره تعلیمش کنند
زبانش فصیح شود و نیز مرویست که چون پسر سه ساله تمام شود امر کنند تا هفت مرتبه

لا اله الا الله بگوید و چون سه سال و هفت ماه و بیست روز تمام شود بگوید
هفت مرتبه بگوید محمد رسول الله و چون چهار سال تمام شود هفت مرتبه بگوید
صلی الله علی محمد و آل محمد و چون پنج سال تمام شود دست راست و چپ
از وی پرسید چون بگوید رو بقبله کنید و بگویید سجده کند و چون شش
سال تمام شود رکوع و سجود یادش دهید و چون هفت سال تمام شود بگویید
دست و رو بشوید و یک نماز بکند و چون نه سال تمام شود وضو و نماز
یادش دهید و هر گاه تقصیر و کاهلی کند بزنید و چون وضو و نماز یاد گیرد
گناهان والدینش آمرزیده شود و نیز مرویست که طفل را هفت سال بگذارید
بازی کند و هفت دیگر قرآن و کتابت و خط یادش دهید و هفت سال
دیگر ملازم خود گردانید که آداب و اخلاق یاد گیرد و شرایع دین از حلال
و حرام تعلیمش کنید بعد از ان اگر آثار صلاح و رغبت بدین و ایمان در و
یابید در صدد ترتیبش باشید و اگر نه دست از و بردارید

فصل یازدهم

در حقوق زوجین بدانکه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حق زوج
بر زوجه اینست که خدمت و اطاعتش کند و خلاف امر و رضایش نکند و از خانه
او بی اذن تصدق نکند و بکسی چیزی ندهد و اگر دهد گناهش و ثوابش از
شوهرش باشد و ضبط خانه و ضبط مال او کند اگر در خانه شوهر برای خیر
و مصلحت خانه چیزی بجای دیگر گذارد خدای تعالی برو نظر رحمت کند و هر کس
خدا برو نظر رحمت کند بعد از ان هرگز عذابش نکند و از جمله حقوق اینکه
خود را از زینت خالی ندارد هر چه مقدور شود و دست را بحنا نگذارد اگرچه

همین

همین بالین باشد حنا بر دست باشد و بی اذن شوهر از خانه بیرون نرود
و اگر رود ملایکه آسمان و زمین و ملایکه غضب و رحمت برو لعنت کنند تا وقتی
که رجعت نماید زنی بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرستاد که شوهرم
بسفر رفته و مرا گفته از خانه بیرون نروم تا او بیاید و پدرم بیمار شده اگر
رخصت فرمایی پدرم را عیادت کنم فرمود در خانه بنشین و اطاعت شوهر کن
مرتبه دیگر فرستاد همین جواب فرمود تا آنکه پدرش فوت شد فرستاده اذن
خواست که بنماز او حاضر شود فرمود بنشین و اطاعت شوهرت کن تا آنکه
پدرش را دفن کردند آنحضرت صلی الله علیه و آله پیغام فرستاد که خدای تعالی
پدرت را آمرزید بسبب اینکه اطاعت شوهرت کردی و از جمله حقوق اینکه
بی اذن او روزه غیر واجب نگیرد و نذر نکند و قسم نخورد و بکسی چیزی ندهد
و تصدق نکند و بنده آزاد نکند اگرچه از مال خودش باشد و از جمله حقوق
اینکه خود را از و باز ندارد اگرچه بر مرکب سوار باشد حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمود که وای از جمله مسوفات گفت مسوفات کیانند فرمود
زنانی که شوهر ایشان ایشانرا بخلوت بطلبند بهانه و مدافعه کنند تا شوهر را
خواب ببرد پس ملایکه بر ان زن لعنت کنند تا وقتی که شوهرش بیدار شود و از
جمله حقوق اینکه اگر شوهر از و آزرده باشد خواب نکند تا عذر خواهی کند و او را
راضی کند اگرچه برو ظلم کرده باشد و اگر بعد از انکه او را راضی کند نخوابد
هیچ طاعت از و قبول نشود و زنی که بشوهر گوید من هرگز از تو خیر ندیدم اعمالش
همه باطل شود و زنی که شوهر را برنجاند و آزرده کند هیچ حسنه از و قبول

شود و اگر صوم دهر گیرد و همیشه نماز گذارد و بندها آزاد کند و مالها در راه
خدا صدقه دهد تا آنکه او را از خود راضی کند و اگر شوهر بر زن ظلم و آزار نماید
مثل آن گناه و عذاب بر او ثابت شود و هر کس بر بدخویی زن صبر کند حق تعالی به
مثل ثواب صبر ایوب برایش نویسد و بر زن هر شبانه روز مثل ریگ صحرا
عالج گناه نویسند و اگر زن با شوهر سازگاری نکند و او را تکلیف چند
که مقدورش نباشد کند و بر وی شفقت و غضب دارد هیچ حسنات او قبول نشود
که او را از آتش نگاه دارد و مادامی که بر وی خشمناک باشد در غضب خدای تعالی باشد
و جهاد زن آن است که شوهرداری خوب کند و بر آزار و مشقت او صبر کند
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود ای زنان تصدق کنید اگرچه از زینت
خود و اگرچه نصف خرمایی باشد و اطاعت شوهران کنید که اکثر شما هیمه دوزخ
باشید چون زنان این سخن شنیدند همه گریستند یکی از ایشان برخاسته
گفت یا رسول الله ما با کفار در دوزخ باشیم والله که ما کافر نیستیم فرمود شما
کفران حق شوهران کنید زنی دیگر گفت یا رسول الله ما با این مشقت
و رنج حمل و رضاع و با اینکه فرزندان مشفق صالح از ما بوجود آیند
به دوزخ رویم پس حضرت رفق نموده فرمود شما با آنچه گفتید اگر شوهران را
نرنجانید و نماز گذارید یکی از شما به دوزخ نرود و ایضاً زنی از آنحضرت
پرسید که حق که بر مرد عظیم‌تر است فرمود حق پدر پرسید بر زن فرمود حق شوهر
و اگر غیر خدا را سجده کردن جایز می‌بود امر می‌کردم که زنان شوهران را سجده کنند
پرسید حق زن بر مرد چیست فرمود از صد یکی نیست و زنی در خدمت

آنحضرت

آنحضرت صلی الله علیه و آله معروض داشت که شوهرم با من بی‌التفات بود من چیزی
ساختم که او را با خود مهربان کنم فرمود که ملائکه سموات و ارض بر تو لعنت
کردند پس آن زن رفته روزها روزه می‌گرفت و شبها عبادت می‌کرد و سر
خود را تراشید و پلاس پوشید این خبر به آنحضرت رسید فرمود هیچ سود ندارد
و حق زوجه بر زوج آنست که نفقه و کسوه اش دهد و اگر مقدور باشد
معیشت را بر او توسعه کند و او را محتاج دیگری نکند و خود را برای او
بیاراید که سبب عفتش باشد و چنانکه او آرایش زن را دوست دارد زن نیز
آرایش او را دوست دارد و جهل و تقصیراتش را عفو کند و او را به هر اندک
خطا و تقصیری که کرده عتاب نکند و نرنجاند و نزند و ترش روی
و عبوس نکند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود بهترین مردان کسی است
که با زن خوش سلوک باشد و بدترین مردان کسی که زنان را برنجاند و بزند
و از جمله حقوق آنکه حلال و حرام و آداب و احکام دین تعلیمش کند و در عیدها
تهیه اسباب عید و سرور بقدر مقدور برایش نماید **فصل دوازدهم** در بعضی
نوادر مناسب این باب مشتمل بر سه روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که خدای
تعالی غیرت را بر مردان عطا فرموده از این جهت است که بر زن زیاده از یکی حرام
شده زنان را غیرت نباشد بلکه غیرت ایشان حسد است و حسد اصل کفر است
و از این جهت است که زنان مؤمنه برای متعه و زن دیگر غیرت نکنند و زنان
غیر مؤمنه غیرت کنند روزی مردی در خدمت حضرت امام علیه السلام زن
خود را بسیار تعریف کرد فرمود که هیچ امتحانش کرده گفت نه فرمود برو امتحان

کن مرد دف زند دیگر کرد زن اول همان بحال خود ثابت بود وطبش ونا
خوشی نکرد بخدمت حضرت آمد وحکایت کرد فرمود حالا راست میگوی
ونیز مرویست که در کارها با زنان مشورت مکنید واگر کنید خلاف ایشان کنید
که برکت در مخالفت ایشان است واز بدان ایشان بگریزید واز نیکان بر حذر
باشید ودر خیر اطاعتشان مکنید تا در شر طمع نکنند وایشان را بحمامی و
عروسی وعزا رخصت مدهید ومجملا ممکن ندید که هر وقت وبهر جا خواهند
روند که موجب فساد عظیم باشد ومردی که زن خود را بهر جا رخصت دهد
سر از بر در روز حشر افکند **باب دهم** در آداب سفر واحکام
متعلق بآن واین مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود **فصل اول**
در بعضی مقدمات سفر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که عاقل را نشاید
سفر کردن مگر بسه وجه یا بتحصیل زاد آخرت یا بمرمت معیشت یا بلذتی
که حرام نباشد ونیز مرویست که سفر کنید تا صحت یابید وحج کنید تا غنی
گردید ونیز مرویست که چون خدای تعالی رزق کسی در جایی تقدیر کرده باشد
حاجتی برای او در انجا بر انگیزد که بضرورت بانجا حرکت کند ونیز مرویست
که هر کس برای سفر دریا کند دین خود را در معرض تلف آورده باشد ودر تحصیل
معاش حریص وزبون باشد **فصل دوم** در اختیار ساعت برای
سفر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سفر وسایر مطالب در روز
شنبه وپنجشنبه مبارک است وروز شنبه اگر سنگی از جای خود حرکت کند
خدای تعالی آنرا باز بجای خود میرساند وروز پنجشنبه روزیست که خدای تعالی

ورسول

ورسول او واهل بیت او وملائکه علیهم السلام انرا دوست دارند وحضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم اکثر غزوات در روز پنجشنبه متوجه میشد وظفر مییافت
وروز سه شنبه خدای تعالی آهن را برای حضرت داود علیه السلام نرم کرد باین
که نرم ساخت سفر درین روز بآسانی کند ودر احادیث بسیار آمده که روز
چهارشنبه روز نحس است وخدای تعالی اکثر امم سالفه را درین روز عذاب
کرده وارکان آتش را درین روز آفریده اما حدیث دیگر روایت شده
که روز چهارشنبه بخدا شکایت کرد که بندگان تو مرا بنحس میدانند فرمود
تو نحسی بر کافران وسعدی برای مؤمنان وروایت دیگر آمده که کسی
از حضرت امام موسی علیه السلام پرسید که مردم سفر در چهارشنبه آخر را شوم میدانند
فرمود هر کس بمخالفت جمعی که فالهای بد میزنند وچیزها را شوم میشمارند
در چهارشنبه آخر سفر کند از آفات وعاهات بسلامت وعافیت مراجعت
کند ومرویست از حضرت که هر کس روز جمعه بسفر رود ملکی نفرین کند که خدا او را
باز نگرداند واز حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله مرویست که فرمود روز دوشنبه
برای دشمنان ما آفریده شده مشرکان قریش درین روز بر من برآمدند
ومن درین روز از مکه هجرت کردم ودرین روز رحلت خواهم نمود وعلی
درین روز کشته خواهد شد وحسن درین روز مسموم شود ودرین روز
رحلت کند ونیز مرویست که جمعی که درین روز عزم سفر کرده رفتند که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را وداع کنند فرمود شما امروز چون امید
خیر وبرکت دارید که امروز نشامت امروز باشد که حضرت پیغمبر صلی الله

علیه السلام در این روز از میان ما رفته و در این روز وحی از ما منقطع شده و بروایت
دیگر قضیه کربلا در این واقع شده و بروایت دیگر اهل بیت را هیچ مصیبتی
روی نداده مگر در این روز و امروز مروید فردا که شنبه است بروید که ایمن
در شنبه شده و سفر آسان کنند و هم از آنحضرت علیه السلام مرویست که منع نمود
در دوشنبه سفر مکنید و از پی کار مروید و شرح نحوست روز عاشورا در فصل
اعمال ماه محرم گذشت تا نحوست روز یکشنبه چنانکه مشهور است در بعضی از کتب
علما مسطورست اما حدیثی بنظر نرسیده و روایت دیگر آمده که با روزها دشمنی
مکنید تا با شما دشمنی نکنند و روایات بسیار نیز آمده که تصدق کنید و
هر روز نخواهید بسفر روید که بصدقه همه بلاها دفع شود و مرویست که هر کس
قمر در عقرب بسفر رود در آن سفر خیر نبیند و اگر در تحت الشعاع سفر کند سفر
صعب و دشوار گذرد و تحقیق علم نجوم در فصل جزئیات عادات گذشت

فصل سیم در تحصیل رفیق و تهیه اسباب و بعضی مناسبات این باب

مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اول تحصیل رفیق کنید بعد از آن
عزم سفر کنید و نیز مرویست که سه کس ملعونند کسی که طعام خود را تنها خورد
و کسی که تنها خوابد و کسی که تنها بسفر رود و چون شیطان انسان را تنها یابد
در سفر احتمال ضرر زیاد شود و مرویست که یک کس یک شیطانند و دو کس
دو شیطان و سه کس مصاحبند و چهار کس رفیقند و نیز مرویست که بهترین
رفقا چهار است و نیز مرویست که هیچ جمعی زیاده از هفت نباشند مگر آنکه
قال و قیل و غوغا در میان ایشان بسیار باشد و اگر کسی در سفر مضطر بتنهایی شود

جمعی

بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم آنس وحشتی و اعنّی علی وحدتی
و ادّ غیبتی و از جمله اسباب سفر انگشتر عقیق و تربت مقدس با خود با در میان
رختها داشته باشد تا از دزد و آفات محفوظ باشد چنانکه در مباحث
سابقه گذشت و سلاح و مسواک و شانه و آینه و سرمه و مقراض بردارد و نیز
مرویست که از جمله شرف مردانست که برای سفر توشه و آذوقه خوب تهیه کنند
و حضرت امام زین العابدین علیه السلام هر گاه بحج و عمره میرفتند حلویات
و امثال اینها برمیداشته و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود از جمله
وصیت لقمان با پسرش این بود که چون بسفر روی شمشیر و موزه و عمامه و خیمه
و خیک آب و سوزن و ریسمان و ادویه که خود و رفقا در کار باشد بردار
و با رفقا در کارها موافقت بکن مگر در معصیت و نیز مرویست که هر کس
در سفر عصای بادام تلخ با خود دارد زمین برایش طی شود و اگر در وقت
بیرون رفتن عصای بادام تلخ ~~با خود دارد زمین برایش~~ بدست بگیرد
و این آیات سوره قصص بخواند وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ تا وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا
نَقُولُ وَكِيلٌ از هر سبع درنده و حیوان گزنده و دزدی برنده ایمن باشد
تا آنکه بخانه‌اش مراجعت کند هفتاد و هفت فرشته تا وقت مراجعت با او باشند
و برایش استغفار کنند و عصا در دست گرفتن فقر را دور کند و شیطان را دور کند
و هر کس اعانت مومنی مسافر کند در حاجتی از حوایج خدای تعالی هفتاد و سه
کربت از او بردارد و از غموم و هموم دنیا و آخرت نجاتش دهد و کربت روز
قیامت از او برگیرد که هر کس بحال خود درمانده باشد و انگشت حسرت بدندان

ندامت کرد و در روایت دیگر آمده که خدای تعالی بیست و سه کربت در دنیا و هفتاد
کربت در آخرت از وی برگیرد و مرویست که چون مؤمن سفر کند لازم است که دوستان او
خبر کند و چون مراجعت کند به دیدنش آیند **فصل چهارم** در افتتاح سفر
به دعا و صدقه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون کسی عزم سفر کند
بگوید اللهم خل سبیلنا واحسن مسیرنا واعظم عافیتنا و نیز مرویست
که مسافر هیچ جانشینی برای اهل خود نگذارد بهتر از آنکه وقت بیرون رفتن
دو رکعت نماز گذارد و بعد از آن بگوید اللهم انی استودعک الیوم
دینی ونفسی ومالی واهلی وولدی وجیرانی واهل حزانتی الشاهد
منا والغائب وجمیع ما انعمت به علی اللهم اجعلنا فی کنفک وفی منعک
وعیاذک وعزک عز جارک وجل ثناؤک وامتنع عائذک ولا اله غیرک
توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی
الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا الله اکبر کبیرا والحمد لله
کثیرا وسبحان الله بکرة واصیلا که هر چه درین دعا سؤال کرده خدای تعالی
عطا فرماید و حضرت امام محمد باقر علیه السلام چون اراده سفر می‌نمود عیال خود را
در خانه می فرمود و همین دعا می خواند و ادعیه بیرون آمدن از خانه در فصل
عبادات گذشت و چون خواهد از خانه بیرون آید تحت الحنک ببندد حضرت
امام علیه السلام فرمود من ضامنم که چون کسی وقت بیرون رفتن تحت الحنک ببندد
از دزد و سوختن و غرق شدن ایمن باشد و بسلامت بازگردد و اگر نه بسته
باشد و آنچه مبتلا شود که دوا نداشته باشد خود را ملامت بکند و چون از خانه

بیرون

بیرون آید تحت الحنک ببندد حضرت امام علیه السلام فرمود من ضامنم که چون
کسی وقت بیرون رفتن تحت الحنک ببندد از دزد و سوختن و غرق
بیرون آید بر در خانه رو براهی که میرود بایستد والحمد و آیة الکرسی و قل هو الله
و معوذتین هر یک را برابر و بر جانب چپ بخواند بعد از آن بگوید اللهم
احفظنی واحفظ ما معی وبلغنی وبلغ ما معی وسلمنی وسلم ما معی ببلاغک
الحسن او و هر چه با اوست بسلامت مراجعت کند و نیز بگوید بالله استفتح
وبالله استنجح وبمحمد صلی الله علیه وآله اتوجه اللهم سهل لی کل حزونة
وذلل لی کل صعوبة واعطنی من الخیر اکثر مما ارجو واصرف
عنی من الشر اکثر مما احذر فی عافیة یا ارحم الراحمین و کسی بخدمت
حضرت علی نقی علیه السلام عرض نمود که از حضرت صادق علیه السلام در هر ماه
چند روز نحس روایت شده و بسا باشد که در آن ایام حاجتی یا سفری ضرور
شود فرمود شیعیان ما چون اعتماد و وثوق بر خدا کنند و از روی
اخلاص و یقین متمسک بولایت ما شوند اگر بروند بپاهای مواج بحر و طوفان
و صحراهای خون آشام در میان سباع و اعادی انس و جان روند که خدای
تعالی ایشان را محافظت فرماید و هیچ ضرر بایشان نرسد صبح و شام مرتبه
بگوید اصبحت اللهم معتصما تا آخر چنانکه در اوراد صبح و شام گذشت
از هر مخوف و محذوری در حصن حصین باشی و اگر در یکی از روزهای
نحس عزم سفر کند وقتی که خواهی که روانه شوی الحمد لله و قل هو الله و معوذتین
و آیة الکرسی و انا انزلناه و این پنج آیه از سوره آل عمران ان فی خلق

السموات والارض فانك لا تخلف الميعاد وابن دعا بخواند اللهم بك
يصول الصائل وبقدرتك يطول الطائل ولا حول لكل ذي حول
الا بك ولا قوة الا منك بصفوتك من خلقك وخيرتك من بريتك
محمد نبيك وعترته وسلالته اللهم صل عليه وعليهم واكفني شر هذا
اليوم وضره وارزقني خيره واقض لي في متصرفاتي بحسن العافية
وبلوغ المحبة والظفر بالامنية وكفاية الطاغية الغوية وكل ذي قدرة
علي اذية حتى اكون في جنة وعصمة من كل بلاء ونقمة وابدلني من
المخاوف فيه امنا ومن العوائق فيه يسرا حتى لا يصدني صاد عن المراد
ولا يحل بي طارق من اذى العباد انك على كل شيء قدير والامور
اليك تصير يا من ليس كمثله شيء وهو السميع البصير وايضا وقت بيرون
رفتن هر چه مقدور شود تصدق كنند و بگويد اللهم اني اشتريت سلامتي
في سفري هذا بهذا كه از آفات ايمن گردد و حضرت سجاد عليه السلام چون بسفر مي رفت
همين كه پاي مبارك در ركاب مي گذاشت تصدق مي كرد و چون بسلامت
رجوع مي كرد بشكرانه آن تصدق ديگر مي كرد فرمود و اگر بسفر حج و عمره رود
چون از خانه بيرون آيد بگويد لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله
العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع وما فيهن وما بينهن
ورب العرش العظيم والحمد لله وصلى الله على محمد وآله الطاهرين اللهم
كن لي جارا من كل جبار عنيد ومن كل شيطان مريد بسم الله دخلت
وبسم الله خرجت اللهم اني اقدم بين يدي نسياني وعجلتي بسم الله وما

شاء الله

شاء الله لا حول ولا حول ولا قوة الا بالله في سفري هذا ذكرته او نسيته
اللهم انت المستعان على الامور كلها وانت الصاحب في السفر و
الخليفة في الاهل اللهم هون علينا سفرنا واطو لنا الارض وسيرنا
فيها بطاعتك وطاعة رسولك اللهم اصلح لنا ظهرنا وبارك لنا فيما
رزقتنا وقنا عذاب النار اللهم اني اعوذ بك من وعثاء السفر وكابة المنقلب
وسوء المنظر في الاهل والمال والولد اللهم انت عضدي وناصري
اللهم اقطع عني بعده ومشقته واصحبني فيه واخلفني في اهلي بخير لا
حول ولا قوة الا بالله اللهم اني عبدك وهذا حملانك والوجه و
جهتك والسفر اليك وقد اطلعت على ما لم يطلع عليه احد غيرك فاجعل
سفري هذا كفارة لما قبله من ذنوبي وكن عونا لي عليه واكفني وعثه
ومشقته ولقني من القول والعمل رضاك فانما انا عبدك وبك ولك

فصل پنجم در وداع و مفارقت مرويست از اهل بيت طاهرين عليهم السلام

كه چون كسي مسافري را وداع كند بگويد زودكم الله التقوى ووجهكم الى كل
خير وقضى لكم كل حاجة وسلم لكم دينكم ودنياكم وردكم سالمين و اگر خواهند
بگويند احسن الله لك الصحابة واكمل لك المعونة وسهل لك الحزونة
وقرب لك البعيد وكفاك المهم وحفظ لك دينك وامانتك وخواتيم
عملك ووجهك لكل خير عليك بتقوى الله استودع الله نفسك على
بركة الله عز وجل و چون مسافر روانه شود از عقبش آية الكرسي بخوانند
واذان واقامت بگويند بعد از ان بگويند اللهم الطف لي في تيسير كل عسير فان

برًّا نعمه عليك بِرّ اسألك العافية والمعافاة الدائمة في الدنيا والآخرة
ومصيبات الليالي والأيام واكفني شرّ ما يعمل الظالمون في الأرض
فصل ششم در آداب سوار شدن وراه رفتن مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلم که چون پا در رکاب گذاری بگوی بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
والله اکبر و سایر آداب سوار شدن در فصل خود گذشت و چون سوار
شود و بر پشت مرکب قرار گیرد بگوید بسم الله ولا قوة الا بالله الحمد لله الذي
هدانا للاسلام ومنّ علينا بمحمد صلى الله عليه وآله سبحان الذي سخّر لنا هذا
وما كنا له مقرنين وانا الى ربنا لمنقلبون والحمد لله رب العالمين اللهم
انت الحامل على الظهر والمستعان على الامر اللهم بلّغنا بلاغا نبلغ به
الى رحمتك ورضوانك ومغفرتك اللهم لا طير الا طيرك ولا خير الا
خيرك ولا حافظ غيرك و چون مرکب روانه شود بگوید خرجت بحول الله
وقوته بغير حول مني وقوة ولكن بحول الله وقوته برئت اليك يا رب من
الحول والقوة اللهم اني اسألك بركة سفري هذا وبركة اهلي اللهم اني اسألك
من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا تسوقه الي وانا خائض في عافية
بقوتك اللهم اني سرت في سفري هذا بلا ثقة ورجاء لسواك فارزقني
في ذلك شكرك وعافيتك ووفقني لطاعتك وعبادتك حتى ترضى
وبعد الرضا و چون از شهر جدا شود اللهم استودعك ديني ونفسي
ومالي ودنياي وآخرتي وخاتمة عملي فاحفظني من كل آفة وعاهة و
اعصمني من كل زلل وخطاء يا سميع يا قريب يا حفيظ يا مجيب

اجب

اجب دعائي يا كريم يا كريم يا كريم اللهم بك انتشرت واليك توجهت
وبك اعتصمت انت ثقتي ورجائي اللهم اكفني ما اهمني وما لا اهتم له
وما انت اعلم به مني اللهم زودني التقوى واغفر لي وارحمني و نیز
بگوید بسم الله مخرجي وباذنه خرجت وقد علم قبل ان اخرج خروجي
وقد احصى لعلمه في مخرجي ومرجعي توكلت على الاله الاكبر توكل مفوض
اليه امره مستعين به على شؤونه مستزيد من فضله مبرئ نفسه
من كل قوة الا به خروج ضرير خرج بضره الى من يكشفه وخروج فقير
خرج بفقره الى من يسده وخروج عائل بعيلته الى من يغنيها وخروج
من ربه اكبر ثقته واعظم رجائه وافضل امنيته الله ثقتي في جميع
اموري كلها به فيها جميعا استعين ولا شيء الا ما شاء الله في علمه
اسأله خير المخرج والمدخل لا اله الا هو واليه المصير و نیز بگوید اللهم اني
خرجت في وجهي هذا بلا ثقة مني بغيرك ولا رجاء آوي اليه الا اليك
ولا قوة اتكل عليها ولا حيلة الجأ اليها الا طلب رضاك وابتغاء رحمتك
وتعرضا لرزقك وسكونا الى حسن عائدتك وانت اعلم بما سبق لي
في علمك في وجهي هذا مما احب واكره اللهم فاصرف عني مقادير كل
بلاء ومقضي كل لأواء وابسط علي كنفا من رحمتك ولطفا
من عفوك وحرزا من حفظك وسعة من رزقك وتماما
من نعمتك وجماعا من معافاتك ووفق لي فيه يا رب جميع
قضائك على موافقة هواي وحقيقة املي وادفع عني ما احذر

وما لا احذر على نفسي وديني ومالي مما انت اعلم به مني فاجعل ذلك
خيرا لآخرتي ودنياي مع ما اسألك ان تخلفني فيمن خلفت ورائي من
ولدي واهلي ومالي واخواني وجميع حزانتي بافضل ما خلفت به غائبا
من المؤمنين في تحصيني كل عورة وحفظ كل مضيعة وتمام كل نعمة
ودفاع كل سيئة وكفاية كل محذور واصرف كل مكروه وكمال
ما تجمع لي به الرضا والسرور في الدنيا والآخرة ثم ارزقني شكرك
وذكرك وطاعتك وعبادتك حتى ترضى وبعد الرضا اللهم اني
استودعك اليوم ديني ونفسي ومالي واهلي وولدي وذريتي وجميع
اخواني اللهم احفظ الشاهد منا والغائب عنا اللهم احفظنا و
احفظ ما معنا اللهم اجعلنا في جوارك ولا تسلبنا ولا تغير ما بنا من
نعمة وعافية وفضل و نیز بگوید اللهم اسعدنا بهذه الحركة وامددنا
باليمن والبركة وقنا سوء القدر واكفنا مهمات السفر وقرب لنا
البعد والنوى وسهل لنا السير والسرى ووفقنا لطي المراحل
وانزلنا خير المنازل واحفظ مخلفينا واجمع بيننا وبينهم باحسن الحال
وامانينا سالمين غانمين تائبين آئبين برحمتك يا ارحم الراحمين
و چون بر سر راه رسد هفت عدد سنگ ریزه بر دارد و بر هر یک
ده مرتبه بگوید قل من يكلؤكم بالليل والنهار من الرحمن بل هم
عن ذكر ربهم معرضون و قل هو الله احد بخواند و با خود دارد از آفات
محفوظ گردد و اگر در راه چیزی بیند که بفال خوش نیاید بگوید اعتصمت

بك

بك يا رب من شر ما اجد من نفسي فاعصمني من ذلك و هر بلندی
که بر آید تکبیر و چون بزیر تسبیح بگوید و چون بر سر بلند بهار رسد بگوید لا اله
الا الله والله اكبر والحمد لله رب العالمين لك الشرف على كل شرف و هر
در پیش سر باشد از صحرا و کوه و غیر آن به تهلیل و تهلیل و هر چه در پیش
رو باشد بتکبیر و بتکبیر گویند و چون بصحرای خوفناک رسد بگوید یا ارض
ربي وربك الله اعوذ بالله من شرك وشر ما فيك ومن شر ما يدب
عليك اعوذ بالله من شر كل اسد واسود وحية وعقرب ومن
ساكن البلد ومن شر والد وما ولد افغير دين الله يبغون
وله اسلم من في السموات والارض طوعا وكرها واليه يرجعون
الحمد لله بنعمته وحسن بلائه علينا اللهم صاحبنا في السفر و
افضل علينا فانه لا حول ولا قوة الا بالله بعد از آن سوره
الهيكم بخواند از شر سباع و هوام و حیات و عقارب ایمن شود ایضا
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که اگر در صحرا از جن یا انس
خوف داشته باشی دست راست بر فرق سر بگذارد و باواز بلند این
آیه بخواند افغير دين الله تا اليه يرجعون و اگر از غول و جن بترسد
باواز بلند اذان بگوید و آية الكرسي بخواند و بعضی علما در کتب خود
ذکر کرده اند که اگر کسی در محل خوفناک باشد باد و حرجی واقع شود
چهار سنگ ریزه بر دارد و یکی را بجانب راست و دوم بجانب چپ
و سیم را از بالای سر به پشت سر و چهارم را به پیش رو اندازد و هر مرتبه بگوید

وتقول الحق وله الملک بسلامت از آن ورطه نجات یابد ان شاء الله و از لشکر
شکست یابد و ایضا اگر در راهی خوفناک باشد پنج سنگ ریزه بر دارد و باین
اول را که بر دارد بگوید الله دوم جبرئیل سیم موسی چهارم محمد پنجم ابراهیم و با خود
نگاه دارد ان شاء الله ایمن گردد و حرز از سباع و کلاب در فصل حرز و تعویذ
گذشت و اگر راه گم کند بگوید یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق رحمکم الله
و اگر در دریا باشد بگوید یا حمزه مرویست که صالح بر صحراها و حمزه بر دریاها
موکل است و اگر خواهد بگوید بسم الله ذی الشأن عظیم البرهان شدید السلطان
کل یوم هو فی شأن ما شاء الله کان و ما لم یشأ لم یکن و لا حول و لا قوة
الا بالله و اگر کسی پیاده باشد انا انزلناه بخواند از ماندگی ایمن شود
و مرویست که با رفقا بجمعیت بروید که اگر کسی در سفر از رفیق آنقدر جدا شود
که از نظر غایب شود اعانت کشتن او کرده باشد و در خون خویش شریک بود و احادیث
بسیار آمده که خدای تعالی اول شب برای استراحت آفریده خود و چهار پایان
در اول شب استراحت کنند و آخر شب راه روید که راه در آخر شب زود طی شود و آداب
و حقوق دواب در فصل خود گذشت **فصل هفتم** در آداب متعلقه بمنزل
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که چون منزل نمایان شود بگوید اللهم
انی اسئلک خیرها و اعوذ بک من شرها اللهم حببنی الی اهلها و حبب
صالحی اهلها الی و چون بمنزل نزدیک شود بگوید اللهم رب السماء
و ما اظللت و رب الارض و ما اقللت و رب الریاح و ما ذرت و رب
الانهار و ما جرت عرفنا خیر هذه القریة و خیر اهلها و اعذنا من شرها

و شر اهلها انک علی کل شیء قدیر اللهم یسر لی ما کان فیها من خیر
و وفق لی ما کان فیها من بر و اعنی علی حاجتی یا قاضی الحاجات یا مجیب
الدعوات ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق فاجعل لی
من لدنک سلطانا نصیرا و چون فرود آید بگوید رب انزلنی
منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین و ابتلنی بما ابتلیت به الصالحین
و هب لی السلامة و العافیة فی کل وقت و حین اعوذ بکلمات الله
التامات من شر ما خلق و ذرء و برء خدای تعالی خیر آن منزل را
روزی او کند و شر را از او دفع گرداند و چون مکانی اختیار کند پیش
از آنکه بنشیند دو رکعت نماز گذارد بعد از آن بگوید رب انزلنی منزلا
مبارکا و انت خیر المنزلین و نیز بگوید اللهم ارزقنا خیر هذه البقعة
و اعذنا من شرها اللهم اطعمنا من جناها و اعذنا من وباها و
حببنا الی اهلها و حبب صالحی اهلها الینا خیرات آن منزل روزی و شرور
مدفوع شود و چون خواهد بنشیند و بگوید بسم الله الذی لا یضر مع
اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و اگر در منزل خوف سباع باشد بگوید
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد بیده الخیر
و هو علی کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من شر کل سبع تا در آن
منزل باشد از شر ایشان ایمن باشد و اگر از دزد خوف داشته باشد
بگوید یا ودود یا ودود یا ذا العرش المجید یا فعالا لما یرید اسئلک
بعزتک التی لا ترام و بملکک الذی لا یضام و بنورک الذی ملأ

ارکان عرشك ان تكفيني شر اللصوص يا مغيث اغثني يا مغيث اغثني
و سایر اذکار و آیات برای حرز از دزد در فصل تعویذ و فصل آداب
خواب گذشت و چون خواهد از آن منزل کوچ کند دو رکعت نماز بگذارد
و آن منزل و اهل آن منزل را وداع کند که در هر موضعی جمعی از ملائکه
باشند و بگوید السلام على ملائكة الله الحافظين السلام علينا
و على عباد الله الصالحين **فصل هشتم** در آداب سفر دریا مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون داخل کشتی شوی بگوی بسم الله الرحمن الرحيم
وما قدروا الله حق قدره قبضته يوم القيمة والسموات مطويات بيمينه
سبحانه وتعالى عما يشركون بسم الله مجريها ومرسيها ان ربي لغفور
رحيم که امان است از غرق شدن و اگر امواج متلاطم شود بگوی یا حی لا اله
الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين و آیة الکرسی بخواند و روایت
دیگر است که بر دست چپ تکیه کن و با دست راست اشاره بموجها نموده بگوی
قري بقرار الله عز وجل واسكني بسكينة الله جل وعز ولا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم راوی گوید در دریای بودم حین که موجها
بلند شد چنین کردم ساکن گشت چنانکه هرگز گویا نبوده **فصل
نهم** در مکارم اخلاق و آداب رفاقت در سفر مرویست از اهل
بیت طاهرین علیهم السلام که از جمله وصایای لقمان با پسرش این بود که مادامی
که سوار باشی قرائت کتاب الله کن و مادامی که مشغول کاری باشی ذکر و تسبیح
کن و وقتی که بیکار باشی دعا کن و چون با جمعی رفیق باشی در کارهای ایشان

مشوره

مشوره کن و با ایشان انبساط و شگفتگی کن و در کارهای ایشان مدد کن و رفاقت
چنان کن که ایشان را نرنجانی و ایشان را ذلیل نگردانی و خود نیز ذلیل ایشان
نشوی و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود کرم و مروت بفسق و
فجور نیست بلکه مروت مرد اینست که خوان نعمتش در بیرون خانه اش باشد و مروت
دو قسم است در حضر و آن تلاوت قرآن است و ملازمت مساجد و سعی در حوایج
مؤمنان و در سفر آن خوبی و بسیاری توشه است و بذل آن بر رفقای و کتمان
احوال ایشان بعد از مفارقت و کثرت مزاح بنحوی که معصیتی در آن نشود
و فرمود چون با جمعی رفیق باشی اگر توانی که همیشه دست احسان تو بر
ایشان باشد چنان کن که رزق بقدر مروت و مؤنت بقدر معونت
و صبر بقدر بلا نازل می شود و کسی از آنحضرت علیه السلام سؤال کرد که در سفر با جمعی
رفیق می شوم و با ایشان توسعه و احسان بسیار می کنم فرمود با چنین مردم
مخلوط و مصاحب مباش که اگر ایشان نیز مثل تو سلوک کنند از عهده بر نیایند
و اگر نکنند ذلیل شوی بلکه با امثال خود مخالطت کن و همدست باش بعضی
اوضاع و سرانجام شما در میان هم بنا شد بلکه همچنان که در خانهای خود در حضر
می باشید و آنقدر که مقدور شود احسان و اطعام کنید و نیز مرویست
که با کسی که در وسعت مال از شما زیاده باشد مخالطت و رفاقت مکنید
که سبب مذلت شما شود و با کسی که قدر شما را چنانکه شما قدر او را می دانید
نداند رفاقت مکنید **فصل دهم** در رجوع از سفر مرویست از اهل
بیت طاهرین علیهم السلام که هر روز در ایام سفر برای حفظ و وصول با اهل

این دعا بخوان یا جامعاً بین اهل الجنة علی تالیفٍ من القلوب وشدة
تواصل لهم فی المحبة ویا جامعاً بین طاعته وبین خلقها یا مفرج
حزن کل محزون ویا مسهل کل غربة یا ارحم الراحمین احفظنی فی
غربتی بحسن الحفظ والکلاءة والمعونة وفرج ما بی من الضیق و
الحزن بالجمع بینی وبین احبائی یا مولفاً بین الاحبة صل علی محمد
وال محمد ولا تفجعنی بانقطاع رویة اهلی ولا تفجع اهلی بانقطاع رویتی
بکل مسالتی اسالک وادعوک فاستجب لی وذلک دعائی ایاک فارحمنی
برحمتک یا ارحم الراحمین و مرویست که سفر قطعه از عذابست چون در
قضای حاجت خود کرد بزود مراجعت کند و اگر مسافر شب داخل خانه
شود باید که پیشتر خبر کند و غافل داخل نشود و چون داخل شود خانه
بگوید ائبون تائبون عابدون راکعون ساجدون لربنا حامدون اللهم
لک الحمد علی حفظک ایای فی سفری وحضری اللهم اجعل اوبتی هذه
مبارکة میمونة مقرونة بتوبة نصوح توجب لی بها السعادة یا ارحم
الراحمین و پیش از آنکه مشغول کاری شود دو رکعت نماز گذارد و بعد از
نماز در سجده صد مرتبه بگوید شکراً لله و تصدق بکند و مرویست که از مروت
است نقل کردن احوال سفر از خیر و شر و مستحبات تحفه دهد و هدیه برای
دوستان فرستادن و اگر کسی از سفر حج آمده باشد او را هم چنان با غبار
راه معانقه کنند چنانست که استلام حجر الاسود کنند و بهتر حاج تهنیت
کنند تقبل الله منک واخلف علیک نفقتک وغفر ذنبک باب

یازدهم در فضایل حج و عمره و زیارت و مقصود از این باب ان شاء الله در ده فصل
بیان شود فصل اول در فضایل حج و عمره مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم
السلام که هر که حج یا عمره گذارد از کبری شود و از گناه پاک شود چنانکه از مادر
متولد شده و نیز مرویست که ثواب حج بهشت است و عمره کفاره گناهان است
و چون کسی مشغول تهیه اسباب حج شود برای هر کاری از آن هر گام
که بر دارد و بگذارد ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند و ده درجه
بلند گردانند تا وقتی که از تهیه اسباب فارغ شود و چون سوار شود
هر گام که مرکب بگذارد و بر دارد همان حسنات نویسند و سیئات
محو کنند و چون طواف خانه و سعی صفا و مروه کند از گناه پاک شود
چنانکه متولد شده و رمی جمرات ذخیره روز قیامت باشد و چون
حلق کند بهر موی روز قیامت نوری عطا فرمایند و روایت دیگر
آمده که چون تلبیه گوید بهر تلبیه ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند
محو کنند و چون هفت مرتبه طواف کند خدای تعالی از برایش ذخیره کند
و شرم دارد که هرگز بعد از آن عذابش کند و چون در مقام ابراهیم دو رکعت
نماز گذارد هزار حج برایش نویسند و چون سعی صفا و مروه کند چنان است
که هفتاد بنده مؤمن آزاد کند و چون وقوف عرفات بجا آرد گناهانش
آمرزیده شود اگر چه مثل ریگ عالج و قطره باران و ستاره آسمان باشد
و چون رمی جمرات کند بهر جمره ده حسنه نویسند و چون قربان کند بهر قطره
خون حسنه نویسند و چون از همه مناسک فارغ شود از همه گناهان پاک

شود وچهار ماه بعد از آن گناه بر وی ننویسند مگر آنکه کبیره کند وحاج ومعتمر
در جوار خدا مهمان او باشند اگر بمیرند به بهشت برند واگر بمانند از گناه پاک
باشند واگر دعا کنند اجابت کند واگر سوال کنند عطا فرماید واگر خاموش باشند
ابتدا نماید واگر شفاعت کنند قبول کند وبیک درهم که صرف کنند هزار
هزار برابر عوض دهد ودر روایت دیگر آمده که اگر در وقت رفتن بمیرید
آمرزیده شوند واگر احرام بسته بمیرند لبیک گویان محشور شوند واگر
در مراجعت بمیرند از همه گناه پاک باشند وهر کس در این راه در رفتن
یا در آمدن بمیرد از فزع اکبر قیامت ایمن باشند ونیز مرویست که هر مومن
که هفتاد مرتبه تلبیه کند خدای تعالی هزار ملک را گواه گیرد برای نجات او از نفاق
واز آتش وچون بحرم رسد فرود آمده غسل کند وکفش را در دست گرفته
از روی تواضع پا برهنه داخل حرم شود خدای تعالی صد هزار درجه بلند گرداند
وصد هزار حاجتش بر آرد وچون داخل مکه شود با خشوع وتسلیم گناهانش را
بیامرزد وچون داخل مسجد الحرام شود ونظرش بر کعبه افتد همه گناهانش
بیامرزد وکفایت مهماتش نماید وچون سعی صفا ومروه کند ملائکه برایش
شفاعت کنند وخدای تعالی قبول شفاعتشان کند ونیز مرویست که اهل
حج سه قسمند اول آنکه گناه گذشته وآینده اش همه آمرزیده شود دوم آنکه
گناه گذشته وآینده اش آمرزیده شود سیم آنکه اهل ومالش از حوادث
محفوظ گردد واین قسم کسی است که حجش قبول نشود وهر کس بعرفات حاضر
شود دعایش البته مستجاب شود خواه مومن وخواه مخالف مومن در

در دنیا

در دنیا وآخرت ومخالف در دنیا ونیز مرویست که چون مومنی وقوف عرفات
بجا آورد از هر ولایت که باشد اهل آن ولایت از مومنان همه آمرزیده شوند وکسی
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که گناه که عظیم تر است فرمود کسی که
مناسک حج بجا آورد بعد از آن چنان داند که آمرزیده نشده باشد که گناهش آمرزیده
نشده وچون اهل حج در منازل خود بمانند نزول کنند منادی ندا کند که اگر بدانید
درگاه آمده اید یقین کنید که هر چه در این سفر صرف کرده اید عوض یابید با
مغفرت همه گناهان ونیز مرویست که یک درهم در حج افضل است از دو هزار
هزار درهم در غیر آن از وجوه بر وکسی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
پرسید که من مال بسیار دارم عمل بقدر آن بجا بکنم که اجر حج یابم فرمود اگر کوه ابو قبیس
تمام طلا باشد وهمه را در راه خدا صرف کنی اجر حج نیابی ودر روایت دیگر
آمده که اگر کسی بنیت غیر خالص ونفقه غیر طیب حج گذارد خدا او را در ردیف
اعلا از زمره انبیا وصدیقین وشهدا وصالحین جا دهد ونیز مرویست که اهل
قبور آرزو کنند که بعوض تمام دنیا وما فیها ایشان را یک حج می بود ونیز مرویست
که هر کس چهار حج گذارد از فشار قبر ایمن شود وچون بمیرد حجتهای که گذارده
با بهترین صورتی داخل قبر او شوند وتا روز قیامت نماز کنند وثوابش از
ایشان او را بوده باشد ویک رکعت آن نماز برابر است با هزار رکعت نماز
آدمی واگر پنج حج گذارد خدای تعالی هرگز عذابش نکند واگر ده حج گذارد هرگز
حسابش نکند وهر کس حج بسیار گذارد به هر یک حج شهری در بهشت برایش
بنا کنند در هر شهری خانه ها وغرفه های بسیار که در آنها حوران باشند وخدمت

هر یک سیصد کنیزک که بحسن و جمال ایشان هیچ چشمی ندیده باشد و هر کس این حج را جمعت
کند در خاطر داشته باشد که بعد دیگر بنا بد اجلش نزدیک و عذابش مهیا گردد
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از کسی پرسید که چرا امسال حج نمی کنی گفت شغل
عیال مانع است فرمود چون تو بمیری که متکفل ایشان باشد بهر که روزیت
قناعت کنند و هر سال ایشان را حج بیار و مرویست که اگر کسی در حج مانع شود
در دنیا از آفتی ایمن نبود یا عقوبتی که در آخرت برایش مهیا شود و مرویست
که هر کس مستطیع باشد و هر پنج سال یکمرتبه حج نکند محروم باشد و هر کس
بسبب حاجتی از حوایج دنیا ترک حج کند اهل حج از مناسک فارغ شوند و هنوز
حاجت او بر نیامده باشد و هیچ کس از حج باز نماند مگر بسبب گناهی که کرده و هر کس
حجة الاسلام نکرده بی ضرورت عظیم یا مرضی یا مانعی از سلاطین بمیرد یهودی
یا نصرانی محشور شود و مرویست که اگر کسی در حج مانع کسی شود در دنیا از آفتی
ایمن نبود یا عقوبتی که در آخرت برایش مهیا شود و کسی بحضرت امام جعفر
صادق علیه السلام گفت مردی با من مشورت حج نمود من گفتم تو پریشانی و بیرون رفتن
و مانع او شدم فرمود منتظر یکسال بیماری باش پس یکسال بیماری کشیدم اما آداب
ادعیه و مناسک حج چون طول عظیم دارد ذکر آن درین مختصر مناسب نبود
لهذا ارتکاب آن ننمودیم **فصل دوم** در زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
از آنحضرت صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود هر کس مرا زیارت کند روز قیامت
در جوار من باشد و شفاعت من او را واجب و هر که را شفاعت من واجب شود بهشت
او را واجب شود و هر کس مرا بعد از وفات زیارت کند چنانست که با من هجرت

کرده باشد

در بعضی نسخ [illegible]
باشد و هر کس

کرده باشد و اگر استطاعت آمدن نداشته باشد سلام بمن بفرستد که بمن میرسد
و هم از آن حضرت صلی الله علیه و آله بحضرت امام حسین علیه السلام فرمود ای فرزند
هر کس مرا یا ترا یا پدرت یا برادرت را زیارت کند بر من لازم باشد که روز
قیامت او را زیارت کنم و از گناهان پاک گردانم و بهشت را واجب شود و در روایت
دیگر آمده و او را از اهوال شداید قیامت خلاص گردانم و نیز مرویست که
هر کس آن حضرت را زیارت کند چنانست که خدا را در عرش زیارت
کرده باشد **فصل سیم** در زیارت سایر اهل بیت صلوات الله علیهم از ایشان
علیهم السلام مرویست که هر امامی را بر گردن اولیا و شیعیان خود عهدیست ثابت
و از جمله تمام وفا بآن عهد زیارت قبور ایشان است پس هر کس زیارت ایشان
کند ایشان شفیع او باشند و هر کس یکی از ایشان را زیارت کند چنانست که رسول خدا
صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد و نیز مرویست که هر کس یکی از ایشان را زیارت
کند و دو رکعت نماز در آن روضه گذارد یک حج مقبول برایش بنویسند و
اگر چهار رکعت نماز گذارد یک حج و یک عمره نوشته شود و حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود یا علی خدای تعالی
قبر تو و قبور اولاد ترا بقعه های بهشت گردانید و دلهای اصفیای خود را
بایشان مایل کرده که در محبت ایشان تحمل مشقتها کنند و قبور ایشان را
تعمیر نمایند و زیارت ایشان کنند یا علی ایشان اهل شفاعت و اهل حوضند
و ایشان همسایگان منند در بهشت یا علی هر که تعمیر قبور شما کند چنانست که
در بنای بیت المقدس اعانت سلیمان علیه السلام کرده باشد و هر کس زیارت قبور

شما کند برابر است با هفتاد حج بعد از حجة الاسلام و از گناه پاک شود مثل آنکه از مادر زاده
شده و نعیم بهشت برای اولیا و محبان شما مهیا است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی
و هیچ خاطری نرسیده و از حضرت فاطمه علیها السلام مرویست که فرمود که هر کس
روز بر پدرم و بر من سلام کند کنند در ایام حیوة یا بعد از وفات ما بهشت
او را واجب شود فصل چهارم در زیارت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر مؤمنی زیارت آنحضرت کند خدای تعالی
برایش اجر صد هزار شهید نویسد و گناه گذشته و آینده اش را بیامرزد
در زمره آمنین محشور شود و حسابش آسان گردد و در وقت رفتن
ملایکه استقبالش کنند و در وقت مراجعت مشایعتش نمایند تا بخانه اش
رسانند و اگر بیمار شود عیادتش کنند و اگر بمیرد تشییع جنازه اش نمایند و
برایش استغفار کنند کسی بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام گفت از کوفه بخدمت
تو آمدم و زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نکردم فرمود بد کردی
اگر نه از اولیای ما بودی نگاه بسوی تو نمی کردم زیارت نمی کنی کسی را که خدا
و انبیا و ملایکه و مؤمنان زیارتش می کنند و ایضا مرویست که چون کسی
پیاده بزیارت آنحضرت رود بهر گامی یک حج و یک عمره برایش نویسند و اگر
پیاده مراجعت کند بهر گامی که بر دارد دو حج و یک عمره نویسند و در روایت دیگر
آمده که هر کس بزیارت آنحضرت رود بهر گامی حج و عمره مقبول برایش نوشته
نوشته شود و خدای تعالی ثوابش بهر قدمی که در زیارت آنحضرت عبادت
گرفته خواه سواره و خواه پیاده فصل پنجم در زیارت حضرت
امام

امام حسین علیه السلام مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس زیارت آنحضرت
کند و او را امام مفترض الطاعة داند کمترین اجرش اینست که گناهان گذشته
و آینده اش همه آمرزیده شود و زیارت آنحضرت فرض است بر هر مسلم و حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام از کسی پرسید که چند حج کرده گفت هفده فرمود اگر
بیست حج کنی مثل یک زیارت امام حسین است و در روایت دیگر که زیارت
آنحضرت برابر است با بیست و پنج حج و نیز مرویست که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرمود زیارت مثل حج و عمره است و اضعاف و مضاعف آن راوی گوید
پرسیدم که مثل چند حج و عمره است فرمود نتوان شمرد گفتم صد فرمود که می توانند
شمرد گفتم هزار فرمود بیشتر بعد از آن فرمود حد را هر چند بشماری تمام نشود و نیز مرویست
که زیارت آنحضرت برابر است با آنکه هزار بنده آزاد کنی و هزار اسب با زین
و لجام در راه خدا بجهاد فرستی و امان است از هدم و غرق و حرق و همه آفات
و موجب درازی عمر و زیادی رزق است و ایام زیارت آنحضرت داخل ایام
عمر نیست و ترک زیارت آنحضرت سبب نقصان عمر و روزیست و حضرت امام
علیه السلام فرمود اگر بگویم کسی که ترک زیارت آنحضرت کند سی سال پیش از
اجل خود بمیرد راست گفته باشم و اگر کسی زیارت آنحضرت نکرده بمیرد ایمانش
ناقص باشد و اگر ببهشت رود در مرتبه اش از مؤمنان پست تر باشد و نیز مرویست
که اگر کسی بزیارت آنحضرت رود نه برای ریا و شهرت و غرض دنیا از گناه پاک
شود مثل جامه شسته از کثافات و بهر گامی که بگذارد یک حج و چون بر دارد
یک عمره نوشته شود و شفاعتش برای پنجاه کس از گناهکاران مقبول است و هیچ

جز دران روضه از خدا نخواهد مگر آنکه عطا فرماید و یک درهم که در این راه صرف
کند هزار برابر در بهشت عوض دهد و چهار هزار فرشته و بروایت دیگر هفتاد
هزار فرشته با موهای ژولیده غبارآلود بر قبر آن حضرت موکل اند و گریه
می کنند تا روز قیامت چون کسی بزیارت رود مشایعتش کنند و اگر بیمار شود
هر صبح و عصر عیادتش نمایند و چون بمیرد برو نماز گذارند و تا روز قیامت
برایش استغفار کنند و نیز مرویست که هر که بزیارت آن حضرت رود هزار
ملک از راست و چپ با او رفاقت کنند و خدای تعالی هزار حج و هزار
عمره برایش نویسند که با پیغمبری یا وصی پیغمبری کرده باشد و ایضا مرویست
که چون کسی تهیه زیارت آن حضرت کند اهل آسمان یکدیگر را مژده دهند
و چون از خانه بیرون آید خواه سواره و خواه پیاده خدای تعالی چهل
هزار فرشته موکل فرماید که برو صلوات فرستند تا بروضه مقدس رسد و چون
بدر روضه ایستاده بگوید السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله تا آخر
چنانکه در فصل آداب زیارت ان شاء الله بیاید بعد از آن بجانب قبر مقدس
روانه شود هر گام که بردارد و بگذارد ثواب آن دارد که در راه خدا در خون
خود غلطیده باشد بعد از آن دست بر قبر مبارک گذاشته بگوید السلام علیک
یا ابا عبد الله تا آخر چنانکه بیاید بعد از آن بکناری رفته مشغول نماز شود
خدای تعالی و ملائکه برو صلوات فرستند تا وقتی که فارغ شود و هر یک رکعت
نماز که دران روضه گذارد ثواب هزار حج و هزار عمره و عتق هزار رقبه و هزار
ایستادن در معرکه جهاد با پیغمبر مرسل عطا فرماید و چون از آنجا برخیزد

ملکی

ملکی ندا کند که ای بنده مؤمن خوشت باد که گناهان گذشتهات همه آمرزیده
شد و اگر دران سال بمیرد خدای تعالی خود متولی قبض روحش شود و چون
روانه خانه خود شود ملائکه با او رفاقت کنند و برو صلوات فرستند تا بخانه
خود رسد پس بر در خانه او مقام نموده تسبیح و تهلیل و تقدیس خدا می کرده
باشند تا وقتی که اجلش برسد و ثواب آن ازو باشد بعد از آن در تغسیل
و تکفین و نماز برو حاضر باشند بعد از آن در قبر او مقیم شوند و ذکر
و تسبیح و تقدیس می کرده باشند تا روز قیامت و ثوابش همه برای او نوشته
شود و نیز روایت دیگر آمده که نماز فریضه در پیش قبر مقدس آن حضرت
برابر است با حج و نافله برابر است با عمره این بود فضایل زیارت مطلق آن
حضرت و فضایل زیارت مخصوصه در باب اعمال مشهور گذشت **فصل**
ششم در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام که یکی از حضرت امام محمد
تقی علیه السلام پرسید زیارت امام حسین علیه السلام افضل است یا زیارت امام رضا
علیه السلام فرمود زیارت پدرم افضل است که حضرت امام حسین را همه کس زیارت
کنند و زیارت پدرم مخصوص شیعیان و دوستان ماست و نیز مرویست
که هر کس زیارت آن حضرت کند و معترف باشد بامامت او باشد گناهان گذشته
و آینده اش همه آمرزیده شود اگرچه بعدد ستاره آسمان و قطره باران و برگ
درختان باشد و روز قیامت در برابر منبر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
منبری برای او نصب کنند تا وقتی که خدای تعالی از حساب خلق فارغ شود
و آن حضرت علیه السلام خود فرموده که هر کس مرا در غربتم زیارت کند ثواب صد

هزار شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حج و صد هزار جهاد بخدا و را عطا فرماید
و با ما محشور شود و در درجات رفیع بهشت رفیق ما باشد و من و پدران
من شفیع او باشیم و هر کس ما شفیع او باشیم نجات یابد اگرچه گناه جن و انس داشته
باشد و هم از آنحضرت علیه السلام منقولست که هر کس مرا زیارت کند روز قیامت در سه
وقت او را دریابم و از احوال شداید خلاصش کنم دائم وقتی که نامهای اعمال
در چپ و راست متفرق باشند و وقتی که قدمها در صراط لغزیده باشد
و نیز مرویست که زیارت من برابر است با هزار حج و هزار عمره راوی گوید
که از حضرت امام محمد تقی علیه السلام روزی تعجب پرسیدم که چنین حدیثی از پدرت
روایت کرده اند فرمود بلی والله با هزار هزار حج برابر است برای کسی که حق او بشناسد
و بداند که امام مفترض الطاعه است و نیز مرویست که هر کس زیارت آن حضرت
کند و یکشب در آن روضه بگذراند چنانست که خدا را بر عرش زیارت کند
و نیز مرویست که زائران ائمه طاهرین صلوات الله علیهم در بهشت همنشین
و هم صحبت ایشان باشند و زائران امام رضا علیه السلام در درجات از همه
بلندتر باشند و خلعتهای امام رضا و هر کس داخل آن روضه شود در روز قیامت
از آتش ایمن بود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود فرزندی از من در
خراسان مدفون شود هیچ مؤمنی او را زیارت نکند مگر اینکه خدای تعالی
بدنش را بر آتش حرام کند و بهشت برای او واجب گرداند و هیچ مکروبی زیارتش
نکند مگر اینکه کربتش را فرج دهد و هیچ گناهکاری زیارتش نکند مگر اینکه
گناهش را بیامرزد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود فرزندی

که اعمال او حسنات بخشد و وقتی

از من در طوس کشته شود هر کس او را زیارت کند من در روز قیامت دستش را گرفته داخل بهشت کنم اگرچه
از اهل کبایر باشد و هر کس را حاجتی باشد غسل کرده زیارت آن حضرت کند و پیش سر مبارک
دو رکعت نماز گذارده در قنوت حاجت خود را طلبد مستجاب شود اگر معصیت
یا قطع رحم نباشد **فصل هفتم** در آداب و کیفیت زیارات اهل بیت طاهرین
صلوات الله علیهم مستحب است برای زیارت هر یک از ایشان علیهم السلام غسل کردن و در وقت
غسل گفتن اللهم طهرنی و طهر قلبی و اشرح لی صدری و اجر علی قلبی محبتک و علی
لسانی مدحتک والثناء علیک فانه لا قوة الا بک وقد علمت ان قوة
دینی التسلیم لامرک والاتباع لسنة نبیک والشهادة علی جمیع خلقک
اللهم اجعله لی طهورا وشفاء ونورا انک علی کل شیء قدیر وصلی الله
علی محمد وآله اجمعین و جامهای پاک پوشیدن و تعطر نمودن و با وقار
و سکینه و ذکر و تسبیح و صلوات بر ایشان متوجه شدن اما در زیارت حضرت
امام علیه السلام مستحب است تعطر نکردن و بندهای جامه گشودن و از لذتها و زینتها
اجتناب نمودن و بهیئت مصیبت زدگان متوجه گشتن و چون بدر روضات
مقدسات رسد اول با اینطریقه اذن طلبد اللهم انی قد وقفت علی باب بیت
من بیوت نبیک وقد امرت الناس ان لا یدخلوه الا باذنه فقلت یا ایها
الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم اللهم انی اعتقد حرمة
نبیک فی غیبته کما اعتقدها فی حضرته واعلم ان رسلک وخلفائک احیاء
عندک یرزقون فرحین بما آتیهم من فضلک ویستبشرون بالذین
لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم ولا هم یحزنون وانهم یرون فی مکانی

ويسمعون كلامي ويردون سلامي وانك حجبت عن سمعي كلامهم وسلامهم
وفتحت سمعي بلذيذ مناجاتهم واني استلك استاذنك واستاذن رسولك وخلفائك
المفروض علي طاعتهم واستاذن الملائكة الموكلون بهذا المشهد الشريف
باذن الله واذن رسوله واذن خلفائه ادخل هذا البيت فكونوا ملائكة الله
اعواني وكونوا انصاري حتى ادخل وادعو الله بفنون الدعوات واعترف
لله بالعبودية والنبي والائمة بالطاعة ودر وقت داخل شدن بگوید
بسم الله وبالله وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه واله اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وان عليا ولي الله پس
رو بضریح مقدس پشت بقبله ایستاده زیارت بعد از آن نماز زیارت بگذارد
ودعا ومسئلت آنقدر که تواند برای خود والدین واقربا وسایر مومنان سعی
نماید ودر کتب مزار چنین گفته اند که نماز در بالای سر باید گذارد تا آنکه در توقیعات
از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه کسی پرسید که نماز در چه موضع بگذاریم
فرمود پیش روی قبر یا بالای سر و پایین پا نشاید ایستاد که پیش روی امام و پهلوی
او نتوان ایستاد بلکه در پشت قبر نماز کنید وذکر زیارت نامهای ایشان
علیهم السلام به تفصیل از حوصله این رساله بیرون و کتب مزار بآن مشحون است لیکن
بجهة آنکه این رساله از فضل ذکر آن بیکباره محروم نباشد بروایت مختصری
از آن مشرف شود بزیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم که مرویست از حضرت
امام رضا علیه السلام السلام علیک یا رسول الله السلام علیک یا حبیب الله
السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک یا امین الله السلام علیک یا

حجة الله

حجة الله اشهد انك قد نصحت لامتك وجاهدت في سبيل الله وعبدته
مخلصا حتى اتيك اليقين فجزاك الله افضل ما جزى نبيا عن امته اللهم
صل على محمد وال محمد افضل ما صليت على ابراهيم وال ابراهيم انك
حميد مجيد ومرويست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که بعد از آن که
سلام کردی در بالای سر مبارک دوش چپ بقبر مقدس داده رو بقبله بگوی
اشهد ان لا اله الا الله لا شريك له واشهد انك رسول الله وانك
محمد بن عبد الله واشهد انك قد بلغت رسالات ربك ونصحت
لامتك وجاهدت في سبيل الله وعبدت الله مخلصا حتى اتيك اليقين
بالحكمة والموعظة الحسنة واديت الذي عليك من الحق ورؤفت
بالمؤمنين وغلظت على الكافرين فبلغ الله بك افضل شرف محل المكرمين
الحمد لله الذي استنقذنا بك من الشرك والضلالة اللهم فاجعل
صلواتك وصلوة ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين وعبادك الصالحين
واهل السموات والارضين ومن سبح لك يا رب العالمين من الاولين
والاخرين على محمد عبدك ورسولك ونبيك وامينك ونجيك وحبيبك
وصفيك وخاصتك وصفوتك وخيرتك من خلقك اللهم و
اعطه الدرجة الرفيعة واته الوسيلة من الجنة وابعثه مقاما محمودا
يغبطه به الاولون والاخرون اللهم انك قلت ولو انهم اذ ظلموا انفسهم
جاؤك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا
رحيما الهي فقد اتيت نبيك مستغفرا تائبا من ذنوبي فصل على

على محمد وآل محمد واغفرها يا سيدى اتوجه بك وبآل بيتك الى الله تعالى
ربك وربى ليغفر لى ذنوبى بعد از ان پناه به قبر مقدس برده از روى
خضوع واعتماد بر ان وپشت كرمى بآن پشت بقبر داده روى بقبله بگويد اللهم
اليك الجات امرى وبقبر نبيك اسندت ظهرى والقبلة التى رضيتها
لمحمد صلى الله عليه وآله استقبلت وجهى اللهم لا ابتدئك اسمى ولا تغير
جسمى ولا تبتدل لى عزى اصبحت وامسيت لا املك لنفسى خير ما ارجو
ولا اصرف عنها شر ما احذر الا بك وحدك لا شريك لك اللهم زدنى
منك بخير فانه لا راد لقضائك اللهم زينى بك بالتقوى وجملنى
بالعافية واكرمنى بالنعم وارزقنى شكر العافية انك على كل شىء
قدير هر حاجت كه داشته باشد در ين موضع طلب كند كه انشاء الله تعالى مقرون
كن باجابت اين مكان است زيارت حضرت امير المومنين صلوات الله
عليه بگويد السلام عليك يا امير المومنين اشهد انك جاهدت فى الله حق جهاده
وعملت بكتابه واتبعت سنن نبيه صلى الله عليه وآله حتى دعاك الله
الى جواره وقبضك اليه باختياره والزم اعدائك الحجة مع ما لك من
الحجج البالغة على جميع خلقه اللهم فاجعل نفسى مطمئنة بقدرك راضية
بقضائك مولعة بذكرك ودعائك محبة لصفوة اوليائك محبوبة
فى ارضك وسمائك صابرة على نزول بلائك مشتاقة الى فرحة
لقائك متزودة التقوى ليوم جزائك مستنة بسنن اوليائك
مفارقة لاخلاق اعدائك مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك بعد از ان

روبر

روبر قبر مقدس گذاشته بگويد اللهم ان قلوب المخبتين اليك والهة
وسبل الراغبين اليك شارعة واعلام القاصدين اليك واضحة و
افئدة العارفين منك فازعة واصوات الداعين اليك صاعدة و
ابواب السماء للاجابة لهم مفتحة ودعوة من ناجاك مستجابة
وتوبة من اناب اليك مقبولة وعبرة من بكى من خوفك مرحومة
والاغاثة لمن استغاث بك موجودة والاعانة لمن استعان بك
مبذولة وعداتك لعبادك منجزة وزلل من استقالك مقالة
واعمال العاملين لديك محفوظة وارزاقك الى الخلائق من
لدنك نازلة وعوائد المزيد اليهم واصلة وذنوب المستغفرين مغفورة
وحوائج خلقك عندك مقضية وجوائز السائلين عندك موفرة
موفرة وعوائد المزيد متواترة وموائد المستطعمين معدة ومناهل
الظماء مترعة اللهم فاستجب دعائى واقبل ثنائى واجمع بينى وبين اوليائى
بحق محمد وعلى وفاطمة والحسن والحسين انك ولى نعمائى
ومنتهى منائى وغاية رجائى فى منقلبى ومثواى حضرت امام محمد باقر
عليه السلام با يكى ديگر از ائمه عليهم السلام باين طريق زيارت كنند يا رتش را در حقيقت
از نور گذارند وخداى تعالى از آنجا ما محمد صلى الله عليه وآله مختوم ساز دو بحضرت
قايم عليه السلام سپارد تا وقتى كه با تحيت وكرامت وبشارت بصاحبش رسانند
وبيا يد دانست كه اگر باين طريقه يكى ديگر از ائمه عليهم السلام زيارت كند بجاى لفظ
امير المومنين نام آن امام را بايد گفت ودر همين ضريح مقدس حضرت آدم

زيارت

السلام عليك يا امين الله فى ارضه وحجته على عباده

و نوح علیهم السلام را نیز زیارت کند و در زیارت حضرت آدم علیه السلام
بگوید السلام علیک یا صفی الله السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا نبی
الله السلام علیک یا امین الله السلام علیک یا خلیفة الله فی ارضه السلام
علیک یا ابا البشر آدم صلوات الله علیک و علی روحک و علی بدنک
و علی الطاهرین من ولدک و ذریتک صلوة لا یحصیها الا هو
و رحمة الله و برکاته و در زیارت نوح علیه السلام بگوید السلام علیک
یا نبی الله السلام علیک یا نجی الله السلام علیک یا ولی الله السلام علیک
یا نجی الله السلام علیک یا ولی الله السلام علیک یا امین الله فی ارضه صلوات
الله و سلامه علیک و علی روحک و بدنک و علی الطاهرین من ولدک
و رحمة الله و برکاته زیارت فاطمه علیها السلام السلام علیک یا بنت رسول الله
السلام علیک یا بنت نبی الله السلام علیک یا بنت حبیب الله السلام علیک
یا بنت خلیل الله السلام علیک یا بنت امین الله السلام علیک یا بنت
خیر خلق الله السلام علیک ایتها المعصومة المظلومة السلام علیک
ایتها المحدثة العلیمة و رحمة الله و برکاته اشهد الله و رسوله و ملائکته
انی راض عمن رضیت عنه ساخط علی من سخطت علیه متبری ممن تبرئت
منه موال لمن والیت معاد لمن عادیت مبغض لمن ابغضت محب
لمن احببت و کفی بالله شهیدا و حسیبا و جازیا و مثیبا زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام که در روضه مقدسه ایستاده بگوید السلام علیک یا وارث
آدم صفوة الله السلام علیک یا وارث نوح نبی الله السلام علیک

یا وارث

یا وارث عیسی روح الله السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام
علیک یا وارث موسی نجی الله السلام علیک یا وارث سید رسل الله السلام
علیک یا وارث علی امیر المؤمنین و خیر الوصیین السلام علیک یا وارث
الحسن الزکی الطاهر الرضی المرضی السلام علیک ایها الوصی البار
التقی السلام علیک و علی الملائکة الحافین بک اشهد انک قد اقمت
الصلوة و آتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر
و عبدت الله خالصا مخلصا حتی اتاک الیقین و السلام علیک و رحمة الله
و برکاته بعد از آن بگوید لعن الله امة قتلتک و لعن الله امة ظلمتک
و لعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به یا مولای یا ابا عبد الله اشهد الله
و ملائکته و انبیائه و رسله انی بکم مؤمن و بایابکم موقن بشرایع
دینی و خواتیم عملی فصلوات الله علیکم و علی ارواحکم و علی اجسامکم
و علی شاهدکم و علی غائبکم و ظاهرکم و باطنکم و رحمة الله و برکاته
بعد از آن در پیش پای مبارک آن حضرت علی اکبر را زیارت کند و بگوید
السلام علیک یا بن رسول الله السلام علیک یا بن امیر المؤمنین السلام
علیک یا بن الحسین الشهید السلام علیک ایها الشهید المظلوم و لعن
الله امة قتلتک و لعن الله امة ظلمتک و لعن الله امة سمعت بذلک
فرضیت به بعد از آن شهدا را زیارت کند بگوید السلام علیکم یا اولیاء الله
و احبائه السلام علیکم یا اصفیاء الله و اودائه السلام علیکم یا انصار
دین الله و انصار نبیه و انصار امیر المؤمنین و انصار الحسن و الحسین

ودعا

طبتم وطابت الارض التی فیها دفنتم وفزتم فوزا عظیما فیا لیتنی کنت معکم
فافوز معکم وچون از نماز فارغ شود بزیارت عباس رفته بگوید السلام علیک
ایها العبد الصالح المطیع لله ولرسوله ولامیر المؤمنین والحسن والحسین
وعلیک السلام ورحمة الله وبرکاته وعلی روحک وبدنک اشهد
انک مضیت علی ما مضی علیه البدریون المجاهدون فی سبیل الله المناصحون
له فی جهاد الاعداء المبالغون فی نصرة اولیائه فجزاک الله افضل
واوفر جزاء لحق وفی ببیعته واستجاب له دعوته وحشرک مع النبیین
والصدیقین والشهداء والصالحین وحسن اولئک رفیقا و مرویست
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از کسی پرسید که هر روز زیارت امام حسین علیه السلام
می کنی گفت نه فرمود هر سال می کنی گفت گاهی می شود باز فرمود چه جفا می کنید
با حضرت چه شود اگر هر روز یک مرتبه زیارت آن حضرت کنید گفت خانه ما بسیار
دور است همیشه مقدور نیست فرمود بر بام خانه برای و بجانب راست نگاه کن
بعد از آن سر بآسمان بالا کن بعد از آن متوجه روضه مقدسه شده بگوی السلام
علیک یا ابا عبد الله السلام علیک ورحمة الله وبرکاته بیک حج و یک عمره
برای تو نوشته شود در زیارت جامعه که در همه مشاهد مقدسه مجزی بود مرویست
از حضرت امام رضا علیه السلام السلام علی اولیاء الله واصفیائه السلام
علی امناء الله واحبائه السلام علی انصار الله وخلفائه السلام علی محال
معرفة الله السلام علی معادن حکمة الله السلام علی ساکنی ذکر الله السلام علی
عباد الله المکرمین الذین لا یسبقونه بالقول وهم بامره یعملون السلام

علی مظاهر امر الله ونهیه السلام علی الادلاء علی الله السلام علی المستقرین
فی مرضات الله السلام علی المخلصین فی طاعة الله السلام علی الذین
من والاهم فقد والی الله ومن عاداهم فقد عادی الله ومن عرفهم
فقد عرف الله ومن جهلهم فقد جهل الله ومن اعتصم بهم فقد اعتصم
بالله ومن تخلی منهم فقد تخلی من الله اشهد الله انی حرب لمن حاربکم
وسلم لمن سالمکم مؤمن بما آمنتم به کافر بما کفرتم به محقق لما
حققتم مبطل لما ابطلتم مؤمن بسرکم وعلانیتکم مفوض فی
ذلک کله الیکم لعن الله عدوکم من الجن والانس وضاعف
علیهم العذاب الالیم وابرأ الی الله منهم والسلام علیکم ورحمة الله
وبرکاته در وداع هر یک از ایشان علیهم السلام بگوید السلام علیک یا مولای
السلام علیک یا حجة الله السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک
یا خالصة الله السلام علیک یا امین الله السلام علیک یا ولی الله
سلام مودع لا قال ولا سئم فان امض فلا عن ملالة وان اقم فلا عن
سوء ظن بما وعد الله الصابرین لا جعله الله یا مولای آخر العهد
منی لزیارتک ورزقنی العود الی مشهدک والمقام فی حرمک
وجعلنی معکم فی الدنیا والآخرة

فصل هشتم

در ثواب شرکت
در حج و عمره و زیارت مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که کسی
برای دیگری از روی تبرع حج کند ثواب ده حج یابد و اگر اجرت بگیرد حج کند
نه حج از او باشد و یک حج از صاحب مال و در روایت دیگر آمده که گناه او

ووالدین واولاد وبرادر وخواهر وعم وعمه وخال وخاله اش همه آمرزیده شود

ونیز مرویست که اگر هزار کس را در حج با خود شریک کنی هر یک از ایشان را ثواب حجی باشد

بی آنکه از حج تو چیزی کم شود وترا ثواب این احسان علیحده باشد وهمچنین است

اگر زیارت را تبرع کند باکسی را شریک کرداند وبعد از فراغ از حج یا زیارت بگوید

اَللّٰهُمَّ اَشْرِكْ فِي حَجَّتِي وَنُسُكِي وَصَلَوٰتِي واگر زیارت باشد بگوید فی زیارتی

وَاَبِي وَاُمِّي وَفُلَانًا وَفُلَانًا وهر کرا خواهد نام ببرد وجمیع اَهْلِ بَلَدِي حُرِّهِمْ

وَعَبْدِهِمْ وَاَبْيَضِهِمْ وَاَسْوَدِهِمْ وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ واگر نیابت حج یا طواف کند

بگوید اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ حَجَّتِي يا طَوَافِي وَصَلَوٰتِي عَنْ فُلَانٍ وَفُلَانٍ هر کرا خواهد

واگر زیارت بنیابت کند بعد از فراغ از کارهای خود بگوید اَلسَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ مِنْ اَبِي وَاُمِّي هر کرا خواهد پس هر یک از ایشان اگر گوید

کسی برای تو حج یا طواف ونماز وزیارت کردم راست گفته باشد فصل

نهم در فضایل اماکن مقدسه که در انجا بوده واقع است مرویست

از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که هر کس نظر بر کعبه کند وحق ما را بشناسد

چنانکه حق کعبه را می شناسد گناهانش آمرزیده شود ومهمات دنیا و

آخرتش کفایت شود وما دامی که نظرش بر کعبه باشد حسنه برایش بنویسند

وسیئه محو کنند وخدای تعالی را در حوالی کعبه صد وبیست رحمت است شصت

از طواف کنندگان وچهل از نماز گذاران وبیست از نگاه کنندگان وهر کس

در یکی از حرمین بمیرد از اهوال قیامت ایمن باشد واگر در ما بین حرمین بمیرد

دیوان حساب برایش گشوده نشود واگر در حرم کعبه بمیرد از فزع اکبر ایمن باشد

وبدانکه ثانیا

ویک سبحان الله گفتن در مکه افضل است از خراج تمام عراق که در راه

خدا صرف کنند وهر کس در مکه ختم قران کند از دنیا نرود تا جای خود را

در بهشت به بیند وچیزی خوردن در مکه مثل روزه است در جای

دیگر ویک روز روزه در آنجا مثل یکسال روزه است در جای دیگر

وخواب کردن در انجا مثل عبادت است در جای دیگر وهر کس یکسال مجاور مکه شود گناهان او

واهل بیتش وهر کس برای او استغفار کرده وقبیله اش وهمسایگانش آمرزیده شود

وهر که در انجا سجده کند چنانست که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد ویکنماز

در انجا برابرست با صد هزار نماز ویکدرهم صدقه برابرست با صد هزار درهم و

هر کس یکنماز فریضه در انجا گذارد نمازهای گذشته وآینده اش تا وقت اجل قبول

شود وهر چند بخانه کعبه نزدیکتر باشد افضل است ودر مسجد منی صد نبی ودر روایت

دیگر هزار نبی نماز گذارده هر کس در انجا صد رکعت نماز کند برابرست با هفتاد ساله

عبادت وصد تسبیح در انجا برابرست با عتق رقبه وصد تکبیر با احیا نسمه وصد تحمید با خراج

عراقین که در راه خدا صدقه دهند ویک نماز در مسجد رسول الله صلی الله علیه وآله در مدینه

برابرست با ده هزار نماز ویک درهم صدقه با ده هزار درهم ودو رکعت نماز در مسجد

قبا برابرست بیک عمره وکوفه حرم امیر المؤمنین است وقبور انبیا ومرسلین واولیا

ومؤمنین در انجا بسیارست ودر مسجد اعظم کوفه هزار نبی وهزار وصی نماز گذارده

وحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله در شب معراج در ان مسجد نماز گذارده یک نماز فریضه

در انجا برابرست با هزار نماز ویک حج ونافله در آنجا برابرست با پانصد نماز

ویک عمره ونشستن در انجا بی ذکر وتلاوت عبادت است ودر مسجد سهله هر نبی ووصی

نماز کرده و خانهٔ حضرت ابراهیم و ادریس علیهما السلام در آن مسجد است و در آن مسجد
سنگی است که طینت همه انبیا را از آنجا برداشته‌اند و حجر عسکبی که در آن مسجد در میان شام و
خفتن دو رکعت نماز گذارد و دعا کند حق تعالی او را از غم نجات دهد **فصل**
دهم در فضایل زیارت ذریت طیبین و صلحای مؤمنین مرویست
از اهل بیت علیهم السلام که هر کس امامزاده عبد العظیم را در ری زیارت کند چنانست
که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده باشد و هر کس فاطمه بنت موسی الکاظم را علیهما السلام
در قم زیارت کند بهشت او را واجب شود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس
قادر بر زیارت ما نباشد صلحای شیعهٔ ما را زیارت کند تا ثواب زیارت ما یابد
و مخفی نماند که بسیار احادیث که در فضل زیارت مؤمنان در باب اول
این کتاب گذشت اعم است از ایام حیوة و بعد از وفات و آداب زیارت
مؤمنان بعد از این ان شاء الله بیاید **باب دوازدهم** در احکام متعلق
باموات و زیارت قبور مؤمنان بعد از وفات و این مجموع ان شاء الله در ده
فصل بیان شود **فصل اول** در وصیت و صحیفه شهادت مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که وصیت حقی است لازم بر هر مسلم و هر کس هر چه وصیت
کند بنحوی که ظلم و جور و ضرر به ورثه نرساند چنان است که در حیوة خود تصدق کرده
باشد و هر کس را مالی باشد و برای خویشانی که میراث نمی‌برند چیزی وصیت نکند عاقبت عمل او
بمعصیت ختم شود و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمود که هر کس در وقت وفات وصیت را خوب نکند مروت و عقلش ناقص
باشد پرسیدند که وصیت چون باید کرد فرمود چون حالت موت را مشاهده

کند

کند و مردم جمع شوند بگوید اللهم فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة
الرحمن الرحيم اللهم اني اعهد اليك في دار الدنيا باني اشهد ان لا اله الا
انت وحدك لا شريك لك وان محمدا عبدك ورسولك صلى الله عليه
وآله وان الجنة حق والنار حق وان البعث حق والحساب حق والقدر
حق والميزان حق وان الدين كما وصفت وان الاسلام كما شرعت
وان القول كما حدثت وان القرآن كما انزلت وانك انت الله
الحق المبين جزى الله محمدا عنا خير الجزاء وحيا الله محمدا وآل محمد
بالسلام اللهم يا عدتي عند كربتي ويا صاحبي عند شدتي ويا ولي
نعمتي الهي واله آبائي لا تكلني الى نفسي طرفة عين ابدا فانك ان تكلني
الى نفسي طرفة عين كنت اقرب من الشر وابعد من الخير وآنس في القبر
وحشتي واجعل لي عهدا يوم القاك منشورا بعد از آن هر وصیت
که خواهد بکند اما صحیفه شهادت شیخ طوسی رحمه الله در مصباح ذکر نموده
که اول آنکس بگوید بسم الله الرحمن الرحيم اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله صلى الله عليه وآله وان
الجنة حق وان النار حق وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله
يبعث من في القبور بعد از آن این را بنویسد بسم الله الرحمن الرحيم شهد
الشهود المسمون في هذا الكتاب ان اخاهم في الله فلان بن فلان اشهدهم
واستودعهم واقر عندهم انه يشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك
له وان محمدا عبده ورسوله صلى الله عليه وآله وان عليا ولي الله

وامامه وان الائمة من ولده ائمته وان اولهم الحسن والحسین وعلی
بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن
موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والقائم الحجة
علیهم السلام وان الجنة حق وان النار حق والساعة اتیة لا ریب
فیها وان الله یبعث من فی القبور وان محمدا صلی الله علیه واله رسوله
جاء بالحق وان علیا ولی الله والخلیفة من بعد رسول الله ومستخلفه
فی امته مؤدیا لامر ربه تبارک وتعالی وان فاطمة بنت رسول الله و
ابنیها الحسن والحسین ابنا رسول الله وسبطاه اماما الهدی وقائدا
الرحمة وان علیا ومحمدا وجعفرا وموسی وعلیا ومحمدا وعلیا
والحجة علیهم السلام ائمة وقادة ودعاة الی الله جل وعز و
حجة علی عباده بعد از ان بکوید تا جماعت شهادت خود را بنویسند
بعد از ان شهود بکویند نستودعک الله والشهادة والاقرار و
الاخاء مودوعة عند رسول الله صلی الله علیه واله ونقرء علیک
السلام ورحمة الله وبرکاته ثم بعد از ان صحیفه را سجده شهود همه
مهر خود و مهر میت را نیز بران کذارند و با جریده که در پهلوی راستش
کذارند و صحیفه را باکافور بنویسند و اکر با تربت مقدس نویسند چنانکه
درین زمان متعارف است تواند بود که افضل باشد فصل دوم
در اداب حالت احتضار و فضایل بعضی اوقات واحوال که وفات
در ان اتفاق افتد مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در حالت

احتضار

احتضار میت کلمات فرج و شهادتین و اقرار بائمه طاهرین علیهم السلام
تلقین کنید و اکر میت پرستی باین اقرار کند اتش دوزخ هیچ طمع نکند و میت
نجات یابد و هر کس اخر کلامش لا اله الا الله باشد از اهل بهشت و نیز این
دعا را تلقین کنند و مکرر بکوید که کناهانش امرزیده یا من یقبل الیسیر وا
عف عن الکثیر انک انت العفو الغفور و مرویست که اکر سوره یس در پیش
بیمار بخوانند بعدد هر حرفی از ان ده ملک حاضر شوند که برایش استغفار
کنند و تشییع جنازه اش نمایند و برو نماز کذارند و چون حالش متغیر
شود پیش از انکه قبض روحش شود رو بقبله اش بخوابانند چنانکه کف پا
بجانب قبله باشد که چون چنین کنند خدای تعالی برحمت متوجه او شود و
ملایکه متوجه شوند تا انکه قبض روحش شود و اکر نزع روحش دشوار شود بر
نمازش که در ان می کذارد ببرده بخوابانند زود خلاص شود و نیز مرویست
که درین حال پیش هیچ کس سوره صافات بخوانند مکر انکه زود نجات
یابد و در وقت احتضار جنب و حایض حاضر نباشد که ملایکه متاذی
شوند و چون قبض روحش شود دستهایش را دراز کنند و دهنش را
ببندند و چشمش را بپوشند و در وقت چشم پوشیدن بکویند اللهم
اغفر لفلان وارفع درجته فی المهدیین واخلفه فی عقبه
فی الغابرین واغفر لنا وله یا رب العالمین و بازماندکانش
بکویند اللهم اغفر لی وله واعقبنی منه عقبی حسنة و میت را تنها
نکذارند که شیطان درو تصرف کند و مرویست از امیر المومنین صلوات الله

علیه که چون مؤمن روز پنجشنبه بعد از ظهر تا روز جمعه وقت ظهر بمیرد از فشار قبر
ایمن شود و شفاعت او شفیع برای گناهکاران بعدد قبیلهٔ ربیعه و مضر مقبول باشد
و اگر روز شنبه بمیرد خدای تعالی هرگز او را با یهودی در آتش جمع نکند و اگر روز
دوشنبه بمیرد او را با بنی امیه جمع نکند و اگر سه شنبه بمیرد با ما محشور شود و در رفیق
اعلا با ما باشد و اگر روز چهارشنبه بمیرد از روز قیامت ایمن و محفوظ باشد و
بسعادت جوار الهی فایز گردد و در دار فضل خدا مقام کند که از هر مشقت
و تعب ایمن باشد بعد از آن فرمود مؤمن در هر حال و در هر ساعت که بمیرد صدیق
و شهید باشد و اگر مؤمن گناه تمام اهل زمین داشته باشد چون از دنیا برود
همین مردن کفارهٔ همه آن باشد و نیز فرمود که از حبیب خود رسول الله شنیدم
که فرمود هر کس که لا اله الا الله با اخلاص بگوید از شرک بری باشد داخل بهشت شود
و این جماعت شیعیان و دوستان تواند که روز قیامت لا اله الا الله محمد
رسول الله علی بن ابی طالب حجة الله گویان از قبر بیرون آیند پس حلّه‌ها
و تاجها و اکلیلها و اسبهای نجیب از بهشت آرند و هر یک از ایشان را حلّه
پوشند و تاج شاهی و اکلیل کرامت بر سر ایشان نهند و بر اسبها سوار شده داخل
شوند و از فزع اکبر ایمن باشند و ملایکه فوج فوج آیند مژده و بشارت دهند
و ایضا حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود من برای شش کس ضامن
بهشت شوم کسی که صدقه برای مسکینی برد و بمیرد و کسی که بعیادت مریضی رود و بمیرد
و کسی که در راه خدا بجهاد رود و بمیرد و کسی که بنماز جمعه بیرون رود و بمیرد
و کسی که بحج بیرون رود و بمیرد و کسی که بتشییع جنازه بیرون رود و بمیرد و حضرت

امام محمد باقر

امام محمد باقر علیه السلام فرمود کسی را که عمرش بلا اله الا الله یا بیک روز روزه
یا بصدقه ختم شود داخل بهشت شود و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
چون مؤمنی در غربت بمیرد که زنان و عیالش حاضر نباشند که بر او گریه کنند
مواضعی که در آنجا عبادت کرده و درهای آسمان که اعمالش بالا میرفت و فرشتگان
که بر او موکل بودند بر او گریه کنند و هم آنحضرت علیه السلام فرمود چون غریب
بحال موت نزدیک شود بجانب چپ و راست نگاه کند و کسی را نبیند پس بالا کند
خدای تعالی فرماید که امی جوئی که برای تو بهتر از من باشد بعزت و جلال
خودم که اگر از این عقده نجات دهم بطاعت خود فرستم و اگر قبض روحت نمایم
بکرامت خود برم **فصل سیم** در تجهیز میت مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که اکرام میت اینست که زود دفنش کنند و انتظار طلوع و غروب آفتاب
نکشند و هر کس مؤمنی را غسل دهد و در وقت بگوید اللّهمّ هذا بدن
عبدک المؤمن وقد اخرجت روحه منه وفرّقت بینهما فعفوک عفوک
یکساله گناهش غیر کبایر آمرزیده شود و اگر خواهد همین تنها بگوید عفوک
عفوک خدای تعالی از او عفو فرماید و نیز مرویست که هر کس مؤمنی را دهد
و عیوبی که از او بیند پنهان دارد و بکسی نگوید از گناه پاک شود چنانکه از مادر
متولد شده و هر مویی از او ثواب عتق رقبه یابد و صد درجه برایش بلند شود
و اگر عیوبش را پنهان ندارد اجرش باطل شود و عیوبش در دنیا و آخرت
رسوا شود و هر کس مؤمنی را کفن کند چنانست که تا روز قیامت او را
کسوه داده باشد و هر کس قبر برای مؤمنی بکند چنانست که تا روز

قیامت او را خانهٔ مناسبی داده باشد و خدای تعالی جسد وی را بر آتش حرام کند و خاتم
در بهشت عطا فرماید و کفن هر چند قیمتی‌تر باشد افضل است که زینت میّت است
و اگر جامه باشد که در آن نماز گذارده یا عبادتی کرده افضل است و اگر کسی در حیوة
خود تهیهٔ کفن برای خود کند هر مرتبه که نظر بر وی اندازد اجر یابد و جریده از چوب
تر با میّت بگذارند اگر نخل خرما باشد افضل است و اگر نه چوب انار و اگر نه هر چوب
که باشد و مرویست که تا رطوبت در جریده باقیست عذاب و حساب از میّت دفع
شود و نیز مرویست که عذاب و حساب همه در یک ساعت باشد که میّت داخل قبر شود
و مردم متفرق شوند پس چون جریده با میّت باشد از عذاب بالکلیه ایمن باشد

فصل چهارم در شنیدن خبر وفات و دیدن جنازه و تشییع و تربیع

مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون خبر وفات کسی بشنود بگوید انا لله
و انا الیه راجعون اللهم اکتبه فی المحسنین واجعل کتابه فی علیین و
اخلف علی عقبه فی الغابرین اللهم لا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده واغفر
لنا وله و چون جنازه بیند بگوید الله اکبر هذا ما وعدنا الله و رسوله وصدق
الله و رسوله اللهم زدنا ایمانا وتسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة وقهر
العباد بالموت هیچ فرشته در آسمان نماند مگر آنکه از آواز او بگویند و ایضا چون
جنازه بیند بگوید الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم و هر که جنازه
از چهار جانب بگیرد چهل کبیره از او آمرزیده شود و روایت دیگر آمده که هر کس
یک پایهٔ جنازه را بگیرد بیست و پنج کبیره از او آمرزیده شود و اگر هر چهار طرف را بگیرد
از گناه پاک شود چنانکه از مادر متولد شده و در وقت گرفتن بگوید بسم الله

وصلی الله

وصلی الله علی محمد و آله اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات و اول جانب
تابوت را با دوش راست خود بگیرد و همچنین به ترتیب از پیش تابوت رود
تا جانب راست تابوت را با دوش چپ خود بگیرد و چون میّت داخل قبر شود ملکی
ندا کند که اول تحفهٔ تو بهشت است و اول تحفهٔ جمعی که با جنازهٔ تو آمده‌اند مغفرت
گناهان ایشان و هر کس تشییع جنازه کند چهار قیراط ثواب برایش نویسند یکی برای
رفاقت و یکی برای نماز و یکی برای انتظار تا وقت فارغ شدن و یکی برای
تعزیه و روایت دیگر آمده که هر کس تشییع جنازه کند و صبر کند تا دفن کنند
و خاک بر وی ریزند بهر گامی که آمده یک قیراط ثواب نویسند که هر قیراط مثل کوه احد
باشد و هفتاد ملک بر وی موکل باشد که تشییع او کنند و برایش استغفار کنند
تا روز قیامت **فصل پنجم** در نماز میّت مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که اموات خود را از اماکن بد دور کنند و مکان شریف را برای قبر اختیار نمایید همسایهٔ
خوب چنانکه در دنیا که نفع میرساند بعد از آن نیز نفع میرساند و مرویست که میّت را
یکمرتبه داخل قبر نکنند بلکه دو سه ذراع دورتر از قبر ساعتی بگذارند که مهیای جواب
و سؤال بگردد و کسی که درون قبر میرود با میّت نامحرم نباشد و سر و پا برهنه کند
و بندهای جامه بگشاید و میّت را اگر مرد باشد از جانب پای قبر داخل کنند و سر او را
مقدم دارند و اگر زن باشد از پهلوی قبر بعرض داخل کنند و کسی که داخل قبر شود
وقت داخل شدن بگوید بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله
اللهم الی رحمتک لا الی عذابک اللهم افسح له فی قبره ولقنه حجته وثبته
بالقول الثابت وقنا وایاه عذاب القبر استعاذه کند والحمد [illegible]

هو الله

ومعوذتين وآية الكرسي بخوانند وچون در قبر بگذارد بگويد بسم الله وفي سبيل الله
وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه وآله اللهم يا رب عبدك وابن عبدك نزل
بك وانت خير منزول به اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان
مسيئا فتجاوز عنه والحقه بنبيه محمد صلواتك عليه وآله وصالح شيعته
واهدنا واياه الى صراط مستقيم اللهم عفوك عفوك اللهم اجعلها روضة
من رياض الجنة ولا تجعلها حفرة من حفر النيران ومكرر براى ميت استغفار
كند وميت را در لحد بر پهلوى راست بخوابانند وبند كفن از سر وپا بگشايد
وروى راستش را برهنه كرده بر خاك گذارد وقدرى تربت مقدس با او
گذارد بعد از آن دست چپ بر بازوى چپ ميت گذاشته حركت شديد دهد وبگويد
اى فلان چون از تو سؤال كنند بگوى الله ربي ومحمد نبيي والاسلام ديني
والقرآن كتابي وعلي امامي والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر
وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة القائم ائمتي وبگرد اين
دگر همين را اعاده كند بعد از آن بگويد دانستى او بزبان روح خواهد
گفت بلى پس بگويد ثبتك الله بالقول الثابت هداك الله الى صراط
مستقيم عرف الله بينك وبين اوليائك في مستقر من رحمته بعد از آن
بگويد اللهم جاف الارض عن جنبيه واصعد بروحه اليك ولقه
منك برهانا اللهم عفوك عفوك ودر وقت خشت چيدن بگويد
اللهم صل وحدته وآنس وحشته واسكن اليه من رحمتك
رحمة تغنيه بها عن رحمة من سواك وچون خواهد بيرون آيد بگويد

انا لله

انا لله وانا اليه راجعون والحمد لله رب العالمين اللهم ارفع درجته
في اعلى عليين واخلف على عقبه في الغابرين يا رب العالمين واز طرف
پاى قبر بيرون آيد وچون خاك بر قبر ريزند هر كس قدرى خاك در دست
گرفته بگويد ايمانا بك وتصديقا ببعثك هذا ما وعدنا الله ورسوله
اللهم زدنا ايمانا وتسليما بعد از آن خاك بو يز هر ذره حسنه برايش
نويسند ومستحب است سر قبر وبا پشت دست ريختن وخويشان خاك
نريزند كه موجب قساوت قلب شود وغير از آن خاك كه از همان قبر بيرون آمده
داخل نكنند كه بر ميت سنگين شود وقبر را بقدر چهار انگشت از زمين بلند
كنند ومربع بسازند وآب بر وى بريزند ابتدا از پيش سر از جانب قبله كنند
واز پيش رو بگردانند تا از زير پا بدرود بگردد بعد از آن بر ميان قبر بريزد
تا نمى از آن باقى باشد وعذاب قبر ايمن باشد بعد از آن دست بر قبر گذارند و
چنانكه انگشتان گشوده باشد ودر خاك فرو برند وبگويند اللهم آنس و
حشته وارحم غربته وآمن روعته وصل وحدته واسكن اليه من
رحمتك رحمة يستغني بها عن رحمة من سواك واحشره مع من كان
يتولاه وحضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمود چه شود اگر اهل ميت
ملاقات منكر ونكير را از ميت خود دفع كنند كسى پرسيد چون كنند فرمود بعد از
دفن كردن كه مردم همه متفرق شوند كسى كه اولى بميت باشد دهن بپيش سر ميت
برده باواز بلند بگويند يا فلان بن فلان هل انت على العهد الذي فا
رقتنا عليه من شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ سَیِّدُ النَّبِیِّینَ وَاَنَّ عَلِیًّا اَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَسَیِّدُ الْوَصِیِّینَ وَاَنَّ
مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ الْحَقُّ وَاَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَاَنَّ الْبَعْثَ حَقٌّ
وَاَنَّ السَّاعَةَ آتِیَةٌ لَا رَیْبَ فِیهَا وَاَنَّ اللهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ
که چون این را بگویند منکر و نکیر گویند بیا برویم که تلقینش کردند **فصل
هفتم** در ثواب آداب مصیبت و عزا مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که چون کسی را مصیبتی رسد باید مصیبت رحلت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله را یاد کند که عظیمترین مصیبتها است و صبر کند و استرجاع کند یعنی بگوید
اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ و حمد خدا کند که چون چنین کند رضای بقضای
خدا داده و ثوابش بر خدا باشد و اگر صبر نکند قضا خود گذشته باشد و اجرش باطل
شود و در پیش خدا مذموم و هر کس در بلا و مصیبت صبر کند خدای تعالی سیصد
درجه برایش بلند کرده اند که میان هر دو درجه مثل ما بین آسمان و زمین باشد
و چون صبر کند و اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ گوید خدای تعالی فرماید صلوات
و رحمت بر او فرستم و از زمره هدایت یافتگان شمارم و گناهانش همه بیامرزم
غیر از کبایر و اگر این عبارت را نیز اضافه کند اَللّٰهُمَّ اْجُرْنِی عَلَی مُصِیبَتِی وَاخْلُفْ عَلَیَّ
خَیْرًا مِنْهَا خدای تعالی بهتر از آن عطا فرماید و هر مرتبه که مصیبتی بیاد آید اگرچه
بعد از مدتی باشد بگوید اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ
اَللّٰهُمَّ اْجُرْنِی عَلَی مُصِیبَتِی وَاخْلُفْ عَلَیَّ اَفْضَلَ مِنْهَا همان اجر مصیبت داشته
باشد و از مرتبه پیشتر از این که گفته باشد تا حال همه گناهانش آمرزیده شود و مرویست
که چون فرزند کسی بمیرد خدای تعالی از ملائکه بپرسد که از بنده من فرزند دلبندش را

گرفتید

گرفتید گویند بلی فرماید چه گفت گویند استرجاع و حمد کرد فرماید که در
بهشت خانه برایش بنا کنید و خانه را حمد نام کنید و نیز مرویست که یک فرزند
که پیشتر از وی بمیرد بهتر است برای او از هفتاد پسر که بمانند و همه در راه خدا
جهاد کنند و نیز مرویست که خدای تعالی کریمتر از آنست که فرزند مؤمن را
از وی بگیرد و بعد از آن هرگز او را عذاب کند و اطفال که پیشتر بروند والدین را
از دوزخ دور کنند و دست ایشان گرفته داخل بهشت کنند کسی پرسید که اگر
کسی را فرزند نباشد از این فضل محروم خواهد بود فرمود برادران
مؤمن هم بجای فرزند حساب کنند و مرویست که اگر مردی در مصیبت دست
بر زانو زند یا کسی که هنگامه نوحه ساز کند اجرش باطل شود **فصل هشتم**
در ثواب آداب تعزیه و اکرام یتیم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که کسی را تعزیه
کردن مثل اجر و تسلی دادن مورث بهشت است و هر کس صاحب مصیبتی را
و یا تعزیه کند مثل اجر او یابد بی آنکه از او چیزی کم شود و هر کس زن مصیبت
رسیده را تعزیه کند خدای تعالی او را در سایه عرش خود پناه دهد روزی که
قیامت است و در حله بهشت بپوشانند با زینت و بهجت تمام و مرویست که مردی
پسرش وفات کرده بود جزع و بیتابی میکرد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
به تعزیه او رفته فرمود خود را بمصیبت رسول الله صلی الله علیه و آله تسلی ده که اعظم
مصایب است گفت پسرم بلهو و معاصی بود جزع من از این جهت است فرمود
پسرت سه چیز در پیش دارد شهادت لا اله الا الله و رحمت الهی و عنایت خدا و
شفاعت رسول الله صلی الله علیه و آله یکی از آنها انشاء الله از او فوت نخواهد شد و

و مرویست که هر کس متکفّل احوال یتیمی شود تا نفقه و کار او را مستغنی کرداند بهشت
او را واجب و هر کس از روی ترحم دست بر سر یتیمی مالد بعدد هر مویی از آن حسنه
برایش نوشته شود و روز قیامت بعدد هر یک از آن مویی نوری عطا و چون
یتیم گریه کند عرش بر خود بلرزد پس خدای تعالی فرماید کیست که این بنده مرا
در کوچکی پدر و مادرش از و گرفته ام می گریاند بعزت و جلال و ارتفاع مکانم
که هر مؤمن که او را تسلّی دهد بهشت برای او واجب کردانم فصل نهم
در هدیه برای میّت و اعمالی که باو نفع رساند مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که هیچ شب بر میّت سختتر از شب اوّل نگذرد پس در شب اوّل بر میّت تصدّق
و رحم کنید و اگر مقدور نباشد دو رکعت گذارید در رکعت اوّل بعد از
حمد آیة الکرسی یک مرتبه و در دوم انّا انزلناه ده مرتبه بخوانید و بعد از سلام بگویید
اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد وابعث ثوابهما الی قبر فلان که همان ساعت خدای
تعالی هزار ملک بقبر او فرستد هر کدام با حلّه از بهشت و قبرش را وسیع کردانند
تا روز قیامت و برای کسی که این نماز گذارد چهل درجه بلند کردانند و بعدد
هر چه آفتاب بر و تابیده حسنات عطا فرماید و هر کس بقصد میّت تصدّقی
کند خدای تعالی امر فرماید که هزار ملک هر یک طبقی از نور در دست بقبر
او در آیند و بر و سلام کنند و گویند این هدیه فلانیست که برای تو فرستاده
و آن کس را در بهشت هزار شهر و هزار حوری و هزار حلّه عطا فرماید و هزار
حاجتش را برآرد و هر کس برای میّت عملی خیر مثل نماز و روزه و حج و طواف
و زیارت و صدقه و دعا و عتق رقبه و تلاوت قرآن و غیر از هدیه کند

هر وقت

هر وقت که باشد خدای تعالی اجر او را ده برابر یا بیشتر مضاعف کردانند و میّت را
از آن نفع رساند و عذابش را تخفیف دهد اگر چه کافر باشد و گاه باشد که میّت
در تنگنای عذاب باشد که خدای تعالی او را از آن نجات دهد و باو گویند
این نجات بسبب هدیه فلانیست و میّت از هدیه و دعا و استغفاری
که برایش کنند خوشحال شود و چند کس را بلکه همه مؤمنان را در یک نماز
یا حج یا غیر آن شریک توان کرد و بهر کدام ثواب آن عمل علیحده رسد و میّت
خود هر عملی خیر کرده را تا حیوة کرده باشد مثل تصنیفی و صدقه و کتابت
و مصحفی یا کتابی یا درختی بنشاند یا چاهی بکند یا کسی را تعلیم چیزی یا هدایت
و دلالت بچیزی یا غیر آن شریک توان کرد و بهر کدام ثواب آن عمل علیحده
از اعمال خیر کند تا اثری از آن باقی باشد نفعش باو رسد و هر کس بتعلیم و
دلالت او عمل کند مثل آن ثواب برای او ثابت باشد بی آنکه از صاحب
عمل چیزی کم شود و نیز مرویست که از جمله حقوق مؤمن اینست که بعد از
موت ذکرش بخیر کنند و عیوب و بدیهایش را پوشیده دارند و نیز مرویست
که اوّل صحیفه مؤمن همانست که بعد از موت برایش گویند اگر خیر است
خیر و اگر شر است شر فصل دهم در زیارت قبور مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که بزیارت قبور بروید که باعث رقّت قلب و اشک چشم و یاد
آخرت و چون کسی بزیارت قبور رود اهل قبور خبردار شوند و باو انس
گیرند شگفته و مسرور شوند چنانکه در زندگی بدیدنش روند و چون از اینجا
برود ایشان از وحشت رو دهد و مفارقت اثر کند و هر کس زیارت قبور والدین

یا یکی از ایشان در روز جمعه کند ثواب یک حج مقبول برایش نویسند و بعد از
زیارت و دعای والدین حاجتی که داشته باشد بخواهد که انشاء الله مستجاب
شود و چون خواهد بر اهل مقابر سلام کند بگوید السَّلامُ عَلی اَهلِ الدِّیارِ
مِنَ المُؤمِنینَ وَالمُسلِمینَ رَحِمَ اللهُ المُتَقَدِّمینَ وَالمُتَأَخِّرینَ وَاِنّا
اِن شاءَ اللهُ بِکُم لاحِقونَ و چون ایشان را دعا کند بگوید اللّهُمَّ جافِ الاَرضَ
عَن جُنوبِهِم وَصاعِد اِلَیکَ اَرواحَهُم وَلَقِّهِم مِنکَ رِضواناً وَ
اَسکِن اِلَیهِم مِن رَحمَتِکَ ما تَصِلُ بِهِ وَحدَتَهُم وَتُونِسُ بِهِ وَحشَتَهُم اِنَّکَ
عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ و اگر خواهد بگوید اللّهُمَّ ارحَم غُربَتَهُم وَصِل وَحدَتَهُم
وَآنِس وَحشَتَهُم وَآمِن رَوعَتَهُم وَاَسکِن اِلَیهِم مِن رَحمَتِکَ ما یَستَغنونَ
بِها عَن رَحمَةِ مَن سِواکَ وَاَلحِقهُم بِمَن کانوا یَتَوَلَّونَهُ و نیز مرویست
که هر کس بر اهل مقابر چنین سلام کند که السَّلامُ عَلی اَهلِ لا اِلهَ اِلّا اللهُ
مِن اَهلِ لا اِلهَ اِلّا اللهُ یا اَهلَ لا اِلهَ اِلّا اللهُ کَیفَ وَجَدتُم قَولَ لا اِلهَ اِلّا اللهُ
نَحنُ نَقولُ لا اِلهَ اِلّا اللهُ مِن لا اِلهَ اِلّا اللهُ بِحَقِّ لا اِلهَ اِلّا اللهُ اِغفِر لِمَن
قالَ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاحشُرنا فی زُمرَةِ مَن قالَ لا اِلهَ اِلّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ
خدای تعالی او را ثواب پنجاه سال عبادت عطا فرماید و پنجاه سال گناه تا او و والدین او را
عفو فرماید و هر کس داخل مقبره شود و بگوید اللّهُمَّ رَبَّ هذِهِ الاَرواحِ الفانِیَةِ وَ
الاَجسادِ البالِیَةِ وَالعِظامِ النَّخِرَةِ الَّتی خَرَجَت مِنَ الدُّنیا وَهِیَ بِکَ مُؤمِنَةٌ
اَدخِل عَلَیهِم رَوحاً مِنکَ وَسَلاماً مِنّی بعدد هر کس از زمان آدم تا روز
قیامت برایش حسنات و هر کس در مقبره مسلمین یک بار از قرآن بخواند خدای تعالی

ثواب هفتاد

ثواب هفتاد نبی او را عطا فرماید و هر کس برای اموات از خدا طلب رحمت کند از آتش
نجات یابد و خندان داخل بهشت شود و اگر در مقبره سوره یس بخواند بعدد
اهل آن مقبره برایش حسنات نویسند و عذاب اهل آن مقبره تخفیف دهند و اگر آیة الکرسی
بخواند و ثوابش را باهل قبور هدیه کند بعدد هر حرف از آن ملکی برای او تسبیح کند تا روز
و اگر زیاده مرتبه قل هو الله بخواند و ثوابش را باهل مقبره هدیه کند بعدد ایشان
ثواب و حسنات یابد و اگر در شب قبری گذارد و هفت مرتبه انا انزلناه بخواند
از فزع اکبر قیامت ایمن باشد و او و صاحب قبر هر دو آمرزیده شوند و خدای تعالی
ملکی را فرستد که در پیش آن قبر عبادت کند و ثوابش برای صاحب قبر نوشته شود
و چون از قبر بیرون آید و هیچ هول و خوفی نکند مگر آنکه خدای تعالی آن را
از او دفع کرده باشد تا آنکه داخل بهشت شود و مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله که فرمود اگر کسی بر اخگر آتش بنشیند و جامه اش بسوزد تا آتش بپوستش
برسد دوستر دارم که بر سر قبری بنشیند تا بر سر قبور راه رفتن و پا گذاشتن
قصوری ندارد و مرویست که چون داخل مقبره شوید بر قبور پا بگذارید که اگر
صاحب قبر مؤمن باشد راحت و اگر [illegible] یابد لیکن ظاهر اینست که قبور اکابر و والدین
و علما را رعایت ادب باید نمود و مرویست که حرمت مؤمن بعد از مردن مثل حرمت
اوست در زندگی **خاتمه** در مواعظ و نصایح و فواید متفرقه مرویست
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
در شب معراج از خدا با الهی سؤال نمود که خدایا کدام عمل در پیش تو افضلست
فرمود یا احمد هیچ چیز پیش من افضل از توکل و رضا بقسمت من نیست یا احمد

واجب است محبت من جمعی را که در طاعت من با هم دوستی کنند و در معصیت من
از هم دوری نمایند و بر من توکل کنند و محبت من علت و غایت و نهایت ندارد برای
دوستان خود هر علم عزت و قربت که در پیش خود بلند کنم علمی بازاء آن در پیش
خلق بپا کنم دایم ایشانند جمعی که حاجات خود را بمخلوقین نبرند بطونشان
از طعام خفیف است و لذت و نعمتشان در دنیا ذکر و محبت و رضای من یا احمد
اگر خواهی اورع ناس باشی در دنیا زاهد و باخرت راغب باش گفت خدایا در دنیا
چون زاهد و باخرت چون راغب باشم فرمود خود را از طعام و شراب و لباس
دنیا سبکبار دار و دل جمع و ذخیره دنیا مدار و از ذکر و یاد من غافل
مباش گفت دوام ذکر ترا چون تحصیل کنم فرمود بخلوت از ناس و بغض
ترش و شیرین دنیا و فراغ شکم و خانه از شاغل دنیا یا احمد بپرهیز از آنکه
اطفال هر سرخ و زرد که بینی میل کنی و هر ترش و شیرین که یابی فریفته شوی
گفت خدایا بعملی دلالت فرمای که بتو نزدیک شوم فرمود شب بی اغماض
بیدار دار و روز را بجوع بگذران یا احمد بعزت و جلال خودم که هیچ
کس برای من ضامن چهار چیز نشود مگر آنکه اهل بهشتش کردانم زبانش را
از لایعنی وا دارد و دلش را از خیالهای باطل بپرهیزد و بداند که من او را می‌بینم
و بداند و روشنی چشمش بجوع باشد اگر لذت و حلاوت گرسنگی و خاموشی
و خلوت و نتیجه آنرا دریابی هیچ چیز بران اختیار نکنی گفت نتیجه اینها چیست
فرمود حکمت و معرفت و حفظ دل از خیالهای باطل و نزدیکی خدا و زهد
در دنیا و حزن دایم و خفت مونت و کلام حق یا احمد سیاهی چه وقت

جزه بمن

بنده بمن نزدیک شود گفت فرمود وقتی که گرسنه یا در سجده باشد یا احمد عجب دارم
از سه کس کسی که در نماز ایستد و نداند که در پیش که ایستاده و باک در رضا جان و با این
حال خواب آلوده می‌باشد و کسی که قوت یکروزه دارد و فکر فردا می‌کند و کسی
که نمیداند که من از وی راضیم یا نه خنده می‌کند یا احمد در بهشت قصریست از لؤلؤ
که هیچ فصلی ندارد و خواص بندگان من در آن باشند هر روز هفتاد مرتبه بر ایشان
نظر کنیم و تکلم نمایم در هر نظر هفتاد برابر پادشاهی و قرب ایشان زیاده کنم و وقتی که
اهل جنت بطعام و شراب تلذذ و متنعم باشند ایشان محو لذت ذکر و مناجات
من باشند گفت ایشان کیانند فرمود آنانند که زبان از فضول کلام
و شکم از فضول طعام بسته‌اند یا احمد محبت با خدا محبت با فقراست و نزدیکی
با ایشان گفت فقرا کیانند فرمود آنانکه از دنیا بقلیلی راضی باشند در نعمت
شکور و در شدت صبور باشند و با کسی شکایت نکنند و دروغ نگویند
و بدنیا فرحناک و بفقدان غمناک نشوند یا احمد دوستی با من دوستی
با فقراست اگر خواهی بمن نزدیک شوی ایشانرا بخود نزدیک کن و اگر
خواهی از من دور باشی ایشانرا از خود دور گردان که ایشان دوستان
منند یا احمد خود را بلباسهای نازک و طعامهای لذیذ و بساطهای
نرم میارای که نفس ماوای هر شر و رفیق هر شور است اگرش بطاعت میخوانی
ترا بمعصیت میخواند در طاعت مخالفت و در معصیت موافقت می‌کند
اگر گرسنه شود شکوه کند و اگر سیر گردد سرکشی از سر گیرد و اگر فقیر شود غضبناک
شود و اگر مستغنی شود متکبر شود و اگر از خواندن نامم گردد از خدا غافل شود

ونفس فرعون شیطانست نفس شرم و غیبت بسیار می خورد و بار بر می نهاد دو منزل
دعلی است نکشش خوش بینه و طعمش تلخ است یا احمد دنیا و اهل دنیا دشمن
و اخرت و اهل اخرت را دوست دار گفت خدایا ایشان کیستند فرمود اهل دنیا
کسی که غضب و خوردن و خنده و خفتنش بسیار باشد و بقسمت خود راضی
نشود و چون با کسی بدی کند عذر خواهی نکند و چون از و عذر خواهند قبول
نکند در طاعت کاهل و ناتوان و در معصیت دلیر و توانا املش طویل و
اجلش قریب محاسبه نفس خود نکند و نترسد که چه می کند قلیل العلم کثیر الکلام
بر عاقبت خود نترسد و از حال خود نزدیک نشد و در نعمت شکور نبود و در بلا
صبور و خود را بنا کرده ستایند و کمالی که ندارند دعوی کنند و عیوب
ناس گویند یا احمد عیب اهل دنیا بسیار است اهل جهل و حماقت و صاحب تکبر
و ضلالت پیش مردم عقلا و در پیش عارفین جهلا یا احمد اهل اخرت
رویشان تنگ و حیاشان بسیار حمق و مکرشان قلیل و نفع و خیرشان
کثیر مردم از ایشان در راحت و ایشان از خود در تعب کلامشان سنجیده
عقل و همیشه در محاسبه نفس چشمشان در خواب و دلشان بیدار چشمشان
کریان و دلشان بذکر خدا در کار وقتی که مردم از غافلان نویسند ایشان را
از ذاکران نویسند در اول نعمت حمد شود و در اخر شکر بیشه دعاشان و در
پیش خدا مرفوع و کلامشان محبوب و مسموع و ملایکه با ایشان خوشنود و مانع
دکر خدا از ایشان مفقود علما دلیلا ظلمت پیروی و جهال را بر حمت هدایت
کنند نماینده موت هر کسی یک مرتبه باشد و ایشان از شدت مجاهده نفس

ومخالفت

و مخالفت هوس روزی هفتاد مرتبه بمیرند از ضعف و ناتوانی ظاهر باشد و ناله زنند
و در وقت عبادت چون ستون محکم بایستند دلشان خالی از هر شغلی غیر خدا
بعزت و جلال خودم که چون روحش از بدن مفارقت بزندگی خوشی زنده اش
کردانم و ملک الموت را بر وی مسلط نکنم بلکه خود متولی قبض روحش شوم و درهای
اسمان را برای روحش بکشایم و حجابها را از پیش خود و او بر دارم و بهشت را
امر فرمایم تا زینت کنند و حور العین را تا مهیای تمام شان شوند و ملایکه را
تا بر ایشان صلوة فرستند و درختان اثمار ایارایند و میوه ها را فاخود را بیاویزند
و بادی از بادهای زیر عرش را فرمایم که کوههای مشک و کافور برای او
الی اتش مجمر کنند و در میان من و آن روح هیچ پرده و مانعی نباشد و از روی
ملاطفت و اکرام و رحمت و رضوان به پیش خود خوانم ای کاش می دیدی که ملایکه
چون دست بدست میکردانند یا احمد اهل اخرت را طعام کوارا نباشد تا خدای
تعالی خود را شناختند و از مصیبت محزون نشوند تا بنا راه نخود را
دانسته اند و همیشه بر کناهان خود کریان باشند و از عبادت فرصت استراحت
نباشد و ایشان از دنیا راحتی نبود و چون بمیرند در راحت هستند مونس
ایشان اشک چشمشانست که در شبها بر روی ایشان روان شود و هم نشینان
ملایکه باشند و هم زبانشان خدای بزرگوار دلشان در سینه از غایت حزن
و الم مجروح همیشه مشتاق اخرت یا احمد صدای لذا هدان در پیش من
چه رتبه دارد نگفته فرمود روز قیامت که خلایق همه کرفتار حساب باشند
ایشان از ان ایمن باشند و کمترین عطیه که با ایشان عطا کنم اینست که کلیدهای

بهشت عمر را با ایشان دهم تا از هر در که خواهند درون روند و ایشان را در مقام خوشی در پیش
خود بنشانم و انواع لذت از مکالمهٔ خود با ایشان کنم و چهار در بر ایشان بگشایم یکی
آنکه هدیه و کرامات و عطایا از پیش من بر ایشان داخل شود و یکی آنکه هر وقت
خواهند بی مشقت و نعمت تماشای من کنند و یکی آنکه تماشای مخالفین ظالمین کنند
در جهنم که چون بانواع عذاب معذب اند و یکی آنکه حور العین و خدام بر ایشان داخل
شوند گفت خدایا این زاهدان کیانند فرمود آنانکه دل خود بسته اند بخانه که از خدا
بجز غمگین شوند و فخر نکنند بزندگی که از سوزش محزون کردند و نه بمالی که از فقدش
مهموم باشند و نه باکسی آشنا بینند که بدل محبت ایشان را مانع شود از خدا و نه زیاده
قوتی دارند که از ایشان سوال کنند و نه بجامهٔ نازل و فاخر میل دارند یا احمد
روی زاهدان زرد است از تعب عبادت شب و روزه روز و زبانشان کند است
مگر در ذکر خدا دلهاشان در سینه از کثرت مخالفت آرزوها پاره پاره و بدنشان
از کثرت مجاهده زار و نزار و در کمال سعی در عبادت بی آرام و بیقرار لیکن نه
از شوق جنت و نه از خوف نار بلکه چون خدا را شناختند و اهل عبادت یافتند
بیقرار عبادت گشته اند گفت خدایا از امت من کسی را این مرتبه عطا فرموده فرمود
یا احمد این درجهٔ اولیا و صدیقین است از امت تو گفت خدایا زهاد کدام امت
بیشترند زهاد بنی اسرائیل در میان زهاد امت تو یک سیاهیست در گاوی
سفید حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود بعد از آن خدا را حمد و شکر بسیار
نمودم و ایشان را دعا کردم گفتم خدایا بر ایشان رحم کن و ایشان را و دین
ایشان را بایشان راضی گشته حفظ کن و ایشان را ایمانی عطا نمای که بعد از آن

شک نکنند و ورعی که بعد از آن بدنیا رغبت ننمایند و خوفی که بعد از آن غافل نشوند
و علمی که بعد از آن جهل نداشته باشند و عقلی که بعد از آن احمق نباشند و نزدیکی
که بعد از آن دوری نبینند و خشوعی که قساوت در عقب نباشد و تذکری که نسیان
در عقب نبود و عزتی که بعد از آن خواری نبینند و صبری که بعد از آن جزع نکنند
و حلمی که بعد از آن بیتاب نشوند و دلشان را مملو حیا گردان تا همیشه از تو حیا
کنند و ایشان را از آفات دنیا و آفات نفوس خود و وسوسهٔ شیطان بینا گردان
تا از فتنهٔ آن ایمن باشند بعد از آن فرمود یا احمد از ملازمت ورع غافل
مباش که اول و میان و آخر دین همه ورع است و ورع زینت مومن و عماد دین
ورع مثل کشتی است چنانکه از دریا بی کشتی نتوان گذشت همچنین زاهد بی ورع
از دنیا نتوان نجات یافت یا احمد بورع همه درهای توفیق بر بنده گشوده گردد
و بورع در پیش مردم مکرم و در پیش خدا عزیز و معظم یا احمد خموشی پیشه کن
که معمورترین دلها دل صالحان و خاموشان است و خرابترین دلها دل
بیهوده گویانست یا احمد عبادت ده جزو است نه جزو آن طلب حلال است اگر طعم
و مشرب خود را از حرام پاک کنی در حفظ و پناه من باشی گفت خدایا اول عبادت
چیست فرمود اول عبادت روزه و خاموشی است یا احمد میدانی نتیجهٔ روزه چیست
گفت نه فرمود کم خوری و کم گویی و نتیجهٔ خاموشی حکمت و نتیجهٔ حکمت معرفت
و نتیجهٔ معرفت یقین و چون بنده صاحب یقین شود پروا از سختی و سستی
دنیا نکند و چون چنین شود از من و کردهٔ من راضی باشد و چون برضای
من عمل کند سه صفت با و عطا فرمایم شکری که مخلوط بجهل نباشد و ذکری که مخلوط

بنیان نبود و محبتی که بر من غیر مرا اختیار نکند پس چون مرا دوست دارد من
او را دوست دارم و خلق را دوست او کردانم و چشم و دلش را بعظمت و جلال خود
کشایم و علم خواص خود را از وی پوشیده ندارم و در شب و روز بهر زبان وی هر راز و با غم
تا آنکه صحبت و مجالست نفس از غیر من قطع شود و کلام ملایکه خود با وی شنوانم و سر خود را
از خلق پنهان داشتم با وی شناسانم و لباس حیا در وی پوشانم تا خلق از وی حیا کند
و کناهانش را بیامرزم و دلش را خزینه اسرار خود کنم و پرده از احوال بهشت
و دوزخ و احوال روز قیامت برای او بردارم تا همه را مشاهده کند و قبرش را
منور کردانم و شدت موت و ظلمت قبر و لحد و هول قیامت نه بیند و نصب میزان
و نشر دیوان برایش نکنم بعد از آن کاهی محاسبه [illegible] و کاهی بر می خیزد تا آنکه از صراط
بکذارد و ملک الموت بنزد او نیاید الا باذن [illegible] سلوک کردانم و [illegible] و نعیم
بهشت را برای او مهیا کنم و عقلش را مستغرق معرفت خود کردانم و چون ملک الموت
بر او نازل شود کوید خوش باد ترا خدای عز و جل مشتاق تست ای دوست خدا درهای
آسمان که اعمال تو از آن بالا میرفت و محراب مصلای تو همه بر تو کریه می کنند و ملایکه
بر سر شاخهای [illegible] ایستاده باشند و هر یک جامی از شراب بهشت در دست چون روحش
از بدن بیرون آید از آن شراب باو دهند تا سکرات و تلخی موت زایل شود و
مژده اش دهند پس از دست ملایکه پرواز کند و به پیش خدا رود که از چشم
بر هم زدنی و میان او و خدا هیچ حجابی و مانعی نباشد پس در جانب راست
عرش نشیند پس خدای تعالی از و سؤال کند که دنیا را چون کذاشتی کوید بعزت
و جلال تو که از بس خوف از تو داشتم از دنیا خبر نداشتم پس خدای تعالی فرماید

داست می کویی اکرچه بدنت در دنیا بود اما روحت با من بود و من از ظاهر و
باطنت خبر دارم هر چه خواهی سؤال کن تا عطا نمایم در جوار من ساکن باش و در جنت
من بخرام پس آن روح کوید تو معرفت خود مرا عطا فرمودی که با آن از همه چیز
مستغنی شدم بعزت و جلال تو که اکر مرا بند بند جدا کردند یا هفتاد مرتبه می
کشتند بسختترین انحاء کشتن که رضای تو پیش من از همه چیز بهتر بود و من چون بخود
مغرور باشم که هر چه دارم از تو دارم اکر تو مرا اکرام نمی کردی ذلیل می بودم و اکر
تو نصرت نمی دادی مغلوب می بودم و اکر تو تقویت نمی نمودی ضعیف می بودم
و اکر تو مرا بذکر خود زنده نمی کردی میت می بودم و اکر تو مرا برحمت نمی پوشیدی
اول مرتبه که معصیت کردم رسوا می کشتم چون رضای تو نخواهم که عقل مرا تمام
کردی تا ترا شناختم و حق از باطل دانستم و امر از نهی و علم از جهل و نور از ظلمت
تمیز کردم پس خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که میان من و تو حجابی
نباشد تا هر وقت که خواهی پیش آیی و با دوستان خود چنین کنم یا احمد میدانی
کدام زندکی کوارا تر و کدام حیوة باقی تر است کفت خدایا نمی دانم فرمود اما
زندکی کوارا آنست که صاحبش از ذکر من مانده نشود و نعمت مرا فراموش
نکند و از حق من غافل نکردد و حق مرا بشناسد و شب و روز طالب رضای من
باشد و اما حیوة باقی آنست که طاعت من کند تا دنیا در نظرش ذلیل شود
و آخرت کردد و خواهش مرا بر خواهش خود اختیار کند و پیروی رضای من
نماید و مرا چنانکه حق تعظیم من است تعظیم کند و بیاد آنکه من از و غافل
نیستم و شب و روز مرا در نظر داشته باشد تا از معصیت من کریزان باشد

ودلش را از صفات ذمیمه وخیالهای باطل پاک کند تا شیطان در دلش راه
نیابد وشیطان را دشمن دارد واطاعتش نکند وچون باین طریقه عمل نماید
دلش را از محبت خود لبریز کرده ام تا هیچ چیز را بر من اختیار نکند وهر چه کند
وگوید برای من کند وچشم وگوش دلش را بگشایم تا بچشم دل جلال وعظمت
مرا ببیند وبگوش دل اسرار از من شنود ودنیا را بر او تنگ کرده ام ولذت
دنیا را از دلش بیرون کنم واز دنیا وما فیها او را بترسانم چنانکه شبان
گله را از مهلکها ومواضع که در آن بترسانم وچون چنین شود از مردم گریزان
گردد واز دنیای فانی که خانه شیطانست دل بردارد ومشتاق آخرت که
خانه رحمانست شود وبعظمت وهیبت او را زینت کنم اینست زندگی گوارا
وحیوة باقی یا احمد کسی که عقل ندارد غنی نیست وکسی که جهل ندارد فقیر
نیست یا احمد میدانی بچه چیز ترا افضل از سایر انبیا کردم گفت نمیدانم فرمود
بیقین وحسن خلق وسخاوت ورحم بر خلق وهم چنین مومنانی که
بایشان محکم است این صفات این رتبه را یافته اند یا احمد فعل وقولت را
برای من کن ودینت را استوار محکم گردان تا هرگز از من غافل نشوی که هر کس
از من غافل شود از وی پروا نکنم هر جا که هلاک شود یا احمد عقل را پیش
از آنکه از دست برود کار فرمای که هر کس عقلش را کار فرماید خطا نکند و
بعلمی که ترا عطا کرده ام عمل نمای که علم اولین وآخرین برای تو جمع شود وچون
چنین کنی آنقدر معرفت در دلت اندازم که هیچ کس وصف آن نتواند وبآن
راه چنین ترا هدایت کنم ومزه عبادت دهم وعبادت را در چشم ودلت

شیرین

شیرین کرده ام تا هیچ چیز را از آن دوستر نداری یا احمد اگر خواهی حلاوت
ایمان دریابی گرسنگی را پیشه خود وخموشی را شیوه زبان وخوف را ملازم
دل گردان اگر چنین کنی نجات یابی واگر نه هلاک شوی یا احمد بعزت و
جلال خودم که اول عبادت عابدین وتوبه ایشان وتقرب ایشان بمن بسبب
مکرر روزه وگرسنگی وخموشی وتنهایی از اهل دنیا واول معصیت بسیاری
وبیفایده گویی واختلاط اهل دنیا یا احمد چون بنده گرسنگی وخموشی
پیشه کند حکمت او را عطا کنم اگر چه کافر باشد اما اگر کافر باشد آن حکمت برو
حجت باشد ووبال شود واگر مومن باشد نور وبرهان وشفا ورحمت شود
پس آنچه نمیدانست بداند وآنچه نمیدید ببیند واول آنچه ببیند عیوب خودش
باشد تا بآن مشغول شود واز عیب مردم فارغ گردد ودر دقایق علم
وحیلتهای شیطان وحیلتهای نفس خودش بینا کنم تا نفس وشیطان بر او
راهی نباشد یا احمد هیچ عبادت پیش من بهتر از گرسنگی وخموشی نیست پس کسی
که روزه گیرد وزبان از بیهوده نگاه ندارد مثل کسی است که نماز ایستد وقرائت
نکند یا احمد میدانی بنده چه وقت عابد باشد گفت نمیدانم فرمود وقتی که هفت
صفت در او باشد ورعی که او را از حرام باز دارد وخموشی که از کلام بیفایده
باز دارد وخوفی که روز بروز گریه اش زیاد شود وحیایی که در خلوت از من
حیا کند وکم خوری که بقدر ضرورت خورد ودنیا را دشمن دارد که آنرا
دشمن دارم وخوبان را دوست دارد که من ایشان را دوست دارم یا احمد
همه کسی که گوید من خدا را دوست دارم مرا دوست دارد تا آنکه از دنیا بقوتی

وجامهٔ سهل راضی شود و عمر خود را در عبادت من گذارند و خوشی را پیشه
کند و توکل بر من کند و گریه بسیار و خنده کم کند و مخالفت هوا و هوس کند
و مسجد خانه‌اش و علم مصاحبش و زهد هم‌نشین و علما دوستانش و فقرا
رفقایش باشند و طالب رضای من باشد و از غضب من بگریزد و از اهل
دنیا و از معاصی گریزان باشد و خود را مشغول و ذکر و تسبیح من دارد
و در وعده صادق و به عهد وفا کند و دلش از صفتها و ارادها و فکرهای
باطل پاک باشد و نمازش از شرک و ریا و قصور پاک باشد و در فرایض
سعی تمام کند و راغب ثوابها و ترسان از عذاب من باشد و رفیق و هم‌نشین
دوستان من باشد یا احمد اگر بنده مثل تمام اهل آسمان و زمین روزه
گیرد و مثل ایشان نماز کند و مثل ملایکه یکباره دست از طعام بکشد و
مثل عابدین لباسهای درشت ذلیل بپوشد و با این همه در دلش قدر ذره حب
دنیا یا حب ریاست یا نام یا آوازه یا زینت دنیا باشد در جوار من راه
نیابد و محبت خود را از دلش بردارم و دلش را تاریک کنم تا مرا فراموش
کند و حلاوت محبت خود او را بچشانم و بر تو باد رحمت و سلام من و ایضا
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که خدای تعالی فرموده ای آدمی‌زاد
تو انصاف نمی‌دهی و شرم نمی‌داری همیشه من با تو نعمت و رحمت و شفقت
دوستی و مهربانی می‌کنم و تو با من به گناه و معاصی مخالفت و دشمنی می‌کنی
همیشه خیر و رحمت من بر تو نازل میشود و شر و مخالفت تو پیش من می‌آید همیشه
و روز فرشتهٔ کریم از تو عملی قبیح نزد من می‌آورد اگر تو وصف خود از کسی بشنوی

وندای

وندانی که او می‌گوید هر آینه دشمن خود شوی مرا در وقت غضب یاد کن تا من ترا
در وقت غضب یاد کنم و هم از آن حضرت صلی الله علیه و آله مرویست که منادی
از پیش عرش ندا کند که ای بنی آدم خدای تعالی شما را سلام می‌رساند و می‌گوید
من شما را مشتاق خود میکنم و شما مشتاق من نمی‌شوید و شما را از خود می‌ترسانم
و نمی‌ترسید شبها را بخواب و روزها را بغفلت می‌گذرانید پس این راه دور
و دراز که طی میکنید و هم از آن حضرت صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین
علیه السلام فرمود یا علی ترا وصیتی چند می‌کنم ما دام که آن را محافظت کنی همیشه
در خیر باشی یا علی بهترین چیزها دانستی که چون صبح برخیزی ظلم کسی در خاطر
نداشته باشی هر کس مردم از زبانش بترسند از اهل دوزخ باشد بدترین
مردم کسی است که آخرت را بدنیا بفروشد و بدتر از او کسی که آخرت خود را
بدنیای غیر بفروشد یا علی هر که قبول عذر نکند خواه راست و خواه دروغ
شفاعت من نرسد یا علی بهشت حرام است بر فحاش هرزه‌گو که از هر چه گوید
و با او گویند پروا نکند یا علی مزاح بسیار مکن که قیمتت برود و دروغ مگوی
که نورت برود و دو خصلت را ملال و کاهلی بخود راه مده که چون ملال یابی صبر بر حق
نکنی و چون کاهل شوی ادای حق نتوانی یا علی هر گناه را توبه هست مگر بد
خلق را که صاحب خلق بد از هر گناه که بتوبه بیرون آید در گناه دیگر افتد
توبهٔ آن ترک آنست یا علی خدای تعالی بهشت را از خشتی طلا و خشتی
نقره آفریده دیوارش را از یاقوت و سقفش را از زبرجد و ریگش را از لولو
و خاکش را از زعفران و مشک اذفر گردانیده بعد از آن فرمود تکلم کن گفت

لا اله الا الله الحق المبین سعادت یافت هر کس که داخل من شد فرمود
بعزت و جلال من که داخل تو نشود شرابخوار و سخن چین و دیوث و
ظالم و مخنث و نباش و عشار و قاطع رحم یا علی چند کس از این امت کافر شدند
بخدا سخن چین و کسی که جستجوی اسرار مردم کند و دیوث و کسی که زنی را که
با زنی محرم را یا حلیلهٔ ابی را نکاح کند و کسی که [illegible]
در فتنه سعی و کسی که سلاح جنگ با اهل حرب مسلمین فروشد و مانع زکوة و مستطیع
که حج نکرده بمیرد یا علی چهار از مکارم اخلاق است در دنیا و آخرت عفو کردن
از کسی که بر تو ظلم کند و صله کردن با کسی که از تو قطع کند و حلم ورزیدن از کسی
که با تو نا خوشی کند یا علی نماز چند کس مقبول نشود بنده که از صاحبش گریزد و زن
که شوهر از او برنجاند و از او دوری کند و مانع زکوة یا علی هر کس هفت صفت داشته
باشد حقیقت ایمان بر او تمام بود و درهای بهشت بر او گشوده شود وضو را
تمام سازد و نماز را در وقت با حقوق خود گذارد و زکوة مال دهد و غضب
خود را حفظ کند و زبان نگاه دارد و از گناهان استغفار کند و خیر خواهی
اهل بیت طاهرین علیهم السلام کند یا علی مجالست سه طایفه دل را بمیراند اغنیا و
زنان یا علی چهار از حقیقت ایمان است صدقه در وقت پریشانی و انصاف
بحق و بذل علم بمتعلم یا علی سه چیز است که هر کس نداشته باشد عملش تمام نشود
ورعی که از معاصی نگاهش دارد و خلقی که با مردم مدارا کند و حلمی که جهل
جاهلان را بگذراند یا علی دو میل راه برو برای والدین و یک میل برای صلهٔ
رحم و یک میل بعیادت مریض و دو میل به تشییع جنازه و سه میل باجابت

دعوت

دعوت و چهار میل بزیارت مؤمن و پنج میل بمدد درمانده و شش
میل باعانت مظلوم و دعا و استغفار را تقصیر مکن یا علی چون کسی بمیرد مردم
گویند چه گذاشت و ملائکه گویند چه آورد یا علی سه چیز موروث قساوت است
شنیدن غنا و صید کردن بلهو و بدر خانهٔ سلاطین رفتن یا علی هر کس خلقش
نیکوتر و حلمش زیادتر و نیکیش با قرابتش بهتر و انصافش بیشتر از همه کس بمن شبیه‌تر
و از آن حضرت صلی الله علیه و آله با بوذر رحمه الله فرمود یا اباذر وصیت
مرا محافظت نمای تا در دنیا و آخرت نجات یابی خدا را چنان عبادت کن
که گویا او را می‌بینی اگر تو او را نمی‌بینی او ترا می‌بیند یا اباذر اهل بیت من مثل
کشتی نوح‌اند هر که پناه بایشان برد نجات یابد و هر کس از ایشان
باز ماند هلاک شود یا اباذر پنج چیز پیش از پنج چیز غنیمت دان جوانی را
پیش از پیری و صحت را پیش از بیماری و غنی پیش از فقر و فرصت پیش از
بیفرصتی و زندگی پیش از مرگ یا اباذر چون کار خیر بخاطرت رسد
تاخیر مکن که نمیدانی بعد از این چه شود اگر بعد از این بمانی کار دیگر
توان کرد و اگر فنا از این کار محروم نباشی بسا کسی که روز را بشب رساند
و بفردا نرساند یا اباذر خود را در دنیا غریب شمار یا مثل مسافر انگار
و از جملهٔ مردگان بپندار چون صبح بر خیزی در فکر شام مباش و چون
بشام برسی خیال صباح مدار یا اباذر عمر را غنیمت شمار و بعمر بخیل‌تر از
درم و دینار باش یا اباذر حقوق خدا بیش از آن است که توان دانست و
نعمتهای او بیش از آنکه توان شمرد غیر از این چاره نیست که صبح و شام در
استغفار

قحبه باشی یا اباذر مؤمن از خطیئه گریزان تر باشد که صید از دام یا اباذر آدمی
گناه کند و باین سبب از روزی خود محروم شود یا اباذر کاری که نفعی ندارد
مکن و حرفی که فایده ندارد مگوی و زبانت را بیش از آن حفظ کن که مال را حفظ
میکنی یا اباذر جمعی در بهشت نگاه کنند جمعی را در درجات بالا از خود
بگویند خدایا ما و ایشان در دنیا با هم میبودیم چرا ایشان را بر ما تفضیل
فرمودی فرماید جهت آنکه ایشان گرسنه و تشنه میبودند و شما سیر و سیراب
میبودید ایشان عبادت میکردند و شما میخوابیدید ایشان مشقت
میکشیدند و شما راحت میکردید یا اباذر چشم من بینا از روشنست چنانکه
چشم گرسنه و تشنه بطعام و آب گرسنه از طعام و آب سیر شوند و من از زنان
سیر نشوم یا اباذر خوشا جمعی که روز قیامت علمها شاهی افراشته بر بهشت
سبقت کنند ایشانند که در سحرها و غیر آن بمساجد سبقت کنند یا اباذر
دنیا زندان مؤمن و بهشت کافرست مؤمن در دنیا نباشد مگر محزون
و چون محزون نباشد که هرگز از بلا فارغ نیست و چون از دنیا برود
براحت رسد یا اباذر هیچ عبادتی مثل آن نیست که همیشه محزون باشی اگر توانی
گریه کن و اگر نتوانی دلرا غمگین دار و خود را بگریه دار که دل سخت از خدا
دورست یا اباذر هرکه حسنه کند و گریه بلند کرده از معصیت ایمن نبود موجب
غضب خدا شود یا اباذر دانا کسی است که خود را بر مشقت دارد و کار آخرت کند
و نادان کسی که پیرو هوای نفس باشد و خود را بآرزوها فریب دهد یا اباذر دنیا
و هرچه در دنیاست ملعونست مگر آنچه برای خدا باشد یا اباذر خدای تعالی با هرکس

اراده

اراده خیر دارد او را در دین دانا و در دنیا زاهد گرداند و بعیوب نفس خود
بینا کند یا اباذر چون کسی را بینی که ترک دنیا کرده سخن او بشنو که دلش از حکمت
پرست یا اباذر من دعا کردم که خدا رزق من و دوستان من بقدر کفاف
کند و اعدای ما را مال بسیار دهد یا اباذر از خدا بپرهیز و بمردم منما که از
خدا میترسی و دلت را خبر نباشد یا اباذر هرچه میکنی حتی خوردن و خوابیدن
نیت رضای خدا کن تا از آن ثواب یابی یا اباذر بهشتی میخواهی آرزوی دنیا
از دل بیرون کن و همیشه منتظر مرگ باش و از خدا حیا کن گفتم ما همه از خدا حیا
میکنیم فرمود حیا این نیست و مقابر و مرگ را فراموش نکنی و در خوردن و پوشیدن
از حلال و حرام بپرهیزی و اگر باشی هرکه کرامت آخرت خواهد ترک زینت دنیا کند چون
چنین باشی از اهل دوستی خدا باشی یا اباذر اگر یکی از زنان بهشت در شبی تاریک
نگاه بر زمین کند از نور طلعت او تمام روی زمین روشن تر از ماه شود و بوی
بدن تمام اهل زمین بوی عطر او بشنوند و اگر جامه از جامههای بهشت را در دنیا
بگشایند هیچ کس تاب دیدنش نیارد و همه بیهوش شوند یا اباذر جوانی که برای خدا
ترک لذات و شهوات دنیا کند و جوانی را در طاعت به پیری رساند اجر هفتاد
و صدیق داشته باشد یا اباذر کسی که چون اذان نماز شنود اجابت کند و
مساجد را خوب عمارت کند ثوابش بهشت باشد گفتم عمارت مسجد کدامست
فرمود آنکه در مسجد آواز بلند نکنی و مشغول لغو باطل و بیع و شری نشوی و اگر
چنین کنی در قیامت حسرت و ندامت کشی یا اباذر تا در مسجد باشی ملائکه بر تو صلوات
فرستند و هر نفسی که کسی در مسجد بلند کند ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند یا اباذر

کسی متقی نباشد تا در اکل و شرب و لباس تمیز حلال و حرام نکند و تا محاسبه نفس خود
نکند مثل کسی که با کمال دقت محاسبه شریک خود با او کند یا اباذر خدای تعالی فرمود
بعزت و جلال خود که هیچ بنده رضای مرا بر رضای خود اختیار نکند مگر آنکه نفس را
غنی گردانم و قصد و فکرش را صرف آخرت کنم و آسمان و زمین را ضامن رزقش گردانم
و من تجارت هر تاجر باشم یا اباذر اگر آدمی از رزق خود بگریزد چنانکه از مرگ
می گریزد رزقش باو برسد چنانکه مرگ باو میرسد یا اباذر خدای تعالی نظر بمال
و جمال نکند بلکه نظر بدل و اعمال کند یا اباذر کسی که فرج و زبان حفظ کند داخل
بهشت شود گفتم یا رسول الله ما را بحرفی که گوییم مؤاخذه کنند فرمود مگر مردم را برو در دوزخ
اندازند مگر حاصل زبان یا اباذر کسی که بقصد خواهد مردم پیش او بر پا بایستند
جای خود را در آتش مهیا داند یا اباذر کسی که بقدر ذره کبر در دلش باشد بوی
بهشت نشنود تا توبه کند یا اباذر کسی که قادر باشد اما برای تواضع خدا رخت زینت
دنیا نکند و خود را در پیش خدا ذلیل و حقیر گرداند و مال خود را در غیر معصیت
صرف کند و بر فقرا و مساکین رحم نماید و با اهل علم و دانش مخالطت کند بهترین
امت من باشد خوشا کسی که ظاهر و باطنش خوب باشد و شر خود از مردم باز دارد
و بعلم خود عمل نماید و هرچه زیاد در معونت عیال باشد در طاعت صرف
کند و حرف بیفایده نگوید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویست
که فرمود عجب دارم از کسی که بندگان را بزر میخرد تا آزاد کند چرا آزادان را باحسان
نمی خرد که بنده کند و عجب دارم از کسی که امید رحمت از بالاتر از خود دارد و چون بر پایین
تر از خود رحم نکند و عجب دارم از کسی که از ترس مرض از طعام پرهیز کند چون از ترس عذاب

از گناه

از گناه پرهیز نکند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بجمعی از شیعیان فرمود
ای معاشر شیعه زینت ما باشید و ننگ ما مباشید با مردم خوب سلوک کنید
و زبان خود نگاه دارید و از فضول کلام و قبایح افعال احتراز نمایید هم
آن حضرت علیه السلام بعبدالله بن جندب که از اصحاب آن حضرت بود فرمود یا عبدالله
ابلیس دامهای خود را برای اولیا در زمین دار غرور گسترده و حال آنکه آخرت
در نظر ایشان چنان جلوه کرده که هیچ چیز را بر آن اختیار نکنند بعد از آن
فرموده آه آه بر دلهای که از نور الهی لبریز شده و دنیا در نظرشان مثل مار ار
رقم و عدوی اعظم مینماید بخدا انس گرفته و از اهل دنیا وحشت کرده اولیای
منند بحق و بخدا با ایشان رفع هر آفت و بلا از اهل دنیا نمایم یا ابن جندب
بر هر کس ما را شناخته واجبست که هر روز و هر شب محاسبه نفس خود کند اگر حسنه
کرده باشد خدا را شکر کند و طلب زیادتی نماید و اگر سیئه کرده باشد استغفار
کند و در صدد تلافی باشد تا روز قیامت ذلیل نباشد خوشا بنده که چشم بنعمت
اهل دنیا و زینت ظاهر ایشان نداشته بر آن رشک نبرد و خوشا بنده که مشغول
طلب آخرت باشد و بآرزوهای باطل دنیا از راه نرود یا ابن جندب اگر شیعیان
ما براه راست ایستند و اطاعت ما کنند ملایکه با ایشان مصافحه کنند و هیچ چیز از خدا
طلب نکنند مگر که عطا فرماید یا ابن جندب برای گناهکاران شیعه بدی مگویید
و بخدا برای توفیق و توبه ایشان تضرع و استغاثه کنید که هر کس تولا بما
کند و از اعدای ما تبرا نماید و اگر چیزی داند بگوید و آنچه نداند یا بر او مشکل
باشد ساکت شود از اهل جنت باشد یا ابن جندب تکیه بر عمل مکنید که هلاک

شوید و اعماد برحمت نمود چرا ت هر گناه مکیند که نجات نیابید گفتم پس
که نجات باید فرمود کسی که دلش در میان خوف و رجا مضطرب باشد رجای ثواب
و خوف عقاب مثل کبوتر در چنگال باز و عقاب یا ابن جندب هر کس خواهد
که خدای تعالی با حور قرین و محشورش کند و تاج نور بر سرش نهد داخل سرور مؤمنان
نماید یا ابن جندب شب خواب کم کن و روز حرف کم گوی که هیچ عضو شکرش کمتر از
چشم و زبان نیست مادر سلیمان بن داود بسلیمان گفت ای فرزند خواب کم
کن که هر کس خواب بسیار کند محتاج بعمل خود باشد یا ابن جندب شیطان دامهاست
مردم را بآن فریب دهد و گمراه کند از آنها پرهیز کنید و خود را در دام میندازید گفت
یا ابن رسول الله آن کدام است فرمود یکی آنکه منع بر و احسان بمؤمنان کند
دیگر آنکه از صلوات و فرایض غافل گرداند هیچ عبادتی مثل نقل اقدام باحسان
و بر اخوان و زیارت ایشان نیست وای بر جمعی که نمازها را فراموش کنند و در شان
آن مساهله نمایند تا از اوقات خود بگذرد و حدود و ارکانش ضایع شود و مکرر
با آیات و احکام خدا استهزا می کنند و از مواعظ و نصایح او بیرواند و فراموشانند
که خدا در قرآن فرموده که در آخرت ایشان را نصیبی نباشد و با ایشان سخن نگوییم
و از نجاسات پاک نگردانیم و بعذاب الیم معذب گردانیم یا ابن جندب هر کس با مؤمن
غش ورزد و تحقیرش کند و با او عداوت نماید ما و ایشان جهنم باشد و هر کس مؤمن
حسد برد ایمان در دلش چون نمک در آب بگذارد یا ابن جندب هر کس برای
حاجت مؤمن سعی کند چنان است که سعی میان صفا و مروه کرده باشد و هر کس
قضای حاجت مؤمن کند چنان چنان است که در بدر و احد در خون خود

غلطیده

غلطیده باشد خدای تعالی هیچ امتی را عذاب نکرده مگر وقتی که بحقوق فقرا استهانت
کرده اند یا ابن جندب شیعیان ما بترسان و بگوی که خیالهای باطل مکنید والله
که بولایت ما دست رس نباشد مگر بورع و عبادت و مواسات اخوان مؤمنان
و شیعه ما نیست کسی که بر مردم ظلم کند یا ابن جندب شیعیان ما را بچند صفت توان
شناخت سخا و بذل با اخوان و فرایض و نوافل شبانه روز و شیعیان
ما مثل سگ زاری نکنند و مثل کلاغ طامع نباشند و با عدای ما تملق و
از ایشان سؤال نکنند اگر چه از گرسنگی بمیرند و محافظت وقت زوال کنند
و هرگز مسکر نیاشامند گفت ایشان را کجا جویم فرمود در گوشها و کنارها چون
داخل شهر شوی بی نام و نشان و از مردم کناره کرده مردم از او کناره کرده
که بایشان مؤمن باشد یا ابن جندب هر گناه آمرزیده شود مگر عقوق اهل ولایت
ما و هر نیکی مقبول شود مگر آنکه بر سبیل ریا است و سروری کنند یا ابن جندب
اگر خواهی در فردوس همسایه ابراهیم خلیل باشی باید مصیبات دنیا را بر خود
آسان کنی و همیشه مرگ را در نظر داری و آنقدر بر دنیا بی اعتماد باشی که
برای فردا ذخیره نکنی و بدانکه از مال دنیا هر چه قسمت مال تو باشد و هر چه
بگذاری برای حسرت بری یا ابن جندب هر کس خود را از مال خود محروم کند
برای دیگران جمع کرده باشد و هر کس پیروی هوا کند اطاعت دشمن خود کرده
باشد و هر کس اعتماد بر خدا کند دنیا و آخرتش بسامان باشد در نعمت شکور
و در مشقت صبور باش نعمت را موجب غفلت و بلیه را موجب جزع نشوی آنقدر
امید رحمت داری که بسبب اعتماد بر آن معصیت نکنی و آنقدر نیز خوف از عقاب

دار که از رحمت نومید نشوی در تنت و نا خوش مباش که مردم از تو دوری
کنند و حقیر و دنی مباش که ذلیل و خفیف شوی و با بیش از خود سبکی و خصومت
و با کم از خود سخریه و استهزا مکن و با مردم در کارها منازعه منما و مطیع سفها
مباش و خود را در پیش هر کس خفیف مگردان و کارها تامل کن و خیر و شر را
تمیز نما تا در آن در نمانی و پشیمان نشوی طبیب نفس خود باش و خیر و شر خود
بشناس اگر بکسی احسان کنی بکثرت فکر و منت باطل مگردان بلکه تو از آن یاد
مکن و خوشی پیشه کن که اگر عالمی زینت باشد و اگر جاهلی پرده عیب یا ابن
جندب عیسی بن مریم با اصحاب خود گفت اگر شما یکی یکی را ببینید که جامه
از بعضی عورتش گشوده آیا همه را میپوشید فرمودند همه را بگشائید یا گشوده را
بپوشید گفتند همه را می پوشیم فرمود همه را بگشائید عیوب یکدیگر را می بینید
و نمی پوشید تا ترک شهوات نکنند آنچه می خواهید نمائید و فاصبرین مکان
شما رسید بآنچه می خواهید نرسید چشم از مردم و زینت ایشان بپوشید که حاصل
این حسرت و عاقبتش ندامت است مثل مالکان نظر بعیوب مردم میکنید
بلکه مثل بندگان مشغول عیوب خود باشید مردم دو قسمند مبتلی و
معافی بر مبتلی رحم کنید و بر عافیت شکر نمائید یا ابن جندب چون تصدق
کنی علانیه مده که مردم ترا مدح کنند که اگر چنین کنی باجر خود رسیده
باشی بلکه با دست راست دهی باید دست چپ تو خبر نباشد یا ابن
جندب خیر و شر همه در پیش تست تمام خیر در بهشت است و تمام شر
در دوزخ که هر دو باقی است یا ابن جندب خدای تعالی در بعضی

وحیها

وحیها فرموده که نماز کسی را قبول کنم که در پیش عظمت من تواضع کند
و خود را برای من از شهوات باز دارد و روز خود را بیاد من گذراند
و بر خلق من تکبر نکند و گرسنه را سیر کند و برهنه را بپوشاند و بر مصیبت
رسیده رحم و غریب را بنوازد و کسی که چنین باشد نورش مثل آفتاب تابان
باشد در ظلمت نورش دهم و در جهالت عقلش دهم عطا کنم بلا بگذارم آتش
بسپارم و بعزت خود محافظتش کنم چون مرا بطلبد لبیک گویم و چون
سؤال کند عطا نمایم و چنین بنده در پیش من مثل فردوس است که میوه اش
از آفات مصون و از تغیر محفوظ است یا ابن جندب روز قیامت
میان اولیا و اعدای ما دیواری نصب کنند محفوف بمجرمین و زبرجد
و مزین بدیبا و سندس چون از طول موقف و حرارت قیامت
مغز دماغها بجوش آید و دلها بسر آید و جگرها پخته شود اولیا
داخل این حصار گردند و در امن و امان باشند و هر چه آرزو
کنند برای ایشان مهیا باشد و اعدا بعقوبت عظیم و عذاب الیم
گرفتار باشند و از روی حسرت گویند کجایند آنانکه ما ایشان را گمراه
می دانستیم و اولیا بر ایشان نگرند و بر حال ایشان خنده کنند و هر کس
یکی از اولیای ما را بکلمه اعانت کند در آن روز بی حساب رود

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب یوم الاحد وقت العصر من
شهر ذی الحجة الحرام سنه الف و مائة و خمس من الهجرة
النبویة الف الف و الثناء سنه ۱۱۰۵

الحمد لله على كل حال و نعوذ بالله ... الله الله الله اعلم بالصواب